

مجله احکام عدلیه



استامبول

اشبو مجله عدلیه ناظری و مجله جمعیت جلیله سی ریسی
دولتو اجد جودت پاشا حضر تلرینک ترتیب و تفسیق
ومعارف نظارت جلیله سی رخصت رسمیه سیله بو دفعه
(مطبعه عثمانیه ده) طبع اولمشدر .

سند

۱۳۰۰

۲	مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتی
	(مقدمه ایکی مقاله یی حاویدر)
۲۰	مقالهء اولی . علم فقهك تعریف و تقسیمی
۲۲	» ثانی . قواعد فقهیه بیاننده در
	(کتاب البیوع بر مقدمه ایله یدی بایدر)
۳۹	مقدمه . بیوعه متعلق اصطلاحات فقهیه
۵۰	باب اول . عقد بیعه متعلق مسائل بش فصلدر
۵۰	فصل اول . رکن بیع حقنده در
۵۳	» ثانی . قبولك ایجابیه . موافق اولمسند لزومی
۵۶	» ثالث . مجلس بیع حقنده در
۵۸	» رابع . شرطله بیع حقنده در
۵۹	» خامس . اقاله بیع حقنده در
۶۱	باب ثانی . مبیعه متعلق مسائل بیاننده درت فصلدر
۶۱	فصل اول . مبیعك شروط و اوصافی حقنده
۶۲	» ثانی . بیعی جائز اولوب اولمیان شیر حقنده
۶۵	» ثالث . مبیعك کیفیت بیعنه متعلق مواد بیاننده
۷۲	» رابع . صراحة ذکرا اولقسزین بیعه داخل اولوب اولمیان شیر بیاننده
۷۵	باب ثالث . ثمنه متعلق مسائل بیاننده ایکی فصلدر

۷۵	فصل اول	• ثمنك او صاف و احوالنه مترتب مواد
۷۷	» ثانی	• وعده ایله صااتش حقنده اولان مواد
۷۹	باب رابع	• بعد العقد ثمن و ممتدده تصرفه
متعلق مسائل بیانده اولوب ایکی		
فصلدر		
۷۹	فصل اول	• بعد العقد و قبل القبض بايعك ثمنده
و مشترينك مبيعهده حق		
تصرفلری		
۷۹	فصل ثانی	• ثمن و مبيعك تزید و تنزیلی بیانده
۸۳	باب خامس	• تسلیم و تسلمه متعلق مسائل التي فصلدر
۸۳	فصل اول	• تسلیم و تسلمك حقیقت و کیفیتي بیانده
۸۷	» ثانی	• مبيعك حق حبسده دائر مواد
۸۸	» ثالث	• مكان تسلیم حقنده
۸۹	» رابع	• تسلیمك مؤتی و لوازم تمامیتی بیانده
۹۰	» خامس	• هلاك مبيعهده مترتب اولان مواد
۹۱	» سادس	• سوم شرا و سوم نظر حقنده
۹۳	باب سادس	• خیارات بیانده اولوبیدی فصلدر
۹۳	فصل اول	• خیيار شرط حقندهدر
۹۵	» ثانی	• خیيار وصف »
۹۶	» ثالث	• خیيار نقد »
۹۷	» رابع	• خیيار تعیین »

- ۹۸ « خامس • خيار رؤيت »
 ۱۰۲ « سادس • خيار عيب »
 ۱۰۹ « سابع • غبن وتغيرير »
 ۱۱۱ باب سابع • مبيعك انواع واحكامي بيانده التي
 فصلدر

- ۱۱۱ فصل اول • بيعك انواعي
 ۱۱۲ « ثاني • انواع بيوعك احكامي
 ۱۱۵ « ثالث • سلم حقنده در
 ۱۱۶ « رابع • استصناع بيانده در
 ۱۱۸ « خامس • بيع مريضك احكامي
 ۱۲۰ « سادس • بيع الوفا حقنده در

(كتاب الاجارات بر مقدمه ايله سكر بادر)

- ۱۲۴ مقدمه • اجاره يه متعلق اصطلاحات فقهيه
 ۱۲۷ باب اول • ضوابط عموميه بيانده در
 ۱۳۲ « ثاني • عقد اجاره يه متعلق درت فصلدر
 ۱۳۲ فصل اول • ركن اجاره يه دائر مسائل
 ۱۳۵ « ثاني • اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذي حقنده
 ۱۳۶ « ثالث • صحت اجاره نك شرائطي حقنده
 ۱۳۸ « رابع • اجاره نك بطلان و فسادى حقنده
 ۱۴۰ باب ثالث • اجرتيه متعلق مسائل بيانده اوچ فصلدر

- ۱۴۰ فصل اول • بدل اجاره حقننده در
- ۱۴۱ « ثانی • اجرتك سبب لزومنه و آجرك اجرتنه
- کیفیت استحقاقنه متعلق مسائل
- ۱۴۶ فصل ثالث • اجرت ایچون اجیرك مستأجر فیهی
- حبس ایدوب ایده مامسی حقننده در
- ۱۴۷ باب رابع • مدت اجاره یه متعلق مسائل
- ۱۵۰ باب خامس • خیارات حقننده اولوب اوچ فصلدر
- ۱۵۰ فصل اول • خیاری شرط حقننده
- ۱۵۴ « ثانی • خیاری رؤیت حقننده
- ۱۵۵ « ثالث • خیاری عیب حقننده
- ۱۵۹ باب سادس • مأجورك انواع و احکامی بیننده
- اولوب درت فصلدر
- ۱۵۹ فصل اول • اجاره عقاره متعلق مسائل
- ۱۶۲ « ثانی • اجاره عروض حقننده
- ۱۶۳ « ثالث • اجاره حیوان حقننده
- ۱۷۰ « رابع • اجاره آدمی حقننده
- ۱۷۵ باب سابع • بعد العقد آجر و مستأجرك وظیفه
- و صلاحیتلرینه دائر اولوب اوچ
- فصلدر
- ۱۷۵ فصل اول • تسلیم مأجور حقننده در
- ۱۷۷ « ثانی • ماقدینك مأجورده تصرفلرینه دائر

- ۱۷۸ » ثالث . رد و اعاده مأجوره متعلق مواد
 ۱۸۰ باب ثامن . ضمانات بیانده اولوب اوچ فصلدر
 ۱۸۰ فصل اول . ضمان منفعت حقنده
 ۱۸۲ » ثانی . مستأجرک ضمانی حقنده
 ۱۸۵ » ثالث . اجیرک ضمانی حقنده

(کتاب الکفاله بر مقدمه ایله اوچ بابدر)

- ۱۹۰ مقدمه . کفالتہ دائر اصطلاحات فقهیه
 ۱۹۲ باب اول . عقد کفالت حقنده اولوب ایکی فصلدر
 ۱۹۲ فصل اول . رکن کفالتہ دائر در
 ۱۹۳ » ثانی . شرائط کفالتہ متعلقدر
 ۱۹۶ باب ثانی . کفالتک احکامی حقنده اولوب
 اوچ فصلدر

- ۱۹۶ فصل اول . کفالت منجزه و معلقه و مضافه نک حکمی
 ۲۰۰ » ثانی . کفالت بالنفسک حکمی
 ۲۰۰ » ثالث . کفالت بالمالک احکامی
 ۲۰۶ باب ثالث . کفالتدن برأت حقنده اوچ فصلدر
 ۲۰۶ فصل اول . بعض ضوابط عمومیه بیانده
 ۲۰۷ » ثانی . کفالت بالنفسدن برأت حقنده
 ۲۰۸ » ثالث . کفالت بالمالدن برأت حقنده

(کتاب الحواله بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

صیفه

- ۲۱۲ مقدمه • حواله به دائر اصطلاحات فقهیه
- ۲۱۳ باب اول • عقد حواله بیاننده اولوب ایکی فصلدر
- ۲۱۳ فصل اول • رکن حواله بیاننده در
- ۲۱۴ » ثانی • شرائط حواله بیاننده
- ۲۱۶ باب ثانی • احکام حواله بیاننده در

(کتاب الرهن بر مقدمه ایله درت بابدر)

- ۲۲۲ مقدمه • رهنه دائر اصطلاحات فقهیه
- ۲۲۳ باب اول • عقد رهنه دائر اولوب اوج فصلدر
- ۲۲۳ فصل اول • رکن رهنه دائر مسائل بیاننده در
- ۲۲۴ » ثانی • انعقاد رهنه شرائطی حقنده
- ۲۲۴ » ثالث • مرهونک زواید متصله سی ورهندن
- صکره واقع اولان تبدیل وزیاده حقنده در
- ۲۲۶ باب ثانی • راهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل
- ۲۲۷ باب ثالث • مرهونه متعلق مسائل حقنده ایکی فصلدر
- ۲۲۷ فصل اول • مرهونک مؤنت و مصافی حقنده
- ۲۲۸ » ثانی • رهن مستعار حقنده

- ۲۲۹ باب رابع • رهنك احكامى بيانده دوت فصلدر
- ۲۲۹ فصل اول • رهنك احكام عموميه سى بيانده
- ۲۳۳ » ثانى • راهن و مرتهنك رهنده تصرفلى
- ۲۳۵ » ثالث • يد عدلده اولان رهنك احكامى
- ۲۳۶ » رابع • بيع رهن حقنده

(كتاب الامانات بر مقدمه ايله اوج بابدر)

- ۲۴۰ مقدمه • اماناته متعلق اصطلاحات فقهيه
- ۲۴۱ باب اول • اماناته دائر بعض احكام عموميه
- ۲۴۴ باب ثانى • وديعه حقنده اولوب ايكي فصلدر
- ۲۴۴ فصل اول • عقد و شرط ايداعه متعلق مسائل
- ۲۴۵ » ثانى • وديعه نك احكامى و ضماناتى حقنده
- ۲۵۷ باب ثالث • عاريت حقنده اولوب ايكي فصلدر
- ۲۵۷ فصل اول • عقد و شرط اعاره يه متعلق مسائل
- ۲۵۹ » ثانى • عاريتك احكام و ضماناتى حقنده

(كتاب الهبه بر مقدمه ايله ايكي بابدر)

- ۲۷۰ مقدمه • هبه يه دائر اولان اصطلاحات فقهيه
- ۲۷۱ باب اول • عقد هبه يه متعلق مسائل ايكي فصلدر
- ۲۷۱ فصل اول • ركن و قبض هبه يه دائر مسائل
- ۲۷۵ » ثانى • شرائط هبه بيانده دوت

- ۲۷۷ باب ثانی • احکام هبه بیاننده اولوب ایکی فصلدر
 ۲۷۷ فصل اول • هبه دن رجوع حقنده
 ۲۸۱ » ثانی • هبه مریض حقنده در

(کتاب الغصب بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

- ۲۸۴ مقدمه • غصب و اتلافه دائر اصطلاحات فقهیه
 ۲۸۶ باب اول • غصب حقنده اولوب اوج فصلدر
 ۲۸۶ فصل اول • غصبک احکامی بیاننده
 ۲۹۱ » ثانی • غصب عقاره متعلق بعض مسائل
 ۲۹۴ » ثالث • غاصب الغاصبک حکمی بیاننده
 ۲۹۵ باب ثانی • اتلاف بیاننده اولوب درت فصلدر
 ۲۹۵ فصل اول • مباشرة اتلاف حقنده
 ۲۹۸ » ثانی • تسبیباً اتلاف بیاننده
 ۳۰۰ » ثالث • طریق عامده احداث اولنان شیره

دائر

- ۳۰۲ » رابع • جنایات حیوان حقنده در
 (کتاب الحجر والاکراه والشفعه بر مقدمه ایله اوج بابدر)
 ۳۰۸ مقدمه • حجر و اکراه و شفعه متعلق
 اصطلاحات فقهیه
 ۳۱۱ باب اول • حجره متعلق مسائل بیاننده درت
 فصلدر

- ۳۱۱ فصل اول • صنوف واحكام مجبورین حقنده
 ۳۱۳ » ثانی • صغیر و مجنون و معتوه دائر مسائل
 ۳۲۰ » ثالث • شفیه مجبور حقنده
 ۳۲۲ » رابع • مدیون مجبور حقنده
 ۳۲۴ باب ثانی • اگر اهره متعلق مسائل
 ۳۲۶ باب ثالث • شفعه حقنده اولوب درت فصلدر
 ۳۲۶ فصل اول • مراتب شفعه بیاننده
 ۳۳۰ » ثانی • شرائط شفعه حقنده
 ۳۳۳ » ثالث • طلب شفعه دایر
 ۳۳۵ » رابع • حکم شفعه دایر

(کتاب الشریکت بر مقدمه ایله سگز بابدر)

- ۳۴۰ مقدمه • شرکته متعلق اصطلاحات فقهیه
 ۳۴۳ باب اول • شرکت ملک بیاننده اولوب اوج فصلدر
 ۳۴۳ فصل اول • شرکت ملک تعریف و تقسیمی
 ۳۴۶ » ثانی • اعیان مشترکه نک کیفیت تصرفنه دایر
 ۳۵۴ » ثالث • دیون مشترکه حقنده در
 ۳۶۲ باب ثانی • قسمت حقنده اولوب طقوز فصلدر
 ۳۶۲ فصل اول • قسمتک تعریف و تقسیمی بیاننده
 ۳۶۶ » ثانی • شرائط قسمت بیاننده در

۳۷۰	»	ثالث	•	قسمت جمع
۳۷۳	»	رابع	•	قسمت تفريق
۳۷۶	»	خامس	•	كيفية قسمت
۳۷۸	»	سادس	•	نخبارات بيانده
۳۸۰	»	سابع	•	قسمت فسخ و اقاله سی حقنده
۳۸۹	»	ثامن	•	احكام قسمت حقنده
۳۸۶	»	تاسع	•	مهايئه بيانده در
۳۹۲	باب ثالث	•	•	حيطان و خيرانه متعلق مسائل درت
				فصلدر
۳۹۲	فصل اول	•	•	احكام املاكه دائر بعض قواعد
۳۹۴	» ثاني	•	•	معاملات جواريه بيانده در
۴۰۱	» ثالث	•	•	طريق نقل حقنده در
۴۰۴	» رابع	•	•	حق مرور و تجرى و مسيله دائر
۴۰۸	باب رابع	•	•	شرکت اباحه حقنده التي فصلدر
۴۰۸	فصل اول	•	•	مباح اولوب اولميان شيلر حقنده
۴۱۱	» ثاني	•	•	مباح اولان شيلرك استملاكي حقنده
۴۱۳	» ثالث	•	•	مباح اولان شيلرك احكام عموميه سی
۴۱۵	» رابع	•	•	حق شرب و شفه بيانده در
۴۱۸	» خامس	•	•	احياء موات محقنده در
۴۲۱	» سادس	•	•	قبول و صولر و اشيجار ك حريمی
				حقنده

- ۴۲۴ » سابع . احکام صیده متعلق اولان مسائل
- ۴۲۹ باب خامس . نفقات مشترکه بیانده ایکی فصلدر
- ۴۲۹ فصل اول . اموال مشترکه نك تعمیرات و مصارفی
- ۴۳۴ » ثانی . نهر و مجر الرک کری و اصلاحی
- ۴۳۷ باب سادس . شرکت عقد بیانده اولوب الی فصلدر
- ۴۳۷ فصل اول . شرکت عقدك تعریف و تقسیمی
- ۴۴۰ » ثانی . شرکت عقدك شرائط عمومیه سی
- ۴۴۱ » ثالث . شرکت اموالک شرائط مخصوصه سی
- ۴۴۴ » رابع . شرکت عقده متعلق ضوابط بیانده
- ۴۴۸ » خامس . شرکت معاوضه یه دأر در
- ۴۵۱ » سادس . شرکت عنان مباحثی حقنده
- ۴۶۷ باب سابع . مضاربیه حقنده اولوب اویچ فصلدر
- ۴۶۷ فصل اول . مضاربیه نك تعریف و تقسیمی
- ۴۶۸ » ثانی . مضاربیه نك شروطی حقنده
- ۴۷۰ » ثالث . مضاربیه نك احکامی حقنده
- ۴۷۵ باب ثامن . مزارعه و مسافاة حقنده ایکی فصلدر
- ۴۷۵ فصل اول . مزارعه بیانده در
- ۴۷۸ » ثانی . مسافات بیانده در
- (کتاب الوکاله بر مقدمه ایله اویچ بابدر)
- ۴۸۲ مقدمه . وکالت حقنده اصطلاحات فقهیه
- ۴۸۳ باب اول . وکالتک رکن و تقسیمی حقنده در

- ۴۸۶ باب ثانی • شرط وکالت بیانده در
 ۴۸۸ باب ثالث • وکالتک احکامی حقننده الی فصلدر
 ۴۸۸ فصل اول • وکالتک احوال عمومیه سی بیانده
 ۴۹۲ » ثانی • شرایه وکالت حقننده در
 ۵۰۱ » ثالث • بیعه وکالت حقننده در
 ۵۰۴ » رابع • مأموره دائر اولان مسائل
 ۵۰۸ » خامس • خصوصیه وکالت حقننده در
 ۵۰۹ » سادس • عزل وکیلله دائر مسائل بیانده

(کتاب الصلح والابرا بر مقدمه ایله درت بابدر)

- ۵۱۵ مقدمه • صلح و ابرایه دائر اصطلاحات فقهیه
 ۵۱۶ باب اول • عقد صلح و ابرا ایدنلره دائر در
 ۵۲۰ » ثانی • مصالحه نک احوال و شروطی حقننده
 ۵۲۱ » ثالث • مصالحه عنده حقننده اولوب ایکی فصلدر
 ۵۲۱ فصل اول • صلح عن الاعیان حقننده در
 ۵۲۴ » ثانی • دیندن و حقوق سائره دن صلح حقننده
 ۵۲۵ باب رابع • احکام صلح و ابرا حقننده ایکی فصلدر
 ۵۲۵ فصل اول • احکام صلحه دائر اولان مسائل
 ۵۲۶ » ثانی • ابرایه دائر اولان مسائل

(کتاب الاقرار درت بابدر)

- ۵۳۲ باب اول • اقرارک شرائطی بیاننده در

- ۵۳۶ » ثانی • اقرارك وجوه صحتی بیاننده
 ۵۳۸ » ثالث • اقرارك احكامی حقننده اوج فصلدر
 ۵۳۸ فصل اول • احكام عمومیه بیاننده در
 ۵۴۰ » ثانی • نفی ملك و ثام مستعار بیاننده
 ۵۴۳ » ثالث • اقرار مریض حقننده در
 ۵۵۰ باب رابع • اقرار بالکتابه بیاننده در

(کتاب الدعوی بر مقدمه ایله ایکی بابدر)

- ۵۵۶ مقدمه • دعوی حقننده اصطلاحات فقهیه
 ۵۵۷ باب اول • دعوانك شروط و احكامی درت
 فصلدر

- ۵۵۷ فصل اول • دعوانك شروط صحتی
 ۵۶۳ » ثانی • دفع دعوی حقننده
 ۵۶۵ » ثالث • خصم اولوب اولمیانلر بیاننده در
 ۵۷۲ » رابع • تناقض بیاننده در
 ۵۸۰ باب ثانی • مرور زمان حقننده در

(کتاب البینات بر مقدمه ایله درت بابدر)

- ۵۹۰ مقدمه • بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده
 ۵۹۱ باب اول • شهادت حقننده اولوب سکر فصلدر
 ۵۹۱ فصل اول • شهادتك تعریف و نصابی

- ۵۹۲ » ثاني • شهادتك كيفيت اداسي حقنده
 ۵۹۶ » ثالث • شهادتك شروط اساسيه سي
 ۵۹۹ » رابع • شهادتك دعوايه موافقتي
 ۶۰۳ » خامس • شاهدك اختلافري بيانده
 ۶۰۵ » سادس • تزكيه وتخليف شهود حقنده
 ۶۱۰ » سابع • شاهدك شهادتن رجوعى حقنده
 ۶۱۲ » ثامن • تواتر حقنده در
 ۶۱۳ باب ثانى • حجج خطيه و قرينه قاطعه ايكي فصلدر
 ۶۱۳ فصل اول • حجج خطيه بيانده در
 ۶۱۴ » ثاني • قرينه قاطعه بيانده در
 ۶۱۴ باب ثالث • تخليف بيانده در
 ۶۱۹ باب رابع • ترجيح بينات وتحالفه دائر درت
 فصلدر

- ۶۱۹ فصل اول • تنازع بالايدي بيانده در
 ۶۲۱ » ثاني • ترجيح بينات حقنده در
 ۶۲۷ » ثالث • سوز كيمك اولديغنه وتحكيم حاله دائر
 ۶۳۰ » رابع • تحالفه دائر در

(كتاب القضاير مقدمه ايله درت بابدر)

- ۶۳۶ مقدمه • قضا حقنده اصطلاحات فقهيه
 ۶۳۸ باب اول • حكامه دائر اولوب درت فصلدر

- ۶۳۸ فصل اول . حاكمك اوصافى بيانده
 ۶۳۸ » ثانى . حاكمك آدابى بيانده
 ۶۴۰ » ثالث . حاكمك وظائفى حقنده
 ۶۴۵ » رابع . صورت محاكمه داور در
 ۶۴۸ باب ثانى . حكمه داور اولوب ايكي فصلدر
 ۶۴۸ فصل اول . حكمك شروطى بيانده در
 ۶۵۰ » ثانى . حكم غيابى بيانده در
 ۶۵۲ باب ثالث . دعوانك بعد الحكم رويى حقنده
 ۶۵۳ باب رابع . تحكيمه داور مسائل بيانده در

❀ مفترقات ❀

- ۶۵۸ كتاب بينات حقنده بعض وصايات
 شامل مذكره
 ۶۶۱ بلا بينه مضمونيله عمل ونحكم جائز
 اوله بيله جك صورته سندات
 شرعيه نك تنظيمى حقنده تعليمات
 سنه
 ۶۷۱ تعليم اصول تحليف





✽ مجله جمعیتندن تنظیم اولنان مضبوطه نك صورتیدر ✽

محاط علم عالی و کالت پناهیلری بیـ و ولدینگی اوزره
علم فقہک امر دنیا یه تعلق ایدن جهتی مناکحات
و معاملات و عقود قسملرینه منقسم اولدینگی کبی ملل
مترنه نك قوانین اساسیه سی دخی بو اوج قسمه تقسیم
و معاملات قسمی قانون مدنی دیو توسیم اولنور فقط
بو عصرلرده معاملات تجاریه نك زیاده توسیع ایلش
اولدینندن پولیچه و افلاس کبی پك چوق خصوصلرده
قانون اصلیدن استثنای اولمش و بو مسائل استثناییه یی
حاوی بشقه جده برده تجارت قانوننامه سی تنظیم قلمشدر که
خصوصیات تجاریه ده معمول به اولوب جهات سائر ده
ینه قانون مدنی یه مراجعت قلمشور مثلاً بر محکمه تجارتده
تجارت قانونی حکمنجه رؤیت اولنان بر دعوانك رهن
و کفالت و وکالت کبی بعض خصوصیات متفرعه سنده
قانون اصلی یه مراجعت اولسه یور جرائمندن نشأت
ایدن حقوق عادیه دعوالرندن دخی بو منوال اوزره
معامله ایدیلیور قانون مدنی یه مقابل دولتعلیه ده
قدیم و حادثا پك چوق قوانین و نظامات یاپلش در

و اگر چه بونلر کافه معاملاتک فصل و تسویه سنه کافی
 دکل ایسه ده علم فقهک معاملات قسمی بو خصوصیه
 اولان احتیاجاته کافی و وافیدر و دعاوینک شرع و قانونه
 حواله سنجه بعض مشکلات کورلمکده ایسه ده تمیزده
 حقوق مجلسلری حکامک تحت ریاستلرنده بولنه رق
 امور شرعیه بی شرما رؤیت ایتدکاری کبی مجالس تمیزده
 نظاما رؤیت اولسان ماده لر دخی انلرک معرفتیه فصل
 و بو مثالو مشکلات حل اولمقده در شو قدر که قوانین
 و نظامات ملکیه نک اصل و مرجعی علم فقه اوله رق
 نظاما رؤیت اولسان موادک دخی نیجه خصوصیات
 متفرعه سی مسائل فقهیه تطبیق ایله فصل و حسم اولانه
 کلوب مجالس تمیز اعضا سی ایسه مسائل فقهیه
 مطلع اولمق لرندن کویا حاکم افندیلر قوانین و نظامات
 موضوعه نک خار جنده اوله رق مرا فعاتی استدکاری
 قابله دو که یوزلر نظر لیه باقوب بر طاقم سوء ظنره ذهاب
 ایله کفتکویه باعث اولیورلر .
 دولت علیه نک تجارت محکمه لرنده دخی تجارت
 قانونامه همایونی دستور المل اولوب دعاواتک تجارت
 تعلق ایمان خصوصیات متفرعه سنده عظیم مشکلات
 چکلمکده در شو یله که اورو پا قانونلرینه مراجعت

اولنسه چونکه بونلر با اراده سینه موضوع قوانین
اولدیغندن محاکم دولتیله به مدار حکم اوله من شرعه
حواله اولندقدده دخی محاکم شرعیه او مثلاًو خصوصیات
متفرعه ده مرافعه یی اساسندن طوتمغه مجبور اولور
حالبو که ایکی محکمه ک اصول محاکمه سی اساساً مختلف
اولدیغندن بالطبع ایشده چتالاق پیدا اولدیغی جهته
بو مثلاًو خصوصیاتده محاکم تجارتدن محاکم شرعیه
مراجعت ابدیله میور محاکم تجارت اعضاسی کتب
فقهیه ده مراجعت ایتسون دینلورسه بو دخی قابل
دکدر زیرا فن فقهه انتساب خصوصنده انلر دخی
مجالس تمیز اعضاسیله هم حالد

علم فقه ایسه بر بحر بی پایان اولوب بوندن درر
مسائل لازمه یی استنباط ایله حل مسئله ایده بیلک خیلیدن
خیلی مهارت و ملکیه موقوفدر علی الخصوص مذنب
حنفی اوزره طبقات متفاوته ده پک چوق مجتهدلر کلوب
اختلافات کثیره وقوعبولش و فقه حنفی فقه شافعی
کی تنقیح ابدیله میوب پک متشعب و متشکت اولمشدر
ایشته بونجه اقوال متخالفیه ایچنده قول صحیحی تمیز
ایله حوادلک اکا تطبیقنده عظیم عبرت واردر قالدیکه
تبدل اعصار ایله عرف وعادته مبتنی اولان مسائل

فقہیہ دخی تبدل ایدر مثلاً قدمای فقہا عندندہ اشترا
اولہ جق خانہ نک بر او طہ سنی کورمک کافیدر و متأخرین
عندندہ هر او طہ سنی کورمک لازمدر بوایسہ عن دلیل
بر اختلاف اولیوب بلکه انشآت حقندہ عرف و عادتک
اختلافدن نشآت ایشدر کہ مقدما خانہ لک هر او طہ سی
بر طرز اوزرہ یا یلہ کلدیکندن بر او طہ سنی کورمک
سارینی کورمکدن مغنی ایش مؤخرآ خانہ لک او طہ لری
مختلف یا یلہ ق حادت اولدیغندن هر او طہ سنی کورمک
لازم کلمشدر حقیقت حالدہ لازم اولان کیفیت ایسہ
مقصد شرایہ کورہ بر علم کافی حاصل ایتکدن عبارت
اولمسیلہ اصل قاعدہ شرعیہ تغیر ایتیوب فقط بونک
حوادثہ امر تطبیق تبدل احوال زمان ایلہ تبدل
ایدیور بو مثلاًو اختلاف زمانی ایلہ اختلاف برہانی
بینی فرق و تمیز ایتک دخی خیلی دقتہ محتاجدر
مسائل فقہیہ بی احاطہ ایلہ غورینہ اطلاع ایسہ پک
کوچدر و برارالق مسائل فقہ حنفی بی جمع و احاطہ
ایتک اوزرہ عصرک فقہا و فضلاسی جمع ایدیله رک
تاتارخانہ و قنای جہانگیرہ کبی کتابلر تألیف نہ ہمت
اولنش ایسہ دہینہ بالجملہ فروع فقہیہ و اختلافات
مذہبیہ حصر و احاطہ ایدیله مامشدر .

وفي الواقع كتب فتاوی حوادثك قواعد فقهیه
 تطبیقه دائر و یرلمش اولان فتوالری حاوی مؤلفات
 دیمك اولوب حالبو كه بونجه عصرلردن برو سیادات
 حنفیه طرفندن و یرلمش اولان فتاوانك جمع واحاطه سی
 نقدر دشوار اولدیغی محتاج بیان دكلدر بناء علیه
 (ابن نجیم) بر طاقم قواعد و مسائل کلیه بی جمع ایدرك
 بونلك تحتنده فروع فقهی علی وجه الاحاطه درج آیلک
 یولنده برکوزل چغر اچش ایسه ده اندن صکره کی
 عصرلرك عالم و فقیه یتشدرمك یولنده اولکی سماحتی
 کور یله مدیکندن انك اثرینه اقتفا ایله اچش اولدیغی
 چغری شاهراه ایده یله جك ذاتلر ظهور یله بو یولده
 بذل جهد ایلملرینه مساعد اولماشدر و شمدی ایسه
 هر طرفده علوم شرعیه ده مهارتلو ذواته ندرت کلدیکندن
 محاکم نظامیه ده لدی الايجاب کتب فقهیه یه مراجعه تله
 حل شبهه ایده یله جك اعضا بولندرمق شویله طورسون
 ممالک محروسه ده کائن بوقدر محاکم شرعیه یه کافی قضات
 بولمق مشکل اولمشدر .

بناء علی ذلک اختلافندن عاری و یالکز اقوال
 مختاره بی حاوی اولمق اوزره معاملات فقهه دائر سهیل
 المأخذ بر کتاب یاپلسه هر کس قولایقله مطالعه ایدرك

معاملاتنی اکا تطبیق و بویله مضبوط بر کتاب اولدیغی
 حالدۀ نائب افتدیلرہ عظیم فائدہ سی اولہ جغی کبی
 مجالس نظامیہ اعضاسیلہ امر اداره دہ بولنان مأمورین
 دخی بالمطالعہ مسائل شرعیہ انتساب ایله لدی الایجاب
 ایشلمرینی وسـعلری مرتبہ شرع شریفہ توفیق ایدرلر
 وهم محاکم شرعیہ دہ معتبر و مرعی و ہمدہ مجالس
 نظامیہ دہ حقوق دعواری ایچون قانون وضعندن مستغنی
 اولور مطالعہ سـنہ مبنی اویله بر اثر جلیلک وجودہ
 کلمسی خلی وقتدنبرو ارزو اولنور بر کیفیت اولوب حتی
 بونک ایچون مجلس تنظیمات دائرہ سـندہ بر جمعیت علیہ
 تشکیل ایدلمش و خلیجہ مسائل یازلمش ایکن حیز فعلہ
 کلہ میوب بو دخی (الامور مرہونہ باوقاتہا) حکمنجہ
 تأسـیسی اہم اولان بر چوق مواد خیریہ کبی مضبوط
 اعصار اولان عصر محاسن حصر ہمایونہ قلمشدر
 موفقیّت جلیلہ حضرت پادشاہی ثمرہ فیض بہرہ سی
 اولہ رق مشاہد اعین افتخار اولان بونجہ آثار حسـنہ
 صرہ سـندہ بو دخی حصولہ کلمک اوزرہ علم فقہدن
 عصرک احتیاجاتہ کورہ روزمرہ ظہورہ کلان معاملاتک
 تطبیقنہ کافی اولہ بیلہ جـک اویله بر اثر خیرک وجودہ
 کـتورلمسی امر اہمی عاجزلرینہ حوالہ بیـورلمش

اولدیغندن بر موجب اراده علیه دیوان احکام عدلیه
 دائره سنده بالاجتماع فقهک معاملات قسمندن کثیر الوقوع
 و معاملات عصره کوره بدیهی الزوم اولان مواد
 حقنده سادات حنفیه نک اقوال معتبره سی جمع ایدیلرک
 متعدد کتابلره تقسیم و (احکام عدلیه) اسمیله توسیم
 اولنق اوزره بر مجله ترتیبینه بالابتدار مقدمه سیله کتاب
 اولی ختام بوله رق بر نسخه سی ذات حقایق ایات
 حضرت فتوی پناهی یه و یرلدیکی کبی علم فقهده مهارت
 و معلومات کافییه سی اولان دیگر بعض ذوات فخرامه
 دخی بر نسخه سی بالاعطا اولنان اخطارات اوزرینه
 تعدیلات لازمه اجرا اولندقدن صکره تبیض ایله حضور
 حقایق ظهور و کالت پناهیلرینه عرض اولندی بونک
 لسان عربی یه نقل و ترجمه سی در دست اولدیغی کبی
 دیگر کتابلر دخی جمع و تألیف اولنق اوزره در .

بالمطالعہ محاط علم عالی بیوریلور که مقدمه نک ایکنجی،
 مقاله سی (ابن نجیم) ایله انک مسلکینه سالک اولان
 فقهانک جمع ایلدکاری قواعد فقهیه اولوب حکام شرع
 بر نقل صریح بولدجه یالکز بونلرله حکم ایده من لیکن
 مسائل فقهیه نک انضباطنه کلی فائده لری اوله رق
 ار باب مطالعه مسائلی ادله سیله ضبط ایتش اولورلر

و مأمورین سائر هیه هر خصوصه مرجع اوله بیلور
 و بونلرله بر آدم معاملاتنی مهما امکن شرعه توفیق
 و تقریب ایده بیلور بناء علیه کتاب یا خود باب عنوانیله
 یازلیوب مقدمه یه درج اولمشدر کتب فقهیه ده
 اکثر یا مسائل ایله مبادی مخلوط اوله رق ذکر اولمش
 ایسه ده بومجله ده هر کتابه متعلق اولان اصطلاحات
 اول کتابک مقدمه سی اولق اوزره ذکر اولانه رق
 مسائل سازجه ترتیب اوزره یازیلوب فقط بومسائل
 اساسیه یی ایضاح ضمننده مثال اوله رق کتب فتاوان
 برخیلی مسائل درج وعلاوه اولمشدر .

فی زمانناجر یان ایدن اخذواعطا اکثر یا بعض
 شرائطه مربوط اولوب مذهب حنفیده ایسه صلب
 عقدده درمیان اولنان انواع شرائطک اکثری بیعی
 مفسد اولدیغی جهتهله کتاب البیوعک الهم بمحشی
 (بیع بالشرط) فصلی اوله رق جمعیت عاجزانه مزجه
 یک چوق بحث و مناظره یی موجب اولدیغندن مباحثات
 جاریه نیک خلاصه سی بوجه آتی ایراد اولنق مناسب
 کورلمشدر .

(بیع بالشرط) حنفیده اکثر مجتهدینک اقوالی
 یکدیگره مخالفدر مذهب مالکیده مدت جزئیه ایچون

و مذهب حنبلیه بده علی الاطلاق بایع کند و سی ایچون
 مبیعه منفعت مخصوصه شرط ایده بیلور لیکن بایعه
 بوصلاحیت اولو بده مشتری طرفنده اولما ماسی رأی
 و قیاسه مخالف کورینور امام اعظم رحمه الله علیه
 حضرت لایله هم عصر اولو بده مؤخرأ اتباعی منقرض
 اولان مجتهد لردن (ابن ابی لیلی) ایله (ابن شبرمه)
 رحمه الله علیهما حضرتینی دخی بو خصوصده یکدیگره
 ضد تام اوله رق برر رأیده بولمشلردر شویله که
 ابن ابی لیلی عندنده علی العموم بیع و شرط فاسد و ابن
 شبرمه عندنده علی الاطلاق هم بیع جائز و همده شرط
 جائزدر .

مذهب ابن ابی لیلی (المسلمون عند شروطهم)
 حدیث شریفنه مباین کورینور ابن شبرمه مذهبی بو
 حدیث شریفه تمامینه موافق ایسه بایع و مشتری
 اجراسی جائز و قابل اولیان شرطلر درمیان ایده بیلوب
 شرطه رعایت ایسه بقدرالامکان اولوق فقها عندنده
 مسلماندن اولمسایله شرطه رعایت مسئلهسی تخصیص
 واستثنا قبول ایدر برقاعده در بناء علی ذلک مذهب
 حنفیده بر طریق متوسط اتخاذ اولنده رق بیعک شرائطی
 (جائز) و (مفسد) و (لغو) دیو اوچ قسمه تقسیم

اولمشدن شو پله که عقد بیع مقتضایان اولیوب
 یا خود مقتضای عقد بیعی تأیید ایتیمو بده احد طرفینه
 نافع اولان شرط مفسد و اکا معلق اولان بیع فاسد
 اولور و برطرفه نفخی اولمیان شرطله بیع صحیح
 و شرط لغودر زرا بیع و شرادن مقصد تملیک و تملک
 خصوصی یعنی بلا مانع و مزاحم مشتری مک مبیعه و بایع
 ثمنه مالک اولسی کیفیتدر حالبو که برطرفه نافع اولان
 شرطک اجراسنی اولطرف طالب و طرف آخراندن
 هارب اوله رق منازعه یه مؤدی اوله بیلور بوضورته
 ایسه عقد بیع تمام اولماش دیمک اولور فقط عرف
 و عادت منازعه بی قاطع اولدیغندن علی الاطلاق شرط
 متعارف ایله بیع تجویز اولمشدن .

معاملات تجاریه بروجه مشروح ذاتا مستثنی
 رحالده اولوب اضنافک اکثریسنده دخی برر معامله
 متعارفه تقرر ایتدیکنه و عرف طاری دخی معتبر
 اولدیغنه نظرا فسادى موضوع بحث اوله جق بالکز
 برطاقم متفرق و متشتت الیش و یرش ایدنلرک خارج
 از عرف و عادت ایتدکلى شرطلر قالوب بونلرک دخی
 چندان ذکرى و بحث کوتورر یری اولدیغندن معاملات
 عصرک تبسیری ایچون مذهب حنفینک خارجنده

اوله رق ابن شبرمه مذهبنك اختیاری مناسب كورلیوب
سائر فصللرده اولدیغی کبی باب اولك دردنجی فصلنده
دخی مذهب حنفی اوزره بیعی مفسد اولیان شرطلرك
بیانیله اکتفا اولمشدر .

الحاصل بوجمله ده مذهب حنفینك خارجنه
چیقلیوب مواد مندرجه سنك اکثری الحاله هذه
فتوا خانه ده معتبرو معمول به اولدیغی جهتله بونلر
حقنده بحثه لزوم كورلمز فقط ینه ققهای حنفیه دن
بعض فحول ائمه نك اقوال معتبره سی ناسه ارفق
ومصلحت عصره اوفق اولمق حسبیلله اختیار اولمش
ایدو كندن بونلرك مأخذ مقبوله واسیاب موجبیه سی
بروجه آتی بیان اولنور .

یوز طقسان یدنجی و ایکی یوز بشنجی مادهلر
موجببنجه معدومك بیعی صحیح دكلدر حالبو كه
كل وانكنار کبی شكوفه وسبره ومیوه محصولاتی
مثلا حق الورود اوله رق بعض افرادی ظهور ایتمدن
دیكر بعض افرادی حصوله كلوب کچر اولدیغی
جهتله اکثریا بومثالولرك ظهور ایتمش و ایده جك
اولان محصولاتی طویدن اوله رق صائق عرف
وعادت اولمشدر و بومثالو محصولاتده موجوده تبعاً

معدومك دخی برابر اوله رق طویدن صاتلینی (امام
 محمد بن حسن الشیبانی) رحمه الله علیه حضرتلری
 استخسانا تجوین یورمش و (امام فضلی) و (شمس
 الائمة الحلوانی) و (ابوبکر بن فضل) رحمه الله
 علیهم انک قولیلله افتاتمش اولدقلرندن وناسی
 بوشناو عرف وعادتلرندن کچ-ورمک قابل اوله میوب
 حالبو که معاملات ناسی فسادہ نسبتدن ایسه مهما امکان
 صحته جل ایتک اولی اولدیغندن بوجمله ده دخی
 قول محمد بالتزجیح ایکی یوز یدنجی ماده ا کا موافق
 اوله رق یازلمشدر

(صبره) مسئله سنده مثلا کیله سی شوقدر
 غروشه اولق اوزره بر ییغین بغدادی صاندقدہ (امام
 اعظم) رحمه الله علیه حضرتلرینک عندنده یالکز بر کیله سی
 حقندہ بیع صحیح اولور وامامین رحمه الله علیهما
 عندلرنده اول ییغین تماما صاتلش اوله رق قایچ کیله
 چقارسه ا کا کوره ثمنی و یرلمک لازم کلوب معاملات
 نامی تیسیر ایتک حسبیلله صاحب هدایه کی نیجه
 فقها دخی بوخصوصده انلرک قولنی اختیار ایلش
 اولدقلرندن ایکی یوز یکرمنجی ماده اول منوال اوزره
 تحریر قلمشدر

امام اعظم حضرت تری نك عندندہ خیاری شرطك
مدتی اوچ كوندن زیاده اوله میوب امامین عندندہ
ایسه هر قاج کون مقاوله اولنورسه جائز اولدیغنه
و بو خصوصده دخی انلرك قولى حال و مصلحتہ اوفق
کور لیدیکنه مبنی اختیار اولنه رق اوچیوزنجی مادهده
مدت مطلق اوله رق درج اولمشدر

خیار نقدیه دخی بو اختلاف جاری اولوب بونده
مدتك اطلاقى خصوصنده (امام محمد) علیه رجة
الصمد حضرت تری منفرد ایسهده مصلحت ناسه اوفق
اولق حسبیله انك قولى اختیار اولنه رق اوچیوز
اون اوچنجی مادهده دخی فلان وقتہ قدر دیو مدت
اطلاقى اوزره براغلمشدر

امام اعظم حضرت تری نك عندندہ استصناعا
منعقد اولان بیعدن مستصنع رجوع ایده بیلور
ایسهده امام ابو یوسف رجة الله علیه حضرت تری نك
عندندہ مصنوع تعریفه موافق اولدیغی حالیده
رجوع ایده من شمدی ایسه عالمده پك چوق کار کاهلر
یاپیله رق بونجه توپلر و تفنکار و واپور لر مقارله
وسپارش ایله بایدیریله کلوب استصناع کیفیتی
مصالح جسمیه جاریه دن اولمسایله مستصنعك عقد

استصناعی فسخنده مخیر اولسی نیجه مصالح جسمیه بی
 اخلال ایده جکندن واستصناع خصوصی خلاف
 قیاس اوله رق عرف ناسه مبنی استحسانا مشروع
 اولان سلمه مقیس وعرفه مستند بر کیفیت اولدیغندن
 مصلحت عصره نظرا امام ابو یوسف قولنک اختیارینه
 لزوم کور یلهرک اوچیوز طقسان ایکنجی ماده اکاموافق
 اوله رق یازلمشدر .

مسائل مجتهد فیهاده امام المسلمین حضرتلری
 هر قنخی قول ایله عمل اولنق اوزره امر ایدرسه
 موجبجه عمل اولنق واجب اولدیغندن معروضات
 مبسوطه نزد حقایق وفدو کالتپناهیلمرنده دخی قرین
 تصویب بیورلدیغی خالده مجله ملفوفه نك بالاسی
 خط همایون حضرت خلافتپناهی ایله توشیح
 بیورلنق باینده

فی ۱۸ ذی الحجه ۲۸۵ و فی ۱۰ مارت ۲۸۵

فتش اوقاف همایون

سید خلیل

ناظر دیوان احکام عدلیه

احمد جودت

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد خلوصی

عن اعضاء

شواری دولت

سیف الدین

عن اعضاء شورای

دولت محمد

امین

عن اعضاء دیوان

احکام عدلیه سید

احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت

ابن عابدین زاده

علاء الدین



﴿ مجله احكام عدليه ﴾

(بر مقدمه ايله اون التى كتابى شاملدر)

- كتاب اول بيوع حقه در
- » ثانی اجارات »
- » ثالث كفالت »
- » رابع حواله »
- » خامس رهن »
- » سادس امانات »
- » سابع هبه »
- » ثامن غصب »
- » ناسع حجز و اكراه و شفعه »
- » عاشر انواع شركت »
- » حادی عشر وكالت »
- » ثانی عشر صلح و ابرا »
- » ثالث عشر اقرار »
- » رابع عشر دعوى »
- » خامس عشر بينات و تحليف »
- » سادس عشر قضا »

❀ کتاب البیوع ❀

(اخطار)

اشـبو مجلده مندرج مسائل اساسیہ سازجہ بی
شرح وایضاح ضمنند، ایجاب و لزوم نہ کورہ مثال
اولہرق کتب فتاوا دن اخذ و درج اولان مسائلک
تفریقہ علامت اولق اوزرہ مسائل اساسیہ اشـبو
بیوک وامثلہ وعلاوات سائرہ دها کوچک حروفله ترتیب
و طبع ایتدیرلدی .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✽ صورت خط همايون ✽

موجب‌نجه عمل اولنه

(✽ مقدمه ✽)

(ایکی مقاله‌ی حاویدر)

(مقاله‌ی اولی)

(علم فقهک تعریف و تقسیمی بیانده در)

۱ ماده

علم فقه مسائل شرعیة عملیه‌ی بیلکدر

مسائل فقهیه یا امر آخرته تعلق ایدر که احکام عباداتدر
و یا خود امر دنیا به تعلق ایدر که مناسکات و معاملات
و عقوبات قسملرینه تقسیم اولنور . شویله که جناب حق
بونظام عالمک وقت مقدره‌دک بقاسنی اراده ایدوب بو
ایسه نوع انسانک بقاسنه ونوعک بقاسی تناسل وتوالد
ایچون ذکور و اناتک ازدواجنه منوطدر . و برده

نوعك بقاسی اشخاصك عدم انقطاعيله در . انسان
 ايسه اعتدال مزاجی حسیيله بقاده غذا و لباس و مسكنجه
 امور صناعيه به محتاج اولور بو دخی افرادی بیننده
 تعاون و اشتراك حصولنه توقف ایدر . الحاصل
 انسان مدنی الطبع اولدیغندن سائر حیوانات کبی
 منفردا یشایه میوب بسط بساط مدنیت ايله یکدیگره
 معاونت و مشارکته محتاجدر . حالبو که هر شخص
 کندویه ملایم اولان شیئی طلب و مزاجم اولان شیئه
 غضب ایدر اولدیغندن بینلرنده عدل و نظامك خللدن
 محفوظ قالمسی ایچون کرک ازدواج و کرک مابه التمدن
 اولان تعاون و اشتراك خصوصلرنده بر طاقم قوانین
 مؤیده شرعیه به محتاج اولور که اولکیسی فقهك
 مناحیات قسمی و ایکنجیسی معاملات قسمیدر و امر
 تمدنك بو منوال اوزره پایدار اولسی ایچون احکام جزا
 ترتیبی لازم کلوب بو دخی فقهك عقوبات قسمیدر .
 اشبو معاملات قسمنك کثیر الوقوع اولان مسائلی
 کتب معتبره دن جمع ايله کتابلره و کتابلر بابلره و بابلر
 فصللره تقسیم اولنق اوزره بو مجله نك تألیفنه ایتدار
 اولنمشدر . ایشته محاکمه معمول به اوله جق مسائل
 فرعیه بر وجه آتی ابواب و فصولده ذکر اولنه جق

مسائلدر . انجق محققین فقها مسائل فقهیه بی بر طاقم
قواعد کلیه ارجاع ایشملر در که هر بری نیجه مسائلی
محیط و مشتمل اوله رق کتب فقهیه ده مسلماتدن اولمق
اوزره بو مسائلک اثباتی ایچون دلیل اتخاذا اولنور .
و اول امرده بو قواعدک تفهیمی مسائله استیناس حاصل
ایدر و مسائلک ذهنلرده تقریرینه وسیله اولور .
بناء علی ذلک طقسان طقوز قاعده فقهیه جمع ایله
مقصوده شروعدن مقدم بر وجه آتی مقاله ثانیه اولمق
اوزره ایراد اولنور . و اگرچه بونلردن بعضیسی
منفردا اخذ اولند قده بعض مستثنیاتی بولنور ایسه ده
یکدیگرینی تخصیص و تقیید ایتد کارندن من حیث المجموع
کلیت و عمومیتلرینه خلل کلز .

❖ مقاله ثانیه ❖

(قواعد فقهیه بیانده در)

۲ ماده

بر ایشدن مقصد نه ایسه حکم اکا کوره در
یعنی بر ایش اوزرینه ترتب ایده جک حکم اول ایشدن
مقصد نه ایسه اکا کوره اولور

۳ ماده

عقودده اعتبار مقاصد و معانی به در الفاظ و مبانی به

دکدر

بناء علی ذلک (بیع بالوفا) ده رهن حکمی جریان ایدر

۴ ماده

شک ایله یقین زائل اولماز

۵ ماده

بر شیئک بولندیغی حال اوزره قالمسی اصلدر

۶ ماده

قدیم قدیمی اوزره ترک اولنور

۷ ماده

ضرر قدیم اولماز

۸ ماده

برائت ذمت اصلدر

بناء علی ذلک بر کیمسه بر ینک مالنی تلف ایدو بده مقدارنده

اختلاف ایتسه لر سوز متلفک اولوب مال صاحبی ادعا

ایتدیکی زیاده یی اثباته محتاج اولور

۹ ماده

صفات عارضه ده اصل اولان عدمدر

مثلا (شرکت مضار به) ده کار اولوب اولمادیغنده

اختلاف اولنسه عدمی اصل اولدیغنه بناء سوز مضاربك
اولوب صاحب سرمایه کار اولدیغنی اثباته محتاج
اولور

۱۰ ماده

بر زمانده ثابت اولان شیئك خلافته دلیل اولدجه
بقاسیله حکم اولنور

بناء علی ذلک بر زمانده برشی بر کیمسه نك ملکی اولدیغی
ثابت اولسه ملکیتی ازاله ایدن بر حال اولدجه ملکیتك
بقاسیله حکم اولنور

۱۱ ماده

بر امر حادثك اقرب اوقاتنه اضافتی اصلدر
یعنی حادث اولان بر ایشك سبب وزمان وقوعنده
اختلاف اولنسه زمان بعیده نسبتی اثبات اولندجه حاله
اقرب اولان زمانه نسبت اولنور

۱۲ ماده

کلامده اصل اولان معنای حقیقیدر

۱۳ ماده

تصریح مقابله سنده دلالته اعتبار یوقدر

۱۴ ماده

مورد نصده اجتهاده مساع یوقدر

۱۵ ماده

علی خلاف القیاس ثابت اولان شی سائرہ مقیس علیہ
اولماز

۱۶ ماده

اجتهاد بله اجتهاد نقض اولنماز

۱۷ ماده

مشقت تیسیری جلب ایدر

یعنی صعوبت سبب تسهیل اولور و طارلق وقتنده
وسعت کوسترملک لازم کاور

قرض وحواله و ججزکی پک چوق احکام فقهیه بواسله
متفرعدر و فقهانک احکام شرعیده کوستردکاری
رخص و تخفیفات هب بو قاعده دن استخراج اولنمشدر

۱۸ ماده

بر ایش ضیق اولدقده متسع اولور

یعنی بر ایشده مشقت کور یلنجیه رخصت و وسعت
کوستریلور

۱۹ ماده

ضرر و مقابله بالضرر یوقدر

۲۰ ماده

ضرر ازاله اولنور

۲۱ ماده

ضرورتلر ممنوع اولان شیلری مباح قیلر

۲۲ ماده

ضرورتلر کندو مقدار لر نجه تقدیر اولنور

۲۳ ماده

بر عذر ایچون جائز اولان شی اول عذرک زوالیله باطل اولور

۲۴ ماده

مانع زائل اولدقده ممنوع عودت ایدر

۲۵ ماده

بر ضرر کندو مثلیله ازاله اولنه ماز

۲۶ ماده

ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور

طیبب جاهلی منع ایتمک بو اصلدن تفرع ایدر

۲۷ ماده

ضرر اشد ضرر اخف ایله ازاله اولنور

۲۸ ماده

ایکی فساد تعارض ایتد کده اخفی ارتکاب ایله اعظمینک

چاره سنه باقیلور

۲۹ ماده

اهون شرین اختیار اولنور

۳۰ ماده

دفع مفسد جلب منافعدن اولادر

۳۱ ماده

ضرر بقدر الامكان دفع اولنور

۳۲ ماده

حاجت عمومی اولسون خصوصی اولسون ضرورت

منزله سنه تنزیل اولنور

بيع بالوفانك تجویزی بوقیلدندر که بخارا اهالیسند بوج

تکثر ایتد کده کوریلان احتیاج اوزرینه بو معامله

مرعی الاجرا اولشد

۳۳ ماده

اضطرار غیرک حقنی ابطال ایتمز

بناء علی ذلک بر آدم آج قالوبده برینک الکنی بیسه بعده قیمتی

و یرمسی لازم کلور

۳۴ ماده

المسی ممنوع اولان شیئک و یرمسی دخی ممنوع اولور

۳۵ ماده

ایشلمسی ممنوع اولان شیئک استنسی دخی ممنوع اولور

۳۶ ماده

عادت محکمد

یعنی حکم شرعی بی اثبات ایچون عرف و مادت حکم
قلمنور کرک عام اولسون و کرک خاص اولسون

۳۷ ماده

ناسک استعمالی بر جتدر که انسکه عمل واجب اولور

۳۸ ماده

عاده ممتنع اولان شی حقیقه ممتنع کبیدر

۳۹ ماده

ازمانک تغیر یله احکامک تغیری انکار اولنده ماز

۴۰ ماده

عادتک دلالتیله معنای حقیقی ترک اولنور

۴۱ ماده

عات انجق مطرد یا خود غالب اولدوقده معتبر اولور

۴۲ ماده

اعتبار غالب شایعه اولوب نادره د کلدور

۴۳ ماده

عرفا معروف اولان شی شرط قلمنشن کبیدر

۴۴ ماده

بین التجار معروف اولان شی بینلرنده مشروط کبیدر

۴۵ ماده

عرف ایله تعیین نص ایله تعیین کبیدر

۴۶ ماده

مانع و مقتضی تعارض ایتد کده مانع تقدیم اولنور
بناء علی ذلک بر آدم بور جلیسی یدنده مرهون اولان
مالنی اخره صاته ماز

۴۷ ماده

وجودده بر شیئه تابع اولان حکمده دخی اکا تابع اولور
بناء علی ذلک بر کبه حیوان صاتلدقه قارنده کی
یاوریسی دخی تبعا صاتلمش اولور

۴۸ ماده

تابع اولان شیئه آروجه حکم ویریله من
مثلا بر حیوانک قارنده کی یاوریسی آروجه صاتیله من

۴۹ ماده

بر شیئه مالک اولان کیمسه اول شیئک ضرور یاتندن
اولان شیئه دخی مالک اولور
مثلا بر خانه بی صاتون الان کیمسه اکا موصل اولان
طریقه دخی مالک اولور

۵۰ ماده

اصل ساقط اولدقه فرع دخی ساقط اولور

۵۱ ماده

ساقط اولان شی عودت ایتمز

يعنى كيدن كيرو کلز

۵۴ ماده

برشى باطل اولدوقده آلك ضمانده كي شى دخی باطل

اولور

۵۳ ماده

اصلك ايفاسى قابل اولمديغى حالحه بدلى ايفا اولنور

۵۴ ماده

بالذات تجويز اولنميان شى بالتبع تجويز اولنه بيلور

مثلا مشترى مبيعى قبض ايچون بايعى تو كيل ايتسه جائز

اولماز اما اشترا ايلديكى ذخيره يى اولچوب قويماق ايچون

بايعه چوالى ويروب او دخی ذخيره يى چواله وضع

ايديجك ضمانا وتبعاً قبض بولنور

۵۵ ماده

ابتداء تجويز اولنميان شى بقاء تجويز اولنه بيلور

مثلا حصه شايعه يى هبه ايتك صحيح دكلدر اما بر مال

موهوبك بر حصه شايعه سنه بر مستحق چيقوبده ضبط ايتسه

هبه باطل اولميوب حصه باقيه موهوب لهك مالى

اولور

۵۶ ماده

بقا ابتداءن اسهلدر

۵۷ ماده

تبرع انجق قبض ايله تمام اولور
مثلا بر آدم برينه برشيء هبه ايتسه قبل القبض هبه تمام اولماز

۵۸ ماده

رعيه يعنى تبعه اوزر ينه تصرف مصلحته منوطدر

۵۹ ماده

ولايت خاصه ولايت عامه دن اقوادر
مثلا متولى وقفك ولايتى قاضينك ولايتندن اقوادر

۶۰ ماده

كلامك اعمالى اهمالندن اولادر
يعنى بر كلامك بر معنايه حلى ممكن اولدقجه اهمال يعنى
معناسز اعتبار اولنمالميدر

۶۱ ماده

معناى حقيقى متعذر اولدقده مجازه كيديلور

۶۲ ماده

بر كلامك اعمالى ممكن اولماز ايسه اهمال اولنور
يعنى بر كلامك حقيقى و مجازى بر معنايه حلى ممكن اولماز
ايسه اولخالده مهمل يعنى معناسز براغيلور

۶۳ ماده

متجزى اوليان بر شيئك بعضنى ذ كر ايتك كلنى ذ كر كيبدر

۶۴ ماده

مطلق اطلاق اوزره جاری اولور . ۱۰ کر نصا یا خود
دلالة تقیید دلیلی بولماز ایسه

۶۵ ماده

حاضرده کی وصف ولغو غائبده کی وصف معتبر در
مثلا بایع مجلس بیعده حاضر اولان بر قیر آتی صاته جق
اولدیفی حالده شو یاغز آتی شو قدر یک غروشه صاتم
دیسه ایجابی معتبر اولوب یاغز تعبیری لغو اولور اما
میدانده اولمیان بر قیر آتی یاغز دیو صاتسه وصف معتبر
اولمغله بیع منعقد اولماز

۶۶ ماده

سؤال جوابده اعاده اولنش عد اولنور
یعنی تصدیق اولنسان بر سؤالده نه دیننش ایسه مجیبانی
سویلش حکمنده در

۶۷ ماده

سا کنه برسوز اسناد اولتماز . لکن معرض حاجتده
سکوت بیاندر

یعنی سکوت ایدن کیمسه یه شوسوزی سویلش اولدی
دینلر لکن سویلیه جک یرده سکوت ایتسی اقرار و بیان
عد اولنور

۶۸ ماده

بر شیئک امور باطنه ده دلیلی اول شیئک مقامنه قائم اولور
یعنی حقیقتنه اطلاع متمسک اولان امور باطنه ده دلیل
ظاهر یسی ایله حکم اولنور

۶۹ ماده

مکاتبه مخاطبه کبدر

۷۰ ماده

دلسزک اشارت معهوده سی لسان ایله بیان کبدر

۷۱ ماده

ترجماک قولی هر خصوصده قبول اولنور

۷۲ ماده

خطاسی ظاهر اولان ظنه اعتبار یوقدر

۷۳ ماده

سندده مستند اولان احتمال ایله حجت یوقدر

مثلا بر کیمسه ورثه سندن برینه شوقدر غروش بورجی

اولدیغنی اقرار ایتدیکی تقدیرده اکر مرض موته ده

ایسه دیگر ورثه تصدیق ایتدیجه بو اقراری حجت

دکلدر زیرا دیگر ورثه دن مال قاچرمق احتمالی مرض

موته مستنددر اما حال صحیحته ایسه اقراری معتبر اولور

واول حالده اولان احتمال مجرد بر نوع توهم اولدیغندن

اقرارک حجتینه مانع اولماز

۷۴ ماده

توهمه اعتبار یوقدر

۷۵ ماده

برهان ایله ثابت اولان شی عیانا ثابت کبیدر

۷۶ ماده

بینه مدعی ایچون و یمین منکر اوزرینه در

۷۷ ماده

بینه خلاف ظاهری اثبات ایچون و یمین اصلی ابقا

ایچوندر

۷۸ ماده

بینه حجت متعدیه و اقرار حجت قاصره در

۷۹ ماده

کشی اقرار یله مؤاخذه اولنور

۸۰ ماده

تناقض ایله حجت قالماز لکن متناقضک علیهنه اولان

حکمه خلل کلز

مثلا شاهدلر شهادتلرندن رجوع ایله تناقض ایتد

کلرنده شهادتلی حجت اولماز لکن اولکی شهادتلی

اوزرینه قاضی حکم ایتیش ایسه بو حکم دخی بوزیله

میوب محکوم بهی شاهدلرک تضمین ایتسی لازم کاور

۸۱ ماده

اصل ثابت اولدیغی حالده فرعك ثابت اولدیغی واردر
مثلا بر کیمسه فلانك شوقدر غروش دینی واردر
بن دخی اکا کفیل دیسه واصیلک انکاری اوزرینه
دائن ادا ایتسه مبلغ مزبوری کفیلک ویرمسی لازم کلور

۸۲ ماده

شرطك ثبوتی عندنده اکا معلق اولان شیئك ثبوتی لازم
اولور

۸۳ ماده

بقدر الامکان شرطه مراعات اولنق لازم کلور

۸۴ ماده

وعدلر صورت تعلیق اکتسا ایله لازم اولور
مثلا سن بومالی فلان آدمه صات اکر اقچه سنی ویرمز
ایسه بن ویرم دیسه ومالی الان اقچه یی ویرمسه
بووعدی ایدن کیمسه نك اقچه یی ویرمسی لازم کلور

۸۵ ماده

برشیئك نفعی ضمانی مقابله سنده در
یعنی برشی تلف اولدیغی تقدیرده خساری کیمه غائد
ایسه انك ضماننده دیمك اولوب اول کیمسه نك بووجهله
ضمانی اول شی ایله انتفاعه مقابل اولور

مثلاً خیار عیب ایله رد اولسان بر حیوانی مشتری
قولانمش اولسندن طولایی بایع اجرت الله ماز زیر اقبل
الرد تلف اولیدی خساری مشتری به عائد اوله جق
ایدی

۸۶ ماده

اجرت ایله ضمان مجتمع اولان

۷۸ ماده

مضرت منفعت مقابله سنده در

یعنی بر شیئک منفعتنه نازل اولان انک مضرتنه متحمل اولور

۸۸ ماده

کلفت نعمته ونعمت کلفته کوره در

۸۹ ماده

بر فاعلک حکمی فاعلنه مضاف قلنور • ومجبور اولدقچه

امرینه مضاف قنماز

۹۰ ماده

مباشر یعنی بالذات فاعل ایله متسبب مجتمع اولدقده

حکم اول فاعله مضاف قلنور

مثلاً برینک طریق عامده قازمش اولدیغی قویی به دیگری

برینک حیوانی القایله اتلاف ایتسه اوضامن اولوب

قویی بی حفر ایدن کیسه به ضمان لازم کلز

۹۱ ماده

جواز شرعی ضمانه منافی اولور
مثلا بر آدمک کندو ملکندده قازمش اولدیغی قویییه
بر ینک حیوانی دوشوب تلف اولسه ضمان لازم کیمز

۹۲ ماده

مباشر متعهد اولسدده ضامن اولور

۹۳ ماده

متسبب متعهد اولدجه ضامن اولماز

۹۴ ماده

حیواناتک کندولکندن اوله رق جنایت ومضرتی
هدردر

۹۵ ماده

غیرک ملکندده تصرفله امر ایتک باطلدر

۹۶ ماده

بر کیمسه نیک ملکندده انک اذنی اولمق سزین آخر بر کیمسه نیک
تصرف ایتیمی جائز دکلدر

۹۷ ماده

بلا سبب مشروع بر ینک مالنی بر کیمسه نیک اخذ اتمی
جائز اولماز

۹۸ ماده

برشیده سبب تملک تبدلی اول شیئک تبدلی مقامنه
قائمدر

۹۹ ماده

کیمکه برشیء وقتندن اول استعجال ایلر ایسه محرومیتله
معاتب اولور

۱۰۰ ماده

هرکیمکه کندو طرفندن تمام اولان شیء نقض ایتکه سعی
ایدر ایسه سعیی مردود در



✽ کتاب اول ✽

(بیوع حقنده اولوب بر مقدمه ایله یدی)

(بابہ منقسمدر)

✽ مقدمه ✽

(بیوعه متعلق اصطلاحات قفیهه بیاننده در)

۱۰۱ ماده

ایجاب • انشای تصرف ایچون ابتدا سو یلنیلان
سوزدر که تصرف انکله اثبات اولنور

۱۰۲ ماده

قبول • انشای تصرف ایچون ثابا سو یلنیلان سوزدر که
انکله عقد تمام اولنور

۱۰۳ ماده

عقد • طرفینک بر خصوصى التزام وتعهد ایتمل یدر که
ایجاب وقبولک ارتباطندن عبارتدر

۱۰۴ ماده

انعقاد • ایجاب وقبولک متعلقنده اثری ظاهر اوله جق
وجهله یکدیگره بر وجه مشروع تعلقیدر

۱۰۵ ماده

بیع • مالی ماله دکشمکدر که منعقد یاخود غیر منعقد اولور

۱۰۶ ماده

بیع منعقد • انعقاد بولان بیع دیمک اوله رق صحیح
وفاسد و نافذ و موقوفه تقسیم اولور

۱۰۷ ماده

بیع غیر منعقد • بیع باطلدر

۱۰۸ ماده

بیع صحیح • یعنی بیع جائز ذاتاً و وصفاً مشروع اولان بیعدر

۱۰۹ ماده

بیع فاسد • اصلاً صحیح اولوبده و صفاً صحیح اولمیان
یعنی ذاتاً منعقد اولوبده بعض اوصاف خارجییه سی
اعتبار یله مشروع اولمیان بیعدر (باب سابعه باق)

۱۱۰ ماده

بیع باطل • اصلاً صحیح اولمیان بیعدر

۱۱۱ ماده

بیع موقوف • غیرک حق تعلق ایدن بیعدر بیع فضولی کی

۱۱۲ ماده

فضولی • بغیر اذن شرعی دیگر بر کیمسه نک حقنده
تصرف ایدن کیمسه در

۱۱۳ ماده

بیع نافذ • غیرک حق تعلق ایتیان بیعدر که لازم و غیر
لازم قسملرینه منقسم اولور

۱۱۴ ماده

بیع لازم . خیاراتدن عاری اولان بیع نافذدر

۱۱۵ ماده

بیع غیر لازم . کندوسنده خیاراتدن بریمی بولنان

بیع نافذدر

۱۱۶ ماده

خیار . مخیر لك دیمكدر تنكیم باب مخصوصنده بیان

اولنه جقدر

۱۱۷ ماده

بیع بات . بیع قطعی دیمكدر

۱۱۸ ماده

بیع الوفا . برکیمسه برمالی آخره ثمنی رد ایتدکده کیر و

و یرمک اوزره شو قدر غروشه صاتمقدر که مشتری مبیع

ایله انتفاع المئسنه نظرا بیع جائز حکمنده و طرفین بونی

فسخه مقتدر اولدقلری جهته بیع فاسد حکمنده و مشتری

مبیعی آخره صانه مدیغی جهته رهن حکمنده در

۱۱۹ ماده

بیع بالاستقلال . بابع برمالی استیجار اینمک اوزره وفاء

بیع اینمکدر

۱۲۰ ماده

بیع . مبیع اعتبار یله دخی درت قسمة تقسیم اولنور
 قسم اول . ثمن مقابله سنده دیکر مالی صاتمقدر که بیوعک
 الک مشهوری بو اولدیغندن بو کا (بیع) تسمیه اولنور
 قسم ثانی . صرف و قسم ثالث بیع مقایضه و قسم رابع سلمدر
 ۱۲۱ ماده

صرف . نقدی نقده بیع ایتکدر که ترکیه آقچه بوزمق
 تعبیر اولنور

۱۲۲ ماده

بیع مقایضه . عینی عینه یعنی غیر از نقدین مالی ماله مبادله
 ایتکدر که لسان ترکیده طرانیه دینلور
 ۱۲۳ ماده

سلم . مؤجلی مجمله صاتمقی یعنی پشین پاره ایله ویره سییه
 مال المقدر

۱۲۴ ماده

استصناع . برشی یا بمقی اوزره اهل صنعت ایله عقد مقاوله
 ایتکدر که یاپانه (صانع) و یاپدیرانه (مستصنع)
 و یاپیلان شیئه (مصنوع) دینلور
 ۱۲۵ ماده

ملك . انسانك مالك اولدیغی شیدر كرك اعیان اولسون
 و كرك منافع اولسون

۱۲۶ ماده

مال . طبع انسانی مائل اولو بده وقت حاجت ایچون
ادخار اولنه بیلان شیدر که منقوله و غیر منقوله شامل
اولور

۱۲۷ ماده

مال متقوم . ایکی معنایه استعمال اولنور . بری
انتفاعی مباح اولان شیدز . دیکری مال محرز دیمکدر
مثلا دکرده ایکن بالی غیر متقوم اولوب اصطیاد ایله
احراز اولندوقده مال متقوم اولور

۱۲۸ ماده

منقول . بر محلدن محل آخره نقلی ممکن اولان شیدر
که نقود و عروضه و حیوانات و مکیلات و موزونات
شامل اولور

۱۲۹ ماده

غیر منقول . عمار دنیلان خانه و اراضی مثللو محل
آخره نقلی ممکن اولمیان شیدر

۱۳۰ ماده

نقود . نقدک جمعی اولوب التون و کموشدن عبارتدر

۱۳۱ ماده

عروض . عرضک جمعی اولوب نقود و حیواناتدن

و مکیلات و موزوناتدن بشقه اولان متاع و قاش امشالی شیردر
۱۳۲ ماده

مقدرات . کیل یا وزن یا صابی یا ذراع ایله مقداری
تعیین اولنان شیر اولوب مکیلات و موزونات و عددیات
و مذروعاته شامل اولور
۱۳۳ ماده

کیلی و مکیل . کیل ایله اولچیلان شی
۱۳۴ ماده

وزنی و موزون . طاریلان شی
۱۳۵ ماده

عددی و معدود . صاییلان شی
۱۳۶ ماده

ذری و مذروع . ارشون ایله اولچیلان شی
۱۳۷ ماده

محدود . حدود و سنورلری قابل تعیین اولان عمار
۱۳۸ ماده

مشاع . حصص شایعه بی حاوی اولان شی
۱۳۹ ماده

حصه شایعه . مال مشترک هر جزئه ساری و شامل
اولان سهدر

۱۴۰ ماده

جنس • شامل اولدیغی افرادی باینده غرضجه تفاوت
فاحش اولمیان شیدر

۱۴۱ ماده

جزاف و مجازفه • کوتوری بازار دیمکدر
۱۴۲ ماده

حق مرور • آخرک ملکندن پچمک حقیدر
۱۴۳ ماده

حق شرب • بر نهردن نصیب معین معلومدر
۱۴۴ ماده

حق مسیل • بر خانهک خارج مصوی و سبلی آقق
و طاملهلق حقیدر

۱۴۵ ماده

مثلی • چارشو و بازارده معتدبه یعنی بهانک اختلافنی
موجب بر تفا و تسر مثلی بولنان شیدر

۱۴۶ ماده

قیمی • چارشو و بازارده مثلی بولنمیان یاخود بولنور
سه ده فیئآتجه متفاوت اولان شیدر

۱۴۷ ماده

عددیات متقاربه • آحاد و افرادی باینده قیمتجه تفاوت
اولمیان معدوداتدر که هب مثلیاندندر

۱۴۸ ماده

عددیات متفاوتہ . آحاد و افرادی بیننده قیمتہ تفاوت
بولنان معدوداتدر کہ ہب قیمتدن معدود اولور

۱۴۹ ماده

رکن البیع . یعنی مبيعك ماہیتی مالی مالہ دکشمکدن
عبارت اولوب آنجق بوکا دلالت ایتک حسیلہ ایجاب
و قبولہ دخی (رکن بیع) اطلاق اولنور

۱۵۰ ماده

محل البیع . مبیعدن عبارتدر

۱۵۱ ماده

بیع . صاتیلان شی کہ بیعدہ تعین ایدن عیندر و بیعدن
مقصود اصلی او در

زیرا انتفاع انجق اعیان ایلہ اولوب ثمن مبادلہ اموالہ
وسیلہ در

۱۵۲ ماده

ثمن . صاتیلان شیئک بهاسیدر کہ ذمتہ تعلق ایدن شیدر

۱۵۳ ماده

ثمن مسمی . طرفینک بالتراضی تسمید و تعین ایتسدکاری

ثمندر کرک قیمت حقیقیہ مطابق اولسون و کرک ناقص

یا زائد اولسون

۱۵۴ ماده

قیمت . بر مالک بهای حقیقیسمیدر

۱۵۵ ماده

مثن . ثمن مقابلنده صاتلش شی

۱۵۶ ماده

تأجیل . دینی بر وقت معینه تعلیق و تأخیر اتمکدر

۱۵۷ ماده

تقسیمط . دینی متعدد و معین و قتلزده تأدیه اتمک اوزره

تأجیل در

۱۵۸ ماده

دین . ذمتده ثابت اولان شیر

مثلا بر کیمسه نك ذمتنده شو قدر غروش بورجی و میدانده

موجود اولمیان شو قدر غروش و میدانده موجود اولان

اچقه نك یاخود بر بیغین بغدایك قبل الافراز بر مقدار

معینی هب دین قبیلندندر

۱۵۹ ماده

عین . معین و مشخص اولان شیر

مثلا بر خانه و بر آت و بر صندالیه و میدانده موجود بر

بیغین بغدای و بر مقدار اچقه هب اعیاندندر

۱۶۰ ماده

بایع • مال صاتااز

۱۶۱ ماده

مشتري • صاتون الان

۱۶۲ ماده

متبايعان • بايع ايله مشـتریدر که (عاقدین) دخي
دينور

۱۶۳ ماده

اقله • عقد بيعی رفع و ازاله اتمکدر

۱۶۴ ماده

تغیر • الدائمق

۱۶۵ ماده

غبن فاحش • عرومنده نصف عشر و حیواناتده عشر
و عقارده خمس مقداری و یادهاز یاده الدائمقدر

۱۶۶ ماده

قدیم • اولدر که اولنی بیلور کمسنه اولمیه

(شرح)

عروض کله سی عقار و حیوانات و مکیلات و موزوناته
مقابل اوله رق استعمال اولنور ایسه ده بعضاً دخی
یا لکز حیوان و عقاره مقابل اوله رق استعمال اولنور
مجله نك یوز التمش بشجی ماده سنده مکیلات و موزونات
مذکور اولدیغندن عروض بوراده مکیلات و موزوناته
شامل اولور مجله جمعیتنده بورجهله مطالعه اولنمشدر

(جودت)

(باب اول)

(عقد بعه متعلق مسائل بیاننده اولوب بش فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن بیع حقننده دَر)

۱۶۷ ماده

ایجاب و قبول ایله بیع منعقد اولور

۱۶۸ ماده

بعده ایجاب و قبول عرف و عادت بلده ده انشای بیع
ایچون مستعمل اولان لفظلر در که بونلرله بازارلق
کسیلوب لسانمزدده خیرلشمق تعبیر اولنور

۱۶۹ ماده

ایجاب و قبول ایچون اکثر یا ماضی صیغه سی استعمال
اولنور

مثلا بایع شو متاعی سکا یوز غروشه صاتم و مشتری
دخی الدم و یا خود مشتری الدم و بعده بایع صاتم دیسه
بیع منعقد اولوب اولکی صورتده (صاتم) لفظی
ایجاب و (الدم) لفظی قبول و ایکنجی صورتده الدم

لفظی ایجاب و صاتمدم لفظی قبولدر و کذا بایع صاتمدم
 رنده و یردم و یاخود تملیک ایتدم دیوب مشتری دخی
 ادم رنده راضی اولدم و یاخود قبول ایلدم دیسه بیع
 منعقد اولور

۱۷۰ ماده

آلورم و صاتمدم کبی مضارع صیغه سیله حال مراد
 اولورسه بیع منعقد اولور و اگر استقبال مراد اولور
 سه منعقد اولماز

۱۷۱ ماده

آله جفم صاتا جفم کبی وعد مجرد معناسنه اولان مستقبل
 صیغه سیله بیع منعقد اولماز

۱۷۲ ماده

صات و صاتون آل کبی امر صیغه سیله دخی بیع منعقد
 اولماز . فقط بطریق الاقتضا حاله دلالت ایدن امر ایله
 دخی بیع منعقد اولور

مثلا مشتری شو مالی بکا شو قدر غروشه صات دیوب
 بایع دخی صاتمدم دیسه بیع منعقد اولماز . اما بایع بو
 مالی شو قدر غروشه آل دیوب مشتری دخی آلدن دیسه
 یاخود مشتری آلدن دیوب بایع دخی آل و یاخود وار
 خیرینی کور دیسه بیع منعقد اولور

زیرا بو مقامده ال و یاخود وار خیرینی کور تعبیر لری
ایشته صاتم آل دیمکدر

۱۷۳ ماده

ایجاب و قبول شفاها اولدیغی کبی مکاتبه ایله دخی اولور
۱۷۴ ماده

دلسزك اشارت معروفه سیله بیع منعقد اولور
۱۷۵ ماده

ایجاب و قبولدن مقصد اصلی که تراضی طرفیندر بوکا
دلالت ایدن مبادله فعلیه ایله دخی بیع منعقد اولور
و بوکا بیع (تعاطی) دینلور .

مثلا بازار لقسنز و لاقردیسز مشتری اقچه بی و یروب
اتمکجی دخی اکا اتمکی ویرسه بیع منعقد اولور .
و کذا مشتری اقچه بی و یروب قارپوزی السه و بابع
سکوت ایتسه ینه بیع منعقد اولور .

و كذلك مشتری بغدادی المق ایچون بغدادیچی ینه بش
انتون و یروب وشو بغدادی قاچه صاتیورسین دیوب
اودخی کیله سی بر التونه دیمسی اوزر ینه مشتری سکوت
ایتد کدنص کره بغدادی ایستدکنده بابع یارین ویررم
دیسه و بینلرنده ایجاب و قبول جریان ایتسه بیع ینه
منعقد اولور . حتی فرداسی بغدادی کیله سی بر بچق

التونه چي قسه بايع ينه برالتون في ايله و يرمكه مجبور
 اولور . و بالعكس بغدادك بهاسي تنزل ايتسه مشري
 بوندن طولاني اولكي في ايله المقدن امتناع ايده من .
 كذلك مشري بولحمك شورامندن بكا شو قدر غروشلق
 طارت ديمسي اوزرينه قصاب دخی كسوب طارتسه
 بيع منعقد اولوب مشري المقدن امتناع ايده من .

۱۷۶ ماده

بعد العقد ثمنك تبديلي و ياخود تزويد و يا تنزيلي ايله تكرار
 بازارلق اولندقده عقد ثاني معتبردر .
 مثلا برمالك يوز غروشه بازارلخی كسلد كدن صكره
 بريوزلك التونه ياخود يوز اون و يا طقسمان غروشه
 تكرار بازارلق اولندقده عقد ثاني معتبردر .

(فصل ثاني)

(قبولك ايجابه موافق اولمسنك لزومي بيانده در)

۱۷۷ ماده

عاقديندن بري هر نه ايله نه بي ايجاب ايدرسه ديكرى دخی
 بعينها انكه انى قبول ايتك لازمدر . يوقسه ثمنى
 ياخود ثمنى تبعض و تفريق ايتكه صلاحيتى يوقدر .

مثلاً بايع مشتری به شو قاشی سکا يوز غروشه صاتم
دیدکده مشتری اولوجهله قبول ایدرسه تمام او قاشی
يوز غروشه آ اور . يوقسه اول قاشی یاخود نصفی
الی غروشه قبوللانه من .

و کذا شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم دیدکده
مشتری قبول ایدرسه ایکیسنی اوچ بیک غروشه الور
اما ایکیسندن برینی بیک بشیوز غروشه الهماز .
۱۷۸ ماده

قبولك ايجابه ضمنا موافقتی کافیدر

مثلاً بايع شومالی سکا يوز غروشه صاتم دیوب مشتری
دخی بیک بشیوز غروشه آ لدم دیسه بیع بیک غروش
اوزرینه منعقد اولور . انجق اول مجلسده بايع اول
زیاده بی قبول ایدرسه مشتری طرفدن زیاده قلمش
اولان بشیوز غروشك دخی اعطاسی لازم کلور .
و کذا مشتری شومالی بیک غروشه آ لدم دیوب بايع دخی
سکزیوز غروشه ویردم دیسه بیع منعقد اولوب ایکی
يوزك حط و تنزیلی لازم کلور .

۱۷۹ ماده

متبايعانندن بری متعدد شيلرك بهالرينی تفصيل ايتسه بيله
صفقه واحده ايله يعنی طوپدن اوله رق بیعی ايجاب

ایتد کده دیکری دخی اولوجهله قبول ایدرک فمجموع
ثمن ایله مجموع مبیعی اله بیلور .

یوقسه صفقه بی تفریق ایدرک ایچندن دیلدیکی ذکر
اولنان بهاسیله قبول ایدوب المقده مخیر دکادر .

مثلا بایع شو ایکی حیوانی اوچ بیک غروشه صاتم
شو بیک غروشه و بوا یکی بیک غروشه و یاخود هر بری
بیک بشر یوز غروشه در دیسه مشتری ایکیسنی اوچ
بیک غروشه اله بیلور . یوقسه ایکیسندن دیلدیکی
ذکر اولنان بهاسیله اله مز .

و کذا بایع شو اوچ طوپ قاشی یوز غروشه صاتم
دیوب مشتری دخی برطوپنی یوز غروشه یاخود ایکی
طوپنی ایکی یوز غروشه قبول ایدم دیسه بیع منعقد اولماز
۱۸۰ ماده

متبايعانندن بری متعدد شیلرک بهارینی تفصیل و بشقه
بشقه بیعی ایجاب ایتدیکی صورته دیکری دیلدیکی
ثمن مساسیله قبول ایتسه بیع منعقد اولور .

مثلا بایع متعدد مبیعک بهارینی تفصیل و تعیین ایله برابر
صاتم لفظنی دخی تکرار ایدرک شونی بیک غروشه
صاتم و بونی ایکی بیک غروشه صاتم دیرسه اول
حاله مشتری ایکیسندن برینی معین اولان بهاسیله
قبول ایدوب اله بیلور .

(فصل ثالث)

(مجلس بیع حقنده در)

۱۸۱ ماده

مجلس بیع بازارلق ایچون اولان اجتماعدر

۱۸۲ ماده

مجلس بیعه بعدالایجاب نهایت مجلسه قدر طرفین مجیر در
مثلا متبایعاندن بری مجلس بیعه بومالی شو قدر
غروشه صاتم یا خود آ لدم دیو بیعی ایجاب ایسه
دیگری در عقب آ لدم یا خود صاتم دیمو بده بر مدت
اراسی کچد کدن صکره ینه اول مجلسه قبول ایسه
بیع منعقد اولوب هر نقدر مجلس اوزون اوزادی یه
سورمش و ایجاب و قبولک اره سی خیلی اوزامش
اولسه ده ضرر ویرمز

۱۸۳ ماده

بعدالایجاب قبل القبول احد طرفیندن اعراضه دلالت
ایدر بر قول یا خود فعل بولنور ایسه ایجاب باطل
اولوب قبوله محل قالمز

مثلا متبایعاندن بری صاتم یا خود آ لدم دید کدن صکره
ایکیسندن بریسی بشقه بر ایشله یا خود بر دیگر بحث

ومذا کره ايله مشغول اولسه ايجاب باطل اولوب
اندن صکره قبول ايله بيع منعقد اولماز

۱۸۴ ماده

متبايعاندن بری بيعی ايجاب ايدوب انجسق ديکرينک
قبولندن اول رجوع ايتسه ايجاب باطل اولوب اندن
صکره قبول ايله بيع منعقد اولماز .

مثلا بايع بومتاعی شوقدر غروشه صاتم ديوبده
مشتري قبول ايتدم ديمدين رجوع ايتسه مشتريک
صکره دن قبول ايتدم ديمسيله بيع منعقد اولماز

۱۸۵ ماده

قبل القبول ايجابک تکراری ايجاب اولی ابطال ايدوب
ايجاب ثانيه اعتبار اولنور

مثلا بايع بومالی يوز غروشه صاتم ديدکدن صکره
هنوز مشتري قبول ايتدم ديمدين دونوب يوز يکرمی
غروشه صاتم ديسه ومشتري قبول ايتسه ايجاب
اوله اعتبار اوليوب بيع يوز يکرمی غروش اوزينه
منعقد اولنور

(فصل رابع)

(شرطله بیع حقنده در)

۱۸۶ ماده

عقد بیعك مقتضاسندن اولان شرطله بیع صحیح و شرط
معتبر اولور

مثلا بایع قبض ثمن ایدنجیه دك میبعی حبس ایتك
شرطیله صاندقده بو شرط بیعه ضرر و یرمیوب بلكه
مقتضای عقدی پیاندر

۱۸۷ ماده

مقتضای عقدی تأیید ایدن شرطله بیع صحیح و شرط
معتبر در

مثلا فلان شیئی ترهین ایتك یا خود شو آدمی کفیل
و یرمك شرطیله برشی صاتمق صحیح و شرط معتبر در .
حتی مشتری بو شرطله رعایت ایتز ایسه بایع میبعی
فسخ ایده بیلور . زیرا بو شرطلر مقتضای عقد
اولان تسلیم ثمنی تأیید ایلر

۱۸۸ ماده

متعارف یعنی عرف و عادت بلده ده جاری اولان شرطله

بیع دخی صحیح و شرط معتبر در

مثلا کور کی قابلامق و کلیدی رینه میخلامق و یرتق
البسه بی یامه مق شرطیله صائمق صحیح اولوب بو
بو شرطه دخی بایعک رعایت ایتسی لازم کاور

۱۸۹ ماده

احد عاقدینه نفعی اولیان شرطیله بیع صحیح اولوب
انجق شرط فاسددر

مثلا آخره صائمق یا خود مرعایه صالحو یرمک
شرطیله بر حیوانی صائمق صحیح اولوب فقط شرط
اغودر

(فصل خامس)

(اقاله بیع حقننده در)

۱۹۰ ماده

عاقدین بعد العقد رضایله بیعی اقاله ایده بیلور لر

۱۹۱ ماده

بیع کبی (اقاله) دخی ایجاب و قبول ایله اولور
مثلا عاقدیندن بری بیعی اقاله یا خود فسخ ایتدم
ودیکری قبول ایتدم دیسه و یا خود بری بیعی اقاله
ایت و دیکری ایتدم دیسه اقاله صحیح یعنی بیع منفسخ اولور

۱۹۲ ماده

ایجاب و قبول مقامه قائم اولان تعاطی صورتیله دخی
اقاله صحیح اولور

۱۹۳ ماده

بیع کبی اقاله ده دخی اتحاد مجلس لازمدر
یعنی مجلس ایجاب بده قبول بولمق لازم کلوب یوقسه عاقدیندن
بری بیعی اقاله ایتدم دیو بده دیگری اول مجلسده قبول
ایتمدین مجلس بوزلسه یا خود احد طرفیندن اعراضه
دلالت ایدر بر شی صادر اولسه بعده دیگری نك قبولی
مفید اولماز

۱۹۴ ماده

حین اقاله ده مبیع مشتری یدنده قائم و موجود اولمق شرطدر
بناء علیه مبیع تلف اولمش ایسه اقاله صحیح اولماز

۱۹۵ ماده

مبیعک بعضیسی تلف اولسه باقیسنده اقاله جائزدر
مثلا بایع اکینیله برابر ملکی اولان ارضی صاتو بده
مشتری اکینی بچد کد نصکره اقاله ایلسه لر ارضده ثمندن
حصه سیله اقاله صحیح اولور

۲۴۶ ماده

ثمنک تلف اولسی اقاله نك صحتنه مانع دکادر

(باب ثانی)

مبیعه متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصله منقسمدر

(فصل اول)

(مبیعك شروط و اوصافی حقنده در)

۱۹ ماده

مبیعك موجود اولسی لازمدر

۱۹ ماده

مبیعك تسلیمی ممکن و مقدور اولق لازمدر

۱۹ ماده

مبیعك مال متقوم اولسی لازمدر

۲۰ ماده

مبیعك مشترینك معلومی اولق لازمدر

۲۰ ماده

مبیعك معلومیتی سائرندن تمیز ایده جك حال و وصفی

بان ایله حاصل اولور

تلاشو قدر کیله قزله بغدادی . یا خود فلان و فلان حدود

ایله محدود اولان عرصه دیو صاتلسه مبیع معلوم و

صحیح اولور

۲۰۲ ماده

مبيع مجلس بيمده حاضر ايسه اشارت حسيه كافيدر
مثلا بايع شوحيواني صاندم ديوب مشتري دخی کوره رك
قبول ايده جك بيع صحيح اولور

۲۰۳ ماده

مبيعك مشتري عنندنه معلوم اولسي كافي اولوب بشقه
صورته تعريف و توصيفه حاجت يوقدر

۲۰۴ ماده

مبيع عقدده كي تعيين ايله تعين ايدر
مثلا بايع اشارت حسيه ايله تعين ايدرك شو ساعتی
صاندم ديوب مشتري دخی قبول ايتد كده بايعك اول
ساعتی عينا ويرمسی لازم كلور . يوقسه اني اليقويوبده
يرينه اول جنسدن ديكر بر ساعت ويره مز

(فصل ثاني)

(بيعی جائز اولوب اولميان شيلر بياننده در)

۲۰۵ ماده

معدومك بيعی باطلدور
مثلا بر اغاجك هيچ بلورغامش اولان ميوه سنی صا تمق
باطلدور

۲۰۶ ماده

کاملا بلور مش اولان میوه بی اکله صالح اولسون
اولسون اغاجی اوزرنده ایکن صاتمق صحیحدر

۲۰۷ ماده

افرادی متلاحق اولان یعنی بردن ظهور ایتیمونده رفته
رفته ظهور ایده کلان میوه و شکوفه و پیراق و سبزه نک
بر مقداری بلور مش اولدیغی حالمده انلره تبعاً انلرله برابر
هنوز بلور مامش اولنلری دخی طوپدن صاتمق صحیح اولور

۲۰۸ ماده

جنسی بیان اولنهرق صاتیلان شی بشقه جنسیدن
چیقسه بیع باطل اولور

مثلاً بایع صرچه بی الماس دیو صاتسه باطلدر

۲۰۹ ماده

تسلیمی ممکن و مقدور اولمیان شیء صاتمق باطلدر
مثلاً در یایه باطوبده اخراجی ممکن اولمیان قایغک و
طوتوبده تسلیمی ممکن اولمیان بر فراری حیوانک بیعی
باطلدر

۲۱۰ ماده

بین الناس مال اولمیان شیء صاتمق یاخود انکله بر مال
صاتون آلمق باطلدر

مثلا لاشه بی و حر اولان بنی آدمی صاتمق و یاخود انلرک
مقابلنده بر مال اشترا ایتک باطلدر

۲۱۱ ماده

مقوم اولمیان مالی صاتمق باطلدر

۲۱۲ ماده

مقوم اولمیان مال ایله بر مال صاتون المق فاسددر

۲۱۳ ماده

مجهولک بیعی فاسددر

مثلا بایع مشتری یه مالک اولدیغم کافه اشیا می سکا شو قدر

غروشه صاتمدم دیوب مشتری دخی الدم دیسه و لیکن

اشیا مشترینک معلومی اولسه بیع فاسد اولور

۲۱۴ ماده

بر مالک عقارک قبل الافراز بر حصه معلومه شایعه سنی

مثلا نصفنی یا ثلثنی یاخود عشرینی صاتمق صحیحدر

۲۱۵ ماده

بر کیمسه حصه شایعه سنی شریکندن اذن المقسزین آخره

صاته بیلور

۲۱۶ ماده

ارضه تبعه حق مرورك و حق شربك و حق مسیلك

و قنواته تبعه صویك بیعی جائزدر

(فصل ثالث)

(مبيعك کیفیت بیعنه متعلق مواد بیانده در)

۲۱۷ ماده

مکیلات و موزونات و عددیات و مزروعاتک کیل و وزن
و صابی و زراع ایله بیعی صحیح اولدیغی کبی جزافا
صائق دخی صحیحدر

مثلا بایع بریغین بغدادی، و برطام صمانی و بریغین طوغله یی
و بردنک متاعی کوتوری صاتسه صحیح اولور

۲۱۸ ماده

حبوباتی برمعین قاب و اولچک ایله اولچوب و یاخود
برمعین طاش ایله طارتوب صاتسه هر نقدر اول قاب
و اولچکک نه مقدار ایدوکی و طاشک قاج قیه و درهم
اولدیغی معلوم دکلسه ده بیع صحیح اولور

۲۱۹ ماده

منفردا صاتلمسی جائز اولان شیئک مبیعدن استثناسی
دخی جائز اولور

مثلا بایع راغاجک میوه سندن شو قدر قیه سی کند و سنه قالمق
اوزره باقیسنی صاتسه صحیح اولور

۲۲۰ ماده

مقدراتك يالكز افراد واقسامنه بها تقدير ايدرك طوپدن
صاتمق صحیح اولور

مثلا بريغين بغدادی و بر قايق اودونی و بر سوری قویونی و بر
پاستال چوقایی کیله سی یا چکیسی یا قیه سی و یا هر رأس
یا خود هر زراعی شو قدر غروشه اولمق اوزره صاتمق
صحیح اولور

۲۲۱ ماده

محدود اولان عقارات ذراع و دونم ایله صاتلیدیگی کی
تعیین حدود ایله دخی صاتیلور

۲۲۲ ماده

عقد بیع نه مقدار اوزینه واقع اولور سه انجق اکا
اعتبار اولنور
۲۲۳ ماده

مکیلات و عددیات مقاربه ایله تبعیضنده ضرر اولمیان
مودوناتدن بر مجموعک مقداری بیان اولنهرق صاتلدقده
کرکسه یالکز اول مجموعک شنی ذکر اولنسون کرک
کیله سنک یا عدد و وزنک بهاسی بیان و تفصیل
اولنسون بیع صحیح اولور

فقط لدى التسليم تمام چيقارسه بيع لازم اولور .
 و ناقص چيقارسه مشترى مخير اولوب ديلرسه بيعى
 فسخ ايدر . و ديلرسه ظهر ايدن مقدارى نمندن
 حصه سيلاه آلور . و زائد چيقارسه زيادهسى بايعكدر
 مثلا بايع بريغين بغدادى ضوېدن اوله رق اللى كيله
 اولق اوزره بشيوز غروشه ياخود اللى كيله اولق
 اوزره هر كيله سنى اوزر غروشه صائده تمام كلورسه
 بيع لازم اولور و قرق بش كيله چيقارسه مشترى مخير
 اولوب استرسه بيعى فسخ ايدر استرسه قرق بش كيله بي
 درتيوز اللى غروشه آلور و اللى بش كيله چيقارسه
 فضلهسى اولان بش كيله بايعكدر

و كذا بر كوفه يمورطه يوز عدد در ديو اللى غروشه
 ياخود يوز عدد ديو دانهسى يكرميشر پارهيه صائده
 عند التسليم طقسان عدد چيقارسه مشترى مخير اولوب
 ديلرسه بيعى فسخ ايدر ديلرسه طقسان يمورطه بي قرق
 بش غروشه الور و اكر يوز اون عدد چيقارسه
 فضلهسى اولان يمورطه بايعكدر

كذلك بر فوجى ياغ يوز قيه اولق اوزره صائده
 حكمى منوال مشروح اوزره در

۲۲۴ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقداری
 بیان و یالکز اول مجموعك بهاسی ذکر اولندهرق
 صاتلدهده لدی التسلم ناقص چیقارسه مشتری مخیر
 اولوب دیلرسه بیعی فسخ ایدر و دیلرسه چیقان مقداری
 مجموع ثمن مسما ایله الور و زائد کلورسه زیادهسی
 مشتریك اولوب بایع مخیر اوله ماز

مثلا بش قیراطدر دیو یکر می بیک غروشه صاتیلان بر
 الماس طاش درت بوچق قیراط چیقسه مشتری مخیر
 اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه اول طاشی یکر می
 بیک غروشه الور و اکر بش بوچق قیراط چیقارسه
 اول طاش یکر می بیک غروشه مشتریك اولوب بونده
 بایع مخیر اوله ماز

۲۲۵ ماده

تبعيضنده ضرر اولان موزوناتدن بر مجموعك مقدار یله
 اقسام اجزاسنك بهاسی دخی بیان و تفصیل اولندهرق
 صاتلدهده لدی التسلم كرك ناقص چیقسون و كرك
 زائد چیقسون مشتری مخیر اولوب دیلرسه بیعی فسخ
 ایدر و دیلرسه چیقان مقداری اقسام و اجزا ایچون
 بیان اولنان بها حساب ایله الور

مثلاً بش قیه در دیو هر قیه سی قرقر غروشه صاتیلان
بر باقر منقال درت بوچق یاخود بش بوچق قیه چیقسه
ایکی صورتده دخی مشتری نخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر
ودیلسه اول منقال درت بوچق قیه ایسه یوز سگسان
غروشه و بش بوچق قیه ایسه ایکیوز یکرمی غروشه آلور
۲۲۶ ماده

كرك عرصه اولسون و كرك امتعه و اشياى سائر اولسون
على العموم مذروعاتدن بر مجموعك مقداری و یا لكز اول
مجموعك بهاسی بیان یاخود ذراعنك دخی بهاسی تفصیل
اولنه رق صاتلدقده ایکی صورتده دخی حکمی تبعیضنده
ضرر اولان موزوناتك حکمی کبدر . فقط کرباس
و چوقه مثللو قطع و تبعیضنده ضرر اولمیان امتعه و اشیا
مکیلات حکمنده در

مثلاً یوز ارشون اولمق اوزره بیک غروشه صاتیلان بر
عرصه طقسان بش ارشون چیقسه مشتری نخیر اولوب
دیلسه ترك ایدر و دیلسه اول عرصه بی بیک غروشه
الوروزاند چیقسه مشتری تماماً اول عرصه بی بیک غروشه
آلور

و کذا بر قات روبه لق اولمق اوزره یا بیلش اولان بر طوپ
قاش سکر ارشوند دیو درتیوز غروشه صاتلسه یدی

ارشون چيقديغى تقديرده مشترى مخير اولوب ديلرسه
ترك ايدر وديلرسه درتيوز غروشه اول طوپى آلور
وطقوز ارشون چيقديغى صورتده مشترى تماما اول طوپى
درتيوز غروشه آلور

كذلك يوز ارشون اولمق اوزره هر ارشونى اوزر غروشدن
ديو صاتيلان بر عرصه طقسان بش ياخود يوز بش ارشون
چيقديغى تقديرده مشترى مخير اولوب ترك ايدر ياخود
طقسان بش ارشون ايسه طقوز يوز اللى غروشه و يوز
بش ارشون ايسه بيك اللى غروشه آلور

و كذا برقات روبره لى اولمق اوزره يانلش اولان برطوپ قاش
سكز ارشوندر ديو ارشونى اللى مشر غروشه صاتلسه يدى
ياخود طقوز ارشون چيقديغى صورتده مشترى مخير اولوب
ترك ايدر ياخود يدى ارشون ايسه اوچ يوز اللى غروشه
وطقوز ارشون ايسه درتيوز اللى غروشه آلور

اما بريستال چوقه يوز اللى ذراع اولمق اوزره يدى بيك
بشيوز غروشه ديو ياخود هر ذراعى اللى مشر غروشه ديو
صاتلقدده يوز قرق ذراع چيقسه مشترى مخير اولوب
ديلرسه بيعى فسح ايدر . وديلرسه يوز قرق ذراعى يدى
بيك غروشه آلور . و اگر زائد چيقه بارسه زياده سى
بايعكدر

۲۲۷ ماده

عدد یات متفاوتده یالکز مجموعک مقدار بهاسی بیان
اولنه برق صائلدقده عند التسليم تمام کلورسه بیع صحیح
ولازم اولور . وناقص ویاخود زائد کلورسه ایکی
صورتده دخی بیع فاسد اولور

مثلا الی رأس در دیو ایکی بیک بشیوز غروشه صاتیلان
برسوری قیون عند التسليم قرق بش یاخود الی بش
رأس چیقسه بیع فاسد اولور

۲۲۸ ماده

عدد یات متفاوتده مجموعک مقدار یله آحاد وافرادیکنک
بهاسی بیان وتفصیل اولنه برق صائلدقده عند التسليم
تمام کلورسه بیع لازم اولور . وناقص چیقارسه مشتری
مخیر اولوب دیلرسه ترك ایدر و یلرسه اولمقداری
نمن مسمادن حصیه سیله الور . وزائد کلورسه بیع فاسد
اولور

مثلا الی رأسدر دیو هر بری الیشر غروشه صاتیلان
برسوزی قویون قرق بش رأس چیقسه مشتری مخیر
اولوب دیلرسه ترك ایدر و دیلرسه قرق بش قویونی ایکی
بیک ایکیوز الی غروشه الور والی بش رأس چیقارسه
بیع فاسد اولور

۲۲۹ ماده

مواد آنفہ دن مشتریك مخیر اولدیغی صورتلرده مشتری
مبیعك ناقص اولدیغی بیلرلك قبض ایتدکدن صکره بیعك
فسخنده مخیر اوله ماز

(فصل رابع)

(صراحة ذکر اولتمهترین بیعه داخل اولوب)

(اولیمان شیر بیلمنده در)

۲۳۰ ماده

عرف بلدهده مبیعك شامل اولدیغی هر شی من غیر ذکر
بیعه داخل اولور

مثلا خانه بیعنده مطبخ وکیلاری وزیتونلك بیعنده زیتون
اچاچلری من غیر ذکر داخل اولور زیرا مطبخ وکیلار
خانهك مشتملاتنددر وزیتونلك برطالم زیتون اچاچلرینی
حاوی اولان ارضه اطلاق اولنور یوقسه یالکز برارضه
زیتونلك تعبیر اولنماز

۲۳۱ ماده

مبیعك جزئی حکمنده اولان یعنی غرض اشترايه نظرا
مبیعدن انفسكا کی قابل اولیمان شیر من غیر ذکر بیعه
داخل اولور

مثلا کلیدک بیعنده مفتاحی وسوتی ایچون انسان اینکک
بیعنده سوت امن یاورسی من غیر ذکر داخل اولورلر
۲۳۲ ماده

مبیعک توابع متصله مستقره سندن اولان شیر من غیر ذکر
بیعده تبعاً داخل اولور

مثلا برقوناغک بیعنده میخلانمش کلیدلر ویرلی طولاب
ومندر لکیر کبی یرلی اولمق اوزره موضوع ومبئی اولان
شیر وحدودی داخلنده اولان باغچه سبیل طریق عامه
یاخود چیقماز زقاغه موصل اولان یوللر وباغچه وعرصه
بیعنده مستقر اولمق اوزره مغروس اغاچار بازارلقده
تصریح اولنسه دخی مبیعدن ایرلیوب برابر صماتلمش
اولورلر

۲۳۳ ماده

اسم مبیعک مشتملاتندن یاخود مبیعک توابع متصله
مستقره سندن اولمیان ومبیعک جزئی حکمنده ویا انکله
برابر صماتلمی عرف وعادت اقتضاسندن بولنمیان شیر
حین بیعده ذکر اولمقد قجه بیعده داخل اولماز . فقط
عرف وعادت بلده جده مبیعه تبعاً صماتیله کلان شیر من
غیر ذکر بیعده داخل اولور

مثلا خانه بیعنده یرلی اولمیان طولاب وقنه په وصندالیه

کبی یرلی اولیو بده قالدیرلیق اوزره موضوع اولان
 شیر و باغ و باغچه بیعنده لیمون و چیمچک صاقس-یلری و
 آخر محله نقل اولتمق اوزره دیکلمش اولان فدانلر و
 اراضی بیعنده اکین و اشج-ازک بیعنده میوه بازارلقده
 ذکر و شرط اولندقجه مبیع ایله برابر صاتلمش اولمازلر
 فقط برلکده صاتلمسی عرف و عادت اولان یرلرده بنک
 آتک کمی و یوک بارکیرینک یولاری من غیر ذکر بیعده
 داخل اولور

۲۳۴ ماده

تبعاً بیعده داخل اولان شیئک ثمندن حصه سی یوقدر
 مثلاً یوک بارکیرینک قبل القبض یولاری سرقت اولنسه
 ثمن مسمان برشی تنزیل ایتک لازم کلز

۲۳۵ ماده

حین بیعده علاوه اولنان بعض الفاظ عمومیه نك شامل
 اولدیغی شیر بیعده داخل اولور

مثلاً بايع شو خانه یی جمیع حقوقیله صاتدم دیسه اول
 خانه نك حق مروری و حق شربی و حق مسیلی بیعده
 داخل اولور

۲۳۶ ماده

بعد العقد و قبل القبض مبیعده حاصل اولان ثمره

و زیاده مشتری به عائد اول نور
مثلا بر باغچه صائند قدہ قبل القبض حاصل اولان میوه
و سبزہ مشتری به عائد اولور
کذلک صائش اولان اینکک قبل القبض تولد ایدن
یاورسی مشتری نیک مالیدر

(باب ثالث)

(ثمنہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب ایکی فصلی حاویدر)
(فصل اول)

(ثمنک اوصاف و احوالہ مرتب اولان مواد بیانندہ در)

۲۳۷ ماده

حین ببعده تسمیة ثمن لازمدر
بناء علیہ مبیعک بهاسی ذکر اولنماز ایسه بیع فاسد اولور

۲۳۸ ماده

ثمنک معلوم اولماسی لازم در

۲۳۹ ماده

ثمنک معلومیتی میداندہ ایسه مشاہدہ ایله دکل ایسه
مقدار و وصفی بیان ایله حاصل اولور

۲۴۰ ماده

متنوع التون تداول ایدن بلده ده نه درلواتون اولدیغی
بیان اولنمتسزین علی الاطلاق شوقدر التون دیو بازارلق

اولنیه بیع فاسد اولور، کومش سکه دخی بو کاقیناس اولنه
۲۴۱ ماده

غروش اوزرینه بازارلق اولندقدده مشتری رایج
اولان مسکو کاتک ممنوع اولمیان هر قنغی نوعندن استر
ایسه ویره بیلور
۲۴۲ ماده

ثمنک وصفی بیان اولنده رق بازارلق اولندیغی صورتده
عقد هر قنغی نوع نقد اوزرینه واقع اولمش ایسه اندن
ویرملک لازم کلور

مثلا مجیدیه التونی یاخود انگلیز ویا فرانسیز التونی
ویاخود یکرملک مجیدیه ویا دیرکلی ریال ویرملک اوزر، دیو
بازارلق اولندیغی صورتده هر نه درلو مسکو کات دینلش
ایسه اندن ویریلور
۲۴۳ ماده

عقدده کی تعیین ایله ثمن تعیین ایتمز
مثلا مشتری النده کی یوزلک التونی کو ستره رک شوالتون
ایله بومالی اشترایتدم دیوب بایع دخی ویردم دیدکده
مشتری عینا اول التونی ویرمکه مجبور اولماز بلکه اتی
الیقویوبده یرینه مثلی اوله رق بشقه بریوزلک التونی
ویره بیلور

۲۴۴ ماده

بر نوع مسکوکاتک برینه اجزاسی دخی و بریله بیلور
فقط بو خصوصده عرف و عادت بلده یه اتباع اولنق لازم
کلور

مثلا یکر میلک مجیدیه دیو بازارلق اولندیغی صورتده
یکرمیلک برینه اجزاسندن اولان اولنق و بشلک دخی
و بریله بیلور اما الحاله هذه در سعادتده جاری اولان عرف
و عادتده نظرا یکر میلک برینه اجزاسندن اولان قرقلق
و ایکمیلک و بریله مز

(فصل ثانی)

(وعده ایله صاتش حقهده اولان مواد بنیانده در)

۲۴۵ ماده

ثمنی تأجیل و تقسیط ایله بیع صحیح اولور

۲۴۶ ماده

ثمنک تأجیلنده و تقسیطنده مدت معلوم و معین اولق
لازم در

۲۴۷ ماده

شو قدر کون یا آیی و یا سنه و یا خود روز قاسم کبی عاقدین
عندنده معلوم و معین اولان بروقته قدر وعده ایله بازارلق
اولنسه بیع صحیح اولور

۲۴۸ ماده

(یغمور یا غدیغی وقت) کی معین اولمیان بر مدت بیانله
بازارلق اولنسه بیع فاسد اولور

۲۴۹ ماده

ویرمسی به بازارلق اولنوبده مدت تعیین اولنسه بر آیه
مصرف اولور

۲۵۰ ماده

ثمنك تأجيل و تقسیطنده مقباوله اولنسان مدت مبیعك
تسلیمندن اعتبار اولنور

مثلا بر سنده وعده ایله صاتلمش اولان بر متاعی بایع بر
سنه توقیف ایتد کدنصکره مشتری به تسلیم ایتسه حین
تسلیمندن اعتبار ابر سنه بکلمسی یعنی وقت بیعدن تمام
ایکی سنه مرورنده مشتریك آنچه بی ویرمسی لازم کلور
۲۵۱ ماده

بیع مطلق پیشین اولق اوزره منعقد اولور . فقط بیع
مطلق بر مدت معلومه ایله موقت و مقسط اولق اوزره
عرف و عادت اولان یرده اول مدته مصرف اولور
مثلا پیشین یا ویرمسی به لاقر دیسی اولقسز بن چارشودن
بری برشی السه آنچه سنی پیشین ویرمسی لازم کلور . فقط
آی یا هفته باشنده ثمنك تمامی یا خود بر مقدار معینی التحق
عادت بلده ایسه اول عاده رعایت اولنور

(باب رابع)

(بعد العقد ثمن و ثمنده تصرفه متعلق مسائل بیانده)

(اولوب ایکی فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بعد العقد و قبل القبض بايعك ثمنده و مشتريك مبيعهده)

(حق تصرفلری بیانده در)

۲۵۲ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعهده تصرف ايده ييلور
مثلا بر كيمسه صاتمش اولديغي مالك آقچه سني بورجنه
حواله ايده ييلور

۲۵۳ ماده

مشتري قبل القبض مبيعي عقار ايسه آخره صاته ييلور
واكر منقول ايسه صاته ماز

(فصل ثانی)

(بعد العقد ثمن و مبيعك تزويد و تنزيلي بیانده در)

۲۵۴ ماده

بايع بعد العقد مبيعك مقدار يني زياده ايده ييلور و مشتري
مجلس زياده ده قبول ايدر ايسه اول زياده يي طلبه حق
اولوب بايعك ندامتي مفيد اولماز . اما اول مجلسدن
صكره مشتريك قبولي معتبر دكلدر

مثلا يکرمی غروشه يکرمی عدد قارپوز بازارلق اولندقدن
 صکره بايع بش دهها ویردم دیوب مشتری دخی اول
 مجلسده قبول ایدرایسه يکرمی غروشه يکرمی بش قارپوز
 الور اما اول مجلسده قبول ایتیموده صکره دن قبول
 ایده جک اولسه بايع اول زیاده یی ویرمک اوزره اجبار
 اولنه ماز

۲۵۵ ماده

مشتري بعد العقد ثمن مسمايی تزید ایده بیلور • و بايع
 مجلس زیاده ده قبول ایدرایسه اول زیاده یی طلبه حقی
 اولوب مشترینک ندامتی مفید اولماز • اما اول مجلسدن
 صکره بايعك قبولی معتبردکلدر

مثلا بيك غروشه بر حیوان بازارلق اولندقدن صکره مشتری
 اکیوز غروش دهها ضموزیاده ایتدم دیوب بايع دخی اول
 مجلسده قبول ایدرسه اول حیوانی بيك اکیوز غروشه
 الور • اما بايع اول مجلسده قبول ایتیموده صکره دن
 قبول ایده جک اولور ايسه مشتری فضله ویره جک
 اولدیغی اکیوز غروشی ویرمکه اجبار اولنه ماز

۲۵۶ ماده

بايعك بعد العقد ثمن مسمادن بر مقدارینی حط و تنزیل
 ایتسی صحیح و معتبردر

مثلا بر مال یوز غروشه پازارلق اولندقدن صکره بایع یکر می
غروشنی تنزیل ایتدم دیسه اول مالک مقابلهنده انجق
سکسان غروش الهیلور

۲۵۷ ماده

بعد العقد بایعك مقدار مبیعی و مشتریك ثمن مسمایی تزید
ایتمری و یا بایعك ثمن مسمادان تنزیلی اصل عقده ملتحق
اولور یعنی اصل عقد کویا اول تزید و یا تنزیل اوزرینه
واقع اولمش حکمنده طوتیلور

۲۵۸ ماده

بعد العقد بایع مبیعی تزید ایتدکده زیادهك ثمن مسمادان
حصه سی اولور

مثلا بایع اون غروشه صاتمش اولدیغی سکز قارپوز
اوزرینه ایکی قارپوز دهسا زیاده و مشتری قبول ایتدیکی
صورتده اون غروشه تمام اون قارپوز صاتمش اولوب
حتی قبل القبض بو ایکی قارپوز تلف اولسه بهالرینک
ثمندن تنزیلیله سکز قارپوز ایچون بایع انجق سکز غروش
طلب ایده یلور

کذلک بایع عرصه سنک بیک ذراعنی اون بیک غروشه
صاتدقدن صکره یوز ذراع دخی زیاده و مشتری قبول

ایتدیکی تقدیرده برشفیع چیتسه اون بیک غروشه مجموعی
یعنی بیک یوز ذراعنی الهیلور
۲۵۹ ماده

بعد العقد مشتری ثمن مسمای تزیید ایتدکده ثمن مسما
ایله زیاده نك مجموعی عاقدين حقنده تمام مبیعه مقابل اولور
مثلا اون بیک غروشه بر ملك عقار اشترا اولندقدن صکره
قبل القبض مشتری بشیوز غروش دها زیاده و بایع قبول
ایتدیکی صورتده اول عقارک بهاسی اون بیک بشیوز
غروش اولوب حتی بر مستحق چیقارق بعد الاثبات
والحکم اول عقاری السه مشتری بایعدن اون بیک بشیوز
غروش طلب و اخذ ایده بیلور اما اول عقاره برشفیع
چیتسه چونکه انک حق اصل عقدده تسمیه اولنان ثمن
اوزرینه تعلق ایتمش اولدیغنه و صکره کی زیاده نك عاقدينه
کوره اصل عقدده التحاقی انک حقنی اسقاط ایده میه چکنه
مبنی اول عقاری شفيعی اولان کیمسه اون بیک غروشه
الهیلور صکره دن زیاده اولنان بشیوز غروشی بایع اندن
طلب ایده من

۲۶۰ ماده

بعد العقد بایع ثمن مبغی حط و تنزیل ایتدکده مبیعک تمامی
ثمن مسما نك باقیسنه مقابل اولور

مثلا بر ملك عقار اون يك غروشه اشترا اولندقدن صكره
 بايع يك غروشنى حط وتنزيل ايتديكى صورتده اول
 عقار طقوز يك غروشه مقابل اولوب بناء عليه بر شفع
 چي قسه انى طقوز يك غروشه الهيلور

۲۶۱ ماده

بايع قبل القبض ثمن مبيعك بجله سنى حط ايده بيلور
 فقط اصل عقده ملتحق اولماز

مثلا بايع بر ملك عقارى اون يك غروشه صائدقدن
 صكره قبل القبض اول اچقه دن كاملا واز كچسه شفيعى
 اول عقارى اون يك غروشه الهيلور . يوقسه اچقه سز
 الورم ديه من

(باب خامس)

(تسليم وتسليمه متعلق مسائل بياننده اولوب التى)

(فصلى حاويدر)

(فصل اول)

(تسليم وتسليمك حقيقت وكيفيتي بياننده در)

۲۶۲ ماده

بيعه قبض شرط دكلدر . فقط بعد العقد اولو مشتري
 ثمنى بايعه وثانيا بايع مبيعى مشتريه ويرمكه بورجلو اولور

۲۶۳ ماده

مبيعك تسليمي مشتريك بلا مانع مبيعي قبض ايد بيله جك
و جهله تسليمه بايعك اذن و یرمسيله حاصل اولور

۲۶۴ ماده

مبيعك تسليمي حاصل اولديغي كي مشتري دخي آني قبض
ايتش اولور

۲۶۵ ماده

مبيعك اختلافيله كيفيت تسليمي دخي مختلف اولور

۲۶۶ ماده

مشتري عرصه و اراضينك ايچنده بولنديغي و يا خود
برطرفدن كورر اولديغي حالده قبضه بايعك رخصت
و یرمسي تسليمدر

۲۶۷ ماده

اوزرنده اكين اولان ارضك تسليمنده اوزرنده كي
اكيني بچوب يا خود حيوانه يديرو بده ارضي تخلیه ايتمه
بايع مجبور اولور

۲۶۸ ماده

اوزرنده ميوه اولان اغاچك تسليمنده ميوه سني ديوشروب
اغاچي تخلیه ايتمه بايع مجبور اولور

۲۶۹ ماده

افاج اوزرنده اوله رق صاتلمش اولان میوه بی مشتری نك
دیو شرمسند بایعك رخصت ویرمی تسلیمدر

۲۸۰ ماده

خانه و باغ کبی کلیدلی عقارك ایچنده ایکن بایعك مشتری به
تسلیم ایتدم دیمسی تسلیمدر و خارچنده ایکن مبیع اکر
مشتری در حال انی کلیدلیه بیله جك مرتبه قریب ایسه
مجرد تسلیم ایتدم دیمسی تسلیمدر . و اکر اول مرتبه
قریب دکل ایسه اورایه واروبده ایچنه کیره بیله جك قدر
وقت مرور بیله تسلیم تحقق ایدر

۲۷۱ ماده

کلیدلی عقارك مفتاحی ویرمك تسلیمدر

۲۷۲ ماده

حیوان باشندن یا قولاغندن و یا یولارندن طوتیلوب تسلیم
اولنور . فقط مشتری نك کلفت سزجه تسلیمه قدرتی اولان
محمده ارانه سیله قبضه رخصت اعطاسی دخی تسلیمدر

۲۷۳ ماده

مکیلات و موزونات مشتری نك امریله کیل یا وزن
اوله رق تهیه و اعطا ایلدیکی ظرف و قاب دروننه قونلق
تسلیمدر

۲۷۴ ماده

عروضك تسليمی مشتریك الله اعطاسيله ياخود يانته
قویق ویا میدانده اولوبده بالارائه قبضنه رخصت ویرمك
ایله اولور

۲۷۵ ماده

انبار و صندوق کبی کلیدی بر محل ایچنده بولسان شیر
طوپدن صاتلقدده مفتاحك مشتری به اعطاسيله قبضنه
رخصت ویرمك تسلیمدر

مثلا بر انبار بغدادی یاخود بر صندوق كتاب طوپدن
صاتلقدده مفتاحك اعطاسی مبیعی تسلیم دیمکدر

۲۷۶ ماده

مشتری مبیعی قبض ایدر ایکن بايعك کوروبده منع
ایتماسی قبضنه رخصتدر

۲۷۷ ماده

بايعك اذنی اولقسزین مشتریك ثمنی تأدییه ایتمدین مبیعی
قبض ایتمسی معتبر دکدر

فقط مشتری بلا اذن قبض ایدوبده یا ندده مبيعك تلف
اولور یاخود سقط لنور ایسه قبض معتبر اولور

(فصل ثانی)

(مبیعك حق حبسنه دائر مواد بیانده در)

۲۷۸ ماده

پشین صاتشدہ مشتری ثمنی تماماتادیہ ایدنجدیہ دک بایعك
مبیعی حبس و توقیف ایتك حق واردر

۲۷۹ ماده

بایع اشیای متعدده بی صفتہ واحده ایله صاتدقده هر
برینك بشقه بشقه بهاسنی بیان ایتش اولسه بیله تماما
ثمنی قبض ایدنجدیہ دک مجموع بیعی حبس ایدہ یلور
۲۸۰ ماده

مشترینك رهن و کفیل و برمیسی بایعك حق حبسنی
اسقاط ایدہ من

۲۸۱ ماده

بایع ثمنی قبض ایتدین مبیعی تسلیم ایدر ایسه حق حبسنی
اسقاط ایتش اولور

بو صورتده ثمنی قبض ایدنجدیہ دک توقیف ایتك اوزره
مبیعی استرداد ایدہ من

۲۸۲ ماده

ثمن مبیعی الموق اوزره بایع برکیمسه بی مشتری اوزرینه
سدواله ایدر ایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور

و بصورت ده همان مبیعی مشتری به تسلیم ایتسی لازم کلور
۲۸۳ ماده

و یره سی به صاتشده بابعك حق حبسی اولیوب وعده سی
حلوننده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی مشتری به
تسلیم ایتسی لازم کلور
۲۸۴ ماده

بابع پشین اولمق اوزره صاتدقدن صکره ثمن مبیعی
تأجیل ایدر ایسه حق حبسنی اسقاط ایتش اولور
و وعده سی حلوننده ثمنی قبض ایتك اوزره همان مبیعی
تسلیم ایتسی لازم کلور

(فصل ثالث)

(مکان تسلیم حقنده در)

۲۸۵ ماده
عقد مطلق حین عقدده مبیع زره ده ایسه اوراده تسلیمینی
اقتضا ایدر

مثلا بر کیمسه تکفور طاغنده کی بغدادینی استانبولده بر
کیمسه به صاتدقده اول بغدادینی تکفور طاغنده تسلیم
ایدر یوقسه استانبولده تسلیم ایتك اوزره اجبار اولنده ماز
۲۸۶ ماده

مبیعك زره ده اولدیغی مشتریك معلومی اولیوبده

بعد العقد مطلع اولسه مخیر در . دیلر سه بیعی فسخ ایدر
و دیلر سه حین عقدده مبیع نره ده ایسه اوراده قبض ایلر
۲۸۷ ماده

بر محل معینده تسلیم اولنق شرطیله صاتمش اولان مالک
اوراده تسلیمی لازم کلور

(فصل رابع)

(تسلیمک مؤنتی یعنی کافتی و لوازم تمامیتی بیاننده در)
۲۸۸ ماده

ثمنه متعلق اولان مصارف مشتری به عائد در
مثلا آنچه نك صایمه و طارتمه اجر تلی کبی مصارف
صرافیله مشتری طرفندن ویرملک لازم کلور
۲۸۹ ماده

مبیعک تسلیمه متعلق مصرفلر بایعه عائد در
مثلا کیله جی و قنطار جی اجر تلینی بایعک ویرمی لازم
کلور
۲۹۰ ماده

جزافا صاتیلان شیرلک مؤنتی مشتری به عائد در
مثلا بر باغک اوزومی مجازفة صاتلدقده دیو ش-یرمی
مشترینک اوزرینه در

كذلك بر انبار بغدادی مجازفة صائلد قده انباردن اخراج
و نقلی مشتریك اوزرینه لازمدر

۲۹۱ ماده

اودون و کور کبی حیوان اوزرنده محموله اتمش
اولان شیلری مشتریك خانه سنه نقل ایتك امرنده عرف
و عادت بلده نه ایسه اكا اتباع اولنور

۲۹۲ ماده

سند و حجت تحریری اجرتی مشتری اوزرینه لازمدر .
فقط بايعك دخی محکمه ده بیعی تقریر و اشهاد اتمسی لازم
کلور

(فصل خامس)

(هلاك مبیعه مترتب اولان مواد بیاننده در)

۲۹۳ ماده

مبیع قبل القبض بايعك یدنده تلف اولسه مشتری حقنده
بر شی ترتب ایتمیوب ضرری بايعه عائد اولور

۲۹۴ ماده

مبیع بعدالقبض تلف اولسه بايع حقنده بر شی ترتب
ایتمیوب ضرری مشتری به عائد اولور

۲۹۵ ماده

مشتری مبیعی قبض ایدوب لکن ثمنی تأدیه ایتمدین مفلسا

فوت اولسه بايع مبيعى استرداد ايده ميوب غرمایه داخل
اولور

۲۹۶ ماده

مشتري مبيعى قبض و ثمنی تأديه ايتدين مفلسا فوت اولسه
بايع ثمنی مشتري نك تركه سندن استيفا ايده نجه يه دك مبيعى
حبس ايده بيلور

بو صورتده حاكم مبيعى بيع ايدوب ثمنی وفا ايدر ايسه
بايعك اله جغی تماما ايفا ايدر و فضله سی قالدیغی تقدیرده
غرمایه ويرر و اكر بايعك اله جغندن ناقص ايسه اول
ثمنی بايع تماما الدقندن صكره نقصانی غرامه مشتري نك
تركه سندن الور

۲۹۷ ماده

بايع ثمنی قبض ايدوب لكن مبيعى مشتري يه تسليم ايتدين
مفلسا فوت اولسه مبيع بايع يدنده امانت قالمش اولور
بو صورتده مشتري مبيعى اولوب سائر غرما مداخله ايده من

(فصل سادس)

(سوم شرا و سوم نظر حقنده در)

۲۹۸ ماده

سوم شرا طريقيله يعنى تسميه ثمن اولنه رق اشترایتك

اوزره مشترينك قبض ايدوبده کوتوردیکی مال مشتری
 يندنه تلف و ضایع اولدوقده قیامتدن اولدیغی تقدیرده
 قیمتنی و مثلیاتدن اولدیغی تقدیرده مثلی بایعه و یرمسی
 لازم کلور. اما ثمن نسیمه اولنماش ایسه مشتری یندنه
 امانت حکمنده اوله رق بلا تعد تلف و ضایع اولدیغی
 حالده ضمان لازم کلز

مثلا بايع بو حيوانك بهاسی ياك غروشدركوتور بكنور
 ايسهك آل ديوب مشترى دخى اولوجهله اشترا ايتك
 اوزره اولوب کوتورسه و خانه سنده حيوان تلف اولسه
 دكر بهاسنى بايعه و یرمسی لازم کلور. اما بهاسی بیان
 ايدليهرك بايع کوتور بكنور ايسهك الورسون ديوب
 مشترى دخى بكنور ايسه بعده بازارلغنى ايدوبده اشترا
 ايتك اوزره کوتوردكده يندنه بلا تعد تلف اولسه ضمان
 لازم کلز

۲۹۹ ماده

سوم نظر طريقيله يعنى كورمك يا خود كوسترمك اوزره
 قبض اولنان مال كرك بهاسی بیان اولنسون و كرك بیان
 اولنسون قابضك يندنه امانت اوله رق بلا تعد تلف
 و ضایع اولسه ضمان لازم کلز

(باب سادس)

(خبیارات بیانده اولوبیدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(خیاری شرط بیانده در)

۳۰۰ ماده

بایع یا مشتری و یا خود ایکیسی بردن مدت معلومه
ایچنده بیعی فسخ ایتمک یا خود اجازت ایله انفاذ ایتمک
خصوصنده مخیر اولمق اوزره بیعده شرط قیلق جائز در

۳۰۱ ماده

خیاری شرط ایله مخیر اولان ظرف مدت خیارینده یعنی مخیر
اولدیغی مدت ظرفنده دیلرسه بیعی فسخ ایدر و دیلرسه
مخیر اولور

۳۰۲ ماده

کرم فسخ و کرم اجازت قول اولدیغی کبی فعلا دخی
اولور

۳۰۳ ماده

اجازت قولیه اجازت ویردم یاراضی اولدم کبی رضایه
و فسخ قولی فسخ ایتدم یا واز کچدم کبی عدم رضایه
دلالت ایدن سوزلر در

۳۰۴ ماده

اجازت فعلیه رضایه و فسخ فعلی عدم رضیه دلالت
ایدن فعلدر

۱۰. مثلاً مشتری مخیر اولد یغی حالد مدت خیارینده بیعی
صاتلغه چیقار مق یاخود رهن و یا ایجار ایتک کی
تملکک لوازمندن اولان بروجله تصرف ایتسی اجازت
فعلیه و بایع مخیر اولد یغی حالد اولوجهله تصرف
ایتسی فسخ فعلدر

۳۰۵ ماده

مخیر اولان کیمسه بیعی فسخ و یاخود انفاذ ایتدین مدت
خیار مرور ایدر ایسه بیع تمام او اور
۳۰۶ ماده

خیار شرط وارثه انتقال ایتز

بو صورتده مخیر اولان کیمسه بایع ایسه و قاتبله مشتری
مبیعه مالک اولور ۰ و اگر مخیر مشتری ایسه و قاتنده
وارثی مخیر اولمق سزین مبیعه مالک اولور
۳۰۷ ماده

بایع و مشتری ایکیمی بردن مخیر اولد قلی تقدیرده هر
قنغیسی فسخ ایدر ایسه بیع منفسخ اولور ۰ و هر قنغیسی اجازت
و یرزه یالکز انک خیاری زائل اولوب دیگرکی مخیر قالور

۳۰۸ ماده

یا لکز بایع مخیر اولدیغی صورتده مبیع کندی ملکندن
چیقمیوب ینه کندوسنک مالی عد اولنور . و مبیع
بعد القبض مشتری یدنده تلف اولسه ثمن مسمی لازم
کلیوب مشتریک یوم قبضنده کی قیمتی ویرمی لازم کلور
۳۰۹ ماده

یا لکز مشتری مخیر اولدیغی صورتده مبیع بایعک ملکندن
چیقوب مشتریک مالی عد اولنور . و مبیع بعد القبض
مشتری یدنده تلف اولسه ثمن مسمک اعطاسی لازم کلور

(فصل ثانی)

(خیابار وصف بیانده در)

۳۱۰ ماده

بایعک بروصف مرغوب ایله متصف اولمق اوزره صاتمیش
اولدیغی مال اول وصفدن عاری چیقسه مشتری مخیر در .
دیلسه بیعی فسخ ایدر و دیلسه مجموع ثمن مسمایله
مبیعی قبول ایدر بوکا خیابار وصف دیرلر
مثلا صاغیلور دیو صاتمیش اولان براینک سوتدن کسالمش
اولدیغی ظاهر اولسه مشتری مخیر اولور
و کذا کیجه وقتی قرمزی یا قوتدر دیو صاتیلان ط'ش صاری
یا قوت چیقسه مشتری مخیر در

۳۱۱ ماده

خیار وصف وارثه انتقال ایدر

یعنی خیار وصف ایله مخیر اولان مشتری وفات ایدیجک
مبیعت اول وصفدن عاری اولدیغی ظاهر اولدوقده وارثک
دخی بیعی فسخ ایتمک صلاحیتی واردر

۳۱۲ ماده

خیار وصف ایله مخیر اولان مشتری مبیعه تملکک لوازمندن
اولان بروجهله تصرف ایدر سه خیار ابطال ایتمش اولور

(فصل ثالث)

(خیار نقد حقه در)

۳۱۳ ماده

بایع و مشتری فلان وقته قدر تأدیة ثمن اولمق و اولنه مزسه
بینلرنده بیع اولمق اوزره بازارلق ایتمسه لر صحیح اولور
بوکا خیار نقد دینلور

۳۱۴ ماده

مدت معینه ده مشتری ثمنی تأدیة ایده مز ایه خیار نقد
ایله عقد اولنان بیع فاسد اولور

۳۱۵ ماده

خیار نقد ایله مخیر اولان مشتری مدت معینه ایچنده
وفات ایدر ایه بیع باطل اولور

(فصل رابع)

(خیار تعیین بیانده در)

۳۱۶ ماده

قیمتدن ایکی یاخود اوچ شیئك بشقه بشقه بهاری بیان
اولسه رق بونلردن مشتری دیلدیکنی المق یاخود بابع
دیلدیکنی ویرمك اوزره صاتمق صحیح اولور
بوکا خیار تعیین دینلور

۳۱۷ ماده

خیار تعیینده تعیین مدت لازمدر

۳۱۸ ماده

خیار تعیین ایله مخیر اولان کیمسه مدت تعیینه مرورنده
الدیغی شیئی تعیینه مجبور اولور

۳۱۹ ماده

خیار تعیین وارثه انتقال ایدر

مثلا اعلی و اوسط و ادنی اولق اوزره بر جنسدن اوچ
طوپ قاشك اوچ یا درت کون ظرفنده مشتری قنغیسنی
اختیار ایدر ایسه المق اوزره بابع لاعلی تعیین برینی
صاتسه و مشتری دخی بو منوال اوزره قبول ایتمسه
بیع منعقد اولور و مدت تعیینه مرورنده مشتری برینی

تعیین ایله ثمن مناسنی ویرمهک مجبور در . وقبل تعیین
وفات ایتسه وارثی دخی اولوجهله برینی تعینه مجبور
اولور .

(فصل خامس)

(اختیار رؤیت حقنده در)

۳۲۰ ماده

برکیمسه بر مالی کورمدین اشترا ایتسه کورنجهیه دک مخیردر
کوردکده دیلرسه فسح ایدر و دیلرسه قبول ایدر
بوکا اختیار رؤیت دینلور

۳۲۱ ماده

خیار رؤیت وارثه انتقال ایتمز

بناء علی ذلک مشتری المش اولدیغی مالی کورمدین وفات
ایتسه وارثی مخیر اولقسزین اول ماله مالک اولور

۳۲۲ ماده

مالی کورمدین صاتان بایع ایچون اختیار رؤیت یوقدر
مثلا برکیمسه کندویه ارثا انتقال ایدن مالی کورمدین
صاتسه بیع بلاخیار منعقد اولور

۳۲۳ ماده

خیار رؤیت بحنده رؤیت مبیعک اصل مقصدی
یلدیرن حال و محلند واقف اولمقدن کنایه در

مثلا مشترى ايجى طيشى بردوزى به اولان سساده
 وقاشك طيشنى وچيچكلى وچبوقلى قاشك چيچكلى
 وچبوقلىنى كوروب ودول ايجون النان قيونك ممد
 واتى ايجون النان قيونك ارقه سنى يوقلايوب وما كولا
 ومشروبانتك چاشني سنى طاتوبده بعده اشترا ايلسه
 رؤيت يوقدر

۳۲۴ ماده

نمونه كوسستريله رك صايتلان شـيلرك نمونه سنى كور
 كفايت ايدر

۳۲۵ ماده

مبيع نمونه دن دون چيقار ايسه مشترى مخير اول
 ديلرسه قبول ايدر وديلرسه رد ايدر

مثلا بغدادى وياغ وبردوزى به يانمش اولان بزوچ
 وامشالى معمولانك نمونه سنى باقىله رق اشترا اولنوبده
 نمونه دن اشاغى ظهور ايتسه مشترى مخير اولور

۳۲۶ ماده

خان و خانه كى عقار انك اشترا سنده هراوطه سنى كور
 لازمدر . فقط اوطه لرى يك نسق اولنلرك بر اوط
 كورمك كافيدر

۳۲ ماده

اوت شیلرک طوپدن اشترا سنده هر برینی بشقه بشقه
رمک لازمدر

۳۳ ماده

تری متفاوت شیلرک بعضیسنی کورو بده بعضیسنی
مدین طوپدن اوله رق اشترا ایتسه و کور مدیکی
دکده بکنسه مخیر اولوب دیلر سه هپسنی بردن
ل ایدر و دیلر سه هپسنی بردن رد ایدر . یوقسه
دیکنی الوبده بکنمادیکنی رد ایده مز

۳۴ ماده

ک بیع و شرایی صحیح اولوب فقط وصفی بیلدیکی
ل اشترا ایتدکده مخیر اولور

۲ وصفی بیلدیکی برخانه اشترا ایلسه مخیر اولوب
غنی اوکرنده دیلر سه قبول ایدر و دیلر سه رد ایدر
۲ ماده

قبل الشرا اعمایه وصف و تعریف اولنوبده اشترا
مخیر اوله ماز

۱ ماده

ث یوقلامق ایله معلوم اولان شیلرده ایله طوتوب
مسئله و قوقلیه حق شیلرده قوقلامسئله و طاتیله حق
به طاتمئله مخیرلکی ساقط اولور

یعنی بومثللو شیلری یوقلایوب ووقلایوبده بعده اش

ایلسه بیعی صحیح و لازم اولور

۳۳۲ ماده

برکیمسه شرا قصدیلله یعنی الیجی کوزیلله کورمش
اولدیغی مالی برمدت صکره اول مال اولدیغی بیلهرل
اشترایتسه خیاریؤیتی یوقدر • فقط اول مالده برتغ
حاصل اولمش ایسه اولوقت مخیر اولور

۳۳۳ ماده

مبیعک اشتراسنه یاخود قبضنه وکیل اولان کیمسه ناک
رؤیتی اصیلک رؤیتی کبیدر

۳۳۴ ماده

رسولک یعنی مجرد مبیعی الوب کوندرمکه مأمور
کوندر یلان آدمک رؤیتی مشترینک خیاریؤیتی
اسقاط ایلز

۳۳۵ ماده

مشترینک مبیعده تملکک لوازمسندن اولان بروجهله
تصرف ایتمی خیاریؤیتی اسقاط ایدر

(فصل سادس)

(خيار عيب پيائنده در)

ماده ۳۳۷

بيع مطلق مبيعك عيبدن سالم اولسنی اقتضا ايدر
 معنی عيو بدن برائتی شرط ايتكسزین و صاغلان
 اچوروك و قصورلی و قصورسز ديمكسزین مال صاتمق
 مالك صاغلان و عيبسز اولسنی ايجاب ايدر

ماده ۳۳۸

بيع مطلق ايله صاتيلان بر مالك عيب قديمی تين ايتدكده
 اشتری مخيردر ديلرسه رد ايدر و ديلرسه ثمن مسما ايله
 قبول ايلر . يوقسه مالی اليقويوبده عيبی ايجون بهاسنی
 تنقيص ايده مز . ايشته بوكا خيار عيب دينلور

ماده ۳۳۸

عيب ديواهل و اربابی بيننده مالك بهاسنه ايراث نقصان
 ايدن قصوره ديرلر

ماده ۳۳۹

عيب قديم بايع ينده ايكن مبيعهده موجود اولان قصوردر
 ماده ۳۴۰

بعدالبيع قبل القبض بايع ينده ايكن مبيعهده حادث اولان
 عيب موجب رد اولان عيب قديم حكمندهدر

۳۴۱ ماده

بایع حین بعهده مبیعک بر عیبی بیان ایدرک مشتری اول
عیب ایله قبول ایتدکده اول عیب سیبیله مخیر اوله ماز

۳۴۲ ماده

بایع بر مالی هر عیب دعواستندن دمتی بری اولوق شرطیله
ضائقده مشتری ایچسون خیار عیب یوقدر

۳۴۳ ماده

مشتری بر مالی هر عیبیله مقبولدر دیو اشترا ایترسه ارتق
انده عیب دعواستنه صلاحیتی یوقدر

مثلا مشتری بر حیوانی کور طوپال چوروک چاریق
هرنه ایسه مقبولدر دیو صاتون ایسه ارتق عیب
قدیمی وارایمش دیو رد ایده من

۳۴۴ ماده

مشتری مبیعک عیبینه مطلع اولدقدن صکره انده تملکک
لوازمندن اولان بوجه ایله تصرف ایته خیار عیبی
اسقاط ایتش اولور

مثلا مشتری مبیعی عیب قدیمه بعد الاطلاع بعه عرض
ایته یعنی صاتیلقه چیقارسه عیب رضا دیمک اوله رق
ارتق رد ایده من

۳۴۵ ماده

مبيعك مشترى عندنده بر عيبي حادث اولدقدن صكره
 عيب قديمى ميدانه چيقسه مشترينك بايعه رد ايتكه
 صلاحيتي اولميوب فقط نقصان ثمن ادعاسنه صلاحيتي
 واردر

مثلا مشترى صاتون الديغى بر طوپ قاشى كسوب
 بچدكدن صكره چوروك يا خود ياتقين اولمق مثالو بر عيب
 قديمه مطلع اولسه چونكى كسوب بچمسيله بر ايكي
 قصور دهيا پيدا اولديغندن رد ايده ميوب فقط عيب
 قديمندن طولايي نقصان ثمن الور

۳۴۶ ماده

نقصان ثمن بغيرض اهل وقوفك اخبارى ايله معلوم
 اولور

شويلاه كه مبيعك بر كره سالما و بر كره معيبا قيمتي تقويم
 و تقدير اولنوب بو ايكي قيمت بيشنده كي تفاوت سالما
 اولان قيمتك قاچده برى ايسه ثمن مسمانك اول نسيبتله
 نقصاني نقصان ثمن اعتبار اولنور

مثلا مشترى التمش غروشه الديغى بر طوپ قاشى كسوب
 بچدكدن صكره عيب قديمه مطلع اولنوقده اهل وقوف
 اول قاشك سالما قيمتي التمش و عيب قديمى ايله قيمتي

قرق بش غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر نقصان ثمن
اونبش غروش اولمغله مشتری نك انی طلب و دعوا ایتمه
صلاحیتی وار در

و اگر اول مالک سالما قیمتی سکسان و معیبا قیمتی التمش
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر اشبو ایکی قیمت بیننده کی
تفاوت که یکرمی غروش در سکسان غروشک ربعی اولمغله
ثمن مسمانک ربعی اولان یکرمی غروشی مشتری نك طلب
و دعوا یه صلاحیتی اولور

و اگر اول قاشک سالما قیمتی الی و معیبا قیمتی قرق
غروش اولدیغنی اخبار ایتسه لر ایکی قیمت بیننده تفاوت
اولان اون غروش الی غروشک خسی اولمغله ثمن
مسمانک خسی اولان اون غروش نقصان ثمن اعتبار
اولور

۳۶۷ ماده

عیب حادث زائل اولسه عیب قدیم ینه ردی موجب
اولور

مثلا بر حیوان اشترا اولنوبده مشتری عندنده خسته
اولدقدن صکره عیب قدیمی میدانده چیقسه آنی بایعه رد
ایده میوب نقصان ثمن آلور فقط اول خسته بق زائل اولسه
مشتری عیب قدیمی ایله اول حیوانی بایعه رد ایدر

۳۴۸ ماده

بایع اگر مشتری عندند بر عیب حادث اولدقن صکره
عیب قدیمی میدانه چیقان مبیعی اول عیب حادث ایله
کبرو المغه راضی اولور ایسه مانع رد بولمیدیغی
تقدیرده مشتری نک نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالمیوب
یامبیعی بایعه رد یا خود تمام بهاسیله قبول ایتمکه مجبور اولور
حتی مشتری اول مالی عیب قدیمه مطلع اولدقن صکره
آخره صاتسه ارتق نقصان ثمن ادعاسنه صلاحیتی قالماز
مثلا مشتری بر طوپ بز الوب کوملک کسدکدن صکره
چورولک ایدو کند مطلع اولدیغی حالده صاتسه بایعدن
نقصان ثمن ادعا ایده مز

زیرا بایع بنانی عیب حادث ایله یعنی کسلیش اولدیغی
حالده الوردیم دیه بیله جکندن مشتری انی صاتسیله
حبس و امسالک ایتمش اولور

۳۴۹ ماده

زیاده یعنی مبیعه مشتری نک مالندن بر شیئک ضم و علاوه سی
مانع رد اولور
مثلا بز دیکمک یا خود بویاتق ایله مشتری نک ایلمکی
یا خود بویاسی بزه ضم اولنق و کذا عرصه ده مشتری
طرفندن اغاج دیکلمک رده مانعدر

ماده

رد بولند بقی حالدہ بایع راضی اولسه دخی معیب
ن مبیعی کیر و اله میوب نقصان ثمن ویر مکہ مجبور

مشتري اول مالی عیب قدیمنه مطلع اولدقین صکره
سه بیله بایعدن نقصان ثمن اله بیلور

مشتري صاتون الدیغی برطوپ بزدن **ک**و ملک
بروب دیکدیر دکن صکره بزک چور وک اولدیغنه
ع اولدقده بایع راضی اولسه دخی استر ناد ایده میوب
ان ثمن ویر مکہ مجبور اولور و مشتری اول کو ملک
سه بیله بزک نقصان ثمنی بایعدن الور

بوصور تده مشتری ن مالی اولان ایملک مبیعه علاوه
حقاقی مانع رد اولغله بایع بن انی بویله کسلش و دیکلمش
دیغی حالدہ الور دم دیمکه صلاحیتی اولیه جغندن
زی انی بیع ایله حبس و امساک ایتش اولماز

ماده

قده واحده ایله اشترای اولنان شیلرک بعضیسی معیب
قدقده قبل القبض ایسه مشتری مجموعنی رد ایدر
بود ثمن مسما ایله قبول ایلر یوقسه معیبی رد ایدوبده
کری الیقویغنه صلاحیتی یوقدر . واکر بعد القبض

ایسه تفریقنده ضرر اولدیغی حالده یالکز معیب او
 ثمن مسما دن سالما حصه سیله رد ایدر و بایعک رضا
 اولمدقچه ایکیسنی بردن رد ایده من . اما تفریقنده ض
 اولدیغی حالده مجموعنی بردن رد ایدر یا خود مجموع
 ثمن مسما ایله قبول ایلر

مثلا قرق غروشه انسان ایکی فسدن بریسی قبل القبه
 قصورلی چیقسه ایکیسنی بردن رد ایده یلور . و اگر
 انقبض بریسی قصورلی چیقسه یالکز انی سالما قیمتی
 غروش ایسه قرق غروشدن تنزیل ایله رد ایدر .
 بر جفت ایاق قابی النوبده بعد القبض برتکی قصور
 چیقسه ایکیسنی بردن رد ایله تماما آقچه سنی استر
 ایده یلور

۳۵۲ ماده

مکیلات و موزوناتدن اوله رق بر شخص بر چتسدن او
 اوزره اشترا و قبض ایتمش اولدیغی مقدار معینک بعضیه
 چوروک بولسه مخیر در دیلر سه چله سنی قبول ایا
 و دیلر سه چله سنی رد ایدر

۳۵۳ ماده

بغدای و امشالی حیویات طیراقلی چیقدیغی تقدیرده عا
 قلیل عد اولنور سه بیع صحیح و لازم اولور و ا

اس عیب عد اولور درجده ایسه مشتری
اولور

ماده

ه و جوز مقوله سی شـیلرک بعضیسی فنا و چور و ک
یوزده اوچ کبی عرفا وعادة استکثار اولنیه جق
سی مغفو اولور • واکر قصورلی چیقان یوزده
ی چوق اولور سه مغفو اولیوب مشتری جله
ایعه رد ایله تماما ثمنی کیرو الور
ماده

ر اصلا منتقع به اولیه جق حالدّه ظهور ایدر ایسه
ل اولوب مشتری تماما ثمنی استرداد ایلر
تراولنسان یورطه اصلا ایشه یرامن صورته
جیقسه مشتری تماما آقچه سنی کیرو الور

(فصل سابع)

(غبن و تغیر بیانده در)

اده

تغیر غبن فاحش بولنسه مغبون اولان کیسه
بخ ایده من

یتیمی بلا تغیر اولنسه دخی غبن فاحش ایله

بیع صحیح اولساز مال وقف و بیت المال دخی مال
حکمنده در

ماده ۳۵۷

متبایعاندن بری دیگرینی تغیرر ایدوبده بیعده غبن فا
اولدیغی تحقق ایتدکده مغبون اولان کیمسه بیعی
ایده بیلور
ماده ۳۵۸

غبن فاحش ایله مغبون اولان کیمسه نك وفاتنده
دعوامی وارثنه انتقال ایتز
ماده ۳۵۹

تغیرر اولننان مشتری بیعده غبن فاحش اولدیغنه
اولدوقدن صکره مبیعده تملکک لوازمندن اولان
ایله تصرف ایدر ایسه ارتق حق فسخی قالماز
ماده ۳۶۰

تغیرر و غبن فاحش ایله اشترأ اولننان مبیع تلف یاه
اولسه و یاخود اول مبیعده معیب اولمق و
اولوبده اوزرینه بنا یا یلق کبی بر کیفیت حدوث
مغبون اولان کیمسه نك بیعی فسخه صلاحیتی قالم

(باب سابع)

(مبيعك انواع و احكامى بياننده اولوب التى فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(بيعك انواعى بياننده در)

۳۶۱ ماده

بيعك انعقادنده ركنى اهلنذن يعنى ماقبل و ميردن صدور
ايتمك و حكيمى قابل اولان محله مضاف اولمق شرطدر

۳۶۲ ماده

ركننده خلل اولان بيع مثلا مجنونك بيعى باطلدر

۳۶۳ ماده

بيعك حكيمى قابل اولان محلى موجود و مقدور التسليم
و مال متقوم اولان مبيعدر

بناء على ذلك معدومك و مقدور التسليم و مال متقوم اوليان
شيئك بيعى باطلدر

۳۶۴ ماده

انعقاد بيعك شرطى بولنويده بعض اوصاف خارجيه سى
اعتباريله مشروع اولمازسه مثلا مبيع مجهول يا خود
ثمنده خلل واقع اولور ايسه بيع فاسد اولور

۳۶۵ ماده

بيعك نافذ اولمسی ایچون بايع مبيعه مالك يا خود مال
صاحبك و كيلي يا وليسي يا وصيسي اولمق و غيرك حق
اولماق شرطدر

۳۶۶ ماده

بيع فاسد عند القبض نافذ اولور
يعني مشتريك مبيعه تصرفي جائز اولور

۳۶۷ ماده

خيار اتدن بريسي بولنور ايسه بيع لازم اولماز

۳۶۸ ماده

بيع فضولي و بيع مرهون كبي غيرك حق تعلق ايدن بيع
اول غيرك اذنه موقوفا منعقد اولور

(فصل ثاني)

(انواع بيعوك احكامي بيانده در)

۳۶۹ ماده

بيع منعقدك حكمي ملكيتدر
يعني مشتريك مبيعه و بايعك ثمنه مالك اولمسيدير
۳۷۰ ماده

بيع باطل اصلا حكمي افاده ايتمز

بناء عليه بيع باطله مشتری بایعك اذنیله میبعی قبض
ایتدکده مبيع مشتری عندنده امانت قبیلندن اوله رق
بلا تعد تلف اولسه مشتری به ضمان لازم کلز
۳۷۱ ماده

بيع فاسد عند القبض حکمی افاده ایدر
یعنی مشتری بایعك اذنیله میبعی قبض ایتدکده اکا مالک
اولور
بناء عليه بيع فاسد ایله اشترا اولنان مبيع مشتری عندنده
تلف اولسه ضمان لازم کلور • شوبله که مثلیاتدن ایسه
مثلی و قیمیاتدن ایسه یوم قبضنده کی قیمتی مشتریك بایعه
ویرسی لازم اولور
۳۷۲ ماده

بيع فاسده عاقیدنندن هر برینك بیعی فسخ ایتکه حق
واردر

فقط مبيع اگر مشتری یدنده تلف اولور ایسه یاخود
مشتری انی استهلاک و یادیکره بیع صحیح ایله بیع یا هبه
کبی بر صورتله نندن چیقارر ایسه و یاخود مبيع خانه
اولوبده تعمیر اولنمق و یا عرصه اولوبده اغاج دیکلمک
کبی بر صورتله مشتری طرفندن بیعه برشی علاوه
ویاخود بفدای اولوبده طحن ایله اون ایدلمک کبی

مبيعك اسمی دكيشه جك صورتله تغيير ايديلور ايسه حق
فسخ قالماز

۳۷۳ ماده

بيع قائمده فسخ اولندوقده اكر قبض ثمن اولنش ايسه
بايع ثمنی رد ايدنبجه يه دك مشترينك مبيعی حبس ايتك
حق واردر

۳۷۴ ماده

بيع نافذ في الحال حكمی افاده ايدر

۳۷۵ ماده

بيع نافذ لازمه متبايعانندن هيچ بريسی دونه من

۳۷۶ ماده

بيع غير لازمه مختير اولان كيمسه بيعی فسخ ايديلور

۳۷۷ ماده

بيع موقوف عندالاجازه حكمی افاده ايدر

۳۷۸ ماده

بيع فضوليده مالی صاحبي ويا وكيلي يا خود وایسی
يا خود وصیسی اجازت ویرزایسه نافذ و ویرمز ايسه
منفسخ اولور . فقط اجازتده بايع و مشتری و مجبر
و مبيع قائم اولوق شرطدر بونلردن بريسی هلاك اولسه
اجازت جائز اولماز

۳۷۹ ماده

بيع مقايضه بدلينك ايكيسنده مبيع حكمنده اولديغندن
 بوزلده مبيعك شرائطي معتبردر . فقط تسليمجه منازعه
 وقوعنده متبايعان ايكيسي بردن تسليم وتسلم ايدرلر

(فصل ثالث)

(سلم حقنده در)

۳۸۰ ماده

بيع كبي سلم دخي ايجاب وقبول ايله منعقد اولور
 مثلا مشترى بابعه يوز كيله بغداي ايجون بيك غروش سلم
 ويردم ديوب اول دخي قبول ايتدكده (سلم) منعقد اولور

۳۸۱ ماده

سلم انجق مقداريني وصفتنى مثلا اعلالغنى يا اذنالغنى
 تعيين ائلك قابل اولان شيلرده صحيح اولور

۳۸۲ ماده

مكيلات وموزونات ومذروعاتك مقدارى كيل ووزن
 وذراع ايله تعيين اولنور

۳۸۳ ماده

عدديات متقاربهك تعيين مقدارى صايي ايله اولديغى كبي
 كيل ووزن ايله دخي اولور

۳۸۴ ماده

طوغله و کرپیج کبی عددیاتک قالبری معین و معلوم اولمق
لازمدر

۳۸۵ ماده

بز و چوقه امثالی ذراعیاتک طول و عرضی و رقتی و نه دن
معمول و نره نك ایشی تعیین اولنمق لازمدر

۳۸۶ ماده

سلك صحتمنده و مبیعك جنسی مثلا بغدادی و پرنج و خورما
دیو و نوعی مثلا یغمور ایله یاسقی ایله حاصل اولان دیو
و صفقی مثلا اغلا یا خود ادنا دیو تعیین و كرك مبیعك
و كرك ثمنك مقداری و مبیعك زمان و مكان تسلیمی پیمان
اولنمق شرطدر

۳۸۷ ماده

صحت سلك بقاسنده ثمنك مجلس عقدده تسلیمی شرطدر .
و عاقدین قبل التسليم افتراق ایدر لر ایسه عقد سلم منفسخ
اولور

(فصل رابع)

(استجناع بیانده در)

۳۸۸ ماده

بر کیمسه اهل عنایعدن برینه بکا شو قدر غروشه شویله

برشی یاب دیوب اودخی قبول ایتسه استصناعا بیع منعقد
اولور

مثلا مشتری پاپوشجی به ایاغنی کوستره رك فلان نوع
سختیاندن شو قدر غروشه بكا برچفت پاپوش یاب دیوب
اودخی قبول ایتسه یاخود مرانقوز ایله طول وعرضنی
واوصاف لازمه سنی بیان ایدرك بر قایق یاخود کمی
یا بمق اوزره بازارلق ایتسه استصناع منعقد اولور
كذلك طول وجمی و سائر اوصاف لازمه سی بیان
اولنهرق هربری شو قدر غروشه اولق اوزره بر
فابریقه جی ایله شو قدر ایکنه لی تفنك یا بمق اوزره بازارلق
اولنسه استصناع منعقد اولور

۳۸۹ ماده

استصناعی متعامل اولان شیلرده علی الاطلاق استصناع
صحیحدر . اما تعامل جاری اولمیان شیلرده مدت بیان
اولنور ایسه سلم اولوب انده شرائط سلم معتبردر . و
! کر مدت بیان اولنمازسه ینه استصناع قبیلهندن
اولور

۳۹۰ ماده

استصناعه مصنوعك مطلوبه موافق اوله جق وجهله
توصیف و تعریفی لازمدر

۳۹۱ ماده

استصناعده پشین آچه ویرمک لازم دکدر

۳۹۲ ماده

استصناع منعقد اولدقدن صکره طرفین بازارلقدن
دونه مز • فقط مصنوع اکر تعریفه موافق اولزسه
مستصنع مخیردر

(فصل خامس)

(بیع مریضک احکامی بیانده در)

۳۹۳ ماده

بر مریض مرض موتنده ایکن ورثه سندن بریسنده برشی
صاتسه دیگر وارثلرک اجازتنه موقوف اولوب مریضک
وفاتندن صکره اجازت ویردرلر ایسه نافذ اولور ویرمزدر
ایسه نافذ اولماز

۳۹۴ ماده

مرض موتنده ایکن مریض حین وفاتنده کندویه وارث
اولیان برینه ثمن مثلیله برشی صاتسه صحیح و معتبر
اولور • و اکر محایات یعنی ثمن مثلندن نقصان ایله بیع
و تسلیم ایتدکن صکره فوت اولسه ثلث مالی محایاته
مساعد اولدیغی تقدیرده بیع ینه صحیح و معتبر اولور

و ثلث مالی محایاتہ مساعد اولدیغی صورتده مقدار نقصانی
مشتري اکماله مجبور اولور . و اکمال ایتمز ایسه ورثه
بیعی فسخ ایده بیلور

مثلا بیک بش یوز غروش قیمنلو بر خانه دن بشقه نسنه یه
مالک اولمیان مرض موتندن اول خانه سنی وارثی اولمیان
بر کیمسه یه بیک غروشه بیع تسلیم ایتدکدن صکره فوت
اولسه محایات ایتش اولدیغی بشیوز غروش ثلث ماله
مساعد اولغله بیع صحیح و معتبر اولوب ورثه بو بیعی
فسخ ایده مز . و اگر مریض اول خانه بی بشیوز
غروشه بیع و تسلیم ایتش اولسه محایات ایتش اولدیغی
بیک غروش ثلث مالک ایکی قاتی اولغله ورثه مشتری به
ثمنی مبیعک ثلثان قیمنده ابلاغ ایت دیو تکلیف ایتدکرنده
مشتري ناقص اولان بشیوز غروشی ویرر ایسه ورثه
بیعی فسخ ایده مز و اگر ویرمز ایسه بیعی فسخ ایله
خانه بی استرداد ایده بیلور

۳۹۵ ماده

ترک سنی مستغرق دیون اولان کیمسه مرض موتنده مالشی
ثمن مثلندن نقصان ایله صاتوبده فوت اولدیغی صورتده
داینلری مبیعک ثمن مثلنی مشتری به اکمال ایتدیرر و
اکمال ایتزسه بیعی فسخ ایده بیلور

(فصل سادس)
(بیع الوفا بحقنده در)

۳۹۶ ماده

بیع وفاده با یع ثمنی ردایله مبیعی استرداد ایده بیلدیگی کی
مشتري دخی مبیعی ردایله ثمنی استرداد ایده بیلور

۳۹۷ ماده

بیع وفا ایله صاتیلان مبیعی کرک با یع و کرک مشتری
آخره صاته من

۳۹۸ ماده

مبیعک منافعنندن بر مقداری مشتری یه حائد اولمق اوزره
شرط قلنسه اول شرطه رعایت اولنور

مثلا وفاء صاتیلان باغک اوزومی با یع ایله مشتری بینده
مناصفة تقسیم اولنمق اوزره بالتراضی مقاوله ایتسه لر
اول مقاوله موجبجه عمل اولنمق لازم کلور

۳۹۹ ماده

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دینه مساوی اولدیغی حالده
مشتري یدنده تلف اولسه مقابلی اولان دین ساقط اولور

۴۰۰ ماده

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن ناقص اولدیغی حالده
مشتري یدنده تلف اولسه قیمتی مقدار دیندن ساقط اولور

و اوست طرفنی دخی مشتری بایعدن اخذ و اس-ترداد
ایلر

۴۰۱ ماده

وفاء صاتیلان مالک قیمتی دیندن زیاده اولدیغی حالده
مشتری یدنده تلف اولسه قیمتندن دین مقابلی اولان
مقداری ساقط اولور و تعدی و قوعبولش ایسه زیاده بی
دخی مشتری ضامن اولور و اگر بلا تعد تلف اولمش
اولسه اول زیاده بی مشتری نیک اوده مسی لازم کلز

۴۰۲ ماده

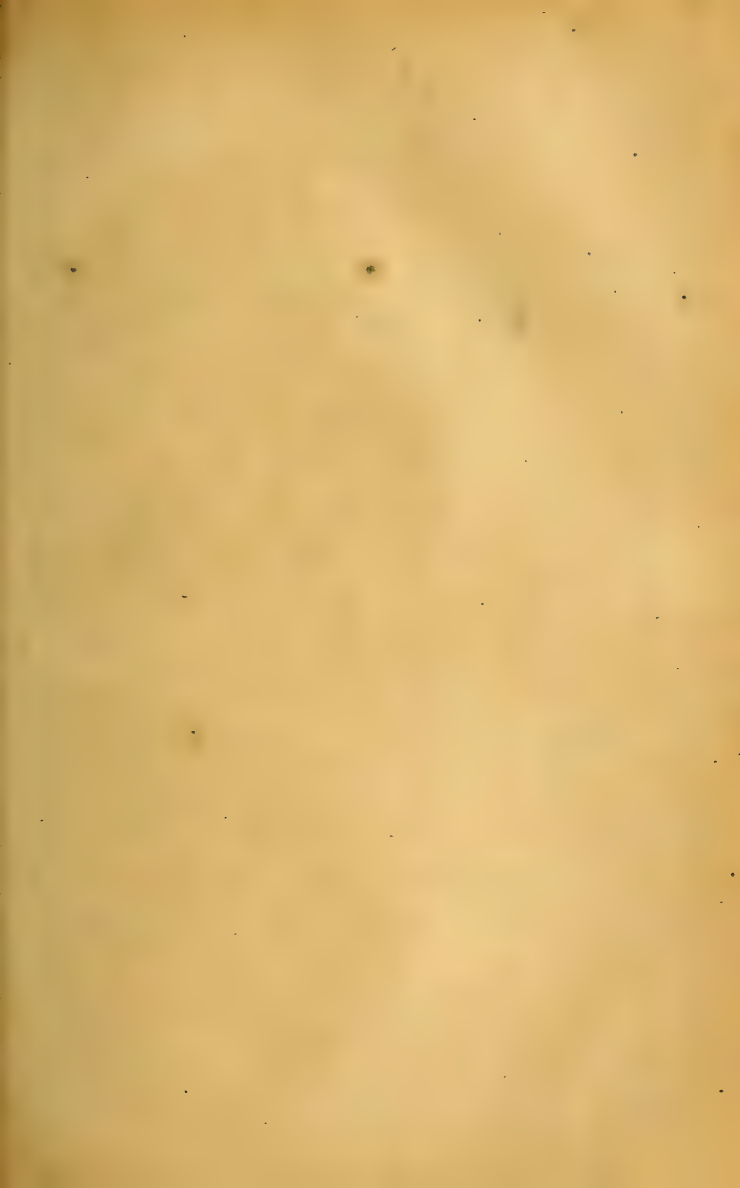
بیع وفاده متبایعاندن بریسی فوت اولدوقده حق فسخ
وارته انتقال ایدر

۴۰۳ ماده

مشتری اله جغنی استیفا ایتدکجه وفاء اشترا ایتش اولدیغی
ماله بایعک دیگر غریملری مداخله ایده مز

اراده سنیه تاریخی فی ۸ محرم سنه ۲۸۶





—❖— كتاب الاجارات —❖—

✽ صورت خط همایون ✽

موجب‌نجه عمل اولنه

— ✽ کتاب ثانی ✽ —

(اجارات حقنده اولوب بر مقدمه ایله سکز بابی شاملدر)

(مقدمه)

(اجاره‌ده متعلق اولان اصطلاحات بیاننده در)

۴۰۴ ماده

اجرت • کرایه یعنی بدل منفعت و ایجار کرایه و یرمک
و استیجار کرایه طوتمق دیمکدر

۴۰۵ ماده

اجاره • لغت عربده اجرت معناسنده در فقط ایجار
معناسنده دخی استعمال اولنشددر اصطلاح فقّهاده
منفعت معلومه‌یی عوض معلوم مقابله‌سندن بیع ایتک
دیمکدر

۴۰۶ ماده

اجاره لازمه • خیاری شرط و خیاری عیب و خیاری رؤیتدن

کاری اولان اجاره صحیحه در که طرفیندن بریسی بلا عذر
بونی فسخ ایده من

۴۰۷ ماده

اجاره منجزه . وقت عقددن اعتبارا ایجاردر .

۴۰۸ ماده

اجاره مضافه . کله جک بر وقت معیندن اعتبارا
ایجاردر .

مثلا کله جک فلان آیک ابتداعیندن اعتبارا بر خانه بو قدر
مدت ایچون شو قدر غروشه ایجار اولنسه اجاره مضافه
اوله رق منعقد اولور

۴۰۹ ماده

آجر . اجاره یه ویرن کیسه در ضم میم ایله مکاری
و کسر جیم ایله موجر دخی دینلور

۴۱۰ ماده

مستأجر . کسر جیم ایله استیجار ایدن کیسه در

۴۱۱ ماده

مأجور . کرایه ویریلان شیدر جیملرک فتحیله موجر
و مستأجر دخی دینلور

۴۱۲ ماده

مستأجر فیه . اجیرک عقد اجاره ایله التزام ایلدیکی

عملی ایضا ایچون مستأجر طرفندن ڪندوسنه تسليم
اولنان مالدر

البسه ديكمك اوزره درزییه ویریلان قاش و نقل ایچون
حاله ویریلان حوله کبی

۴۱۳ ماده

اجیر . نفسنی کرایه ویرن کیمسه در

۴۱۴ ماده

اجر مثل . بیغرض اهل و قوفك تقدیر ایتدکری اجر تدر

۴۱۵ ماده

اجر مسمی . حین عقدده ذکر و تعیین اولنان اجر تدر

۴۱۶ ماده

ضمان . برشیئك مثلیاتدن ایسه مثلی و قیامتدن ایسه

قیمتینی ویرمکدر

۴۱۷ ماده

معد للاستغلال . کرایه ویرمك اوزره اعداد و تعیین

اولنش شیدر که فی الاصل کرایه ویرمك اوزره یا آلمش

یا آلمش خان و خانه و حمام و دکان کبی عقارات ایله کرا

عربنه سی و کرا بار کیری مثلاً و شیردر

و برشیئك علی التوالی اوج سینه ایجا را اولنمی معد

للاستغلال اولدیغنه دلیلدر

و بر کیمسه نفسی چون یا پدر مش اولدیغی بر شـ یثک معد
 للاستغلال اولدیغی ناسه اخبار و اعلام ایله معد للاستغلال
 اولور

۴۱۸ ماده

مسترضع • اجرت ایله سوت اناطوتان کیمسه در
 ۴۱۹ ماده

مهایاه • تقسیم منافعدن عبارتدر
 مثلا برخانه ده مشترک اولان ایکی کیمسه بر سنه بری و دیگر
 سنه دیگری مناوبه انتفاع ایتک اوزره قرار ویر ملک کبی

(باب اول)

(ضوابط عمومیہ بیاننده در)

۴۲۰ ماده

اجاره ده معقود علیه منفعتدر

۴۲۱ ماده

معقود علیه اعتباریله اجاره ایکی نوعدر
 نوع اول منافع اعیان اوزرینه وارد اولان عقد اجاره
 اولوب ایجار اولنان شیئه عین مأجور و عین مستأجر دخی
 دینلور واشبو نوع اول اوچ قسمه تقسیم اولنور
 قسم اول اجاره عقاردر • خانه و اراضی ایجاری کبی

قسم ثانی اجاره عروضدر . البسه و او انی ایجاری کبی
قسم ثالث اجاره حیواندر

نوع ثانی عمل اوزرینه وارد اولان عقد اجاره اولوب
بوندن مأجوره اجیر دینلور اجرته عمله و خدمه طوتمق
کبی

حرف و صنایع اصحابی استیجار ایتک دخی بوقیلنددرکه
مثلا قاش درزیدن اولیق اوزره البسه ~~کک~~ سدرمک
استصناع اولدیغی کبی درزی یه قاش و پرویده البسه
دیگدرمک دخی عمل اوزرینه اجاره دیمکدر

۴۲۲ ماده

اجیر ایکی قسمدر

قسم اول اجیر خاصدرکه یالکز مستأجره ایشمک اوزره
طوتیلان اجیردر . آیلقلی خدمتکار کبی

قسم ثانی اجیر مشترکدرکه مستأجردن بشقه سنه ایشلامک
شرطیه مقید اولمیان اجیردر

مثلا حال و دلال و درزی و ساعتچی و قیومچی و اسکله
قایقچیسی و کرا عربنه جیسی و قریه چوبانی هب اجیر
مشترکدرکه بر شخصه مخصوص اولیوب هرکس ایچون
ایشلیه پیلورلر فقط بونلردن بری فلان وقته قدر یالکز
مستأجره ایشمک اوزره استیجاز اولندقدده اول مدت

ظرفنده اجیر خاص اولور کذلک بر جمال یاخود
 صر به جی یا قاقیجی فلان محله قدر بشقه سنه ایشلیوب
 مستأجره مخصوص اولوق اوزره استیجار اولندوقده
 اورایه وارنجده قدر اجیر خاص اولور

۴۲۳ ماده

اجیر خاصک مستأجری بر شخص اولدیغی کبی شخص
 واحد حکمنده اولان متعدد شخصلر دخی اوله بیلور
 بناء علیه بر قریه اهالیسی کندولرینه مخصوص اولوق
 اوزره عقد واحد ایله بر چوبان استیجار ایتدکلرنده اول
 چوبان اجیر خاص اولور اما کندولرندن بشقه سنک
 حیوانی دخی رعی ایلسنی تجویز ایتدکلری صورته
 اول چوبان اجیر مشترک اولور .

۴۲۴ ماده

اجیر مشترک اجرتہ استحقاقی عمل ایله در

۴۲۵ ماده

اجیر خاصک اجرتہ استحقاقی مدت اجارده عمل ایچون
 حاضر بولتمسینه در یوقسه بالفعل ایشلی شرط دکدر
 فقط عملدن امتناع ایده من وایدرسه اجرتہ مستحق
 اولماز

۴۲۶ ماده

عقد اجاره ايله منفعت معينه يه مستحق اولان كيمسه عينا
اول منفعتي يامثلنى ياخود مادوننى استيفا ايده بيلور .
اما مافوقنه تجاوز ايده من

مثلا تيمورجيلك ايشلك اوزره استيجار اولنسان دكانده
مستأجر مضرتنه تيمورجيلكه مساوى ياخود اندن
اهون برصنعتي اجرا ايده بيلور وبركيمسه ساكن اولم
اوزره استيجار ايلديكى خانه ده ساكن اولميو بده اشيا
وضع ايده جك اولسه جائز اولور . اما عطارلق
ايتك اوزره استيجار ايلديكى دكانده تيمورجيلك ايشليه من
۴۲۷ ماده

هرشى كه مستعملينك اختلافيله مختلف اوله انده تقيد
معتبردر

مثلا بركيمسه نك ركوبى ايچون استكرا اولنسان آنه
بشقه سى اركاب اولنه من

۴۲۸ ماده

هرشى كه مستعملينك اختلافيله مختلف اولميه انده تقيد
لغودر

مثلا بركيمسه نك سكناسى ايچون استيجار اولنسان خانه ده
بشقه سى اسكان اولند بيلور

۴۲۹ ماده

كرك قابل تقسيم اولسون و كرك اولسون بر كيمسه
 حصه شايعه سنی شريكنه ايجار ايدہ پيلور ايسه ده
 آخره ايجار ايدہ من . فقط بعد المہایاہ نوبتني ايجار
 ايدہ پيلور

۴۳۰ ماده

شيع طاری عقد اجاره بی افساد ایتز
 مثلا بر كيمسه خانه سنی ايجار ایتد كدن صكره نصف
 حصه سی بر مستحق طرفندن ضبط اولنسه باقي حصه
 شايعه حقنده اجاره باقي قالور

۴۳۱ ماده

ایکي شريك بر لکده اوله رقی مال مشترکی شخص آخره
 ايجار ايدہ پيلور لر

۴۳۲ ماده

بر شيعی ايکی کشی به ايجار ایتك جائزدر . وهر بری
 اجرتدن کندو حصه سنه عائد اولان مقداری و پروب
 یکدیگره کفیل اولدقجه برینك حصه سی دیگردن
 النده ماز

(باب ثانی)

(عقد اجاره به متعلق مسائل بیانده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن اجاره به دائر اولان مسائل بیانده در)

۴۳۳ ماده

بیع کبی اجاره دخی ایجاب و قبول ایله منعقد اولور

۴۳۴ ماده

اجاره ده ایجاب و قبول ایجار ایتدم و کرایه ویردم
و استیجار ایتدم و قبول ایتدم کبی عقد اجاره ایچون
مستعمل اولان سوزلردر

۴۳۵ ماده

اجاره دخی بیع کبی ماضی صیغه سیله منعقد اولوب، مستقبل
صیغه سیله منعقد اولماز

مثلا بری ایجار ایده حکم دیوب دیکری استیجار ایتدم
یا خود بری ایجار ایت دیوب دیکری ایجار ایتدم دیسه
ایکی صورتده دخی اجاره منعقد اولماز

۴۳۶ ماده

اجاره مشافهه ایله اولدیغی کبی مکاتبه ایله و دلسزک
اشارت معروفه سیله دخی منعقد اولور

۴۳۷ ماده

تعاطی طریقیه دخی اجاره منعقد اولور
ته کم شفاها بازارلق اولتمسزین یولجی واپورینه واسکله
قایقنه وکرا بارکیرینه بتمک کی که اجرت معلوم ایسه اولقدر
ودکل ایسه اجرت مثل اعطاسی لازم کلور

۴۳۸ ماده

اجاره ده سکوت رضا و قبول عد اولنور
مثلا برآدم شهریه الی غروش کرا ایله بردکان استیجار
ایدوبده برقاج ای ساکن اولدقدنصکره آی یاشنده آجر
اگر التمش غروشه راضی اولور ایسه ک اوتور اولماز
ایسه ک دکانی براق دیدکده مستأجر انی رد ایله التمش
غروشه راضی اولم دیدکدنصکره دکانده مستمرا اوتورسه
کما فی السابق الی غروش کرا لازم اولور. واکر برشی
دیموب ودکاندن چیقمیوبده مستمرا اوتورمش ایسه شهریه
التمش غروش ویرمسی لازم کلور

کذلک دکان صاحبی یوز غروشه و مستأجر سکسان
غروشه دیسه و صاحبی مستأجری براغوب اودخی دکانده
ساکن اولسه سکسان غروش اجرت لازم اولور.
واکر طرفین سوزلرنده اصرار ایلدکلی حالده مستأجر
ساکن اولور ایسه اجر مثل لازم کلور

۴۳۹ ماده

بعد العقد بدلك تبديل وياتزید وياتنزلی ایله تکرار بازارلق
اولندقدہ عقد ثانی معتبر در

۴۴۰ ماده

اجاره مضافه صحیح ووقتی حلولندن اول لازم اولور
بناء علیه احد عاقدین مجرد وقتی کمدی دیو اجاره بی فسخ
ایده من

۴۴۱ ماده

اجاره صحیح اوله رق منعقد اولدقدن صکره بشقه سی اجرتہ
نقدر ضم ایتسه آجر مجرد بونک ایچون اجاره بی فسخ
ایده من

فقط وصی یا متولی یتیم یا وقفک عقالینی آجر مثلندن
نقصان ایله ایجار ایتسه اجاره فاسد اولوب آجر مثلك
اکمالی لازم کلور

۴۴۲ ماده

مس-تأجر ارث یا هبه کبی بر وجهله عین مأجوره مالک
اولیحق اجاره نک حکمی قالماز

۴۴۳ ماده

موجب عقدله اجراسنه مانع اولور بر عذر ظهور
ایتدکده اجاره منفسخ اولور

مثلا دو کون ایچون برایشی استیجار اولندوقده احد
زوجین فوت اولسه اجاره منسخ اولور
و کذا دیشی اغریان کیمسه دیشی چیقارمق اوزره شوقدر
غروشه بردیشی ایله مقاوله ایتش-یکن اغری زائل
اولیورسه اجاره منسخ اولور
کذلک مسترضعک و فاتیله اجاره منسخ اولمیوب اما
چوجغک یاخود سود انانک و فاتیله منسخ اولور

(فصل ثانی)

(اجاره نك شرائط انعقاد و نفاذی حقنده در)

۴۴۴ ماده

اجاره نك انعقادنده عاقدینك اهلیتی یعنی عاقل ممیز اوللری
شرطدر

۴۴۵ ماده

بیوعده اولدیغی کبی اجاره نك انعقادنده دخی ایجابک
قبوله موافقتی و مجلس عقدك اتحادی شرطدر

۴۴۶ ماده

آجر ایجار ایده جکی شیئك متصرفی یاخود متصرفنك
وکیل یا ولیسی یا وصیسی اولمق لازمدر

۴۴۷ ماده

فضولینك ایجاری متصرفك اجازتنه و متصرفی صغیر

و یا مجنون ایسه اجر مثلیله ایجار اولندیغی صورتده
 و لیسنک و یا وصینک اجازتمه موقوفه منعقد اولور
 فقط اجازتک صحتده دوت شیتک یعنی عاقدین و مالک
 و معقود علیهم و بدل اجاره عروضدن اولدیغی
 تقدیرده انک دخی قیام و بقاسی شرط اولوب بونلردن
 بریسی معدوم اولسه اجازت صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(صحت اجاره نک شرائطی حقهده در)

۴۴۸ ماده

اجاره نک صحتده عاقدینک رضاسی شرطدر

۴۴۹ ماده

مأجورک تعبیتی لازمدر

بناء علیه ایکی دکاندن بری تعیین و تحبیر ایدلکسزین

ایجار اولنسه صحیح اولماز

۴۵۰ ماده

اجرت معلوم اولوق شرطدر

۴۵۱ ماده

اجارهده منفعت مانع منازعه اوله جق وجهله معلوم

اولوق شرطدر

۴۵۲ ماده

خانه و دكا كين وسوت انا امثالنده مدت اجاره نك بيانيله
منفعت معلوم اولور

۴۵۳ ماده

حيوان استيجار اولندقده يوك يوكلكمك ايچونميدر يوخسه
ركوب ايچونميدر و كيم بنه جكدور بوراسنك تعييني ياخود
ديلدنيكني اركاب ايتك اوزره تعميمي ايله برابر اجاره نك
مدتي ياخود مسافه سي دخي بيان اولنق لازمدر

۴۵۴ ماده

اراضي استيجارنده تعين مدتله برابر نه ايش ايچون
اولديغي بيان اولنق وزراعت ايچون ايسه نه اكيله جكي
تعين و ياخود مستاجر هر نه ديلرسه اكك اوزره ديو
تمميم قلنق دخي لازمدر

۴۵۵ ماده

اهل صنعتك استيجارنده منفعتك معلوميتي عملك بيانيله
يعني نه ياپه جفني ونصل ياپه جفني تعين ايله اولور
مثلا اثواب بو ياديله جق اولدقده اثوابك بو ياجيه
ارائه سي ياخود غلظت و رقنك يلديرلسي ورنكسك
بياني لازمدر

۴۵۶ ماده

اشیا نقلنده اشارتیه و نقل اولنه جق محلك تعیینیه منفعت

معلوم اولور

مثلا شویوکی فلان محله نقل ایده جکسک دینلدکده یوک

مشاهده و مسافه معلوم اولدیغی جهتله منفعت دخی

معلوم اولور

۴۵۷ ماده

منفعت مقدور الاستیفا اولمق شرطدر

بناء علیه برفراری حیوانک ایجاری صحیح اولماز

(فصل رابع)

(اجاره‌نک بطلان و فسادی حقننده در)

۴۵۸ ماده

انعتقاد اجاره‌نک شرائطندن بری بولنمسه اجاره باطل

اولور

مثلا مجنونک وصیی غیر ممیزک ایجار و استیجاری باطلدر

فقط بعد الانعتقاد آجر یا مستأجرک تجنن ایتمسیه اجاره

منفسح اولماز

۴۵۹ ماده

اجاره باطلده استعمال ایله اجرت لازم اولماز

فقط مال وقف و یا مال یتیم ایسه استعمال ایله اجر مثل
لازم اولور

مجنون دخی یتیم حکمنده در

۴۶۰ ماده

انعقاد اجاره نك شرطری بولنوبده شرائط صحتدن بریسی
بولنمسه اجاره فاسد اولور

۴۶۱ ماده

اجاره فاسده نافذدر . فقط اجاره فاسدهده آجر اولان
کیمسه اجر مثله مالک اولوب اجر مسمایه مالک اولماز

۴۶۲ ماده

اجاره نك فسادى بعضا بدلك مجهول اولسندن و بعضا
دیگر شرائط صحتك بولنماسندن نشأت ایدر

اولکی صورتده بالغاً مابلیغ اجر مثل لازم کاور .

ایکنجی صورتده اجر مسمایى تجاوز ایتماک شرطیله

اجر مثل لازم کاور



(باب ثالث)

(اجرتہ متعلق مسائل بیانندہ اولوب اوچ فصلی حاوید)

(فصل اول)

(بدل اجاره حقندہ در)

۴۶۳ ماده

بیعدہ ثمن اولغہ صالح اولان شیء اجارہ دہ بدل اولغہ
 صالح اولدیغی کبی ثمن اولغہ صالح اولمیان شیردخی
 بدل اجاره اوله بیلور

مثلا بر حیوان مقابلندہ یاخود بر خانہ نک سکیناسی
 مقابلندہ بر بستان استیجار اولنه بیلور

۴۶۴ ماده

بدل اجاره نقد ایسه ثمن مبیع کبی مقدارینی تعیین ایله
 معلوم اولور

۴۶۵ ماده

بدل اجاره عروضدن یاخود مکیلات یا موزونات یاخود
 عددیات متقار به دن اولدیغی حالده مقدار یله برابر
 وصفنی دخی بیان ایتک لازم کلور

و نقل حل و مؤنته محتاج اولان شیردہ هر زردہ تسلیمی
 شرط قلنور ایسه اورادہ ایفا اولنق لازم کلور و مکان

ایفا بیان اولدیغی تقدیرده مأجور اکر عقار ایسه اول
عقار له اولدیغی محله و اکر عمل ایسه اجرک عملی ایفا
ایتدیکی یرده و اکر حوله ایسه اجرک لازم اولدیغی
مکانده ایفاسی لازم کلور

اما حل و مؤنتی اولمیان شسیرده دیلدیکی یرده اولور
(فصل ثانی)

(اجرک سبب لزومنه و آجرک اجزته کیفیت استحقاقنه)
(دائر اولان مسائل بیانده در)

۴۶۶ ماده

عقد مطلق ایله اجرت لازم اولماز
یعنی مجرد اجاره منعقد اولدیغی کبی همان بدل اجاره نك
تسلیمی لازم کلز

۴۶۷ ماده

تعجیل ایله اجرت لازم اولور
یعنی مستأجر بر وجه پشین اجرتی تسلیم ایتسه آجر
اکامالک اولوب بعده مستأجر انی استرداد ایده من

۴۶۸ ماده

شرط تعجیل ایله اجرت لازم اولور
یعنی بدل اجاره نك بر وجه پشین ویرلسی شرط قلند قده

عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه وارد اولسون و
 كرك عمل اوزرينه وارد اولسون هر حالده مستأجر كرك
 اول اسرده بدل اجاره يي تسليم ايتمي لازم كلور
 و اولكي صورتده آجر اجرتي استيفا ايدنجيه دك مأجوري
 تسليم دن و ايكنجي صورتده اجير اجرتي استيفا ايدنجيه دك
 عمل دن امتناع ايده يملور

و ايكي صورتده دخی آجر كرك بر وجه پشين اجرتي مطالبه
 ايله مستأجر اينفادن امتناع ايدر ايسه فسخ اجاره يه
 حق وار در

۴۶۹ ماده

استيفای منفعت ايله اجرت لازم اولور
 مثلا بر محله كتمك اوزره استيجار اولنان بار كيره ركوب
 ايله اورايه وارلدقده آجری اجرتيه مستحق اولور
 ۴۷۰ ماده

اجاره صحیحده استيفای منفعتيه اقتدار ايله دخی اجرت
 لازم اولور

مثلا بر كيمسه اجاره صحیحه ايله استيجار ايلديكي خانه يي
 قبض ايتدكدن صكره ساكن اولمسه بيله اجرت ویرمسی
 لازم كلور

۴۷۱ ماده

اجاره فاسدهده استيفای منفعتہ اقدار کافی اولیوب
حقیقۃ انتفاع بولند قبحه اجرت لازم اولماز

۴۷۲ ماده

من غیر عقد و بلا اذن بر کیمسه برینک مالی استعمال ایتدیکی
صورتهده معد للاستهلال ایسه اجر مثل لازم اولور
دکل ایسه لازم اولماز

فقط مال صاحبی اجرت مطالبه ایتدکدن صکره استعمال
ایدر ایسه معد للاستهلال اولسه دخی اجرت اعطاسی
لازم کلور

زیرا بوحالده استعمال ایتسیله اجرتہ لازم اولمش
اولور

۴۷۳ ماده

اجرتک تعجیل و تأجیلی حقنده عاقدین هر نه شرط
ایدر لر ایسه اکار عایت اولنور

۴۷۴ ماده

تأجیل بدل شرط اولندیغی صورتهده ابتدا آجرتک
مأجوری تسلیم و اجیرک عملی ایفا ایلسی لازم کلوب
اجرتک ایفاسی انجق مقاوله اولسان وقت تأدیہنک
انقضاسنده لازم اولور

۴۷۵ ماده

تعجيل و تأجيل شرطى اولمقسرين عقد اولنسان اجاره
مطلقه ده عقد اجاره كرك منافع اعيان اوزرينه اولسون
و كرك عمل اوزرينه اولسون هر حالده ابتدا آجرك
ماجورى تسليم واجيرك على ايضا ايلسى لازم كلور

۴۷۶ ماده

اجرت اكر شهره يا خود سنويه كى بروقت معين ايله
موقوف ايسه لزوم ايفاسى اول وقتك انقضاسنده در
مثلا شهره ايسه آيك تمامنده و سنويه ايسه سنه ختامنده
ايضا اولمق لازم كلور

۴۷۷ ماده

اجرتك لزومنده ماجورك تسليمى شرطدر
يعنى كرا وقت تسليمى اعتبارا ايشلر
بوصورته آجر قبل التسليم مرور ايدن مدتك اجرتنى
اله من . و اكر قبل التسليم مدت اجاره منقضى اولور
ايسه اجرتدن برشيئه مستحق اولماز

۴۷۸ ماده

ماجور ايله انتفاع بالكلية فوت اولدقده اجرت ساقط
اولور

مثلا حمام تعميره محتاج اولوبده تعميرى ائناسنده بر مدت

معطل قالسه اول مدتک اجرتدن حصه سی ساقط اولور .
 كذلك دکرمتک صوبی کسینلوبده معطل قالسه صوبیک
 انقطاعی وقتندن اعتبارا اجرت ساقط اولور . فقط
 مستأجر اون او کوتممکدن غیری بر صورتله اول
 دکرمتک اونندن انتفاع ایتدکده بدل اجاره دن اکا اصابت
 ایدن حصه بی ویرمی لازم کاور

۴۷۹ ماده

برکیمسه بر دکان استیجار و قیض ایتیشیکن بر مدت اخذ
 واعطایه کساد عارض اولمغله صنعت ایشلمدی ودکان
 قبالو قالدی دیو اول مدتک کراسنی اعطادن امتناع
 ایده من

۴۸۰ ماده

مدت اوزرینه بر قایق استیجار اولنوبده اثنای راهده
 مدت منقضى اولسه ساحله یناشنجیده دک اجاره ممتد اولور .
 ومستأجر فضله اولان مدتک اجر مثلنی ویرر

۴۸۱ ماده

برکیمسه خانه سنی دیگر کسمنده بر مرمت ایتک وبلا اجرت
 ساکن اولمق اوزره ویرسه و اودخی کندو طرفندن
 مرمت ایدرک بر مدت ساکن اولسه عاریت قبیلندن
 اولمغله مصارف تعمیریه اول کسمنده عائد اولور .

و صاحب خانه دخی اندن اول مدت ایچون اجرت نامنه
برشی الهماز . . . راسخه سفارک مننه بیزید

(فصل ثالث)

(اجرت ایچون اجیرک مستأجر فیهی حبس)

(ایدوب ایدمه مامسی حقنده در)

۴۸۲ ماده

درزی و بویاچی و جامه شوی کبی عملنده اثر اولان اجیرک
ویره سییه مقاوله اولنماش ایسه اجرت ایچون یدنده
مستأجر فیهی حبس ایتکه صلاحیتی واردر . و بو
وجهله حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولماز فقط اجرت دخی الهماز

۴۸۳ ماده

حال و ملاح کبی عملندن اثر اولمیان اجیرک اجرت ایچون
مستأجر فیهی حبس ایتکه صلاحیتی یوقدر
و بو حالده حبس ایدوبده یدنده اول مال تلف اولسه
ضامن اولور و مال صاحبی بونده منخیر اولوب دیلرسه
محمول اوله رق قیمتی تضمین ایتدرر و اجرتنی ویرر و دیلرسه
غیر محمول اوله رق تضمین ایتدیروب اجرت ویرمز

(باب رابع)

(مدت اجاره‌یه متعلق مسائل بیانده در)

۴۸۴ ماده

برکیمسه کرک یوم کبی قصیر اولسون و کرک سنین کبی
طویل اولسون معلوم اولان مدت اوزرینه مال
وملکینی آخره ایجار ایده بیلور

۴۸۵ ماده

مدت اجاره‌نک ابتداسی حین عقدده تسمیه یعنی ذکر
وتعیین اولنان وقتدن اعتبار اولنور

۴۸۶ ماده

حین عقددن ابتدای مدت تسمیه اولنمزایسه وقت عقددن
اعتبار اولنور

۴۸۷ ماده

برسنه‌لک اولمق اوزره هر آیلغی شو قدر غروشه اوله‌رق
بر عقارک ایجاری جا‌ر اولدیغی کبی شهریه‌سی بیان
اولتمق سزین برسنه‌لک اولمق اوزره شو قدر غروشه
ایجاری دخی صحیح اولور

۴۸۸ ماده

ایک ابتداسنده ایکن اجاره کرک بر آیلق اولسون و کرک
زیاده اولسون شهریه اوله‌رق مقاوله اولنور ایسه

آیلق اولق اوزره منعقد اولور بوصوتده آی اوتوز
کوندن ناقص اولسه دخی تمام آیلق اعطاسی لازم کاور
۴۸۹ ماده

آیک برازی یکمشیکن بر آیلق اولق اوزره مقاوله
اولندیغی صورتده بر آی اوتوز کون اولق اوزره
اعتبار اولنور
۴۹۰ ماده

آیک برازی یکمشیکن شو قدر آیلق اوله رق مقاوله
اولنور ایسه اولکی ناقص آی اک صکره کی آیدن اوتوز
کون اولق اوزره اتمام اولنوب اجرتی یومیه حسابله
ایفا اولنور واره یرده کی آیلر غره ایله حساب و اعتبار قیلنور
۴۹۱ ماده

آیک برازی یکمشیکن قاج آیلق اولدیغی بیان
اولتمسزین هر آیلغی شو قدر غروشه اولق اوزره مقاوله
اولندیغی صورتده ابتدا کی ناقص آی اوتوز کون اعتبار
اولنق لازم کله جکی کبی دیگر آیلر دخی اولوجهله
اونوزر کون اولق اوزره اعتبار اولنور
۴۹۲ ماده

آیک ابتدا سنده ایکن بر سنه لک اوله رق عقد اجاره
اولندقد سنده اون ایکی آی اولق اوزره اعتبار اولنور

۴۹۳ ماده

آيك بر ازی پشمیكن اجاره بر سنده لك اوله رق عقد
اولند قده بر آي ایامی اوله رق اعتبار اولنوب دیگر اون
بری غره اعتباریله حساب اولنور

۴۹۴ ماده

قاج آیلق اولدیغی ذکر اولتمسزین هر آیلغی شو قدر
غروشه اولق اوزره بر عقال ایجار اولنسه عقد صحیح
اولور

فقط برنجی آی تمام اولد قده ایکنجی و دها صکره کی
آیلرک برنجی کیچه سیله برنجی کونده آجر و مستأجر دن
هر بری اجاره بی فسخ ایده یلور . اما اولکی کیچه سیله
کونی یکد کدنصکره فسخ ایده من

و اگر احد عاقدین بویله اثنای شهرده فسخ ایتدم دیسه
اول آيك نهایتنده منفسخ اولور

و اگر اثنای شهرده شهر آتی ابتدا سندن اعتباراً فسخ
ایتدم دیسه شهر آتی حلو لنده منفسخ اولور

و اگر ایکی یا زیاده آیلق پشین ویرلش ایسه هیچ بریسی
اول آیلرک اجاره سنی فسخ ایده من

۴۹۵ ماده

برکیمسه برکون ایشمک اوزره بر اجیر طو تدیغی صورتده

طلوع شمسیدن عصره قدر یاخود غروب شمسه قدر
ایشلمك خصوصنده عرف بلده نه ايسه اكا كوره عمل
اولنور

۴۹۶ ماده

بری مشلا اون کون ایشلمك اوزره بر دولکر استیجار
ایتسه عقد ولی این کونلر اعتبار اولنور
و اکر یازین اون کون ایشلمك اوزره دیو استیجار ایتسه
قنغی آیک قاچنجی کونندن اعتباراً ایشلمیه جکنی بیان
ایتمدیکه صحیح اولماز



(باب خامس)

(خیارات حقننده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(خیार شرط بیاننده در)

۴۹۷ ماده

بیعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خییار شرط جاری
اوله رق احد طرفین یاخود ایکسی بر دن شو قدر کون
مخیر اولق اوزره ایجار و استیجار جائز اولور

۴۹۸ ماده

مخير اولان كيمسه مدت خياري نده ديگر سه اجاره بي فسخ
ايدر و ديگر سه مخير اولور

۴۹۹ ماده

كر ك فسخ كرك اجازت (۳۰۲) و (۳۰۳) و (۳۰۴)
ماده لرده پسان اولنديغي اوزره قولا اولديغي كي فعلا
دخي اولور

بناء عليه آجر مخير اولديغي صورته مأجورده تملك
لوازمندن اولان بروجله تصرف ايتمي فسخ فعليدر.
و مستأجر مخير اولديغي صورته مأجورده مستأجرينك
تصرفي كي تصرف ايتمي اجازت فعليه در
۵۰۰ ماده

مخير اولان كيمسه اجاره بي فسخ يا خود انفاذ ايتدن مدت
خياري مرور ايدر سه خياري ساقط اوله برق اجاره لازم اولور
۵۰۱ ماده

مدت خياري وقت عقددن اعتبار اولور

۵۰۲ ماده

مدت اجاره نك ابتداسي خياري سقوطي وقتندن معتبردر
۵۰۳ ماده

شو قدر ذراع يادونم اولمق اوزره استيجار اولنان يرزياده

یا خود ناقص چیکسه اجاره صحیح اولور . و اجر مسمی
لازم کلور

فقط نقصان صورتده مستأجر مخیر اولوب دیرسه
اجاره بی قسخ ایده بیلور
۵۰۴ ماده

هر دونمی شو قدر غروشه اولق اوزره بریر استیجار اولنسه
اجرتی دونم حسابله ویرملک لازم کلور
۵۰۵ ماده

برایش فلان وقته قدر ایفا اولنق اوزره اجرتی تعیین
اولنهرق عقد اجاره جائز و شرط معتبر اولور
مثلا برکیمسه کسوبده کوملک دیکمک و بوکون یتشدرمک
اوزره درزییه بز ویرسه یا خود شو قدر کونده مکه یه
یتشدرمک اوزره برآدمدن دوه استکرا ایتسه اجاره
جائز اولور . و آجر شرطی ایفا ایدر ایتسه اجر مسمی
الور و ایفا ایتز ایتسه اجر مسمایی تجاوز ایتامک اوزره
اجر مثل الور

۵۰۶ ماده

عملده و حاملده و حل و مسافده و مکانه و زمانده ایکی
یا اوچ صورت اوزرینه اجرتک تردیدی صحیح اولور .

وهر قنغی صورت فعله چیقار ایسه اکا کوره اجرت
اعطاسی لازم کلور

مثلا کنه اردی دیکمک اوزره شوقدر و او بولنامه
دیکمک اوزره بوقدر غروشه بازارلق اولندقدده قنغی
صورته دیکیلور ایسه اکا کوره مقاوله اولنان اجرتک
اعطاسی لازم کلور

یاخود بر دکانده عطارلق ایتک اوزره شوقدر و تیمور جیلک
ایشلک اوزره بوقدر غروشه مقاوله اولندقدده مستأجر قنغی
عملی اجرا ایدر ایسه اکا کوره اجرت معینه سنی اعطا
ایدر

کذا بر دابه به بغدادی یو کلمتک اوزره شوقدر و تیمور یو کلمتک
اوزره بوقدر غروشه استکرا اولندقدده قنغی سنی یو کلدیر
ایسه اکا کوره معین اولان اجرتی ویرر

یاخود مکاری شو حیوانی چورلی یه دک یوز وادر نه یه دک
ایکی یوز و فلبه یه دک او چپوز غروشه ایجار ایتدم دیدکده
مستأجر زهیه کیدر ایسه اوراسنک اجرتنی اعطا ایلر
و کذلک آجر شو خانه بی یوز و بوخانه بی ایک یوز غروشه
ایجار ایتدم دیوب مستأجر دخی قبول ایتد کد نص کره هر
قنغی سنده ساکن اولور ایسه انک ایچون معین اولان اجرتی
ویرمسی لازم کلور

کذلک برکیمسه برجبه یی درزی یه بوکون دیکرسه الی
ویارین دیکرسه اوتوز غروش ویرمک اوزره بازارلق
ایتسه جائز و شرطلر معتبر اولور

(فصل ثانی)

(خیار رؤیت حقنده در)

۵۰۷ ماده

مستأجر ایچون خیار رؤیت وارد

۵۰۸ ماده

مأجورک رؤیتی منافعت رؤیتی کبیر

۵۰۹ ماده

مستأجر کورمدن برعقاری استیجار ایتسه کوردکده

مخیر اولور

۵۱۰ ماده

برکیمسه مقدا کورمش اولدیغی برخانه یی استیجار ایتسه

انک ایچون خیار رؤیت یوقدر . مکرکه سکنایه مضر

اوله جق برمحلی منهدم اوله رق هیئت اولاسی تغیر ایتمش

ایسه اولخالده مخیر اولور

۵۱۱ ماده

هر عمل که محلاک اختلافیه ذاتا مختلف اوله انده اجیرک

خیار رؤیتی وارد

مثلا برجه دیکمک اوزره درزی ایله بازارلق اولندیغی
 صورتده درزی دیکه جکی چوقه یاشالی بی کوردکده
 مخیر اولور

۵۱۲ ماده

هر عمل که محک اختلافیه مختلف اولیه انده خییار
 رویت یوقدر

مثلا شوقدر قیه پموغک چکردکنی ایقلامق اوزره شوقدر
 غروشه مقاوله اولندقدده اجیر پموغی کور مسه کندوسی
 ایچون خییار رویت یوقدر

(فصل ثالث)

(خییار عیب حقننده در)

۵۱۳ ماده

بیعده اولدیغی کبی اجاره ده دخی خییار عیب واردر

۵۱۴ ماده

اجاره ده خیاری موجب اولان عیب منافع مقصوده نك
 بالکلیه فوت یاخود مختل اولسنه سبب اولان شیدر
 مثلا خانه بتون بتون منهدم اولمق و دکرمنک صویبی
 کسلیک ایله منفعت مقصوده فوت اولدیغندن و خانه نك
 چاتیبی چوکک یاخود سکنایه مضر بر محل منهدم

اولمق وکرا بار کیرینک صرتی یاره لئمق منافع مقصوده بی
 اخلال ایلدیکندن بونلر اجاره ده خیاری موجب اولان
 عیب و بندر • اما خانه نك ایچروسنه یغمور و صغوق
 کیرمه جک صورتده صواسی دو کک و بار کیرک یله سی
 یا خود قویروغی کسملک کبی منافی اخلال ایتیان قصور لر
 اجاره ده خیاری موجب اولماز

۵۱۵ ماده

منفعتک استیفاسندن مقدم مأجورده بر عیب حادث
 اولسه وقت عقدده موجود کبی در

۵۱۶ ماده

مأجورده بر عیب حادث اولنقده مستأجر مخیر در •
 دیلر سه عیبیه برابر استیفای منفعت ایلر بوصورته
 اجرتی تماما ویرر و دیلر سه اجاره بی فسخ ایلر

۵۱۷ ماده

مستأجرک اجاره بی فسخندن مقدم آجر اکر عیب حادثی
 ازاله ایدر ایسه مستأجرک حق فسخی قالماز •
 و مستأجر بقیه مدته متصرف اولمق استدکده آجر دخی
 اکا مانع اوله ماز

۵۱۸ ماده

منافی اخلال ایدن عیب حادثک رفعندن مقدم مستأجر

اجاره بی فسخ ایده جک اولور ایسه آجرک حضورنده
فسخ ایده بیلور . یوخسه غیابنده فسخ ایده من
واکر آجرک غیابنده یعنی اکا خبر ویر مکسزین فسخ
ایدر ایسه فسخی معتبر اولمیوب کماکان مأجورک کراسی
ایشلر

اما منافع مقصوده بالکلیه فوت اولدیغی صورتده آجرک
غیابنده دخی فسخ ایده بیلور
وکرک فسخ ایتسون وکرک فسخ ایتسون درتیوز یتمش
سکرنجی ماده ده بیان اولندیغی اوزره اجرت لازم
اولماز

مثلاً خانه مأجورک منافی اخلال ایدر بر محلی منهدم
اولسه مستأجر فسخ اجاره ایده بیلور . فقط آجرک
حضورنده فسخ ایتسی لازم کلور یوخسه اکا خبر
ویر مکسزین خانه دن چیقویورسه چیقمامش کی اجرت
ویرمی لازم کلور

اما خانه بتون بتون منهدم اولدیغی صورتده آجرک
حضورینه محتاج اولقسزین مستأجر فسخ اجاره
ایده بیلور . وهر حالده اجرت لازم کلز
۵۱۹ ماده

خانهک بر او طه سی یاخود بر دیواری منهدم اولوبده

مستأجر فسخ اجاره ایتیه رك باقیسنده ساكن اولسه
اجرتدن برشی ساقط اولماز
ماده ۵۲۰

برکیمسه ایکی خانه یی بردن شو قدر غروشه استیجار
ایدوبده بریسی منهدم اولسه ایکیسنی بردن ترك
ایده بیلور
ماده ۵۲۱

شو قدر اوطه لی اوللق اوزره استیجار اولنان خانه نك
اوطه لری ناقص چیقسه مستأجر مخیردر دیلرسه فسخ
اجاره ایدر و دیلرسه اجر مسمی ایله اجاره یی قبول ایلر
اما اجاره یی ایقا ایدوبده اجرتدن بر مقدارینی تنقیص
ایده مز

(باب سادس)

(مأجورك انواع و احكامى بيانده اولوب درت)

(فضلى حاويدر)

(فصل اول)

(اجاره عقاره متعلق مسائل بيانده در)

۵۲۲ ماده

كيمك سكناسى ايچون اولديغى بيان ايدلميهرك بر خانه
يا دكان استيجار اولنسه جائز اولور

۵۲۳ ماده

بركيمسه خانه سنى يا دكاننى ايچينده امتعه واشياسى اولديغى
حالده ايچار ايتسه اجاره صحيح اولوب آجر امتعه
واشياسنى تخليه ايله خانه يي تسليمه مجبور اولور

۵۲۴ ماده

بركيمسه نه اكه جكى تعيين يا خود هر نه ديلرسه امك
اوزره ديو تعميم ايتمهرك برارضى استيجار ايتسه اجاره
فاسد اولور . فقط قبل الفسخ تعيين ايدوبده آجر دخی
راضى اولور ايسه صحتّه منقلب اولور

۵۲۵ ماده

بركيمسه ديلديكنى امك اوزره استيجار ايلديكى ارضده

صیفیه وشتسابیه اوله رق برسنه ایچنده مکررا زراعت
ایده بیلور
۵۲۶ ماده

زرعك ادراكندن مقدم مدت اجاره منقضى اولسه
زرعك ادراكندهك مستأجر اجر مثلی ویرهك ارض
اوزرنده آکینی ابقا ایده بیلور
۵۲۷ ماده

نه ایچون اولدیغی بیان ایلیمهرك دكان و خانه استیجاری
صحیح اولوب کیفیت استعمالی عرف و عاده مصروف اولور
۵۲۸ ماده

برکیمسه نه ایچون اولدیغینی بیان ایتیمهرك استیجار ایلدیکی
خانه ده کندوسی ساکن اوله بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی
اسکان ایده بیلور • و ایچنه اشیا سنی وضع ایده بیلور •
و بنایه و هن و ضرر کتور میه جک هر نوع ایش ایشلیه
بیلور • اما بنایه و هن و ضرر کتور میه جک ایشی صاحبك
رضاسی اولدجده یاه ماز

حیوان باغله ق خصوصنده عرف و عادت بلده معتبر
و مرعیدر • دكانك حکمی دخی بو وجهله در
۵۲۹ ماده

منفعت مقصوده بی اخلال ایدن شیرلی یا قی آجره غاندر

مثلاً ذکر منک خرقنی آیقلامق صاحبنک اوزرینه در .
 كذلك خانه نك وصوبولرینك وكونكارینك تعمیر واصلاحی
 وسکنایه محل اولان شیرك انشاسی وبنایه متعلق سائر
 ایشلر هب صاحبی اوزرینه لازمدر . واکر صاحبی
 بونلری یایمقدن امتناع ایدر ایسه مستأجر اول خانه دن
 چیقہ بیلور . مکر که استیجار ایتدیکی وقت اول خانه
 بو حال اوزره اولوبده آتی کورمش ایسه عیبه راضی
 اولمش دیمك اولمسایله صکره دن بونی بهانه ایدرك اول
 خانه دن چیقہ ماز . واکر مستأجر بوشیلری کندی
 طرفندن یاپار ایسه تبرع قیلندن اولوب مصرفنی آجردن
 طلب ایده من

۵۳۰ ماده

آجرك اذنیله مستأجر ك اجرا ایتدیکی تعمیرات اكر
 طامك كرمیدینی اقطاعارمق کبی مأجورك اصلاحنه
 وخلال تطرقندن سیاننه عائد ایسه مصرفنی آجردن التحق
 شرطی ذکر اولنماش ایسه بيله مستأجر بوتعمیراتك
 مصرفنی آجردن الور . واکر خانه نك فروونی تعمیر
 ایتك کبی مجرد مستأجر ك منافعه عائد ایسه اويله بر شرط
 ذکر اولندرقچه مستأجر انك مصرفنی آجردن اله من

۵۳۱ ماده

مستأجر بر عقار مأجورده بنا احدات ایسه یا خود اغاح
 دیکسه اجاره نك اقتضاسنده آجر مخیر اولور . دیلر سه
 اول بنایی یا خود اغاحی قلع ایتدیرر . و دیلر سه قیمتی
 از اولسون چوق اولسون و یروب ابقا ایدر

۵۳۲ ماده

مدت اجاره ده ترا کم ایدن توز و طپراق و سو پرندینک
 تطهیر و ازاله سی مستأجر اوزرینه در

۵۳۳ ماده

مستأجر . مأحوری تخریب ایدر اولوبده آجر منعیه
 مقتدر اوله مسه حاکمه مراجعتله اجاره یی قسح
 ایتدیره یلور

(فصل ثانی)

(اجاره عروض حقتده در)

۵۳۴ ماده

مدت معلومه ایچون بدل معلوم مقابلنده البسه واسلحه
 و چادر و امثالی منقولاتک اجاره سی جائز در

۵۳۵ ماده

بر کیمسه بر محله کیتک اوزره البسه استیجار ایتدکده اول

محلہ کیتو بدہ خانہ سنده کیسہ یا خود ہیچ کیمہ سہ بیلہ
اجرتک اعطاسی لازم کلور

۵۳۶ مادہ

بر کیسہ کندو کیمک ایچون استیجار ایاندیکی البسہ بی
بشقہ سنہ کیدیرہ من

۵۳۷ مادہ

حلیات البسہ کیدر

(فصل ثالث)

(اجارہ حیوان حقندہ در)

۵۳۸ مادہ

معین بر حیوانی استکرا ایلک صحیح اولدیغی کبی بر محل
معینہ قدر کوتورمک اوزره مکاری ایله مقاولہ ایتک دخی
صحیحدر

۵۳۹ مادہ

فلان محلہ قدر دیو بر معین دابہ استکرا اولندیغی صورتده
ا کر دابہ یولده بیتاب اولوب قالور ایسه مستأجر مخیر
اولور • دیلر سہ حیوان طور انجیمہ قدر بکلر و دیلر سہ
اجازہ بی نقض ایلر و بحالده اورایہ قدر اولان مسافدنک
اجر مسمان حصہ سی نه ایسه انی آجره ویر

۵۴۰ ماده

فلان محله شوقدر يوك كوتورمك اوزره بازارلق اولنديغي
صورتده حيوان يولده ييتاب اولوب قالور ايسه بشقه
حيوانه تحمیل ايله يوكی اول محله قدر كوتورمكه مكاری
مجبور اولور

۵۴۱ ماده

لاعلى التعین بر حیوان استیجاری جائز اولماز . فقط
بعد العتد تعین اولنوبده مستأجر دخی قبول ایدر ايسه
جائز اولور

برده معتاد اولديغي اوزره لاعلى التعین بر نوعدن
بردايه استیجار اولندقدده جائز ومطلق معارفه مصروف
اولور

مثلا عادت اولديغي اوزره مكاری ايله فلان محله قدر
بر بارکیر استیجار اولندقدده مكاری بروجه معتاد بر بارکیر
ايله اول کیمسه یی اورایه ایصال ایتمكه بورجلی اولور
۵۴۲ ماده

اجاره ده سنجاق و ولایت کبی بر قطعہ نك اسمیله حد مسافه یی
تعین ایلک کافی دکلدر . مکر که اول قطعہ نك اسمی
بر شهره اطلاق اولمق اوزره عرف اوله

مثلا بوسنده دك یاخود عربستانه قدر دیو حیوان استمکرا

اينك صحیح اولیوب واريله جق شهر یاقصیه یاقریه نك
 تعیینی لازم کلور . فقط شام لفظی بر قطعه نك اسمی
 اولدیغی خالده شهر دمشقه اطلاق اولمق اوزره عرف
 اولدیغندن شامه قدر دیو حیوان استکرا اولنسه صحیح
 اولور

۵۴۳ ماده

فلان محله قدر دیو بر حیوان استکرا اولنوبده اول محلك
 اسمی ایکی بلده یه اطلاق اولنور اولدیغی تقدیرده هر
 قنغیسنه کیدیلور ایسه اجر مثلی لازم کلور
 مثلا استانبولدن چکمه یه دك بر حیوان استکرا اولنوب
 ده بیوک یاخود کوچك چکمه دیو تصریح قلمدیغی
 تقدیرده هر قنغیسنه کیدیلور ایسه انك مسافه سنه کوره
 اجر مثل ویرلك لازم اولور

۵۴۴ ماده

بر بلده یه دك بر حیوان استکرا اولندقدده مستأجری اول
 بلده ده کی خانه سنه قدر کوتورمك لازم اولور
 ۵۴۵ ماده

بر محل معینه دك حیوان استیجار ایدن کیمسه مکارینك
 اذنی اولمدیقه اول محلی تجاوز ایده مز . و تجاوز ایتدکه
 صاغ و سالم صاحبنه تسلیم ایدنجه دك اول حیوان

مستأجر ك ضماننده اولوب كرك ذهابنده و كرك ايا بنده
تلف اولسه ضمان لازم كلور

۵۴۶ ماده

بر محل معينه كيتك اوزره ديو دابه استكرا اولند قدده
مستأجر اول حيوان ايله بشقه محله كیده مزه و كیدوبده
حيوان تلف اولسه ضامن اولور

مثلا تكفور طاغنه كيتك اوزره استيجار ايتديكي حيوان
ايله اسليه به كيتسه و حيوان تلف اولسه ضمان لازم كلور
۵۴۷ ماده

بر محل معينه ديو حيوان استيجار اولنوبده اورا به كیدن
يولار متعدد اولسه مستأجر ناسك سلك ايتديكي يولاردن
هر قنغيسيله استرسه كیده يولور

و حيوان صاحبي كیده جك يولي تعيين ايتشيكن مستأجر
بشقه يولدن كیدوبده حيوان تلف اولديغي صورته
اكر بو يول حيوان صاحبنك تعيين ايلش اولديغي يولدن
دها طولاشق يا صرب ايسه ضمان لازم كلور و اكر
مساوي يا خود دها اهون ايسه ضمان لازم كلز

۵۴۸ ماده

مستأجر شو قدر مدت ايجون استيجار ايلديكي حيواني

اول مدتدن زیاده استعمال ایده مز وایدوبده یدنده حیوان
تلف اولسه ضمانن اولور

۵۴۹ ماده

فلان آدم بئک اوزره دابه استکراسی صحیح اولدیغی کبی
دیلدیکنی بندیرمک اوزره تعمیماً استکراسی دخی صحیحدر
۵۵۰ ماده

رکوب ایچون استکرا اولنان حیوانه یوک یوکدیله مز
و یوکدیلوبده حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
لکن بوحالده اجرت لازم اولماز (۸۶) ماده به باق
۵۵۱ ماده

فلان آدم بئک اوزره استکرا اولنان حیوانه بشقه سی
ارکاب اولنه ماز . وارکاب اولوبده حیوان تلف
اولسه ضمان لازم کلور
۵۵۲ ماده

برکیمسه دیلدیکنی بندیرمک اوزره استکرا ایلدیکی دابه به
دیلسه کندوسی را کب اولور و دیلسه بشقه سی
ارکاب ایدر . فقط کک کندوسی بنسون و کک
بشقه سی بنترسون هرکیم را کب اولور ایسه مراد
تعیین و تخصص ایدوب اندن صکره بشقه سی ارکاب
اولنه ماز

۵۵۳ ماده

رکوب ایچون بر حیوان استکرا اولنوبده کیمک بنه جکی
 تعیین و دیلدیکی بندر مک اوزره دیو تعمیم اولنمسه اچاره
 قاسد اولور

فقط قبل الفسخ تعیین و بیان اولنور ایسه صحتہ منقلب
 اولور • و بوصورته دخی هر کیم تعیین ایدر ایسه
 اندن بشقه سی اول حیوانه ارکاب اولنہ ماز
 ۵۵۴ ماده

یوک ایچون حیوان استکرا اولندقدہ سمر وایپ وجوال
 حقندہ عرف بلده معتبر در
 ۵۵۵ ماده

یوکک مقداری بیان یا خود اشارتله تعیین ایدلمیه رک حیوان
 استکرا اولندقدہ مقداری عرف وعادته محمول اولور
 ۵۵۶ ماده

مستأجر کرا حیوانی صاحبک اذنی اولسترین ضرب
 ایدہ ماز و ضرب ایدوبده اندنناشی حیوان تلف اولسه
 ضامن اولور
 ۵۵۷ ماده

کرا حیوانی ضرب ایتک اوزره صاحبی اذن ویردیکی
 صورتده مستأجر انجق ضربی معتاد اولان یرینه

اوره بیلور : وا کر ضربی معتاد اولان موضعدن بشقه
 رینه ضرب ایله مثلا صباغریسنه اوره جق برده باشنه
 اورمغله حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور
 ۵۵۸ ماده

یوک ایچون استکرا اولنان حیوانه بینیه بیلور
 ۵۵۹ ماده

یوک نوع و مقداری ذکر و بیان اولنه رق حیوان استیجار
 اولندقدمه مضرتده اکا مماثل یا نبود اندن دهاهون اول قدر
 دیگر بر نوع یوک دخی یوکدیله بیلور . اما مضرتی
 دها زیاده اولان شی یوکدیله من

مثلا بر کیمسه بش کیله بغدادی یوکتمک اوزره استکرا ایلدیکی
 بار کیره کرک گندوسنک اولسون و کرک بشقه سنک اولسون
 و هر قنغی نوعندن اولورسه اولسون بش کیله بغدادی
 یوکلاه یلیدیکی کبی بش کیله ارپه دخی یوکده بیلور .
 اما بش کیله ارپه یوکتمک اوزره استکرا ایلدیکی
 حیوانه بش کیله بغدادی یوکده من ته کیم یوز قیه یموق
 یوکتمک اوزره استکرا اولنان حیوانه یوز قیه تیمور
 یوکدیله مدیکی کبی

۵۶۰ ماده

کرا حیوانندن یوکی ایندیرمک مکاری اوزرینه در

۵۶۱ ماده

مأجورك نفقه سی آجر اوزرینه در
مثلا استکرا اولنان بارکیرک علفی و صوارلمسی صاحبی
اوزرینه در فقط آنک اذنی اولمقسنزین مستأجر حیوانه یم
ویررایسه تبرعدر صکره صاحبندن اقچه سنی الهماز

(فصل رابع)

(اجاره آدمی بیانده در)

۵۶۲ ماده

خدمت یا اجرای صنعت ایچون باب ثانینک فصل ثالثده
بیان اولندیغی اوزره مدت بیانیله یا خود دیگر صورته
عملی تعیین ایله اجاره آدمی جاژدر

۵۶۳ ماده

اجرت مقوله ایدلیه رلک بر شخص برکیمسه نك طلبی
اوزرینه اول کیمسه یم خدمت ایتدکده اجرت ایله خدمت
ایدر مقوله دن ایسه اجر مثل اولور . دکل ایسه
برشی الهماز

۵۶۴ ماده

برکیمسه بر شخصه مقدار بیان ایتیه رلک فلان ایشی
کورسکا ا کرام ایدرم دیوب اودخی ایفای خدمت ایسه
اجر مثله مستحق اولور

۵۶۵ ماده

اجرت تسمیه اولتمسزین عمله استخدام اولندقدده کونده لکی معلوم ایسه اجرت معلومه ودکل ایسه اجر مثلی ویریلور . بوکا مماثل اصنافک معامله لری دخی بو وجهله در

۵۶۶ ماده

قیامتدن لاعلی التعمین بر شی ویرمک اوزره اجیرایله عقد اجاره اولندقدده اجر مثل لازم اولور مثلاً بر کیمسه برینه کل بکا شو قدر کون خدمت ایت سکا بر چفت اوکوز الیویرهیم دیسه اوکوز اعطاسی لازم کلیوب اجر مثل لازم کلور . فقط عادت اولدیغی اوزره البسه یا یلق اوزره سوت انا استیجاری جائز والبسه نل فصل اوله جنی وصف وتعریف اولندیغی تقدیرده اوسط درجسی لازم اولور

۵۶۷ ماده

خدمه یه خار جدن ویرلمش اولان بخشش اجرتیه محسوب ایدیه حاز

۵۶۸ ماده

بر علم یا صنعت تعینی ایچون استاد استیجار اولندقدده اگر مدت بیان اولنور ایسه اجاره مدت اوزرینه منعقد اولور

حتى استاد تعلیمه حاضر و مهیا بولنق ایله اجرتیه مستحق
 اولور شا کرد کرک تعلیم ایتسون و کرک ایتسون
 و اگر مدت بیان اولنمز ایسه اجاره فاسد اوله رق منعقد
 اولور . بوضورتده شا کرد تعلیم ایدرسه استاد اجرتیه
 مستحق اولور . والا اجرت الهماز
 ماده ۵۶۹

بر کیمسه مثلا اوغلنی صنعت او کر نمک ایچون اوستمه یه
 و یروب احد هما آخره اجرت شرط ایتدکلی حالده
 چونجق صنعت او کرند کد نصکره یکدی کردن اجرت مطالبه
 ایتسه لر عرف و عادت بلده نه ایسه انکله عمل اولنور
 ماده ۵۷۰

بر قریه اهالیسی برخواجه یا خود امام یا مؤذن استیجار
 یدوب انلر دخی ایفای خدمت ایلمسه لر اجرت لرینی اول
 قریه اهالیسندن الورلر
 ماده ۵۷۱

بالنفس عمل ایتک یعنی کندو ایشمک اوزره استیجار اولنان
 اجیر کندو یرنده بشته سنی قوللانه ماز
 مثلا بر کیمسه بر جبهه یی شو قدر غروشه درزی کندو ایله
 دیکمک اوزره بازارلق ایتدکده درزی انی آخره
 دیکدیره میوب کندوسی دیکمک لازم کلور و آخره

دېکدیردیکي تقدیرده تلف اولسه ضامن اولور

۵۷۲ ماده

مطلق اوله رق مقاوله اولندیغی صورتده آجر کندو یرنده

بشقه سنی قوللانه یلور

۵۷۳ ماده

مستأجرک اجیره بو ایشی یاپ دیمه سی اطلاقدر

مثلا برکیمسه درزی یه بالذات یاخود کندوک دیو تقید

ایتمکسزین شو قدر غروشه بو جبه بی دیک دیو بده

مقاوله ایتدکده درزی انی قلفه سنه یاخود دیکر بر

درزی یه دیکدیرسه آجر مسمایه مستحق اولور • وبلا

تعد جبه تلف اولسه ضامن اولمز

۵۷۴ ماده

عالمک توابعندن اولوبده اجیر اوزرینه شرط قلمیان هر نه

اولور ایسه اولسون بونده عرف و عادت بلمدیه اعتبار اولور

ایپلک درزینک اولق اوزره عادت اولدیغی کبی

۵۷۵ ماده

یوکی خانه یه ادحال ایتک حاله لازم اولوب اما محله

قویق انک اوزرینه لازم دکدر

مثلا یوکی اوست قانه چیقارمق و ذخیره بی انباره

دویمک حالک بورخی دکدر

۵۷۶ ماده

اجیره یمک و یرمک مستأجره لازم اولماز . مکرکه عرف
بلده اوله

۵۷۷ ماده

بر دلال بر مالی کزدرو بده صاته مسه بعده صاحبی
صاته قدسه اول دلال اجرت الهماز و دیگر بر دلال
صاته بیغی تقدیرده اجرت دلایه بی کاملا ایکنجی دلال
الوب اولکیسی برشی الهماز

۵۷۸ ماده

بر کیسه مالی دلالة و یروپ شو قدر غروشه صات
دیدکده دلال اندن زیاده به صاتسه اول زیاده دخی مال
صاحبنک اولوب دلال اجرت دلایه سندن بشقه برشی
الهماز

بعده دلال دلایه سنی الدقدنصره بر مستحق چیقو بده
مبیعی السه یاخود عیب ایله مبیع رد اولنسه دلایه
استرداد اولندماز

۵۸ ماده

بر کیسه نک ترلاسنده کی اکینی بیچمک اوزره شو قدر
غروشه استیجار ایش اولدیغی اورا قیلر اکینک بر
قدارینی بیچدکاری حالده طولو یاغغله یاخود بشقه بر

قضا ظهور یله اکیئک ماعداسی تلف اولسه اجر مسمان
بیچد کیری اکیئک حصه سنه اصابت ایدن مقداری اله بیلوب
باغچسینی اله مازلر

۵۸۱ ماده

سوت انا خسته اولدقده فسح اجاره ایده بیلدیکی کبی
بویله خسته وکبه اولور یاخود چوجق انک ممه سنی
الماز و یاسوتینی استقراغ ایلر ایسه مسترضع دخی فسح
اجاره ایده بیلور



(باب سابع)

(بعد العقد آجر و مستأجرک وظیفه و صلاحیتکرینه)

(دائر اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(تسلیم مأجور حقنده در)

۵۸۲ ماده

مأجورک تسلیمی مستأجره بلا مانع آنکله انتفاع
ایده بیلر چک حالده آجرک اذن ورخصت ویرمسیدر

۵۸۳ ماده

مدت یا مسافه اوزرینه اجاره صحیحه عقد اولدقده

مدتك انقضاسنه و مسافه نك ختامنه قدر ما جورك متصلا
 و مستمراً ينده طور مق اوزره مستأجره تسليمي لازمدر
 مثلاً بر كيمسه شو قدر مدت ايله يا خود فلان يره كيتمك
 اوزره بر عربيه استيجار ايندكده اول مدت ظرفنده يا خود
 اورايه وارنجيدك اول عربيه يي قوللانه بيلور و اوراده
 صاحبي اني الوبدنه كندو امورنده استعمال ايده من
 ۵۸۴ ماده

آجر ك بر ملك عقاريني ايچنده كندو مالي اولديغي حالده
 ايچار ايتسه فارغا تسليم ايتدكجه كرا ايشلنز . مكر كه
 اول مالي دخي مستأجره صاتمش اوله
 ۵۸۵ ماده

آجر خانه يي تسليم ايدوبده ايچنده كي اشياسني قويدغي
 بر او طه يي تسليم ايتسه اول او طه نك بدل اجاره دن
 حصه سي مقداري ساقط اولور . و خانه نك باقيستنده
 دخي مستأجر مخيردر . و اكر آجر قبل الفسخ خانه يي
 تخليه و تسليم ايدرسه اجاره لازم اولور يعنى مستأجر ك
 حق فسخي ساقط اولور

(فصل ثانی)

(بعد العقد عاقدینک مأجورده تصر فلرینه دأر در)

۵۸۶ ماده

مأجور عقار ایسه مسأجر انی قبل القبض آخره ایجار
ایده بیلور . و اگر منقول ایسه ایده من

۵۸۷ ماده

ناسک استعمال و انتفاعده متفاوت اولدیغی مأجوری
مستأجر بشقه سنه ایجار ایده بیلور

۵۸۸ ماده

اجاره فاسده ایله مستأجر اولان کیسه مأجوری
بعد القبض بشقه سنه اجاره صحیحه ایله ایجار ایتسه
جائز اولور

۵۸۹ ماده

بر کیسه مالی مدت معلومه اوزرینه برینه اجاره لازمه ایله
ایجار ایتدکن صکره تکرار بشقه سنه اول مدتی ایجار
ایلسه اجاره ثانیه نافذ و معتبر اولماز

۵۹۰ ماده

مستأجرک اذنی اولمقنرین آجر مأجوری صاتسه
مستأجر حقنده بیع نافذ اولماز ایسه ده بایع ایله مشتری
بیننده نافذ اولور

حتى مدت اجاره‌ك انقضاسنده مشتری حقنده بيع لازم
اوله رق المقدن امتناع ایده من

مکرکه مدت اجاره‌ك انقضاسندن مقدم مشتری بایعدن
مبیعك تسلیمنی مطالبه ایدوبده تسلیمی ممکن اولدیغنی
جهتله قاضی عقد بیعی فسخ ایلله واکر مستأجر
بیعی مجبیر اولور ایسه هربری حقنده بيع نافذ اولور
لکن مستأجرک بوجه پشین ویرمش اولدیغنی بدل
اجاره‌دن استیفا ایتمدیکی مقداری الله واصل اولدقجه
مأجور انك النذن الله من

واکر مستأجر بونی استیفا ایتمدن مأجوری تسلیم ایدر
ایسه حق حبسنی اسقاط ایتمش اولور

(فصل ثالث)

(رد و اعاده مأجوره متعلق مواد بیاننده در)

۵۹۱ ماده

اجاره‌ك انقضاسندن نصکره مستأجر مأجور اوزرندن
رفع یدایتمسی لازمدر

۵۹۲ ماده

اجاره‌ك انقضاسندن صکره مستأجر ارتق مأجوری
استعمال ایده من

۵۹۳ ماده

اجاره منقضى اولوبده آجر مالى المق استءكده مستأجر ك
دخى تسليم ايتمى لازمدر

۵۹۴ ماده

مأجورك رد و اعاده سى مستأجر ك اوزرينه لازم اولمىوب
اجاره نك انقضاء سنده مأجورك اخذى آجر اوزرينه در
مثلا برخانه نك اجاره سى منقضى اولدقه صاحبي
واروب خانه سنى تسليم ايتك لازمدر .

كذلك فلان محله قدر بر حيوان استيجار اولندقه صاحبي
اول محله بولنوب حيوانى المق لازم كلور . وكلوب
المدبغى حالده مستأجر ك تعدى وتقصيرى اولقسزين
ينده اول حيوان تلف اولسه ضامن اولماز

اما بر محل معيندن كيدوب كلك اوزره استيجار ايتمش
اولسه اول محله كوتورمى لازم كلور واورايه
كوتورميه رك كندو خانه سنده كوتوروب طوتسه وحيوان
تلف اولسه ضامن اولور

۵۹۵ ماده

مأجورك رد و اعاده سى حل ومؤنه محتاج ايسه اجرت
نقليله سى آجر اوزرينه در

(باب ثامن)

(ضمانات پیاونده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(ضمان منفعت حقنده در)

ماده ۵۹۶

برکیمسه برمالی صاحبك اذنی اولمقسزین استعمال
ایتش اولسه غصب قبیلندن اوله رق منافعی اوده مک
لازم کلز

فقط مال وقف یا مال صغیر ایسه هر حالده ومعد للاستغلال
ایسه تاویل ملک وعقد اولدیغی حالده ضمان منفعت
یعنی اجر مثل لازم اولور

مثلا برکیمسه آخرک خانه سنده عقد اجاره ایتمکسزین
خود بخود بر مدت ساکن اولسه اجرت ویرمسی لازم
کلز . فقط اول خانه وقفک یا بر صغیرک مالی ایسه کرک
تاویل ملک وعقد بولنسون و کرک بولنسون هر حالده
ساکن اولدیغی مدتک اجر مثانی ویرمسی لازم کلور
کذلک کراخانه اولوبده تاویل ملک وعقد اولدیغی
حالده ینه اجر مثل لازم اولور

وکذا برکیمسه صاحبك اذنی اولمقسزین برکرا بارکربنی

آلوده بر مدت قوللانسه اجر مثانی ویرمسی لازم کاور
ماده ۵۹۷

تاویل ملک ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر مال مشترکی شریکارندن بریسی دیگر شریکنک
اذنی اولقسزین بر مدت مستقلا تصرف واستعمال ایله
ملکمدر دیو استعمال ایش اوله جغی جهتله معد
لاستغلال اولسه دخی دیگر شریکی حصه سنک اجرتنی الهماز
ماده ۵۹۸

تاویل عقد ایله استعمال اولنان مال معدلاستغلال اولسه
دخی ضمان منفعت لازم کلز

مثلا بر کیسه مشترکا مالک اولدیغی دکانی شریکنک
اذنی اولقسزین برینه صاتمعله مشتری دخی بر مدت
تصرف ایدوب انجق دیگر شریکی بیعه اجازت
ویرمیه رک حصه سنی ضبط ایلدکده دکان هر
نقدر معدلاستغلال ایسه ده حصه سنک اجرتنی مطالبه
ایده من زبرا مشتری انی تاویل عقد ایله استعمال ایش
یعنی عقد بیع ایله متصرف دیو قوللانمش اولدیغی جهتله
ضمان منفعت لازم کلز

کذلک بر کیسه بردکرمنی ملکی اولق اوزره برینه بیع

و تسليم ايله مشترى بر مدت ضبط و تصرف ايتد كدن صكره
 بشقه بر كسنه اول دكر منه مستحق چيقوب بعد الاثبات
 والحكم مشترين السه مشترينك مدت مزبور ده تصرفي
 ايجون اجرت نامنه برشي اله مزيرا بونده دخی تاویل
 عقد وارد

۵۹۹ ماده

بر كيمسه بر صغيرى و ليسه نك اذنى اولقسرين استخدام
 ايلسه بالغ اولدقده خدمتك اجر مثلنى الور • و صغير
 فوت اولسه ورثه سى دخی اول مدتك اجر مثلنى اول
 كيمسدن اله پيلورل

(فصل ثانى)

(مستأجر ك ضمانى حقنده در)

۶۰۰ ماده

عقد اجاره كرك صحيح اولسون وكرك صحيح اولسون
 مستأجرينده مأجور امانتدر

۶۰۱ ماده

مأجور اكر مستأجرينده تلف اولور ايسه مستأجر ك
 تعديسى ياتقصيرى و يا خود مأذونيتنه مخالفتي اولدقده
 ضمان لازم كلز

۶۰۲ ماده

مستأجر ك تعدیسی ایله مأجور تلف اولسه یاخود قیمته نقصان کلسه مستأجره ضمان لازم کلور
مثلا مستأجر کرا حیواننی اوروب اولدرسه یاخود عنف و شدت اوزره سورمکه حیوان تلف اولسه قیمتی ضامن اولور

۶۰۳ ماده

مستأجر ك خلاف معتاد حرکتی تعدی اولوب بوندن تولد ایدن ضرر و خساری ضامن اولور
مثلا استیجار ایندیکی البسه بی عادت ناسه مخالف اوله رق استعمال ایدوبده فرسوده اولسه ضامن اولور
کذلک خانه مأجورده ناسک یا قدیغی مرتبه زیاده آتش یا قسندن ناشی حریق ظهور یله خانه محترق اولسه ضامن اولور

۶۰۴ ماده

مستأجر ك امر محافظه ده تقصیری ایله مأجور تلف اولسه یاخود قیمته نقصان کلسه ضمان لازم کلور
مثلا مستأجر کرا حیواننی باشی بوش بر محلده صالیویرمکه ضایع اولسه ضامن اولور

۶۰۵ ماده

مشروطك مافوقنه تجاوز ايله مستأجر ك كندو مآذونیتنه
مخالفتی ضمانی موجب اولور . اما مثلنه یاخورد مادونه
عدول ايله مخالفتی ضمانی ایجاب ایتمز
مثلا مستأجر شو قدر قیه یاغ یو کلمک اوزره استکرا
ایلدیکی حیوانه اولقدر قیه تیمور یو کلدوبده حیوان تلف
اولسه ضامن اولور

اما مضرتده یاغه مساوی یاخود ده اخفیف برجنس حوله
یو کلدوبده حیوان تلف اولسه ضامن لازم کلز

۶۰۶ ماده

اجاره نك انقضاسنده . مأجور كما كان مستأجر یدنده
ودیعه كبی امانت قالور بناءً علیه اجاره منقضى
اولدقدنصكره . مستأجر مأجوری استعمال ایدوبده تلف
اولسه ضامن اولور

كذلك اجاره نك انقضاسنده آجر مالنی طلب ایدوبده
مستأجر ویرمیوب امساك ایتدكدنصكره اول مال تلف
اولسه ضامن لازم کلور

(فصل ثالث)

(اجيرك ضمانی حقنده در)

۶۰۷ ماده

اجيرك تعديسی يا خود تقصیری ايله مستأجر فيه تلف
اولسه ضامن اولور

۶۰۸ ماده

اجيرك تعديسی مستأجرك صراحةً يا دلالةً امرينه
مخالف عمل و حرکت ايتسيدر

مثلا برکيمسه اجير خاص اولان چوبانه شو حيوانلری
فلان محله رعی ایت آخیره کوتورمه ديمشیکن چوبان
اول محله رعی ايتمه رك بشقه محله کوتوروب رعی ايتسه
تعدي ايتمش اولور .

واوراده رعی ايدر ايکن حيوانلر تلف اولسه چوبانه
ضمان لازم کلور

کذلک برکيمسه درزی يه بر قاش و يروب وبکا براوزون
انتاری چيقارسه کس دیوب درزی دخی چيقاردیه رك
کسدکده اوزون انتاری چيقمسه اول کيمسه قاشی درزی يه
تضمين ايتديره بيلور

۶۰۹ ماده

اجيرك تقصيرى مستأجر فيهلك محافظه سنده بلا عذر قصور
ايتسيدر

مثلا سوريدن بر حيوان فرار ايتد كده چوبان مجرد تكاسل
وامهالندن ناشى واروب طوتمديغى جهتمله حيوان ضايع
اولسه چوبان تقصير ايتمش اوله جغندن ضامن اولور
اما انك ارقه سى صره كيتديكى تقديرده ديكر حيوانلرك
ضايع اولمق احتمالى غالب اولديغى جهتمله واروب
طوتمامش ايسه معذور اولمغله ضمان لازم كلز

۶۱۰ ماده

اجير خاص امپندر

حتي يندنه بغير صنعه تلف اولان مالى ضامن اولماز
وكذا بلا تعد كندو عمليه تلف اولان مالى دخی ضامن
اولماز

۶۱۱ ماده

اجير مشترك كرك تعديسى ياتقصيرى اولسون وكرك
اولسون كندوسنك فعل وصنعندن تولد ايدن ضرر
وخسارى ضامن اولور

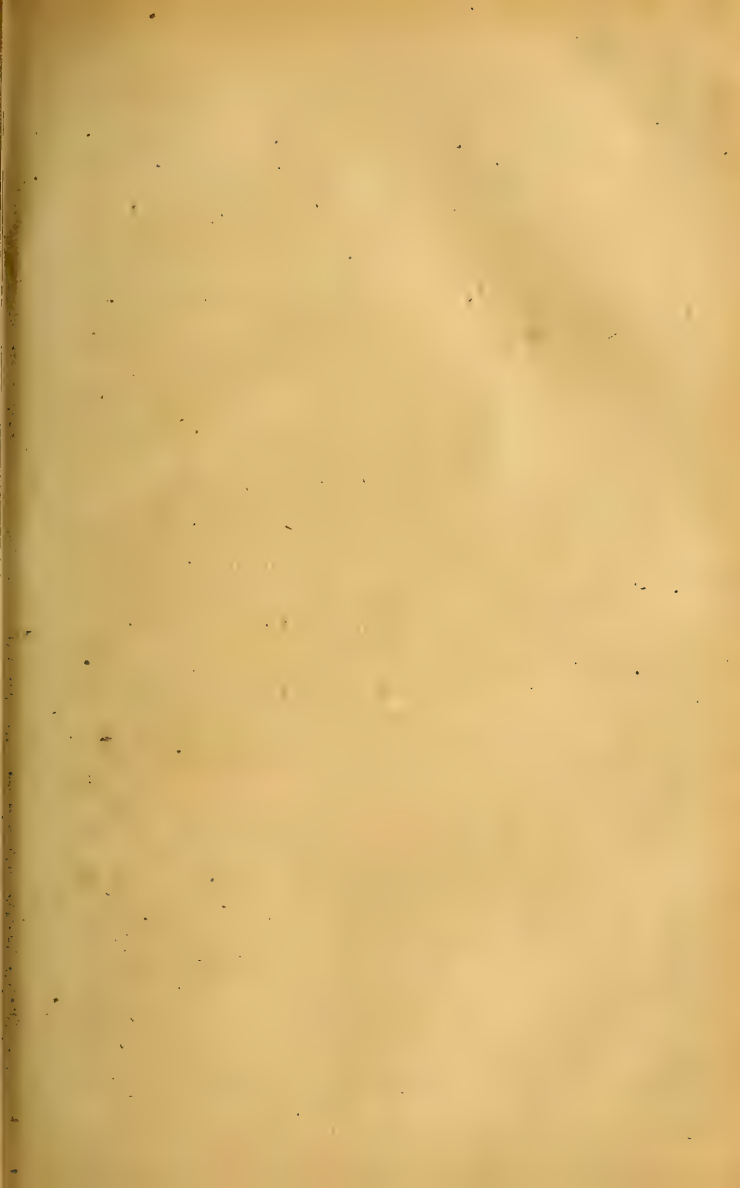
اراده سنیه تاریخی فی ۶ ذی القعدة سنه ۲۸۶

مفتش اوقاف همایون ناظر دیوان احکام عدلیه
السید خلیل احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت
السید احمد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء شورای دولت عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
محمد امین السید احمد حلمی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده
علاء الدین



— ❦ — كتاب الكفالة ❦ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موجنجه عمل اولنه)

(کتاب ثالث)

(کفالت حقنده اولوب بر مقدمه ایله اوج بابی حاویدر)

(مقدمه)

(کفالت دائر اولان اصطلاحات ققهیمه بیاننده در)

۶۱۲ ماده

کفالت • بر شئیک مطالبه سی حقنده ذمتی ذمتیه ضم

ایتمکدر

یعنی بر کیسه ذاتی دیگرک ذاتیه ضم ایدوب وانک

حقنده لازم کلان مطالبه بی کندو دخی التزام ایتمکدر

۶۱۳ ماده

کفالت بالنفس • بر آدمک شخصنه کفیل اولمقدر

۶۱۴ ماده

کفالت بالمال • بر مالک اداسنه کفیل اولمقدر

۶۱۵ ماده

کفالت بالتسلیم • بر مالک تسلیمنه کفیل اولمقدر

۶۱۶ ماده

کفالت بالدرك • مبيع بالاستحقاق ضبط اولنـدیغی

تقدیرده آچه سنی ادا و تسلیمه یا خود-بایعك نفسنه کفیل
اولمقدر

۶۱۷ ماده

کفالت منجزه . شرطه معلق وزمان مستقبله مضاف
اولمیان کفالتدر

۶۱۸ ماده

کفیل . کندو ذمتنی آخرك ذمتنه ضم ایدن یعنی
آخرك متعهد اولدیغی شیئه کندو دخی متعهد اولان
کیمسه درکه اول آخره اصیل و مکفول عنه دنیلور

۶۱۹ ماده

مکفول له . کفالت خصوصنده طالب وداین اولان
کیمسه در

۶۲۰ ماده

مکفول به . کفیلک تسلیمه یا اداسنه متعهد اولدیغی
شیدرکه کفالت بالنفسده مکفول عنه ایله مکفول به
برشیدر



(باب اول)

(عقد کفالت حقنده اولوب ایکی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(رکن کفالت حقنده در)

۶۲۱ ماده

یا لکز کفیلک ایجابیله کفالت منعقد و نافذ اولور . فقط
مکفولله دیلر سه رد ایده یلور . و مکفولله رد ایتدیجه
کفالت باقی قالور

بو صورتده مکفول لهک غیابنده برندن اله جغنه برکیمسه
کفیل اولوبده خبر کفالت کندویه و اصل اولمدین
وفات ایتسه کفیل بو کفالتیه مطالبه و موأخذ اولور

۶۲۲ ماده

کفیلک ایجابی یعنی الفاظ کفالت عرف و عادتده تعهد
و التزامه دلالت ابدن سوزلردر
مثلا کفیل اولدم یا خود کفیل و یا ضامنم دیسه کفالت
منعقد اولور

۶۲۳ ماده

وعد معلق ایله دخی کفالت اولور (۸۴) ماده یه باق
مثلا فلان آدم سنک الاجغکی ویرمز ایسه بن ویررم

دیسہ کفالت اولور و داین اله جغنی استیوبده مدیون
ویرمه کفیلدن مطالبه ایدر

۶۲۴ ماده

بو کوندن فلان وقتہ قدر کفیلم دیدکده کفالت موقتہ
اوله رق منجزا منعقد اولور

۶۲۵ ماده

کفالت • مطابق اوله رق منعقد اولدیغی کبی تعجیل
و یا تأخیر قیدله یعنی همان یا خود فلان وقتده ایضا اولمق
اوزره دیو مقید اوله رق دخی منعقد اولور

۶۲۶ ماده

کفیله کفیل اولق صحیحدر

۶۲۷ ماده

کفیلک تعددی جائز در

(فصل)

(شرائط کفالت پیاننده در)

۶۲۸ ماده

کفالت اتمقاندنده کفیلک عاقل و بالغ اولمسی شرطدر
بناء علیه مجنون و معتوه و صبینک کفالتی صحیح اولماز.
وصبی ایکن کفیل اولویده بعدالبلوغ بو کفالتی مقرر
اولسه دخی انکاه مؤاخذه اولنه ماز

۶۲۹ ماده

مكفول عنك عاقل و بالغ اولسى شرط دكلدر
بناء عليه مجنون و صبيك بورجنه كفالت صحيح اولور
۶۳۰ ماده

مكفول به نفس ايسه معلوم اولسى شرطدر . و مال
ايسه معلوم اولسى شرط دكلدر

بناء عليه فلان آدمك فلان آدمه اولان بورجنه كفيلم ديده
بورجك مقداري معلوم اولسه دخی كفالت صحيح اولور
۶۳۱ ماده

كفالت بالمالده مكفول به اصیل اوزرينه مضمون اولمق
يعنى اصیل اوزرينه ايفاسی لازم اولمق شرطدر
بناء عليه ثمن مبيعه و بدل اجاره يه و سائر ديون صحيحه يه
كفالت صحيح اولور

كذلك مال مقصوبه كفالت صحيح اولوب لدى المطالبه
كفيل بونی عیناً یا بدلاً ایفایه مجبور اولور

و كذا سوم شرا طریقیله مقبوض اولان ماله ثمن تسمیه
اولنش ايسه كفالت صحيحدر . اما قبل القبض مبيعك
عینته كفالت صحيح اولماز زیرا عین مبيع بايع ينده
تلف اولسه بيع منفسخ اوله جفندن بايع اوزرينه مضمون
اوليوب يالكز ثمنی قبض ایتش ايسه ردی لازم كلور

كذلك مرهون و مستعار و مأجور و امانات سائر اصيل
 اوزرينه مضمون اولمديغندن بونلرك عيئرلرینه كفالت
 صحیح اولماز . فقط مكفول عنه بونلری اضاعه و استهلاك
 ايدر ايسه كفيل ديسه صحیح اولور . و برده كرك مبيعك
 و كرك بونلرك تسليمه كفالت صحیح اولور . ولدی المطالبه
 برجهتله حق حبسلى یوغیسه كفيل بونلری تسليمه مجبور
 اولور . انجق كفالت بالنفسده مكفول بهك و قاتيله
 كفيل بری اولدیغی كبی بونلرتلف اولدیغی تقدیرده دخی
 كفيله برشی لازم كلز

۶۳۲ ماده

عقوباته نیابت جاری اولماز
 بناء علیه قصاصه و سائر عقوبات و مجاوزات شخصیه به
 كفالت صحیح دكلدر . اما جارح و قاتل اوزرينه لازم
 كلان ارش و دیته كفالت صحیحدر

۶۳۳ ماده

مكفول عنك یساری شرط اولیوب مفلسه دخی كفالت
 صحیح اولور

(باب ثانی)

(کفالتک احکامی بیانده اولوب اوچ فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(کفالت منجزه و معلقه و مضافه نك حکمی بیانده در)

۶۳۴ ماده

کفالتک حکمی مطالبه در

یعنی مکفول لهک کفیلدن مکفول بهی مطالبه یه حق
اولقدر

۶۳۵ ماده

کفالت منجزه دن دین اکر اصیل حقنده معجل ایسه
در حال و مؤجل ایسه مدت معینه سنک تمامنده کفیل
مطالب اولور

مثلا برکسه برینک بورجنه کفیل اولدم دیدکده بورج
اگر معجل ایسه در حال مؤجل ایسه مدتی ختامنده
دائن اله جفنی کفیلدن مطالبه ایده یلور

۶۳۶ ماده

اما بر شرطه معلق و زمان مستقبله مضاف اوله رق منعقد
اولان کفالتده شرط تحقق و زمان حلول ایتدیکه کفیل
مطالب اولماز

مثلاً فلان آدم سنك اله جغكى ويرمز ايسه اداسنه كفيلم
ديدكده كفالت مشروطاً منعقد اولوب لدى المطالبه اول
آدم بورجنى ويرمز ايسه كفيلدن مطالبه اولنور بوخسه
اصلیدن قبل المطالبه كفيل مطالب اولماز

كذا فلان آدم سنك مالكى سرقت ايدر ايسه بن ضامنم
ديسه كفالت صحيح واول آدمك سرقتى ثابت اولدوقده
كفيل مطالب اولور

وكذا مكفول له نه وقت مطالبه ايدر ايسه شو قدر كون
مهلت ويرلك اوزره كفيل اولسه مكفول لرك مطالبه
ايتديكى وقتدن اعتباراً اول قدر كون مهلت ويريلوب
ايام مذكوره لك مرورندن صكره مكفول له هر نه وقت
ايسر ايسه مطالبه ايدر وكفيلك تكرار او قدر كون
استدعاسنه صلاحيتى اولماز

كذلك فلانده ثابت اوله جق اله جغكه ويا فلانده اقراض
ايده جكك مبلغه يا خود فلانك سندن غصب ايده جكى
شيئه ويا خود فلانده صاته جغك مالك ثمنه كفيلم ديدكده
كفيل انجق بواحوالك تحققةده يعنى بورجك ثبوتى
واقچه لك اقراضى وغصبك تحققي ومالك بيع وتسليمى
وقوعنده مطالب اولور

وكذا فلان كون احضار ايتك اوزره فلانك نفسه

كفيل ديدكده كفيل اول كوندن مقدم مكفول بهك
احضاريله مطالب اولماز

ماده ۶۳۷

شرطك تحققلنده وصف وقيدبك تحققي دخی لازمدر
مثلا فلان كيمسه نك اوزريندنه حكم اوانور ايسسه ادا سنه
كفيل ديدكي صورتده اول كيمسه شوقدر غروش بورج
اقرار ايتسه حكم حاكم لاحق اولمديقه كفيلك آئي ادا
ايتسي لازم كلز

ماده ۶۳۸

كفالت بالدر كده مبيعه مستحق چيققدده بالمحاكه بايعك
ثمنی رد ايتسنه حكم اولمديقه كفيل مواخذده اولنماز
ماده ۶۳۹

كفالت موقتده كفيل انجق مدت كفالت ظرفنده
مطالب اولور

مثلا بوكوندن برآيه قدر كفيل ديدكده كفيل انجق بو بر
آي ظرفنده مطالب اولوب اول آيك مرورنده كفالتدن
بری اولور

ماده ۶۴۰

كفالتك انعقادندن صكره كفيل كندوسني كفالتدن
اخراج ايدمه من فقط كفالت معلقه ومضافده دينك ذمت

مديونه ترتبندن مقدم كفيل كندوسنى كفالتدن اخراج
ايدە بيلور

مثلا بر كيمسه بر آدمك نفسنه ياديننه منجزا كفيل اولدقدن
صكره كندوسنى كفالتدن اخراج ايدە مديكى كې فلانده
نه قدر اله جغك ثابت اولور ايسه ضامنم ديدكده دخی
كفالتدن دونه من زيرا دينك ثبوتى هر نه قدر عقد
كفالتدن مؤخر ايسه ده ذمت مديونه ترتبى عقد كفالتدن
مقدمدر . اما فلان آدمه نه صاتار ايسه ك ياخود
صاته جغك مالك ثمننه كفيل ديديكى صورته مكفول
لهك اول آدمه صاته جغى مالك ثمننه ضامن اولور فقط
قبل البيع كندوسنى كفالتدن اخراج ايدە بيلور . شويلا
كه بن كفالتدن واز كچدم سن اول آدمه مال صاته
ديدكدن صكره مكفول له اول آدمه برشى صاتار ايسه
كفيل انك ثمننه ضامن اولماز

۶۴۱ ماده

مغصوب يامستعار اولان مالك رد و تسليمه كفيل اولان
كيمسه مالى صاحبنه تسليم ايتدكده اجرت نقليه سيله غاصب
و مستعيره رجوع ايدر يعنى اجرت نقليه سنى انلردن
الور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسک حکمی بیانده در)

۶۴۲ ماده

کفالت بالنفسک حکمی مکفول بهی احضار دن عبارت در
 شویله که قنخی وقت مکفول بهک تسلیمی شرط ایتش
 ایسه اولوقت مکفوله طلب ایتدیکی کبی کفیلک انی
 احضار ایتسی لازم کلور احضار ایدر ایسه فبها واکر
 ایتز ایسه انی احضار ایتک اوزره جبر اولنور

(فصل ثالث)

(کفالت بالمالک احکامی بیانده در)

۶۴۳ ماده

کفیل ضامن در

۶۴۴ ماده

طالب مطالبده مخیر در اله جفتی دیلر سه کفیلدن
 ودیلر سه اصیلدن مطالبه ایدر و برندن مطالبه سی
 دیگرندن مطالبه حقنی اسقاط ایتیب برندن مطالبه
 ابتد کدن صکره دیگرندن و یاخود معا ایکسندن دخی
 مطالبه ایده یلور

۶۴۵ ماده

کفیل بالمال اولان کیمسه ننگ کفالتی حسیله ذمتنه لازم

كلان مبلغه ديكر برى كفيل اولسه داین اله جفنى كفيلرك
قنغيسندن استر ايسه مطالبه ايدر
۶۴۶ ماده

بر جهتدن طولايى مشتركاً مديون اولان كيسه لر يكدىكره
كفيل اولسه لر هر برى دينك مجموعيله مطالب اولور
۶۴۷ ماده

بر دينك متعدد كفيللرى اولديغى صورتده اكر بشقه
بشقه كفيل اولمشلر ايسه هر برى مجموع دين ايله مطالب
اولور

واكر معا كفيل اولمشلر ايسه هر برى ديندن حصه مى
مقداريله مطالب اولور فقط بونلر يكدىكره ذمتنه لازم
كلان مبلغه دخى كفيل اولمشلر ايسه اول حالده هر برى
مجموع دين ايله مطالب اولور

مثلاً بر كيسه نك بيك غروش بورجنه برى كفيل اولدقدن
صكره ديكر برى دخى كذلك بيك غروشه كفيل اولسه
داین بو مبلغى كفيللرك هر قنغيسندن استر ايسه مطالبه
ايدر . اما اول ايكى كيسه بو بيك غروشه معا كفيل
اولسه لر هر برى بيك غروشك نصفيله مطالب اولور
مكر كه يكدىكره ذمتنه لازم كلان مبلغه دخى كفيل اولمشلر
ايسه اول حالده هر برى بيك غروش ايله مطالب اولور

۶۴۸ ماده

کفالتده اصیلک بری اولمسی شرط قلنور ایسه حواله یه

منقلب اولور

۶۴۹ ماده

محیلک عدم برائی شرطیله حواله کفالتدیر

بناء علیه برکیمسه مدیونه سنده کی اله جغمی سن دخی

ضامن اولمق اوزره فلانک اوزرینه حواله ایت دیسه

او دخی اولوجهله حواله ایتسه طالب اله جغنی هر

قنغیسندن استرایسه الور

۶۵۰ ماده

بری نزدنده برکیمسه نک امانت مالی اولدیغی حالده

اول مالدن ادا ایتک اوزره اول کیمسه نک بورجنه

کفیل اولسه جائز اولور . واول مالدن ایضا ایتک

اوزره کفیل اجبار اولنور . واکر مال تلف

اولسه کفیله برشی لازم کلز . فقط کفیل اولدقدن

صکره اول مالی صاحبنه رد ایتسه اول حالده گتندو

ضامن اولور

۶۵۱ ماده

برکیمسه برینی فلان وقتده احضار ایتک اوزره نفسنه

واول وقت احضار ایتدیکی تقدیرده بورجنک ادا سنه

كفيل اولدقده وقت معينه احضار ايتزايسه كفيلك
اول ديني ويرمسي لازم كلور

وكفيل فوت اولدقده ورثه سي وقت معينه قدر مكفول
بهي تسليم ايدرلر ياخود مكفول به جهت كفالتدن
طولايي نفسني تسليم ايلر ايسه كفيل طرفنه مالجه برشي
ترتب ايتز و اكر انلر مكفول بهي ياخود مكفول به نفسني
تسليم ايتزايسه كفيلك تركه سندن مالك اداسي لازم كلور
ومكفول له فوت اولسه وارثي مطالبه ايدر

وكفيل وقت معينه مكفول بهي احضار ايدوبده
مكفول له تغيب واختقنا ايلسه انك طرفندن بروكيل
نصب ايله اكا تسليم اولنمق اوزره مكفيل حاكمه
مراجعت ايلر

ماده ۶۵۲

كفالت مطلقه ده دين اكر اصيل اوزرينه معجل ايسه
كفيل حقنده دخی معجل و اصيل اوزرينه مؤجل ايسه
كفيل حقنده دخی مؤجل اوله رق ثابت اولور

ماده ۶۵۳

كفالت مقیده ده تعجيل و تأجيل و صفليكن هر قنيسيله
قيد اولنمش ايسه كفيل اكا كوره مطالب اولور

۶۵۴ ماده

بر مدت معلومه ايله مؤجل اولان دینه اول مدت ايله
مؤجل اوله رق کفالت صحیح اولد یغی کبی اندن
زیاده مدت ايله مؤجل اوله رق کفالت دخی صحیح
اولور

۶۵۵ ماده

داین اله جغنی اصیل حقنده تأجیل ایدر ایسه کړک
کفیل وکړک کفیل الکفیل حقنده دخی تأجیل ایتیش
اولور

وکفیل اول حقنده تأجیلی کفیل ثانی حقنده دخی تأجیل
اولور

اما کفیل حقنده تأجیلی اصیل حقنده تأجیل دکلدر

۶۵۶ ماده

مؤجلامدیون اولان کیمسه قبل حلول الاجل آخر
دیاره کیده جک اولوبده داینی حاکمه مراجعتله اندن کفیل
استدکده کفیل ویرمه مجبور اولور

۶۵۷ ماده

بر کیمسه برینه بنم فلان کیمسه یه اولان بورجه کفیل
اول دیوب و او دخی کفیل اولوبده کفالت حسیله
بورجی ادا ایتدکنصکره اصیله رجوع ایده جک

اولدقده كفيل اولديغى شيئله رجوع ايدر مؤدايه
اعتبار اولتماز

اما بورجك بر مقدارى اوزرينه دين ايله مصالحه ايتديكى
تقديرده ويرديكى بدل صلح ايله رجوع ايدر بوخسه
مجموع دين ايله رجوع ايده من .

مثلا مسكوكات خالصه يه كفيل اولوبده مغشوش آقچه
ايله تأديه ايلسه اصلیدن مسكوكات خالصه الور وبالعكس
مغشوش سكه يه كفيل اولوبده مسكوكات خالصه ايله
تأديه ايلسه اصلیدن مغشوش سكه الور كذلك شو قدر
غروشه كفيل اولوبده صلحا بعض اشيا اعطاسيله تأديه
ايلسه اصلیدن كفيل اولديغى مقدار آقچه نى الور .
اما بلك غروشه كفيل اولوبده صلحاً بشيوز غروش ايله
تأديه ايلسه اصلیدن بشيوز غروش الور
۶۵۸ ماده

عقد معاوضه ضمننده بر كيمسه برينى الداتمش اولسه
ضررينه ضامن اولور

مثلا بر كيمسه بر عرصه اشترا ايدوبده اوزرينه بنا ياپلقدن
صكره مستحق چيقوبده ضبط اولنسه مشتري بايعدن
عرصه نك قيمتى الدقدن بشقه بنانك حين تسليمنده كى
قيمنى دخى الور

كذلك بر كيمسه اهل سوقه اشبو صغير او غلبه مال صانكز
اكا تجارت ايچون اذن و یردم دیسه و بعده اول چو جق
بشقه سنك اولدیغی میدانه چیقسه اهل سوق اول چو جغه
صانمش اولدیغی مالك آقچه سنی اول كيمسه دن مطالبه
ایدر



(باب ثالث)

(كفالتدن برائت حقنده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(بعض ضوابط عمومیه بیاننده در)

ماده ۶۵۹

مكفول به كرك اصیل و كرك كفیل طرفندن مكفول لهه
تسلیم و ایفا اولندوقده كفیل كفالتدن بری اولور

ماده ۶۶۰

مكفول له كفیلی ابرا ایتدم یا خود كفیل طرفنده حقم یو
قدر دیسه كفیل بری اولور

ماده ۶۶۱

كفیلك برائتدن اصیلك برائتی لازم كلز

ماده ۶۶۲

اصیلك برائتی كفیلك برائتی موجب اولور

(فصل ثانی)

(کفالت بالنفسدن برائت حقننده در)

ماده ۶۶۳

کفیل مکفول بهی شهر وقصبه کبی مخصوصه ممکن اولان
 یرده مکفول لهه تسلیم ایتدکده مکفول له کرک قبول
 ایتسون و کرک قبول ایتسون کفیل کفالتدن بری اولور
 فقط بر بلده معینه ده تسلیمی شرط ایدلش ایسه بشقه
 بلده ده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز

ومجلس حاکمه تسلیم ایتک اوزره کفیل اولدوقده
 زقافده تسلیم ایله کفالتدن بری اولماز . فقط ضابط
 حضورنده تسلیم ایتسه بری اولور

ماده ۶۶۴

طالبک طلبی اوزرینه مکفول بهی مجرد تسلیم ایله کفیل
 کفالتدن بری اولور . اما طالبک طلبی اولمق سزین
 تسلیم ایتدکده بحکم الکفاله تسلیم ایتدم دیمدکجه بری
 اولماز

ماده ۶۶۵

فلان کون تسلیم ایتک اوزره کفیل اولوبده اول کوندن
 اول تسلیم ایتدکده مکفول له قبول ایتسه بیله کفیل
 کفالتدن بری اولور

۶۶۶ ماده

مکفول به فوت اولدقه کفیل کفالتدن بری اولدیغی
 کی کفیل کفیلی وار ایسه او دخی بری اولور
 کذلک کفیل فوت اولسه کندو کفالتدن بری اولدیغی
 کی کفیلی وار ایسه او دخی بری اولور
 اما مکفول لهک وفاتیه کفیل کفالتدن بری اولوب
 وارثی مطالبه ایدر

(فصل ثالث)

(کفالت بالمالدن برائت حقنده در)

۶۶۷ ماده

داین فوت اولوبده مدیون اکا منحصرا وارث اولسه
 کفیل کفالتدن بری اولور
 واکر داینک بشقه وارثی دخی وار ایسه کفیل یالکز
 مدیونک حصه سندن بری اولوب دیگر وارثک حصه سندن
 بری اولماز

۶۶۸ ماده

کفیل یاخود اصیل بورجک برمقداری اوزرینه داش
 ایله مصالحه ایتدکلرنده اگر اکیسینک یا اصیلک برائی
 شرط ایدلمش یاخود هیچ بر شرط در میان ایدلمش ایسه
 اکیسی دخی بری اولور

واکر یالکز کفیلک برائی شرط ایدلمش ایسه یالکز کفیل
بری اولوب طالب دخی مخیر اولور . دیلر ایسه مجموع
دینی اسیلدن و دیلر سه بدل صلحی کفیلدن و باقیسنی
اسیلدن الور

۶۶۹ ماده

کفیل مکفول لهی برینک اوزرینه احاله ایدوب مکفول
له و محال علیه دخی قبول ایسه هم کفیل و همده مکفول
عنه بری اولور

۶۷۰ ماده

کفیل بالمالک و فائده مال مکفول به ترکه سندن مطالبه اولور
۶۷۱ ماده

ثمن مبیعه کفیل اولوبده بیع فسخ اولنسه یا خود مبیع
بالاستحقاق ضبط و یا عیله رد قلنسه کفیل کفالتدن بری اولور
۶۷۲ ماده

مدت معلومه تمامنه دک بر مال ایجار اولنوبده تسمیه
قلنان بدل اجاره سنه بر کیسه کفیل اولدقده مدت
اجاره نک انقضاسنده اول کفالت دخی منتهی اولوب
بعده اول مال اوزرینه مجدداً عقد اجاره اولدقده اول
کفالتک بوکا شمولی اولماز

فی ۱۸ محرم سنه ۲۸۷

اراده سنیه تاریخی

عن اعضاء شورای دولت ناظر دیوان احکام عدلیه
سیف الدین احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احمد حلمی السید احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن مابین زاده عن اعضاء شورای دولت
علاء الدین محمد امین

— ❧ كتاب الحواله ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجنبجه عمل اولنه)

(كتاب رابع)

(حواله حقننده اولوب بر مقدمه ايله)

(ايكي بابي حاويدر)

(مقدمه)

(حواله يه دائر اولان اصطلاحات فقهيه بياننده در)

۶۷۳ ماده

حواله . ديني بر ذمتدن ديكر ذمته نقل ايتكدر

۶۷۴ ماده

محيل . حواله ايدن كيسه كه مديوندر

۶۷۵ ماده

محال له . دائن اولان كيسه در

۶۷۶ ماده

محال عليه . كندو اوزرينه حواله بي قبول ايدن

كيسه در

۶۷۷ ماده

محال به . حواله اولنان مالدر

۶۷۸ ماده

حواله مقیده . محيالك محال عليه ذمتنده يا خود ينده
اولان مالندن ويرمك اوزره ديو مقيد اولان حواله در

۶۷۹ ماده

حواله مطلقه . محيالك محال عليه اولان مالندن
ويرمك اوزره ديو مقيد اوليان حواله در



(باب اول)

(عقد حواله بيانده اولوب ايكي فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(ركن حواله بيانده در)

۶۸۰ ماده

محيل كندو دائئنه سني فلانك اوزرينه حواله ايتدم
ديوب انلر دخی قبول ايتدكلرنده حواله منعقد اولور

۶۸۱ ماده

يالركز محال له ايله محال عليه بيتنده عقد حواله اولنه بيلور
مثلا بر كيمسه برينه بنم فلانده اولان شوقدر غروش
اله جفمي حواله سن اوزرينه ال ديوب او دخی قبول
ايتدم ديسه يا خود فلانده اولان شوقدر غروش

اله جفگی بنم اوزریمه حواله قبول ایت دیوب اودخی
ایتسه حواله صحیح اولور حتی محال علیه صکره نادم
اولسه ندامتی فائده ویرمز
۶۸۲ ماده

یالکز محیل ایله محال له بیئنده اجرا اولنان حواله محال
علیه لیدی الاعلام قبول ایتدکده صحیح و تمام اولور
مثلا برکیمسه دائنی آخر دیارده اولان برینک اوزرینه
حواله ایدوب دائن دخی قبول ایتدکنصکره محال علیه
لیدی الاعلام اودخی قبول ایتدیکی کبی حواله تمام اولور
۶۸۳ ماده

یالکز محیل ایله محال علیه بیئنده اجرا اولنان حواله
محال لهک قبولنه موقوفا منعقد اولور
مثلا برکیمسه برینه بنم فلانه اولان دینی حواله سن
اوزریکه آل دیوب اودخی قبول ایتسه موقوفا منعقد
اولوب محال له قبول ایتدکده حواله نافذ اولور

(فصل ثانی)

(شرائط حواله بیاننده در)

۶۸۴ ماده

انعقاد حواله ده محیل ایله محال لهک عاقل و محال علیه
عاقل بالغ اولسی شرطدر

بناء عليه صبي غير ميمرك برينه بوج حواله ايتسي و برندن
حواله المسي باطل اولديغي كبي صبي كرك ميمر اولسون
و كرك غير ميمر اولسون و كرك مأذون و كرك محجور اولسون
برندن كندو اوزرينه حواله قبول ايتسي باطلدر

۶۸۵ ماده

حواله نك نفازنده محيل ايله محال لهك بالغ اولسي شرطدر
بناء عليه صبي ميمرك حواله سي و حواله المسي و ليسنك
اجازته موقوفا منعقد اولور و ولسي اجازت و یردكده
نافذ اولور

شو قدر كه حواله الديغي صورتده ولسي اذن و یرسه
دخی محال عليهك محيلدن دهاملی یعنی غنی اولسي شرطدر
۶۸۶ ماده

محال عليهك محيله مديون اولسي شرط اوليوب محيلاك
اندين اله جغي اولسه ده حواله سي صحيح اولور
۶۸۷ ماده

هردين كه اكا كفالت صحيح اوليه حواله سي دخی صحيح اولماز
۶۸۸ ماده

هردين كه اكا كفالت صحيح اوله حواله سي دخی صحيح
اولور . فقط محال بهك معلوم اولسي لازمدر . بناء
عليه دين مجهولك حواله سي صحيح اولماز

مثلا فلانده ثابت اوله حق اله جغی حواله قبول ایتدم
دیسه حواله صحیح اولماز

۶۸۹ ماده

اصالة ذمة مترتب اولان دیون صحیحہ نك حواله سی
صحیح اولدیغی کبی جهت کفالت و حواله دن طولای
ذمتہ مترتب اولان دینك حواله سی دخی صحیح اولور



(باب ثانی)

(احکام حواله بیانده در)

۶۹۰ ماده

حواله نك حکمی بودرکه محیل بورجندن و کفیلی وار
ایسه کفلتندن بری اولور . و محال علیهدن اول بورجی
مطالبه ایتك حق محال لهه ثابت اولور . و مرتمن
برینی راهن اوزرینه حواله ایتدکده ارتق رهنی حبس
و توقفه صلاحیتی قلار

۶۹۱ ماده

محیل مطلق اوله رق حواله ایتدکده اکر محال علیهده
اله جغی یوغیسه بعد الادا محال علیه محیل رجوع ایدر .
واکر اله جغی وار ایسه بعد الادا دینیله تقاص اولور

۶۹۲ ماده

حواله مقیده ده محیلک محال بهدن طولایی حق مطالبه سی
منقطع اولور . و محال علیه ارتق انی محیله ویره مز .
و ویرسه ضامن اولور . و بعد الضمان محیله رجوع
ایدر . و قبل الادا محیل دیونی ترکه سندن ازید اولدیغی
حالده فوت اولسه سائر دائلری محال بهه مداخله
ایده مزلر

۶۹۳ ماده

بایعک مشتری ذمتنده ثمن مبیع اولان اله جغندن ویرملک
اوزره دیو مقید اولان حواله ده مبیع قبل التسلیم هلاک
اولوبده ثمن ساقط اولسه یاخود مبیع خیاری شرط یاخیار
رؤیت و یاخیار عیب ایله رد اولسه و یاخود اقاله
بیع ایدلسه حواله باطل اولماز و محال علیه بعد الادا
محیله رجوع ایدر یعنی ویردیکنی محیلدن الور اما
مستحق چیقوبده مبیع ضبط اولمغله محال علیه اول
دیندن بری ایدوکی تین ایتسه حواله باطل اولور

۶۹۴ ماده

محیلک محال علیه یدنده امانت اولان مبلغندن ویرملک
اوزره دیو مقید اولان حواله ده مستحق چیقوبده اول

مال ضبط اولسه حواله باطل اولور و بورج محيله
عودت ايدر

۶۹۵ ماده

محميك محال اليه ينده كي مبلغندن ويرلك اوزره ديو
مقيد اولان حواله ده اول مبلغ تلف اولديغي صورته
اكر مضمون دكل ايسه حواله باطل اولور و بورج
محيله عودت ايدر . و اكر مضمون ايسه حواله باطل
اولماز

مثلا بر كيمسه نك ينده كي امانت آچه سندن ويرلك
اوزره دائني اول كيمسه نك اوزرينه حواله ايتدكده قبل
الخذ اول آچه بلا تعد تلف اولسه حواله باطل اولور
و دائنك اله جغي محيله عودت ايدر . اما اول آچه
مال مغصوب اولسه يا خود امانت اولوبده اول كيمسه نك
اتلافيله اوده مسي لازم كاسه حواله باطل اولماز

۶۹۶ ماده

بر كيمسه كندوس نك بر معين مالي صاتوبده نمندن ادا
ايتك اوزره دائني برينك اوزرينه حواله واو دخی
اول شرطله حواله يي قبول ايتسه صحيح اولور و محال
عليه اول مالي صاتوبده نمندن ديني ادا ايتك اوزره
اجبار اولنور

۶۹۷ ماده

حواله مبهمه ده یعنی محال بهک تعجیل و تأجیل بیان
اولنمیان حواله ده دین اکر محیل اوزرینه معجل ایسه
حواله معجله اولوب محال علیهک انی همان تأدیه سی
لازم کلور و اکر دین مؤجل ایسه حواله مؤجله
اولوب وعده سی حلوننده اداسی لازم اولور

۶۹۸ ماده

محال علیه دینی ادا ایتمدن محیله رجوع ایده من
ورجوع ایده جک اولدقده محال به ایله رجوع ایدر
یعنی نه جنس آقچه حواله اولمش ایسه محیلدن انی
الور

یوخسه مؤدا ایله رجوع ایده من

متلا کومش آقچه حواله اولنوبده التون و برسه محیلدن
کومش آقچه الوب التون مطالبه ایده من . کذلک
بشقه اموال و اشیا ایله تأدیه ایسه حواله اولسان
آقچه بی الور

۶۹۹ ماده

محال بهک اداسیله یادیکر برینک اوزرینه حواله سیله
یاخود محال لهک محال علیه ابراسیله محال علیه
دیندن بری اولدیغی کبی محال له محال بهی هبه یاخود

تصدق ایدوبده محال علیه دخی قبول ایتسه کذلک
دیندن بری اولور
۷۰۰ ماده

محال له فوت اولوبده محال علیه اکا وارث اولسه
حواله نك حکمی قالماز
اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

عن اعضاء شورای دولت ناظر دیوان احکام عدلیه
سیف الدین احمد جودت

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء دیوان احکام عدلیه
السید احمد حلمی السید احمد خلوصی

عن اعضاء جمعیت ابن عابدین زاده عن اعضاء شورای دولت
علاء الدین محمد امین

—❖— كتاب الرهين —❖—

✽ صورت خط همایون ✽

(موجب‌نجه عمل اولنه)

(کتاب خامس)

(رهن حقنده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی شاملدر)

(مقدمه)

(رهنه دائر اولان اصطلاحات ققهیمه پیاننده در)

۷۰۱ ماده

رهن . بر مالی اندن استیفاسی ممکن اولان برحق مقابلنده

محبوس و موقوف قیقدرد و اول ماله مرهون دینلدیکی

کبی رهن رهن دخی دینلور

۷۰۲ ماده

ارتهان . رهن المقدرد

۷۰۳ ماده

راهن . رهن ویرن کیمسه در

۷۰۴ ماده

مرتهن . رهن الان کیمسه در

۷۰۵ ماده

عدل . راهن و مرتهنک امنیت ایدوبده رهنی تودیع

وتسلیم ایتدکاری کیمسه در

(باب اول)

(عقد رهنه دائر مسائل بیانده اولوب اوج فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رکن رهنه دائر اولان مسائل بیانده در)

۷۰۶ ماده

راهن و مرتهنك ايجاب و قبولی ايله رهن منعقد اولور .
فقط قبض بولمقد قجه تمام لازم اولمز

بناء عليه راهن قبل التسليم رهندين رجوع ايدہ بيلور

۷۰۷ ماده

رهنك ايجاب و قبولی راهن بوشیء سكا دينم مقابيلنده
رهن ايتدم ديوب يا خود بو ماآلده ديكر برسوز سويليوب
مرتهن دخی قبول ايتدم و يا خود راضی اولدم ديمك
کي رهنمايه دلالت ايدر برسوز سويليکدر . و رهن لفظنك
سويلانمسی شرط دکلدر

مثلا بری شو قدر غروشه برشی اشترا ايله بايعه برمال
ويرونده پاره بی ویرنجيه قدر بونی اليقوی دیسه اول مالی
رهن ايتمش اولور

(فصل ثانی)

(انعقاد رهنك شرطلری بیانده در)

۷۰۸ ماده

راهن و مرهونك عاقل اولمسی شرطدر . اما بالغ اولمسی
شرط دكلدر . حتی صبی میړك رهن و ارتهانی جائزدر

۷۰۹ ماده

مرهونك صاتلغه صالح برشی اولمسی شرطدر
بناء علیه وقت عقدده موجود و مال مقوم و مقدور
التسليم اولمسی لازمدر

۷۱۰ ماده

مرهونك مقابلی مال مضمون اولمق شرطدر
بناء علیه مال مغضوب ایچون رهن المق جائزدر . اما
امانت اولان مال ایچون رهن المق صحیح اولماز

(فصل ثالث)

(مرهونك زوائد متصله سی و عقد رهندن صكره)

(واقع اولان تبدیل و زیاده حقنده در)

۷۱۱ ماده

بیعه بلاذکر داخل اولان مشتملات رهنده دخی داخل
اولدیغی کی بر عرصه رهن ایدلدکده اوزرندکی بالجملة

اشجار بیله میوه سی و مغروسات و مزروعات سارسی
صراحة ذکر اولتمسه بیله داخل اولور
۷۱۲ ماده

رهنگ رهن آخره تبدیلی جائزدر
مثلا برکیمسه شو قدر غروش دینی مقابلنده بر ساعت
رهن ایتد کدن صکره بر قلیج کتور و بده ساعتک برینه
بونل ال دیسه و مرتهن دخی ساعتی رد ایله قلیجی السه
اول مبلغ مقابلنده قلیج مرهون اولور
۷۱۳ ماده

بعد العقد راهنگ مرهونی تزیدی جائزدر
یعنی برشی رهن ایتد کدن صکره هنوز عقد باقی ایکن اکا
دیگر بر مالی دخی رهن اوله رق علاوه ایتسی صحیح
اولور و بوزیاده اصل عقده ملحق اولور یعنی اصل
عقد کویا بویکی مال اوزرینه وارد اولمش اولور •
و بویکی مالک مجموعی حین زیاده ده قائم اولان دینه
مرهون اولور
۷۱۴ ماده

بر دین مقابلنده بر مال رهن ایتد کده ینسه اول رهنه
مقابل اولوق اوزره ینک تزیدی صحیح اولور
مثلا برکیمسه بیک غروش دینی مقابلنده ایکی بیک

غرو شلق بر ساعت رهن ایتد کد نصکره ینہ اول رهنه
مقابل اولق اوزره دایندن بشیوز غروش دها السہ
اول ساعت بیک بشیوز غرو شه رهن اولمش اولور
۷۱۵ ماده

مرهوندن متولد زیاده اصل مرهون ایله برابر مرهون
اولور

(باب ثانی)

(رهن و مرتهنه متعلق بعض مسائل بیانده در)

۷۱۶ ماده

مرتهن خود بخود عقد رهنی فسخ ایدہ بیلور

۷۱۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولدقجد رهن عقد رهنی فسخ ایدہ من

۷۱۸ ماده

رهن و مرتهن بالاتفاق عقد رهنی فسخ ایدہ بیلور

فقط بعد الفسخ مرتهنك اول رهن مقابلنده کی الاجغنی

راهندن استیفا ایدنجیه دکین رهنی حبس وامساکه

صلاحیتی وارد در

۷۱۹ ماده

مکفول عنہک کفیلہ رهن ویرمی جائز در

۷۲۰ ماده

برمدیونك ايكي دايى . كرك بريله شريك اولسون كرك
اولسون كندوسندن بر رهن السهله جاژ اولور . و بو
رهن ايكي دينك مجموعى مقابلنده مرهون اولور

۷۲۱ ماده

برى ايكي كيسه ده اولان الاجغى ايچون بر رهن
السهله جاژ اولور . بودخى ايكي الاجغك مجموعنه
مرهون اولور

(باب ثالث)

(مرهونه متعلق مسائل بيانده اولوب ايكي فصله)

(منقسمدر)

(فصل اول)

(مرهونك مؤنت و مصارفى بيانده در)

۷۲۲ ماده

رهنى مرتهن بالذات حفظ ايدر يا خود عيسالى ياشريكي
ويا خود خدمتجيسى كنى امينى اولان كيسه يه حفظ ايتدير

۷۲۳ ماده

يركراسى و بكجى اجرتى كنى رهنك محفاظه سى ايچون
اولان مصرف مرتهنه عاندر

۷۲۴ ماده

رهنك حيوان ايسه علفي و چوبان اجرتي و عقار ايسه
 تعميري و سقي و تلقیحی و اوتلرينك آيقلانسي و خرقنك
 تطهيري كي بقاسي و اصلاح منافع ايجون اولان مصرف
 راهنه عائددر

۷۲۵ ماده

راهن مرتهندن و بريسي ديكرينه عائد اولان مصرفي خود
 بخود ايفا ايتسه تبرعدر صكره مطالبه ايده من
 (فصل ثاني)

(رهن مستعار حقنده در)

۷۲۶ ماده

بركيسه ديكرنك مالي استعاره ايدوبده انك اذنيه رهن
 ايتنك جائز اولور • و بوكا رهن مستعار دينلور
 ۷۲۷ ماده

مال صاحبنك اذني مطلق ايسه مستعيراني هر وجهله
 رهن ايده بيلور

۷۲۸ ماده

مال صاحبي شو قدر غروش و ياشو جنس مال مقابلنده
 ياخود فلان آدمه و ياخود فلان بلده ده رهن ايدنك
 اوزره ديو مقيدا اذن و يردكده مستعيردخي انجسقي انك
 قيد و شرطنه موافق اوله رق رهن ايده بيلور

(باب رابع)

(رهنك احكامی بیانده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(رهنك احكام عمومیه سی بیانده در)

۷۲۹ ماده

رهنك حكمی فكنه قدر مرتهنك حق حبسی اولوق
وراهن فوت اولدوقده سائر غرمان احق اوله رق راهنك
رهندن استیفای دین ایده بیلکدر

۷۳۰ ماده

رهن بورجك مطالبه سنه مانع اولمیوب رهنی قبض
ایتدكدنصكره دخی مرتهنك راهندن الاجفنی مطالبه یه
صلاحیتی باقیدر

۷۳۱ ماده

دینك بر مقدار ایفا اولندوقده اكما مقابل رهنك بر
مقدارینی رد ایتك لازم كلیوب بقیه دینی تماماً استیفا
ایدنجه یه دك مرتهنك مجموع رهنی حبس و امساك صلاحیتی
وارددر . فقط ایکی شی رهن اولندوقده هر بری ایچون
دیندن بر مقدار تعیین اولمش ایسه بریسی ایچون تعیین

اولسان مقدار ادا اولندقده رهن يالکز انی تخلص
ایده بیلور

۷۳۲ ماده

رهن مستعاری تخلص ایله کندویه تسلیم ایتک اوزره
صاحبنک رهن مستعیری مؤاخذهیه صلاحیتی وارد ر.
ومستعیر ققری سببیه اداء دیندن عاجز اولدیغی صورتده
معیر اول دینی کندو طرفدن ادا ایله مالنی رهنندن
تخلص ایده بیلور

۷۳۳ ماده

رهن ومرتھنک وفاتیه رهن باطل اولماز

۷۳۴ ماده

رهن فوت اولدوقده ورثهسی کبار ایسه انک مقامنه
قائم اولوب ترکه دن تأدیة دین ایله رهنی تخلص ایتلری
لازم اولور

واکړ ورثه صغار ایسه یاخود کبار اولوبده غائب
یعنی مدت سفر بعید اولان برده ایسه وصیسی مرتھنک
اذنیله رهنی صاقوب ثمنندن تأدیة دین ایلر

۷۳۵ ماده

رهن مستعیر کرک بر حیات بولنسون کرک فک رهنندن
مقدم فوت اولسون رهن مستعارک مقابلی اولان بورج

ادا اولندیجه معیر اولان کیمسه مالی مرتهدن اله من
۷۳۶ ماده

راهن مستعیر اولان کیمسه مجلس مدیون اولدیغی حالده
فوت اولسه رهن مستعار مرتهن یدنده علی حاله مرهون
قالور فقط معیرک رضاسی اولندیجه صاتیله از . و معیر
رهنی بیع ایله تأدییه دین ایده جـك اولدوقده ثمنی دینه
وفا ایدرسنه مرتهنك رضاسنه باقمقسزین صانیلور .
واکر رهنك ثمنی دینه وفا ایتمز ایسه مرتهنك رضاسی
اولندیجه صاتیله من

۷۳۷ ماده

معیر اکر دینی ترکه سندن ازید اولدیغی حالده فوت
اولسه راهننه بالنفس دینی تأدییه ایله رهن مستعاری
تخلیص ورد ایتمك اوزره امر اولور . واکر ققری
سبیله تأدییه دیندن عاجز اولورسه اول رهن مستعار
علی حاله مرتهن عنندنده مرهون قالور

فقط ورثه معیر بورجی ادا ایله انی تخلیص ایدمیلورلر .
و معیرک داینلری رهنك بیعی مطالبه ایتمک کړنده ثمنی دینه
وفا ایدر ایسه مرتهنك رضاسنه باقمقسزین صانیلور .
واکر وفا ایتمز ایسه مرتهنك رضاسی اولندیجه صاتیله من

۷۳۸ ماده

مرتهن فوت اولدقده رهن افك ورتهسی عندنده مرهون
اوله رق قالور

۷۳۹ ماده

ایکی کیسه یه اولان دینی ایچون بر رهن ویرش اولان
راهن برینه اولان دینی ادا ایتسه رهنك فصفی استرداد
ایده میوب ایکیسنگ دخی اله جغنی تماماً ایغا ایتدکجه رهنی
تخلیصه صلاحیتی یوقدر

۷۴۰ ماده

ایکی مدیونندن بر رهن المش اولان کیسه ایکیسنده
اولان الاجغنی تماماً استیفا ایدنجه به دك رهتی امساک
ایده یلور

۷۴۱ ماده

رهنی راهن اتلاف یاخود تعیب ایتدکده ضامن اولسی
لازم کاسدیکی کبی مرتهن اتلاف یاخود تعیب ایتدکده
دخی قیمتی مقداری دیندن ساقط اولور

۷۴۲ ماده

آخر بر کیسه رهنی اتلاف ایتسه یوم اتلافنده کی قیمتی
ویرر . واول قیمت مرتهن عندنده رهن اولور

(فصل ثانی)

(راهن و مرتهنك رهنده تصرفلری حقننده در)

۷۴۳ ماده

راهن و مرتهندن برينك اذنی اولقسزین دیگرینك رهنی
 بشقه بر کیمسه یه رهن ایتمسی باطلدر

۷۴۴ ماده

مرتهنك اذنیله راهن رهنی دیگره رهن ایتمسه رهن
 اول باطل و رهن ثانی صحیح اولور

۷۴۵ ماده

راهنك اذنیله مرتهن رهنی رهن ایتمسه رهن اول باطل
 و رهن ثانی رهن مستعار قیلندن اوله رق صحیح اولور

۷۴۶ ماده

راهنك رضاسی اولقسزین مرتهن رهنی صاندقده
 راهن مخیر اولوب دیلر سه بیعی فسخ ایلر دیلر سه اجازت
 ایله تنفیذ ایلر

۷۴۷ ماده

مرتهنك رضاسی اولقسزین راهن رهنی صاندقده بیعی
 نافذ اولماز و مرتهنك حق حبسنه خال کلز . فقط
 بورج ایفا اولنور سه اول بیع نافذ اولور

و کذا مرتهن اول بیه اجازت ویرسه نافذ اولوب رهن
 دخی رهنیتدن چیقهرق بورج حالی اوزره قالور و مبیعک
 ثمنی مبيع مقامنده رهن اولور . و اگر مرتهن اجازت
 ویرمز ایسه مشتری مخیر اولوب دیلرسه رهنک فکینه
 قدر بکک و دیلرسه حاکمه مراجعت ایله بیعی فسخ ایتدیرر
 ماده ۷۴۸

راهن و مرتهنیدن بری دیگر ینک اذنیله رهنی آخر
 برکیمسه یه اعاره ایده یلور و بعده هر بری انی رهنیه
 اعاده ایده یلور
 ماده ۷۴۹

مرتهن رهنی راهنه اعاره ایده یلور
 بوصورتنده راهن فوت اولسه مرتهن ینه رهنه راهنک
 سایر داینلرندن استق اولور
 ماده ۷۵۰

راهنک اذنی اولمدیجه مرتهن رهندن انتفاع ایده مز
 اما راهنک اذن و اباحه سیله مرتهن رهنی قول لالانور
 و میوه و سوت کبی حاصلاتی الوز و بونلرک مقابلنده
 دیندن برشی ساقط اولماز
 ماده ۷۵۱

مرتهن برمحله کیدر اولدوقده یول امین ایسه رهنی برابر
 کتوره یلور

(فصل ثالث)

(یدعدله اولان رهنك احكامی بیانده در)

۷۵۲ ماده

ید عدل . یدمرتین کبیدر

یعنی راهن ومرتین رهنی امنیت ایتدکاری برکیمسه یه
تودیع ایتك اوزره مقاوله ایدوب او دخی راضی
اوله رق قبض ایتسه رهن تمام و لازم اولور . واول
کیمسه مرتین مقامه قائم اولور

۷۵۳ ماده

حین عقدده رهنی مرتین قبض ایتك اوزره شرط
ایدلکدن صکره راهن ومرتین بالاتفاق یدعدله وضع
ایتسه لر جائز اولور

۷۵۴ ماده

دین باقی ایکن عدل اولان کیمسه راهن ومرتیندن
برینك رضاسی اولمدقجه رهنی دیکرینه ویره من و ویررسه
استرداد صلاحیتی واردر . و قبل الاسترداد رهن
تلف اولسه عدل انك قیمتی ضامن اولور

۷۵۵ ماده

عدل فوت اولسه تراضی طرفین ایله رهن بر بشقه عدله

تودیع اولنور . واکر بینلرنده اتفاق حاصل اوله من
ایسه حاکم رهنی بر یعدله وضع ایدر

(فصل رابع)

(بیع رهن حقنده در)

۷۵۶ ماده

راهن و مرتهدن بریسی دیکرینک رضاسی اولمدقجه
رهنی صاته من

۷۵۷ ماده

دینک وقت اداسی حلول ایدوبده راهن اداسندن امتناع
ایتدکده رهنی بیع ایله ادای دین ایتک اوزره حاکم
طرفندن راهنه امر اولنور . واکر اباو عناد ایدرایسه
حاکم رهنی بیع ایله دینی ادا ایدر

۷۵۸ ماده

راهن غائب اولوبده حیات ویماتی معلوم اولسه مرتهن
رهنی بیع ایله اله جغنی استیفایتمک اوزره حاکمه
مراجعت ایدر

۷۵۹ ماده

رهنک فسادندن خوف اولنور ایسه مرتهن انی اذن
حاکمه صاته یلور و ثمن کندو یدنده رهن اولور . واکر
حاکم اذنی اولقسزین صاتارسه ضامن اولور

کذلک رهن اولان باغ و بستانک میوه و سبزه سی یتشوبده
تلف اولمسنندن خوف اولنسه بیله رأی حاکم ایله
صاتیله یلور اما خود بخود مرتهن صاتسه ضامن اولور
۷۶۰ ماده

دینک وقت اداسی حلول ایتدکده رهنی صاتمق اوزره
راهن مرتهنی یا عدلی یا خود بشقه برینی توکیل ایتسه
صحیح اولور. و ارتقی راهن اول و کیلی و کالتدن عزل
ایده مز. و راهن و مرتهندن برینک و قاتیه دخی منعزل
اولماز

۷۶۱ ماده

رهنی بیعه و کیل اولان، کیمسه دینک وقت اداسی حلول
ایتدکده رهنی بیع ایله ثمنی مرتهنه تسایم ایدر. و اگر
ابا ایدر ایسه رهنی صاتمق اوزره راهنه جبر اولنور.
اودخی ابا و عناد ایدر سه حاکم صاتار
و اگر راهن یا خود ورثه سی غائب بولنور ایسه رهنی
صاتمق اوزره و کیله جبر اولنور. و عناد ایدر سه
حاکم کندو صاتار

اراده سنیه تاریخی فی ۲۵ صفر سنه ۲۸۸

وکیل درس و عن اعضاء مجلس رئیس جمعیت مجله و عن اعضاء

تدقیقات شرعیه مجلس تدقیقات شرعیه

السید خلیل عمر خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه عن اعضاء شورای دولت

احمد خلوصی سیف الدین

عن اعضاء جمعیت مجله ابن عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

بابدین زاده علاء الدین احمد حلمی

مدیر مکتب نواب السید عن اعضاء مجلس تدقیقات

یونس وهبی شرعیه عیسی روحی

— ❧ — كتاب الاُمانات ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

موجبته عمل اولنه

(کتاب سادس)

(امانات حقنده اولوب بر مقدمه ايله اويچ بابي مشتملدر)

(مقدمه)

(اماناته متعلق اصطلاحات فقهيه بيانده در)

۷۶۲ ماده

امانت . امين اتخاذا اولنان كييمسه نر دنده بولنان
شيدر

كرك وديعه كي عقد استخفاظ ايله امانت ايدلسون
و كرك مأجور و مستعار كي بر عقد ضمننده امانت اولسون
و كرك بر كونه عقد و قصد اولقسز بن بر كييمسه نك يدينه
امانت پكسون . ننه كييم روزكار ايله بر كييمسه نك خانه سنه
قومشوسنك بر مالي دوشسه عقد اولمديغي جهتله اول
مال خانه صاحبي نر دنده وديعه اولميوب فقط امانتدر

۷۶۳ ماده

وديعه . حفظ ايجون بر كييمديه ايداع اولنان مالدر

۷۶۴ ماده

ايداع . كندو مالك محافظه سني ديكره احاله ايتمكدر

که احاله ایدن کیمسه به دالت کسریله مودع و قبول ایدن
کیمسه به و دیع و دالت قنحیله مستودع دینلور
۷۶۵ ماده

عاریت • مجانا یعنی بلا بدل منفعتی تملیک اولنان مال
در که معار و مستعار دخی دینلور
۷۶۶ ماده

اعاره • عاریت ویرمکدر که ویرن کیمسه به معیر دینلور
۷۶۷ ماده

استعاره • عاریت المقدر که الان کیمسه به مستعیر دینلور

(باب اول)

(اماناته دائر بعض احکام عمومییه بیاننده در)

۷۶۸ ماده

امانت مضمون لازم دکادر

یعنی امینک صنع و تقصیری اولتسزین تلف یا ضایع
اولدیغی تقدیرده ضمان لازم کلز

۷۶۹ ماده

بر کیمسه یولده یا خود دیگر محمله برشی بواوبده کندوسنه

مال اولقی اوزره اخذ ایتسه غاصب حکمنده اولور

بونک اوزرینه اول مال تلف یا ضایع اولدیغی حالده

کند و سنک صنع و تقصیری اولسه بيله ضامن اولور .
 اما صاحبنه ویرمک اوزره الدیغی صورتده اکر صاحبی
 معلوم ایسه یندنه صرف امانتدر صاحبنه تسلیم ایتسی
 لازم کلور . و اکر صاحبی معلوم دکلسه لقطه در
 که ملتقط اولان یعنی بولوب الان کیسه یندنه امانتدر
 ۷۷۰ ماده

ملتقط بر لقطه بولدیغی اعلان ایتدیرر . و صاحبی ظهور
 اینجه یه دک نزدنده امانت اولمق اوزره حفظ ایدر و بر
 کیسه ظهور ایله کندو مالی اولدیغی اثبات ایدر ایسه
 اکا تسلیم ایتسی لازم کلور
 ۷۷۱ ماده

بر کیسه نزدنده دیکرک مالی قضار اتلف اولدیغی صورتده
 اکر صاحبنک اذنی اولقسزین المش ایسه بهر حال
 ضامن اولور . و اکر صاحبنک اذنیله المش ایسه
 یندنه امانت اولغله ضامن اولماز . فقط سوم شرا
 صورتده ثمن تسمیه اولندیغی حالده ضمان لازم کلور
 مثلا بر کیسه صرچه بی دکانندن خود بخود برکاسه
 الویده الندن دوشه رک قیرلسه ضامن اولور . و اکر
 صاحبنک اذنیله الویده نظر ایدر کن قضار ایره دوشوب
 قیرلسه ضمان لازم کلز . و اول کاسه دیکر برطاقم

کاسه لر اوزرینه دوشه رک قیریلوب انلری دخی قیرسه
 بو کاسه لرک ضمانی لازم کلور انجق اول کاسه امانت
 اولمغله ینه انک ضمانی لازم کلز . اما بو کاسه قاچ
 غروشه در دیوب دکانجی دخی شو قدر غروشه در ال
 دید کدنصک ره الله الوبدیه دوشه رک قیرلسه ضامن اولور
 کذلک برکیمسه شربت ایچرکن شربتچینک بارداغی الندن
 دوشوبده قیرلسه عاریت قیلندن امانت اولمغله ضمان
 لازم کلز . فقط کندوسنک سوء استعمالندن ناشی دوشمش
 ایسه ضامن اولور

۷۷۲ ماده

دلالة اذن صراحة اذن کبدر . فقط صراحة نهی
 وار ایسه دلالت اعتبار اولماز
 مثلاً برکیمسه برینک اذنیله خانه سنه داخل اولدقه میدانه
 طوران قدح ایله صو ایچمه که دلالة مأذوندر . وصو
 ایچرکن قضا را یدندن قدح دوشوبده قیرلسه ضمان لازم
 کلز

فقط صاحب خانه اول قدحه طوقمه دیو نهی ایتمشیکن
 الله الوبدیه دوشه رک قیرلسه ضامن اولور

(باب ثانی)

(ودیعه حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط ایداعه متعلق مسائل بیاننده در)

۷۷۳ ماده

صراحه یاخود دلالة ایجاب و قبول ایله ایداع منعقد
اولور

مثلا صاحب ودیعه شو مالی سکا ایداع ایتدم یاخود امانت
ایلدیم دیوب مستوع دخی قبول ایتدم دیسه صراحه
ایداع منعقد اولور

و کذا بر کیمسه خانه داخل اوله رق خانجی به حیوانی
زیه باغلیسه یم دید کده خانجی بریر کوسه تروب اودخی
اورایه باغلیسه دلالة ایداع منعقد اولور

کذلک بر کیمسه مالی برد کانجینک یانسه براغوب کیمسه
اودخی کوروت سکوت ایسه اول مال اول دکان صاحبی
زرنده ودیعه اولور . و اگر دکان صاحبی قبول ایتیم
دیهرک رد ایسه ایداع منعقد اولماز

و کذلک بر کیمسه مالی ودیعه اولقی اوزره بر قاج کشینک

يانه براغوب كيتسه وانلر دخی كوروب سكوت ايتسه لر
 اول مال چاله سنك نزدنده وديعه اولور فقط برر برراول
 محلدن قالقوب كيتسه لر اك صكره قالان كيمسه حفظه
 تعين ايتكله انك نزدنده وديعه اولمش اولور
 ۷۷۴ ماده

مودع ايله مستودعدن هر برينك هر نه وقت ديلرسه
 عقد ايداعی فسخه صلاحیتی واردر
 ۷۷۵ ماده

وديعه نك وضع يده قابل وقبضه صالح اولسی شرطدر
 بناء عليه هواده کی قوشك ايداعی صحیح دكلدر
 ۷۷۶ ماده

مودع ايله مستودعك ماقل ومميز اولملری شرطدر
 بالغ اولملری شرط دكلدر
 بناء عليه مجنونك وصي غير ميمرك ايداع ووديعه يي
 قبول ايتلمی صحیح دكلدر اما مأذون اولان صبي ميمرك
 ايداعی ووديعه يي قبول ايلسی صحیحدر

(فصل ثانی)

(وديعه نك احكامی و ضماناتی پيائنده در)

۷۷۷ ماده

وديعه يد مستودعهده امانتدر

بناء علیه مستودعك صنع و تعدیسی و حفظده تقصیری
اولقسزین تلف یا ضایع اولسه ضمان لازم کلز . فقط
اجرتله حفظ ایچمون ایداع اولنش اینسه ممکن التحرز
اولان بر سبیلله تلف یا ضایع اولدیغی صورته مضمون اولور
مثلا بر کیمسه نك یدندن قضار او دیعه اولان ساعت دوشوبده
قیراسه ضمان لازم کلز اما ساعتی چکنه سه یا خود النذن
برشی دوشوبده ساعت قیراسه ضمان لازم کلور . کذلک
بر کیمسه مالی دیکره ایداع و حفظ ایچون اکا اجرت
اعطایله دکن صکره اول مال سرقت اولنق کی ممکن التحرز
اولان بر سبیلدن ناشی ضایع اولسه مستوعه ضمان لازم
کلور

۷۷۸ ماده

مستودعك خدمتکاری یدندن و دیعه اوزرینه برشی
دوشوبده و دیعه تلف اولسه خدمتکار ضامن اولور
۷۷۹ ماده

و دیعه حقنده صاحبك راضی اولدیغی شیئی یا عقی
تعدیدر

۷۸۰ ماده

مستودع و دیعه بی کندو مالی کی بالذات حفظ ایدر
یا خود امینی اولان کیمسه به حفظ ایتدیرر

وامینی عندئذ تعدی و تقصیر اولمقصرین تلف یا ضایع
اولسه كرك مستودعه و كرك امینه ضمان لازم كلز
۷۸۱ ماده

مستودع كندو مالی زرده حفظ ایدر ایسه و دیعه بی
دخی اوراده حفظ ایده بیلور
۷۸۲ ماده

و دیعندك امثالی و جهله محافظه سی لازمدر
بناء علیه نقود و مجوهرات مثلاً اموالی اخور و صمانلق
کی برلرده طوتمق. حفظده تقصیر اولمغله بو حالده تلف
یا ضایع اولسه ضمان لازم كلور
۷۸۳ ماده

مستودع متعدد اولدقد اكر و دیعه قابل قسمت دكسه
برینك اذینه دیکری حفظ ایدر یا خود بالمشاوبه حفظ
ایدلر

و بو حالده و دیعه بلا تعد ولا تقصیر تلف اولسه برینه
ضمان لازم كلز

و اكر و دیعه قابل قسمت ایسه مستودع لر آنی بینلرنده
سو یا تقسیم ایله هر بری حصه سی حفظ ایدر
و بریسی حصه سی مودعك اذنی اولدقجه مستودع
آخره ویره می و یرویده آخرك بدنده ایکن بلا تعد ولا

تقصیر تلف یا ضایع اولسه الانه ضمان لازم کلز . اما
ویرن کندو حصه سنی ضامن اولور
۷۸۴ ماده

عقد ایداعده ایراد اولنان شرط اکر ممکن الاجرا و مفید
اولور ایسه معتبر در دکل ایسه لغو در
مثلا مستودعك خانه سنده حفظ اولنمق شرطیه بر مال
ایداع اولنمشیکن حریق و قوعیله دیگر محله نقلنه مجبوریت
کدکرده اول شرطه اعتبار اولتماز و بوصورته و دیعه
دیگر محله نقل اولنوبده بلا تعد و لا تقصیر تلف یا ضایع
اولسه ضمان لازم کلز

و کذا مودع مستودعه و دیعه نك حفظنی امر ایدوبده
زوجه سنده یا او غلنه یا خود خند متکارینه و یا خود کندو
مالنی حفظ ایده کلان بر کیمسه یه ویرمکدن نهی ایتدکده
اگر اول کسنه یه ویرمکده مجبوریت و ارایسه نهی معتبر
اولماز . بوصورته مستودع و دیعه بی اول کسنه یه
ویروبده بلا تعد و لا تقصیر تلف یا ضایع اولسه ضمان
لازم کلز . و اکر مجبوریت یوق ایکن ویررسه ضامن
اولور

کذلک خانه نك فلان او طه سنده حفظ اولنمق شرط
اولنمشیکن مستودع انی اول خانه نك دیگر او طه سنده

حفظ ايتديكى صورتده اكر اول او طه لر امر محافظه ده
 مساوى ايسه لر اول شرطه اعتبار اولماز
 و بو حالده وديعه تلف اولسه كذاك ضمان لازم كلز .
 اما او طه لك برى كار كيرو ديكرى اخشاب اولمق كي
 يينلرنده تفاوت بولنسه شرط معتبر اولوب مستودع انى
 مشروط اولان او طه ده حفظ ايتمكه مجبور اولور .
 و حفظده اول او طه نك مادونى اولان او طه يه قويوبده
 تلف اولسه ضامن اولور

۷۸۵ ماده

وديعه نك صاحبي غائب اولوبده حيات و مماتى معلوم
 اولسه مستودع انى صاحب نك وقاتى تين ايدنجيه دك
 حفظ ايدر

فقط وديعه طور مغله بوزيله جق شيلردن اولديغى حالده
 حاكم اذيله صاتوب ثمنى نذرنده امانت اوله رق حفظ
 ايديه يـلور . اما صا تيموبده طور مغله بوزلسه ضمان
 لازم كلز

۷۸۶ ماده

آت و اينك كي نفقه يه محتاج اولان وديعه نك نفقه سي
 صاحبنه عائددر صاحبي غائب اولدقده مستودع اولان
 كيسه حاكمه مراجعت ايدوب اودخى صاحب وديعه

حقنه اصلح وانفع اولان صورتك اجراسنى امر ايلر
 شوبيله كه وديعه نك ايجارى ممكن ايسه مستودع اتى رآى
 حاكمه ايجار ايدوب اجرتدن انفاق ايدر ياخود ثمن
 مثليه صاتار و ايجارى ممكن دكلسه كذلك رآى حاكمه
 همان ياخود اوچ تونه قدر كندو مالندن انفاق
 ايتدكدن صكره ثمن مثليه صاتوب نه آيت اوچ كونلك
 مصرفنى دخی صاحبندن ايستر . اما حاكم اذنى
 اولمق سزین مصرف ايدر ايسه مودعندن اله ماز

۷۸۷ ماده

مستودعك تعدى و يا تقصيرى حالنده وديعه تلف و ياخود
 قيمته نقصان طارى اولسه ضمان لازمككور
 مثلاً مستودع كندو سنده وديعه اولان نقودى امورينه
 صرف ايله استهلاك ايتسه ضامن اولور . بوضورته
 نزدنده امانت اولان بر كيسه نقودى اولوجهله صرف
 ايدوبده بعد كندو مالندن يرينه قويدقدين صكره تعدى
 و تقصير اولمق سزین ضايع اولسه ضماندين قوزيله من
 و كذا مستودع ينده وديعه اولان حيوانه بلا اذن بنوبده
 كيدر كن كرك فوق العاده سور مكله و كرك ديكر سبيله
 و كرك بلا سبب تلف اولسه و ياخود اثنای راهده سرقت
 اولسه مستودع اول حيوانى ضامن اولور

كذلك حريق وقوعنده مستودع وديعه يدي ديكر محله نقله
مقتدر ايكن نقل ايتيويده محترق اولسه ضمان لازم كالور
۷۸۸ ماده

وديعه يدي صاحبنك اذني اولقسزين ديكر مال ايله
يكديكرندن تفريق اولنه ميه جق صورتده قارشدير مق تعديدر
بناء عليه مستودع كندوسنده وديعه اولان بر مقدار يوزلك
التونلري كندوسنك يوزلك التونلريه ياخود بر بشقه سنك
وديعه اولان يوزلك التونلريه بلا اذن قارشدير دقندن
صكره ضمايع اولسه ياخود سرقت اولسه ضامن اولور .
وكذا مستودعدن بشقه بر كيسه مذكور التونلري اولوجهله
قارشدير سه اول كيسه ضامن اولور
۷۸۹ ماده

مستودع اكر وديعه يدي صاحبنك اذنيه ماده آفنده
بيان اولنديغي اوزره ديكر مال ايله قارشدير سه ياخود
كندوسنك صنعى المقسزين ايني مال بر بريله كذلك
يكديكرندن تفريق اولنميه جق صورتده قارشيسه مثلا
بر صندوق دروننده وديعه اولان التون كيسه سي يرتيلوب
ايچنده كي التونلر ديكر التونلره قارشيسه مجموعنده
مستودع ايله صاحب وديعه حصه لري مقدار نجه شريك
اولورلر . بو حالده بلا تعد ولا تقصير تلف وضمايع اولسه
ضمان لازم كالز

۷۹۰ ماده

مستودع ودیعه بی بلا اذن آخره ایداع ایده مزه ایدوبده
بعده تلف اولسه ضامن اولور

واکر مستودع ثانینک تعدی یا تقصیری ایله تلف اولمش
ایسه مودع دیلرسه مستودع ثانی به تضمین ایتدیرر و دیلرسه
مستودع اوله تضمین ایتدیروب اودخی مستودع ثانی بی
رجوع ایدر

۷۹۱ ماده

مستودع ودیعه بی آخر کسینه ایداع ایدوبده مودع مجیر
اولسه مستودع اول اره دن چیقوب اول کسینه مستودع
اولور

۷۹۲ ماده

مستودع ودیعه بی صاحبینک اذنیله استعمال ایده بیلدیکی
کی آخره ایجار و اعاره ورهن دخی ایده بیلور
اما صاحبینک اذنی اولقسزین آخره ایجار یا اعاره و یارهن
ایدوبده و دیعه مستأجر یا مستعیر یا خود مرتهن یدنده
تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه مستودعه
ضمان لازم کلور

۷۹۳ ماده

مستودع امانت اقچه بی بلا اذن آخره اقراض و تسلیم

ایدوبده صاحبی مجیز اولسه مستودع اول اقچه بی ضامن
اولور

کذلک کندوسنده ودیعه اولان اقچه ایله صاحبک آخره
اولان دینی ادا ایتدکده صاحبی راضی اولسه ضامن
اولور

۷۹۴ ماده

ودیعه بی صاحبی طلب ایتدکده کندوسنده رد و تسلیمی لازم
کلورورد تسلیم مؤنتی یعنی کافی و مصر فی مودعه مائد
اولور

و مودع طلب ایتدکده مستودع ویرمیوبده و دیعه تلف
یا ضایع اولسه ضامن اولور

فقط حین طلبده و دیعه اوزاق محلده بولنق کبی بر
عزردن ناشی ویرمیوبده تلف یا ضایع اولمش ایسه اول
حالده ضمان لازم کلز

۷۹۵ ماده

مستودع و دیعه بی بالذات یا خود امینی ایله رد و تسلیم
ایدر . و امینی ایله رد و ارسال ایتدیکی صورتده قبل
الوصول و دیعه بلا تعد و لا تقصیر تلف یا ضایع اولسه
ضامن لازم کلز

۷۹۶ ماده

ایکی کیمسه مشترک مالربنی بر کیمسه یه ایداع ایتدکدن
صکره اول شریکاردن بریسی کل و بنده آخرک غیابنده
حصه سنی مستودعدن طلب ایتدکده ودیعه اکر مثلیاتدن
ایسه مستودع انک حصه سنی کندوسنه ویرر . و اکر
قیمیاتدن ایسه ویرر

۷۹۷ ماده

ودیعه بی تسیمده مکان ایداع معتبردر
مثلا استانبولده ایداع اولنان متاع یته استانبولده تسلیم
اولنور ادرنه ده تسلیم ایتک اوزره مستودعه جبر
اولنه ماز

۷۹۸ ماده

ودیعه نك منافعی صاحبکدر
مثلا امانت اولان حیوانک یاورسی و سوتی و یوکی
صاحبنه عائد اولور

۷۹۹ ماده

صاحب و دیعه غائب اولوبده اوزرینه نفقه سی واجب
اولان کیمنه نك مراجعتی اوزرینه حاکم اول غائبک و دیعه
اولان آچه سندن اول کیمسه یه نفقه تقدیر ایتدکده
مستودع کندو یکنده و دیعه اولان آچه دن اول

کیمسه نك نفقه سینه صرف ایسه ضمان لازم کلز
 فقط حاکم امری اولقمیزین صرف ایدر ایسه ضامن
 اولور

۸۰۰ ماده

مستودعه جنون عارض اولوبده صحو وفاقندن یأس
 کلدکده قبل الجنه اخذ ایتیش اولدیغی و دیعه عیناً موجود
 اولمشه صاحبی بر معتبر کفیل کوستره رک مجنونک مانندن
 تضمینه صلاحیتی واردر

فقط صکره کندویه افاقت کلبوبده و دیعه بی صاحبنه
 رد ایتیش یاخود بلا تعد و لاتقصیر و دیعه تلف یا ضایع
 اولمش ایدوکنی بیان ایدر ایسه یمینیه تصدیق اولنه رق
 اخذ اولمش اولان ایچه سنی استرداد ایلر

۸۰۱ ماده

مستودع فوت اولدقده و دیعه عیناً ترکه سنده بولندیغی
 صورته وارشی یدنده دخی امانت اولمغله صاحبنه رد
 اولور

اما عیناً ترکه سنده بولندیغی صورته اکر مستودعک
 حال حیاتبنده اول و دیعه بی صاحبنه رد ایتدم یاخود
 بلا تعد ضایع اولدی دیمک کبی بر صورته و دیعه نك حالنی

بیان و تقریر ایلدیکنی وارثی اثبات ایدر ایسه ضمان لازم کلز.

کذلک وارث و دیعه یی بیلورز شویله ایدی بویله ایدی دیو توصیف و تفسیر ایدرک مستودعک و فائدن صکره بلا تعد ولا تقصیر ضایع اولدیغنی بیان ایسه یمینیه تصدیق اولنهرق ضمان لازم کلز.

و اگر مستودع و دیعه نك حالی بیان ایتماش ایسه مجهلا فوت اولمش دیمك اولمسیله دیون سائره کبی ترکه سندن استیفا اولنور.

و کذا وارثک و دیعه یی توصیف و تفسیر ایتمه رک مجرد بز و دیعه یی بیلورز ضایع اولدی دیمسی معتبر اولیوب اولوجهله ضایع اولدیغنی اثبات ایده مدیکی صورتده ترکه دن ضمان لازم کلور.

۸۰۲ ماده

مودع فوت اولدقده و دیعه وارثه ویریلور . فقط ترکه مستغرق بالدين ایسه حاکمه مراجعت ایدیلور و اگر حاکمه مراجعت ایتمکسزین مستودع آنی وارثه ویروب او دخی استهلاك ایسه مستودع ضامن اولور.

۸۰۳ ماده

و دیعه نك تضمینی لازم کلدکده مثلیاتدن ایسه مثلی

قیمتیدن ایسه ضمانتی موجب اولان شیئک یوم وقوعنده کی
قیمتی ویرمک لازم کلور

(باب ثالث)

(عاریت حقنده اولوب ایکی فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(عقد و شرط اعاره به متعلق مسائل بیانده در)

۸۰۴ ماده

اعاره ایجاب و قبول ایله و تعاطی ایله منعقد اولور
مثلا بر کیمسه برینه شو مالی سکا اعاره ایتدم یاخود
عاریت ویردم دیوب او دخی قبول ایلدم دیسه یاخود بر
شیء سوتیلیرک قبض ایتسه و یاخود بری دیگرینه شو
مالی بکا عاریت ویر دیوب او دخی ویرسه اعاره منعقد
اولور

۸۰۵ ماده

معیرک سکوتی قبول صائلاز
بناء علیه بر کیمسه برندن برشی عاریت استیوبده صاحبی
سکوت ایلش اولدیعی حالده السه غاصب اولور

۸۰۶ ماده

معیر ایستدیکی وقت اعاره دن رجوع ایدنه یلور

۸۰۷ ماده

معبر و مستعیر دن هر قنغیسی فوت اولسه عقد اعاره

منقسخ اولور

۸۰۸ ماده

مستعارك انتفاعه صالح اولمسی شرطدر

بناء علیه فراری حیوانك اعاره واستعاره سی صحیح دکلدر

۸۰۹ ماده

معبر و مستعیرك عاقل و ممیز اولملری شرطدر . بالغ

اولملری شرط دکلدر

بناء علیه مجنون ایله صبی غیر ممیزك اعاره و استعاره لری

جائز اولماز اما صبی مأذونك اعاره و استعاره سی جائز

اولور

۸۱۰ ماده

عاریتده قبض شرط اولوب قبل القبض حکمی یوقدر

۸۱۱ ماده

مستعارك تعیینی لازمدر

مثلاً تعیین و تخیر اولقسزین ایکی بار کیردن بری اعاره

اولنسه صحیح اولیوب معبر هر قنغیسی اعاره ایده جک

ایسه تعیین ایتسی لازمدر فقط هر قنغیسی الور ایسهك

ال دیو مستعیری تخیر ایتسه اعاره صحیح اولور

(فصل ثانی)

(عاریتک احکام و ضماناتی بیانده در)

۸۲۲ ماده

مستعیر بلا بدل عاریتک منفعته مالک اولور
بناء علیه معیر بعدالاسعمال مستعیردن اجرت طلب
ایده مز

۸۱۳ ماده

عاریت مستعیر یدنده اماثدر • بلا تعد ولا تقصیر تلف
یا ضایع اولسه یاخود قیمته نقصان کسه ضمان لازم
کلز

مثلا عاریت آینه قضارا مستغیرک الندن دوشمکه یاخود
آیاغی قابو بده کندوسی آینه یه چار پمغله قیرلسه ضمان
لازم کلز • كذلك عاریت کچه اوزرینه قضارا برشی
دو کولسکه لکه لنو بده قیمته نقصان کسه ضمان لازم کلز
۸۱۴ ماده

مستعیرک برکونه تعدیسی یا تقصیری واقع اولدقه
ارتق هر نه سبيله اولور ایسه اولسون عاریت تلف
اولسه یاخود قیمته نقصان کسه ضمان لازم کلز
مثلا مستعیر ایکی کونده وارله جق محله عاریت حیوان

ایله بر کونده کیدو بده اول حیوان تلف اولسه یا خود
 ز بون اوله رقی قیمتند نقصان کاسه ضمان لازم کلور
 و کذا بر محله قدر استعاره ایتدیکی حیوان ایله اول
 محله وارو بده دها ایلرویه تجاوز ایتدکدنصکره حتف
 انفه حیوان تلف اولسه ضمان لازم کلور.

کذاک بر کیمسه بر کردانلق استعاره ایله بر صیپنک بوینده
 طاقوب و یاننده کوزه دیجیسی اولمدیغی حالدده براغوبنده
 سرقت اولندقدده اکر صبی اوزرنده کی اشیایی حفظه
 قادر ایسه ضمان لازم کلز اما قادر دکل ایسه ضمان
 لازم کلور

۸۱۵ ماده

مستعارك نفقه سی مستعیر اوزرینه در

بناء علیه مستعیر عاریت حیوانه علف ویرمیوبده تلف
 اولسه ضامن اولور

۸۱۶ ماده

اعاره مطلقه ده یعنی معیرك اعاره بی زمان و مکان و بر نوع
 انتفاع ایله تقیید ایتدیکی صورتده عاریتی مستعیر دیلدیکی
 زمان و مکانده دیلدیکی وجهله استعمال ایده یلور . فقط
 عرف و عادت ایله تقیید ایدر

مثلا بر کیمسه بار کیرینی اولوجهله مطلق اوله رقی اعاره

ایتد کده مستعیر اکا دیله دیکی وقت بنر و دیله دیکی محله کیدر .
فقط عادت اوزره ایکی ساعتده کیدیه جک محله بر ساعتده
کیده مز

کذلک مطلق اوله رق اعاره اولنان بر خان او طه سنده
مستعیر دیلر سه ساکن اولور و دیلر سه امتعه وضع ایدر .
فقط عرف و عادتک خلاقی اوله رق ایچنده تیمور جیلک
ایده مز

۸۱۷ ماده

اعاره زمان و مکان ایله تقیید اولندقده قید معتبر اولوب
مستعیر اکا مخالفت ایده مز

مثلا اوچ ساعت بنک اوزره استعاره اولنان حیوانه درت
ساعت بنیه مز و بر محله کیتک اوزره استعاره اولنان
حیوان ایله بشقه محله کیدیه مز

۸۱۸ ماده

اعاره بر نوع انتفاع ایله تقیید اولندقده مستعیر مأذون
اولدیغی انتفاعک مافوقنه تجاوز ایده مز . اما اکا
مساوی یا اهون صورته استعمال ایله مخالفت ایده بیلور
مثلا بغدادی یوکلتمک ایچون استعاره اولنان حیوانه تیمور
یا خود طاش یوکلدیه مز . اما بغدایه مساوی یا خود
اندن اخف بر یوک تحمیل اولنه بیلور . و کذا بنک ایچون

استعاره اولنان حیوانه يوك يوكديله مز • اما يوك ايچون
استعاره اولنان حیوانه بنيله بيلور

۸۱۹ ماده

معير اكر منفعتي تعين ايتمكسزى مطلق اوله رق اعاره
ايتيش ايسه مستعيرك انى اطلاق اوزره استعماله
صلاحيتي واردر

يعنى ديلرسه انى كندو استعمال ايدر وديلرسه بشقه سنه
اعاره ايله استعمال ايتديرر

عاريت كرك او طه كبي مستعملينك اختلافيله مختلف
اولميان شيلردن اولسون و كرك بنك آتى كبي مستعملينك
اختلافيله مختلف اولان شيلردن اولسون

مثلا بر كيمسه او طه مى سكا اعاره ايتدم ديديكى صورتده
مستعيرانده ديلرسه كندو اقامت ايدر وديلرسه بشقه سنى
اسكان ايدر

وكذا شو آتى سكا اعاره ايتدم ديديكى صورتده مستعير
ديلرسه اول آته كندو بنر وديلرسه بشقه سنى بنديرر

۸۲۰ ماده

منفعتك تعينى مستعملينك اختلافيله مختلف اولان شيلرده
معتبردر • ومختلف اولميان شيلرده معتبر دكلدر • فقط

معیرانی بشقه سنه ویرمه دیو نهی ایتیش ایسه مستعیر پهر
حال انی بشقه سنه استعمال ایتدیره من

مثلا سنک رکوبک ایچون بو آتی سکا اعاده ایتدم دیدیکی
صورته مستعیر اول آته اوشاغنی بندیره من . اما سنک
اقامتک ایچون بو اوطه نی اعاره ایتدم دیدیکی صورته
مستعیر کندو اقامت ایده بیلدیکی کبی بشقه سنی دخی اسکان
ایده بیلور . فقط بشقه سنی اسکان ایتمه دیمش ایسه ایده من
۸۲۱ ماده

بر محل معینه دیو حیوان استعاره اولدوقده یولار متعدد
اولسه مستعیر عادت اوزره ناسک سلوک ایتدیکی یولاردن
هر قنغیسيله دیلر سه کیده بیلور . اما معتاد اولیان
یولدن کیدوبده حیوان تلف اولسه ضامن اولور

کذلک معیرک تعیین ایتدیکی یولک غیری بر یولدن
کیدوبده حیوان تلف اولدوقده اگر مستعیرک سلوک
ایتدیکی یول دها اوزاق یا غیر مأمون و یا خود خلاف
معتاد ایسه مستعیره ضمان لازم کلور

۸۲۲ ماده

بر کسسه بر قادیندن زوجنک ملکی اولان بر شبی عاریت
ایستیوب و اودخی بلا اذن و یرویده اول شی شایع
اولدیغی صورته اگر درون خانه ده و علی بحری

العاده زوجہ نك يدينده بولنان اشيادان اينسه كرك اول
قادينہ و كرك مستعيرہ ضمان لازم كلز . دكل ايسه مثلاً
آت كبي قادينل يدينده بولنميان برشي ايسه زوج ديلرسه
زوجہ سغه و ديلرسه مستعيرہ تضمين ايتديرر

۸۲۳ ماده

معيرك اذنى اولقسزين مستعير عاريتى آخره ايجار
ياخود رهن ايدہ مز و بربلده دهكى بورجنه رهن ايتك
اوزره استعاره ايتديكى مالى آخر بلده دهكى بورجنه رهن
ايدہ مز . ايدوبده عاريت تلف يا ضمايع اولسه ضمان
لازم كلور

۸۲۴ ماده

مستعير عاريتى آخره ايداع ايدہ يلور . ويد . استودعه
بلا تعد و تقصير تلف اولسه ضمان لازم كلز

مثلاً بر محله كيدوب كلك اوزره استعاره ايتديكى بار كير
ايله اورايه وارد قده بار كير يوريلوب قالمغله اوراده برينه
ايداع ايتدكدن صكره بار كير حنف انقه تلف اولسه ضمان
لازم كلز

۸۲۵ ماده

معير عاريتى طلب ايتدكده مستعيرك همان رذ و تسليمي
لازم كلور . وبلا عذر توقيف و تأخير ايدوبده عاريت

تلف یا ضایع اولسه یا خود قیمته نقصان کسه ضامن
اولور

۸۲۶ ماده

نصا یادلالة موقت اولان عاریتک ختام مدته معیره ردی
لازمدر . فقط مکث معتاد معفودر

مثلا فلان کون وقت عصره قدر استعمال اولمق اوزره
استعاره اولنان حلیاتی اول وقتک حلولنده رد اعاده
لازمدر . كذلك فلانک دو کوننده قوللانمق اوزره
استعاره اولنان حلیاتی اول دو کونک ختامنده رد واعاده
لازمدر . فقط بونی رد واعاده ایچون معتاد اولان
مرتبه وقتک مروری معفودر

۸۲۷ ماده

برایش ایچون برشی استعاره اولندقدہ اول ایشک
خطامنده عاریت مستعیر یکنده ودیعه کی اولور . ارتق
انی استعمال ایده من ومکث معتاددن زیاده توقیف
ایده من ایدو بده تلف اولسه ضامن اولور

۸۲۸ ماده

ناریتی مستعیر بنفسه یا خود امینی ایله معیره رد ایدر .
امینی اولیان کسه ایله رد ایدو بده قبل الوصول تلف
یا ضایع اولسه ضامن اولور

۸۲۹ ماده

مجوهرات کبی اشیای نفیسه‌دهن اولان عاریتی معیرک
کندوسنه تسلیم ایتک لازمدر

اما سائر عاریتی عرف و عادتده تسلیم عد اولنان محمله
کوتورمک و یا معیرک خدمتکارینه و یرمک رد و تسلیمدر
مثلا عاریت حیوانی معیرک آخورینه کوتورمک یاخود
سائسینه و یرمک تسلیمدر

۸۳۰ ماده

مستعیر یکنده اولان عاریتی رد ایده‌جک اولدقده مؤنتی
یعنی کافتی و مصارف نقلیه‌سی کندو اوزرینه در

۸۳۱ ماده

ابنیه یا بمق و آخاج دیکمک ایچون یر استعاره ایتک
صحیحدر . لکن معیردیلهدیکی وقت اعاره‌دن رجوع
ایله بونلری قلع ایتدیره‌یلور . شو قدر که اعاره موقت
ایسه ابنیه و اشجارک قلع اولندیغی زمانده کی مقلوعا
قیمتی ایله انقضای مدته قدر طورمق اوزره قیمتی بیننده
تفاوت نه ایسه معیرانی ضامن اولور

مثلا ابنیه و اشجار درحال قلع اولندیغی تقدیرده مقلوعا
قیمتی اون ایکی التون و انقضای مدته قدر طورمق
اوزره قیمتی یکرهی التون اولدیغی جالده معیردرحال

قلع ايتديره جك اولور ايسه سكر التون ويرمسي لازم
كلور

۸۳۲ ماده

كرك موقت و كرك غير موقت اوله رق زرع ايجون
اعاره اولنان اراضى بي معير وقت حصاددن مقدم اعاره
دن رجوع ايدو بده مستعير دن امتداد ايده من
اراده سنه تاريخى فى ۲۴ ذى الحجه سنه ۱۲۸۸

احمد جودت

عن اعضاءى مجلس تدقيقات

شرعيه عمر خلوسى

درس و كبلى

امين الفتوى

السيد خليل

السيد خليل

عن اعضاء جمعيت

عن اعضاء ديوان احكام عدليه

سيف الدين

احمد حلى

قسام عسكرى

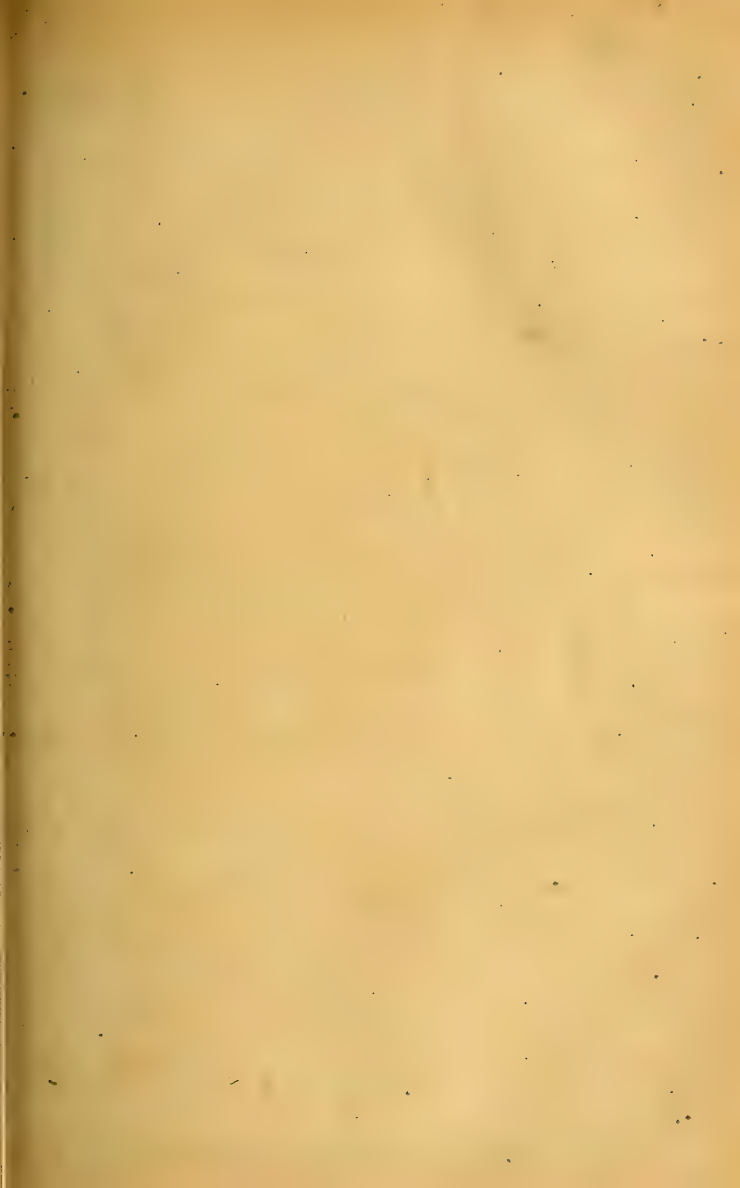
مدير معملخانه نواب

احمد خالد

يونس وهبى

عن اعضاء جمعيت

عبد اللطيف شكرى



— ❦ — كتاب الهبة — ❦ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجب نجه عمل اولنه)

(كتاب سابع)

(هبه حقنده اولوب بر مقدمه ايله ايكي بابي مشتملدر)

(مقدمه)

(هبه يه دائر اولان اصطلاحات فقهيه بيانده در)

۸۳۳ ماده

هبة . بلا عوض بر مالی آخره تملك ايتمکدر که ایدن

کیمسه يه واهب واول ماله موهوب وانی قبول ایدنه

موهوب له دینلور

اتهاب دخی هبه بی قبول دیمکدر

۸۳۴ ماده

هدیه . بر کیمسه يه اکراما کتوریلان یا کوندریلان

مالدر

۸۳۵ ماده

صدقه . ثواب ایچون هبه اولنان مالدر

۸۳۶ ماده

اباحه . بر شیئی بلا عوض اکل و تناول ایتک اوزره

آخره اذن و رخصت و بر مکدر

(باب اول)

(عقد هبه به متعلق مسائل بیاننده اولرب ایکی)

(فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(رکن و قبض هبه به دار اولان مسائل بیاننده در)

۸۳۷ ماده

هبه ایجاب و قبول ایله منعقد و قبض ایله تمام اولور

۸۳۸ ماده

هبه ده ایجاب باغشلادم و هبه ایتدم و اهدا ایلدم کی
مجانا بر مالی تملیک معناسنده مستعمل اولان سوزلر درو زوجك زوجه سنه بر چفت کو په یاخود حلیاتدن
دیگر بر نسنه و پرو بده آل طاقن دیمه سی کی مجانا تملیکه
دلالت ایدن تعبیرلر دخی هبه بی ایجاب در

۸۳۹ ماده

تعاطی ایله دخی هبه منعقد اولور

۸۴۰ ماده

هبه ده و صدقه ده ارسال و قبض لفظا ایجاب و قبول

مقامنه قائم اولور

۸۴۱ ماده

هبه ده قبض بعه قبول کیدر
بناء علیه واهبک ایجابی مثلاً شو مالی سکا هبه ایتدم
دیمه سی اوزرینه موهوب له قبول ایتدم و یاخود اتهاب
ایلدیم دیمکسزین مجلس هبه ده اول مالی قبض ایتسه هبه
تمام اولور

۸۴۲ ماده

قبضده واهبک صراحة یاخود دلالة اذنی لازمدر

۸۴۳ ماده

واهبک ایجابی دلالة قبضه اذندر . اما صراحة اذنی
موهوب اکر مجلس هبه ده حاضر ایتسه بومالی سکا هبه
ایتدم آل دیمک واکر غائب عن المجلس ایتسه فلان مالی
سکا هبه ایتدم وار آل دیمک کبی امر صریحیدر

۸۴۴ ماده

واهب صراحة قبضه اذن ویردکده موهوب لهک انی
کړک مجلس هبه ده وکړک لعدالافتراق قبضی صحیحدر .
اما دلالة قبضه اذنی مجلس هبه ایله تقييد ایدوب بعد
الافتراق قبضی معتبر اولماز

مثلاً شو مالی سکا هبه ایتدم دیو بده موهوب له دخی انی
اول مجلسده قبض ایدیورسه صحیح اولور اما مجلس

هبه دن آیراد قدن صکره قبض ایتسه صحیح اولماز . کذلک
فلان محله کی مالی سکا هبه ایتدم دیوبده وار آل دیماش
اولسه موهوب لهک کیدو بده انی قبض ایتسی صحیح اولماز
۸۴۵ ماده

مشتری مبیعی بایعدن قبل القبض آخره هبه ایده بیلور
۸۴۶ ماده

برکسینه نك یدنده بولنان مالی صاحبی اكا هبه ایتدکده
موهوب لهک قبول ایتدم یا اتهاب ایلدم دیسیله هبه تمام
اولوب مجددا تسلیم و قبضه محتاج دکدر
۸۴۷ ماده

برکیمسه الاجفنی مدیونه هبه یاخود مدیونی اندن ابرا
ایلیوب اودخی رد ایتسه صحیح و دین همان ساقط
اولور

۸۴۸ ماده

برکیمسه برینک ذمتنده اولان آلا جفنی آخره هبه ایدوبده
وارال دو صراحة قبضه اذن ویرسه و موهوب له دخی
واروب قبض ایتسه هبه تمام اولور

۸۴۹ ماده

قبل القبض واهب یاخود موهوب له فوت اولسه هبه
باطل اولور

۸۵۰ ماده

بر کیمسه کبیر یعنی عاقل و بالغ اولان او غلنه برشی هبه
ایتدکده تسلیم و قبضی لازمدر

۸۵۱ ماده

صغیرک و صیدی یا خود مریدی یعنی حجر و تربیه سنده
بولندیخی کیمسه کرک یدنده بولنان و کرک دیگرک نزدنده
ودیعه اولان مالنی اول صغیره هبه ایتدکده مجرد
ایجاب ایله یعنی یالکز هبه ایتدم دیسیله اول صغیرا کا
مالک اولوب قبضه محتاج دکادر

۸۵۲ ماده

بر طفله آخر کسینه برشی هبه ایتدکده ولیسنک یا خود
مریدسنک قبضی ایله هبه تمام اولور

۸۵۳ ماده

صبی ممیزه برشی هبه اولندقدده ولیسی اولسه بیله
کندوسنک قبضیه هبه تمام اولور

۸۵۴ ماده

هبه مضافه صحیح دکادر

مثلاً کله جک ای باشندن اعتباراً شو مالی سکا هبه ایتدم
دیسه صحیح اولماز

۸۵۵ ماده

عوض شرطیله اولان هبه صحیح و شرط معتبر در
مثلا برکسینه شو مقوله عوض و یرمک یاخود کندوسنک
معلوم المقدار دیننی ادا ایتک شرطیله برینه برشی هبه
ایتدکده موهوب له اول شرطه رعایت ایدر ایسه هبه
لازم اولور ایتمز ایسه واهب دخی هبه سندن رجوع
ایده بیلور کذلک برکیمسه اولنجه کندوسنی بسملک شرطیله
ملک عقارینی برینه هبه و تسلیم ایتدکده موهوب له
شرط مذکور اوزره واهبی بسملکه راضی ایکن واهب
نادم اولوبده هبه سندن رجوع ایله اول عقارینی
استرداد ایده مز

(فصل ثانی)

(شرائط هبه بیاننده در)

۸۵۶ ماده

موهوبک وقت هبه ده موجود اولسی شرطدر
بناء علیه بر باغک حاصل اوله جق اوزومنی یاخود بر
قصر اغک طوغوراجق یاوریسنی هبه صحیح دکلدر

۸۵۷ ماده

موهوب واهبک مالی اولق شرطدر

بناء عليه بر كيمسه بلا اذن بشقه سنك مالني برينه هبه ايتسه
 صحيح اولماز فقط هبه ايتد كدن صكره صاحبي مجيز اولسه
 صحيح اولور
 ماده ۸۵۸

موهوبك معلوم ومعين اولمسي لازمدر
 بناء عليه واهب لاعلى التعيين مالمدن برشي ياخود شوايكي
 آتدن بريني هبه ايتدم ديسه صحيح اولماز . وبو ايكي آتدن
 قنغيسنى ديلرسهك سنك اولسون ديديكى صورتده اكر
 موهوب له مجلس هبه ده انلردن بريني تعيين ايلرسه صحيح
 اولور اما مجلس هبه دن بعد المفارقه تعيينى مفيد اولماز
 ماده ۸۵۹

واهبك عاقل وبالع اولمسي شرطدر
 بناء عليه صغير و مجنون و معتوهك هبه سي صحيح دكلدر .
 اما بونلره هبه صحيحدر
 ماده ۸۶۰

هبه ده واهبك رضاسى لازمدر
 بناء عليه جبر و اكراه ايله واقع اولان هبه صحيح دكلدر

(باب ثانى)

(احكام هبه بيانده اولوب ايكي فصلى شاملدر)

(فصل اول)

(هبه دن رجوع حقنده در)

۸۶۱ ماده

موهوب له قبض ايله موهوبه مالك اولور

۸۶۲ ماده

قبل القبض واهب خود بخود هبه دن رجوع ايده بيلور

۸۶۳ ماده

واهبك بعد الايجاب موهوب لهي قبضدن نهى ايتسي

رجوعدر

۸۶۴ ماده

واهب بعد القبض موهوب لهك رضاسيله هبه وهديه دن

رجوع ايده بيلور . و موهوب له راضى اولمز ايسه حاكمه

مراجعت ايلر . حاكم دخى مواد آتیه دن بيان اولنه جق

موانع رجوع يوغيسه هبه يي فسخ ايده بيلور اما موانع

رجوع دن برى بولنسه فسخ ايده من

۸۶۵ ماده

بعد القبض واهب اكر موهوب لهك رضاسى ياخود

حاكك حكم وقضاسى اولمدن خود بخود موهوبى استرداد
ايدرسه غاصب اولور وبوصورتده ينده موهوب تلف
ياضايع اولسه ضامن اولور

۸۶۶ ماده

بركيسه اصول وفروعنه يا برادر وهمشيرسنة يا بوتلك
اولادينه يا خود پدر ومادرينك برادر وهمشيرسنة برشى
هبه ايتدكدن صكره رجوع ايده من

۸۶۷ ماده

زوج ايله زوجهدن برى بينلرنده زوجيت قائم ايكن يك
ديكرينه برشى هبه تسليم ايتدكدن صكره ارتق اندن
رجوع ايده من

۸۶۸ ماده

هبه يه عوض ويريلوبده واهبك دخى قبض ايتسي مانع
رجوعدر

بناء عليه كرك موهوب له طرفندن وكرك ديكر بر كسنة
جانبندن واهبه هبه سنة عوض اولق اوزره برشى
ويريلوبده اودخى قبض ايلسه اندن صكره هبه سندن
رجوع ايده من

۸۶۹ ماده

مال موهوب ارض اولوبده موهوب له انك اوزرينه بنا

احداث ياخود آخاج غرس ايتك وياخود موهورب زبون
حيوان اولوبده موهورب له ياننده سمنلنك كې زياده
متصله حاصل اولدقده وياخود بغدادى اولوبده اون
ايدنك كې موهوربك اسمى دكشه جك صورتده تغيير
اولدقده هبه دن رجوع صحيح اولماز . اما زياده منفصله
مانع رجوع اولماز

بناء عليه بر كيمسه نك آخره هبه ايلديكى قصراق حامل
اولدقده هبه دن رجوع ايده مز . اما طوغوردق دن صكره
رجوع ايده بيلور وبو صورتده ياوريلى موهورب له
قالور

۸۷۰ ماده

موهورب له موهوربى بيع ايله ياخود هبه وتسليم ايله ملكندن
اخراج ايلسه واهبك رجوعه صلاحيتى قالمز

۸۷۱ ماده

موهورب له ينده موهورب مستهلك اولسه رجوعه محل
قالمز

۸۷۲ ماده

واهب و موهورب لهدن برينك وفاى مانع رجوعدر
بناء عليه موهورب له فوت اولسه واهب هبه دن رجوع

ایده مدیکی **ک**بی و اهب فوت اولدقده دخی ورثه سی
موهوبی استرداد ایده من

۸۷۳ ماده

داین اله جغنی مدیونه هبه ایتدکده آرتق اندن رجوع
ایده من (۵۱) و (۸۴۸) ماده لره باق

۸۷۴ ماده

بعد القبض صدقه دن بروجله رجوع اولنه من

۸۷۵ ماده

بری برکیمسه یه مطعومانندن برشیی اباچه ایتدکده اول
کسنه ا کرچه اول شیئی آلوده آخره صاتمق یا خود هبه
ایتمک کبی لوازم تملکدن اولان بروجله تصرف
ایده من . فقط اول شیدن اکل و تناول ایده یلور .
وبعد صاحبی انک قیمتی مطالبه ایده من

مثلا بر باغ صاحبنک اذن و اباچه سیله بری باغندن بر مقدار
اوزم یسه باغ صاحبی اول اوزمک آچه سنی اله من
۸۷۶ ماده

ختمان یا خود زفاف دو کونلرنده کلان هدیه لری اصحابی
چو جق یا کلین و بابا و انالرندن هر قنغیسنه دیو اتور مشلر
ایسه اول هدیه لر انکدر . و **ک**ر کیمک ایچون

کتور دکارینی بیان ایتیموب کندولرندن سؤال ایله تحقیق
دخی قابل اولمز ایسه اولخالده عرف و عادت بلده یه رعایت
اولور

(فصل ثانی)

(هبه مریض حقه در)

۸۷۷ ماده

وارثی اولمیان کیمسه مرض موتنده جمیع اموالی برینه
هبه و تسلیم ایتسه صحیح اولور و بعد الوفاة ترکه سنه امین
بیت المال مداخله ایده مز

۸۷۸ ماده

زوجه سندن ماعدا وارثی اولمیان کیمسه مرض موتنده
جمیع اموالی زوجه سنه و یا خود زوجندن ماعدا وارثی
اولمیان قادین جمیع اموالی مرض موتنده زوجه هبه
و تسلیم ایتسه صحیح اولور
و بعد الوفاة بولرندن برینک ترکه سنه امین بیت المال مداخله
ایده مز

۸۷۹ ماده

برکیمسه مرض موتنده ورثه سندن برینه برشی هبه
ایدوبده فوت اولدقه دیکر ورثه مجیز اولماز ایسه اول
هبه صحیح اولماز

اما ورثه سندن بشقه سنه هبه و تسلیم ایتدکده ثلث مالی

موهوبك تمامه مساعد ايسه صحيح اولور . مساعد
اولميو بده ورثه دخی هبه بی مجیز اولماز ايسه مساعد
اولدیغی مقدارده هبه صحيح اولوب باقیسنی موهوب له
رده مجبوردر

۸۸۰ ماده

ترکسی مستغرق دیون اولان کیمسه مرض موتنده اموالی
وارثه یا خود بشقه سنه هبه وتسلیم ایتدکن صکره فوت
اولسه داینلر هبه بی طوتمیوب اول اموالی قسمت غریبه
ادخال ایده یلور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۹ محرم سنه ۱۲۸۹

عن اعضاء مجلس تدقیقات شرعیه اجد جودت

عمر خلوصی

امین الفتوی

وکیل درس

السیدخلیل

السیدخلیل

عن اعضاء دیوان احکام عدلیه

عن اعضاء جمعیت

السیداحمد حلمی

سیف الدین

مدیر معامخانه نواب

قسام عسکری

یونس وهبی

احمد خالد

عن اعضاء جمعیت

عبداللطیف شکری

— ❧ كتاب الغضب والانلاف ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

موجب‌بخش عمل اولنه

(كتاب ثامن)

(غصب و اطلاق حقننده اولوب بر مقدمه ايله)

(ايكي بابيه منقسمدر)

(مقدمه)

۸۸۱ ماده

غصب • بر كسه نك اذني اولقسزین مالنی اخذ و ضبط
ایتمکدر که اخذ ایدن كسه یه غاصب و اول ماله مغضوب
و صاحبنه مغضوب منه دینلور

۸۸۲ ماده

قائم قیمت • ابنیه یا اشجارك بولندقلری برده طور مق
اوزره قیمت‌لریدر که ارض بر کره ابنیه یا اشجار ايله
برابر و بر کره ابنیه یا اشجاردن خالی اوله رق تقویم
اولنوب ایکی قیمت بیننده کی تفاضل و تفاوت نه ایسه
ابنیه یا اشجارك قائما قیمتی دیمك اولور

۸۸۳ ماده

مبنیا قیمت • ابنیه نك قائما قیمتی دیمکدر

۸۸۴ ماده

مقلوعا قیمت . بعد القلع ابنیه انقاضک و اشجار مقلوعه نك
قیمتلیدر

۸۸۵ ماده

مستحق القلع اوله رف قیمت . مقلوعا قیمتدن اجرت قلع
لدى التنزیل باقی اولان قیمتدر

۸۸۶ ماده

نقصان ارض . بر یرك قبل الزراعه دیگرى اولان
اجرتله بعد الزراعه دكرى اولان اجرت بیننده کی فرق
و تفاوتدر

۸۸۷ ماده

مباشرة اتلاف . بر شیئی بالذات تلف ایتکدر که
ایدن کیمسه یه فاعل مباشر دینلور

۸۸۸ ماده

تسبیا اتلاف . بر شیئک تلفنه سبب اولمقدر یعنی
بر شیده دیگر شیئه علی جرى العاده تلفنه مفضی اولان
بر ایش احداث ایتکدر که ایدن کیمسه یه متسبب دینلور
ته کیم بر معلق قندیلاک ایدنی کسمک قندیلاک یره دوشوبده
قیرلمنه سبب مفضی اولمغله ایدنی کسن کیمسه مباشرة
ایدنی تلف ایتمش و تسبیا قندیلی قیرمش اولور

كذلك بر كيمسه بر طولومی شق ایدو بده ایچنده کی یاغ
 اقوب تلف اولسه اول کیمسه مباشرة طولومی و تسببا
 یاغی انلاف ایتش اولور
 ماده ۸۸۹

تقدم . مضرت ملحوظه نك دفع و ازاله سیچون اولجه
 تنبيه و توصیه ایتکدر

(باب اول)

(غصب حقنده اولوب اوج فصلی شاملدر)

(فصل اول)

(غصبك احكامی بیانده در)

ماده ۸۹۰

مال مغضوب عینا موجود ایسه مکان غصبده صاحبینه
 رد و تسلیمی لازمدر . و صاحبی بشقه بلدهده غاصبه
 تصادف ایدو بده مال مغضوب دخی یاننده اولدیغی
 حالده صاحبی دیلر سه مالنی اوراده استرداد ایلر . اگر
 مکان غصبده تسلیمی استر ایسه مؤنت ردی و مصارف
 نقلیه سی غاصب اوزرینه در

ماده ۸۹۱

مال مغصوبی غاصب استهلاك ايتدكده ضامن اولمسی
 لازم كلديكي كې كرك انك تعديسييله و كرك بلا تعد تلف
 يا ضايع اولديغی تقدیرده دخی ضامن اولور
 شویله كه قیامتدن ایسه زمان و مكان غصبده کی قیمتی
 و مثلیاتدن ایسه مثلی ویرمسی لازم كلور
 ۸۹۲ ماده

غاصب مكان غصبده عین مغصوبی صاحبنه رد و تسلیم
 ايتدكده ضماندن بری اولور
 ۸۹۳ ماده

غاصب عین مغصوبی صاحبی اخذ ایده بیله جك صورتده
 اوكنه وضع ايتدكده حقیقه قبض بولنمه بیله مغصوبی
 رد ایتش اولور

اما تلف اولان مغصوبك قیمتی صاحبنك اوكنه وضع
 ایسه حقیقه قبض بولنمدقه ضماندن بری اولماز
 ۸۹۴ ماده

عین مغصوبی غاصب بر محل مخوفده صاحبنه تسلیم ایسه
 قبول ایتمامكه حق وار در و غاصب بو صورتده ضماندن
 بری اولماز
 ۸۹۵ ماده

غاصب تلف اولان مال مغصوبك قیمتی صاحبنه کتورده

قبول ایتسه حاکمه مراجعت ایله قبولی امر ایتدیرر
ماده ۸۹۶

مغضوب منه صبی اولدیغی حالده غاصب ا کا مغضوبی
رد ایتدکده صبی میز اولوبده مالی حفظه اهل ایتسه
ردی صحیح اولور دکل ایتسه صحیح اولماز
ماده ۸۹۷

مغضوبک میوه اولوبده غاصب عنده قورومق کبی
حالی تغیر ایلر ایتسه صاحبی مخیردر دیلرسه مغضوبی
عینا استرداد ایلر و دیلرسه تضمین ایتدیرر
ماده ۲۹۸

غاصب اکر کندو مالندن برشی زیاده سیله مغضوبک
بعض اوصافی تغیر ایدر ایتسه مغضوب منه مخیردر
دیلرسه اول مغضوبی تضمین ایتدیرر و دیلرسه اول
زیاده نک قیمتی و یروب عینا استرداد ایلر
مثلا مغضوب اولان بزی غاصب بویامش اولسه صاحبی
مخیردر و دیلرسه بزینی تضمین ایتدیرر و دیلرسه بویانک
بهاسنی و یروب عینا بزی استرداد ایلر
ماده ۸۹۹

غاصب اکر مال مغضوبی اسمی دکیشه جک صورتده

تغیر ایدر ایسه ضامن اولور واول مال کندویه قالور
مثلا مغصوب بغدادی اولوبده غاصب انی اون ایدر ایسه
ضامن اولوب اون انک مالی اولور . نته کیم بر کیمسه
دیگرنک بغداینی غصب ایله کندو ترلاسنه زرع ایته
بغدایی ضامن اولوب محصول کندوسنک اولور

۹۰۰ ماده

بعد الغصب مغصوبک سعر و قیمتنی تناقص ایته صاحب
انی المیوبده زمان غصبده کی قیمتنی مطالبه ایده من
اما غاصبک استعمالیه مغصوبک قیمتنه نقصان کسه ضمان
لازم کلور

مثلا بر کیمسه نک غصب ایلدیکی حیوان زبون اولسه انی
صاحبنه رد ایتدکده نقصان قیمتنی دخی ضامن اولور
کذلک بر کیمسه غصب ایلدیکی البسه بی یرتمغله قیمتنه نقصان
کدکده اکر نقصان یسیر ایسه یعنی مغصوبک ربع قیمتنه
بالغ دکل ایسه غاصب انک نقصان قیمتنی ضامن اولور .
واکر نقصان فاحش ایسه یعنی مغصوبک ربع قیمتنه
مساوی ویا خود ازید ایسه مغصوب منه مخیر در . دیلر سه
نقصان قیمتنی تضمین ایتدیرر و دیلر سه اول مالی غاصبه
ترک ایله تام قیمتنی الور

۹۰۱ ماده

ازالہ تصرفہ غصبہ مساوی اولان حال و کیفیت حکما
غصب قبیلندن عد اولور نته کیم مستودع و دیعه بی انکار
ایتسه غاصب حکمنده اولور و اندن صکره یدنده و دیعه
بلا تعد تلف اولسه ضامن اولور

۹۰۲ ماده

برطاغ اوزرنده کی باغچه ایله الت طرفده کی دیگر برباغچه
اوزرینه یقلوب دوشمک کی بروجهله من غیر قصد
برکیمسه نیک ملکی یدندن چیقسه قیمتی اقلی اکثره تابع
اولور

یعنی قیمتی اکثر اولانک صاحب قیمتی اقل اولانی ضامن
اوله رق اول یری تملک ایدر

مثلا طاغ یقمازدن مقدم اوست طرفنده کی باغچه نیک قیمتی
بشیوز والت طرفنده کی باغچه نیک قیمتی بیک غروش
اولسه ایکنجیسنک صاحبی بشیوز غروش اولکینک
صاحبنه اعطا ایله اوراسنی ضبط ایلر

ننه کیم برکیمسه نیک النده کی الی غروش لقی اینجوسی
دوشوبده دیکرک بش غروش قیمتلو طاووغی انی یوتسه
اینجو صاحبی بش غروش و یروب طاووغی الور
(۲۷) و (۲۸) و (۲۹) ماده لره باق

۹۰۳ ماده

مغصوبك زواندى صاحبكدر . و غاصب انى استهلاك
ايدرسه ضامن اولور

مثلا مغصوب اولان حيوانك غاصب ينده حاصل اولان
سوتى و ياوريسى و بر باغچه نك يد غاصبده ايكن حصوله
كلان ميوه سى مغصوب منهك مالى اولمغله غاصب بونلرى
استهلاك ايلرسه ضامن اولور

كذلك بر كيمسه برينك قواني ايچنده كى آريسييله برابر غصب
ايتسه صاحبي آريسييله برابر قواني استرداد ايتد كده غاصب
يائنده ايكن حاصل اولان بالى دخی الور

۹۰۴ ماده

بر باغچه ده مكان اتخاذ ايدن آر برك بالى باغچه صاحبك
اولوب، ديكر كسمنه اول بالى اخذ و استهلاك ايلسه ضامن
اولور

(فصل ثانی)

(غصب عقاره متعلق بعض مسائل بيانده در)

۹۰۵ ماده

مغصوب اكر عقار قبيلىندن ايسه غاصب انى تغيير و تنقيص
ايتمهرك صاحبنه رد ايتمى لازمدر

وغاصبك صنع وفعلى ايله اول عقارك قيمته نقصان كلسه
نقصان قيمتى ضامن اولور

مثلا بر كلسه غصب ايلديكى بر خانه نك بريرينى هدم ايدوب
ياخود سكناسى سييله خراب اولوبده قيمته نقصان كلسه
مقدار نقصانى ضامن اولور . كذلك غاصبك خانه
مغصوبده ياقدىغى آتشدن خانه محترق اولسه مبنيا قيمتى
ضامن اولور

۹۰۶ ماده

مغصوب ارض اولوبده غاصب انك اوزرينه ابنیه انشا
ياخود اشجار غرس ايتسه بونلرى قلع ايله ارضى رد
ايتك اوزره غاصبه امر اولنور

واكر ابنیه يا اشجارك قلعى ارضه مضر ايسه مغصوب
منه انلك مستحق القلع اوله رق قيمتلىرى اعطا ايله انلرى
دخى ضبط ايدوبيلور

فقط ابنیه يا اشجارك قيمتلىرى ارضك قيمتندن زياده
اولوبد سبب شرعى زعيمه انشا ياخود غرس اولنمش
ايسه اول حالده ابنیه ياخود اشجارك صاحبي ارضك
قيمتنى اعطا ايله ارضى تملك ايدر

مثلا بر كيمسه پدرندن موروث اولان عرصه اوزرينه اول
عرصه نك قيمتندن زياده اچقه صرفيله ابنیه انشا ايتدكدن

صکره بری عرصه یه مستحق چیقسه اول کیمسه عرصه نك
 قیجتنی و یروب عرصه بی ضبط ایلم
 ۹۰۷ ماده

بر کیمسه آخرک عرصه سنی غصب و زراعت ایلمسه صاحبی
 عرصه سنی استرداد ایتد کده اول کمسنه نك زراعتیله ترتب
 ایدن نقصان ارضی دخی تضمین ایتدیرر
 کذلک بر کمسنه دیگر یله مشترکاً متصرف اولدیغی عرصه یی
 بلاذن مستقلاً زراعت ایلمسه شریکی عرصه دن حصه سنی
 الدقه اول کمسنه نك زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن
 حصه سنی تضمین ایتدیرر
 ۹۰۸ ماده

بر کیمسه دیگرک ترلا سنی غصباً نطس ایتد کدنصکره صاحبی
 ترلای الدقه اول کمسنه نطس عملی مقابلنده اجرت
 مطالبه ایده من
 ۹۰۹ ماده

بر کمسنه سو پرندی یا خود دیگر نسسه وضع ایله برینک
 عرصه سنی اشغال ایتسه قویدیغی شیئی رفع ایله عرصه یی
 تخلیه ایتک اوزره کندویه جبر اولنور

(فصل ثالث)

(غاصب الغاصبك حكمی پاننده در)

۹۱۰ ماده

غاصب الغاصب عین غاصب حکمیده در

بناء علیه مال مفعوبی غاصبدن شخص آخر غصب ایله
اتلاف ایلدیکی یا خود یدنده تلف اولدیغی تقدیرده
مفعوب منه دیلرسه غاصب اوله و دیلرسه غاصب ثانی یه
تضمین ایتدیرر و دیلرسه قیمت مفعوبك بر مقدارینی اوله
و دیگر مقدارینی ثانی یه تضمین ایتدیره بیلور

و غاصب اوله تضمین ایتدیردیکی تقدیرده اودخی غاصب
ثانی یه رجوع ایدر اما ثانی یه تضمین ایتدیردیکی تقدیرده
ثانی اوله رجوع ایده من

۹۱۱ ماده

غاصب الغاصب مال مفعوبی غاصب اوله رد ایتدکده
یا لکز کندوسی و مفعوب منه رد ایتدکده ایکیسی دخی
بری اولور

(باب ثانی)

(اتلاف یابنده اولوب درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباشرة اتلاف حقنده در)

۹۱۲ ماده

برکسنه دیکرک کرک کندوسنده وکرک امینی یبنده اولان
مالنی کرک قصداً وکرک من غیر قصد اتلاف ایتسه ضامن
اولور

اما غاصب یبنده کی مالاً مقصوبی آخر کسنه اتلاف ایتسه
مقصوب منه مخیردر دیلرسه غاصبه تضمین ایتدیروب
او دخی متاغه رجوع ایدر و دیلرسه متلفه تضمین
ایتدیروب متلف بوصورته غاصبه رجوع ایده من

۹۱۳ ماده

برینک ایاغی قایوبده دوشه رک آخرک مالنی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۴ ماده

برکسنه کندو مالی ظنیله دیکرک مالنی اتلاف ایتسه
ضامن اولور

۹۱۵ ماده

بر كمسنه ديكر ك البسه سنى چكو بده برتسه تمام قيمتى
ضامن اولور اما البسه يه تشبث ايدو بده صاحبي
چكمكه برتسه نصف قيمتى ضامن اولور

كذلك بر كمسه ديكر ك اتكى اوزرينه اوتور و بده صاحبي
بيليه رك قالمغله البسه سى برتسه او كمسنه البسه نك
نصف قيمتى ضامن اولور

۹۱۶ ماده

بر صبي ديكر ك مالى اتلاف ايتسه كندو مالندن ضمان
لازم كلور مالى بوق ايتسه حال يسرينه انتظار اولنور
وايسنه تضمين ايتديرلر

۹۱۷ ماده

بر كمسنه ديكر ك مالنه قيمته بر كونه نقصان كتورسه
نقصان قيمتى ضامن اولور

۹۱۸ ماده

بر كمسه ديكر ك حانه و دكان مثلاو عقارينى بغير حق هدم
ايتسه صاحبي مخيردر . ديلرسه انقباضنى هدم ايدن
كمسه يه ترك ايدرك مبنيما قيمتى تضمين ايتديرر و ديلرسه
اول عقارك مبنيما قيمندن انقباضك قيمتى تنزيل و قيمت
باقه يي تضمين ايله برابر انقاضى دخى اليقور

قط غاصب انی کالاول بنا ایدیورسه ضماندن بری
اولور

۹۱۹ ماده

بر محلدہ حریق وقوعبولغله بر کیسه بر خانہ بی صاحبک
اذنی اولقسزین یقوبده اوراده حریق منقطع اولدقده
اگر امر ولی الامر ایله ییقمش ایسه ضمان لازم کلز
و اگر خود بخود ییقمش ایسه ضامن اولور

۹۲۰ ماده

بر کیسه آخرک باغچه سنده کی اشجاری بغیر حق قطع
ایتدکده صاحبی مخیر در . دیلرسه اول اشجارک قائماً
قیمتیرینی اخذ ایله اشجار مقطوعه بی قاطعه ترک ایدر .
و دیلرسه قائماً قیمتلرندن مقطوعاً قیمتیرینی بالتزویل باقی
مبالغ ایله برابر اشجار مقطوعه بی دخی الیقور

مثلاً اشجار قائم اوله رق باغچه نك قیمتی اون بیک وبلا
اشجار قیمتی بشیک و اشجار مقطوعه نك قیمتی ایکبیک
غروشه اولسه صاحبی مخیر در . دیلرسه اشجار
مقطوعه بی قاطعه ترک ایله بشیک غروش الور و دیلرسه
اوج بیک غروشه برابر اشجار مقطوعه بی دخی الیقور

۹۲۱ ماده

بر کیسه مظلوم اولغله آخره ظلم ایتکه صلاحیتی اوله ماز

مثلاً بری دیگرک مالنی اتلاف ایتمکه او دخی بالمقـ ابله
 انک مالنی اتلاف ایتسه ایکسی دخی ضامن اولدیغی
 کبی بزقبیله دن بری دیگر قبیلهدن بر شخصک مالنی اتلاف
 ایتمکه او دخی اولکی قبیلهدن دیگر برینک مالنی اتلاف
 ایتسه هر بری تلف ایتدیکی مالی ضامن اولور . نتکم
 برکیمسه الدانو بده آخردن بر قلب آچه السه آنی بشقه
 سنه سورمکه صلاحیتی اوله ماز

(فصل ثانی)

(تسبیاً اتلاف بیانده در)

۹۲۲ ماده

برکیمسه تسبیاً برینک مالنی اتلاف یاخود قیمتنی تنقیص
 ایتسه یعنی کندوسنک فعلی بر مالک تلفنه یاخود نقصان
 قیمتنه سبب مفضی اولسه ضامن اولور
 مثلاً بری دیگرکسندنک اثوابنه صاریلوبده مجادله ایدرکن
 اول کسندنک اوزرندن برشی دوشوب تلف اولسه
 یاخود سقطلانسه صاریلان کیمسه ضامن اولور
 وکذا برکیمسه دیگرک ترلا و باغچه سنک صوبینی بغیر حق
 سد ایدوبده مزروعات و مغروساتی قوزیوب تلف اولسه
 یاخود صوبی طاشیروبده دیگرک ترلاسنی صوباصه رق

مزرعاتی تلف اولسہ اول کیسہ ضامن اولور
 كذلك بر کیسہ دیگرینک اخورینک قپوسنی آچو بدہ
 ایچندہ کی حیوان فرار ایلہ ضایع اولسہ یاخود قفسنک
 قپوسنی آچو بدہ ایچندہ کی قوش اوچسہ ضامن اولور
 ۹۲۳ مادہ

برینک حیوانی بر کیسہ دن اور کو بدہ فرار ایلہ ضایع
 اولسہ ضمان لازم کلز . اما اول کیسہ حیوانی قصداً
 اور کتمش ایسہ ضامن اولور

و کذا بر صیاء آوہ تفنک آتو بدہ سسندن دیگرک حیوانی
 اور کهرک فرار ابدرکن دوشوب تلف یاخود ایاغی سقط
 اولسہ ضامن اولماز اما حیوانی اور کتمک قصدیلہ تفنک
 اتمش ایسہ ضامن اولور (۹۳) مادہ یہ باق

۹۲۴ مادہ

تسبیک بر وجه بالا موجب ضمان اولسندہ تعدی شرطدر
 یعنی متسبیک بر ضرری ضامن اولسی اول ضررہ
 مفضی اولان فعلی حقسنز اولہرق ایشلمش اولسی ایلہ
 مشروطدر

مثلاً بر کیسہ بلا اذن ولی الامر طریق عامدہ بر قوی
 قازو بدہ اورایہ دیگرک حیوانی دوشهرک تلف اولسہ
 ضامن اولور . اما کندو ملکندہ قازمش اولدیغی

قوي يه ديكر ك حيواني دوشه رك تلف اولسه ضامن
اولماز

۹۲۵ ماده

بری بر شیئك تلفنه سبب اولان بر ایش ایشلمش اولدیغی
حاله آره یه بر فعل اختیاری حیلولت ایلسه یعنی بشقه
بر کیسه اول شیدی مباشرة اتلاف ایلسه اول فعل
اختیاری صاحبی اولان فاعل مباشر ضامن اولور
(۹) ماده یه باق

(فصل ثالث)

(طریق عامده احداث اولنان شیرله داردر)

۹۲۶ ماده

هر کسك طریق عامده حق مروری واردر . فقط بشرط
السلامه در

یعنی ممکن التحرز اولان حالاتده بشقه سنه ضرر ویرمامک
شرطیله مقید در . بناء علیه طریق عامده بر حالک
ارقه سنده کی یوکی دوشوبده بر ینک مالنی تلف ایلسه
حال ضامن اولور . تکیم تیمور چی دکاننده تیمور
دو کر کن قیغلم صیچرایوبده طریق عامده مرور ایدن
بر کیسه نك البسه سنی احراق ایلسه تیمور چی ضامن اولور

۹۲۷ ماده

اذن ولی الامر اولدقچه کسنه طریق عامده بیع و شرا
ایچون اوتوره ماز • وبلا اذن برشی وضع و احداث
ایده مز • وایدرسه اندن تولد ایدن ضرر وزیانی ضامن
اولور

بناء علیه بر کیمسه طریق عام اوزره کرسته یاخود طاش
یغوبده اوزرینه دیکرک حیوانی باصوب سورچهرک
تلف اولسه اول کیمسه ضامن اولور • کذلک بر کیمسه
طریق عامه یاغ کبی بر قایغین نسنه دو کوبده دیکرک حیوانی
قایوب تلف اولسه اول کسنه ضامن او اور

۹۲۸ ماده

برینک دیواری یقلوبده دیکره بر ضرر ایراث ایتسه
ضمان لازم کلز • فقط اولجه اول دیوار مائل انهدام
اولوبده اکا دیکر بر کیمسه دیواریکی هدم ایت دیو
تقدم و تنبیه ایدوبده دیواری هدم ایده جک قدر وقت
کچمش ایسه اول حالده ضمان لازم کلور •

شو قدر که اول کیمسه حق تقدم و تنبیه اصحابندن اولمق
شرطدر

شوبله که اول دیوار اکر قومشونک خانه سی اوزرینه
یقلمش ایسه تقدم ایدن کیمسه اول خانه نک سکا نندن

اولماید در خارجدن برینک تقدیم و تنبیهی مفید اولماز .
 واکر طریق خاص اوزره ییقلش ایسه تقدیم ایدن کیمسه
 اول طریقده حق مروری اولان کساندن اولقی لازمدر .
 واکر طریق عام اوزرینه ییقلش ایسه هرکیم اولور ایسه
 اولسون تقدیمه حق واردر

(فصل رابع)

(جنایت حیوان حقنده در)

۹۲۹ ماده

بر حیوانک کندولکنندن اوله رق ایتدیکی ضرری صاحبی
 ضامن اولماز . (۹۴) ماده یه باق
 فقط بر حیوان بر کیمسه نك مالنی استهلاک ایدرکن اول
 حیوانک صاحبی کورو بده منع ایتز ایسه ضامن اولور
 و برده ثور نطوح یعنی سوسکن اوکوز و کلب عقور یعنی
 طالایی کلب کبی ضرری متعین بر حیوان اولو بده
 صاحبنه محله سی یا قریه سی اهانیدسندن بری حیواننی
 ضبط ایت دیو تقدیم ایتمشکن صاحبی صالیویر و بده
 بر کیمسه نك حیواننی یا دیگر مالنی تلف ایتسه صاحبی
 ضامن اولور

۹۳۰ ماده

بر کیمسه کرک را کب اولسون و کرک اولسون کندو

ملکندہ ایکن حیوانی اولک ایاغی یاخود باشی و یا قویروغی
ایله چار پهرق و یاخود ارقه ایاغیله دهرک آخرکسنه یه
ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز
۹۳۱ ماده

برکیمسه دیکرک ملکندہ حیوانی اذخال ایتدکده صاحبنک
اذنیله اذخال ایتیش ایسه کندو ملکندہ بولنمش کبی
عد اولنهرق ماده آنفده بیان اولنسان صورتلرده
حیوانک جنایتی ضامن اولماز

واکر صاحبنک اذنی اولقسزین اذخال ایتیش ایسه
کرک را کب اولسون و کرک قاند یعنی یدیچی یا سائق
یعنی سور یچی اولسون و کرک حیوانک یاننده بولنمشون
هر حالده اول حیوانک ایتدیکی ضرر و زیانی ضامن
اولور

اما حیوان بوشانو بده کندو لکندن اولهرق برینک
ملکندہ دخول ایله بر ضرر ایتسه صاحبی ضامن اولماز
۹۳۲ ماده

هرکسک طریق عامده حیوانیله دخی مروره حق
وارد

بناء علیه برکیمسه طریق عامده حیواننه را کب اولوب
کیدرکن ممکن التحرز اولیان ضرر و زیانی ضامن اولماز

مثلاً حیوانك ایاغندن توز و چامور صیچرایو بده دیگرک
السه سنی لکه دار ایلسه یاخود ارقه ایاغیله دپوب و یا
قو یروغیله چار پوبده بر ضرر ایتسه ضمان لازم کلز .
اما مصادمه سندن یا اولك ایاغیله یاخود باشیله چارپسندن
وقوعه کلان ضرر و زیانی را کب اولان کیسه ضمان
اولور

۹۳۳ ماده

طریق عامده قانده سائق دخی را کب کبدر
یعنی انلر دخی آنجق را کبک ضمان اولدیغی ضرری
ضامن اولورلر

۹۳۴ ماده

بر کیسه نك طریق عامده حیواننی طور دیرمغه یاخود باغلامغه
ختی یوقدر

بناء علیه بر کیسه طریق عامده حیواننی طور دیرسه یاخود
باغلاسه كرك اولك ویا ارقه ایاغیله دپسون و كرك سائر
صورتله ضرر ایتسون اول کیسه هر حالده اول حیوانك
جنایتنی ضمان اولور . اما آت بازاری و کرا بار کیرلرینك
طور دیغی محللر کبی حیوان طورمغه اعداد و تعیین اولنش
اولان یرلر مستشادر

۹۳۵ ماده

بر کیمسه حیوانی باشی بوش طریق عامه صالیویرسه اول
حیوانک ایتدیگی ضرری ضامن اولور

۹۳۶ ماده

بر کیمسه نك را کب اولدیغی حیوان اولك یاخود ارقه
ایاغیله کندو ملکنده و کرك سائر محله بر شینك اوزرینه
باصوبده تلف ایتسه را کب اولان کیمسه اول شیئی
مباشرة اتلاف ایتمش عد اولنه رق هر حالده ضامن
اولور

۹۳۷ ماده

آت کم آلبوبده را کبی باشی ضبط ایده میهرک بر ضرر
ایتسه ضمان لازم کلز

۹۳۸ ماده

بر کیمسه کندو ملکنده حیوانی باغلامش اولدیغی جالده
دیگر بری کلوبده بلا اذن اورایه حیوانی باغلا دیغی
صورته صاحب ملکک حیوانی آنی دپوب تلف ایتسه
ضمان لازم کلز . و اگر اول حیوان صاحب ملکک
حیوانی تلف ایتسه صاحبی ضامن اولور

۹۳۹ ماده

بر محله حیوان باغلامغه حقی اولان ایکی کسمنه

حیوانلرینی باغلادقلمرنده حیوانلرک بری دیکرینی تلف
ایتسه ضمان لازم کلمز

مثلا بر خانه ده مشترک اولان ایکی کشی حیوانلرینی بر
محله باغلا یوبده برینک حیوانی دیکرینک حیواننی تلف
ایتسه ضمان لازم کلمز

۹۴۰ ماده

ایکی کشی کمدولرینک حیوان باغلامغه حق اولمیان برده
حیوانلرینی باغلا یوبده اول باغلایانک حیوانی دیکرک
حیواننی تلف ایتسه ضمان لازم کلمز و صکره باغلایانک
حیوانی اولکینک حیواننی تلف ایتسه ضمان لازم کلور
اراده سنیه نارینخی فی ۲۳ ربیع الاخر سنه ۱۲۸۹

احمد جودت

عمر خلوصی

وکیل درس

امین الفتوی

السید خلیل

السید خلیل

عن اعضای دیوان احکام عدلیه قاضی دار الخلافه العلیه

سیف الدین

احمد حلمی

قسام عسکری

مدیر معلمخانه نواب

احمد خالد

السید یونس وهبی

عن اعضای جمعیت

عبد اللطیف شکری

— ❧ كتاب الحجر والاكراه والشفعة ❧ —

✽ صورت خط همایون ✽

(موج‌بنجه عمل اولنه)

(کتاب تاسع)

(حجر واکراه وشفعه بیانده اولوب بر مقدمه ایله)

(اوج بابی حاویدر)

(مقدمه)

(حجر واکراه وشفعه به متعلق اصطلاحات فقیه)

۹۴۱ ماده

حجر . بر شخص مخصوصی تصرف قولیستندن منعدر که
بعد الحجر اول شخصه محجور دنیلور

۹۴۲ ماده

اذن . جری فك ایتك وحق منعی اسقاط ایلکدر که
اذن وریلان شخصه مأذون دنیلور

۹۴۳ ماده

صغیر غیر ممیز . بیع وشرای فیهم ایتیان یعنی ملکیتی بیعک
سالب و شرانك جالب اولدیغنی بیلیان واونده بش
الدائق کبی غبن فاحش اولدیغنی ظاهر اولان برغبنی
غبن یسیردن تمیز و تفریق ایلیان چو جق اولوب بونلری
تمیز ایدن چو جغه صغیر ممیز دینلور

۹۴۴ ماده

مجنون ایکی قسمدر . بزی مجنون مطبقدر که جنونی جمیع
اوقاتی مستوعب اولان کیمسه در . دیکری مجنون غیر
مطبقدر که گاه مجنون اولوب گاه افاقت بولان کیمسه در

۹۴۵ ماده

معتوه . اول مختل الشعور اولان کیمسه در که فهمی قلیل
وسوزی مشوش و تدبیری فاسد اولور

۹۴۶ ماده

سفیه . مالی بیهوده یره صرف ایله و مصارفنده تبذیر
واسراف ایله اضاعه و اتلاف ایدن کیمسه در
ایله و ساده دل اولوق حسبیله کار و تمتع یولنی بیله میوبده
اخذ و اعطاسنده الدانه کلان کیمسه لر دخی سفیه

حد اولنور

۹۴۷ ماده

رشید . مالی محافظه خصوصندد تقید ایدرک سفیه
و تبذیردن توقی ایدن کیمسه در

۹۴۸ ماده

اکراه . برکسنه بی اخافه ایله رضاسی اولقسزین بر
ایش ایشلیک اوزره بغیر حق اجبار ایتکدر که اول
کسنه یه رانک فتحیله مکره و اجبار ایدن کیمسه یه مجبر

واول ايشه مكره عليه و خوفی موجب اولان شيئه مكره به
دينلور

۹۴۹ ماده

اكره ايكي قسمدر . قسم اول اكره ملجيدر كه اتلاف
نفس يا قطع عضو يا خود بونلردن برينه مؤدى اولور
ضرب شديد ايله اولان اكره در . قسم ثانى اكره غير
ملجيدر كه يالكز نغم والمى موجب اولور ضرب و حبس
كبي شيلره اولان اكره در

۹۵۰ ماده

شفعه . بر ملك مشترايى مشتري به هر قاچه مال اولديسه
اول مقدار ايله تملك ايتكدور

۹۵۱ ماده

شفيع . حق شفعه سى اولان كيمسه در

۹۵۲ ماده

مشفوع . حق شفعه نك تعلق ايلديكى عقار در

۹۵۳ ماده

مشفوع به . شفيعك مابه الشفعه اولان ملكيدر

۹۵۴ ماده

خليط . صو حصه سى و يول حصه سى كبي حقوق
ملكده مشارك ديمكدور

۹۵۵ ماده

شرب خاص . اشخاص معدوده به مخصوص اولان ماء
جاریده کی حق شربدر اما عموماً منتفع اولدیغی
نهرلردن صومق شرب خاص قییلندن دکلدر

۹۵۶ ماده

طریق خاص . چیمماز زقاق دیمکدر

(باب اول)

(حجره متعلق مسائل بیاننده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(صنوف و احکام محجورین بیاننده در)

۹۵۷ ماده

صغیر و مجنون و معتوه ذاتا محجورلر در

۹۵۸ ماده

سفیه اولان کیمسه حا کم طرفندن حجر اولنه یلور

۹۵۹ ماده

مدیون دخی غرمانک طلبیله حا کم طرفندن حجر اولنه یلور

۹۶۰ ماده

مواد آنفسه ده ذکر اولشان محجور ینک بیع و شرا کی

متصرفات قولیه لری معتبر اولمز اینسه ده کندو فعللرندن
نشئت ایدن ضرر و زیانی ضامن اولورلر
مثلا بر چوجق غیر ممیز اولسه بیله برینک مالنی اطلاق
ایتدکده ضمان لازم کلور

۹۶۱ ماده

سفیه و مدیون حاکم طرفندن حجر اولندقدن سببی فاسه
بیان ایله اشهاد و اعلان اولنور

۹۶۲ ماده

حاکم طرفندن حجری مراد اولنان کیمسه نک حضوری
شرط اولمیوب غیاباً دخی حجری صحیح اولور
فقط خبر جحرک اول کیمسه یه وصولی شرطدر . حجر
اولندیغی خبری کندوسنه واصل اولمدجه منجر
اولمیوب اولوقته قدر واقع اولان عقود و اقراری معتبر
اولور

۹۶۳ ماده

فاسق اولان کیمسه مالنی تبذیر و اسراف ایتدیکجه مجرد
فسق سببیه حجر اولنده من

۹۶۴ ماده

طیب جاهل کبی عمومه مضرتی اولان بعض کسان دخی
حجر اولنور

فقط بونده حجر دن مراد اجرای عملدن منع دیمکدر
 یوخسه تصرفات قولیه دن منع معناسنه دکدر
 ۹۶۵ ماده

برکیمسه بر چارشوده صنعت یا تجارت اجرا ایدو بده
 اول صنعت یا تجارت اربابی بزم کار و کسبزه خلل کلیور
 دیو اول کیمسه بی صنعت و یا تجارتی اجرادن حجر و
 منع ایتدیره مزلر

(فصل ثانی)

(صغیر و مجنون و عمتوهه متعلق مسائل بیانده در)

۹۶۶ ماده
 صغیر غیر میزک و ایسی اذن و یرسه بيله انک تصرفات
 قولیه سی اصلا صحیح اولز

۹۶۷ ماده
 صغیر میزک قبول هبه و هدیه کبی حقنده نفع محض
 اولان تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بيله معتبر در
 و آخره برشی هبه ایتک کبی حقنده ضرر محض اولان
 تصرفی و لیسنک اذن و اجازتی اولسه بيله معتبر
 اولماز

اما ذاتاً نفع ایله ضرر بیننده دائر اولان عقود

وليسنك اجازته موقوفاً منعقد اولور . وليسى دخی
اجازت ووروب ویرمامکده مخیردر . شویله که صغیر
حقنده فائده لو کوررسه مجیز اولور کورمن ایسه
مجیز اولماز

مثلاً بر صغیر مجیز بلا اذن بر مال صاتسه ولو که دیکرندن
زیاده ثمن ایله صاتمیش اولسه بیله بیعک نفاذی و لیسنک
اجازته موقوفدر . زیرا عقد بیع ذاتاً نفع ایله ضرر
بیننده متردد اولان عقوددندر

۹۶۸ ماده

صغیر مجیزی تجربه ایچون مالنک بر مقدارینی و لیسى
کندوسنه تسلیم ایله اخذ و اعطایه اذن ویره بیلور .
ورشدی تحقیق ایدر ایسه باقی اموالی دخی کندوسنه دفع
و تسلیم ایلر

۹۶۹ ماده

رج قصد اولندیغنه دلالت ایدن عقد مکرر لر اخذ
واعطایه اذندر

مثلاً بر صغیره و لیسنک الیش ویرش ایت یاخود فلان
جنس مالی آل صات دیمسی اخذ و اعطایه اذن دیمکدر .
اما وار چارشودن فلان شیئی آل یاخود فلان شیئی
صاتیور دیمسی کبی یالکز بر عقدک اجراسنی امر ایتیمی

اخذ واعطایه اذن دیمک اولیوب بلکه عرف وعادت
اوزره اول صغیری توکیلا استخدا م قیلندن عد
اولور

۹۷۰ ماده

ولینک اذنی زمان و مکان و برنوع اخذ واعطایه ایله تقید
و تخصص ایتمز

مثلا برکون یاخود بر آی ایچون اذن ویرسه صغیر میز علی
الاطلاق مأذون اولوب، ولیسی انی حجر ایندکجه مؤبدا
مأذون قالور

و کذا فلان چارشوده الیش ویرش ایت دیسه هر یرده
اخذ واعطایه مأذون اولور لذلک فلان جنس مالی آل
صات دیسه هر جنس اموالی الوب صاته یلور
۹۷۱ ماده

اذن صراحة اولدیغی کبی دلالة دخی اولور
مثلا بر صغیر میز ولیسی الیش ویرش ایدرکن کوردکده
سکوت ایدوبده منع ایتمسه دلالة اذندر
۹۷۲ ماده

بر صغیره ولیسی طرفندن اذن ویرلکده تحت اذنده
داخل اولان خصوصاته بالغ منزله سنیده اولور . و بیع
واجاره کبی عقود معتبر اولور

۹۷۳ ماده

بر صغیره اذن ویرمش اولان ولیسی بعده آنی حجر ایله
اول اذنی ابطال ایده یلور . فقط نوجهله اذن ویرمش
ایسه ینه اول وجهله حجر ایتیمی شرطدر

مثلاً بر صغیره ولیسی اخذ واعطا ایچون اذن عام ویروبده
چارشوسی خلقنک معلومی اولدقدن صکره آنی حجر ایده جک
اولدقده ججری دخی اولوجهله عام اولوبده اول چارشو
خلقنک اکثریسنک معلومی اولق شرطدر یوخسه کندو
خانه سنده ایکی اوچ کشینک محضر نده حجر ایتیمی صحیح
اولماز

۹۷۴ ماده

صغیرک بوبابده ولیسی اولا باباسی ثانیاً باباسی فوت اولمش
ایسه وصی مختاری یعنی باباسنک حال حیاتنده اختیار
ونصب ایتمش اولدیغی وصی ثالثاً وصی مختار دخی
وفات ایدر سه انک حال حیاتنده نصب ایلدیکی وصی
رابعاً جد صحیحی یعنی صغیرک باباسنک باباسی یاخود
باباسنک باباسنک بابامی خامساً اشبو جدک حال حیاتنده
اختیار ونصب ایلش اولدیغی وصی سادساً اول وصینک
نصب ایلدیکی وصی سابعاً حاکم یاخود وصی منصوبی
یعنی حاکمک نصب ایلدیکی وصی در

اما قرنداش و عموچه و سائر اقربانك وصی اولدقلى
حالده اذن ویرملری جائز اولماز

۹۷۵ ماده

حاکم بر صغیر ممیزك تصرفنده منفعت کوردیکی حالده
اندن مقدم اولان ولی اذندن امتناع ایتسه حاکم بو
خصوصده اول صغیره اذن ویره یلمور و دیگر ولیسی
ارتقانی حجر ایده من

۹۷۶ ماده

بر صغیری مأذون ایدن ولی فوت اولدقده و یرمش اولدیغی
اذن باطل اولور . فقط حاکمك اذنی وقاتیله یاخود
عزلیله باطل اولماز

۹۷۷ ماده

بر حاکمك مأذون ایتدیکى صغیری ینه اول حاکم یاخود
خلفی حجر ایده یلمور . یوخسه باباسی یاخود دیگر
ولیسی حاکمك وفاتی یاخود عزلی اوزرینه آنی حجر
ایده من

۹۷۸ ماده

متوه اولان کیسه صغیر ممیز حکمنده در

۹۷۹ ماده

مجنون مطابق صغیر غیر ممیز حکمنده در

۹۸۰ ماده

مجنون غیر مطبقك حال افاقنده اولان تصرفاتی عاقلك
تصرفی کبیدر

۹۸۱ ماده

بر چوجق بالغ اولدقده مالنك كندوسنه اعطاسی
خصوصنده استعجال اولنمیوب تأنی ایله تجر به اولنمیدر
رشید اولدیغی تحقق ایدر ایسه اول وقت اموالی
کندوسنه و یریلور

۹۸۲ ماده

بر چوجق غیر رشید اوله رق بالغ اولور ایسه رشدی
تحقق ایتدیجکه مالی کندوسنه و یرلیوب کافی السابق
تصرفدن منع اولنور

۹۸۳ ماده

بر صغیرك رشدی ثابت اولمدين اموالی وصیتی طرفندن
کندوسنه و یریلو بده اول صغیرك یدنده ضایع اولسه
یا خود صغیر اتلاف ایتسه وصی ضامن اولور

۹۸۴ ماده

بر صغیرك بلوغی اوزرینه مالی کندوسنه و یریلو بده
بعدده سیفیه اولدیغی تحقق ایتسه حاکم طرفندن حجر
اولنور

۹۸۵ ماده

حد بلوغ احتلام و احيال (یعنی کبه ايلك) و حيض
و حبل (یعنی کبه اولمق) ايله ثابت اولور

۹۸۶ ماده

سن بلوغك مبدئي ار ككده تام اون ايكي وقيرزده تام
طقوز و منتهاى ايكيسنده دخی تام اون بش ياشدر
و بر ار كك اون ايكي و بر قير طقوز ياشنى تكميل
ايدو بده بالغ اولسه بالغ اولنجيه دك مراهق و مراهقه
دينلور

۹۸۷ ماده

منتهاى سن بلوغه وار مشيكن كندوسنده آثار بلوغ
ظاهر اولميان كيمسه حكما بالغ عد اولور

۹۸۸ ماده

مبدأ سن بلوغه وارميان بر چوجق بالغ ديو دعوى
ايله قبول اولتماز

۹۸۹ ماده

بر مراهق يا خود مراهقه حضور حا كده بالغ اولديغنى
اقرار ايتدكده جته سنك بلوغه تحملى اولماق حسييله
ظاهر حال كندوسنى مكذب اولور ايسه بو اقرارى
تصديق اولتماز و اكر جته سنك بلوغه تحملى اولو بده

ظاهر جال کندوسنی تکذیب ایتز ایسه تصدیق اولنور .
 و عقود و اقراری نافذ و معتبر اولور . و بر مدت
 صکره بن اولوقت یعنی حین اقرارده بالغ دکل ایدم دیو
 بعدالاقرار واقع اولان تصرفات قولیه سنی فسخ ایتک
 ایستسه اکا التفات و اعتبار اولنماز

(فصل ثالث)

(سفیه محجور حقنده در)

۹۹۰ ماده

سفیه محجور معاملاتده صغیرمیز کبیدر . فقط سفیهک
 و ایسی آتجق حاکمدر . انک اوزرنده اب وجدینک
 ووصیلرینک حق ولایتی یوقدر

۹۹۱ ماده

سفیهک بعدالحجر معاملاتجه تصرفات قولیه سی صحیح
 اولماز ایسه ده قبل الحجر تصرفاتی سائر ناسک تصرفاتی
 کبیدر

۹۹۲ ماده

سفیه محجورک کرک کندو و کرک نفقه سی اوزرینه لازم
 اولنر کندوسنک مالندن انفاق اولنورلر

۹۹۳ ماده

سفیه محجور برمالنی صاتسه نافذ اولماز ایسه ده حاکم
منفعت کورر ایسه اجازت ویرر

۹۹۴ ماده

سفیه محجورک آخره دین اقراری مطلقاً صحیح اولماز . یعنی
کیرک وقت حجرده موجود و کیرک بعد الحجر حادث
اولان اموالی حقنده اقرارینک تأثیری اولماز

۹۹۵ ماده

سفیه محجور اوزرنده اولان حقوق ناس کندوسنک
مالندن تأدیه اولنور

۹۹۶ ماده

سفیه محجور آقچه استقراض ایدوبده کندو نفقه سنه
صرف ابتدکده اکر قدر معروف اوله رق صرف ایتش
ایسه حاکم اول آقچه بی انک مالندن تأدیه ایلر .
واکر فضله صرف ایتش ایسه حاکم نفقه سی مقدارینی
محسوب ایدوب فضله سنی ابطال ایلر

۹۹۷ ماده

سفیه محجور کسب صلاح ابتدکده حاکم طرفندن حجرک
اولنور

(فصل رابع)

(مدیون محجور حقنه در)

۹۹۸ ماده

مدیونك قدرتی وار ایكن دینك اداسنده ماطله ایلدیكى
نزد حاكمه ظاهر اولوبده داشتری دخی مالی صاتیله رق
دینك تأدیه سنی حاكمدن طلب ایتدکرنده حاکم آنی حجر
ایدز

و کندوسی مالی صاتوبده دینی ایفادن امتناع ایتدیكى
تقدیرده حاکم انك مالی صاتوب دینی تأدیه ایلر
شویله که مدیون حقنه بیعی اهون اولاندن بدأ ایله صکره
ده بو ترتیب اوزره اهونی تقدیم ایدرك ابتدا نقودندن
باشلا یوب وفا ایتمز ایسه عروضنی وعروضی دخی وفا
ایتمز ایسه عقاربینی صانار

۹۹۹ ماده

مدیون مفلس یعنی دیونی مالسه مساوی یاخود ازید
اولوبده غرماسی تجارتله مالنك ضایع اولمسندن و یاخود
مالنی قاچر مسندن و یا آخرك اوزرینه کچور مسندن خوف
ایله حاکمه مراجعت ایدرك مالنده تصرفدن یاخود
آخره بورج اقرارندن حجر اولنمسنی طلب ایتدکرنده
حاکم اول کیسه بی حجر ایدر • و اموالی صاتوب ائمانی

بین الغرما تقسیم ایلر . فقط کندوسنه بر یا ایکی قات
البسه ترك اولنور

شو قدر که اول مديونك قیملو البسه سی اولوبده مادونی
ایله اکتفا قابل اولور ایسه اول البسه دخی صاتیلوب
ثمندن کندوسنه برقات اوجوز البسه النهرق باقیسی
غرمایه وبریلور کذلک برقوناغی اولوبده مادونی ا کا
کفایت ایدر ایسه اول قوناق صاتیلوب ثمندن
حالنه مناسب برمسکن النور وباقیسی غرمایه اعطا اولنور
۱۰۰۰ ماده

مديون مفلسك مدت محجوریتنده كرك كندو و كرك
اوزرینه نفقه سی لازم اولان كسنه لر کندوسنك مالندن
انفاق اولنور
۱۰۰۱ ماده

دين ایچون حجر انجق مديونك وقت حجرده موجود
اولان مالنه تاثیر ایدر اما بعد الحجر انه چکن مالنه تاثیر
اولماز
۱۰۰۲ ماده

هبه و صدقه و ثمن مثلندن نقصانه مال صاتمق كبی
هرنه که غرماك حقنی ابطاله مؤدی اوله حجر انده مؤثر
اولور

بناء عليه مديون مفلسك حقوق غرمایه مضر اولان
 عقودی و سایر تصرفات و تبرعاتی وقت حجرده موجود
 اولان اموالی حقه شده معتبر اولماز . اما بعد الحجر
 اکتساب ایلدیگی اموالی حقه شده معتبر اولور . و بشقه سنه
 بورج اقرار ایتدکده وقت حجرده موجود اولان اموالی
 حقه شده معتبر اولماز . اما بعد زوال الحجر معتبر اولور
 و اولوقت ادا ایلک اوزره مديون قالور و برده بعد الحجر
 مال قازانور ایسه اندن ویرلمک اوزره اقراری نافذ اولور

(باب ثانی)

(اکر اهه متعلق مسائل بیانده در)

۱۰۰۳ ماده

مجبورک تهدیدینی ایقاعه مقتدر اولسی شرطدر
 بناء عليه تهدیدینی ایقاع و اجرایه مقتدر اولیان کیسه نك
 اکر اهی معتبر اولماز

۱۰۰۴ ماده

مکره بهک وقوعنده مکرهک قورقمی یعنی مکره علیه
 ایشلدیگی تقدیرده مجبورک مکره بهی اجرا ایده جکنه کند و سنجه
 ظن غالب حاصل اولسی شرطدر

۱۰۰۵ ماده

مکره اگر مکره علیہی مجبرک یا خود آدمک حضورنده
ایشلر ایسه اکراه معتبر اولور . اما مجبرک یا خود آدمک
غیابنده ایشلر ایسه اکراهک زوالندن صکره طوعا ایشلش
اوله جغی جهتله بوا اکراه معتبر اولماز

مثلا بر کیمسه دیگره مالی صائق اوزره اکراه ایدوبده
مکره انک غیابنده طرفندن بر آدمی دخی اولمديغی حالده
واروب مالی صائسه اکراه معتبر اولوب یهی صحیح
ومعتبر اولور

۱۰۰۶ ماده

اکراه معتبر ایله وقوعبولان بیع و شرا و ایجار و هبه
و فراغ و عن مال صلح و اقرار و ابراء و تأجیل دین
واسقاط شفعه معتبر اولماز . کرک اکراه ملجی اولسون
و کرک اکراه غیر ملجی اولسون . فقط مکره بعدزوال
الا اکراه مجبر اولور سه اول حالده معتبر اولور

۱۰۰۷ ماده

اکراه ملجی بروجه بالا تصرف قولیده معتبر اولدیغی
کبی تصرفات فعلیه ده دخی معتبر اولور . اما اکراه
غیر ملجی یا لکز تصرفات قولیده معتبر اولوب تصرفات
فعلیه ده معتبر اولماز بناء علیه بر کیمسه دیگره فلانک

مالی اتلاف ایت یو خسه سنی قتل ایدرم یا خود بر عضو کی
 کسرم دیو بده مکره دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر
 اولوب ضمان انجق مجبره لازم کلور . اما فلانک مالی
 اتلاف ایت یو خسه سنی ضرب یا حبس ایدرم دیو بده
 او دخی اتلاف ایتسه اکراه معتبر اولیوب ضمان انجق
 متلفه لازم کلور

(باب ثالث)

(شفعه بیاننده اولوب درت فصله منقسمدر)

(فصل اول)

(مراتب شفعه بیاننده در)

۱۰۰۸ ماده

اسباب شفعه اوچدر . اولکیسی نفس مبیعه مشارک
 اولمقدر . نته کیم ایکی کیمسه نک بر عقارده شایعا
 اشتراکری کبی
 ایکنجیسی حق مبیعه خلیط اولمقدر . نته کیم حق شرب
 خاص و طریق خاصده اشتراک کبی
 مثلاً حق شرب خاصده اشتراکری اولان باغچهدردن
 بر یسی صاندلقدده دیگر باغچدراصبابی هب شفیع اولورلر
 کرک جار ملاصق اولسونلرو کرک اولسونلر

کذلک قپوسی طریق خاصه آچیلان یرخانه صاتلدقده
 اول طریق خاصه قپ-وسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک
 کافه سی شفیع اولور کرک چار ملاصق اولسونلر و کرک
 اولسونلر . اما عمو مک منتفع اولدیغی بر نهر دن صو
 آلان یاخود قپوسی طریق عامه آچیلان خانه لر دن بری
 صاتلدقده اول نهر دن صو آلان یاخود اول طریق عامه
 قپوسی اولان دیکر خانه لر اصحابنک حق شفعه سی یوقدر
 او چنجیمی مبعده چار ملاصق اولمقدر

۱۰۰۹ ماده

حق شفعه اولو لا نفس مبعده مشارک اولان کیسه نک
 ثانیاً حق مبعده خلیط اولانک ثالثاً چار ملاصق کدر .
 و برنجی طالب ایکن دیکر لرینک وایکنجیسی طالب ایکن
 او چنجینک حق شفعه سی یوقدر

۱۰۱۰ ماده

نفس مبعده مشارک اولدیغی یاخود اولو بده حق شفعه
 سندن واز یکدیکی حالدده حق مبعده خلیطی وار ایسه
 حق شفعه آنکدر

حق مبعده خلیطی دخی یوفیسه یاخود اولو بده
 حقندن واز یکر ایسه اول حالدده چار ملاصق شفیع
 اولور

مثلا بر کیمسه مستقلا ملکی اولان عقارینی صاندقده یاخود
 بر مشترک عقارده کی خصه شایعه سنی صاتو بده مشارکی
 حق شفعه سندن واز یکدکده اگر اول عقارک حق
 شرب خاصنده یاخود طریق خاصنده خلیطی وار ایسه
 حق شفعه آنکدر یوق ایسه یاخود اولوبده حقندن
 کچر سه اول حالده حق شفعه جار ملاصقکدر
 ماده ۱۰۱۱

بر بنامک فوقانیسی یعنی اوست قاتی بر ینک و تحتانیسی
 یعنی الت قاتی دیگر ینک ملکی اولدیغی صورتده یکدیگره
 جار ملاصق عد اولنور
 ماده ۱۰۱۲

بر خانه نک دیوارنده مشارک اولان کیمسه اول خانه ده
 مشارک حکمنده در . اما دیوارده مشارک اولوبده
 فقط کندو خانه سنک کیرشلی قومشوسنک دیواری
 اوزرینه ممد اولدیغی صورتده جار ملاصق عد اولنور
 مجرد اول دیوار اوزرینه کیرشلی ینک اوچلرینی قویق
 حق اولمغله شریک و خلیط عد اولنه ماز

ماده ۱۰۱۳

متعدد شفیعلر اولدیغی حالده عدد رؤسه اعتبار اولنور
 مقدار سهامه یعنی حصه لرینک مقدارینه اعتبار اولماز

مثلاً بر خانه نك نصف حصه سی بر کیمسه نك و ثلث ایله
سدس حصه لری دیگر ایکی کشینك اولدیغی حالده نصف
حصه صاحبی حصه سنی آخره صاتلقدده دیگر لری شفعه ایله
طالب اولسه لر بالمناصفه یینلرنده تقسیم اولنور . یوخسه
ثلث حصه صاحبی حصه سنه کوره زیاده حصه الهماز

۱۰۱۴ ماده

ایکی صنف خلیطرا اجتماع ایتدکده اخصی اعماک اوزرینه
تقدیم اولنور

مثلاً بر نهر صغیر دن آچیلان خر قده حق شربی اولان
یری ملک بر باغچه حق شربله بیله صاتلقدده اول
خر قده حق شربی اولنلر حق شفعه ده مقدم و مرجحدر .
اما اول نهرده حق شربی اولان یری ملک بر باغچه حق
شر بیله بیله صاتلقدده کرك اول نهرده و کرك خر قنده
حق شربی اولنلر هب شفیع اولورلر . نته کیم بر
چقماز زقاقدن منشعب دیگر بر چقماز زقاقه قیوسی
اچیلان بر ملک خانه صاتلقدده انجق بوشعبه یه قیوسی
اولان خانلر اصحابی شفیع اولور . اما اول چقماز
زقاقده قیوسی اولان بر خانه صاتلقدده کرك اول زقاقده
و کرك شعبه سنده حق مروری اولنلر هب شفیع اولورلر

۱۰۱۵ ماده

حق شرب خاصی اولان بر باغچه صاحبی حق شربنی
صاتیو بدیه یالکز اول باغچه بی صاتسد حق شربنده خلیط
اولنر شفیع اوله ماز

طریق خاص دخی بوکا قیاس اولنه

۱۰۱۶ ماده

حق شرب حق طریقہ مقدمدر
بناء علیه بر باغچه صاتیلو بدیه بر کیسه انک حق شرب
خاصنده ودیکر بری طریق خاصنده خلیط اولسه حق
شرب صاحبی حق طریق صاحبی اوزر بنه ترجیح و تقدیم
اولنور

(فصل ثانی)

(شرائط شفعه بیانده در)

۱۰۱۷ ماده

مشفوعک ملک عقار اولسی شرطدر
بناء علیه سفینه ده وسائر منقولاتده ووقف عقارده و اراضی
امیریده شفعه جاری اولماز

۱۰۱۸ ماده

مشفوع بیک دخی ملک اولسی شرطدر

بناء عليه بر ملك عقار صانلد قدّه انصالنده بولنان وقف
عقارك متوليسي يا خود متصرفي شفيع اوله ماز

۱۰۱۹ ماده

وقف ير يا خود اراضي اميريه اوزرنده كي ملك اشجار
وابنيه منقول حكمنده اوله رق بونلرده شفيعه جاري
اولماز

۱۰۲۰ ماده

بر ملك عرصه اوزرنده كي اشجار وابنيه ايله برابر صانلد قدّه
يره تبعا اشجار وابنيه ده دخی شفيعه جاري اولور . اما
يا لكز اشجار وابنيه صانلد يغي صورتده شفيعه جاري اولماز

۱۰۲۱ ماده

شفيعه انجق عقد بيع ايله ثابت اولور

۱۰۲۲ ماده

هبه بشرط العوض بيع حكمنده در
بناء عليه بر كيمسه ملك خانه سني بشرط العوض آخره هبه
وتسليم ايتسه جار ملا صقي شفيع اولور

۱۰۲۳ ماده

بلاعوض هبه وميراث ووصيت كي بلا بدل آخره تملك
اولنان عقارده شفيعه جاري اولماز

۱۰۲۴ ماده

شـفیعك واقع اولان عقد بیعه صراحة یاخود دلالة
رضاسی اولماق شرطدر

مثلا عقد بیعی ایشتد کده يك اعلا دیسه حق شفعه سی
ساقط اولوب اندن صکره طلب شفعه ایده مز • و کذا
بیعك عقدا اولندیغنی ایشتد کدنصکره عقار مشفوعی مشتری دن
اشترا یاخود استیجار ایتك ایستسه حق شفعه سی ساقط
اولور • كذلك بر کسه نه نك بایعه وکیل اولوبده
صاندیغی عقارده حق شفعه سی اوله ماز (۱۰۰)

ماده یه باق

۱۰۲۵ ماده

بدلك معلوم المقدار مال اولسی شرطدر
بناء علیه مال اولمیان بدل ایله تملیك اولنان عقارده شفعه
جاری اولماز

مثلا بر حجام استیجار ایله اجرت دیو ویریلان ملك خانه ده
شفعه جریان ایتمز زیرا بونده خانه مك بدلی مال اولمیوب
منافع قبیلندن اولان اجرتدر • كذلك بدل مهر اوله رق
ویریلان ملك عقارده شفعه جاری اولماز

۱۰۲۶ ماده

بایعك میبیدن ملکی زائل اولماق شرطدر

بناء عليه بيع قاسده بايعك حق استردادى ساقط اولمذقه
 شفعه جارى اولماز و بيع بشرط الخيارده اكر مخير يالكز
 مشترى ايسه شفعه جارى اولور . و اكر بايع مخير ايسه
 حق خياري ساقط اولمذقه شفعه جارى اولماز . اما
 خيار عيب ايله خيار رؤيت شفعه نك ثبوتنه مانع دكلدر
 ماده ۱۰۲۷

تقسيم عقارده شفعه جارى اولماز
 مثلا بر مشترك خانه مشاركلى بيننده تقسيم اولندوقده
 جار ملاصقى شفيع اوله ماز

(فصل ثالث)

(طلب شفعه پيا ننده در)

ماده ۱۰۲۸

شفعه ده اوج طلب لازمدر كه طلب مواثبه و طلب تقرير
 و اشهاد و طلب خصومت و تملكدر

ماده ۱۰۲۹

شفيعك عقد بيعى طويديغى مجلسده در حال بن مبيعك
 شفيعى يم يا خود بالشفعه طلب ايدر م ديمك كي طلب
 شفعه ده دلالت ايدر بر سوز سويلسى لازمدر . بوكا
 طلب مواثبه دينلور

۳۰ ماده

طلب مواثبه دن صکره شفیعک طلب تقریر و اشهاد ایتمی
لازمدر

شویله که ایکی کشی حضورنده اوله رق مبیعک یاننده بو
عقاری فلان کیمسه اشترا ایتش یا خود مشتری نک یاننده سن
فلان عقاری اشترا ایتش سین و یا خود مبیع هنوز بابع
یونده ایسه انک یاننده سن فلان عقار کی فلان صاتمیش سین
بن ایسه شو جهته انک شفیعیم و طلب شفعه ایتش میدم
شمدی دخی طلب ایدرم شاهد اولکز دیمیدر

وا کر شفیع اوزاق محله بولنوبده بالذات بو وجهه
طلب تقریر و اشهاد ایده مزسه برینی توکیل ایدر . وکیل
بوله ماز ایسه مکتوب کونددر

۳۱ ماده

طلب تقریر و اشهاد دن صکره شفیعک حضور حاکمه طلب
و دعوی ایتمی لازمدر . ایسته بوکا طلب خصومت
و تملک دینلور

۳۲ ماده

شفیع اگر طلب مواثبه بی تأخیر ایدر ایسه مثلا عقد بیعی
طویدیغی کبی اول مجلسیده طلب شفعه ایتمیوبده بشقه ایش
ایله یا خود آخر صده دائر بر بحث ایله مشغول اولوق کبی

اعراضه دلالت ایدر برحاله بولنور ایسه یاخود طلب
شفعه ایتمدن اول مجلسدن قالدنار ایسه حق شفعه سی
ساقط اولور

۱۰۳۳ ماده

شفیع اکر طلب تقریر و اشهادی ولوکه مکتوب ایله
اولسون اجرا ایده جک قدر وقت کچوبده تأخیر ایدر سه
حق شفعه ساقط اولور

۱۰۳۴ ماده

طلب تقریر و اشهاددن صکره شفیع اکر اخر دیار ده
بولنق کبی بر عذر شرعیسی بوق ایکن طلب خصومتی
برآی تأخیر ایدر سه حق شفعه سی ساقط اولور

۱۰۳۵ ماده

محجورینک حق شفعه سنی ولیسی طلب ایدر ۰ و بر
صغیرلک حق شفعه سنی ولیسی طلب ایتمز ایسه بعد البلوغ
کندونک طلب شفعه یه صلاحیتی قالماز

(فصل رابع)

(حکم شفعه بیاننده در)

۱۰۳۶ ماده

مشرینک بالتراضی تسلیمیه یاخود حاکم حکمیه شفیع
اولان کیسه مشفوعه مالک اولور

۱۰۳۷ ماده

برملکی شفعه ایله المق ابتدا اشترا منزله سنده در
بناء علیه خیار رؤیت و خیار عیب ایله رد کی ابتدا
اشترا ایله ثابت اولان حکم شفعه ایله دخی ثابت اولور

۱۰۳۸ ماده

طلب موایه و طلب تقریر دصکره مشترینک بالتراضی
تسلیمی یا خود حاکم حکمی ایله شفیع هنوز مشفوعه
مالک اولدن فوت اولسه حق شفعه ورثه سنه انتقال ایتمز

۱۰۳۹ ماده

شفیع ایکی طلبدن صکره هنوز بر وجه مشروح مشفوعه
مالک اولدن مشفوع بهی صاتلسه حق شفعه سی ساقط اولور

۱۰۴۰ ماده

شفیع بر وجه مشروح هنوز مشفوعه مالک اولدن مالک
مشفوعک اتصالنده دیگر بر مالک عقار صاتلسه بوا یکنجی
عقاره شفیع اوله من

۱۰۴۱ ماده

شفعه تجزی قبول ایتمز
بناء علی ذلک عقار مشفوعک بر مقدارینی ترک ایله دیگر
بر مقدارینی المغه شفیعک حق یوقدر

۱۰۴۲ ماده

شفعادن بعضیسی حصه سنی بعضیسنه هبه ایده من
ایدرسه حق شفعه سنی اسقاط ایتش اولور

۱۰۴۳ ماده

شفیعلردن بریسی حاکم حکمندن مقدم حقنی اسقاط
ایلسه دیگر شفیع عقار مشفوعی تماما الهیلور و اگر
حاکم حکمندن صکره شفیعلردن بریسی حقنی اسقاط
ایلسه شفیع دیگر انک حقنی الهماز

۱۰۴۴ ماده

مشتری بناء مشفوعی بویاتمی کبی مالندن برشی زیاده
ایلسه شفیع مخیردر دیلرسه ترک ایدر دیلرسه بنانک
ثمنیه برابر اول زیاده نک دخی قیمتنی و یروب مشفوعی
الور

و مشتری عقار مشفوع اوزرینه ابنیه یا امش یا خود آغاچ
غرس ایتش ایلسه شفیع مخیر اولوب دیلرسه ترک ایدر
و دیلرسه عقار مشفوعک ثمنیه برابر ابنیه نک یا خود
اشجارک قیمتنی و یروب مشفوعی الور یوخسه ابنیه یا خود
اشجاری قلع ایتک اوزره مشتری به جبر ایده من

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ ربیع الآخر سنه ۱۲۹۰

احمد جودت

امین الفتوی

السید خلیل

قاضی دار الخلافۃ العلیہ

عن اعضاء دیوان احکام عدلیہ

سیف الدین

احمد خلوصی

عن اعضاء دیوان احکام

عن اعضاء مجلس تدقیقات

عدلیہ احمد حلی

شرعیہ احمد خالد

— ❧ كتاب الشركت ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجد پنجه عمل اولنه)

(كتاب عاشر)

(انواع شرکاته دائر اولوب بر مقدمه ايله سکرز بابی)

(حاویدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در)

۱۰۴۵ ماده

شرکت . فی الاصل بردن زیاده کیسه لره بر شیئک

اختصاصی وانلرک اول شی ايله امتیازی در

فقط اویله بر اختصاصه سبب اولان عقد شرکت معناسنده

دخی عرف واصطلاح اوله رق مستعملدر

بناء علیه مطلقا شرکت ایکی قسمه تقسیم اولنور . بری

شرکت ملکرکه اشترا و اتهاپ کبی اسباب تملکدن بریله

حاصل اولور . دیکری شرکت عقد در که شریکدر

بیننده ایجاب و قبول ايله حاصل اولور ایکیسه ننگ دخی

تفصیلاتی باب مخصوصلرنده کلور

بونلردن بشقه برده شرکت اباحه وارددر که مباح اولان

يعنى صوكي في الاصل كسنة نك ملكي اولميان شيلري
 اخذ واخراز ايله تملكه صلاحيتده عامه نك متشارك
 اولميسيدر

۱۰۴۶ ماده

قسمت . تقسيم ديمكدر . تعريف وتفصيلي باب مخصوصنده
 كلور

۱۰۴۷ ماده

حائط . ديوان وتخته پرده وچيت ديمكدر . جمعي حيطان
 كلور

۱۰۴۸ ماده

ماره . عامه وزنده طريق عامدن مرور وعبور اينلردر
 ماده ۱۰۴۹

قنات . قافك فتحيله پرده صو اجرا اينده جك كول
 وكار يزدرد . جمعي قنات كلور
 ماده ۱۰۵۰

مسنات . ميم مضمومه وسين مفتوحه ونون مشدده ايله
 سنور و صو بندي و صو خرقلرينك كنارلري ديمكدر .
 جمعي مسنيات كلور

۱۰۵۱ ماده

احيا . اعمار ديمكدر كه اراضي بي زراعته صالح قيلمقدردر

۱۰۵۲ ماده

تجیر . اراضی به بشقه کسسه وضع یدایتماک ایچون
اطرافنه طاش و سائر نسنه وضع ایتمکدر

۱۰۵۳ ماده

انفاق . مالی خرج و صرف ایتمکدر

۱۰۵۴ ماده

نفقه . حوایجه و تعیشه صرف اولنه جق آقچه و زاد
و ذخیره مقوله سیدر

۱۰۵۵ ماده

تقبل . برایشی تعهد و التزام ایتمکدر

۱۰۵۶ ماده

مفاوضین . عقد شرکت مفاوضه ایدنلوردو

۱۰۵۷ ماده

رأس المال . سرمایه دیمکدر

۱۰۵۸ ماده

ربح . فائده و کار دیمکدر

۱۰۵۹ ماده

ایضاع . بر کیمسه نك کاری تماما کندوسنه عائد اولمق
اوزره دیگر کسسه به سرمایه ویرمسیدر که سرمایه به بضاعه
و ویرن کسسه به مبضع و الان کسسه به مستبضع دینلور

(باب اول)

(شرکت ملك بيانده اولوب اوچ فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(شرکت ملكك تعريف و تقسیمی بیانده در)

۱۰۶۰ ماده

شرکت ملك . اسباب تملكدن اولان اشترا و اتهاپ و قبول وصیت و توارث کبی بر سهیله یاخود خلط و اختلاط اموال ایله یعنی ماللری یکدیگره قابل تمیز و تفریق اولمیه حق صورتده قارشیدرمق و یاخود ماللری اول صورتده یکدیگره قارشحق ایله برشیئك بردن زیاده کیسه لر بیننده مشترك یعنی اول شیئك انلره مخصوص اولسیدر

مثلا ایکی کیسه بر مال اشترا یاخود بری انلره هبه یا وصیت ایدو بده انلر دخی قبول ایتسه و یاخود بر مال ایکی کشی یه موروث اولسه اول مال انلرک بیننده مشترك اولور وانلر اول مالده حصه دار و متشارك و هر بری انده دیکرینه مشارک اولورلر

کذلک ایکی کسسه ذخیره لرینی بر برینه قارشیدرسه یاخود چو ماللری دلتك کبی بروجهله اینکیسینك ذخیره لری بر برینه

قارشیه اشبو مخلوط یا مختلط ذخیره ایکیمی بیننده مال
مشترک اولور

۱۰۶۱ ماده

برکیمسه بر التونی دیکرک اول جتسدن اولان ایکی
التونیه قارشو بده تمیزی قابل اولمدیغی حالده ایکیمی
ضایع اولسه قالان بر التون ایکیمی بیننده ثلث و ثلثان
نسبتیه مشترک اولوب ثلثانی ایکی التون صاحبک و
ثلثی بر التون صاحبک اولور

۱۰۶۲ ماده

شرکت ملک . اختیاری و جبری قسملریته تقسیم اولور
۱۰۶۳ ماده

شرکت اختیاریه . متشارکک فعلری ایله حاصل
اولان اشتراکدر

نته کیم بر وجه بالا اشترا و اتهاپ و قبول وصیت ایله خلط
اموال صورتلرنده حاصل اولان اشتراک کبی
۱۰۶۴ ماده

شرکت جبرییه . متشارکک فعلری ایله اولمیوب بشقه
سبب ایله حاصل اولان اشتراکدر

نته کیم توارث و اختلاط مالین صورتلرنده حاصل اولان
اشتراک کبی

۱۰۶۵ ماده

منعدد ودیعلرک ودیعه بی حفظده اشتراکری شرکت
 اختیاریه قیلندندر . اما روزکار اسوبده برکسنه نك
 جامه سنی برمشترک خانه یه اتسه اول خانه صاحبترینک
 اول جامه بی حفظده اشتراکری شرکت جبریه قیلندن
 اولور

۱۰۶۶ ماده

شرکت ملک . شرکت عین و شرکت دین قسملرینه دخی
 تقسیم اولنور

۱۰۶۷ ماده

شرکت عین . معین و موجود اولان مالدیه اشتراکری
 ایکی کشینک برقیونده یاخود برسوری قیونده شایعا
 اشتراکری کبی

۱۰۶۸ ماده

شرکت دین . اله جقده اشتراکری
 ایکی کشینک برکسنه ذمتنده اله جقلمی اولان شوقدر
 غروشدیه اشتراکری کبی

(فصل ثانی)

(اعیان مشترکه نك کیفیت تصرفی بیانده در)

۱۰۶۹ ماده

برملکده مستقلا صاحبی اولان کیسه نصل که کیف مایشاء
تصرف ایدرسه ملک مشترکده دخی صاحببری بالاتفاق
اولوجهله تصرف ایدرلر

۱۰۷۰ ماده

برمشتراك خانه ده صاحببری برلکده اوله رق ساکن
اوله بیلور . فقط بریسی اول خانه یه اجنبی آدم ادخال
ایده جك اولورسه دیکری مانع اوله بیلور

۱۰۷۱ ماده

برملک مشترکده حصه دارلردن بری دیکرینك اذنیله
مستقلا تصرف ایده بیلور فقط اول حصه داره مضر
اوله جق وجهله تصرفی جائز اولماز

۱۰۷۲ ماده

حصه دارلردن بری آخره حصه کی بکاصات ویاخود
بنم حصه می اشترا ایت دیو جبرایدمن فقط بیلورنده
مشتراك اولان ملک اگر قابل قسمت اولوبده مشارکی دخی
غائب دکل ایسه تقسیم وقابل قسمت دکل ایسه مه ایاه
ایتدیره بیلور . نه کیم تفصیلاتی باب ثانیده کلور

۱۰۷۳ ماده

شرکت ملك ايله مشترك اولان اموالك حاصلاتي
صاحبلىرى بيلينده حصه لرينه كوره تقسيم اولتور
بناء عليه بر مشترك حيوانك سوتندن ياخود ياوريلردن
مشاركلرك بزينه حصه سندن فضله بر شى شرط ايدلسه
صحيح اولماز

۱۰۷۴ ماده

ياوريلر ملكيتده انالرينه تابعدر
مثلا برينك اتى ديكرك قيصراغنى اشسه حاصل اولان
ياوريسى قصراق صاحبنكدر . كذاك برينك اركك
و ديكرك ديشى كوكرجنلى اولسه بونلردن حاصل
اولان ياوريلر ديشى كوكرجين صاحبلرينكدر

۱۰۷۵ ماده

شرکت ملكده مشاركلردن هر برى ديكرى حصه سنده
اجنبيدر . بريسى ديكرك وكيلى دكلدر
بناء عليه برينك اذنى اولدقجه ديكرى انك حصه سنده
تصرف ايده مز . فقط مشترك خانه سکناده ودخول
و خروج كى توابع سکنادن اولان احوالده صاحبلردن
هر برينك على وجه الكمال ملك مخصوصى اولمق اوزره
اعتبار اولنور

مثلاً بر مشترک بارگیری صاحبان بردن بری دیگرینک اذنی
اولقسزین اعاره و یا اجاره ایدوبده بارگیر مستعیر و یا
مستأجر یکنده تلف اولسه دیگری اکا حصه سنی تضمین
ایتدیره یلور . کذلک بریمی بلا اذن مشترک بارگیره
بنوب یا خود یوک یوکلدوبده کیدرکن بارگیر تلف اولسه
دیگرینک حصه سنی ضامن اولور . و کذا بر مدت
استعمال ایله بارگیر زبون اولوبده قیمتیه نقصان کلسه
دیگرک نقصان قیمتدن حصه سنی ضامن اولور . اما
مشترک خانه ده صاحبان بردن بری دیگرینک اذن المقسزین
بر مدت ساکن اولسه کندی ملککنده ساکن اولمش
دیمک اولور . بوجهته مشارکنک حصه سی ایچون
اجرت ویرمی لازم اولماز . وقضارا خانه محترق
اولسه ضمان دخی لازم کلز

۱۰۷۶ ماده

مشترک اراضی بی صاحبان بردن بری زراعت ایتکله
دیگرینک دات بلده اوزره حاصلاتدن ثلث یا ربع کبی
بر حصه المغه صلاحیتی یوقدر

فقط زراعتیه ارضیه نقصان کلش ایسه نقصان قیمتدن
حصه سنی زراعت ایدن مشارکنه تضمین ایتدیره یلور

۱۰۷۷ ماده

مال مشترکی صاحببردن بری آخره ایجار ایله اجرتنی
اخذ ایتدکده دیگر بنک حصه سی اکار د و اعطا ایدر

۱۰۷۸ ماده

حصه دارلردن بری غائب اولدیغی صورتده اگر مواد
آیه ده بیان اولنه جغی وجهله دلالة رضاسی بولنور ایسه
حاضر اولان کندی حصه سی قدر ملک مشترکدن انتفاع
ایده یلور

۱۰۷۹ ماده

حاضرک غائبه مضر اولیه جق وجهله ملک مشترکدن
انتفاعنه غائبک رضاسی وار عد اولنور

۱۰۸۰ ماده

مستعملینک استعمالیه مختلف اولان ملک مشترکدن انتفاعه
غائبک دلالة رضاسی بولنه ماز

بناء علیه مشترک ایسه صاحببردن بری دیگرک غیابنده
تایس ایده من

و کذا بریمی دیگرینک غیابنده بینلرنده مشترک اولان
بار کیره بنه من

اما بولک طاشیق و چفت سورمک کبی مستعملینک اختلافیه
مختلف اولیان ایشرده حصه سی قدر استعمال ایده یلور

نته کیم متشار کردن بری غائب اولدوقده دیکری بینلرنده
بالاشترک اجیر اولان خدمتکاری کون آشوری استخدام

ایده یلور

۱۰۸۱ ماده

خانه ده سکنی مستعملینک اختلافیه مختلف دکدر

بناء علیه مناصفة مشترک اولان خانه صاحبیلرندن بریسی
غائب اولسه دیکری الی آی ترک ایتک کی بروجهله انتفاع

ایده یلور

شو قدر که دائره سی خلقی غلبه لک ایسه مستعملینک
استعمالیه مختلف قیلندن اولور و بونده غائبک دلالة

رضاسی بولنماز

۱۰۸۲ ماده

حاضر و غائبک خانه مشترکده حصه لری یکدیگه یکردن مفرز

ایسه حاضر اولان کیمسه غائبک حصه سنده ساکن

اوله ماز لکن بوش طور مغله خراب اولسنندن خوف

اولنور ایسه حاکم اول حصه مفرزه بی ایجار ایله اجرتنی

غائب ایچون حفظ و توقیف ایلر

۱۰۸۳ ماده

مهایاة انجق بعد الخصومه جاری و معتبر اولور

بناء علیه بر مشترک خانه ده صاحبیلرندن بریسی دیکرینک

حصه سی ایچون اجرت ویرمکسزین بر مدت مستقلا
ساکن اولدقده دیکری یا اول مدت ایچون بنم حصه مک
اجرتنی ویر . ویاخود بن اولقدر مدت ساکن اولورم
دیه میوب انجق دیلر سه خانه قابل قسمت اولدیغی تقدیرده
تقسیم و دیلر سه اندن صکره معتبر اولق اوزره مه ایایه
ایتدیرر

فقط مشترک خانه صاحب لرندن بری غائب اولوبده
دیکری ماده آنفده ده بیان اولندیغی اوزره بر مدت انده
ساکن اولسه غائب دخی کلدکده او قدر مدت انده ساکن
اوله یلور

۱۰۸۴ ماده

خانه مشترکی صاحب لرندن حاضر اولان کیمسه ایچار
و اجرتندن کندی حصه سنی الوب غائب حصه سنی حفظ
و توقیف ایتسه جائز اولور . و غائب کلدکده حصه سنی
اندن الور

۱۰۸۵ ماده

مشترک اراضی صاحب لرندن بری غائب اولدقده زراعتک
نقصان ارضی موجب اولیوب ارضه نافع اوله جغی
معلوم اولور ایتسه حاضر اولان مشارکی اول اراضینک
تمامی زراعت ایده یلور . و نقدر مدت زراعت ایدر سه

غائب دخی کلدکده اول قدر اراضی بی زراعت ایلر
 واکر زراعتک نقصان ارضی موجب و ترکی نافع و ارضک
 قوتلشمسنی مؤدی اوله جغی معلوم اولور سه اول اراضینک
 زراعتنه غائبک دلالة اذنی بولنماز . بناء علیه حاضر اولان
 مشارکی اول اراضیدن یالکز کندی حصه سی مقدارینی
 مثلا مناصفة مشترک ایسه نصفنی زراعت ایلر . و سنه
 آتیده تکرار زراعت ایده جک اولور سه ینه اول نصفنی
 زراعت ایدوب یو خسه بر سنه بر طرفنی و دیگر سنه
 دیگر طرفنی زراعت ایده من واکر اول اراضینک
 تمامی زراعت ایدر سه غائب کلدکده ! کانقصان ارضدن
 حصه سنی تضمین ایتدیره بیلور

تفصیلات سابقه حاضرک حاکمه مراجعت ایتدیکی تقدیرده
 در . اما حاکمه مراجعت ایتدکده هر حالده عشر یا خراج
 اراضی ضایع اولماقی ایچون اول اراضینک تمامی
 زراعت ایتک اوزره حاکم اکاذن ویرر . و بوتقدیرجه
 غائب کلدکده نقصان ارض دعواسی ایده من
 ماده ۱۰۸۶

مشترک باغ صاحب لرندن بری غائب اولدقده دیگری باغک
 اوزرنده قائم اولوب میوه حصوله کلدکده کندی
 حصه سنی اخذ و استهلاك ایدر

غائبك حصه سنی دخی صاتوب ثمنی توفیف ایدہ پیلور .
 فقط غائب کلد کده مخیر در . دیلر سه اول بیعی مجیز اولور
 وموقوف اولان ثمنی الور . ودیلر سه مجیز اولیوب
 حصه سنی اکا تضمین ایتدیرر

۱۰۸۷ ماده

مشار کردن برینک حصه سی دیگرینک یدنده ودیعه
 حکمنده در

بناء علیہ بریمی خود بخود مال مشترکی آخره ایداع ایدوبده
 اول مال تلف اولسه مشارکنک حصه سنی ضامن اولور
 (۷۹۰) ماده یه باق

۱۰۸۸ ماده

حصه دارلردن بری حصه سنی دیلر سه مشارکنه صاتار .
 ودیلر سه مشارکندن اذن المقسزین آخر کسنه یه دخی
 صاته پیلور (۲۱۵) ماده یه باق

فقط فصل اولده بیان اولنان خلط واختلاط اموال
 صورتلرنده بری مشارکنک اذنی اولمدقجه مخلوط
 یا مختلط اولان مال مشترکده کی حصه سنی بشقه کسنه یه
 صاته من

۱۰۸۹ ماده

موروث اولان اراضیده ورثه دن بعضی می مشترک اولان

تخمی دیگر لرینک یا خود صغیر ایه لر و صیلرینک اذنیله
اکسه حاصلاتی جله سنک بیننده مشترک اولور
واکر ایچ لرندن بریسی کندی تخمی ا کسه حاصلاتی
انکدر . فقط زراعتیله ترتب ایدن نقصان ارضدن سائر
ورثه نك حصه سنی ضامن اولور

(۹۰۷) ماده یه باق

۱۰۹۰ ماده

ورثه دن بری دیگر لرینک اذنی اولقسزین قبل القسمه
ترکه دن بر مقدار پاره اخذ و اعمال ایتسه ضرری کند و سنه
مائ اولدیغی کبی کار ایتدیگی صورتده دخی ورثه اندن
حصه الهماز

(فصل ثالث)

(دیون مشترکه بیاننده در)

۱۰۹۱ ماده

ایکی یا زیاده کیسه لرک برکسنه ذمتنده اولان الاجقوری
سبب واحددن ناشی ایه ایکیمنی بیننده شرکت ملک
ایله مشترک بر دین اولور . و اکر سبب متحد اولماز ایه
دین دخی مشترک اولماز . نته کیم مواد آتیه دن متضح
و مستبان اولور

۱۰۹۲ ماده

متوفانك اعيان متروكه سى وارثلى بيننده حصه لرينه كوره
مشارك اولديغى كى آخرك ذمتنده اولان اله جغى دخى
كذلك وارثلى بيننده حصه لرينه كوره مشارك اولور

۱۰۹۳ ماده

مال مشتركى اتلاف ايدين كسمنه نك ضمانا دينى اولان مبلغ
اول مالك صاحبلرى بيننده مشارك اولور

۱۰۹۴ ماده

ايكى كشى بيننده مشارك اولان شوقدر غروشى بر كسمنه يه
اقراض ايتسه لر مستقرضك اشو دينى اول ايكى كشى
بيننده مشارك اولور

اما ايكى كشى بر كسمنه يه بشقه بشقه آچه اقراض ايتسه لر
هر برى بشقه بشقه اله جقلو اولوب مستقرضك بودينلرى
ايكيسى بيننده مشارك اولماز

۱۰۹۵ ماده

صفقه واحده ايله بر مال مشترك صاتيلوبده صاحبلرندن
هيچ برينك حصه سنى حين بيعده ذكرو تسميه اولنسه
بوندن طولايى مشترى ذمتنده اولان اله جقلرى دين
مشارك اولور

واكر حين بيعده هر برينك ثمن مبيعه اولان حصه سنك

مقداری یا خود نوعی تسمیه و تعیین قلنسسه مثلا برینک
 حصه سی شو قدر و دیگرینک حصه سی بو قدر فروش
 یا خود برینک حصه سی مسکوکات خالصه و دیگرینک
 حصه سی مسکوکات مغشوشه دیو حصه لری تفریق و
 تمیز اولنسه بایعلر ثمن مبیعه مشارک اولیوب هر بری
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

کذلک بریسی حصه شایعه سنی برکسنه یه صاندقدنصکره
 دیگرى دخی حصه شایعه سنی ایروجه اوله رق ینه اول
 کسنه یه صاتسه ثمن مبیعه مشارک اولیوب هر بری
 بشقه بشقه الاجقلو اولور

۱۰۹۶ ماده

ایکی کشی برر مالی نصفه واحده ایله برکسنه یه صاتسه لر
 مثلاً برینک برآتی و دیگرینک برقصراغی اولوبده ایکیسی
 برلکده اوله رق شو قدر فروشه بیع ایتسه لر مبلغ مزبور
 بایعلر بیننده مشترک براله حق اولور

واکر هر بری کندو حیواننه شو قدر فروش دیو تسمیه
 ثمن ایلسه هر بری بشقه بشقه الاجقلو اولوب حیوانلرک
 مجموع اثمانی دین ایله مشترک اولماز. کذلک ایکی کشی
 برکسنه یه بشقه بشقه برر مال صاتسه لر مبیعلرک اثمانی

دین مشترک اولیوب هر بری بشقه بشقه الاجقلو
اولور

۱۰۹۷ ماده

ایکی کشی کفالتلری حسییه برکسنه نك بورجی تأدیه
ایتدکلرنده اکر بینلرنده مشترک اولان مالدن ویرمشلر
ایسه مکفول عنده اولان الاجقلری دین مشترک اولور
۱۰۹۸ ماده

برکیمسه شو قدر غروش دینی ادا ایتک اوزره ایکی
کشی به امر ایدوبده انلر دخی تأدیه ایتدکلرنده اکر
بینلرنده کی مال مشترکدن ویرمشلر ایسه اول کیمسه ده
اولان اله جقلری بر دین مشترک اولور
واکرویردکلری آچه بینلرنده مشترک اولیوبده هر برینک
حصه سی حقیقه متمیزایسه مجرد برلکده ادا ایتمش اولملریله
اول کیمسه ده اولان الاجقلری دین مشترک اولماز

۱۰۹۹ ماده

دین مشترک دکل ایسه دائلرندن هر بری اله جغنی مدیوندن
بشقه بشقه طلب واستیفا ایلر وهر برینی هر نه قبض
ایدرسه کندی اله جغنه محسوب ایدر دائن ذیکراندن
حصه الهماز

۱۱۰۰ ماده

دین مشترک ایسه. داتلردن هر بری کندی حصه سنی
مدیوندن طلب ایدیه یلور و برینک غیا بنده داتن دیگر حاکمه
مراجعت ایله حصه سنی مدیوندن طلب ایتد کده و یرمسی
ایچون حاکم طرفندن امر اولور

۱۱۰۱ ماده

دین مشترکدن داتلرک بری هر نه قبض ایدر سه دیگر یله
بیلرلنده مشترک اولور . و مشارکی اندن حصه سنی
الور . قابض انی یالکز کندی حصه سنه محسوب ایدیه من
۱۱۰۲ ماده

داتلرندن بری دین مشترکدن حصه سنی الوبده صرف
واستهلاک ایسه مشارکی اکا حصه سنی تضمین ایتدیره یلور
مثلا ایکی کشی بیننده مناصفه مشترک اولان بیک غروش
اله جقدن بری سی حصه سی اولان بش یوز غروشی مدیوندن
اخذ و قبض ایله صرف و استهلاك ایسه مشارکی اولان
داتن دیگر اکا ایکی یوز الی غروشی تضمین ایتدیره یلور
و بو حالده مدیونک ذمتنده قالان بش یوز غروش ینه
ایکی سی بیننده مشترک اولور

۱۱۰۳ ماده

داتن مشارک لردن بری دین مشترکدن برشی قبض ایتوب

فقط حصه سنه بدل مديوندن بر متاع اشترا ايلسه دائن
ديكر اول متاعده مشارك اولماز فقط متاعك ثمنندن كندى
حصه سنى اكا تضمين ايتديره يولور . و اكر اشتراك اوزره
اتفاق ايدر لسه او متاع ييلرنده مشترك اولور
۱۱۰۴ ماده

دائن مشارك كردن برى دين مشتركده كى حقندن مثلا
شو قدر طوپ بز اوزرينه مديون ايله صلح اوله رق او
قدر طوپ بزى قبض ايتسه مخير اولور . ديلر سه الديغى
بزلردن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدارى
اكا تسليم ايدر . و ديلر سه واز كچمش اولديغى
حقندن مشاركنك حصه سنه اصابت ايدن مقدار مبلغى
اكا ويرر

۱۱۰۵ ماده

داشلردن برى بروجده بالا كرك دين مشتركدن بر مقدارينى
يا تمامنى قبض ايتسون و كرك كندى حصه سنه بدل مال
اشترا ايلسون و كرك اله جغى مقابله بده بر مال اوزرينه
مديون ايله صلح اولسون دائن ديكر هر صورتده مخير
اولور . ديلر سه مشاركنك بو معامله سنى مجيز اولور .
و مواد آنقه ده بيان اولنديغى اوزره حصه سنى اندن
الور . و ديلر سه مجيز اوليوب حصه سنى مديوندن استر

واکرم دیونده اله جغی باتارسه دائن قابضه رجوع ایدر .
مقدما مجیز اولماسی مانع رجوع اولماز

۱۱۰۶ ماده

دائردن بری دین مشترکده اولان حصه سنی دیوندن
الو بده یدنده قضارا تلف اولسه مشارکنک بو مقبوضده
اولان حصه سنی ضامن اولماز . فقط کندوسی حصه سنی
استیفا ایتیش اولور . دیونده قلان اله جق دخی مشارکنه
عائد اولور

۱۱۰۷ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سنه بدل دیونی
اجرت ایله استخدام ایلسه دیگری اجرتدن کندی
حصه سنه اصابت ایدن مقداری اکا تضمین ایتدیره یلور
۱۱۰۸ ماده

دائن مشارکاردن بری کندی حصه سی ایچون دیوندن
رهنی الو بده یدنده رهن تلف اولسه مشارکی اندن
حصه سنه دوشن مقداری تضمین ایتدیره یلور

مناصفة مشترک اولان دینک مقداری یک غروش
اولو بده . دائردن بری کندی حصه سی ایچون بشیوز
غروشاق بر رهن السه و یدنده بو رهن تلف اولسه
دین مشترکات نصفی ساقط اوله جغندن دائن دیگر کندی

حصه سنه عاؤه اولان ايكیوز اللى غروشى اكا تضمین

ایتدیره بیلور

۱۱۰۹ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سی ایچون مدیوندن
کفیل الدیغی و یاخود حصه سنی بر کمسینه اوزرینه
حواله ایتدیردیکی صورتده کفیلدن یاخود محال علیهدن
اخذ و قبض ایلدیکی مبلغده دائن دیگر اكا مشارک
اولور

۱۱۱۰ ماده

دائردن بری دین مشترکده کی حصه سنی مدیونه هبه
یاخود مدیونک ذمتنی اندن ابرا ایلسه هبه سی یا ابراسی
صحیح اولور . و بوندن طولای مشارکنک حصه سنی
ضامن اولماز

۱۱۱۱ ماده

بر دین مشترکده متشارک اولان دائردن بری مدیونک
مالنی اتلاف ایدو بده ضمانا انک الاجفنه تقاص اولسه
مشارکی اندن حصه سنی الییلور

فقط دین مشترکک ثبوتندن مقدم اولان بر سبيله دائردن
برینک مدیونه دینی اولوبده دین مشترکده کی حصه سبيله
تقاص اولسه مشارکی اكا حصه سنی تضمین ایتدیره مز

۱۱۱۲ ماده

دائلمردن بری دیگرینک اذنی اولقمیزین دین مشترکی
تأجیل و تأخیر ایده من
(لاحقہ)

۱۱۱۳ ماده

بر کیمسه ایکی کشی یه بر مال صاتسه هر برندن حصه سنی
بشقه بشقه مطالبه ایدو مشتریلر یکدیگره کفیل اولدجه
بر ینک بورجی دیگرندن مطالبه اولنه ماز



(باب ثانی)

(قسمت بیانده اولوب طقوز فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(قسمتک تعریف و تقسیمی حقنده در)

۱۱۱۴ ماده

قسمت . حصه شایعه بی تعیین ایتکدر

یعنی کیل و وزن و ذراع کی بر مقیاس ایله حصه لری
یکدیگردن تمیز و افراز ایلکدر

۱۱۱۵ ماده

قسمت ایکی وجهله اولور . شویله که یا اعیان مشترکه

یعنی متعدد و مشترك شیلر قسملره بولندرك هر فردنده شایع
اولان حصه لر برر قسمنده جمع ایدلمش اولور . اوچ کشی
یئینده مشترك اولان او توز قیونی اونر اونر اوچه تقسیم
کبی بوکا قسمت جمع دینلور . یاخود برعین مشترك تقسیم
اولنوب هر جزئنده شایع اولان حصه لر برر قسمنده تعین
ایدر . بر عرصه نك ایکی یه تقییمی کبی . بوکا قسمت
تفریق و قسمت فرد دینلور

۱۱۱۶ ماده

قسمت بر جهته افراز و بر جهته مبادله در
مثلا ایکی کیمسه یئینده مناصفة مشترك اولان بر کیمه
بغدايك هر حبه سنده هر برينك نصف حصه سی اولدیغی
حاله مجموعی قسمت جمع قیلندن اوله رق ایکی قسمه
تقسیم ایله بر قسمی برینه و دیگر قسمی دیگرینه ویرلدکده
هر بری کندوسنك نصف حصه سی افراز و نصف دیگرینی
آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتمش اولور
کذلک ایکی کشی یئینده مناصفة مشترك اولان بر عرصه نك
هر جزئنده هر برينك نصف حصه سی اولدیغی حالده قسمت
تفریق ایله ایکی یه تقسیم اوله رق هر برینه برر قسمی
ویرلدکده هر بری کندو نصف حصه سی افراز و نصف
دیگرینی آخرک نصف حصه سیله مبادله ایتمش اولور

۱۱۱۷ ماده

مثلیاتده افراز جهتی راجحدر

بناء علیه مثلیات مشترکده متشارك اولنلردن هربری
 دیگرینک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سنی
 اخذ ایده بیلور . فقط غائبک حصه سی کندوسنه تسلیم
 اولند قجه قسمت تمام اولماز . وقبل التسیم غائبک حصه سی
 تلف اولسه مشارکنک قبض الیش اولدیغی حصه یینلرنده
 مشترک اولور

۱۱۱۸ ماده

قییاتده مبادلہ جهتی راجحدر . مبادلہ ایسه تراضی
 یاخود حکم قاضی ایله اوله بیلور

بناء علیه مثلیاتدن اولیان اعیان مشترکده متشارك اولنلردن
 بریسی آخرک غیابنده وانک اذنی اولقسزین کندی حصه سنی
 اخذ ایده مز

۱۱۱۹ ماده

مکیلات وموزونات ایله جوز ویمورطه کبی عددیات
 متقاربه هب مثلیاتدر فقط ال ایشی اولان او انی کبی
 اختلاف صنعت حسیله مختلف ومتفاوت اولان موزونات
 قییدر

و برده اریه ایله قادیشق بغدادی کبی خلاف جنسیله یکدیگردن

تمیز و تفریق اولنه مبدجق صورتده مخلوط اولان مثلی
قییاتنددر

ذرعیات دخی قییدر فقط برجنس چوقه و فابریقه
معمولاتی اولان بزرگی افرادی بیننده تفاوت اولیوبده
ذراعی شو قدر غروشه دیو صایتلان ذرعیات مثلیدر
حیوانات ایله قانون وقارپوز کی افرادی بیننده قیحتجه
تفاوت بولسان عددیات متفاوت قییاتنددر
یازمه کتابلر قیمی وباصمه کتابلر مثلیدر

۱۱۲۰ ماده

قسمت جمع ایله قسمت تفریقندن هربری ایکی نوعه تقسیم
اولنور . نوع اول قسمت رضا . ونوغ ثانی قسمت
قضادر

۱۱۲۱ ماده

قسمت رضا . متقاسمینک یعنی ملک مشترک صاحبلمنک
رضالریله اجرا اولنان قیمتدر که بالتراضی بینلرنده تقسیم
ایدرلر یاخود جله سنک رضالریله حاکم تقسیم ایلر

۱۱۲۲ ماده

قسمت قضا . مقسوم له اولنلردن یعنی ملک مشترک
صاحبلمنن بعضیسنک طلبی اوزرینه قاضینک جبراً حکماً
تقسیمیدر

(فصل ثانی)

(شرائط قسمت بیائنده در)

ماده ۱۱۴۳

مقسومك عين اولمى شرطدر . بناء عليه دين مشترك
 قبل القبض تقسیمی صحیح اولماز
 مثلا متوفانك متعدد كمسنه لر ذمتنده اله جغی اولوبده
 فلانده اولان اله جغی فلان وارثك وفلانده اولان اله جغی
 فلان وارثك اولمق اوزره تقسیم اولنسه صحیح اولماز .
 وبوصورته وارثلردن بری نه تحصیل ایدرسه وارث
 دیگر اكا مشارك اولور (باب اولك فصل ثالثه باق)

ماده ۱۱۴۴

حصه لر تمیز و افراز اولنمدقچه قسمت صحیح اولماز
 مثلا مشترك بریغین بعدای صاحب لردن بری دیگرینه سن
 یغنك شو طرفی ال بو طرفی بنم اولسون دیسه تقسیم
 اولنمش اولماز

ماده ۱۱۴۵

مقسوم حین قسمته مشارك ملكی اولمق شرطدر
 بناء عليه بعد القسمه مقسومك مجموعنه بری مستحق چیقسه
 قسمت باطل اولور

و کذا مقسومك نصف وثلث کبی بر جزء شایعنه مستحق
چیقسه قسمت باطل اولوب مقسومك تکرار تقسیمی
لازم کلور

کذاک بر حصه نك مجموعنه مستحق چیقسه قسمت باطل
اولوب حصه باقیه حصه دارلر بینده مشترک اولور
واکریالکز بر حصه نك بر مقدار معینده یا خود بر جزء شایعنه
مستحق چیقسه اول حصه صاحبی مخیر در .

دیلسه قسمتی فسخ ایدر . و دیلسه فسخ ایتیوب مقدار
نقصانیله دیگر حصه داره رجوع ایدر

مثلا یوز آلتش ارشون بر عرصه مناصفه ایکی به تقسیم
اولندقدن صکره بر حصه نك نصفه بری مستحق چیقسه
اول حصه صاحبی دیلسه قسمتی فسخ ایدر و دیلسه
حصه سنك ربعیله مشارکنه رجوع ایدر یعنی انك حصه سنك
یکرمی ارشون محلی اولور و هر حصه نك بر مقدار معینده
مستحق چیقدیغی تقدیرده اکر مساوات اوزره ایسه قسمت
فسخ اولتماز . واکر بر یکی از و بر یکی چوق ایسه
انجق مقدار زیاده به اعتبار اولور . و یالکز برینك
حصه سندن بر مقدار معینده مستحق چیقمش کبی اولور
وزیاده کیمک حصه سنه اصابت ایتش ایسه بوجه بالا

مخیر اولوب دیلر سه قسمتی فسخ ایدر . و دیلر سه
مقدار نقصانیله مشار کنه رجوع ایلر .

۱۱۲۶ ماده

قسمت فضولی . قولا یا خود فعلا اجازته موقوف اولور
متلا بری مال مشترکی خود بخود تقسیم ایتسه جائزو نافذ
اولماز . فقط صاحببری بك اعلا دیو قولا اجازت و یرسه
یا خود حصه مفرضه لرنده تصرف املاک ایله یعنی بیع و
ایجار کبی تملکک لوازمندن اولان بر وجهله تصرف
ایتسه لر قسمت صحیح و نافذ اولور

۱۱۲۷ ماده

قسمتک عادلانه اولسی یعنی حصه لر استحقاق لرینه کوره
تعديل اولنه رق بریسنده نقصان فاحش اولمامسی لازمدر
بناء علیه قسمته غبن فاحش دعواسی استماع اولنور .
فقط مقسوم له اولنلر استیفای حق ایلدکلرینی اقرار
ایتد کدنصکره غبن فاحش دعواسی ایدر لر سه استماع
اولتماز

۱۱۲۸ ماده

قسمت رضاده متقاسمیدن هر برینک رضایی شرطدر
بناء علیه بریمی غائب اولسه قسمت رضا صحیح اولماز .
و ایچلرنده صغیر وار ایتسه ولیمی یا خود و صیمی انک

مقامه قائم اولور . واکر ولیسی یاخود وصیسی یوق
ایسه حاکم امرینه موقوف اولور و حاکم طرفندن بر
وصی نصب اولنه رق انک معرفتیه تقسیم اولنور
۱۱۲۹ ماده

قسمت قضاده طلب شرطدر . حصه دارلرک بریسی
طرفندن اولسون طلب واقع اولدجه حاکم طرفندن
جبراً قسمت صحیح اولماز

۱۱۳۰ ماده
حصه دارلردن بعضیسی قسمت استیو بده بعضیسی امتناع
ایتدیکی تقدیرده فصل ثالث و فصل رابعده بیان اولنه جغی
وجهله مال مشترک اکر قابل قسمت ایسه حاکم آنی
جبراً تقسیم ایلر . دکل ایسه تقسیم ایلر
۱۱۳۱ ماده

قابل قست . تقسیمه صالح اولان مال مشترکدر .
شوبله که اول مالدن مقصود اولان منفعت قسمت ایله
فوت اولیه

(فصل ثالث)

(قسمت جمع بیانده در)

۱۱۳۲ ماده

متحد الجنس اولان اعیان مشترکه ده قسمت قضا جاری
اولور

یعنی مشارک کردن یا لکز بعضیسنک طلبی اوزینه حاکم
انلری حکما تقسیم ایلر . کرک مثلیاتدن اولسون و کرک
قیمیاتدن اولسون

۱۱۳۳ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک افرادی بینده فرق و تفاوت
اولد یغندن قسمتی مشارک کردن هیچ برینه مضر اولدقدن
بشقه هر بری حقنی المش و هر برینک تمامیت ملکی
حصوله کلمش اولور

ته تیم ایکی کشی ییتنده مشترک اولان بر مقدار بغدادی
حصه لرینه کوره تقسیم اولندقدن هر بری حقنی استیفا
ایدرک حصه سینه اصابت ایدن بغدایه مستقلاً مالک
اولور . شو قدر درهم النون کلیچه و بو قدر قیه
کوش یا باقر و یا تیمور کلیچه و بر جنسدن اولان شو قدر
پاستال چرکه و بو قدر طوپ بز و شو قدر عددیمورطه
دخی بو قیلدن در

۱۱۳۴ ماده

متحد الجنس اولان قيميائك افرادی بيننده فرق و تفاوت
 وار ايسه ده پك جرئي اولمق حسييله يوق حاكمنده
 اولديغندن بونلر دخی بروجہ بالا قابل قسمت عد اولمشدر
 مثلا ايکي کشي بيننده مشترک اولان بشيوز قيون
 حصه لرينه کوره ايکي به تقسيم اولندوقده هر بری حقنی
 عينيله الماش کبی اولور.

شو قدر يوز دوه و بوقدر يوز اينک دخی بو قبيلدندر

۱۱۳۵ ماده

اجناس مختلفه ده يعنی مختلف الجنس اولان اعيان
 مشترکده قسمت قضا جاری اولماز . کړک مثلياتدن
 اولسون و کړک قيميائندن اولسون يعنی مشارکاردن بالکيز
 برينک طلبی اوزرينه حاکم انلری جبراً قسمت جمع ايله
 تقسيم ايده من

مثلا حصه دارلردن برينه شو قدر کيله بغدادی و اکا
 مقابل ديکرينه بوقدر کيله ار په يا خود برينه شو قدر
 قيون و اکا مقابل ديکرينه بوقدر دوه يا اينک و برينه
 بر قليم و ديکرينه برا کر طاقی و برينه بر قوناق و ديکرينه
 بردکان يا بر چققلک اعطاسيله قسمت قضا جائز اولماز .

نفعی اولان کیمسه قسمت ایسترایسه کذلک حاکم آنی
حکماً تقسیم ایلر

مثلاً مشترک بر خانه ده متشارك اولنلردن برینک حصه سی
از اولوبده بعدالتقسیم انده سکنی ایله انتفاع اولنه میه جق
اولدیغی حالده حصه سی چوق اولان مشارکی قسمت
ایسترایسه حاکم انی قضاء تقسیم ایلر

۱۱۴۱ ماده

تفریق و تبعیضی صاحب لردن هر برینه مضر اولان برعین
مشترکده قسمت قضا جاری اولماز

مثلاً بر دکرمن تقسیم اولنسه ارتق دکرمن اوله رق استعمال
اولنه من بوجه تله منفعت مقصوده فوت اولور . بناء علیه
مشارک لردن یا لکز برینک طلبی اوزرینه حاکم آنی تقسیم
ایده من . اما بالتراضی تقسیم اولنور . حرام و قوی
وقنات و چوک او طه و ایکی خانه اره سنده کی حائط دخی
بویله در . بر حیوان ایله بر عربیه و بر اکر و برجبه و بر
یوزک طاشی کبی یار مغه و قیر مغه محتاج اولان عروض
دخی بوقبیلندندر که هیچ برنده قسمت قضا جاری اولماز

۱۱۴۲ ماده

بر مشترک کتابک تقسیم اوراقی جائز اولدیغی کبی متعدد

جلد لره منقسم اولان بر کتابک جلد بجلد تقسیمی دخی جائز
اولماز

۱۱۴۳ ماده

ایکی یاخود زیاده کیسه لر بیننده مشترک اولوبده بشقه سنک
اصلا دخوله حق اولمیان طریقک بری قسمتنی ایستیوبده
دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده نظر اولنور ۱۰ کر
بعدالقسمة هر برینه برر طریق قاله حق اولور ایسه تقسیم
اولنور

والا قسمته جبر اولماز ۰ مکرکه هر برینک بشقه بشقه
طریق و منفذی اوله ۰ اول حالده ینسه تقسیم اولنور
۱۱۴۴ ماده

مسئل مشترک دخی طریق مشترک کبدرکه بری قسمت
ایستیوبده دیگری امتناع ایتدیکی تقدیرده اکر بعدالقسمة
هر برینه صومینی آقیده حق قدر بر قالورسه یاخود مسئل
اتخاذ ایدجک بشقه یری وار ایسه تقسیم اولنور ۰ والا
تقسیم اولماز

۱۱۴۵ ماده

بر کیسه حق مروری باقی اولمق اوزره ملکی اولان طریق
صاته بیلدیکی کی ایکی کشی بیننده مشترک اولان بر عقارک
تقسیمنده طریق مشترک رقبه سی یعنی ملکیتی یرنده قالمق

ودیکرینک یالکز حق مروری اولق اوزره قسمت دخی
جائز اولور

۱۱۴۶ ماده

برخانه نك تقسیمده ایکی حصه اره سندی حائط حصه دارلر
باینده مشترک اوله رق براغلق جائز اولدیغی کبی یالکز
برینک ملکی اولق اوزره قسمت دخی جائز اولور

(فصل خامس)

(کیفیت قسمت بیانده در)

۱۱۴۷ ماده

مال مشترک اگر مدیلاتدن ایسه کیل ایله وموزوناتدن
ایسه وزن ایله وعددیاتدن ایسه عدد ایله وذرعیاتدن
ایسه ذراع ایله تقسیم اولنور

۱۱۴۸ ماده

عرصه وارضی ذرعیاتدن اولدققرینه مبنی ذراع ایله
تقسیم اولنور
اما اوزرلرنده کی اشجار وابیه تقدیر قیمت ایله تقسیم
قلنورلر

۱۱۴۹ ماده

برقوناغک تقسیمده بر حصه نك ابنیه سی دیگر حصه نك

اينيه سینه نسبتله دهـا قيمتلو اولديغي تقديرده ممکن
ايسه ديگر حصه يه عرصه دن قيمتجه اکا معادل
اوله جق قدر فضله ير ويريلور دکل ايسه اکا مقابل
نقود علاوه ايديلور

۱۱۵۰ ماده

ايکی کشی باینده مشترک برخانه نك فوقانیسی برینه
وتحتانیسی دیگرینه اعطا اولمق اوزره قسمتی مراد
اولندقدہ کرک فوقانی وکرک تحتانی تقویم اولنهرق قیمت
اعتباريله تقسیم اولنور

۱۱۵۱ ماده

برقوناق تقسیم اولنهرجق اولدقدہ قسام اولان کیمسه
ابتدائی کاغذ اوزرنده تصویر وعرصه سنی ذراع ايله
مساحه واینه سنی تقویم وصاحبلرینک حصه لرینه کوره
تسویه وتعديل وممکن ايسه هر حصه یی یکدیگره تعلقی
قلماسق اوزره حق طریق و شرب ومسیلی ايله افراز
وبرنجی وایکنجی و اوچنجی دیو تلقیب ایتلی وبعده
قرعه چکملیدر . برنجی ابتدا اسمی چیقانک وایکنجی
ثانیا اسمی چیقانک و اوچنجی ثالثا اسمی چیقانک اولور .
زباده حصه وار ايسه ینه بو ترتیب اوزره یورر

۱۱۵۲ ماده

تكاليف امریه اگر محافظه نفوذ ایچون ایسه عدد
 رؤس اوزرینه تقسیم اولنوب نسوان و صبیان دقتر
 توزیعہ ادخال اولتماز . و اگر محافظه املاک ایچون
 ایسه مقدار ملک اوزرینه تقسیم اولنور
 زیرا (۸۷) ماده ده مذکور اولدیغی اوزره غرامت
 غنیمته کوره در

(فصل سادس)

(خیارات بیانده در)

۱۱۵۳ ماده

بعده اولدیغی کبی اجناس مختلفه نك تقسیمنده دخی خیار
 شرط و خیاز رؤیت و خیاز عیب وار در
 مثلا حصه دارلردن بری شو قدر کیله بغدادی واکا مقابل
 دیگرکی بو قدر کیله ارپه یا خود بری شو قدر قیون و
 اکا مقابل دیگرکی بو قدر اینک آلمق اوزره مال مشترکی
 بالتراضی بینلرنده تقسیم ایتدکلرنده اگر بریسی شو قدر
 کون مخیر اولمق اوزره شرط ایلش اولسه اول مدت
 ظرفنده ذیلرسه قسمتی قبول و دیلرسه فسخ ایدر و اگر
 بریسی هنوز مال مقسومی کورماش ایسه کوردکده

کذلک مخیر اولور واکر بریسنک حصه سی عیلولو چیقسه
دیلسه قبول و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۴ ماده

متحد الجنس اولان قیمااتک تقسیمده دخی خییار شرط
و رؤیت و عیب وار در

مثلا مشترک اولان یوزقیون صاحبلی پیننده حصه لرینه
کوره تقسیم اولندقدہ اکر بریسی شوقدر کون مخیر
اولمق اوزره شرط ایلش اولسه اول مدت ظرفنده
قسمتی قبول ایدوب ایتماکه مخیر اولور . واکر هنوز
قیونلری کور مامش ایسه کوردکده کذلک مخیر اولور .
واکر بریسنک حصه سنه اصابت ایدن قیونلرک عیب
قدیمی ظهور ایسه کذلک مخیر اولوب دیلسه قبول
و دیلسه رد ایلر

۱۱۵۵ ماده

متحد الجنس اولان مثلیاتک تقسیمده خییار شرط و رؤیت
اولیوب فقط خییار عیب واردر

مثلا ایکی کشی پیننده مشترک اولان بریغین بغدادی تقسیم
اولندقدہ شو قدر کون مخیر اولمق شرطی معتبر اولماز .
و بری بغدادی کور مامش ایسه کوردکده مخیر اولماز .
اما برینه یغینک اوست طرفندن و دیگرینه الت طرفندن

ویریلوبده الت طرفی چورک چیقسه صاحبی مخیر اولوب
دیلرسه قبول و دیلرسه رد ایدر

(فصل سابع)

(قسمتک فسخ و اقاله سی بیانده در)

۱۱۵۶ ماده

قرعه لر کاملا چکلدکده قسمت تمام اولور

۱۱۵۷ ماده

قسمت تمام اولدوقده ارتق اندن رجوع اولنه ماز

۱۱۵۸ ماده

اشای قسمتده مثلا قرعه لرک چوغی چیقوبده یالکز بری
قالمش اولدیغی حالده حصه دارلردن بری رجوع اید، جک
اولسه باقیلور ۱۰ کر قسمت رضا ایسه رجوع ایده یلور .
وا کر قسمت قضا ایسه رجوع ایده، مز

۱۱۵۹ ماده

بعد القسمه حصه دارلر کندی رضا ایله قسمتی فسخ
واقاله ایدرک مقسومی کافی السابق بینلرنده مشترک ایده یلور لر

۱۱۶۰ ماده

قسمتده غبن فاحش اولدیغی تبین ایدر ایسه فسخ اولنهرق
تکرار قسمت عادلله ایله تقسیم اولنور

۱۱۶۱ ماده

ترکه نك تقسیمیدن صکره میتک دینی ظهور ایتسه قسمت
فسخ اولنور

مکرکه ورثه دینی ایفا یاخود دائلر اله جققرندن انلری
ابرا ایدرلر و یاخود میتک مقسومدن بشقه مالی اولوبده
بورج انکله ایفا اولنور ایتسه اول حالده قسمت فسخ
اولنماز

(فصل ثامن)

(احکام قسمت بیاننده در)

۱۱۶۲ ماده

حصه دارلردن هر بری بعد القسمه کندی حصه سنده
مستقلا مالک اولور . برینک حصه سنده ارتق دیگرینک
علاقه سی قالماز . و باب ثالثده بیان اولنه جغی وجهله
هر بریسی کندی حصه سنده کیف مایشاء تصرف ایدر
حتی ایکی کشی بیننده مشترک بر خانه تقسیم اولنوبنده
برینک حصه سنده ابنیه و دیگرینک حصه سنده عرصه
خالیه اصابت ایتدیکی صورتده عرصه صاحبی اول
عرصه ده قوی قازار و کاریر یاپار و ابنیه انشا ایدوب
دیلدیکی قدر یوکسک چیقار ابنیه صاحبینک هواسنی
یاخود کونشی سد ایتسه بیله مانع اوله ماز

۲۱۶۳ ماده

اراضی تقسیمندہ اشجار و چفتاک تقسیمندہ اشجار ایله
انبیه من غیر ذکر داخل اولور . یعنی اشجار و انبیه
کیمک حصہ سندہ بولور ایسه انک اولور . حین تقسیمندہ
ذکر و تصریحہ یا خود جمیع حقوقیلہ و یا جمیع مرافقیلہ
دینلک کی بر تعبیر عمومی ایله ادخالہ حاجت یوقدر

۱۱۶۴ ماده

کک اراضی و کک چفتاک تقسیمندہ اکین و میوه ذکر
و تصریح اولندقیہ داخل اولیوب انلر کا کان مشترک
اولہرق قالور . حین تقسیمندہ کک جمیع حق و قیلہ کی
بر تعبیر عمومی ایراد اولنسون و کک اولنسون

۱۱۶۵ ماده

مقسومک اراضی مجاورہ ده اولان حق طریق و مسیلی
هر حالده داخل قسمت اولور . یعنی کیمک حصہ سندہ
واقع اولور سه انک حقوقندن اولور . حین قسمندہ
کک جمیع بحق قیلہ دینلسون و کک دینلسون

۲۱۶۶ ماده

حین قسمندہ بر حصہ نک دیگر حصہ ده طریق یا خود
مسیلی اولسی شرط ایدیلور سه اول شرطہ رعایت
ایدیلور

۱۱۶۷ ماده

بر حصه ك ديكر حصه ده طريق اولوبده حين قسمته
 ابقاسي شرط ايدلماش ايسه بشقه طرفه صرف
 و تحويلى قابل اولديغي تقديرده صرف و تحويل اولنور.
 حين قسمته كرك جميع حقوقيله دينلسون و كرك دينلسون
 اما طريقك بشقه طرفه صرف و تحويلى قابل اولديغي
 تقديرده باقيلور. اكر حين قسمته جميع حقوقيله دينلش
 ايسه طريق داخل قسمت اوله رق حالى اوزره ابقا
 اولنور. و اكر جميع حقوقيله كبي بر تعبير عمومي علاوه
 ارلنماش ايسه قسمت فسخ اولنور

بو خصوصه مسيل دخی عينيله طريق كيدر

۱۱۶۸ ماده

ايكي كشي يئننده مشترك بر خانه ده ديكر كسنه ك طريق
 اولوبده خانه صاحبلرى اول خانه يي تقسيم ايده جك
 اولدقلرنده طريق صاحبي مانع اوله ماز. فقط انلر
 دخی خانه يي تقسيم ايتدكلرنده طريق حالى اوزره ترك
 ايدرلر

واوچي بالاتفاق خانه ايله برابر طريق دخی صاندقلى
 تقديرده اكر طريق اوچك يئننده مشترك ايسه ثمن اوچنك
 يئننده تقسيم اولنور

واكر طريقك رقبه سی قوناق صاحبلىك اولوبده اول
كسهنه نك يالكز حق مرورى وار ايسه هر برى حقنى
الور

شويله كه عرصه بر كره حق مرور ايله و بر كره حق
مرورسز تقويم اولنوب ايكي قسمت بيشنده كي فضله
حق مرور صاحبك اولور . و باقىسى خانه صاحبلىنه
عائد اولور

مسيل دخى طريق كبيدر . يعنى بر مشترك خانه ده ديكر
كسهنه نك حق مسيلي اولسه اول خانه صاحبلى خانه يي
تقسيم ايدوب مسيلي حالى اوزره ترك ايدرلر
۱۱۶۹ ماده

برقوناغك حولىسنده ديكر كسهنه نك منزلى اولوبده منزل
صاحبى اول حولىدن مرور ايدر اولدېغى حالده قوناق
صاحبلى قوناغى تقسيم ايده جك اولدقلىزنده منزل صاحبى
مانع اولدماز

فقط انلر قوناغى تقسيم ايتدكلر نده منزلك قېوسى عرضنده
اكا بر يول ترك ايدرلر
۱۱۷۰ ماده

ايكى به تقسيم اولنان برقوناغك ايكي قسمي ايره سنده بر
حائط اولوبده بر قسمك ديكر حائطنك اوززنده كي كيرشلك

او جلری اول حائط مشترك اوزرنده بولندیغی صورتده
اگر حین قسمتمده اول کیرشرك رفعی شرط ایدلمش ایسه
رفع اولنور . والا رفع اولنماز

ایکی قسم اره سنده کی حائط بر حصه دارک و او جلری اول
حائط اوزرینه بندیرلمش اولان کیرشرك دیگر حصه دارک
ملکی اولمق اوزره تقسیم اولندیغی صورتده دخی حکم
ینه بو وجهله در

۱۱۷۱ ماده

بر قسمده واقع اولان اغاجلرک دالیری دیگر قسمک
اوزرینه ضارقس اولدیغی صورتده دخی اگر حین
قسمتمده قطعی شرط ایدلماش ایسه اول دالیر

کسدریله مز

۱۱۷۲ ماده

بر طریق خاصده حق مروری اولان بر مشترک خانه
تقسیم اولندقدده حصه دارلردن هر بری اول طریق قپو
و پنجره آچه یلور . سائر اصحاب طریق اکا مانع
اوله ماز

۱۱۷۳ ماده

قابل قسمت اولان بر ملک مشترکده حصه دارلردن بری
کندوسیچون دیگر حصه دارک اذنی اولمقسزین بر بنا

یابد قد نصکریه دیگر حصه دار قسمت طلب ایتدکده تقسیم
اول نور

اول بنا بانیسنگ حصه سینه اصابت ایدرسه فیه . واکر
دیگر حصه دارك حصه سینه اصابت ایدرسه بو حصه دار
اول بنایی هدم و رفع ایتدیره بیلور

(فصل تاسع)

(مهائیه بیانده در)

۱۱۷۴ ماده

مهائیه . قسمت منافعدن عبارتدر

۱۱۷۵ ماده

مثلیاتده مهائیه جاری اولماز

مهائیه اول قیمیاتده جاری اولور که عینلری باقی اوله رق

انلرله انتفاع ممکن اوله

۱۱۷۶ ماده

مهائیه ایکی نوعدر . نوع اول زمانا مهائیه در

ته کیم ایکی کشی بیننده مش-ترك اراضی بی بر سینه بری

و دیگر سینه دیگرى زراعت ایتک و بر مشترك قوناق

صاحب لردن هر بری بالمناوبه اول قوناقده برر سینه

اوتور مق اوزره مهائیه لری کبی

نوع ثانی مکانا مهائیه در

نه کیم یکی کشی بینده مشترک اولان اراضینک یاریسنی
بری و دیگر یاریسنی دیگری زراعت ایتک و مشترک
قوناغک بر طرفنده بری و دیگر طرفنده دیگری یاخود
اوست قاتنده بری و االت قاتنده دیگری و مشترک یکی
خانهک بریسنده بری و دیگرنده دیگری اوتورق اوزره
مهایله لری کبی

۱۱۷۷ ماده

بر مشترک حیوانی صاحب لری بالمناوبه قوللانق اوزره
مهاییه جائز اولدیغی کبی یکی مشترک حیواندن برینی
بری و دیگرینی قوللانق اوزره مهائیه دخی
جائز اولور

۱۱۷۸ ماده

زمانا مهائیه بر نوع مبادله در

شویله که بر حصه دارک کندو نو بتنده کی حصه منفعتی
دیگر حصه دارک نو بتنده کی حصه منفعتیه مبادله ایدلمش
اولور . بوجهتله زمانا مهائیه اجاره حکمنده در
بناء علی ذلک زمانا مهائیه ده شو قدر کون یاخود شو
قدر آی کبی بر مدت ذکر و تعیین اولنق لازمدر

۱۱۷۹ ماده

مکانا مهائیه بر نوع اقرار در
 شویله که ایکی حصه دارک مثلا بر مشترک قوناقدہ اولان
 منفعتلری شایع یعنی اول قوناغک هر جزئه شامل ایکن
 مهائیه ایله برینک منفعتی اول قوناغک بر قطعه سنده
 و دیگرینک منفعتی دیگر قطعه سنده جمع ایدلمش اولور
 بناء علی ذلک مکانا مهائیه ده ذکر و تعیین مدت لازم
 دکلدر

۱۱۸۰ ماده

زمانا مهائیه ده بدایت ایچ-ون یعنی حصه دارلردن
 قغیسی اول انتفاع ایتمک ایچ-ون قرعه چکلدیکی کبی
 مکانا مهائیه ده دخی قرعه ایله تعیین محل اولتملیدر

۱۱۸۱ ماده

مشترک و متعدد شلرک صاحبیلردن بری مهائیه استیوبده
 دیگرری امتناع ایتدکده اگر اول عین مشترک بر متفق المنفعه
 ایسه لر مهائیه یه جبر اولنور و اگر مختلف المنفعه ایسه لر
 جبر اولنماز

مثلا ایکی مشترک خانه دن برنده بری و دیگرنده دیگرری
 ساکن اولمق و ایکی مشترک حیواندن برینی بری
 و دیگرینی دیگرری قوللانمق اوزره بری مهائیه ایستیوبده

دیگری امتناع ایلسه مهائیه جبر اولنور . اما بری
خانه ده ساکن اولو بده دیگری جامی ایجار ایتک یاخود
بری خانه ده ساکن اولو بده دیگری اراضی بی زراعت
ایتمک اوزره بالتراضی مهائیه جائز ایسه ده بری امتناع
ایلسه مهائیه به جبر اولنماز

۱۱۸۲ ماده

قابل قسمت اولان مال مش-ترك صاحب لرندن بری قسمت
و دیگری مهائیه ایستسه قسمت ادعای قبول اولنور
و هیچ بریسی قسمت طلبنده اولدیغی حالدده بری مهائیه
استیوبده دیگری امتناع ایلسه مهائیه به جبر اولنور

۱۱۸۳ ماده

قابل قسمت اولمیان برعین مشترك صاحب لرندن بری مهائیه
استیوبده دیگری امتناع ایلسه مهائیه به جبر اولنور

۱۱۸۴ ماده

سفینه و دکرمن و قهوه خانه و خان و حمام کبی عمومک
اجرتله منتفع اولدیغی عقارات مش-ترکه اهلنه ایجار ایله
اجرتی حصه دارلر بینده حصه لرینه کوره تقسیم اولنور
واکر حصه دارلردن بری حصه سنی ایجاردن امتناع ایدر
سه مهائیه به جبر اولنور . فقط برینک نوبتنده غله سی

یعنی کراسی زیاده اولور سه اول زیاده حصه دار لر بیتنده
تقسیم اولور

۱۱۸۵ ماده

حصه دار لر دن هر بری زمانا مهاییه دن صکره کندو
نوبتنده عقار مشترکی و مکانا مهاییه دن صکره کندو
حصه سنده اصابت ایدن قطعه بی بالذات استعمال
ایده بیلدیکی کبی آخره ایجار ایله کندو سیچون اجرتنی اخذ
ایده بیلور

۱۱۸۶ ماده

ابتدا منافع اوزرینه مهاییه اولندقدن صکره حصه دار لر
کندو نوبتیرینی ایجار ایدوبده برینک نوبتنده غله زیاده
اولسه دیگر حصه دار اول زیاده ده مشارک اولماز
اما ابتدا استغلال ایتک اوزره مثلا بر مشترک خانه نک
کراسنی بر آی بری و بر آی دیگر بری المق اوزره مهاییه
ایتسه لر فضله سی مشترک اولور

فقط ایکی خانه دن برینک غله سنی بری و دیگر برینک غله سنی
دیگری المق اوزره مهاییه ایتدکلرنده بر خانه نک غله سی
زیاده اولسه دیگر حصه دار اکا مشارک اولماز
۱۱۸۷ ماده

اعیان اوزرینه مهاییه جائز اولماز

مثلاً مشترک اشجار میوه لری و مشترک حیوانلرک سوتی
و یوکی اعیاندن اولمغله اشجار مشترکدن بر مقدار ینک
میوه سنی مشارکدن بری و دیگر مقدار ینک میوه سنی
دیگری و دیوشرمک و مشترک قیونلرک بر سور یسنک
سوتینی و یوکنی بری و دیگر بر سور یسنک سوتینی و یوکنی
دیگری آلمق اوزره مهائیه صحیح اولماز

۱۱۸۸ ماده

حصه دارلر بالتراضی بینلرنده مهائیه ایتدکارنده بعده
یالکز بریسی آنی فسخ ایده ییلور ایسه ده بری کنندی
نوبتنی آخره ایجار ایتش ایسه مدت اجاره منقضی
اولمدجه دیگری مهائیه بی فسخ ایده من

۱۱۸۹ ماده

حکم حاکم ایله اجرا اولنان مهائیه بی حصه دارلردن
یالکز بری فسخ ایده من ایسه ده هپسی بالتراضی فسخ
ایده ییلور

۱۱۹۰ ماده

حصه دارلردن بری حصه سنی صائمق یاخود تقسیم ایتک
مراد ایتدکده مهائیه بی فسخ ایده ییلور
اما مجرد مال مشترکی اسکی حالنه اعاده ایتک اوزره

بلا سبب مهائیه بی فسخ ایدہ جک اولسہ حاکم اکا

مساعده ایتمز

۱۱۹۱ ماده

حصه دارلردن برینک یاخود هپسنک وقاتیلہ مهائیه

باطل اولماز



(باب ثالث)

(حیطان و جیرانه متعلق مسائل بیانده اولوب)

(درت فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(احکام املاکه دائر بعض قواعد بیانده در)

۱۱۹۲ ماده

هرکس ملککنده کیف مایشاء تصرف ایدر . فقط

بشقه سنک حق تعلق ایدر سه مالکی ملککنده استقلال

اوزره تصرفدن منع ایدر

مثلا فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیگرک ملککی اولان

ابنیه ده فوقانی صاحبینک تحتانیده حق قراری و تحتانی

صاحبینک فوقانیده حق سققی یعنی کونشدن و یاغوردن

تسترو تحفظ حق اولمغله بریسی دیگرک اذنی اولمدیقه اکا

مضر اوله بیله جک برشی پایه ماز و کندو بناسنی یقه ماز

۱۱۹۳ ماده

فوقانی ایله تحت-اینک زقاق قپوسی بر اولدیغی حالده
ایکیسنک صاحبلی اول قپویی مشترک استعمال ایدرلر .
احد هما آخری دخول و خرواجدن منع ایده من

۱۱۹۴ ماده

کیم که بریره مالک اولور سه مافوقنه و ماتحتنه دخی مالک
اولور

یعنی ملکی اولان عرصه ده ایستدیکی ابنیه یی یا بق و دیلدیکی
قدر چیقماق و زمینی حفریله مخزن یا بق و دیلدیکی قدر
درین قوی قازماق کی تصرفاته مقتدر اولور

۱۱۹۵ ماده

کسمنه خانه سنده احداث ایلدیکی او طه سنک سچ-اغنی
قومشوسنک خانه سی اوزرینه اوزاده ماز . اوزادرسه
اول خانه اوزرینه کلان مقداری قطع اولنور

۱۱۹۶ ماده

برکیمسه نك باغچه سنده کی اغاجک دالاری قومشوسنک
خانه سی یا خود باغچه سی اوزرینه اوزامش اولسه
اول دالاری باغلا یوبده کیروچکدیر مک یا خود کسدیر مک
ایله کندو هواسنی تفریغ ایتدیر مک که قومشوسنک صلاحیتی
وارد

اما اغاجك كولاكه سي قومشوسنك باغچه سنده كي مزرو عاته
مضر در ديو اغاج كسيله مز

۱۱۹۷ ماده

هيچ كيمسه ملكنده تصرفدن منع اولنه ماز . مكر كه
آخره ضرر فاحشي اوله . اول حالده منع اولنه ييلور .
نته كيم فصل ثانيده تفصيل اولنور

(فصل ثاني)

(معاملات جواريه حقنده در)

۱۱۹۸ ماده

هر كس كندی ملكي اولان حائط اوزرينه ديلديكي قدر
چيقار واستديكي شیی* ياپار ضرر فاحشي اولدجه
قومشوسي مانع اوله ماز

۱۱۹۹ ماده

بنایه ضرر ویرن یعنی بنایه وهن كتورن وانهدامنه
سبب اولان يا خود حوايج اصلیه بی یعنی سکنی کبی
بنادن مقصود اولان منفعت اصلیه بی منع ایدن شیلر
ضرر فاحشدر

۱۲۰۰ ماده

ضرر فاحش بأی وجه کان دفع ایتدیریلور

مثلا بر خانه نك اتصا لنده تيمور جي دكاني يا خود دكرمن
يا پيلو بده تيمور ضربندن ياد كرمك دورانندن اول خانه نك
بناسنه وهن كلك يا خود فرون احداث ايله توتونك
كثرتندن ويا بزر خانه احداث ايله رايحه كريهه سندن اول
خانه ده او توريله ميه جق مرتبه صاحبي ماذي اولق
ضرر فاحش اولمغله بو ضرر لر بآي وجه كان دفع وازاله
ايتديريلور

و كذا بر كيمسه ديكر ك خانه سنه متصل عرصه سنده خرق
احداث ايدرك دكرمنه صو اجرا ايتكله خانه نك ديوارينه
وهن كلسه يا خود بر كيمسه قوموشوسنك ديوارينك ديبن
مزبله اتخا تو سپورندي القا ايتكله ديوار چوريسه
ديوارك صاحبي ضرريني دفع ايتديرر

كذلك برينك خانه سي قربنده ديكر ك احداث ايلديكي
خرمنك توزي كلكله اول خانه ده طوريله ميه جق مرتبه
صاحبي ماذي اولسه ضرري دفع ايتديريلور

ته تيم برينك خرمن يري قربنده ديكر ي بر مرتقع بنا احداث
ايله خرمنك روزكاريني سد ايلسه ضرر فاحش اولمغله
رفع ايتديريلور كذلك بر كيمسه بزازلر چارشوسنده آشجي
دكاني احداث ايدوبده توتونو قوموشوسنك امتعه سنه
اصابت ايله ضرر فاحشي اولسه دفع ايتديريلور

و كذاك بر كيمسه نك خانه سنده كي كاريز ياريلو بده قومشوسنك
خانه سنده جريان ايتمكله ضرر فاحش اولسه قومشوسنك
دعواسي اوزرينه اول كاريزك تعمير واصلاح لازم كلور
۱۲۰۱ ماده

بر خانه نك هواسني ياخود نظارتني كسمك وياخود كونسك
دخواني منع ايتك كي حوايج اصليه دن اولميان منافعه
مانع اولق ضرر فاحش دكلدر
فقط ضيائي بالكلية سد ايتك ضرر فاحشدر

بناء عليه بر كيمسه بر بنا احداث ايله قومشوسنك بر پنجره لي
اولان او طه سنك پنجره سني سد ايدوبده يازي او قونه ميه حق
مرتبه قرانلق اولسه ضرر فاحش اولمغله دفع ايتديريلور .
قيوسندن ضيا السون دينيله مز . زيرا او طه سنك
قيوسي صوغوقدن واسباب سارهدن ناشي قيانمغه محتاج
اولور

واكر او طه نك ايكي پنجره سي اولوبده بريسي بوجه
بالا بنا احداثيله سد ايدلمش اولسه ضرر فاحش عد
اولتماز

۱۲۰۲ ماده

مطح و قوين باشي و خانه نك حوليسي كي مقر نسوان
اولان محلاك كورنمسي ضرر فاحش عد اولنور

بناء علی ذلک برکسنه نك خانه سنده احدات ایلدیکی
 پنجره سندن یاخود مجدداً انشا ایلدیکی بنانک پنجره سندن
 جارملا صقنك یاخود زقاق آش-وری خانه سی اولان
 برکیمسه نك مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه
 بوضررک رفعیله امر اولنور . اول کسنه دخی نسوان
 کورنیمه چک صورتده دیوار یاخود تخته پرده یا پوب اول
 ضرری دفع ایتکه مجبور اولور . اما بهر حال پنجره سی
 سد ایتک اوزره جبر اولنه ماز

نته کیم چیتدن معمول برحائطک ارالغندن قومشونک
 مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه اول ارالقری
 سد ایتک اوزره حائطک صاحبنه امر اولور . اما
 یقوبده دیوار یا یبق اوزره جبر اولنه ماز

(۲۲) ماده یه باق

۱۲۰۳ ماده

برینک انسان بویندن یوکسک یرده پنجره سی اولوبده
 احتمالکه زردبان وضعیله قومشوسنک مقر نسوان اولان
 محله نظر ایلر دیو قومشوسی اول پنجره یی سد ایتدیره من
 (۷۴) ماده یه باق

۱۲۰۴ ماده

باغچه مقر نسوان عد اولتماز

بناء عليه بر كيمسه نك خانه سندن قومشوسنك مقر نسوان
اولان محلی کور نیوب فقط باغچه سی کور نمکله قومشوسی
مجرد اراقده نسوان باغچه یه چیقده خانه کدن کور نمکله
باغچه مه اولان نظارتکی کس دیه من

۱۲۰۵ ماده

بر کیمسه باغچه سنده کی میوه اغاجنه چیقده قومشوسنك
مقر نسوان اولان محلی کور نیور اولسه کسنه
اغاجك اوزرینه چیه جق اولدقه نسوان تستر ایتك
ایچون اخبار ایتك لازمدر . اخبار ایتدیکی تقدیرده
حاکم انی بلا اخبار اول اغاجه چیه مقدن منع ایدر

۱۲۰۶ ماده

ایکی کشی بیلرلنده مشترک اولان قوناغی تقسیم ایتدکارنده
برینك حصه سنه اصابت ایدن محلدن دیگرینك مقر نسوان
اولان محلی کور نیور اولسه مشترکا بیلرلنده برستره اتخاذا
ایتملی ایچون امر اولنور

۱۲۰۷ ماده

بر کیمسه مشروع اوله رق ملکنده تصرف ایتکده ایکن
بشقه سی انك یاننده بنا احداثیه کندوسی متضرر اولسه
ضررینی انجق کندو دفع ایتك لازم کلور

مثلا بر خانه نك قدیمی پنجره لرندن دیگر کسنه نك محدث

خانه سنك مقر نسوان اولان محلی کورینور اولسه محدث
 خانه صاحبی مضرتنی کندو دفع ایتک لازم کلور .
 عتیق خانه صاحبندن ادعایه صلاحیتی یوقدر . نته کیم
 برکسه تیمورچی دکانه متصل عرصه سنده بر خانه احداث
 ایلسه تیمور ضربندن خانه مه ضرر فاحش ترتب ایدیور
 دیو دکانی تعطیل ایتدیره مز . و کذا اسکیدن خرمن بری
 اولان بر محاکم قربنده بری خانه احداث ایتدکده خرمنک
 توزی خانه م اوزرینه کلیور دیو خرمن صاحبنه بوراده
 خرمن دوکده دیه مز

۱۲۰۸ ماده

بر منزلک قدیمی یعنی عتیق پنجره لردن قومش و سنك
 عرصه خالیه سی کورینور کن منزل محترق اولدقده اول
 قومشوسی اول عرصه ده خانه احداث ایتدکن صکره
 اول منزلی دخی صاحبی وضع قدیمی اوزوه بنا ایدهرک
 آچدیغی پنجره لردن اول محدث خانه نک مقر نسوان
 اولان محلی کورینور اولسه بو مضرتی خانه صاحبی
 کندو دفع ایتک لازم کلور . صاحب منزله نظارتکی
 کس دیو جبر ایده مز

۱۲۰۹ ماده

برکیمسه نک خانه سنده احداث ایلدیکی پنجره لرایله

قومشوسنك مقرنسوان اولان مواضعی بیننده قومشوسنك
 بر یوكسك اوطه سی اولمغله مقرنسوان اولان محلی اول
 پنجره لردن كورنمز ایكن قومشوسی اول اوطه یی هدم
 ایتمكه اول پنجره لردن قومشوسنك مقرنسوان اولان محلی
 كورینور اولسه قومشوسی مجرد پنجره لر محدث ایدی
 انكجون نظارتکی کس باخود پنجره لری سدايت ديه ميوب
 مضرتنی کندو دفع ایتمك لازم كلور

۱۲۱۰ ماده

حائط مشترکی صاحب لردن بری دیگر ينك اذنی اولمده
 ترفیع ایده مزو اوزرینه كوشك و سائره یاپه مزو كرك
 آخره مضر اولسون و كرك اولسون

قط بریسی عرصه سی اوزرینه اوطه بنا ایتمك اوزره
 کیرش وضع ایده جك یعنی کیر شرك او جلرینی اول حائط
 اوزرینه بندیره جك اولسه مشارکی اكا مانع اوله مازو
 لکن اون قدر کیرش وضع ایده جك ایسه مشارکنك
 دخی اولقدر کیرش وضعنه حق اوله جغندن حائط نقدر
 کیرش وضعنه متحمل ایسه انجق نصفی قدر کیرش
 وضع ایده یلوب زیاده یه تجاوز ایده مزو

واکر اول حائط اوزرنده فی الاصل ایکی سنك دخی

مساوات اوزره کیرشلی اولدیغی حالده بری کندی
 کیرشلینی تزیید ایدیه جک اولسه منع ایدیه یلور
 ۱۲۱۱ ماده

حائط مشترک صاحب لرندن بری اول حائط اوزرنده کی
 کیرشلیک مجلارینی صاغه صوله و اشاغیدن یوقارویه
 دکشیره مز . اما کیرشلیک او جلری یوکسکده ایکن
 ایندیرویده حائطک دها اشاغیسنه وضع ایدیه یلور
 ۱۲۱۲ ماده

برکیمسه نک صو قویسی قربنده قومشوسی برکنیف
 یا کاریز یاپوبده اول قویینک صوینی افساد ایلمسه
 ضرری دفع ایتدیره یلور . و بر وجهله دفع ضرری
 قابل اولماز ایسه اوکنیف یا کاریز قیاتدیریلور
 کذاک برصویولنک یاننده برینک یاپدیغی کاریزک چرکابی
 صویه واصل اوله رق ضرر فاحشی اولوبده قیاتمقدن
 غیری صورته دفع ضرری قابل اولمسه اول کاریز
 قیاتدیریلور

(فصل ثالث)

(طریق لر حقن ده در)

۱۲۱۳ ماده

بر طریقک ایکی طرفنده خانه سی اولان کیمسه برندن

دیگرینه کوپری انشا ایده جک اولسه منع اولنور . اما
انشا ایتد کدن صکره اکر ماره یه ضرری یوق ایسه
هدم اولتماز

فقط بویله طریق عام اوزره یا پلش اولان کوپریلر ده
وشه نیشینلرده حق قرار اولماز . بنیاء علی ذلک
بر وجه بالا طریق عام اوزره انشا اولنان کوپری منهدم
اولدق دن صکره صاحبی بنالیده جک اولسه ینه منع اوله یلور
۱۲۱۴ ماده

طریق عام اوزرند، الحق چیتندیلر و شه نیشینلر کی ماره یه
ضرر فاحشی اولان شیرقدیم اولسه بیلر رفع ایتدیریلور
(۷) ماده یه باق
۱۲۱۵ ماده

بر کیمسه خانه سنی تعمیر ایده جک اولدقده ماره یه ضرر
ویر مامک شرطیله طریقک بر طرفنده سریعا چامور یا پوب
بناسنه صرف ایده یلور
۱۲۱۶ ماده

لدی الحاجه امر سلطانی ایله بر کیمسه نیک ملکی قیمیله
النوب طریقه الحاق اولنه یلور . فقط تأدییه ثمن
اولنمدقجه ملکی یدندن انه ماز (۲۵۱) و (۲۶۲)
ماده لره باق

۱۲۱۷ ماده

ماره به مضرتی اولدیغی حالدده بر کسه نه طریقک فضلده
اولان یرینی ثمن مثله یله جانب میریدن الوب خانه سینه
الحاق ایدیه یلور

۱۲۱۸ ماده

طریق عامه کیم اولور ایسه اولسون مجدد قیو
آچه یلور

۱۲۱۹ ماده

طریق خاصده حق مروری اولمیان کسه نه مجددا قیو
آچه ماز

۱۲۲۰ ماده

طریق خاص انده حق مروری اولنلرک ملک مشترکاری
کبندر

بناء علیه طریق خاص اصحابندن بریسی سائرینک اذنی
اولدقجه کرک مضر اولسون و کرک اولسون اول طریقده
برشی احداث ایدیه من

۱۲۲۱ ماده

طریق خاص اصحابندن بری سائر اصحاب طریقک اذنی
اولدقجه مجددا بنا ایلدیگی خانه سنک طامله سنی اول
طریقه اقیده ماز

۱۲۲۲ ماده

بر کیمسه طریق خاعده اولان قپوسنی سد ایتمکه حق
مروری ساقط اولماز

بناء علیه صکره کندوسی و خانه سنی صائسه مشتری
تکرار قپوسنی آچه بیلور
۱۲۲۳ ماده

طریق عامدن مرور ایدنلرک کثرت ازدحامدن ناشی طریق
خاصه دخول ایتمکه حقلمی واردر
بناء علیه بر طریق خاص اصحابی بیدنلرنده بالاتقانی اول
طریق خاصی صاته مازلر • و بیدنلرنده تقسیم ایده منزل
واغزینی سد ایلیده منزل

(فصل رابع)

(حق مرور و مجری و مسیل بیاننده در)

۱۲۲۴ ماده

حق مرورده و حق مجراده و حق مسیلده قدمه اعتبار
اولنور

یعنی بونلر قدیمدن اوله کلدیکی وجه اوزره ترك وابقا
اولنورلر

زیرا (۶) ماده حکمنجه قدیم اولان شی حالی اوزره

ابقا اولنور . و خلافتنه دلیل اولدجه تغیر اولماز
 اما شرعه مخالف اولان قدیمه اعتبار یوقدر . یعنی
 فی الاصل نامشروع اولهرق یاپیش اولان شی قدیم
 اولسه ده اکا اعتبار اولنمیوب ضرر فاحشی وار ایسه
 ازاله اولنور (۲۷) مادهیه باق

مثلا بر خانه کچرکابی از قدیم طریق عامه جاری اوله کاسه
 و مارهیه ضرری اولسه قدمنه اعتبار اولنمیوب ضرری
 دفع ایتدیریلور

۱۲۲۵ ماده

برینک عرصه سندن دیکر کسنه نک حق مروری اولدیغی
 حالده عرصه صاحبی آنی مرور و عبور دن منع ایده من
 ۱۲۲۶ ماده

میچک اباحه سندن رجوعه صلاحیتی واردر . و بر ضرر
 اذن و رضا ایله لازم اولماز

بناء علی ذلک بر کسنه دیکرک عرصه سندن حق مروری
 اولدیغی حالده مجرد صاحبینک اذنیله بر مدت مرور
 ایتدکدن صکره صاحبی دیلر سه انی مرور دن منع
 ایده ییلور

۱۲۲۷ ماده

برینک عرصه سندن بر بمر معینده حق مروری اولان

كسسه نك اذنيه صاحب عرصه اول ممر اوزرينه بنا
احداث ايلسه اول كسسه نك حق مروري ساقط اولوب
صاحب عرصه ايله ارتق مخصوصه حق قلماز

(٥١) ماده يه باق

١٢٢٨ ماده

برينك عرصه سندن ديكر كسسه نك خرق ياخود صو
يولي بحق جاري اوله كلوركن عرصه صاحبي قيباعد
اجرا ايتديرم ديو منع ايده من

و بونلر اصلاح و تعميره محتاج اولدوقده ممكن ايسه
صاحبي مجرايه دخول ايله بونلري اصلاح و تعمير ايدر
اما اول عرصه كيرمدكجه تعميرلري ممكن اولمديغي
حاله صاحبي عرصه سنده كيرمكه اذن و برمن ايسه
حاكم طرفندن كندوسنه يا عرصه كه كيرمك اوزره اذن
و ير ياخود سن تعمير ايت ديو جبر اولنور

١٢٢٩ ماده

بر خانه نك ياغور صولري از قديم قومش ونك خانه سنده
آهقه اولديغي حاليه قومشوسي بوندن صكره اقمم ديو
منع ايده من

١٢٣٠ ماده

بر طريقده اولان خانه لك طامله لري از قديم اول طريقه

منصب و اورادن الت طرفنده واقع بر عرصه ایچندن
جاری اوله کلورکن عرصه صاحبی عرصه سنده کی مسیل
قدیمی سد ایده من . سد ایدرسه حاکم طرفندن سدی
رفع ایله وضع قدیمه ارجاع اولور
ماده ۱۲۳۱

کسنه محدث او طه سنک طامله سنی آخرک خانه سنه
اقیده ماز

ماده ۱۲۳۲

برخانه ده حق مسیلی اولان کاریزی خانه صاحبی یاخود
صاقار ایسه مشتریسی کافی السابق اققدن منع ایده من
ماده ۱۲۳۳

برخانه دن بحق جاری اولان کاریز طولوب یاخود
یاریلوبده خانه صاحبنه ضرر قاحش اولسه کاریزک
صاحبی بوضرری دفعه مجبور اولور

(باب رابع)

(شرکت اباحه بیاننده اولوبیدی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مباح اولوب اولیان شیر بیاننده در)

۱۲۳۴ ماده

صو و اوت و آتش مباحدر . ناس بو اوج شیده
شرکادر

۱۲۳۵ ماده

برالتنده جریان ایدن صولر کیمسه نك ملکی دکادر

۱۲۳۶ ماده

بر شخص مخصوصک سعی و عملی ایله استنباط اولتمش
اولیوبده ناسک انتفاع ایده کلدیکی قویلر بین الناس
مشترک و مباح اولان شیردندر

۱۲۳۷ ماده

دکزر و بیوک کوللر مباحدر

۱۲۳۸ ماده

مملوک اولیان اقهار عامه که مقاسمه یعنی برجامعتک ملکی
اولان مجراره داخل اولیان نهرلردر . بوتلر دخی
مباحدر

نیل و فرات و طونه و طونجه کبی

۱۲۳۹ ماده

انهار مملوکه یعنی بروجه مشروح مقاسمه داخل اولان
نهر لر ایکی نوعدر

نوع اول اول نهر لر در که صوبی بین الشرکا متفرق
و منقسم اولور فقط انلر اراضیسنده تماماً محو اولیوب
بقیه سی عامه یه مباح اولان مفازلره یعنی قیرلره جریان
ایلر

بوقبیلدن اولان نهر لر من وجه عام اولدیغندن بونلره
دخی نهر عام دینلور بونلرده دخی شفعه جاری اولماز
نوع ثانی نهر خاصدر که صوبی اشخاص معدود منک
اراضیسنده متفرق و منقسم اولور . و اراضیلرینک نهایتنه
وارنجه محو اولوب بر مفازیه منفذی اولماز . ایشته
شفعه انجق بونوعده جاری اولور

۱۲۴۰ ماده

بر کیمسه نك اراضیسنده نهرک کتوردیکی چامور انک
ملکیدر . دیگر کیمسه اکا تعرض ایده من

۱۲۴۱ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اولتر مباح اولدیغی

کې برکیمه نك ملكنده سبييتی اولقسزین خدای نابت
اولان اولتر دخی مباحدر

اما بوخصوصده اول کیمه نك تسبی اولسه شویله که
اراضیسی سقی ایتسه یاخود اطرافنه خندق چورمک
کې بروجهله نبات ایچون اعداد و تهیه ایلسه اول
اراضیده حاصل اولان نباتات کندوسنک مالی اولور .
آخر کسنه انلردن برشی الهمز . الو بده استهلاك ایدرسه
ضامن اولور

۱۲۴۲ ماده

اوت . ساقی اولیان نباتات اولوب اشجاره شامل
اولماز

منتار دخی اوت حکمنده در

۱۲۴۳ ماده

جبال مباحده یعنی کسنه نك ید تملکینه کچمامش اولان
طاغلرده کی خدای نابت اغاجلر مباحدر

۱۲۴۴ ماده

برکیمه نك ملكنده خدای نابت اولان اغاجلر کندوسنک
ملکیدر . انک اذنی اولدجه بشقه سی انلری احتطاب
ایده مز . ایدرسه ضامن اولور

۱۲۴۵ ماده

بر کیمسه بر اغاجی آشیله سه آشی قلندن سورن فلیر لر
کندوسنک ملکی اولدیغی کبی میوه لری دخی انک
اولور

۱۲۴۶ ماده

بر کیمسه نک نفسیچون اکدیکی تخمک هر در او حاصلاتی
کندی مالیدر کمنه طرفندن تعرض اولنه ماز

۱۲۴۷ ماده

آو مباحدر

(فصل ثانی)

(مباح اولان شیرک کیفیت استملا کی بیاننده در)

۱۲۴۸ ماده

اسباب تملک اوچدر . برنجیسی بیع و هبه کبی ملکی
بر مالکدن دیگر مالکده ناقلدر . ایکنجیسی ارث کبی
بر کمنه نک دیگره خلف اولسیدر . اوچنجیسی مالکی
اولیان بر مباح شیئی اله کچور مکدر . بودخی یا حقیقیدر
که اول شیئه حقیقه وضع ید ایلکدر یا خود حکمیدر که
یاغوز صوبی بر کدیر مک ایچون بر قاب قویق و آو ایچون
طوزاق قورمق کبی سببی تهینه ایله اولور

۱۳۴۹ ماده

هر کیم که مباح اولان شیئی احرار از ایلر سه اکا مستقلا
مالک اولور

مثلا بر کیمسه نك دستی یا خود فوچی کبی بر قاب ایله بر
نهر دن الدیغی صواول قاب ایچنده محرز و محفوظ اولمغله
اول کیمسه نك مالی اولور . بشقه سنك اندن انتفاعه
صلاحیتی یوقدر . وصاحبنك اذنی اولقسزین بشقه سی
اخذ واستهلاک ایدر سه ضامن اولور

۱۳۵۰ ماده

احرازك قصده مقرون اولسی لازمدر
بناء علیه بر کیمسه یا غمور صویب المی قصدیله بر محله
بر قاب قویدقده اول قاب ایچنده طوپلانان یا غمور
صویب اول کیمسه نك مالی اولور . كذلك صو بر کدر مک
ایچون انشا اولنان حوض و صهر یجده کی صو صاحبنك
مالیدر . اما بر کیمسه نك بغیر قصد بر محله وضع ایتدیکی
قاب دروننده بر یکن یا غمور صویب کندوسنك مالی اولماز .
بشقه بر کیمسه نه آنی اخذ ایله استملاک ایده بیلور (۲)
مادهیه باق

۱۳۵۱ ماده

صویب احرار زده ارقه سی منقطع اولمق شرطدر

بناء عليه ایچندن صوصیران قوییده کی صومحرز اولماز .
 صاحبی اباحه ایتکسزین دیگر کسنه اویله بر قوییده
 صیرونده مجتمع اولان صوی اخیذ واستهلاک ایلسه ضمان
 لازم کلز

وکذا صوی متابع الورد اولان یعنی بر طرفدن نقدر
 صو چیقارسه دیگر طرفندن او قدر صو کیرن حوضلرده کی
 صو محرز دکدر

۱۲۵۲ ماده

خدایی نابت اولئر طویلامغله و بیچوب دمت ایتکله احراز
 اولمش اولور

۱۲۵۳ ماده

جبال مباحده خدایی نابت اولان اغاجلری کیم اولورسه
 اولسون احتطاب ایده بیلور . و مجرد احتطاب ايله
 یعنی طویلامغله انلر مالک اولور . باغلامق شرط دکدر

(فصل ثالث)

(مباح اولان شیلرک احکام عمومیه سی بیاننده در)

۱۲۵۴ ماده

مباح ايله هر کس انتفاع ایده بیلور . فقط سائر ضرر
 ویر مامک ايله مشروطدر

۱۲۵۵ ماده

مباح اولان شیئی اخذ و احراز ایتمکدن برکیمسه آخر
کیمسه بی منع ایده من

۱۲۵۶ ماده

صاحبسز یرلرده خدایی نابت اولان اوتلری هر کس
خیواننه یدیره ییلور و انلردن استدیکی قدر اخذ و احراز
ایده ییلور

۱۲۵۷ ماده

برکیمسه نك ملكنده کندوسنك تسبی اولقمسزین خدایی
نابت اولان اوتلر دخی مباح ایسه ده صاحبی کندی
ملکنه آخری دخولدن منع ایده ییلور

۱۲۵۸ ماده

برکیمسه نك جبال مباحه دن طویلا یوبده اوراده بر اقدیغی
اودونلری بشقه سی اخذ ایلسه اول کیمسه استرداد
ایده ییلور

۱۲۵۹ ماده

جبال مباحه ده و صاحبسز وادیلرده و مرعالرده کی
صاحبسز آغاچلرک میوه لرینی کیم اولور سه اولسون
دیوشیره ییلور

۱۲۶۰ ماده

بر کیمسه برینی قبردن اودون طویلامق یاخود آوطوتمق
ایچون استجاره ایتسه اول اجیرک طویلا دیغی اودون
و یا طو تدیغی آو مستأجرک اولور

۱۲۶۱ ماده

بر کیمسه کندی ملکنده آتش یا قسه سائرینی ملکینه
دخول ایله انتفاعدن منع ایده یلور
اما مکسنه نك ملکلی اولمیان صحرا ده بری آتش یا قسه سائر
ناس انکله انتفاع ایده یلور . شویله که انکله ایصینه یلور
وضیاسنده برشی دیکه یلور . واندن قندیلنی یا قه یلور
آتشک صاحبی مانع اوله ماز . فقط صاحبنک اذنی
اولدجه مکسنه اول آتشدن بر قور اله مز

(فصل رابع)

(حق شرب و شفه بیاننده در)

۱۲۶۲ ماده

شرب . اکین و حیوان صولامق ایچون صو ایله
انتفاع ایتک نو بتیدر

۱۲۶۳ ماده

حق شفه . صو ایچمک حق دیمکدر

١٢٦٤ ماده

هر كس هوا و ضيا ايله انتفاع ايلديكي كبي دكلر و بيوك كولار ايله دخی انتفاع ايدە بيلور

١٢٦٥ ماده

مملوك اولميان نهرلردن هر كس اراضي سني سقي ايدە بيلور .
واراضي سني سقي ايتك و دكرمن انشا ايتك اوزره
جدول و خرق آچه بيلور . فقط سائر مضرتي اولماق
شرطدر

بناء عليه صوبي طاشيرو بده خلقه ضرر و يرسه ياخود
نهرك صوبي بتون بتون كسله و ياخود قايقلك سيرينه
مانع اولسه منع اولنور

١٢٦٦ ماده

محرز اولميان صوده چله انسان و حيوانلرك حق شفهي
واردر

١٢٦٧ ماده

انهار مملوكه نك يعنى مجارى مملوكيه داخل اولان صولرك
حق شرعي اصحابنكدر . سائر ينك انلرده حق شفهي
واردر

بناء على ذلك برجاعته مخصوص اولان نهردن ياخود
برينك خرقندن ياقتاتندن ياخود قويسندن بلا اذن

بشقه سی اراضی سی سقی ایده عز • فقط حق شفه سی
اولق حسینله صو ایچه بیلور • و حیوانلرینک کثرتی
حسینله نهرک یاخرقک و یاخود قناتک تخریلندن خوف
اولماز ایسه حیوانلرینی دخی کتوروب صولایه بیلور •
ورده دستی و فوجی ایله صو الوب خانه سنه و باغچه سنه
کوتوره بیلور

۱۲۶۸ ماده

برکیمه نك ملكی دروننده صویی متابع اولور و داولان
برحوض یاخود برقویی و یاخود برنهر اولدیغی حالده
صو ایچمک استیان کسننه ملاکنه دخولدن منع
ایده بیلور

لکن قربنده بشقه ایچه جک مباح صو بولماز ایسه
ملك صاحبی یا اول کیمسه یه صو چیقارمغه و یاخود
کیرو بده صوامسی ایچون رخصت و یرمکه مجبوردر •
و صو چیقارمدیغی تقدیرده اول کسنه نك کیرو بده صو
المغه حق واردر • فقط بشرط السلامه در • یعنی
حوضك یا قوینك و یاخود نهرك کنارینی بوزمق کبی
بر ضرر ایتماسی شرطدر

۱۲۶۹ ماده

بر نهر مشترکده حصه دار اولان کیمسه دیگرلرک اذنی

اولم دقچه اندن دیگر برنهر یعنی جدول و یا خرق آچاماز .
 و قدیم نوبتنی تبدیل ایلیمه من . و کندی نوبتنی اول
 نهر دن حق شربی اولمیان دیگر اراضیسنه سوق ایده من
 و بوشیلره دیگر حصه داران رضا ویرسه لر بعده کندولری
 یاخود وارثلری رجوع ایده یلور لر

(فصل خامس)

(احیاء موات حقننده در)

۱۲۷۰ ماده

اراضی موات . اول یرلر در که کسنه نك ملکی و بر
 قصبه و قریه نك مرعائی یا محتطبی یعنی بالطلغی اولمدیغی
 خالده اقصای عمراندن بعید اوله

یعنی قصبه یا قریه نك الك کسارنده کی خانه لر دن جهیر
 الصوت اولان کیمسه نك صداسی استماع اولنیمه

۱۲۷۱ ماده

عمرانه قریب اولان یرلر اهالی یه مرعی و خرمن یری
 و محتطب اوابق اوزره ترك اولنور . و بو یرلره
 اراضی متروکه دینلور

۱۲۷۲ ماده

بر کیمسه اذن سلطانی ایله اراضی مواتدن بر یری احیا
 و اعمار ایلیمه اکا مالک اولور

واکر سلطان یاخود وکیلی بر کیمسه یه بر یردن مجرد
انتفاع ایدوبده تملک ایتماک اوزره احیاسنه اذن ویرسه
اول کیمسه مأذون اولدیغی وجهله اول یرده تصرف
ایدر • اما اول یره مالک اولماز

۱۲۷۳ ماده

بر کیمسه بر قطعه اراضینک بر مقدارینی احیا ایدوبده
باقیسنی ترک ایتسه احیا ایتدیکی محالره مالک اولوب
باقیسنی انک اولماز

فقط احیا ایلدیکی اراضینک اورته سنده بر مقدار محلی
خالی قالسه اول محل دخی انک اولور

۱۲۷۴ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یری احیا ایتدکدنصکره
دیگر کسنه لر دخی کلوب درت طرفنده کی یرلری احیا
ایتسه لر اول کیمسنه مک یولی اک صکره احیا ایدنهک
اراضیسنده تعین ایدر • یعنی انک یولی اورادن اوور

۱۲۷۵ ماده

تخم اکمک و فدان دیکمک ارضی احیا اولدیغی کی
نطاس ایلک یاسقی ایتک یاخود سقی ایچون خرق و جدول
ایچق دخی احیا در

۱۲۷۶ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر یرک اطرافنه دیوار چکسه
یاخود سیل صوبندن محافظه ایده جک قدر اطرافنی
یو کسلدوبده مسنات یاپسه اول یری احیا ایتش اولور

۱۲۷۷ ماده

طاش یاخود دیکن و یا قوری اغاج دالیری وضع ایدرک
اراضینک جوانب اربعه سنی احاطه ایتک یاخود
اراضینک او تلینی آیقلامق و یاخود ایچنده کی دیکنلری
یا قق و یاخود قوی قازمق اول اراضی بی احیا دیمک
اولیوب انجق تکجیر در

۱۲۷۸ ماده

بر کیمسه اراضی مواتده اولان او تلی یا دیکنلری بیچوب
و اراضینک اطرافنه وضع ایله اوزر لرینه طوپراق دخی
وضع ایدوب انجق سیل صوبینه مانع اوله جق وجهله
مسناتی اتمام ایلسه اول اراضی بی احیا ایتش اولیوب
فقط تکجیر ایتش اولور

۱۲۷۹ ماده

بر کیمسه اراضی مواتدن بر محلی تکجیر ایتسه اوچ سنه
مدت اول یره سائرندن احق اولور . اوچ سنه یه قدر

احیا ایتمز ایسه حق قالماز . واحیا ایتک اوزره بشقه
سنه ویریله یلور

۱۲۸۰ ماده

برکیمسه نك اذن سلطانی ایله اراضیء موآده قازدیغی
قوی گندوسنك ملكیدر

(فصل سادس)

(اراضیء موآده اذن سلطانی ایله حفر اولنان قویلرك)
(واجرا اولنان صولرك وغرس اولنان اغاچلرك)
(حریمی بیانده در)

۱۲۸۱ ماده

قویلنك حریمی یعنی حولیسنك حقوقی هر طرفدن
قرقر ارشوند

۱۲۸۲ ماده

کوزلرك یعنی بریردن چیقاریلوبده صوینی بر یوزنده
جاری اولان منبعلرك حریمی هر طرفدن بشر یوز
آرشوند

۱۲۸۳ ماده

هر وقت آیقلا نغہ محتاج اولمیان نهر کبیرك ایکی طرفدن
حریمی نهرك نصفی قدر در که ایکی طرفده کی حریملرنك
مقداری نهرك عرضنه مساوی اولور

۱۲۸۴ ماده

هر وقت آيقلانغه محتاج اولان نهر صغيرك يعنى خرقلرك
وجدوللرك و برده رالتنده كى قناتك حريملى آيقلاننه جعلمرى
وقت طاشلرىنى و چامورلرىنى طرح والقا ايچون لزومى
قدر یر در

۱۲۸۵ ماده

صوبى یر یوزنده چارى اولان قناتك حريمى كوزلركى
هر طرفدن بشر یوز آرشوندن

۱۲۸۶ ماده

قويلرك حريمى صاحبلىرىنك ملكيدر . بشقه سى انده
بروجهله تصرف ايده من . و بركىسه ديكرىنك حريمنده
قوى قازسه قياتدير يلور
منبعلرك و نهرلرك و قناتك حريملى دخی بووجه
اوزره در

۱۲۸۷ ماده

برقويلينك حريمى قربنده ديكرى اذن سلطانى ايله بر
قوى حقرايتسه سبائر جهتلردن بو قويلينك دخی قرقر
آرشون حريمى اولور . اما اولكى قويلينك جهتمنده
انك حريمه تجاوز ايده من

۱۲۸۸ ماده

برقویینک حریمی خارچنده برکسنه قوی قازوبده اولکی
 قویینک صوی بو قیویه کیتسه برشینی لازم کلز
 ننه کیم برکسنه دیگرک دکانی یاننده دکان آچوبده اولکی
 دکانک اخذ واعطای کاسد اولسه ایکنجی دکان سـ
 اولنه من

۱۲۸۹ ماده

اراضی موآنده اذن سلطانی ایله غرس اولنان اغاجک
 حریمی هر طرفدن بشر آرشوند . بو مسافه دروننده
 بشقه سی اغاج غرس ایده من

۱۲۹۰ ماده

دیگرک عرصه سی ایچنده جریان ایدن خرقک ایکی
 طرفدن صوی طوته جق قدر کنارلری خرق
 صاحبکدر

وایکی طرفدن کنارلری مرتفع ایسه بومرتفع یرلردخی
 کذلک خرق صاحبکدر

و اگر کنارلری مرتفع اولیوبده اوزرلرنده کرک عرصه
 صاحبک و کرک خرق صاحبک مغروس اغاجلری اولق
 کبی برینک ذی الید اولدیغنه دائر بر دلیل دخی بولمز
 ایسه اول حالده بویرلر عرصه صاحبکدر . فقط خرق

صاحبی دخی خرقنی ابقلایه جغی وقت چامورینی ایکی
طرفه طرح و القا ایتکه حق وار در

۱۲۹۱ ماده

برکیمسه نك كندی ملکینده حفر ایلدیکی قویینك حریمی
بو قدر . قومش - وسی دخی انك یاننده و کندی ملکینده
دیگر بر قوی حفر ایلده یلور . و اول کیمسه بنم قویینك
ضوینی جذب ایدر دیو قومشوسنك قوی حفر ایتسنه
مانع اوله مز

(فصل سابع)

(احکام صیده دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۲۹۲ ماده

كرك مزراق و تفنك كبی آلات جارحه ايله و كرك آغ
و طوزلق كبی شیلرله و كرك معلم كلب كبی آزیلی حیوانلر
و معلم طوغان كبی یرتیجی قوشلر ايله او طوتمق جائزدر

۱۲۹۳ ماده

صید یعنی آوانساندن متوحش اولان بیانی حیواندر

۱۲۹۴ ماده

حیوانات اهلیه صید اولمیدیگی کبی انسان ايله مأنوس
اولان بیانی حیوانلر دخی صید اولماز

بناء علی ذلك امثالی دلائیلہ یبانی اولمدیغی معلوم اولان
 کوکرجین یاخود ایاغنده زیل اولان طوغان و بوینده
 طاسمه برلنان کیک طوتلنه لقطه قیلندن اولوب صاحبی
 ظهورنده ویرمک اوزره طوتان کیمسه نیک انی اعلان
 ایتمی لازم کلور

۱۱۹۵ ماده

صیدک انشاندن تمتنع اولمی یعنی ایاقلربله یاخود قنادلریله
 صاوشوب قورتیله بیله جک حالدہ بولغمی لازمدر
 قاچوب قورتیله میه جق حاله دوچار اولسه مثلاً برکیک
 برقوی به دوشسه حال صیدیدن چیقمش اولور

۱۲۹۶ ماده

کیم که برآوی حال صیدیدن چیقاررسه انی طوتمش
 اولور

۱۲۹۷ ماده

آو طوتانکدر

مثلاً برکیسه برآوه آتوبده انی قاچوب قورتیله میه جق
 صورتده جرح ایلسه اکا مالک اولور . اما خفیفجه
 یعنی قاچوب قوتیله بیله جک صورتده جرح ایتکله اکا
 مالک اولیوب دیگر کیمسه انی اورمغله یاخود دیگر
 صورتله طوتسه اکا مالک اولور

و کذا بر کیمسه بر آوی لوروب دوشور دکنصکره اول
 آو قالقوبده قج-ارکن دیگر کسنه انی اخذ ایله استملاک
 ایده بیلور

۱۲۹۸ ماده

ایکی صیادک قورشونلری بردن بر آوه اصابت ایلمسه
 اول آو ایکینتی بیننده مناصفة مشترک اولور

۱۲۹۹ ماده

ایکی کیمسه کلب معلمین صالیویروبده ایکیمی بر آوه
 اصابت ایتمسه اول آو صاحبلی بیننده كذلك مشترک
 اولور. و اگر هربری بر آو طوتسه هر برینک طوتدیغی
 آو صاحبینک اولور

کذلك ایکی کیمسه کلب معلمینی صالیویروبده بری آوی
 دوشورمش و دیگری اولدرمش اولدیغی صورتده اگر
 اولکیمسینک کلبی انی قاچوب قورتیلمیه حق حاله کتورمش
 ایسه اول آو انکدر

۱۳۰۰ ماده

بر کیمسه ننگ خر قنده یا جدولنده اولامقسنزین طوتیلمه فاز
 اولان بالقری دیگر کسنه صید ایله استملاک ایده بیلور

۱۳۰۱ ماده

بر کیمسه صو کنارنده صید ماهی ایچون بریر تهیه ایدرک

اورایه بر چوق بالی کلوده صو ازله رق اول بالقلر
اوله مغه محتاج اولمق سزین طوتیله بیلور اولسه اول بالقلر
اول کیمسه نك اولور

اما اول محله صویك کثرتندن ناشی بالقلرک طوتلمسی
اولامغه محتاج اولسه بوبالقلر اول کیمسه نك اولمیوب دیگر
کسنه انلری صید ایله استملاک ایده بیلور
۱۳۰۲ ماده

بر کیمسه نك خانه سنه بر آو کیرونده انی طوتمق ایچون قپوسنی
سد ایلسه اکا مالک اولور

اما قپوسنی سد ایله احراز ایتدن اکا مالک اولمیوب دیگر
بر کسنه اول آوی طوتیورسه اکا مالک اولور
۱۳۰۳ ماده

بر کیمسه صید ایچون بر محله آغ و طوزاق کبی برشی وضع
ایدوبده بر آو طوتلمسه اول کیمسه نك مالی اولور
فقط بر کیمسه آغنی قوریمق ایچون بر محله سرونده اکا
بر آو طوتیلیورسه انک مالی اولماز

نه کیم بر کیمسه نك اراضیسندن کی چقوره دوشن آوی
دیگر کسنه اخذ ایله استملاک ایده بیلور • اما اول اراضی
صاحبی اول چقوری صید ایچون حفر ایتش ایسه اول
آوه سائرندن احق اولور (۱۲۵۰) ماده یه باقی

۱۳۰۴ ماده

بریبانی حیوان بر کیمسه نك باغچه سنده بووه یا مغله
ویمور طله مغله انك مالی اولماز . دیگر بر کیمسه انك
یمور طله لرینی یا خود یا وریلرینی اخذ ایدیورسه باغچه
صاحبی استرداد ایده من

فقط اول کیمسه باغچه سنی یبانی حیوان کلوبده یمور طلاق
ویا وریلماق ایچون تهیه ایتش ایه کلوب یمور طلایان و
یا وریلایان حیوانلرک یمور طله لری ویا وریلری کیندوسنك اولور

۱۳۰۵ ماده

بر کیمسه نك باغچه سنده مکان اتخاذایدن آریلرک یاپدیغی
بال اول باغچه نك منافعندن معدود اوله رق اول کیمسه نك
مالیدر . کسینه اكا تعرض ایده من . یالکزیبت الماله
عشرینی ویرمی لازم کاور

۱۳۰۶ ماده

بر کیمسه نك قواننده مجتمع بولن ان آریلر مال محرزعد
اولور . بونلرک بالی دخی اول کیمسه نك مالیدر

۱۳۰۷ ماده

برینك قوانندن چیقان اوغل آریسی دیگرک خانه سنده
قونوبده خانه صاحبی اخذ ایلسه قوان صاحبی انی
استرداد ایده یلور

(باب خامس)

نفقات مشترکه پیاونده اولوب ایکی فصلی حاویدر (

(فصل اول)

اموال مشترکه ننگ تعمیراتی و دیگر بعض مصارفاتی (

(پیاونده در)

۱۳۰۸ ماده

رملک مشترک تعمیر و ترمیمه محتاج اولدوقده صاحببری

حصه لرینه کوره بالاشترک تعمیر ایدولر

۱۳۰۹ ماده

حصه دارلردن بری دیگرینک اذنیله کندی مالندن قدر

عروف پاره صرف ایدرک ملک مشترکی تعمیر ایتسه

شارکنه حصه سیله رجوع ایدر

منی مصرفدن مشارکنک حصه سنه هر نه اصابت ایدر سه

نی اندن الور

۱۳۱۱ ماده

تحتاج تعمیر اولان ملک مشترکک صبا حارلرندن بری غائب

ولوبده دیگرکی اتی تعمیر ایتک ایستدکده حاکمن اذن

ور

حاکمک اذنی غائب اولان حصه دارک اذنی مقامنه قائم

لور

یعنی حاضر اولان حصه دار اذن حاکمه اول ملک
مشرکى تعمیر ایتدکنده غائب اولان مشارکنندن اذن المش
حکمنده اوله رق مصرفدن حصه سیله اکار جوع ایدر

۱۳۱۱ ماده

برکیمسه مشارکنندن و حاکدن استینان ایتمکسزین ملک
مشرکى خود بخود تعمیر ایلسه متبرع اولور
یعنی مصرفدن مشارکنک حصه سنه اصابت ایدن مقداری
اندن آله ماز اول ملک مشترک کرک قابل قسمت اولسون
و کرک اولسون

۱۳۱۲ ماده

برکیمسه قابل قسمت اولان ملک مشترکى تعمیر ایتک
ایستیوبده مشارکى امتناع ایتیشیکن خود بخود تعمیر ایلسه
متبرع اولور

یعنی مشارکنه حصه سیله رجوع ایده مز
واکر اول کیمسه مشارکنک بووجهله امتناعی اوزرینه
حاکمه مراجعت ایتسه (۲۵) ماده به مبنی تعمیره ج
اولنه ماز . فقط جبرا تقسیم اولنه یلور . وبعد القسم
اول کیمسه کنایه حصه سنده ایستدیکنى یا پار

۱۳۱۳ ماده

دکرم و حرام کى قابل قسمت اولیان بر ملک مشترک

تعمیرہ محتاج اولغله صاحبزلندن بری تعمیر ایتک استیوبده
 مشارکی امتناع ایتسه حاکم اذنیله کندی طرفندن قدر
 معروف پاره صرف ایدرک تعمیر ایلر . و مصارف
 تعمیریهدن مشارکنک حصده سنه اصابت ایدن مقدار پاره
 کندوسنک اندن اله جغی اولور . و اول ملک مشترکی
 ایجار ایله اجر تندن اشبو اله جغنی استیفا ایده بیلور
 و اگر حاکدن استیذان ایتمکسزین تعمیر ایتیش ایتسه نقدر
 صرف ایتدیکنه باقلمیوب انجق بنانک وقت تعمیرده کی
 قیمتندن مشارکنک حصده سنه اصابت ایدن مقداری
 روجه مشروح استیفا ایده بیلور

۱۳۱۴ ماده

بویله دکرمن و حمام کی قابل قسمت اولیان ملک مشترک
 بالکلیه منهدم اولوبده عرصه صرفه قالدیغی حالده
 صاحبزلندن بری بنا ایتمک ایتسیوبده دیگری امتناع
 ایتسه بنایه جبر اولنمیوب عرصه سی تقسیم اولنور

۱۳۱۵ ماده

فوقانیسی برینک و تحتانیسی دیکرک ملکی اولان ابنیه
 منهدم یا محترق اولسه هر بری کافی السابق ابنیه سی
 یاپار . احد هما آخره مانع اوله ماز

و فوقانی صاحبی تحتانی صاحبہ سن ابنہ کی یاب کہ
 اوزرینہ بندہ ابنہ می یابہ می دیوبده تحتانی صاحبی امتناع
 ایتکله فوقانی صاحبی حاکم دن اذن الہرق تحتانی
 و فوقانی ابنہ بی انشا ایتدکده تحتانی صاحبی حصہ
 مصرفنی و برنجیہ دک انی تحتانیدہ تضرعدن منع ایدر
 ۱۳۱۶ مادہ

ایکی قومشو بیندہ کی حائط مشترک اوزرندہ طرفینک
 کوشک و کیرش او جلری کبی جوله لری اولدیغی حالده
 حائط منهدم اولوبده برینک امتناعی اوزرینہ دیکری
 بنا ایلسہ مشارکی مصرفنک نصفنی تأدیہ ایدنجیہ دک
 انی اول حائط اوزرینہ جوله وضعندن منع ایدر
 ۱۳۱۷ مادہ

ایکی خانہ بیندہ دیوار منهدم اولوبده برندن دیکرینک
 متر نسوان اولان محلی کورینور اولدیغی جهتلہ برینک
 صاحبی مشترکا دیواری بنا ایتک استدیکی حالده دیکرینک
 صاحبی امتناع ایلسہ بنایہ جبر اولماز . فقط تحتہ دن
 یاخود سائر نسوان دن بالاشتراک بینلرندہ بر سترہ اتخاذ
 ایتلری ایچون حاکم طرفندن جبر اولنور
 ۱۳۱۸ مادہ

ایکی قومشوسی بیندہ مشترک اولان دیواره و هن کلوبده

سقوطندن خوف اولمغله بری نقضنی ایستدیکي حالدہ
دیگری امتناع ایلسه بالاشترک نقض وهدم ایتک اوزره
جبر اولنور

۱۳۱۹ ماده

ایکی صغیر یاخود ایکی وقف بیننده مشترک اولان بر عمار
تعمیرہ محتاج اولوبده حالی اوزره ابقامی مضر اولدیغی
حالدہ ایکی وصیدن یاخود ایکی متولیدن بری تعمیر ایتک
ایستیوبده دیگری امتناع ایلسه تعمیرہ جبر اولنور

مثلا ایکی صغیرک خانه لری بیننده بر مشترک دیوار اولوبده
سقوطندن خوف اولنهرق برینک وصیسی تعمیر ایتک
ایستدیکي حالدہ دیگرینک وصیسی ابا ایلسه جانب حاکدن
برامین آدم ارسال ایله نظر اولنور. فی الواقع دیوارک
حالی اوزره ترکی تقدیرنده صغیرلر حقنده ضرر اوله جغی
معلوم اولورسه ابا ایدن وصی دیگر وصی ایله مشترکا
مال صغیردن اول دیواری تعمیر ایتک اوزره جبر اولنور
کذلک ایکی وقف بیننده مشترک اولان بر خانه تعمیر محتاج
اولوبده متولیلردن بری تعمیر ایتک ایستدیکي حالدہ
دیگری امتناع ایلسه مال وقفدن تعمیر ایتک اوزره حاکم
طرفندن جبر اولنور

۱۳۲۰ ماده

ایکی کشتی بیننده مشترک بر حیوان اولوبده بریسی آتی
بسیلکدن ابا ایتیمکه دیکری حاکمه مراجعت ایتسه حاکم
ابا ایدن حصه داره یا حصه کی صسات و یا خود مشترکا
حیوانی بسله دیو امر ایدر

(فصل ثانی)

(نهر و مجر الرک کری و اصلاحی حقننده در)

۱۳۲۱ ماده

مملوک اولیان نهرک کری و اصلاحی یعنی آیقلا نسی بیت
المال اوزرینه در و اکر بیت المالك وسعتی یوق ایتسه
انی آیقلامق اوزره ناسه جبر اولنور

۱۳۲۲ ماده

مملوک اولان نهر مشترک آیقلا نسی اصحابی یعنی حق
شربی اولنلر اوزرینه در • حق شفه اصحابی مؤنت
کری و اصلاحده تشریک اولنه ماز

۱۳۲۳ ماده

حق شرب اصحابندن بعضیلری نهر مشترکی تطهیر ایتک
ایستیوبده بعضیلری ابا ایتدیکی صورتده نظیر اولنور
اگر نهر عام ایتسه ابا ایدن کیمسه سائر لرله بالاشتراک
ایقلامق اوزره جبر اولنور (۲۶) ماده یه باق

وا کر نهر خاص ايسه آيقلامق ايستيانلر حاكمك اذنيه
اول نهري آيقلايوب امتناع ايدن كيسه مصرفدن
حصه سنه اصابت ايدن مقداري ايفا ايدنجيه دك اني اول
نهر ايله انتفاعدن منع ايدرلر

۱۳۲۴ ماده

حق شرب اصحابك كافه سي نهر مشتركي آيقلامقدن
امتناع ايتدكلى صورتده كذلك نهر عام ايسه آيقلامق
اوزره كندولرينه جبر اولنور واکر نهر خاص ايسه جبر
اولماز

۱۳۲۵ ماده

كرك مملوك اولميان و كرك مملوك اولان نهر عامك كسارنده
بر كيسه نك يري اولوبده صو ايچمك ونهري اصلاح
ايتك كبي احتياجات ايچون بشقه يول اولمديغي حالده
عامه اول يردن مرور ايدم يلور . صاحبي مانع
اولدماز

۱۳۲۶ ماده

نهر مشترك مؤنت كرى واصلاحى يوقارودن باشلار .
وابتدا جمله حصه دارلر بونده متشارك اولورلر . واک
اوست طرفده كى حصه دارك اراضيسيندن كچلدكده

او خلاص اولور و هکذا اشاغیسنه قدر اینر • زیرا
غرامت غنیمته کوره در (۸۷) ماده یه باقی

مثلا اون کشی بیننده مشترک اولان بر نهر آیقلا نه جق
اولدقده اک اوست طرفنده کی حصه دارک نهایت
اراضیسنه قدر اولان قطعه سنک مصارفی جله سنک
اوزرینه واندن صکره طقوزی اوزرینه وایکنجیسنک
اراضیسی دخی چکادکده سکزی اوزرینه تقسیم ایدیلور •
صکره ده بوسیاق اوزره کیدیلور واک اشاغیده کی
حصه دار جله سنک مصرفنده مشارک اوله رق اک صکره
کندو حصه سنی یالکز یاپار بوجه تله اک یوقاروده کی
حصه دارک مصرفی جله سندن آز واک اشاغیده کی
حصه دارک مصرفی جله سندن زیاده اولور

۱۳۲۷ ماده

کاریز مشترکی آیقلامق مؤنتی اشاغیدن باشلار
شویله که اک اشاغیده کی حصه دارک عرصه سنده کی حصه
کاریزک مصرفنده جله سی حصه دار اولور واندن
یوقارو چیقلدقده اول حصه دار خلاص اولور و هکذا
برر برر خلاص اوله رق اک یوقاروده کی حصه دار کندی
حصه سنی یالکزجه یاپار بوجه تله اک اشاغیده کی

حصه دارك مصرفی جله سندن از واك يوقاروده كي
 حصه دار مصرفی جله سندن زیاده اولور
 ماده ۱۳۲۸

طریق خاصك تعمیری دخی کاریز کی اشاغیدن باشلار .
 واغزی یعنی مدخلی اشافی منتهاسی یوقارو عد و اعتبار
 اولور . واغزنده بولسان حصه دار یالکز کندی
 حصه سنده عائد اولان مصارف تعمیری ده مشارك اولور
 و منتهاسنده اولان حصه دار هر برینك حصه مصارفنده
 مشارك اولدقدن بشقه کندی حصه سنی یالکز کندی
 یاپار

(باب سادس)

(شرکت عقد بیاننده اولوب التی فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(شرکت عقدك تعریف و تقیمی بیاننده در)

ماده ۱۳۲۹

شرکت عقد . ایکی یا زیاده کیمسه لر بیننده سرمایه
 وفائده سی مشترک اولوق اوزره عقد شرکتن عبارتدر
 ماده ۱۳۳۰

شرکت عقدك رکنی لفظا یا خود معنی ایجاب و قبولدر

مثلاً بر کیمسه دیگر کیمسه یه شو قدر غروش سرمایه ایله
 اخذ و اعطا ایتک اوزره سنکله شریک اولدم دیوبده
 دیگری دخی قبول ایتدم دیسه لفظاً ایجاب و قبول ایله
 شرکت منعقد اولور . و اگر بریسی دیگرینه بیک
 غروش و یروب و بونک اوزرینه سنده بیک غروش قوی
 و مال اشترا ایت دیوبده دیگری دخی انک دیدیکی کبی
 یاپسه معنی قبول ایتش اولغله شرکت منعقد اولور

۱۳۳۱ ماده

شرکت عقد . ایکی قسمة تقسیم اولنور . شو یله که
 شریکرا اگر بینلرنده مساوات تامه اولق شرطیله عقد
 شرکت ایدرک سرمایه شرکت اوله ییله جک مالارینی
 شرکتته ادخال ایتدکاری حالده مقدار سرمایه لری
 و ر بحدن حصه لری متساوی اولورسه شرکت مفاوضه
 اولور

نته کیم بر کیمسه وفات ایدوبده اوغلاری پدرندن قالان
 مجموع اموالی سرمایه اتخا ایدرک هر درلو مال آلوب
 صاتمق و ر بحی بینلرنده مساوات اوزره عقد شرکت
 مفاوضه ایدوبلور فقط بویله مساوات تامه اوزره شرکتک
 وقوعی نادر اولور

واکر مساوات تامه شرط ایدلکمترین عقد شرکت
ایدرلر ایسه شرکت عنان اولور
ماده ۱۳۴۲

شرکت کړك مفاوضه و کړك عنان اولسون یا شرکت
اموال و یا شرکت اعمال و یا خود شرکت و جوهر
شویله که شریکرا کر اورتیه سرمایه اولق اوزره
بر مقدار مال قویوبده برلکده یا خود آرو آرو و یا خود
مطلقا اخذ و اعطا ایتک و حاصل اوله حق ربھی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه
شرکت اموال اولور

واکر عملارینی سرمایه ایدوبده آخردن ایش تقبل یعنی
تعهد و التزام ایدرک حاصل اوله حق کسی یعنی اجرتی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه
شرکت اعمال اولور . بوکا شرکت ابدان و شرکت
صنایع و شرکت تقبل دخی دنیلور . نه کیم ایکی درزینک
یا خود بر درزی ایله بزبو یا جینک شریک اولملری کبی
واکر سرمایه لری اولمدیغی حالده کندی اعتبار لر یله
ویره سنی یه مال آلوب صاته رق حاصل اوله حق ربھی
بینلرنده تقسیم ایتک اوزره عقد شرکت ایدرلر ایسه
شرکت وجوه اولور

(فصل ثانی)

(شرکت عقدك شرائط عمومیه سی بیانده در)

ماده ۱۳۳۳

شرکت عقدك هر قسمی و کالتی متضمندر
شویله که شریک کردن هر بری تصرفده یعنی الوب
صائمده و آخردن اجرتله ایش تقبل ایتکده دیکرینک
وکیلیدر

بناء علی ذلک و کالتده عقل و تمیز شرط اولدیغی کبی
علی العموم شرکته دخی شریکرك عاقل و ممیز اولمیری
شرطدر

ماده ۱۳۳۴

شرکت مفاوضه کفالتی دخی متضمندر
بناء علیه مفاوضرك کفالتله اهلیتیری دخی شرطدر

ماده ۱۳۳۵

شرکت عنان بالکز و کالتی متضمن اولوب کفالتی متضمن
دکلدور

بناء علیه حین عقدنده کفالت ذکر اولمادیغی صورتده
شریکر یکدیکرك کفیلی دکلدور . بوجهتله صبی مأذون
دخی عقد شرکت عنان ایده یلور

اما شرکت عنانك حين عقدنده كفالت ذكر اولنديغي
تقديرده شريكرك يكديكر كفيلى اولور
ماده ۱۳۳۶

شريكرك بيننده ربحك نه وجهله تقسيم اولنده جعى بيان
اولنقى شرطدر • مبهم و مجهول قالورسه شركت فاسد
اولور
ماده ۱۳۳۷

شريكرك بيننده تقسيم اولنده جقى ربحك حصه لرى نصف
و ثلث و ربع كى جزء شايع اوراق شرطدر • شريكركدن
برينه ربحدن مقطوعا شو قدر غروش و برك اوزره
مقاوله اولنسه شركت باطل اولور

(فصل ثالث)

(شركت اموالك شرائط مخصوصه مى يابنده در)
ماده ۱۳۳۸

سرمایه نك نقود قبيلندن اولسى شرطدر
ماده ۱۳۳۹

رائج اولان باقر سكه عرفا نقوددن معدود در
ماده ۱۳۴۰

مسكوك اولميان التون و كومش ايله معامله بين الناس

عرف و عادت ایسه بونلر دخی نقود حکمنده اولورلر .
دکل ایسه عروض حکمنده در لر

۱۳۴۱ ماده

سرمایه نك عین اولسی شرطدر . دین یعنی ذم فاسده
اولان اله جق سرمایه شرکت اوله ماز
مثلا ایکی کیمسه آخر کیمسه ذمتنده اولان اله جقلرینی
سرمایه اتخاذا ایدو بده انك اوزرینه عقد شرکت
ایده منزلر . و برینك سرمایه سی عین و دیگرینك سرمایه سی
دین اولسه ینه شرکت صحیح اولماز

۱۳۴۲ ماده

عروض و عقار کبی نقوددن معدود اولمیان اموال
اوزرینه عقد شرکت صحیح اولماز یعنی بونلر سرمایه
شرکت اوله ماز

مکرکه ایکی کیمسه بویله نقود قبیلندن اولمیان ماللرینی
سرمایه شرکت ایتک استدلکرنده هر بری مالنك نصفنی
دیگرینه صاتو بده اشتراکری حاصل اولدقدن صکره
بو مال مشترکری اوزرینه عقد شرکت ایده بیلورلر

نته کیم ایکی کیمسه مثلیاتدن اولان بر نوع ماللرینی مثلا
برر مقدار بغدادیلرینی بکدیگرینه قارشیدرو بده بیلنرنده
شرکت ملک حاصل اولدقدن صکره اشبو ماز

مخلوطی سرمایہ اتخاذ ایدرک انک اوزرینہ عقد شرکت
ایده بیلور

۱۳۴۳ ماده

برینک بارکیری و دیکرینک آکر طاقی اولوبده بونلری
ایجار ایله حاصل اولان اجرتی بینلرنده تقسیم ایتمک
اوزره شریک اولسهلر شرکت فاسد اولوب اجرت
حاصله بارکیر صاحبنه عائد اولور . و آکر طاقی
بارکیره دخیل و تابع اولغله صاحبی اجرتدن حصه دار
اوله میوب انجق اکرینک اجر مثلنی الور

۱۳۴۴ ماده

برینک دابه سی اوزرینہ دیکری امتعه سنی تحمیل ایله
کز دیروب صاتمق و ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره
شریک اولسهلر شرکت فاسد اولوب حاصل اولان کار
امتعه صاحبنک اولور . دابه صاحبی دخی دابه سنک
اجر مثلنی الور

دکان دخی دابه کبیدرکه بری دیکرک دکاننده امتعه سنی
صا تویده ربجی بینلرنده مشترک اولمق اوزره شریک
اولسهلر شرکت فاسد اولوب امتعه نک ربجی صاحبنه
عائد اولور . دکان صاحبی دخی دکانک اجر مثلنی
الور

(فصل رابع)

(شرکت عقده متعلق بعض ضوابط حقننده در)

۱۳۴۵ ماده

عمل تقویم ایله متقوم اولور . یعنی ایش تعین قیمت ایله
قیمتسور . و بر شخصک عملی دیگر شخصک عملنه نسبتله
دها قیمتلو اوله یلور

مثلا شرکت عنان ایله شریک اولان ایکی کیمسه نك
سرمایه لری متساوی و ایکسینک دخی عمل ایتسی مشروط
اولدییی حالده برینه ربحدن فضله حصه اعطاسی شرط
قیلنسه چاژ اولور . زیرا بریسی اخذ و اعطاسی دها
ماهر و عملی ازید و انفع اوله یلور

۱۳۴۶ ماده

ضمان عمل برنوع عمل در

بناعلیه بر کیمسه دکانه ارباب صنایعدن برینی قویوب
و قبل و تعهد ایلدیکی ایشلری اکا کور دیروبدی حاصل
اوله جق کسی یعنی اجرتی بینلرنده مناصفه تقسیم
ایتمک اوزره عقد شرکت صنایع اینسه لر چاژ اولور .
و دکان صاحبک نصف حصه به استحقاقی انجیق عملی
ضامن و متهد اولمسیله در شو قدر که بونک ضماننده
دکانک منفعتنه دخی نائل اولور

۱۳۴۷ ماده

ربحه استحقاق بعضاً مال یا عمل ایله اولدیغی کبی بعضاً
 دخی (۸۵) ماده حکمنجه ضمان ایله اولور
 نه کیم مضاربده ربحه رب المال مالیه و مضارب عملیه
 مستحق اولور و ارباب صنایعدن بری یاننه برشا کرد
 الوبده تقبل و تعهد ایلدیکی ایشلری نصف اجرتله
 اکا کوردیرسه جائز اولور و کسبک یعنی ایش صاحب لرندن
 النان اجرتک نصفنه اول شا کرد عملیه مستحق اولدیغی
 کبی استاد دخی علی ضامن و متعهد اولسایله نصف
 دیکرینه مستحق اولور

۱۳۴۸ ماده

سالف الذکر امور ثلثه دن یعنی مال و عمل و ضماندن
 ربیسی بولنماز ایسه ربحه استحقاق یوقدر
 مثلاً برکیمسه دیکرینه سن مالکله تجارت ایتده ربی
 بینمزد مشترک اولسون دیسه شرکتی ایجاب ایلز و
 بوصورته حاصل اولان ربحدن حصه اله ماز

۱۳۴۹ ماده

ربحه استحقاق انحق عقد شرکنده ایراد اولنان شرطه
 کوره در . اجرا اولنان ایسه کوره دکدر

بناء عليه عمل ايتنى مشروط اولان شريك عمل ايتسه
بيله عمل ايتش كېى عد اولنور

مثلا شركت صحیحه ايله شريك اولان ايكي كيمسه نك
ايكيسى دخی عمل ايتك اوزره شرط ايدلمش اولديغى
حاله ياكى بريسنى عمل ايدوبده ديكرى بعذر يا خود
بغير عذر عمل ايتسه بيله يكدىكرى وكيلى اولديغىدن
شريكنك عمل ايتسه كندوسى دخی عمل ايتش كېى عد
اولنورق كار بيلنرنده شرط ايتدكارى وجهله تقسيم
اولنور

۱۳۵۰ ماده

شريكار يكدىكرى امينيدر

هر برينك ينده مال شركت وديعه حكمنده در . بلا تعد
ولا تقصير بريسنىك ينده مال شركت تلف اولسه
شريكنك حصه سنى ضامن اولماز

۱۳۵۱ ماده

شركت اموالده سرمايه شريك بيلنده متساو يا خود
متفاضلا مشترك اولور
اما برندن سرمايه ديكرندن عامل اولديغى صورتده اكر
ربحى بيلنرنده مشترك اولمق اوزره مقابله اولنسه
مضاربه اولور . نه كيم باب مخصوصنده كاور

واکر ربحی تماما عاملنه عائد اوله جق ایسه قرض اولور
 واکر ربحك تماما سرمایه صاحبنه عائد اولسی شرط
 ایدیلور سه اول سرمایه عاملك یدنده بضاعه وعامل
 مستبضع اولور

مستبضع ایسه وکیلی متبرع حکمنده اولدیغندن کار و
 زیان تماما مال صاحبنه عائد اولور
 ماده ۱۳۵۲

شریکاردن بری فوت یا خود جنون مطبق ایله مجنون
 اولسه شرکت منفسخ اولور
 فقط شریکار اوج یا زیاده اولدیغی صورتده شرکتك
 انفساخ یا لکز فوت یا مجنون اولان حقنده اولوب
 دیگرلرک بیننده شرکت باقی قالور
 ماده ۱۳۵۳

شریکاردن برینك فسخیله شرکت منفسخ اولور
 فقط انك فسخنی دیگرک بیلمسی شرطدر . برینك فسخ
 ایلدیکی دیگرینك معلومی اولدجه شرکت منفسخ اولماز
 ماده ۱۳۵۴

شریکار فسخ شرکت ایدوبده نقود موجوده برینك
 و ذمده اولان اله جق دیگرینك اولق اوزره اقتسام
 ایتیلر قسمت صحیح اولماز

بوصورته نقود موجوده دن بری نه قبض ایسه دیکری
 ۱ کا مشارک اولور • ذمده کی اله جق دخی بینلرنده
 مشترک قالور (۱۱۲۳) ماده یه باق

۱۳۵۵ ماده

شریکاردن بری مال شرکتدن بر مقدارینی الویده اعمال
 ایدرکن مجهلا فوت اولسه ترکه سندن شریکنک حصه سی
 استیفا اولنور (۸۰۱) ماده یه باق

(فصل خامس)

(شرکت مفاوضه بیاننده در)

۱۳۵۶ ماده

فصل ثانیده بیان اولندیغی اوزره مفاوضلر یکدیگرک
 کفیلیدر

بناء علیه برینک اقراری کندی حقنده فصل نافذ اولورسه
 شریکی حقنده دخی اوله جه نافذ اولور

وبری دین اقرار ایتدکده مقرله هر قنغیسندن ایسترایسه
 مطالبه ایدر و بیع و شرا و اجاره کبی شرکت جاری اولان
 معاملاتدن طولایی مفاوضلردن برینه هر نه درلو بورج
 ترتب ایدر ایسه دیکرینه دخی لازم اولور

و برینک صائدیغی شی عیله دیکرینه رد اولنه بیلدیکی

سکې برينک اشترا ايلديكى شىي ديكري عييله رد
ايدە بيلور

۱۳۵۷ ماده

مفاوضلردن برينک کندويه واهل و عياله الديغى
ما کولات و البسه و سائر حوايج ضروريه کندوسنکدر
شريکنک انده حق يوقدر

فقط بايع بونلرک ثمننى دخى بحسب الکفاله شريکندن
مطالبه ايدە بيلور

۱۲۵۸ ماده

شرکت اموالده مفاوضلرک مقدار سرمايه لرى وربحدن
حصه لرى متساوى اولمق شرط اولديغى کي برينک
سرمايه شرکندن فضله سرمايه شرکت اوله بيله جک
مالى يعنى نقودى ياخود نقود حکمنده اولان اموالى
اولماق شرطدر

امابرينک سرمايه شرکندن فضله سرمايه شرکت
اوليه جق مالى يعنى عروض يا عقارى ياخود آخر
کيسنه ذمتنده اله جغى اولسه مفاوضه يه ضرر
ويرمز

۱۳۵۹ ماده

شرکت اعمالده شريکلرک هر برى نصل ايش اولورسه

اولسون تقبل والتزام ايدہ بيلک و علی السوويه علی ضامن
و متعهد و قائده و ضررده و مساوی و برينه شرکت سبيله
نه ترتب ايدرسه ديکری اکا کفيل اولیق اوزره عقد
شرکت ايدرلرسه مفاوضه اولور .

بوصورته هر قنغيسندن اولورسه اولسون اجيرو دکان
اجرتی مطالبه اولنه بيلور

و انلردن آخر برکسنه بر متاع دعوی ايدو بده بریمی
اقرار ایتدکده ديکری انکار ایتسه بيله انک اقراری
نافذ اولور

۱۳۶۰ ماده

ایکی کیمسه ویره سییه مال الوب صائق و مال مشترا
و ثمن ورنجی بیلنلرنده مناصفة مشترک و هر بری ديکرینه
کفيل اولیق اوزره عقد شرکت ایتسه لر شرکت
وجوهک مفاوضه سی اولور

۱۳۶۱ ماده

عقد مفاوضه ده مفاوضه لفظی سويلنمک يا خود
مفاوضه نك چييع شرائطی تعداد اولنمق شرطدر
علی الاطلاق عقد شرکت اولنورسه عنان
اولور

۱۳۶۲ ماده

بر وجه بالا بنو فصلده مذکور اولان شرطلردن بریسی
بولنسه مفاوضه عنانه منقلب اولور

مثلا شرکت اموالده مفاوضلردن برینک یدینه ارث ایله
یا هبه طریقیله بر مال کچدکده اکر نقود کی سرمایه
شرکت اوله یله جک مال ایسه مفاوضه عنانه منقلب
اولور . اما عروض و عقار کی سرمایه شرکت
اولیان مال ایسه مفاوضه یه ضرر ویرمز

۱۳۶۳ ماده

شرکت عنانک صحتی ایچون هر نه که شرط ایسه
مفاوضه نک صحتی ایچون دخی شرطدر

۱۳۶۴ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولانلر تصریفه هر نه یاپه یلور
ایسه مفاوضلر دخی اتی یاپه یلور

(فصل سادس)

(شرکت عنان حقنده اولوب اوج مجتبی حاویدر)

(مجتبی اول)

(شرکت امواله دائر اولان مسائل بیانده در)

۱۳۶۵ ماده

شرکت عنان ایله شریک اولنلرک سرمایه لری متساوی

اولی - قی شرط دکدر • برینک سرمایہ سی دیکرینک
 سرمایہ سندن دها زیادہ اولہ بیلور • وهر بریسی بالجله
 نقدلرینی سرمایہ یه ادخال ایتکه مجبور اولمیوب ماللرینک
 مجموعی یا خود برر مقداری اوزرینه عقد شرکت ایدہ بیلور •
 بوجهتله سرمایہ لرندن فضله سرمایہ شرکت اولہ بیلہ جک
 ماللری مثلا نقدلری اولہ بیلور

۱۳۶۶ ماده

عموم تجارت اوزرینه عقد شرکت جائز اولدیغی کبی
 خاصه برنوع تجارت اوزرینه مثلا ذخیره تجارتی اوزرینه
 ذخی عقد شرکت اولنه بیلور

۱۳۶۷ ماده

شرکت صحیحده ربک نوجهتله تقسیمی شرط ایدیلور
 ایسه هر حالده اول شرطه رعایت اولنور

۱۳۶۸ ماده

شرکت فاسدهده ریح وفائده سرمایہ لک مقدارینه کوره
 تقسیم اولنور • شریکلردن برینه فضله شرط ایدلش
 ایسه اکا اعتبار اولنماز

۱۳۶۹ ماده

بلا تعد ولا تقصیر وقوعه کلان ضرر و زیان هر حالده

سرمایه لرك مقدارينه كوره منقسم اولور . ديكر وجهله
شرط ايدلسه اكا اعتبار اولماز
۱۳۷۰ ماده

سرمایه لرك كرك متساوی و كرك متفاضل اولسون
شريكار كاری بينلرنده سرمايه لرينك مقدارينه كوره
تقسيم ايتك اوزره شرط ايتسه لرك صحيح اولور . و كار
بينلرنده شرط ايتدكاری وجهله سرمايه لرينك مقدارينه
كوره تقسيم اولنور . كرك ايكي سنك دخي عمل ايتسي
شرط اولنسون و كرك يالكز برينك عمل ايتسي شرط
قيلنسون . شوقدر وار كه يالكز برينك عمل ايتسي
مشروط اولديغي تقديرده انك ينده ديكر ك سرمايه سي
بضاعه حكمنده اولور

۱۳۷۱ ماده

شريكار ك سرمايه لري متساوی اولديغي حاليده برينه
ربحدن فضله حصه مثلاً ربحك ثلثانی شرط ايدلسه
ايكي سنك دخي عمل ايتسي مشروط اولديغي تقديرده
شرکت صحيح و شرط معتبر اولور

(۱۳۷۵) ماده يه باق

اما يالكز برينك عمل ايتسي مشروط اولديغي تقديرده
نظر اولنور . عمل اكر ربحدن حصه سي زياده اولان

شريك اوزرينه شرط ايدلمش ايسه كذلك شركت صحيح و شرط معتبر اولور . و اول شريك ماليله سرمايه سنك ربخنده و عمليه فضله سنه مستحق اولور فقط انك يندنه شريكك سرمايه سي مال مضارب به حكمنده اوله رق مضارب به شبيه بر شركت اولور

و عمل اكر ربخدن حصه سي آز اولان شريك اوزرينه شرط ايدلمش ايسه جائز اوليوب ربح يندلمرنده سرمايه لر ينك مقدارينه كوره تقسيم اولنور

زيرا ربح اكر شرط ايتدكاري وجهله تقسيم اولنسه عامل اوليان شريكك اله جعي فضله مال و عمل و ضماندن برشي مقابل اولماز ربخه استحقاق ايسه انجق بواور ثلثه دن بريله در (۱۳۴۷) و (۱۳۴۸) ماده لره باق ۱۳۷۲ ماده

شريكك سرمايه لري متفاضل مثلا برينك سرمايه سي يوز بيك و ديكرينك سرمايه سي يوز اللى بيك غروش اولديغي حالده ربخك يندلمرنده مساوات اوزره تقسيبي شرط اولنسه سرمايه سي آز اولان كيمسه نك سرمايه سنه نسبتله ربخدن فضله حصه المسى شرط ايدلمش ديمك اوله چغندن شريكك سرمايه لري متساوي اولديغي حالده برينه ربخدن فضله شرط ايدلمش كي اولور

بناء عليه ابكيمينك ياخود ربحدن حصه سی زیاده یعنی
 سرمایه سی آز اولان شریکت عمل ایتمی شرط ایدلمش
 ایسه شرکت صحیح و شرط معتبر اولور . و اگر
 یالکز ربحدن حصه سی آز یعنی سرمایه سی چوق
 اولان شریکت عمل ایتمی شرط ایدلمش ایسه جائز
 اولیوب کار پیلرنده سرمایه لری مقدارینه کوره تقسیم
 اولنور

۱۳۷۳ ماده

شریکلرک هر بری مال شرکتی کرک پشین پاره ایله و کرک
 ویره سی یه اوله رق از و چوق بها ایله صاته پیلور
 ۱۳۷۴ ماده

شریکلردن قنغیمبی اولور ایسه اولسون یدنده شرکتک
 سرمایه سی اولدیغی حالده پشین پاره ایله و ویره سی یه
 مال اشترا ایده پیلور

فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدر ایسه الدیغی مال
 کندوسنک اولوب شرکتک اولماز
 ۱۳۷۵ ماده

شریکلردن بری یدنده شرکتک سرمایه سی اولدیغی
 حالده شرکت ایچون مال اشترا ایده من . ایدر سه
 اول مال کندوسنک اولور

ماده ١٣٧٦

شریک کردن بری تجارتلری جنسندن اولمیان بر شیبی کندو
پاره سیله اشترا ایتدکده اول مال کندوسنک اولوب
شریکی اندن حصه مند اولماز

اما بریسنک یدنده شرکتک سرماییه سی وار ایکن
تجارتلری جنسندن اولان بر مالی کندی پاره سیله اشترا
ایتسه بیله شرکتک اولور

مثلا قاشجیلیق ایتک اوزره عقد شرکت ایدن ایکی کسنه دن
بری کندو پاره سیله برآت السه کندوسنک اولوب شریکی
اول آتیه حصه دار اولماز . اما بر قاش السه شرکتک
اولور و آلور ایکن بن قاشی کندم ایچون البورم شریکمک
بونده حصه سی یوقدر دیوا اشهاد ایتسه بیله مفید اولیوب
اول قاش شریکیله بیلرلنده مشترک اولور

ماده ١٣٧٧

حقوق عقد انجق عاقده عائددر

بناء علیه شریک کردن برینک اشترا ایلدیکی مالی قبض ایله
ثمنی تأدیه ایتک یا لکز انک اوزرینه لازم اولور . بو
جهتله برینک اشترا ایلدیکی مالک ثمنی انجق اندن مطالبه
اولنوب شریکندن مطالبه اولنه ماز . و کذا شریک کردن
برینک صاندیغی مالک ثمنی قبض ایتک انجق انک

حقیق در بوجهتله مشـتری ثمنی دیگرینه ویرسه یالکز
 ثمنی قابض اولان شریکک حصه سندن بری اولوب
 عاقد اولان شریکک حصه سندن بری اولماز .
 وینه بوجهتله عاقد اولان شریکک صاندیغی مالک ثمنی
 قبضه آخر برکیمسه بی توکیل ایتسه شریکی انی عزل
 ایده مز . اما بیع و شرا و اجاره ایچون شریکلردن
 برینک توکیل ایتدیکنی دیگر شریکی عزل ایده بیلور
 ماده ۱۳۷۸

عیب ایله رد دخی حقوق عقددن اولمغله شریکلردن
 برینک اشترا ایلدیکی مالی دیگری عیب ایله رد ایده مز .
 و برینک صاندیغی مال عیب ایله دیگکینه رد
 اولمه ماز

ماده ۱۳۷۹
 شریکلردن هر بری مال شرکتی ایداع و ابضاع ایده بیلور .
 و مضاربیه ویره بیلور . و عقد اجاره ایده بیلوب
 مثلا مال شرکتی حفظ ایچون دکان و اجیر استیجار
 ایده بیلور

اما شریکینک اذنی اولمدقجه مال شرکتی کندو مالیه
 خلط و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده مز . ایدوبده

مال شرکت ضایع اولسه شریکنک حصه سنی ضمان
اولور

۱۳۸۰ ماده

شریکلردن بری دیگرینک اذنی اولدقجه مال شریکندن آخر
کسنه یه اقراض ایده ماز اما شرکت ایچون استقراض
ایده یلور . و بری هر نقدر آقچه استقراض ایدر ایسه
بالا شترک شریکنک دخی بورجی اولور

۱۳۸۱ ماده

شریکلردن بری امور شرکت ایچون آخر دیاره کیتدکده
مصرفنی مال شریکندن الور

۱۳۸۲ ماده

شریکلردن هر بری دیگرینه رأیکله عمل ایت یاخود
دیلدیککی یاپ دیهرک شرکت ایشنی یکدیگرک رأینه
تفویض ایتسه هر بری توابع تجارتدن اولان ایشلمری
یاپه یلور

شویله که مال شرکتی رهن شرکت ایچون ارتهان
و مال شرکت ایله سفر و مال شرکتی کندی مالیه خلط
و آخر کسنه ایله عقد شرکت ایده یلور

اما مالی اتلاف و بغیر عوض تملیک خصوصلرینی
شریکنک اذن صریحی اولدقجه یاپه من

مثلاً شریکنک اذن صریحی اولمدهجه مال شریکشدن
کسینه یه اقراض و هبه ایده مز

۱۳۸۳ ماده

شریکاردن بری دیگرینی مال شریکته آخر دیاره کیمه
یاخود ویره سی یه مال صائمه دیونهی ایتمشیکن دیگری
دکلی و بده آخر دیاره کیمسه یاخود ویره سی یه مال
صائمه واقع اولان ضرردن شریکنک حصه سی
ضامن اولور

۱۳۸۴ ماده

شرکت عضانک معامله لرنده شریکاردن برینک بوج
اقرار ایتسی دیگرینه سرایت ایتز
شویله که اول دینک انجق کندو عقد و معامله سی ایله
اولدیغنی اقرار ایتش ایسه تمامی کندوسنک ایضا ایتسی
لازم کلور

واکر شریکیله برلکده اجرا ایلدیکی معامله دن طولایی
بر بوج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه نصفنی ادا ایتسی
لازم اولور

واکر انجق شریکنک اجرا ایلدیکی بر معامله دن طولایی
بوج اولدیغنی اقرار ایتش ایسه برشی لازم کلر

(بحث ثانی)

(شرکت اعماله دائر اولان مسائل پیاونده در)

ماده ۱۳۸۵

شرکت اعمال ایش تقبل ایتـك اوزره عقد شرکـتدن
عبارتدر

شویله که اجیر مشترکـر مستأجرین طرفندن طلب
وتکلیف اولنان عملك ایفاسنی تقبل یعنی تعهد والتزام
ایتـك اوزره عقد شرکـت ایدرلر . ضمان عملده
كرك متساوی و كرك متفاضل اولسونلر . یعنی
كرك علی علی التـساوی متعهد وضامن اولمق
شرطیله عقد شرکـت ایلسونلر و كرك عملك مثلاً ثلثنی
برسی اوزرینه و ثلثانی دیـكـری اوزرینه شرط
ایلسونلر

ماده ۱۳۸۶

شریکـردن هربری ایش تقبل و تعهد ایده بیلور
بری تقبل ایدوبده دیـکـری عمل ایتـك دخی جائز اولور
و شرکـت صنایع ایله شرکـك اولان ایکی درزینك بری
متاعی قبول ایله کسوب بیچمك و دیـکـری دیـکـمك دخی
جائزدر

۱۳۸۷ ماده

ایش تقبل ایتمکده شریکری یکدیگرک وکیلیدر
 بوجهتله برینک تقبل ایلدیکی ایشک ایفاسی هم کندوسنه
 وهمده شریکینه لازم کاور

بناء علی ذلک ضمان عملده شرکت اعمالک عنانی مفاوضه
 حکمنده در که شریککردن برینک تقبل ایلدیکی ایشک
 ایفاسنی مستأجر هر قنغیسندن ایسترایسه مطالبه ایدر
 وشریککردن هر بریسی اول ایشی ایفای مجبور اولور
 بریسی بو ایشی شریکم تقبل ایتش بن قارشم ديه من

۱۳۸۸ ماده

اقتضای بدل خصوصنده دخی شرکت اعمالک عنانی
 مفاوضه حکمندهدر

یعنی شریککردن هر بری مستأجر دن تمام اجرتی مطالبه
 ایده بیلور مستأجر دخی هر قنغیسنه ویرسه بری اولور

۱۳۸۹ ماده

شریککردن بری تقبل ایلدیکی ایشی بالذات ایفایه مجبور
 دکلدر . دیلرسه کندوسی یاپار و دیلرسه شریکینه یاخود
 دیگر برینه یاپدیرر

فقط مستأجر اکر بالذات انک عمل ایتسنی شرط

ایدرسه اول حالده کندنوسنک یا پیسی لازم کلور

(۵۷۱) ماده باق

ماده ۱۳۹۰

شریکار کسی شرط ایتدکاری وجهله تقسیم ایدرلر
یعنی متساویا تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه مساوات
اوزره تقسیم ایدرلر . واکر متفاضلا مثلا ثلث وثلثان
وجهله تقسیم ایتک اوزره شرط ایتشلر ایسه ایکیلی برلی
اوله رق تقسیم ایدرلر

ماده ۱۳۹۱

عملده تساوی وکسبده تفاضل شرط ایدلسه جائز
اولور

مثلا شریکار متساویا عمل ایتک وکسبی ایکیلی برلی اوله رق
تقسیم ایتک اوزره شرط ایتسلر جائز اولور . زیرا
برسی صنعتده دها ماهر و عمل دها ایی اوله یلور

ماده ۱۳۹۲

شریکار ضمان عمل ایله اجرت مستحق اولورلر
بناء علیه بری مریض اولوق یا بر طرفه کیتک ویا خود
بوش طور مق کبی بر وجهله ایشلیو بده یا لکز شریکی
ایشلسه حاصل اولان کسب واجرت ینه شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولور

۱۳۹۳ ماده

شریک کردن برینک صنعیله ممتاز جرفیه تلف یاسقط اولسه
 دیگر شریکیله بالاشترک ضامن اولورلر
 و ممتاز جرفیه قنغیسنه ایسترایسه تضمین ایتدیرر
 و بوزیان شریکار بیننده مقدار ضمانه کوره تقسیم اولنور
 مثلاً ایشی مناصفة تقبل و تعهد ایتک شرطیله عقد شرکت
 ایتشلر ایسه زیان دخی یاری یاری به تقسیم اولنور
 و اگر ثلث و ثلثان و جهله عمل تقبل و تعهد ایتک اوزره
 عقد شرکت ایتشلر ایسه زیان دخی ایکیلی برلی اوله رق
 تقسیم اولنور

۱۳۹۴ ماده

تقبلده و عملده مشارک اولمق اوزره حاللرک عقد شرکت
 ایتسی صحیحدر

۱۳۹۵ ماده

دکان برینک و آلات و ادوات دیگرینک اوله رق ایکی
 کشی تقبل عمل ایتک اوزره عقد شرکت ایتسلر صحیح
 اولور

۱۳۹۶ ماده

برندن دکان و دیگرندن عمل اولمق اوزره ایکی کشی عقد
 شرکت صنایع ایتسلر صحیح اولور (۱۳۴۶) ماده به باقی

۱۳۹۷ ماده

برينك بر استری و دیگر ينك بر دوه سی اولوبده انترله
 حوله نقلنی متساویا تقبل و تعهد ایتک اوزره عقد
 شرکت اعمال ایتسه لر صحیح اولور . و حاصل اولان
 کسب و اجرت بینلرنده مناصفة تقسیم اولنور . دوه
 یوکنک زیاده اولسنه باقماز . زیرا شرکت اعمالده
 شریکار ضمان عمل ایله بدله مستحق اولور لر

اما تقبل عمل اوزرینه عقد شرکت اولنمیوبده استر و دوه یی
 عینا ایجار ایتک و حاصل اولان اجرتی بینلرنده تقسیم
 ایتک اوزره شریک اولسه لر شرکت فاسد اولوب
 استر و دوه دن قنغیسی ایجار اولنور ایسه اجرتی صاحبده
 عائد اولور . فقط دیگری تحمیل و نقلده اکا اعانه ایتش
 ایسه عملنک اجر مثلنی الرر

۱۳۹۸ ماده

بر کیمسه کندوسنک عیالنده بولنان اوغلیله برلکده اوله رق
 اجرای صنعت ایسه کسبک کافه سی اول کیمسه نک اولور
 و اوغلی معین صایپاور

نته کیم بر کیمسه اغاج غرس ایدرکن عیالنده اولان اوغلی
 اکا اعانه ایتسه اغاج اول کیمسه نک اولوب اوغلی اکا
 مشارک اولماز

(بحث ثالث)

(شرکت وجوه دار اولان مسائل بیانده در)

۱۳۹۹ ماده

شریکلرک مال مشتراده علی التساوی حصه دار اولمری
شرط دکلدور

مثلا الدقلری مال بینلرنده نصفیت اوزره اوله بیلدیکی
کبی ایکیلی برلی اولوق دخی جائز اولور

۱۴۰۰ ماده

شرکت وجوه دار ربحه استحقاق انجق ضمان ایله در

۱۴۰۱ ماده

مال مشترانک ضمان ثمنی شریکلرک مال مشتراده کی حصه لرینه
کوره در

۱۴۰۲ ماده

شریکلردن هر برینک مال مشتراده حصه سی نقدر ایسه
ربحدن حصه سی دخی او قدر اولور

واکر برینه مال مشتراده کی حصه سندن فضله شرط
ایدلینه شرط لغو اولور

وربح بینلرنده مال مشتراده کی حصه لرینه کوره تقسیم اولنور
مثلا الدقلری اشیانک بینلرنده یاری یه اولمسینی شرط

اید رلر ایسه ربح دخی یاری یاری یه اولور
واکر ایکیلی برلی اولمق اوزره شرط ایدرلرسه ربح دخی
ایکیلی برلی اولور

اما الدقلری اشیانک نصفیت اوزره اولسی مشروط
اولدیغی حالده ربك ثلث وثلثان وجهله تقسیمنی شرط
ایتسدر بوشروطه اعتبار اولغیوب ربح بینلرنده مناصفه
تقسیم اولنور

۱۴۰۳ ماده

ضرر و زیان هر حالده شریکک مال مشتراده کی حصه لینه
کوره تقسیم اولنور . عقد شرایه کرک برلنکده مباشرت
ایتسونلر و کرک یالکیز بریسی مباشرت ایلسون

مثلا شرکت وجوه ايله شريك اولان ایکی کیمسه اخذ
واعطالرنده متضرر اولدقلری صورتده اکر مال مشترا
بینلرنده نصفیت اوزره اولمق شرطیله عقد شرکت ایتشلر
ایسه ضرر و زیان دخی مساوات اوزره تقسیم اولنور .

واکر مال مشتراده ثلث وثلثان وجهله حصه دار اولمق
شرطیله عقد شرکت ایتشلر ایسه ضرر و زیان دخی ایکیلی
برلی اوله رق تقسیم اولنور . ضرر ایتدکاری مالی
کرک برلنکده صاتون السونلر و کرک بریسی شرکت ایچون
صاتون المش اولسون

(باب سابع)

(مضارب به حقنده اولوب اوج فصلی حاویدر)

(فصل اول)

(مضارب به نك تعريف و تقسیمی بیانده در)

ماده ۱۴۰۴

مضارب به • بر طرفدن سرمایه و دیگر طرفدن سعی و عمل
اولمق اوزره بر نوع شرکتدر • سرمایه صاحبنه
رب المال و عامله مضارب دینلور

ماده ۱۴۰۵

مضارب به نك رکنی ایجاب و قبولدر
مثلا رب المال مضارب به شو و سرمایه بی آل ربجی بینزده
یاری یاریه یا خود ایکیلی برلی تقسیم اولمق اوزره
مضارب به سعی و عمل ایت دیسه یا خود شو پاره لری آل
و سرمایه ایت ربجی بینزده شو نسبت اوزره مشترک
اولسون دیمک کبی مضارب به معناسنی افاده ایدر بر سوز
سویله و مضارب دخی قبول ایله مضارب به منعقد اولور

ماده ۱۴۰۶

مضارب به ایکی قسمدر • بری مضارب به مطلقه • و دیگری
مضارب به مقیده در

۱۴۰۷ ماده

مضاربه . مطلقه . زمان و مکان و برنوع تجارت ايله
 و بايع و مشترى يى تعيينله مقيد اوطيان مضاربه در
 و بونلردن بريله تقيد اولنورسه مضاربه مقيده اولور
 مثلا فلان وقت يا فلان يرده يا خود فلان جنس مال آل
 صات و يا خود فلان كيمسه لر ايله يا فلان بلده اهالي سيله
 آلس و يرش ايت ديسه مضاربه مقيده اولور

(فصل ثانى)

(مضاربه نك شروطى بيانده در)

۱۴۰۸ ماده

رب المالك توكيه و مضاربك و كالته اهلي تلى شرطدر

۱۴۰۹ ماده

رأس المالك سرمايه شركت اوله ييله جك مال اولمى
 شرطدر . (باب شركت عقدك فصلى ثالثه باق)

بناء على ذلك عروض و عقار ايله ذم ناسده اولان
 آله جق مضاربه ده رأس المال اوله ماز

فقط رب المال اكر عروضدن برشى و يرونده بونى صات
 و ثمنيله مضاربه عمل ايت ديسه و مضارب دخى قبول
 و قبض ايدرك اول مالى صاتوب و بدلى اولان نقودى

سرمایه ایدو بده آتش ویزش ایلسه مضار به صحیح
اولور

کذلک فلانک ذمتده آله جـ غم اولان شو قدر غروشی
قبض ایتده مضار به یولنده قوللان دیسه و اودخی قبول
ایتسه صحیح اولور

۱۴۱۰ ماده

سرمایه نك مضار به تسلیم اولنسی شرطدر

۱۴۱۱ ماده

شرکت عقد کبی مضار به ده دخی رأس المالك معلوم
اولنسی و عاقدینک ربحدن حصه لری نصف و ثلث کبی
بر جزء شایع اوله رق تعیین ایدلنسی شرطدر

فقط علی الاطلاق شرکت تعبیر اولنسه مثلاً ربخی بینزده
مشارك اولسون دینلسه مساواته مصروف اولور
و رب المال ایله مضارب بیننده ربج یاری یاریه تقسیم

اولنور

۱۴۱۲ ماده

بالاده خذ کور اولان شرطلردن بری بولنسه مثلاً عاقدینک
حصه لری جزء شایع اوله رق معین اولمیوبده برینه ربحدن
شو قدر غروش ویرلک اوزره قطع و تعیین اولنسه
مضار به فاسد اولور

(فصل ثالث)

(مضارب به نك احكامی بیاتنده در)

۱۴۱۳ ماده

مضارب امیندر . انك یدنده سرمایہ ودیعه حکمنده در
وسرمایه ده تصرف ایتسی جهتله رب المالک وکیلدر .
وکار ایدرسه انده شریك اولور

۱۴۱۴ ماده

مضارب بهء مطلقه ده مضارب مجرد عقد مضارب به ایله
مضارب به نك لوازم وتفرعاتندن اولان ایشلری یا پیغه
مأذون اولور

شویله که اولا صاتوب کار ایتک ایچون مال اشترا
ایده ییلور . فقط غبن فاحش ایله مال اشترا ایدرسه
کندوسی ایچون المش اولور . مضارب به حسابنه داخل
اولماز

ثانیاً کرک پشین پازه ایله و کرک ویره سی به اوله رق
آز و چوق بهما ایله مال صاته ییلور . فقط بین التجار
عرف وعادت اولدیغی مرتبه مهلت ویره ییلور یوخسه
بین التجار معروف اولمیان اوزون مدت ایله مال صاته ماز
ثالثاً صاتدیغی مالک ثمننی حواله قبول ایده ییلور

رابعاً آخر کسنتی بی بیع و شرایه وکیل ایده بیلور
 خامساً مال مضارب به بی ایداع و ابضاع و رهن و ارتهان
 و ایجار و استیجار ایده بیلور
 سادساً آتش و یرش ایتک اوزره آخر بلده یه
 کیده بیلور

۱۴۱۵ ماده

مضارب به مطلقه ده مال مضارب به بی مضارب کندی مالیه
 قارشدرمغه و مضارب به یه و یرمکه مجرد عقد مضارب به ایله
 مأذون اولماز

فقط مضارب بلك مال مضارب به بی کندی مالاری ایله
 قارشدرملری عادت اولان بلده ده ایسه مضارب به مطلقه ده
 مضارب اكا دخی مأذون اولور

۱۴۱۶ ماده

اكر مضارب به مطلقه ده رب المال مضارب به رأیكه عمل
 ایت دیهرك مضارب به اموری نی انك رأینه تقویض ایلش
 ایسه مضارب هر حالده مال مضارب به بی کندی مالیه
 قارشدرمغه و مضارب به یه و یرمکه مأذون اولور

اما مال مضارب به دن هبه و اقراض ایتکه و سرمایه دن
 زیاده بورج التنه کیرمکه بوصورته دخی مأذون

اولیوب بونلرک اجواسی رب المالک اذن صریحنه
موقوفدر

۱۴۱۷ ماده

مضارب کندى مالیه مال مضارب به بی قارشدردیغی
صورتده حاصل اولان ربیحی سرمایهلرک مقدارینه کوره
تقسیم ایدر

یعنی کندى سرمایهنک قائدهسى کندوسى آاور و مال
مضارب به نک قائدهسى رب المال ایله بیلرلنده شرط ایتدکاری
وجهله تقسیم اولنور

۱۴۱۸ ماده

رب المالک اذنیله مضاربک سرمایهدن زیاده اوله رق
و یرهنسی به الدیغی مال ایکیسی بیلنده شرکت وجوه ایله
مشرتک اولور

۱۴۱۹ ماده

مضارب اگر مضارب به ایشیه بولندیغی بلده دن بشقه
یره کیدرسه قدر معروف مصرفنی مال مضارب به دن آلور
۱۴۲۰ ماده

مضارب به مقیده ده رب المالک قید و شرطی نه ایسه
مضاربک اکا رعایت ایتسی لازمدر

۱۴۲۱ ماده

مضارب اگر مأذونیتك خارجنه چبقار و شرطه مخالفت
ایدر ایسه غاصب اولور و بو حالده ایتدیکی آلس و یرشك
كار و ضرری کند و سنه عائد اولور . و مال مضارب
تلف اولور سه ضامن اولور

۱۴۲۲ ماده

رب المال اگر مال مضارب به ایله فلان محله کیمه یا خود
و یره سی به مال صاتم دیو نهی ایتش- میکن مضارب اكا
مخالفت ایدرك مال مضارب به ایله اول محله کید و ده
مال مضارب به تلف اولسه یا خود و یره سی به مال صاتو ده
پاره سی باتسه مضارب ضامن اولور

۱۴۲۳ ماده

رب المال مضارب به بی بروقت معین ایله توقیت ایتدکده اول
وقتك یکمسیله مضارب به منفسخ اولور

۱۴۲۴ ماده

رب المال مضارب بی عزل ایتدکده عزلی اكا بیلدیر مسی لازم
کلور

مضارب کند و سنك عزله واقف اولنجیه دك واقع اولان
تصرفاتی معتبر اولور

و عزله واقف اولدقدن صکره النده کی نقودده تصرف

ایده مز اما النده نقوددن بشقه مال بولنورسه اتی صاتوب
نقده تبدیل ایده بیلور

ماده ۱۴۲۵

مضارب انجق عملی مقابله سنده ربحه مستحق اولور
عمل ایسه انجق عقد ایله متقوم اولور • بناء علیه عقد
مضاربه ده مضارب به نه مقدار شرط ایدلمش ایسه اکا کوره
ربحدن حصه آلور

ماده ۱۴۲۶

رب المالك ربحه استحقاقی مالی ایله در
بناء علیه مضاربۀ فاسده ده ربحك مجموعی اکا عائد
اولور • ومضارب انك اجیری منزله سنده اولوب
اجر مثل آلور • فقط جین عقده شرط ایتدکری
مقداری تجاوز ایده مز • ورخ یوق ایسه اجر مثله دخی
مستحق اولماز

ماده ۱۴۲۷

مال مضارب به دن برمقداری تلف اولسه اول امرده ربحدن
محسوب اولنوب رأس الماله سرایت ایتدیرلر
واکر ربحك مقدارینی تجاوز ایدوبده رأس الماله سرایت
ایدرسه مضارب اتی ضامن اولماز • مضارب به کرك صحیح
اولسون وکرك فاسد اولسون

۱۴۲۸ ماده

ضرر و زیان هر حالدہ رب الماله عائد اولور . و مضارب
ایله بینلرنده مشترک اولسی شرط ای دیلورسه اول شرطه
اعتبار اولتماز

۱۴۲۹ ماده

رب المال یا مضارب فوت یا خود جنون مطابق ایله مجنون
اولسه مضاربہ منقسخ اولور

۱۴۳۰ ماده

مضارب مجهلا فوت اولسه ترکہ سندن ضمان لازم کلور
(۸۰۱) و (۱۳۵۵) ماده لره باق

(باب ثامن)

(مزارعه و مسافات بیانده اولوب ایکی فصله)

(منقسمدر)

(فصل اول)

(مزارعه بیانده در)

۱۴۳۱ ماده

مزارعه . بر طرفدن اراضی و دیگر طرفدن عمل یعنی
زراعت اوله رق حاصلات بینلرنده تقسیم اولنمق اوزره
بر نوع شرکتدر

۱۴۳۲ ماده

مزارعه نك ركنی ایجاب و قبول در
شویه كه اراضی صاحبی عامله یعنی چفتجی به بوری
حاصلاتدن شو قدر حصه اولق اوزره سكا مزارعه
وجهله و یردم دیوبده چفتجی دخی قبول ایتدم یا راضی
اولدم دیسه یا خود رضاسنه دلالت ایدر برسوزسویسه
ویا خود چفتجی یر صاحبنه بن سـنك یر كده مزارعه
وجهله عمل ایده یم دیوبده اودخی راضی اولسه مزارعه
منعقد اولور

۱۴۳۳ ماده

مزارعه ده عاقدينك مقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی
شرطدكلدر . بناء علیه صبی مأذون دخی عقد مزارعه
ایده بیلور

۱۴۳۴ ماده

زرعك یعنی نه اکیله جكنك تسینی یا خود چفتجی هر نه
دیلسه الكك اوزره تعمیمی شرطدر

۱۴۳۵ ماده

حین عقده چفتجینك حاصلاتدن اولق اوزره حصه سی
نصف وثلث كبی جزء شایع اوله رق تعیین اولنق
شرطدر

واکر حصہ سی تعیین اول نماز یا خود حاصلاتدن بشقہ
برشی ویرلک اوزرہ تعیین قیلنور و یا خود حاصلاتدن
شو قدر کیلہ دیو قطع اول نور ایسہ مزارعہ صحیح
اولماز

۱۴۳۶ مادہ

یرک زرعه صالح اولسی و چفتجی بہ تسلیم ایدلسی شرطدر
۱۴۳۷ مادہ

بالادہ مذکور اولان شرطدرن بری بولنماز ایسہ مزارعہ
فاسد اولور

۱۴۳۸ مادہ

مزارعہ صحیحہ دہ عاقدین فصل شرط ایتدیلر ایسہ
حاصلاتی بینلرنده اولوجهلہ تقسیم ایدرلر

۱۴۳۹ مادہ

مزارعہ فاسدہ دہ حاصلات کاملا تخم صاحبک اولور
دیگری بر صاحبی ایسہ یرینک اجرتنی آلور . واکر
چفتجی ایسہ اجر مثل آلور

۱۴۴۰ مادہ

ا کین یشیل ایکن بر صاحبی فوت اولسہ ا کین یتشجیہ
قدر چفتجی ایشنه دوام ایدر . متوفانک وارثلری ا کا
مانع اولہ ماز

واکر چفتجی فوت اولسه کندوسنک وارشی ائک مقامنه
قائم اولوب دیلر سه ا کین یتشنجیه د کین زراعت ایشنه
دوام ایلر . پر صاحبی اکا مانع اوله ماز

(فصل ثانی)

(مساقات بیانده در)

۱۴۴۱ ماده

مساقات . بر طرفدن اشجار و دیگر طرفدن تربیه اولق
و حاصل اولان میوه بینلرنده تقسیم اولتیق اوزره برنوع
شرکتدر

۱۴۴۲ ماده

مساقات رکنی ایجاب و قبولدر

شوبله که اشجار صاحبی میوه سندن شوقدر حصه
اولق اوزره مساقات وجهیله شو اشجاری سکا ویردم
دیوب عامل یعنی اول اشجاری تربیه ایده جک اولان
کیمسه دخی قبول ایتسه مساقات منعقد اولور

۱۴۴۳ ماده

عاقدینک عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
دکادر

۱۴۴۴ ماده

مزارعه ده اولدیغی کبی عقد مساقاتده دخی عاقدینک

حصه لری نصف و ثلث کبی جزء شایع اوله رق تعیین
اولتمق شرطدر

۱۴۴۵ ماده

اشجارک عامله تسلیمی شرطدر

۱۴۴۶ ماده

مساقات صحیحہ عاقدین بینبرنده شرط ایتدکری وجهله
میوه بی تقسیم ایدرلر

۱۴۴۷ ماده

مساقات فاسده حاصل اولان میوه تماماً اشجار صاحبک
اولور • عامل دخی اجر مثل آلور

۱۴۴۸ ماده

میوه خام ایکن اشجار صاحبی فوت اولسه میوه یتشجیه
قدر عامل ایشنه دوام ایدر • متوقاک وارثلری اکا
مانع اوله ماز

واکر عامل قوت اولسه وارثی انک مقامنه قائم اولوب
دیرسه ایشنه دوام ایدر • اشجار صاحبی اکا مانع
اوله ماز

اراده سنیه تاریخی فی ۱۶ جمادی الاخره سنه ۱۲۹۱

امین الفتوی

ناظر معارف عمومیہ

السید خلیل

احمد جودت

مفتی دارشورای عسکری

قاضی دار الخلافۃ العلیہ

احمد خلوصی

سابقاً سیف الدین

عن اعضاء مجلس تدقیقات

عن اعضاء دیوان احکام

شرعیہ احمد خالد

عدلیہ احمد حملی

— ❧ كتاب الوكالة ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

(موجد پنجه عمل اولنه)

(كتاب حادی عشر)

(وکالت حقننده او اوب بر مقدمه ايله اوج بابی مشتملدر)
(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیاننده در)

۱۴۴۹ ماده

وکالت . بر کیمسه ایشنی بشقه سنه تفویض ایتک واول
ایشده انی کندو برینه اقامه ایتکدر
اول کیمسه یه دوکل و برینه اقامه ایلاریکی کسنده یه وکیل
واول ایشه موکل به دینلور

۱۴۵۰ ماده

رسالت . بر کیمسه تصرفده دخلی اولمشترین بر کسنه نک
سوزینی دیگره تبلیغ ایتکدر
اول کیمسه یه رسول واول کسنده یه مرسل و دیگرینه
مرسل الیه دینلور

(باب اول)

(وکالتک رکن و تقسیمی بیانده در)

۱۴۵۱ ماده

توکیلک رکنی ایجاب و قبولدر

شویله که موکل شو خصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بده
وکیل دخی قبول ایتدم دیسه یاخود قبولی مشعر بشقه
برسوز سویلسه وکالت منعقد اولور کذلک وکیل برشی
سویلیو بده اول خصوصک اجراسنه تشبث ایلسه دلالة
وکالتی قبولی ایتش اولغله تصرفی صحیح اولور

اما بعدالایجاب وکیل رد ایتسه ایجابک حکمی قلماز
بناء علیه موکل بوخصوصه سنی وکیل ایتدم دیو بده
وکیل اوله جق کسینه قبول ایتم دیو رد ایلد کدنصره
موکل بهک اجراسنه مباشرت ایلسه تصرفی صحیح اولماز
۱۴۵۲ ماده

اذن و اجازت توکیلدر

۱۴۵۳ ماده

اجازت لاحقه وکالت سابقه حکمنده در
مثلا برکیمسه فضولی آخرک مالنی صاندقدن صکره مال
صاحبنه خبر ووروب اودخی مجیز اولسه اولجهانی وکیل
ایتش کی اولور

۱۴۵۴ ماده

رسالت وکالت قبیلندن دکلدر

مثلا بر کیمسه یه صراف آچه اقراض ایده جک اولوبده
 او دخی آچه یی کتورمک اوزره خدمتکارینی کوندرسه
 خدمتکار اول کسسه نك رسولیدر یوخسه استقراضه وکیل
 دکلدر

کذلک بر کیمسه نك بر آت اشترا ایتک اوزره جانبازه
 کوندردیکی شخص اول جانبازه فلان کیمسه سندن فلان
 آتی صاتون المق ایستبور دیمسی اوزرینه جانباز دخی
 شو قدر غروشه اولمق اوزره بو آتی اکا صاتم وار اکا
 سو یله و آتی تسلیم ایله دیهرک اول شخصه و یروب او
 دخی منوال مشروح اوزره اول کیمسه یه اتی تسلیم و او
 دخی همان قبول ایتدکده اول کیمسه ایله جانباز بیننده
 بیع منعقد اوله رق اول شخص اره ده مجرد بر رسول
 و واسطه اولور • یوخسه وکیل اولماز

و کذلک بر کیمسه قصابه بنم بازاره کیدوب کلان فلان
 خدمتکاریمه بنم ایچون یومیه شو قدر قیه ات ویر
 دیوب او دخی بو وجهله ویرسه اول خدمتکار افندیسنک
 رسولی اولور وکیل دیمک اولماز

۱۴۵۵ ماده

امر بعضا وکالت و بعضا رسالت قبیلندن اولور
مثلا بر کیمسه نك امر یله خدمتکاری بر تاجردن مال اشترا
ایلد کده اول کیمسه نك شرایه وکیل اولور
اما اول کیمسه بر تاجر ایله بازارلق ایدوبده مالی الوب
کتورمك اوزره خدمتکارینی کوندرسه افندیسنك رسولی
دیمك اولوب یوخسه وکیل اولماز

۱۴۵۶ ماده

رکن توکیل بعضا مطلق اولور
یعنی بر شرطه معلق یا بروقته مضاف یا خود بر قید ایله
مقید اولماز و بعضا شرطه معلق اولور
مثلا فلان تاجر بورایه کلور ایسه بنم شو آتمی صاتمق
اوزره سنی وکیل ایتدم دیوبده اودخی قبول ایتسه وکالت
اول تاجرك کلمسینه معلق اوله رق منعقد اولور • واول
تاجر کلور ایسه وکیل دخی اول مالی صاته بیلور •
والا صاته ماز

و بعضا بروقته مضاف اولور

مثلا نیسان آینده بنم حیوانلریمی صاتمغه سنی وکیل ایتدم
دیوبده اودخی قبول ایتسه شهر نیسان حلولنده وکیل

اولوب همان اولوقت یاخود اندن صکره اول حیوانلری
بالوکاله صاته بیلور اما نیساندن اول صاته ماز
وبعضا برقید ایله مقید اولور
مثلا شوساعتمی بیک غروشه صاتمغه سنی وکیل ایتدم
دیسه وکیل وکالتی انی بیک غروشدن اشافی به صاتمماق
ایله مقید اولور

(باب ثانی)

(شرط وکالت بیانده در)

۱۴۵۷ ماده

موکل موکل به اولان ایشی یا پیغمه مقدر اولسی
شرطدر
بناء علیه صبی غیر ممیز ایله مجنونک توکیلی صحیح
اولماز

وصبی ممیز حقنده هبه و صدقه کبی ضرر محض اولان
ایشلرده ولیسی اذن ویرسه بیه آخری توکیل ایده من
وقبول هبه و صدقه کبی حقنده نفع محض اولان ایشلرده
ولیسنک اذنی اولسه بیه آخری توکیل ایده بیلور
امایع و شرا کبی نفع ایله ضرر بیننده دائر و متردد اولان
تصرفاته اگر اخذ و اعطایه مأذون ایسه بشقه سنی

دخی توکیل ایدہ پیلور • دکل ایسہ توکیل ولسنک
اجازتہ موقوفہ منعقد اولور

۱۴۵۸ مادہ

وکیلک مائل و ممیز اولسی شرطدر • بالغ اولسی شرط
دکدر

بناء علیہ صبی ممیز مأذون اولسہ بیلہ وکیل اولہ پیلور •
فقط حقوق عقد اکا عائہ اولیوب موکلنہ عائہ اولور

۱۴۵۹ مادہ

برکیمسہ بالذات یاہ بیلہ جکی خصوصلر دہ و معاملاتہ دائر
اولان ہر حقک ایفا و استیفاسندہ بشقہ سنی توکیل ایدہ
پیلور

مثلا برکیمسہ بیع و شرا و ایجار و استیجار و رهن و ارتھان
و ایداع و استیداع و ہبہ و اتھاب و صلح و ابراہ و اقرار
و دعوی و طلب شفعہ و قسمت و ایفا و استیفای دیونہ
و قبض مالہ دیگر برکیمسہ دی توکیل ایسہ جائز اولور
فقط موکل بہک معلوم اولسی لازمدر

(باب ثالث)

(وکالتک احکامی بیانده اولوب الی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(وکالتک احکام عمومی سی بیانده در)

۱۴۶۰ ماده

هبه و اعاره و رهن و ایداع و اقراض و شرکت و مضاربده
و عن انکار صلحده و کیلک عقدی موکلنه مضاف
قیلسی لازمدر . موکلنه مضاف قیلماز ایسه صحیح
اولماز

۱۴۶۱ ماده

بیع و شرا و اجاره ده و عن اقرار صلحده و کیلک عقدی
موکلنه مضاف قیلسی شرط دکدر . موکلنه مضاف
قیلنورده نفسنه اضافت ایله اکتفا ایتسی دخی صحیح
اولور . و ایکی صورتده دخی ملکیت انجیق موکلنه
ثابت اولور

فقط عقد اگر موکلنه مضاف قیلنماز ایسه حقوق عقد
عاقده یعنی وکیلله عائد اولور . و اگر موکلنه مضاف
قیلنور ایسه حقوق عقد دخی موکلنه عائد اولور .
و بصورتده وکیل رسول کی اولور

مثلا وکیل بالبيع عقدی موکلنه مضاف قلیوبده نفسنه
 اضافت ایله اکتفا ایدرک موکلنک برمالنی صانتقدہ مبیعی
 مشتری به تسلیم ایتکه مجبور اولور و ثمنی مشتریدن طلب
 و قبض ایده یلور و مال مشتری به بر مستحق چیقوبده بعد
 الحکم ضبط اولنسه مشتری وکیل بالبیعه رجوع ایدر •
 یعنی ویردیکی ثمنی اندن ایستر

و وکیل بالشرا عقدی بو وجهله موکلنه مضاف قلیقمسزین
 اشترا ایلدیکی مالی قبض ایدر و مال مشتری ترانک ثمنی
 موکلندن المسه بیله کندنی مالندن بایعه و یرمک اوزره
 جبر اولنور • و مال مشتری ده عیب قدیم ظهور ایتسه رد
 ایچون وکیلک مخصوصه حق اولور • اما وکیل اگر
 عقدی موکلنه مضاف قلیش ایسه مثلا فلانک طرفندن
 بالو کاله صانتدم یا خود فلان ایچون الدم دیهرک عقد
 بیع ایلش اولسه اولحالده آنفا بیان اولنسان حقوق عقد
 هپ موکله عائد اولور • و بو صورتده وکیل رسول
 حکمنده قالور

۱۴۶۲ ماده

رسالنده حقوق عقد مرسله عائد اولور • رسوله اصلا
 تعلق ایتز

۱۴۶۳ ماده

بيع و شرا و ايفا و استيفای دينه و قبض عينه و كيل اولان
کيمسه نك جهت و کالتدن طولايي مقبوضی اولان مال
کندی ينده وديعه حکمنده در . بلا تعد و لا تقصير تلف
اولسه ضمان لازم کلز

جهت رسالتدن طولايي رسولک ينده کی مال دخی کذلک
و ديعه حکمنده در

۱۴۶۴ ماده

مديون بورجنى دأشه کوندر و بنده قبل الوصول رسول
ينده تلف اولديغي صورتده اکر مديونك رسولی ايسه
مديونك مالندن تلف اولور و اکر دأشك رسولی ايسه
دأشك مالندن تلف اولوب مديون بورجندن بری
اولور

۱۴۶۵ ماده

برکيمسه ايکی کشی يی بردن تو كيل ايتسه و كيل اولدقلى
خصوصده يالکز بریسی تصرف يعنى ايفای و کالت
ايده من

فقط خصوصته يا خود رد و ديعه يه و يا خود قضاء دينه
و كيل ايسه لر يالکز بریسی ايفای و کالت ايده بيلور
اما برکيمسه يی بر خصوصه و كيل ايتد کد نصکره ديکرینی

دخی رأساً او ایشه وکیل ایتدیکی صورتده هر قنغیسی
ایفای وکالت ایتسه جائز اولور
۱۴۶۶ ماده

بر کیمسه وکیل اولدیغی خصوصده بشقه سنی توکیل
ایده من

مکرکه موکل ا کا اذن ویرمش و یا خود رأیکله عمل ایت
دیمش اوله اول حالده وکیل بشقه سنی توکیل
ایده یلور

و بو وجهله وکیلک توکیل ایتدیکی کیمسه موکلک و کیلی
اولور . یوخسه اول وکیلک و کیلی اولماز . حتی
وکیل اولک عزلیله یا خود وقاتیله وکیل ثانی منعزل
اولماز

۱۴۶۷ ماده

ا کر وکالتده اجرت شرط ایدیلوبده وکیل دخی ایفای
وکالت ایلر ایشه اجرتیه مستحق اولور . و اکر شرط
ایدیلوبده وکیل دخی اجرت ایله خدمت ایدر مقوله دن
دکل ایشه متبرع اولوب اجرت ایستیه من

(فصل ثانی)

(شرایه وکالت بیاننده در)

۱۴۶۸ ماده

(۱۴۵۹) ماده نك فقره آخره سی حکمجه وکالتك
ایفاسی قابل اوله جق مرتبه موکل بهك معلوم اولسی
لازمدر

شویله که موکل اش ترا ایتدیره جکی شیئك جنسی بیان
ایتملیدر و جنسك تحتنده اگر انواع متغایره وار ایسه
یا لکز جنسك بیانی کافی اولمیوب نوعی یا خود بهاسنی
دخی بیان ایتك لازم کلور

وا اگر الله جق شیئك جنسی بیان اولنماز ایسه یا خود
جنسی بیان اولنوب انجق تحتنده انواع متغایره اولدیغی
حالده نوعی یا بهاسی تعیین قلمناز ایسه وکالت صحیح
اولماز مکرکه وکالت عامه ایله توکیل ایتش اوله
مثلا برکیمسه بکا برآت آل دیو دیگرینی توکیل ایتسه
وکالت صحیح اولور و برکیمسه اثوابلق قاش آلمق
اوزره برینی توکیل ایده جك اولدوقده جنسی یعنی
چتاریمی المق ایستریوخسه بشقه جنس قاشمی ایستر
بوراسنی بیان ایله برابر شام یا هند قاشی دیو نوعی

یاخود طو پی شو قدر غرو شلق دیو بهاسنی بیان ایتمی
 لازمدر . جنسنی بیان ایتمیو بدیه یالکز بکا بردابه ال
 یاخود قاش آل دیسه و یاخود مثلاً چتاری آل دیو بدیه
 نوعنی یا بهاسنی بیان ایتسه وکالت صحیح اولماز فقط
 بکا برقات رو بالق قاش یاخود چتاری آل هر قنغی جنس
 و یا نوعدن اولور سه اولسون سنک رأیکه مفوضدر
 دیسه وکالت عامه اولوب وکیل قنغی جنس و نوعدن
 ایسترایسه اله یلور

۱۴۶۹ ماده

اصلک یا مقصدک و یاخود صنعتک اختلافیه جنس دخی
 مختلف اولور

مثلاً باموق بزیه کتان بزى اصلار ینک اختلافی سبیلله
 مختلف الجنسدر لر و قبونک یوکی ایله دریسی اختلاف
 مقصد حسبیلله مختلف الجنسدر زیرا دریدن مقصد طلوم
 یایمق اولوب یوک المقدن مقصد ایسه ایپک یا یوب کایم
 طوقومق کبی اکا مغایر اولان خصوصلدر . و شار
 کوی کچه سیله عشاق کچه سی هب یوکدن معمول اولدقلى
 حالده اختلاف صنعت حسبیلله مختلف الجنسدر لر

۱۴۷۰ ماده

وکیل اگر جنسده مخالفت ایدرسه یعنی موکل فلان

جنسیدن برشی آل دیو بده وکیل بشقه برجنسیدن بر مال
آلسه هر نه قدر الدیغی شی دها فائده لو اولسه بیله
موکل حقنده نافذ اولماز یعنی وکیلک الدیغی مال کندو
اوزرنده قالوب موکل ایچون انمش اولماز

۱۴۷۱ ماده

موکل قوج آل دیو بده وکیل دیشی قیون السه موکل
حقنده نافذ اولمیوب النان قیون وکیلک اولور

۱۴۷۲ ماده

موکل بکا فلان عرصه یی آل دیو بده اول عرصه اوزرینه
ابنیه یاپسه اندن صکره وکیل انی بالو کاله الهماز . اما
قلان خانه یی آل دیو بده اول خانه صیوادلسه یاخود
اکا بر دیوار علاوه ایدلسه بو حالدیه وکیل انی بالو کاله
الهیلور

۱۴۷۳ ماده

موکل سوت آل دیو بده نه سسوتی اولدیغنی تصریح
ایتسه بلده ده معروف اولان سوته شحول اولور

۱۴۷۴ ماده

موکل پنج آل دیسه وکیل اولان کیسه چارشوده
صناتیلان هر نوع پرنجیدن الهیلور

۱۴۷۵ ماده

بر کیمسه بر خانه المی ایچ-ون دیکرینی توکیل ایده جک
اولدقده محله سنی و بهاسنی بیان ایتلیدر . بیان ایتمز
ایسه وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۶ ماده

بر کیمسه پر نک اینجو یاخود بر قرمری یا قوت طاشی المی
اوزره برینی توکیل ایده جک اولدقده بهاسی قاج غروشه
قدر اوله جفنی بیان ایتمی لازمدر . ایتمز ایسه وکالت
صحیح اولماز

۱۴۷۷ ماده

مقدارنده موکل بهک مقداری یاخود ثمنی بیان اولنمق
لازمدر

مثلا بغدادی المی ایچ-ون برینی توکیل ایتدکده قاج کیله
اوله جفنی سویلسی یاخود شو قدر غروشلق بغدادی دیو
مقدار ثمنی بیان ایتلسی لازم کلور . بیان ایتمز ایسه
وکالت صحیح اولماز

۱۴۷۸ ماده

موکل بهک وصفی بیان اولنمق لازم دکدر
مثلا اعلی یا اوسط یا ادنی دیو وصفنک بیانی لازم کلز

شو قدر که موکل بهک وصفی موکلک حالنه موافق اولمق
لازمدر

مثلا بر بارکیر کیراجیسی کندوسنه بر بارکیر المق اوزره
برینی توکیل ایتدکده وکیل کیدوبده یکر می بیک غروشلق
بر عرب آتی آله من الور ایسه شراسی موکل حقننده
نافذ اولماز یعنی اول آت موکل ایچون النمش اولمیوب
وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۷۹ ماده

و کالت بر قید ایله تقیید اولندقدده وکیل اکا مخالفت
ایده من ایدر ایسه شراسی موکل حقننده نافذ اولمیوب
الیدیغی مال کندو اوزرنده قالور

فقط موکل حقننده دها فائده لو بر صورتد مخالفت ایدر سه
معنا مخالفت اولنمز

مثلا بر کیسه فلان خانی بی بنم ایچون اونیک غروشه آل
دیدکده وکیل دها زیاده اشترا ایتسه موکل حقننده نافذ
اولمیوب اول خانه کندوسنک اوزرنده قالور اما اونیک
غروشدن اشاغی ایسه موکل ایچون النمش اولور

کذلک ویره سی به آل دیوبده وکیل پشین اقچه ایله السه
اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما پشین اقچه ایله آل
دیوبده ویره سی به السه موکل ایچون النمش اولور

۱۴۸۰ ماده

بر کیمسه اشترا سینه وکیل اولدیغی شیئک نصفنی اشترا
ایتدیکی صورتده اگر اول شیئک تبعیضنده ضرر وار
ایسه شراسی موکل حقنده نافذ اولماز یوق ایسه نافذ
اولور

مثلا بر طوپ قاش آل دیوبده وکیل یارم طوپ السه موکل
حقنده نافذ اولمیوب اول مال وکیلک اوزرنده قالور اما
التي کيله بغدادی آل دیوبده وکیل اوچ کيله السه موکل
ایچون التمش اولور

۱۴۸۱ ماده

موکل بکا بر جبهه لک چوقه آل دیوبده وکیلک الدیغی
چوقه دن جبهه چیقمهسه شراسی موکل حقنده نافذ اولمیوب
اول چوقه وکیلک اوزرنده قالور

۱۴۸۲ ماده

بر شیئک بهاسی بیان اولنمکسزین اشترا سینه وکیل اولان
کسنه اول شیئی قیمت مثلیه سیله آله بیلدیکی کبی غبن یسیر
ایله دخی آله یلور

فقط ات و اکک کبی سعرو قیمتی معین اولان شیلرده
غبن یسیر دخی معفو اولماز

اما غبن فاحش ایله آلورسه هر حالده شراسی موکل

حقنـده نافذ اولمـیوب اول مال کـندوسنک اوزرنـده

قالور

١٤٨٣ ماده

على الاطلاق اشترا نقود ايله اشترا به مصروف اولور
بوصورتنده بر شيتك اشترا سنه وکیل اولان کیمسه انی بر
مالی ايله ترانیه ایتسه موکل حقنـده نافذ اولمـیوب اولشی
وکیلک اوزرنـده قالور

١٤٨٤ ماده

بر موسم مغینده لزومی اولان شیئی المـق ایچون بر کیمسه
دیگرینی توکیل ایتسه اول موسم مصروف اولور
مثلا بر کیمسه بر سهار موسمنده شالی جبه المـق ایچون
برینی توکیل ایتسه اویازین قوللانلق اوزره جبه المـسی
ایچون توکیل ایتش اولور موسم پکـدکـدن صکره یاخود
کله جک سنه نك بهارنده السه موکل حقنـده نافذ اولمـیوب
وکیلک الـدیغی جبه کنـدی اوزرنـده قالور

١٤٨٥ ماده

بر معین شيتك اشترا سنه وکیل اولان کیمسه اول شیئی
کندوسی ایچون اشترا ایدمز واشترا ایدرکن بن بونی
کندم ایچون الدم دیسه بيله کندوسنک اولمـیوب
موکلک اولور

مکرکه موکک تعین ایتدیکی بهادن زیاده و تعین بها
ایتدیکی صورتده غین فاحش ایله اولورسه اول وقت
مال و کیلک اولور

و برده موکل حاضر اولدیغی حالده وکیل بن بونی کندم
ایچون الدم دیرسه اول مال و کیلک اولور
۱۴۸۶ ماده

برکیمسه بکا فلاک آتی آل دیوبده وکیل لا ونعم برشی
سویلمکسزین کیدوب اول آتی اشترا ایتدیکی تقدیرده
اگر آلورکن موکل ایچون آلام دیرسه موکک اولور
واگر کندم ایچون الدم دیرسه کندوسنک اولور
اما یالکز الدم دیوبده کیمک ایچون الدیغنی سویلمکشیکن
صکره دن موکل ایچون الدم دیدیکی صورتده اکر آت
تلف یاخود بر عیب حادث اولمدن دیمش ایسه تصدیق
اولور . و اکر آت تلف یاخود بر عیب حادث اولدقدن
صکره دیمش ایسه تصدیق اولنمز

۱۴۸۷ ماده

برشی المق اوزره برکیمسه یی ایکنی کشی بشقه بشقه
توکیل ایتدیکی صورتده وکیل اول مالی الورکن قنغیسی
ایچون قصد و مراد ایتش ایسه اول مال انک اولور

۱۴۸۸ ماده

وکیل بالشرا کندی مالنی موکل ایچون صائسه صحیح اولماز

۱۴۸۹ ماده

وکیلی الدیغی مالی هنوز موکله تسلیم ایتدن عیننه
مطلع اولسه انی کندولکنندن اوله رق رد ایده یلور
اما موکله تسلیم ایتدکندن صکره انک امر وتوکیلی
اولقسزین رد ایده مز

۱۴۹۰ ماده

وکیل اکرمالی مؤجل اوله رق اشترا ایله موکل حقننه
دخی مؤجل اولوب وکیل انک ثمنی پشین اوله رق طلب
ایده مز

اما وکیل پشین پاره ایله اشترا ایتدکنن صکره بایع ثمنی
تاجیل ایتسه وکیل ثمنی موکلدن بوجه پشین طلب
ایده یلور

۱۴۹۱ ماده

وکیل بالشرا ثمنی کندی مالندن ویرو بده مبیعی قبض
ایتسه موکله رجوع ایده یلور یعنی ویردیکی ثمنی اندن
الهیلور . و مال مشرانک ثمنی هنوز باعه ویرماش
اولسه بیه موکلندن ثمنی طلب و موکل انی ادا ایدنجه دک
مالی حبس وتوقیف ایده یلور

۱۴۹۲ ماده

وکیل بالشرا یدنده مال مشترا قضا را تلف یا ضایع
اولسه موکلک مالندن تلف اولور و ثمنندن برشی ساقط
اولماز

فقط وکیل انی استیفای ثمن ایچون خبس ایدوبده
اول جالده تلف یا ضایع اولسه ثمننی وکیلک ویرمسی
لازمکاور

۱۴۹۳ ماده

وکیل بالشرا موکلک اذنی اولدقجه عقد بیعی اقاله
ایده من

(فصل ثالث)

(بیعه وکالت حقننده در)

۱۴۹۴ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیسه موکلنک مالی
ازہ چوغه یعنی مناسب کوردیکی بها ایله صانه بیلور

۱۴۹۵ ماده

موکل اکر تعیین ثمن ایتمش ایسه یعنی شو قدر غروشه
صات دیمش ایسه وکیل اندن نقصانه صانه ماز
• صانار ایسه بیعی موکلنک اجازتنه موقو فامنعقد اولور •

و خود بخود نقصانده صا تو بده مالی مشتری به تسلیم
ایتدکده موکل ا کا اول مالی تضمین ایتدیره بیلور

۱۴۹۶ ماده

وکیل بالبع موکل مالی کندوسی ایچون اسه صحیح
اولماز

۱۴۹۷ ماده

وکیل بالبع کندو لهنده شهادتلی جائز اولمیانلره موکل
مالی صاته مز مکرکه دکرندن زیاده صاتار ایه
بیعی صحیح اولور

ورده موکل اگر دیلدیک کیمسه صات دیو وکالت
عاده ایله توکیل ایتش ایه اول حالده وکیل انلره دخی
ثمن مثلیله صاتوسی جائز اولور

۱۴۹۸ ماده

علی الاطلاق بیعه وکیل اولان کیمسه موکل مالی
پشین اقچه ایله یاخود اول مال حقننده بین التجار معروف
اولان مدت ایله ویره سی به صاته بیلور . اما عرف
وعادته مخالف بر مدت طویله ایله صاته مز

ورده صراحة یاخود دلالة بروجه پشین صاتمغه وکیل
اولسه ویره سی به صاته مز

مثلا موکل بومالی بروجه پشین صات یاخود شومالی

صاته بورجی ویردیسه وکیل انی ویرهسی به صاته من
۱۴۹۹ ماده

برمالک تبعیضنده ضرر وار ایسه وکیل انک نصفی
صاته من یوق ایسه صاته بیلور
۱۵۰۰ ماده

وکیل ویرهسی به صاتدیغی مالک ثمنی مقابله رهن
یا کفیل اله بیلور . فقط رهن تلف یا کفیل مغلس اولسه
وکیل ضامن اولماز
۱۵۰۱ ماده

موکل رهن ایله یا کفیل ایله صات دیدکده وکیل
بلا رهن و بلا کفیل صاته من
۱۵۰۲ ماده

وکیل بالبع صاتدیغی مالک ثمنی مشتریدن المدیغی
چالده کندی مالندن موکله ادا ایتک اوزره خبر
اولماز
۱۵۰۳ ماده

ثمن مبیعی قبض ایتک وکیل حق اولسه دخی موکل
قبض ایدیورسه صحیح اولور
۱۵۰۴ ماده

وکیل اگر اجرتسز ایسه صاتدیغی مالک ثمنی

استیفا و تحصیل مجبور دکلدر فقط کنند و رضاسیله تحصیل
ایتمیکی تقدیرده موکلنی قبض و تحصیل ثمنه توکیل ایتمی
لازم کاور

اما دلال و سمسار کبی اجرت ایله بیعه وکیل اولان کیمسه
مبیعک ثمنی استیفا و تحصیل مجبوردر
۱۵۰۵ ماده

وکیل بالبیع خود بخود بیعی اقاله ایده بیلور
فقط بو اقاله موکل حقنـده نافذ اولیوب وکیلک موکله
ثمنی ویرمیسی لازم کاور

(فصل رابع)

(مأموره دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۰۶ ماده

برکیمسه بر شخصه یاخود میری به اولان دینی ادا ایتمک
اوزره دیگر کیمسه به امر ایدوبده اودخی کندی مالندن
ایفا ایتمسه صکره آمره رجوع ایدر آمر کرک رجوعی
شرط ایلسون وکرک شرط ایتمسون

یعنی کرک صکره بندن المق اوزره بورجی ویر یاخود
سن ویرده صکره بن سکا ویرهیم دیمک کبی بر تعبیر ایله
مأمورک کندوسنه رجوع ایتمسنی شرط ایلسون وکرک
یا لکز بورجی ویردیمش اولسون

۱۵۰۷ ماده

کندی مالندن مسکوکات مغشوشه ايله ايله ايفاي دینه
 مأمور اولان کیمسه دانه مسکوکات خالصه ویرسه آمدن
 مسکوکات مغشوشه الوز . و مسکوکات خالصه ايله
 ايفاي دینه مأمور اولان کیمسه مسکوکات مغشوشه
 ايله اداء دین ایتسه آمدن مسکوکات مغشوشه الوز
 اما بر دینک اداسنه مأمور اولان کیمسه دانه کندی
 مالی صاتو بده آمرک دینه تقاض ایتسه دینک مقداری
 نه ایهسه آمدن انی آلور . و کندی مالی دانه دکرندن
 زیاده صاتمش اولسه بيله امر مديون اول زیاده بی
 دینندن تنزیل ایتدیره من

۱۵۰۸ ماده

بر کیمسه کندوسی یا خود اهل و عیالی ایچون مصرف
 ایتک اوزره آخر کیمسه امر ایتدکدنصکره مصرفی
 بن و یرهم رجوعی شرط ایتسه بيله اول کیمسه قدر
 معروف مصرفی آمدن الوز

کذلک خانه می یاپدر دیو امر ایدو بده مأمور دخی
 یاپدر دیغی صورته رجوعی شرط ایتامش اولسه بيله
 صرف ایتدیکی قدر معروف مبلغی آمدن الوز

۱۵۰۹ ماده

بر کیمسه فلانه اودونج اچه یاخود بخشش و یاخود صدقه
ویر صکره بن سکا ویرهیم دیو آخر کیمسه یه امرایدوبده
اودخی ویرسه صکره آمره رجوع ایدر

اما صکره بن سکا ویرهیم یاخود صکره بنین آل دیمک
کبی برسوز ایله رجوعی شرط ایتکسزین یالکز ویر
دیدیکی صورتده مأمور اکا رجوع ایده من . شوقدر
وارکه مأمور اگر آمرک عیالنده بولتمق یاخود شریکی
اولمق کبی بر وجهله بومثلاو خصوصلرده آمره رجوعی
عرف و عادت ایسه رجوعی شرط ایتماش اولدیغی
صورتده دخی رجوع ایلر . (۳۶) ماده یه باق

۱۵۱۰ ماده

بر کیمسه نك امری انجق کندی ملکی حقنده جاری اولور
مثلا بر کیمسه شو مالی دکره آت دیوبده مأمور دخی اتی
یشقه سنک مالی اولدیغنی بیلهرک آتسه صاحبی او مالی
اتانه تضمین ایتدیرر مجبر اولدجه آمره برشی لازم کلز

۱۵۱۱ ماده

بر کیمسه بنم شو قدر غروش دینی سن کندی مالندن
ادا ایت دیو آخر کیمسه یه امرایدوب اودخی وعد

ایتد کدنصکره ادادن امتناع ایتسه مجرد وعد ایتش
اولسبیله اول کسنده ادای دینه جبر اولتماز

۱۵۱۲ ماده

آمرک مأمورده الاجنی یاخود امانت اچقه سنی اولو بده
اندن دیننی ادا ایتک اوزره امر ایلسه مأمور ادای
دینه جبر اولنور

اما آمر فلان مالی صماتده دیننی ادا ایت دیدیکی
صورته مأمور اکر وکیل متبرع ایه بیله جبر اولتماز
واکر وکیل بالاجزه ایه اول مالی بیع ایلله آمر دیننی
ادا ایتک اوزره جبر اولنور

۱۵۱۳ ماده

برکیمسه فلان دائمه ویر دیو آخر کسنده به بر مقدار اچقه
ویردیکی صورته آمرک بشقه دائملری اندن حصه المغه
صلاحیتلری اولیبوب مأمور اول اچقه یی انجیق آمرک
امر ایتدیکی دانه ویرر

۱۵۱۴ ماده

برکیمسه بورجنی تأدیه ایتک اوزره بشقه سنه بر مقدار
اچقه ویروبده مأمور هنوز اول مبلغی دانه اعطا
یا ارسال و ایصال ایتدن آمرک فوت اولدیغی معلوم

اولسه اول اچقه آمرک ترکسینه رحعت ایدر • ودائنک
ترکیه مراجعتی لازم کلور

۱۵۱۵ ماده

برکیمسه دائننه ویرمک اوزره آخر کمسنهیه بر مقدار اچقه
ویروب انجق دائننه کی سندیمه ظهریه ایتدجکه ویاخود
علم و خبر المدقه اچقه بی تسلیم ایتد دیو نهی ایتد-میکن
مأمور ظهریه ایتدیر مکسزین علم و خبر المقسزین اچقه بی
دائه ویروب بعدد دائن انی انکار ایتسه و قبضی اثبات
اولنه میوبده تکرار اول پاره بی آمردن السه آمر انی
مأموره تضمین ایتدیر

(فصل خامس)

(خصوصته یعنی مرافعهیه وکالت حقننده در)

۱۵۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیه دن هر بری دیل دیکنی خصوصته توکیل
ایده پیلور دیگرینک رضاسی شرط دکلدر

۱۵۱۷ ماده

خصوصته وکیل اولان کیمسه نک موکلی علیه دن اقراری
اگر حضور حاکمه ایتسه معتبر اولور • حضور حاکمه
دکل ایتسه معتبر اولماز • وکندوسی وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۸ ماده

بر کیمسه آخری خصومه توکیل ایدو بده کندی علیهنه
اقراری استثنا ایلمسه جائز اولور

بوصورته موکلک علیهنه وکیلک اقراری صحیح اولماز
(۱۴۵۶) ماده نك فقره اخیره سنه باق

و بویله اقراره مأذون دکل ایکن حضور حاکمه اقرار
ایتدیکی صورتده وکالتدن منعزل اولور

۱۵۱۹ ماده

خصومه وکالت قبضه وکالتی مستلزم اولماز
بناء علیه دعوی وکیلی قبضه دخی وکیل دکل ایسه
محکوم به اولان مالک بالوکاله قبضنه صلاحیتی اولماز
۱۵۲۰ ماده

قبضه وکالت خصومه وکالتی مستلزم اولماز

(فصل سادس)

(عزل وکیلله دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۲۱ ماده

موکل وکیلنی وکالتدن عزل ایده بیلور
فقط غیرک حق تعلق ایتمش ایسه عزل ایده من
ته کیم بر مدیون مالی رهن ایدو بده حین عقد رهنده

باخود صکره دن دینک وعده سی حلوانده رهنی صاتمق
 اوزره برینی توکیل ایتدیکی صورتده مرتهنک رضاسی
 اولدجه موکل راهن او وکیلی عزل ایده من
 کذلک مدعینک طلبی اوزرینه مدعی علیه برینی خصوصته
 توکیل ایتدکده مدعینک غیابنده انی عزل ایده من
 ماده ۱۵۲۲

وکیل کندینی وکالتدن عزل ایده یلور
 فقط بر وجه بالا غیرک حقی تعلق ایتمش ایسه عزل
 ایده میوب ایفای وکالته مجبور اولور
 ماده ۱۵۲۳

موکل وکیلنی عزل ایتدکده وکیله خبر عزلی واصل
 اولنجیه دک وکالتی اوزرنده قالور • واولوقته قدر
 تصرفی صحیح اولور
 ماده ۱۵۲۴

وکیل کندوسنی عزل ایتدکده عزلی موکله بیلدیره سی
 لازم کالور وعزلی موکک معلومی اولنجیه دک وکالت
 کندی عهده سنده قالور
 ماده ۱۵۲۵

مدیونک غیابنده قبض دینه وکیل اولان کیسه یی موکلی
 عزل ایده یلور اما دائن انی مدیونک حضورنده توکیل

ایتمش ایسه مدیونک علی لاحق اولدقجه عزلی صحیح اولماز
بو صورتده مدیون انک عزلی او کر نمکدن اکا دینی اعطا
ایتمسه دیتدن یری اولور

۱۵۲۶ ماده

موکل بهک ختامیله وکالت نهایت بولور وکیل دخی
بالطبع وکالتدن منعزل اولور

۱۵۲۷ ماده

موکلک وقاتیله وکیل منعزل اولور
فقط غیرک حق تعالی ایتمش ایسه منعزل اولماز

(۷۶۰) مادهیه باق

۱۵۲۸ ماده

موکلک وقاتیله وکیلک وکیلی دخی منعزل اولور
(۱۴۶۶) مادهیه باق

۱۵۲۹ ماده

وکالت موروث اولماز

یعنی وکیل فوت اولدقده وکالتک حکمی قالماز . و بو
جهتله وکیلک وارشی انک مقامنه قائم اولماز
۱۵۳۰ ماده

موکلک یاخود وکیلک تجنن ایتمسیله وکالت باطل اولور

اراده سنیه تاریخی فی ۲۰ جمادی الاولی سنه ۱۲۹۱

امین القموی معاون ریاست شورای دولت
السید خلیل احمد جودت

رئیس دائرة محاکمات قاضی دارالخلافه العلیه
سیف الدین احمد خلوصی

عن اعضای دیوان احکام عدلیه
احمد حلی

— ❧ كتاب الصلح والابرا ❧ —

✽ صورت خط ۵ مایون ✽

(موجب بجه عمل اولنه)

(کتاب ثانی عشر)

(صلح و ابرا حقننده اولوب بر مقدمه ایله درت بابی)

(مشتملدر)

(مقدمه)

(بعض اصطلاحات فقهیه بیانده در)

۱۵۳۱ ماده

صلح . بالتراضی نزاعی رفع ایدن بر عقد در که ایجاب
و قبول ایله منعقد اولور

۱۵۳۲ ماده

مصالح . عقد صلح ایدن کمنه در

۱۵۳۳ ماده

مصالح علیه . بدل صلح دیمکدر

۱۵۳۴ ماده

مصالح عنه . مدعی به اولان شیدر

۱۵۳۵ ماده

صلح . اوچ قسمدر . قسم اول عن اقرار صلحدر که

مدعی علیه اقراری اوزرینه واقع اولان صلحدر .

قسم ثانی عن انکار صلح در که مدعی علیه انکاری
اوزرینه واقع اولان صلحدر . قسم ثالث عن سکوت
صلحدر که مدعی علیه اقرار و انکار ایتیموب سکوتی
اوزرینه واقع اولان صلحدر

ماده ۱۵۳۶

ابرا . ایکی قسم اولوب بری ابراء اسقاط و دیگری
ابراء استیفا در . ابراء اسقاط . بر کیسه دیگر کسندده
اولان حقنک تمامی اسقاط یا خود بر مقدارینی حط و تنزیل
ایله اول کسندی بری قیلقدر . اشته بو کتاب صلحه
موضوع بحث اولان ابرا بو در

ابراء استیفا بر کیسه دیگر کسنددن حقنی قبض و استیفا
ایلیش اولدیغنی اعتراف ایتیمکدن عبارت اوله رق بر نوع
اقرار در

ماده ۱۵۳۷

ابراء خاص . بر خانه یا خود بر چفتلک و یا خود بر جهتدن
طولابی اله حق دعواسی کی بر خصوصه متعلق دعوا دن
بر کسندی ابرا ایتیمکدر

ماده ۱۵۳۸

ابراء عام . کافه دعاویدن بر کسندی ابرا ایتیمکدر

(باب اول عقد صلح و ابرا ایدنلر حقنده در)

ماده ۱۵۳۹

مصالحك عاقل اولسی شرطدر . بالغ اولسی شرط
دكلدر

بناء علیه مجنون و متوه ایله صبی غیر ممیزك صلحی اصلا
صحیح اولماز . وصبی مأذونك صلحنده ضرر بین یوق
ایسه صحیح اولور . شو یله برکیمسه صبی مأذوندن
برشی دعوی ایدوبده او دخی اقرار ایتدیکی صورته
عن اقرار صلحی صحیح اولور

وصبی مأذون اله جفنی امهال و تأجیل ایتك اوزره
عقد صلح ایدوبلور . و اله جفنگ بر مقداری اوزرینه
صلح اولدوقده اکر بینه سی وار ایسه صلحی صحیح اولماز .
واکر بینه سی اولیوبده خصمنك بینه ایدوبدی دخی
معلوم اولور ایسه صلحی صحیح اولور . و آخر کسنه دن
بر مال دعوی ایدوبده مقدار قیمتی اوزرینه صلح اولسه
صحیح اولور . فقط اولمالك قیمتندن نقصان فاحش
اوزرینه صلح اولسه صحیح اولماز

ماده ۱۵۴۰

بر صبینك دعوا سندن ولیسی صلح اولدوقده اکر صبی به

ضرر بین یوق ایسه صحیح اولور . واکر ضرر بین
وار ایسه صحیح اولماز

بناء علیه برکیمه بر صیدن شوقدر غروش دعوی ایدوبده
صیینک پاره سندن ویرمک اوزره پدری صلح اولدوقده
اکر مدعینک بینه سی وار ایسه صلح صحیح اولور واکر
مدعینک بینه سی یوق ایسه صلح صحیح اولماز .
وصیینک آخر کسنه ذمتده اله جغی اولوبده پدری انک
بر مقدارینی حط و تنزیل ایله صلح اولدوقده اکر بینه سی
وار ایسه صحیح اولماز واکر بینه سی اولوبده خصمینک
بین ایله جکی دخی معلوم اولور ایسه اول حالده صلح
صحیح اولور و صیینک اله جغی قیمتده بر مال اوزرینه
ولیدی صلح اولسه صحیح اولور . فقط غبن فاحش بولنور
ایسه صلحی اولماز

۱۵۴۱ ماده

علی الاطلاق صبی ایله مجنون و معتوهک ابراسی صحیح
اولماز

۱۵۴۲ ماده

خصوصته وکالت صلحه وکالتی مستلزم اولماز
بناء علیه برکیمه آخر کسنه بی دعواسنه وکیل ایدوبده
اودخی بلا اذن اول دعوا دن صلح اولسه صحیح اولماز

۱۵۴۳ ماده

بر کسیه کندی دعواسـندن صلح اولمق اوزره دیکرینی
توکیل ایدوبده اودخی بالوکاله صلح اولدقده مصالح
علیه موکل اوزرینه لازم کاور وکیل انکاه مؤاخذ
ومطالب اولماز

مکرکه وکیل مصالح علیه ضامن اوله اول حالده وکیل
کفالتی حسییه مؤاخذه اولنور

وبرده وکیل عن اقرار برمالدن مال اوزرینه صلح اولوبده
صلحی نفسنه مضاف قیلار ایسه اولوقت وکیل
مواخذه اولنور • یعنی بدل صلح اندن النور اودخی
موکله رجوع ایلر

مثلا وکیل بالوکاله شو قدر غروش اوزرینه صلح
اولدقده اول مبلغی موکلک ویرمسی لازم کاور وکیل اندن
مسؤل اولماز

فقط سن شو قدر غروش اوزرینه صلح اول بن کفیل دیش
ایسه اول حالده بو اچه وکیلدن النور اودخی موکله
رجوع ایلر • وبرده عن اقرار مالندن مال اوزرینه صلح
واقع اولوبده وکیل سن فلانک دعواسـندن بمله صلح
اول دیهرک عقد صلح ایتش ایسه بیع حکمنده اولدیغی

جهتله بوصورته دخی بدل صلح وکیلدن النور او دخی
موکلنه رجوع ایدر

۱۵۴۴ ماده

ایکی کشی بیننده اولان دعوا دن آخر بر کسینه فضولی
اوله رق یعنی بلا امر صلح اولدوقده ~~ا~~ بدل صلحه
ضامن اولور ایسه یاخود بنم فلان مالم اوزرینه دیو بدل
صلحی کندنی مالنه مضاف قیلار ایسه ویاخود شو مبلغ
یاخود شو ساعت اوزرینه دیو میدانده اولان نقوده
یا عروضه اشارت ایدر ایسه یاخود ضامن اولمیوب
و کندنی مالنه اضافه یا اشارت دخی ایتمیوبده علی الاطلاق
شوقدر غروش اوزرینه صلح اولدم دیر واول مقدار
مبلغی تسلیم ایدر ایسه اشبو درت صورتده دخی صلح
صحیح واول کسینه متبرع اولور

وا کر دردنچی صورتده بدل صلحی تسلیم ایتمز ایسه
مدعی علیهک اجازته موقوف اولوب اکر مجیز اولور
ایسه صلح صحیح و بدل صلح مدعی علیه اوزرینه لازم
اولور. و ~~ا~~ کر مجیز اولماز ایسه صلح باطل اولور
و دعوی حالی اوزره قالور

(باب ثانی)

(مصالح علیه ایله مصالح عنہک بعض احوال)

(وشروطی بیانده در)

ماده ۱۵۴۵

مصالح علیه اگر عین ایسه مبیع حکمنده و اگر دین
ایسه ثمن حکمنده اولور بناء علیه بیعه مبیع یا خود
ثمن اولغه صالح اولان شیء صلحده بدل صلح اولغه دخی
صالح اولور

ماده ۱۵۴۶

مصالح علیه مصالحک مال و ملکی اولقی شرطدر
بناء علیه مصالح شقه کسنه نک مالی بدل صلح اوله رق
ویرسه صلحی صحیح اولماز

ماده ۱۵۴۷

کرتک مصالح علیه و کرتک مصالح عنه قبض و تسلیمه محتاج
ایسه معلوم اولمسی لازم . و اگر قبض و تسلیمه محتاج
دیکل ایسه معلوم اولمسی شرط دکلدر
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نک یندنه یولنان بر خانه دن و اول
کسنه دخی انک یندنه یولنان باغچه دن بر حق دعوی
ایدوبده ایکیمی دخی تعیین مدعا ایتمکسزین دعوالرندن

واز پچمك اوزره صلح اولسه لر صحیح اولور . كذاك
بركیمسه دیکرك یئنده کی خانه ده برحق دعوی ایدوبده
تعین مدعا ایتکسزین مدعی علیه اكا بر بدل معلوم ویرمك
واو دخی ترك دعوی ایتك اوزره صلح اولسه لر صحیح
اولور . اما مدعی مدعی علیه بدل ویرمك واو دخی
اكا حقنی تسلیم ایتك اوزره صلح اولسه لر صحیح اولماز

(باب ثالث)

(مصالح عنه حقه ده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(صلح عن الاعیان حقه ده در)

۱۶۴۸ ماده

برمال معین دعوا سندن عن اقرار صلح اکر مال اوزرینه
واقع اولور ایسه بیع حکمنده در
بونده خیار عیب و خیار رؤیت و خیار شرط جاری
اولدیغی کی كرك مصالح عنه و كرك مصالح علیه عتار
اولدیغی تقدیرده شفعه دعوا سی دخی جاری اولور .
و مصالح عنك کلیسی یا خود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولنسه مدعی علیه ویرمش اولدیغی بدل صلحك

اولمقدار بینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی کیرو آلور .
 واکر بدل صلح کایسی یاخود بعضیسی بالاستحقاق
 ضبط اولسه مدعی مدعی علیه من مصالح عنہک اول
 مقدار بینی یعنی کایسنی یاخود بعضیسنی ایستر

مثلا بر کیمسه دیگرندن برخانه دعوی ایدوب او دخی
 اول خانه انک اولدیغنی اقرار ایله برابر شو قدر غروش
 بدل ویرمک اوزره صلح اولسه ل مدعی اول خانه بی
 مدعی علیه صائمش کی اولور . و بونده بر وجه بالا
 بیعک احکامی جاری اولور

۱۵۴۹ ماده

مال دعوا سندن عن اقرار صلح اکر منفعت اوزرینه
 واقع اولور ایسه اجاره حکمنده در . بونده دخی
 اجاره احکامی جاری اولور

مثلا بر کیمسه بر باغچه دعوا سندن شو قدر مدت مدعی
 علیه خانه سنده اوتور مق اوزره صلح اولسه باغچه
 مقابلنده اول خانه بی او قدر مدت ایله استیجار ایتش
 اولور

۱۵۵۰ ماده

عن انکار یاخود عن سکوت صلح اولق مدعی حقنده

معاوضه و مدعی علیه - حقنده یمیندن خلاص ایله قطع
منازعه در

بناء علی ذلک مصالح علیه اولان عقارده شفعه جریان
ایدر اما مصالح عنه اولان عقارده شفعه جریان ایتمز .
و مصالح عنہک کلیمی یاخود بعضیسی بالاستحقاق ضبط
اولنسه مدعی بدل صلحک اول مقدارینی یعنی کلیمی
یاخود بعضیسنی مدعی علیه رد ایدر . و مستحق ایله
خصوصته باشلار و بدل صلحک کلیمی یاخود بعضیسی
بالاستحقاق ضبط اولنسه مدعی اول مقدارده دعواسنه
رجوع ایلر

۱۵۵۱ ماده

برکیمسه بر مال معین مثلا بر باغچه دعوی ایدوبده بر
مقداری اوزرینه صلح اوله رق باقیسنک دعواسندن مدعی
علیهی ابرا ایتسه حقنک بر مقدارینی المش و باقیسنک
دعواسندن و از یکمیش یعنی باقیسنده کی دعوی حقی
اسقاط ایلش اولور

(فصل ثانی)

(دیندن یعنی آله جققدن و حقوق سائردهن صلح اولمق)
(پیاونده در)

۱۵۵۲ ماده

بر کیمسه آخر کمنه ذمتنده کی اله جغنك بر مقدارى اوزرینه
صلح اولسه اله جغنك بعضیستنی استیفا ایله باقیسنی اسقاط
یعنی باقیسنیدن اول کمنه یی ابرا ایلش اولور

۱۵۵۳ ماده

بر کیمسه معجل اولان هر درلو اله جغننی تأجیل و امهال
ایتمک اوزره صلح اولسه کندوسنك حق تعجیلنی اسقاط
ایلش اولور

۱۵۵۴ ماده

بر کیمسه مسکوکات خالصه اولان اله جغننی مسکوکات
مغشوشه اوله رق الملق اوز، صلح اولسه اله جغنك سکه
خالصه اولمق حقنی اسقاط ایلش اولور

۱۵۵۵ ماده

حق شرب و شفعه و حق مرور کبی حقوق دعوالرنده
یمیندن قورتللق ایچ-ون بدل و یرونده صلح اولمق دخی
صحیحدر

(باب رابع)

(احکام صلح و ابرایاننده اولوب ایکی فصلی مشتملدر)

(فصل اول)

(احکام صلحه دائر اولان مسائل بیاننده در)

۱۵۵۶ ماده

صلح تمام اولدوقده یالکیز طرفیندن بری اندن دونه من .
ومدعی صلحه بدل صلحه مالک اولور . وارتق دعواده
حق قالماز . ومدعی علیه دخی بدل صلحی اندن استرداد
ایده من

۱۵۵۷ ماده

طرفیندن بری فوت اولسه وارثلری دخی انک صلحی
فسخ ایده من

۱۵۵۸ ماده

صلح اگر معاوضه حکمنده ایسه طرفین انی کندیو
رضالریله فسخ و اقاله ایده یلورلر . واکر معاوضه
معاسنه اولیوبده بعض حقوق استقاطنی متضمن ایسه
اصلا نقض و فسخی صحیح اولماز . (۵۱) ماده یه باقی

۱۵۵۹ ماده

یمیندن خلاص ایچون بدل ویرمک اوزره عقد صلح

اولند قده مدعی حق خصوصتی اسقاط ایش او اور .
 وارتق مدعی علیه تحلیف اولند ماز
 ماده ۱۵۶۰

بدل صلح هنوز مدعی به تسلیم اولنمدن کایسی یا خود
 بعضیسی تلف اولدیغی صورتده اکر تعیین ایله متعین
 اولان شیردن ایسه بالاستحقاق ضبط اولنمش حکمنده
 اولور

یعنی عن اقرار واقع اولان صلحه مدعی مصالح عنھا
 کایسی یا خود بعضیسی مدعی علیه دن ایسترو عن انکار
 یا خود عن سکوت واقع اولان صلحه مدعی
 دعواسنه رجوع ایلر . (۱۵۴۸) و (۱۵۵۰)
 ماده لره باق . و اکر بدل صلح دین ایسه یعنی
 شو قدر غروش کبی تعیین ایله متعین اولمیان شیردن ایسه
 صلحه خلل کلیوب تلف اولان مقدار ک مثلی مدعی علیه
 طرفندن مدعی به ویرلک لازم کلور

(فصل ثانی)

(احکام ابرایه دائر اولار مسائل بیاننده در)

ماده ۱۵۶۱

بر کیمسه فلان ایله دعوی و نزاعم یوقدر و فلانده حقم

یوقدر و فلان ایله اولان دعوامدن فارغ اولدم یاخود
واز کچدم و فلانده حقم قالمدی و فلانندن تماما حقی الیم
دیسسه انی ابرا ایتمش اولور

۱۵۶۲ ماده

برکیمسه دیگرینی برحقندن ابرا ایتدکده اول حقی ساقط
اولور . ارتق انی دعوی ایده من . (۵۱) مادهیه باق

۱۵۶۳ ماده

ابرانک مابعدینه شمولی اولماز

یعنی برکیمسه دیگر کسندن یی ابرا ایتدکده ابرادن مقدم
اولان حقوقی ساقط اولور . یوخسه ابرادن صکره
حادث اولان حقی دعوی ایده ییلور

۱۵۶۴ ماده

برکیمسه دیگرینی برخصوصه متعلق دعوادن ابرا ایتسه
ابراء خاص اولوب بعده اول خصوصه متعلق دعواسی
مسموع اولماز اما بشقه خصوصه متعلق حقی دعوی
ایده ییلور

مثلا برکیمسه برخانه دعواسندن خصمنی ابرا ایتسه ارتق
اول خانهیه متعلق دعواسی مسموع اولماز . اما چفتلک
وسائر نسنهیه متعلق دعواسی استماع اولور

۱۵۶۵ ماده

بر کیمسه فلانی کافه دعاویدن بری قیلدم یاخود انده
اصلا حقم یوقدر دیسه ابراء عام اولوب ارتق ابرادن
مقدم اولان هیچ بر حق دعوی ایده مز . حتی کفائتدن
طولایی برحق دعوی ایته سموع اولماز

شویله که اول ابرادن مقدم سن فلان کسه نه یه کفیل
اولمشیدک دیو دعوی ایته استماع اولندیغی کبی آخر
بر شخصدن سن بنم ابرا ایتمش اولدیغ کیمسه یه قبل ابرا
کفیل اولمشیدک دیو دعوی ایده مز . (۶۶۲) ماده یه
باقی

۱۵۶۶ ماده

بر کیمسه مال صا توب و ثمنی قبض ایدوبده مبیعه متعلق
کافه دعاویدن مشتری یی ابرا ایتدیکی کبی مشتری دخی
انی ثمن مذکوره متعلق کافه دعاویدن ابرا ایتمش و بو
وجهله بینلرنده سند تعاطی ایدلمش ایکن مبیع بالاستحقاق
ضبط اولنسه ابرانک تأثیری اولیوب مشتری و یرمش
اولدیغی ثمنی بایعدن استرداد ایلر . (۵۲) ماده یه باقی

۱۵۶۷ ماده

ابرا اولنان کسندلر معین و معلوم اولق لازمدر
بناء علیه بر کیمسه جله مدیونلریمی ابرا ایتدم یاخود هیچ

کیمسه ده حقم یوق دیسه ابراسی صحیح اولماز . اما
 فلان محله اهلایسنی ابرا ایتدم دیوب اول محله اهلایسنی
 دخی معین ومعدود کساندن عبارت ایسه لر ابرا صحیح
 اولور

۱۵۶۸ ماده

ابرا قبوله توقف ایتمز . فقط رد ایله مردود اولور
 شویله که برکسنه دیگر کسنه بی ابرا ایتدیکده اول کسنه نك
 قبولی شرط دکدر . فقط او مجلسده ابرایی قبول ایتم
 دیورد ایله اول ابرا مردود اولور . یعنی حکمی
 قالماز

لکن ابرایی قبول ایتدکن صکره رد ایته ابرا مردود
 اولماز

ورده محال له محال علیه یاخود اله جقلو کفیلی ابرا
 ایدوبده محال علیه یاخود کفیل انی رد ایته ابرا مردود
 اولماز

۱۵۶۹ ماده

وفات ایدن کسنه بی دینندن ابرا ایتک صحیح اولور

۱۵۷۰ ماده

برکیمسه مرض موته ورته سندن برینی دینندن ابرا ایته

صحیح و نافذ اولماز اما وارثی اولمیان کسینه بی دینندن
ابرا ایتسه ثلاث مالندن معتبر اولور

۱۵۷۱ ماده

ترکسی مستغرق دیون اولان کسینه مرض موتنده کندی
مدیونلرندن برینی دینندن ابرا ایتسه صحیح و نافذ اولماز

اراده سنیه تاریخی فی ۶ شوال سنه ۱۲۹۱

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

احمد حللی احمد خلوصی

— ❧ كتاب الاقرار ❧ —

✱ صورت خط همايون ✱

(موجب پنجه عمل اولنه)

(كتاب ثالث عشر)

(اقرار حقنده اولوب درت بابي مشتملدر)

(باب اول)

(اقرارك شرائطی بیانده در)

۱۵۷۲ ماده

اقرار . بر کیمسه دیگر کسمنه نك کند و سنده اولان حقنی
خبر و یرمکدر اول کیمسه یه مقر و اول کسمنه یه مقرله و اول
حقه مقر به دینلور

۱۵۷۳ ماده

مقرك عاقل بالغ اولمسی شرطدر
بناء علیه صغیر و صغیره و مجنون و مجنونه و معتوه و معتوه نك
اقراری صحیح دکلدر . و بونلرك علیه نه ولی و وصیلرینك
اقراری دخی صحیح اولماز . فقط صغیر میز ماڈون کند و سنك
ماڈونیتی صحیح اولان خصوصلرده بالغ حکمنده در

۱۵۷۴ ماده

مقرلهك عاقل اولمسی شرط دکلدر

بناء عليه بر كيمسه بر صغير غير مميز ايچون مال اقرار ايلسه
 صحيح اولور واول مالي ویرمسی لازم كلور
 ماده ۱۵۷۵

اقرارده مقرر رضاسی شرطدر
 بناء عليه جبر واکراه ايله واقع اولان اقرار صحيح اولماز
 (۱۰۰۶) مادهیه باق
 ماده ۱۵۷۶

مقرر محجور اولماسی شرطدر
 کتاب جبرک ایکنجی و اوچنجی و دردنجی فصلارینه باق
 ماده ۱۵۷۷

ظاهر حالک اقراری تکذیب ایتماسی شرطدر • بناء
 عليه جثه سنک بلوغه تحمیلی اولمیان بر صغيرا کر بالغ
 اولدم دیو اقرار ایلسه صحيح و معتبر اولماز
 ماده ۱۵۷۸

مقرلهک جهالت فاحشه ايله مجهول اولماسی شرطدر •
 اما جهالت یسیره اقرارک صحته مانع اولماز
 مثلا بر کیمسه یدنده کی مال معینه اشعارت ايله بومال بر
 آدمکدر دیو اقرار ایلسه یاخود بومال فلان بلنده
 اها لیسندن برینکدر دیو اقرار ایدوبده اول بلده اها لیدی
 معدود اولسه اول کیمسه نک اقراری صحيح اولماز اما

بو مال شو ایکی کشیدن برینکدر دیسه یاخود فلان محله
 اهلیمندن برینکدر دیوبده اول محله اهلایسی قوم محصور
 اولسه اقراری صحیح اولور . و بروجہ بالا کیسه بو مال
 شو ایکی کشیدن برینکدر دیدیکی صورتده اگر اول ایکی
 کشی اتفاق ایدر لر ایسه اول مالی مقردن اله بیلور لر و
 بعد الاخذ اول ماله بالاشترک مالک اولور لر . و اگر
 اختلاف ایدر لر ایسه هربری اول مال کند و سنک اولدیغنه
 مقررک یمین ایتمسنی طلب ایدہ بیلور لر و مقررک ایکیسنک یمینندن
 دخی نکول ایدر سه اول مال کذلک اول ایکی کشی
 بینده مشترک اولور . و اگر یالکیز برینک یمینندن نکول
 ایدر سه اول مال مستقلا یمینندن نکول ایتدیکی کشینک
 اولور ایکیسنه دخی یمین ایدر سه مقررک دعواسندن
 بری اولوب مقربہ اولان مال کند یندنه قالور

(باب ثانی)

(اقرارک وجوه صحتی بیانده در)

۱۵۷۹ ماده

معلومی اقرار صحیح اولدیغی کبی مجهولی اقرار دخی
 صحیح اولور . فقط بیع و اجاره کبی مع الجهاله صحیح

اولیان عقودده مقر بهک مجهول اولسی اقرارک صحتنه
مانعدر

نته کیم بر کیمسه بنده فلان کسینهک امانتی وارددر یاخود
بن فلان آدمک مالی غصب یا سرقت ایلدم دیسه اقراری
صحیح اولوب اول امانت مجهوله یی یاخود مال مغضوب
یا مسروقی بیان و تعیین ایتک اوزره کندوسینه جبر
اولنور اما بن فلان کسینهیه برشی صاتم یاخود اندن
برشی استیجار ایتدم دیسه صحیح اولماز واول صاتیغک
و یا استیجار ایتدیگک ندر دیو بیان ایتک اوزره جبر
اولتماز

۱۵۸۰ ماده

اقرار مقر لهک قبولنه تواقف ایتز . فقط انک ردیه
مردود اولوب حکمی قالماز . و مقرله مقر بهک یا لکز
بر مقدارینی رد ایلسه انجق اول مقدارده اقرارک حکمی
قالبوب رد ایتدیکی مقدارده اقراری صحیح اولور

۱۵۸۱ ماده

مقر ایله مقرله مقر بهک سسیندن اختلاف ایتسه لر بو
اختلافلی اقرارک صحتنه مانع اولماز
مثلا بر کیمسه جهت قرضدن طولانی بیک غروش دعوی
ایدوب مدعی علیه ایسه ثمن مبیع اوله رق بیک غروش

اقرار ایلسه بوجهمله اختلاقلری اقرار ک صحتنه مانع
اولماز

۱۵۸۲ ماده

بر مالیدن صلحه طالب اولمق اول مالی اقرار دیمک اولور
اما بر مالک دعواسندن صلحه طالب اولمق اول مالی
اقرار دیمک اولماز

شویله که بر کیمسه دیگر کسنهیه زمتکده بیک غروش
الاجق حقیق اولمغله ویردیکده اول کسنهیه مبلغ مزبور دن
یدی یوز غروشه صلح اولهلم دیو صلحه طالب اولسه
مطلوب اولان بیک غروشی اقرار ایتمش اولور . اما
شو بیک غروش دعواسندن صلح اولهلم دیو مجرد دفع
منازعه ایچون صلحه طالب اولسه مبلغ مزبوری اقرار
ایتمش اولماز

۱۵۸۳ ماده

بر کیمسه نك یئنده کی مالی دیگر کسنه نك شرایه یا استیجاره
و یا استعارهیه طائب اولسی یا خود بومالی بکا هبه ایت
و یا ودیعه اولهرق ویر دیسی و یا خود اول کسنه اكا
بو مالی ودیعه اولهرق ال دیوبده انك دخی قبول ایتسی
اول مال کندوسنك اولمدیغنی اقرار در

۱۵۸۴ ماده

شرطه تعلیق اولنان اقرار باطلدن . فقط عرف ناسده
حلول اجله صالح اولان بر زمانه تعلیق اولنور ایسنه
دین مؤجلی اقراره حل اولنور

مثلا بر کیمسه دیگر کسنه یه بن فلان محله وار رسم یاخود
فلان مصلحتی در عهده اید رسم سکا شو قدر غروش دیندر
دیسه اشبو اقراری باطل اولوب مبلغ مز بورک تأدیه سی
لازم کلز . اما فلان آیک آتداسی یاخود روز قاسم
کلور سه سکا شو قدر غروش دیندر دیسه دین مؤجلی
اقراره حل اولنور واولوقتک حلولنده مبلغ مز بورک
تأدیه سی لازم کلور (۴۰) ماده یه باقی

۱۵۸۵ ماده

مشاعی اقرار صحیحدر

شویله که بر کیمسه یدنده اولان بر ملک عقارک نصف و
ثلث کبی بر حصه شایعه سنی دیگر کسنه یه اقرار و او
دخی تصدیق ایتدکد نصرکه قبل الافراز والتسلیم مقروفات
ایلسه مقر بهک شیوعی اشبو اقرارک صحتنه مانع اولماز

۱۵۸۶ ماده

دلسزک اشارت معهوده سیله اقراری معتبردر . اما ناطق
اولان کسنه نک اشارتیه اولان اقراری معتبر دکلد

مثلا بر کیمسه ناطق اولان کیمسه نه یه فلانک سنده شو قدر
غروش حق وارمیدر دیدکده اول کیمسه باشنی اکسیله
اول حق اقرار ایتیش اولماز

~~~~~

( باب ثالث )

( اقرارک احکامی بیانده اولوب اوج فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( احکام عمومی بیانده در )

ماده ۱۵۸۷

یتیش طقوزنجی ماده موجبجه کشی اقرارایله الزام  
اولنور انجق حاکم حکمیله تکذیب اولنورسه اقراری  
حکمنر قالور

شویله که بر کیمسه نک صاتون الو بده یدنده بولنان بر شیئه آخر  
کیمسه مستحق چیقهرق اتی ادعا ایتسی اوزرینه  
لدی المحاکمه اول کیمسه بوشی فلانک مالی ایدی بکا  
صاتدی دیمش اولدیغی حالده اول کیمسه دعواسنی  
اثبات و حاکم دخی حکم ایتدکده مشتری بایعه رجوع  
ایله ثمن مبیعی اندن استرداد ایلر واکرچه حین محاکمه ده  
اول شی بایعک مالی ایدوکنی اقرارایله مستحقک دعواسنی  
انکار ایلش ایسه ده حاکمک حکمیله تکذیب اولنمش

ایدو کندن اقرار ینک حکمی قالمدیغی جهته مانع رجوع  
اوله ماز  
۱۵۸۸ ماده

حقوق عبادده اقرار دن رجوع صحیح اولماز  
شویله که بر کیمسه فلان کسنه یه شو قدر غروش دیم  
وار در دیدکده صکره اقرار مدن رجوع ایتدم دیسنه  
اعتبار اولنمیوب اقرار یله الزام اولنور  
۱۵۸۹ ماده

بر کیمسه وقوعبولان اقرارنده کاذب اولدیغی ادعا ایتسه  
مقرله انک کاذب دکل ایدوکنه تحلیف اولنور  
مثلا بر کیمسه فلان دن شو قدر غروش استقراض ایتدم  
دیو بر قطعه سند ویردکدن صکره واقعا او قدر غروش  
استقراض ایتدم دیو سمد ویردم ایسه ده هنوز مبلغ  
مزبوری اندن المدم دیسه انک بواقرارنده کاذب  
اولدیغنه مقرله تحلیف اولنور  
۱۵۹۰ ماده

بر کیمسه دیگر کسنه یه ذممه شو قدر غروش الاجغک  
وارد در دیو اقرار ایتدکده اول کسنه دخی اول اله حق  
بنم دکلدر فلان شخصکدر دیو اقرار و او شخص دخی  
انی تصدیق ایلسه اول اله حق ایکنجی مقر لهک اولور

لكن حق قبضى اولكى مقرلهك اولور . يعنى ايكنجى  
مقرله انى مديوندن مطالبه ايتسه اكا ادا ايتك اوزره  
مديونه جبر اولماز . شو قدر كه مديون كندى رضاسيله  
اول دينى ايكنجى مقرلهه اعطا ايدرسه ذمتى برى  
اولوب اولكى مقرله انى تكرار مديوندن مطالبه  
ايدمهز

### ( فصل ثانى )

( نفي ملك و نام مستعار بيانده در )

۱۵۹۱ ماده

مقر اكر اقرارنده مقر بهى نفسنه مضاف قيلارسه  
انى مقرلهه هبه ايتش اولوب تسليم و قبض اولنمجه  
تمام اولماز و اكر نفسنه مضاف قيلمازسه مقربه قبل  
الافرار مقرلهك ملكى اولديغنى اقرار ايله نفي ملك ايتش  
اولور

مثلا بر كيمسه يدمده اولان كافه اموال و اشيا فلان كسسه  
نكدر بنم اصلا علاقه م يوقدر ديسه اول وقت ينده  
موجود اولان جميع اموال و اشيا سنى اول كسسه هبه  
ايتش اولوب تسليم و قبض لازم كلور و اكر اوزر يمه  
لابس اولديغم اثوابدن ماعدا بكا نسبت اولنسان كافه  
اموال و اشيا فلان كسسه نكدر بنم اصلا علاقه م يوقدر

دیسہ اولوقت لابس اولدیغی اثوابدن ماعدا کندوسنه  
نسبت اولنان یعنی انکدر دینلان کافه اموال واشیایی  
اول کسسه یه اقرار ایله نفی ملک ایتش اولور فقط بو  
اقرارندن صکره بعض اشیایه مالک اولسه اشبو اقراری  
اول اشیایه شامل اولماز

کذلک شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان  
کبیر اوغلمکدر بنم علاقه م یوقدر دیسه اولوقت دکان  
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیاسنی اول  
بیوک اوغلنه هبه ایتش اولوب تسلیم لازم کلور

واکر شو دکام ایچنده اولان جمیع اموال واشیام فلان  
کبیر اوغلمکدر بنم علاقه م یوقدر دیسه اولوقت دکان  
مذکور ایچنده موجود اولان جمیع اموال واشیایی اول  
بیوک اوغلنه اقرار ایله نفی ملک ایتش اولور فقط اندن  
صکره اول دکانه بعض اشیاقویسه بواقراری اول اشیایه  
شامل اولماز

وکذلک برکیمسه فلان یرده کی دکام زوجهمکدر دیسه  
هبه قبیلندن اولوب تسلیم لازم کلور واکر بکانه نسبت  
مولنان فلان دکان زوجهمکدر دیسه قبل الاقرار اول  
دکان زوجهمسنگ اولوب کندوسه سنگ ملیکی اولمادیغنی  
اقرار ایتش اولور

۱۵۹۲ ماده

بر کیمسه باسند یدنده اولان بر ملک دکان حقنده بو دکان  
 فلان کسسه نکدر بنم علاقه م یوقدر وسسندنده محرر اسمم  
 مستعار در دیوب یاخود باسند آخر دن صاتون الدیغی  
 بر ملک دکان ایچون بودکانی فلان کسسه ایچون المشدم  
 ثمن اوله رق ویردیکم ایچه دخی انک مالندندر وسسندنده  
 اسمم مستعار اوله رق قید اولمشدر دیسه اول دکان نفس  
 الامرده اول کسسه نک ملک ی اولدیغنی اقرار ایتش اولور

۱۵۹۳ ماده

بر کیمسه باسند فلان کسسه ذمتنده اولان شو قدر غروش  
 اله جق هر نقدر سندده بنم نامه محرر ایسه ده مبلغ مزبور  
 فلان کسسه نکدر سندده اسمم مستعار در دیسه مبلغ مزبور  
 نفس الامرده اول کسسه نک حق اولدیغنی اقرار ایتش اولور

۱۵۹۴ ماده

بر کیمسه حال صحته ایکن بروجه بالا اقرار ایله نفی ملک  
 ایتش اولسه یاخود اسمنک مستعار اولدیغنی اقرار ایتسه  
 اقراری معتبر اولوب حال حیاته سده کندوسی و وفاتندن  
 صکره ورثه سی بو اقرار ایله الزام اولنور . اما مرض  
 موتنده ایکن اول وجهله اقرار ایتسه حکمی فصل آتیده  
 مستبان اولور



## ( فصل ثالث )

## ( اقرار مریض بیانده )

۱۵۹۵ ماده

مرض موت اول خسته لکدر که اکثریا آنده اولوم قور قوسی  
اولدیغی حالد خسته ذکور دن ایسه خانه سی خار جنده  
واناشدن ایسه خانه سی داخلنده اولان مصالحنی کور مکدن  
عاجز اولوب بو حال اوزره برسنه مرور ایتمدن وفات  
ایلیه کرک صاحب فراش اولسون و کرک اولسون  
واکر مریضک مرضی متمد اولوبده دائما بر حال اوزره  
برسنه پکر ایسه اول مریضک مرضی مشد و حالی متغیر  
اولدجه صحیح حکمنده اولوب تصرفاتی صحیح  
تصرفاتی کبدر

اما مرضی مشد و حالی متغیر اولوبده برسنه کچمه دن  
وقات ایدرسه وقت تغیر دن اعتبارا و فاته دك اولان حالی  
مرض موت عد اولنور

۱۵۹۶ ماده

هیچ وارثی اولمیان کشینک یا خود زوجہ سندن بشقه  
وارثی اولمیان آدمک و یا خود زوجندن بشقه وارثی  
اولمیان قادینک مرض موتنده اقراری برنوع وصیت  
اوله رق معتبر اولور

بناء عليه وارثي اولميان كشي مرض مواتنده جميع اموالي  
بر كمسنه به اقرار ايله نفى ملك ايتسه صحيح اولوب وفاتندن  
صكره تركسنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز  
كذلك زوجة سندن بشقه وارثي اولميان كيمنه مرض  
مواتنده جميع اموالي زوجة سنه يا خود زوجندن بشقه  
وارثي اولميان قادين جميع اموالي زوجنه اقرار ايله نفى  
ملك ايتسه صحيح اولوب بعد الوفات بونلردن بريسك  
تر كسنه امين بيت المال طرفندن مداخله اولنه ماز

۱۵۹۷ ماده

بر كيمنه مريض ايكن ورثه سندن برينه مال اقرار ايدوبده  
بعده اول مرضدن افاقت بولسه بواقارارى معتبر  
اولور

۱۵۹۸ ماده

بر كيمنه مرض مواتنده وارثلردن برينه برعين يا خود دين  
اقرار ايتدكدن صكره فوت اولسه ديكر وارثلرك  
اجازته موقوفدر انلر مجيز اولورسه انك اقرارى دخى  
معتبر اولور . واكر انلر مجيز اولماز ايتسه انك اقرارى  
دخى معتبر اولماز

شوقدر واركه مقرر حياتنده ديكر وارثلر انى تصديق

ایتمش ایسه وفاتندن صکره انلر بوتصدیقلمندن رجوع  
ایده میوب اول اقرار معتبر اولور

و برده وارثه امانت اقراری هر حالده صحیحدر .  
شویله که بر کیمسه کندوسنک پروارنده اولان امانتی  
قبض ایتمش یاخود وارثنک کندوسنده اولان امانت  
معلومه سنی اسنهلاک ایلمش ایدوکنی مرض موتنده اقرار  
ایسه صحیح اولور

مثلا فلان او غلمده ودیعه اولان مالی اخذ و قبض ایتمشدر  
دیو اقرار ایسه صحیح و معتبر اولور و کذا فلان کیمسه ده  
اولان اله جغمی فلان او غلم بالوکاله اخذ ایدوب بکا  
تسلیم ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولور . کذلک فلان  
او غلمک بنده ودیعه یاخود عاریت اولان بشیک غرو شلق  
الماس بوزوکنی صاتوب ثمنی کنیدی امور بعه صرف  
واسه تهلاک ایتمشدر دیسه اقراری معتبر اولوب اول  
بوزوکلک قیمتی ترکه دن تضمین اولنلق لازم کلور

۱۵۹۹ ماده

بومحشده وارثدن مراد مریضنک وقت وفاتنده وارث  
بولنان کیمسه در

شوقدر وارکه وارث دکل ایکن صکره دن بر سبب حادث

ایله مقرک وقت و فاتنده حاصل اولان ورثت اقرارک  
صحتنه مانع اولماز

نته کیم بر کیمسه مرض موتنده بر اجنبی قالدینه مال اقرار  
ایدوبده بعده اتی تزوج ایتدکدن صکره فوت اولسه  
اقراری نافذ اولور

اما وراثتی بویله بر سبب حادث ایله حاصل اولمیوبده سبب  
قدیم ایله اولور ایسه اقراری ینه نافذ اولماز

مثلا اوغلی اولان بر کیمسه لایوین قرنداشلرندن برینه مال  
اقرار ایدوبده اوغلنک وفاتندن صکره کندوسی و فات  
ایتسه مقرله امک قرنداشی بولندیغی جهتله وارث  
اوله جفغندن اول اقرار نافذ اولماز

۱۶۰۰ ماده

مریضک مرض موتنده ایکن زمان صحتنه اسناد ایله  
اقراری زمان مرضندکی اقراری حکمنده در

بناء علیه مرض موتنده ایکن وارثنده اله جغی اولان  
شوقدر غروشی زمان صحتنده استیفایلش ایدوکنی  
اقرار ایتسه دیگر وارثلر مجیز اولمدجه نافذ اولماز

کذلک حال صحتنده ایکن فلان مالنی ورثه سندن فلانه  
هبه و تسلیم ایلش ایدوکنی مرض موتنده اقرار ایتسه

هېبه سی بېنه ایله ثابت یاخود دیگر وارثلری انی مجیر  
اولم دجه اقراری نافذ اولماز

۱۶۰۱ ماده

مريضك مرض موتنده اجنبی یه یعنی کندوسنه وارث  
اولیا کیسه یه كرك عین و كرك دین اقراری جمع اموالی  
محیط اواسه بيله صحیح اولور

شو قدر وارکه مقبره مقبره هنوز بیع یا هبه اولمش یاخود  
اخردن ارثا انتقال ایلش اولمق کبی برسبيله وقت اقرارده  
انك ملكی اولدیغی چوق کیسه لك معلومی اوله رق  
کندو اقرارنده کاذب ایدو کی ظاهر اولور سه اول حالده  
نظر اولنور . اکر بواقراری مذاکره وصیت اثناسنده  
دکل ایسه هبه دیمك اوله رق تسلیم لازم کلور . و اکر  
مذاکره وصیت اثناسنده ایسه و وصیت معناسنه محمول  
اولور و كرك هبه اولسون و كرك وصیت اولسون انجق  
ثالث مالندن معتبر اولور

۱۶۰۲ ماده

دیون صحت دیون مرض اوزرینه مقدمدر  
یعنی ترکه سی غریم اولان کیسه نك حال صحتنده ذمتنه  
تعلق ایدن دیونی مرض موتنده کی اقرار یله ذمتنه تعلق  
ایدن دیونی اوزرینه تقدیم قلنور . شویله که مريضك

ترک سندن اولادیون صحت استیفا قلوب بعده فضا  
قالور ایسه دیون مرض تأدیه اولنور

فقط مریضك مرض موتنده اسباب معروفه ایله یعنی  
اقراردن بشقه ناسك مشاهد و معلومی اولان شرا  
و استقراض و اتلاف مال كبی سببلرله ذمتنه تعلق ایدن  
دینلری دیون صحت حکمنده در

مقر به اعیانندن برشی اولدیغی صورتده دخی حکمی بو  
منوال اوزره در

یعنی برکیمسه مرض موتنده اجنبی به هر نه درلوشی اقرار  
ایسه دیون صحتی یا خود بوجه بالا اسباب معروفه ایله  
لازم کله رك دیون صحت حکمنده اولان دیونی تأدیه  
اولندجه مقرله مقر به مستحق اولماز

۱۶۰۳ ماده

برکیمسه کندوسنك بر اجنبی کسنده دن اولان اله جغنی  
استیفا ایش اولدیغی مرض موتنده اقرار ایتدکده  
نظر اولنور . اکر بواله جغنی کندوسنك حال مرضنده  
ایکن اول کسنه نك ذمتنه تعلق ایش ایسه بواقاراری  
صحیح اولور . فقط غرماء صحت حقنده نافذ اولماز  
واکر بواله جغنی کندوسنك حال صحتنده ایکن اول

کسینه لك ذمتنه تعلق ايتمش ايسه هر حالده صحيح اولور .  
 كرك ديون صحت اولسون و كرك اولسون  
 مثلا بر مريضك حال مرضنده ايكن بر مال صاندقدن  
 صكره ثمننى قبض ايلش اولديغنى اقرار ايتسه صحيح  
 اولور ايسه ده غرماء صحت وار ايسه انلر بو اقرارى  
 طوتمامغه قادر اولورلر . و اكر حال صحتنده ايكن بر مال  
 صاندقدن صكره ثمننى قبض ايلش اولديغنى مرض موتنده  
 اقرار ايتسه هر حالده صحيح اولوب غرماء صحت اولسه  
 دىخى انلر بو اقرارى طوتمير ديه مزلر  
 ۱۶۰۴ ماده

كسینه مرض موتنده داشلرندن برينك ديننى ادا ايله سائر  
 داشلر ينك حقوقنى ابطال ايده مز  
 فقط مريض ايكن استقراض ايلديكى پاره يى واشترا  
 ايلديكى مالك ثمننى ادا ايده ييلور  
 ۱۶۰۵ ماده

بو مجتمده كفالت بالمال دين اصلى حكمنده در  
 بناء عليه بر كسینه مرض موتنده وارثك بورجنه يا خود  
 اله جفنه كفيل اولسه نافذ اولماز . واجنبى يه كفيل  
 اولدقده ثلث مالندن معتبر اولور . اما حال صحتنده



ایکن اجنبی به کفیل اولدیغنی مرض موتنده اقرار  
ایتدکه مجموع مالندن معتبر اولور. شو قدر که دیون  
صحت وار ایسه تقدیم اولنور

( باب رابع )

( اقرار بالکتابه بیانده در )

۱۶۰۶ ماده

کتابتله یعنی یازو ایله اقرار لسان ایله اقرار کبیر  
(۶۹) ماده به باقی

۱۶۰۷ ماده

برکسینه نك کندو اقرار یی یازمق اوزره آخره امر  
ایتمی حکما اقرار در

بناء علیه فلان کیمسه به شو قدر غروش بورجم اولدیغنه  
دائر برسند یازدیو کاتبه امر ایدرک یازدیرو بده امضا  
ایلش یاخود مهرلش اولدیغی سند کندو خط دستتله  
اولان سند کی اقرار بالکتابه قیلنددر

۱۶۰۸ ماده

تجارک معتد به اولان دفترلنده کی قیودی دخی اقرار  
بالکتابه قیلنددر

مثلاً بر تاجر بر کمسنه به شو قدر غروش بورجی اولدیغنی  
 کندو دفترینه قید ایتمش اولسه اول کمسنه به اول قدر  
 بورج اقرار ایتمش اولوب لدی الحاجه اقرار شفاهیسی  
 کبی معتبر و مرعی اولور

۱۶۰۹ ماده

بر کیمسه کندوسی یازوب یاخود بر کاتبه یازدیرو بده  
 ممضا یاخود مختوم اوله رق آخره ویرمش اولدیغنی دین  
 سندی اسکر مرسوم ایسه یعنی رسم وعادته موافق  
 اوله رق یازلمش ایسه اقرار بالکتابه اولوب تقریر  
 شفاهیسی کبی معتبر و مرعی اولور

بر معتاد ویریه کلان وصولر یعنی مقبوض علم و خبر لری  
 دخی بو قبیلده

۱۶۱۰ ماده

بر کیمسه بر وجه بالا مرسوم اوله رق یازوب یاخود  
 یازدیرو بده ممضا یاخود مختوم اوله رق ویرمش اولدیغنی  
 دین سندی کندوسنک اولدیغنی معترف ایکن حاوی  
 اولدیغنی بورجی انکار ایسه انکارینه اعتبار اولمبوب  
 اول بورجی ایفا ایلمسی لازم کلور

اما سندی کندوسنک اولدیغنی انکار ایتمیکی تقدیرده

اگر خط و یا ختمی مشهور و متعارف ایسه انکارینه اعتبار  
اول نیوب اول سند ایله عمل اولنور

واگر خط و ختمی مشهور و متعارف دکل ایسه استکتاب  
اولنهرق اهل خبریه **کوسه** تریلور انلر ایکسیده  
بر شخصک یازوسیدر دیو خبر ویررلر ایسه دین مذ کوری  
ویرمک اوزره اول کیمسهیه امر اولنور

الحاصل سند اگر شایسته تزویر و شبهه تصدیقن بری  
اولور ایسه انکله عمل اولنور

اما شبهه دین بری اولدیغنی تقدیرده مدیون اول سند  
کندی سندی اولدیغنی انکار ایلدیگی کبی اصل دینی  
دخی منکر ایسه دینی اولیوب سند دخی کندوسنک  
اولدیغنه مدعینک طلبیه تحلیف اولنور

۱۶۱۱ ماده

بر وجه بالا بر کیمسه مرسوم اولهرق دین سندی  
ویردکن صکره فوت اولسه وارثلری او سند متوفانک  
اولدیغنی معترف اولدقلری حالده اول دینی **ترجیه**  
متوفادن ایضا ایللری لازم کاور

اما اول سند متوفانک اولدیغنی انکار ایتدکاری تقدیرده  
اگر متوفانک خط و ختمی مشهور و متعارف ایسه اول  
سند ایله عمل اولنور

۱۶۱۴ ماده

وفات ایدن بر کيسه نك تركه سندن نقود ايله مملو بر کيسه  
 ظهور ~~ميدوب~~ اوزرنده بو کيسه فتن کيسنه نك ماليدر  
 بتم يدمده امانتدر ديو متوفانك خطيله محرر بر يافته  
 بولنسه اول کيسنه اول کيسه يي تركه متوفادن اخذ ايدر  
 ديكر وجهله اثباته محتاج اولماز

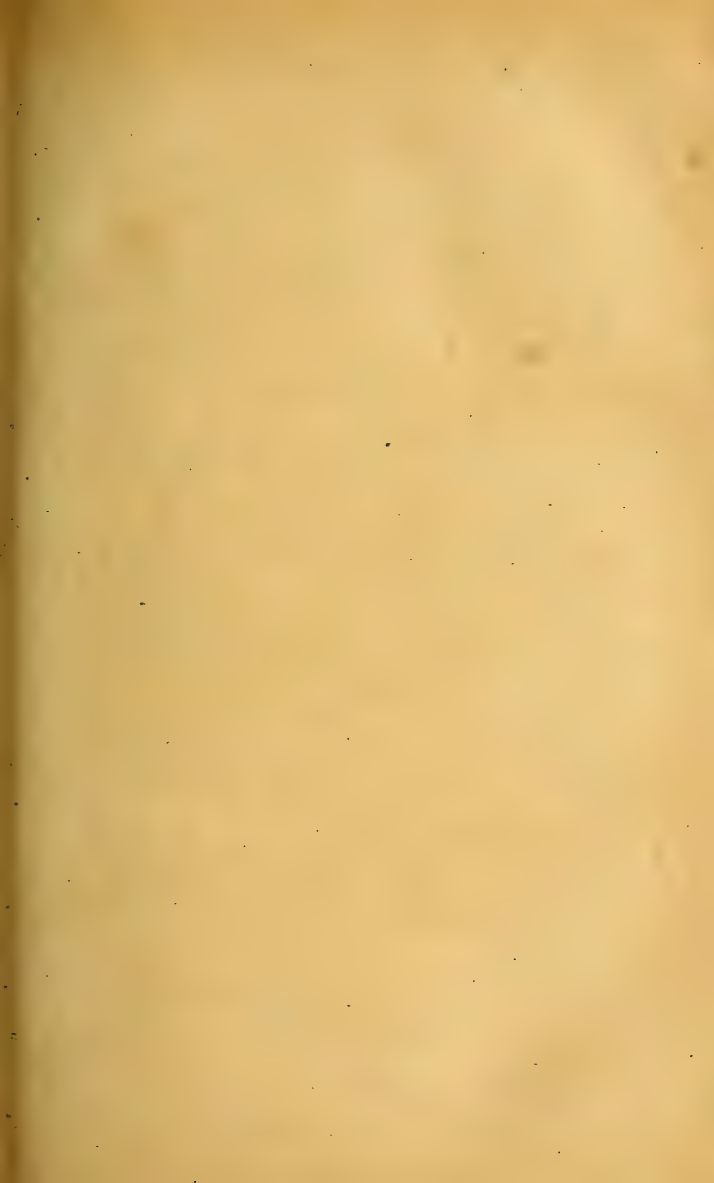
اراده سنيه تاريخي في ۹ جادي الاولى سنه ۱۲۹۱

عن اعضاء شوراي دولت      امين الفتوى      ناظر عدليه  
 سيف الدين      السيد خليل      احمد جودت

رئيس ثانی محکمه تمیز      عن اعضاء مجلس تدقیقات  
 السيد احمد حلمي      شرعيه السيد احمد خلوصی

رئيس المسودین      عن اعضاء مجلس تدقیقات  
 عمر حلمي      شرعيه احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی  
 عبد الستار



— ❧ كتاب الدعوى ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

( موجب پنجه عمل اولنه )

( كتاب رابع عشر )

( دعوى حقنده اولوب بر مقدمه ايله ايكي بابي مشتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهييه بياننده در )

۱۶۱۳ ماده

دعوى • بر كيمسه ديكر كسنه دن حضور حاكمده حقنى  
طلب ايتمكدرد

اول كيمسه يه مدعى و اول كسنه يه مدعا عليه دينلور

۱۶۱۴ ماده

مدعا • مدعينك دعوى ايلديكي شيدر كه مدعا به دخی  
دينلور

۱۶۱۵ ماده

تناقض • مدعیدن كندى دعوا سنه مناقض يعنى دعوا سنك  
بطلانى موجب برسوز سبقت ايلش اولمقدرد



( باب اول )

( دعوانك شروط و احكامنه و دفع دعوايه دائر اولوب )

( درت فصلی حاویدر )

( فصل اول )

( دعوانك شروط صحتی بیانده در )

۱۶۱۶ ماده

مدعی و مدعا علیهك ما قبل اولمیری شرطدر  
مجنونك و صبی غیر میرك دعوالری صحیح دکلدر .  
فقط ولیلری و وصیلری بالوالایه و بالوصایه انلك یرینه  
مدعی و مدعی علیه اولورلر

۱۶۱۷ ماده

مدعا علیهك معلوم اولسی شرطدر  
بناء علیه مدعی فلان قریه اها لیسندن لاعلی التعین برنده  
یا خود بر قچنده شوقدر غروش اله جغم وار دیسه صحیح  
اولماز مدعی علیهی تعیین ائلك لازم کلور

۱۶۱۸ ماده

حین دعواده خصمك حضوری شرطدر . و مدعا علیه  
محکمه یه کلمکدن و وکیل کوندر مکدن امتناع ایتدیکی  
تقدیرده اولند جق معامله کتاب قضاده بیان قلند جقدر

۱۶۱۹ ماده

مدعا بهك معلوم اولمسی شرطدر . مجهول اولور ایسه  
دعوی صحیح اولماز

۱۶۲۰ ماده

مدعا بهك معلومیتی اشارت ایله یاخود وصف و تعریف  
ایله در  
شویله که عین منقول اولدیغی تقدیرده مجلس محاکمه ده  
حاضر ایسه اکا اشارت کافیدر . و حاضر دکل ایسه  
وصف و تعریف و قیمتی بیان ایله معلوم اولور و عقار  
اولدیغی تقدیرده حدودینک بیانیه تعیین اولور .  
ودین ایسه جنس و نوع و وصف و مقداری بیان  
اولنق لازم کور . نه حکیم مواد آیه دن متضح  
اولور

۱۶۲۱ ماده

مدعا به عین منقول اولدیغی حالده حاضر بالمجلس ایسه  
مدعی اکا ایله اشارت ایدرک اشته بو بنذر بو آدم اکا  
بغیر حق وضع ید ایدور الیور لمسنی طلب ایدرم دیو  
دعوی ایدر واضر حاضر بالمجلس اولمیوب انجق  
مصر فسر جلب و احضاری ممکن ایسه دعواده  
و شهادت و یاخود یمینده اکا بویله جه اشارت اولنق

اوزره مجلس حكمه . ككتوريكور . واكر مصرفسز  
احضاري ممكن دكل ايسه مدعى اتى تعريف و قيمتى  
بيان ايلر

فقط غصب ورهن دعوالرنده قيمتك بيانى لازم كلز  
مثلا بر زمرد يوزكى غصب ايتى ديسه و قيمتى بيان  
ايتسه و حتى قيمتى بيلم ديسه بيله دعواسى صحيح اولور  
۱۶۲۲ ماده

مدعا به اكر جنس نوع و وصفلى مختلف اعيان ايسه  
جمله سنك مجموع قيمتى ذكر ايتك كافى اولور . هر برينك  
بشقه بشقه قيمتلىرى تعيين ايتك لازم كلز  
۱۶۲۳ ماده

مدعا به عقار ايسه حين دعوى و شهادتده بلدهسى  
و قريهسى و يا محلهسى و زقاعى و حدود اربعهسى يا خود  
ثلثهسى و حدودينك صاحبلى وار ايسه انلك و بابا  
و دده لر ينك اسملى ذكر اولتمق لازمدر فقط مشهور  
و معروف اولان آدمك يالكز اسم و شهرتى ذكر ايتك  
كافيدر . بابا و دده سنك اسملى ذكره حاجت يوقدر  
كذلك اول عقار اكر شهرته مبنى تحديددن مستغنى  
ايسه كرك دعواده و كرك شهادتده حدودينك بيانى  
شرط دكلدر

و برده مدعی اگر شو و سنده حدودی محرر اولان  
عقار بنم ملکمدر دیو دعوی ایدر ایسه صحیح اولور  
ماده ۱۶۲۴

مدعی حدودک بیاننده اصابت ایدو بده عقارک مقدار  
ذراع و یا دونمی اکسک یا زیاده سویلسه دعواسنک  
صحتنه مانع اولماز  
ماده ۱۶۲۵

عقارک ثمنی دعواده حدودینک بیانی شرط دکلدر  
ماده ۱۶۲۶

مدعا به دین ایسه مدعی انک جنس و نوع و وصف  
و مقدارینی بیان ایلسی لازمدر

مثلا التون و کومش دیو جنسینی و عثمانلی سکه سی یا خود  
انکلیز سکه سی دیو نوعینی و سکه خالصه یا خود سکه  
مغشوشه دیو و صفنی و نه مقدار اولدیغنی بیان ایلسی  
لازمدر . فقط علی الاطلاق شو قدر غروش دیو ادعا  
ایتسه دعواسی صحیح و عرف بلده جه معهود اولان  
غروشه مصروف اولور . و ایکی درلو غروش متعارف  
اولدیغنی حالده برینک رواج و اعتباری دها زیاده اولسه  
ادناسنه صرف اولنور . نه کیم شر قدر عدد بشاک دیو

دعوی ایتسه فی زماننا مسکوکات مغشوشه دن اولان  
قره بشلکه مصروف اولور

۱۶۲۷ ماده

مدعا به عین اولدیغی تقدیرده سبب ملکیت بیان اولتمق  
لازم کلیوب بلکه بومال بندر دیو ملک مطلق دعواسی  
صحیح اولور

امادین اولدیغی تقدیرده سبب وجهتی یعنی ثمن میعمیدر  
یوخسه لاجر تمیدر و یا خود آخر جهتدن طولایمی بر  
بورجندر الحاصل نه جهتدن طولایی دین اولدیغی  
سؤال اولنور

۱۶۲۸ ماده

اقرارک حکمی مقربک ظهوریدر یوخسه بدایه حدودی  
دکلدر . بوجهتله اقرار سبب ملک اوله ماز . بناء علیه  
مدعی مجرد مدعا علیه اقرارینی سبب طوته رق اندن  
برشی دعوی ایتسه استماع اولتماز

مثلا مدعی بومال بندر وانک ذی الیدی اولان شو آدم  
دخی بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع  
اولنور اما بومال بندر زیرا انک ذی الیدی اولان شو  
آدم بنم اولدیغی اقرار ایتشیدی دیو دعوی ایتسه استماع  
اولتماز . کذلک مدعی جهت قرضدن طولایی شو

آدمه بوقدر غروش اله جغم واردر حق كندوسى دخی  
 بوجهتدن طولايى او قدر غروش بورجى اولديغنى اقرار  
 ايتشيدى ديودعوى ايتسه مسموع اولور اما شول آدم  
 بكا جهت قرضدن طولايى بوقدر غروش بورجى اولديغنى  
 اقرار ايتش اولديغنى ايچون انده بوقدر غروش حقم  
 واردر ايترم ديو دعوى ايتسه مسموع اولماز  
 ۱۶۲۹ ماده

مدعايک محتمل الثبوت اولمسی شرطدر  
 بناء عليه عقلا یا عادة وجودی محال اولان شیئی ادعا  
 صحیح اولماز

مثلا بر کیمسه کندوسندن سنأ بیوک یاخود نسبی معروف  
 اولان کسینه حقنده بو بنم او غلدر دیو ادعا ایتسه دعواسی  
 صحیح دکلدر  
 ۱۶۳۰ ماده

دعوايک ثبوتی تقدیرنده مدعا علیه برشی ایله محکوم  
 و ملزم اولمسی شرطدر

مثلا بر کیمسه دیگر کسینه برشی اعاره ایتدکده دیگر بر  
 شخص چقبوده بن الک متعلق ایتدنه بکا اعاره ایتسون  
 ديو دعوى ايتسه صحیح اولماز کذلک بر کیمسه دیگر  
 کسینه بر خصوصه توکیل ایتدکده دیگر بر شخص

چيقوبده بن انك قومشوسى يم انك و كالته دهـا مناسيم  
 ديو دعوى ايتسه صحیح اولماز . زیرا هر کس مالی  
 ديلديکته اعاره و ديلديکنى امورينه توکيل  
 ايديهيله جکندن بو دعوالر ثايت اولديغى تقدیرده مدعا  
 عليه حقنده هيچ بر حکم ترتب ايتمز .

( فصل ثانی )

( دفع دعوى حقنددر )

۱۶۳۱ ماده

دفع . مدعا عليه طرفندن مدعينك دعواسنى دفع ايديه چك  
 بر دعوى درمیان اولتمقده در  
 مثلاً بر کيمسه جهت قرضدن طولايى شوقدر غروش دعوى  
 ايتدکده مدعا عليه بن اتى ادا ايتمشيدم يا خود سن بنى  
 اندن ابرا ايتمشيدك و يا خود بز صلح اولمش ايدك يا خود  
 بو مبلغ قرض دکلدر بلکه سکا صياتمش اولديغم فلان  
 مالک ثمنيدرو يا خود فلان کسنده ده اله جغم اولان اولمقدار  
 غروشى سکا حواله ايتمکله سن دخی بکا اول مبلغى  
 و برمشيدك ديسه مدعينك دعواسنى دفع ايتمش اولور  
 کذا بر کيمسه ديگر کسنده دن فلانک ذمتنده اله جغم اولان  
 شوقدر غروشه سن کفيل اولمشدك ديو دعوى ايتدکده



اول کسینه ما یونک مبلغ مزبوری ادا ایش ایدوکنی ادا  
ایلسه مدعینک دعواسنی دفع ایش اولور  
و کذا بر کیمسه دیگر کسینه نک یندنه بولنان بر مالی بندر  
دیو دعوی ایتدکده اول کسینه اکا بوندن مقدم فلان  
آدم اول مالی بندن دعوی ایتدکده سن انک دعواسنه  
شهادت ایتشیدک دیو ادا ایلسه مدعینک دعواسنی دفع  
ایش اولور

کذلک بر کیمسه بر متوفانک ترکه سندن شو قدر غروش اله حق  
دعوی و وارثک انکاری اوزرینه بو دعواسنی اثبات  
ایتدکده نصکره متوفانک حال حیاتده اول دینی ادا ایش  
اولدیغنی وارثی ادا ایلسه مدعینک دعواسنی دفع ایش  
اولور

۱۶۳۲ ماده

دفع دعوی ایدن کیمسه دفعنی اثبات ایتدکده مدعینک  
دعواسی منافع اولور و اثبات ایده مدعیکی تقدیرده انک  
طلبیه اصل مدعی تحلیف اولنور

مدعی یمیندن نکول ایدر ایسه مدعا علیک دفعی ثابت  
اولور و اکر مدعی یمین ایدر ایسه کندوسنک اصل  
دعواسی عودت ایدر

۱۶۳۳ ماده

بر کیمسه دیگر کسه نه دن شو قدر غروش الله حق دعوی  
ایدوبده مدعی علیه دخی بن سنی بومبلغ ایله فلاک  
اوزرینه حواله ایدوب هر بریکز دخی حواله یی قبول  
ایتمش ایدیکز دیو ادما و بونی محال علیه دخی حاضر  
اولدیغی حالده اثبات ایلسه مدعی یی دفع ایله مطالبه سندن  
خلاص اولور . واکر محال علیه حاضر دکل ایسه  
انک حضورینه قدر موقوفا مدعی یی دفع ایش اولور

( فصل ثالث )

( خصم اولوب اولمایانلر بیاننده دیر )

۱۶۳۴ ماده

بر کیمسه برشی دعوی ایتدکده اکر مدعا علیهک اقراری  
تقدیرنده انک اقراری اوزرینه بر حکم ترتب ایدرایسه  
انکار یله دعواده و اقامه یینده خصم اولور  
واکر مدعا علیهک اقراری تقدیرنده بر حکم ترتب ایتز  
ایسه انکار یله خصم اولماز

مثلا اصنافدن بری کلو بده بر ذاتدن سنک رسولک  
فلان بندن شو مالی الدی ثمنی ویر دیو دعوا ایتدکده  
اول ذات اقرار ایتسه ثمن مبعی دفع و تسلیمه مجبور

اولدیغی جهته له انکار ایتدیکی صورتده دخی مدعی به  
 خصم اولور اول حالده مدعینک دعواسی و بینده سی  
 استماع اولنور . اما مدعی سنک شرایه و کیلک اولان  
 کمینه الہی دیو دعوی ایتدکده مدعی علیه اقرار ایتسه  
 ثمن مبیعی مدعی به دفع و تسلیه مجبور اولمادیغی جهته له  
 انکار ایتدیکی صورتده مدعی به خصم اولماز

اول حالده مدعینک دعواسی استماع اولنماز  
 ولی و وصی و متولی بوقاعده دن مستثا دز . شویله که  
 برکیمسه مال یتیمی یا خود مال وقفی ملکمدر دیو دعوی  
 ایتدکده و کیلینک یا وصینک یا خود متولینک اقرارلری نافذ  
 اولمادیغندن اوزرینه بر حکم ترتب ایتز . اما انکارلری  
 صحیح اولوب انک اوزرینه مدعینک دعوی و بینده سی  
 استماع اولنور شو قدر وار که ولی و وصی و متولیدن  
 صادر اولان بر عقد اوزرینه دعوی اولمادیغی حالده  
 اقرارلری دخی معتبر اولور

مثلا مسوغ شرعی به بناء بر صغیرک مالنی و ایسی صاتیوبده  
 اکا دائر مشتری طرفندن بر دعوی وقوع بولسه ولینک  
 اقراری معتبر اولور

۱۶۳۵ ماده

دعوائی عینده خصم انجق ذی الیددر

مثلاً بر کسیسه دیگر کسیسه نك آتني غصب ايله آخر بر  
شخصه بيع و تسليم ايدو بده اول، کسیسه آتني استرداد  
ايتك استدكده انجق ذی الیددن دعوی ایدر اما او  
آتک قیمتی تضمین ایتدیرمك استدكده غاصبدن دعوی  
ایدر

۱۶۳۶ ماده

بر کسیسه مال مشترییه مستحق چیقو بده آنی دعوی  
ایتدكده نظر اولنور

اگر مشتری اول مالی قبض ایتش ایسه حین دعوی  
و شهادتده خصم یالکز مشتریدر بایعك حضوری شرط  
دکار . و اگر مشتری اول مالی هنوز بایعدن قبض  
ایتماش ایسه مشتری مالک و بایع ذی الید اولق حسیبیه  
حین دعوی و شهادتده ایکیسنك دخی حضوری لازمدر  
۱۶۳۷ ماده

ودیعه بی و دیعه دن و مستعار ی مستعیر دن و مأجوری  
مستأجر دن و مرهونی مرتهندن دعوی وقتنده و دیع ايله  
مودعك و مستعیر ايله معیرك و مستأجر ايله . و جرک  
و مرتهن ايله راهنك برلکده حاضر بولنمالاری شرطدر  
فقط و دیعه و یا مستعار و یا مأجور و یا خود مرهون  
غصب اولنسه یالکز و دیع و مستعیر و مستأجر و مرتهن

انلری غاصبدن دعوی ایدہ یلور مالکک حضوری  
لازم کلمز و بونلر حاضر اولد قجه یالکز مالکک آنلری  
دعوی ایدمز  
۱۶۳۸ ماده

ودیع مشتری به خصم اولماز  
شویله که برکسنه دیگر کسنه نک یندنه اولان خانه ایچون  
بن بو خانه بی فلان شخصدن شو قدر غروشه صاتون  
آلدم انی بکا تسلیم ایت دیو دعوی ایتدکده اول کسنه  
بو خانه بی بکا اول شخص ایداع و تسلیم ایتدی دیسه  
مدعینک خصومتی منافع اولور اول شخصک ایداعی اثباته  
حاجت یوقدر . فقط مدعی دخی فی الواقع اول شخص  
بو خانه بی سکا ایداع ایتشیدی لکن صکره بکا صاتدی  
وسندن قبض و تسلیم بنی توکیل ایتدی دیوبده اول  
شخصک بیع و توکیلنی اثبات ایدرسه اول خانه بی  
ودیعدن اخذ ایدو

۱۶۳۹ ماده

ودیع مودعک دائمنه خصم اولماز  
بناء علیه دائن مودعه اولان اله جفنی ودیعک مواجهه  
سمنده اثبات ایدو بده اندکی ودیعه دن استیفای دین  
ایدمز . فقط (۷۹۹) ماده ده بیان اولندیغی اوزره

غائبك اوزرينه نفقه سی واجب اولان كشی نفقه سنی  
غائبك امانت آچه سندن المیق اوزره و دیعدن دعوی  
ایده ییلور

۱۶۴۰ ماده

دائمه مدیونك مدیونی خصم اولماز  
بناء علیه برکیمسه متوفاده اولان اله جغنی متوفانك مدیونی  
مواجهه سنده اثبات ایدو بده اندن استیفا ایده من

۱۶۴۱ ماده

بایعه مشتریك مشتری خصم اولماز  
مثلا برکیمسه بر مالی دیگر کسینه بیع و او دخی آنی قبض  
ایله آخر شخصه بیع و تسلیم ایتدکدن صکره ( مشتری  
اول اول مالی ثمنی ادا ایتمکسترین قبض ایتمشیدی انك  
ثمنی ویر یاخود ثمنك استیفا سنده قدر حبس ایتك اوزره  
آنی بکا ویر) دیو بایعك مشتری ثانیدن دعواسی استماع  
اولماز

۱۶۴۲ ماده

متوفانك لهنه و عیله نه اولان دعوا ده یالکوز ورشه دن  
برپسی خصم اوله ییلور  
فقط ترکه دن بر عینی دعوا ده اول عین ورشه دن کیمك

یونده ايسه خصم او در . ذی الید اولیان وارث خصم  
اوله ماز

مثلا متوفانك بر کیمنده اولان اله جغتی ورته دن یالکز  
بری دعوی ایده یلور و بعدالشبوت اول اله جغتک مجموعی  
جمله ورته ایچون حکم اولنور . فقط مدعی اولان  
وارث اندن یالکز کندی حصه سنی قبض ایدر سائر  
ورته نك حصه سنی قبض ایده مز

کذلک بر کیمسه تره دن دین دعوی ایده جک اولدقده  
ورته دن یالکز بر یسنک حضورنده دعوی ایده یلور .  
کرك اول وارث یونده ترکه دن مال بولنسون و کرك  
بولنسون . و بویله یالکز بر وارثک حضورنده دعوی  
دین ایدو بده اول وارث دخی دینی اقرار ایتدیکی تقدیرده  
دیندن آنک حصه سنه نقدر اصابت ایدر سه یالکز اول  
مقداری و یرمک اوزره امر اولنور وانک اقراری سائر  
ورته یه سرایت ایتز . واکر اقرار ایتیبوده مدعی  
یالکز اول وارثک حضورنده دعواسنی اثبات ایدر سه  
جمله ورته علیهنه حکم اولنور . و مدعی اولوجهله  
محکوم به اولان دینی ترکه دن اله جق اولدقده سائر ورته  
مدعی یه اول دینی تکرار بزم حضور مزده اثبات ایت  
دیه منزل فقط مدعینک دعواسنی دفعه صلاحیتلری وار



در . اما قبل القسمه متوفانك تركه سندن اولان فقط  
 ورثه دن برينك ينده بولسان بر آتی بر کیمسه بنم مالم  
 اولوب متوفایه ایداع ایتشیدم دیو دعوی ایده جک  
 اولدنده خصم انجق ذوالید اولان وارث در . دیگر  
 ورثه دن دعوی ایتسه استماع اولتماز . و ذی الیددن دعوی  
 ایدوبده انک اقرار یله حکم اولنور ایسه سائر ورثه یه سرایت  
 ایتزانک اقراری انجق کندی حصه سی مقدار نجه نافذ اولوب  
 انک اول آتده اولان حصه سی مدعینک اولمق اوزره حکم  
 اولنور واکر ذی الید اولان وارث انکار ایدوبده مدعی  
 دعواسنی اثبات ایدرسه مجموع ورثه علیه نه حکم  
 اولنور . (۷۸) ماده یه باق

۱۶۴۳ ماده

ارثدن غیری بر سبب ملک ایله بر قاچ کیمسه بیننده  
 مشترک اولان بر عینی دعوا ده شرکادن بری دیگرک  
 حصه سنده مدعی یه خصم اوله من

مثلا شراطر یقیله بر قاچ کیمسه بیننده مشترک بر خانه بی  
 بر کیمسه شرکادن یالکز بری حضورنده ملکمدر دیو  
 دعوی و اثبات ایدوبده حکم اولنسه حکم انجق حاضر  
 اولان شریکک حصه سنده مقصور اولوب سائرینه سرایت  
 ایتمز

۱۶۴۴ ماده

طریق عام کبی منافعی عمومہ عائد اولان یرلرک دعواسنده  
عامہ دن یالکز بریسی مدعی اولوب انک دعواسی  
استماع ایله مدعا علیه اوزرینه حکم اولنه بیلور

۱۶۴۵ ماده

اهالیلری قوم غیر محصور اولان ایکی قریه بیننده نہر  
ومرعی کبی منافعی مشترک اولان شیلر دعواسنده طرفیندن  
بعضیلرینک حضوری کافیدر . اما اہالیلری قوم  
محصور اولدیغی صورتده بعضیلرینک حضوری کافی  
اولیوب جله سنک یا خود طرفلرندن وکیللرینک حضوری  
لازمدر

۱۶۴۶ ماده

یوز نفردن زیاده اولان قریه اہالیسی قوم غیر محصور  
عدا اولنور

( فصل رابع )

( تناقض پسانده در )

۱۶۴۷ ماده

تناقض ملکیت دعواسنه مانع اولور  
مثلا بر کیمسه بر مال استشرایدوبده یعنی صائون المق

استنوبده بعده اول مال قبل الاشتر اكنند و سنك ملكى  
ايد و كنى دعوى ايتسه مسموع اولماز . و كذا فلان كمسنده  
هيج بر حقم بو قدر ديد كدن صكره اول كمسنده دن برشى  
دعوى ايتسه مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كمسنده دن فلان آدمه ويرمك اوزره  
سكا شو قدر غروش ويرم شيدم سن اكا ويرم يوب يد كده  
قالغله كتور اول مبلغى وير ديو دعوى ايتد كده مدعا  
عليه انكار ايتمكه مدعى اقامه يينه ايتد كدن صكره مدعا  
عليه دونوبده كرچك اول آدمه ويرمك اوزره بكا او قدير  
غروش ويرم شيدك لكن بن اول مبلغى اكا تسليم ايلدم  
ديو دفع دعوى ايدجك اولسه مسموع اولماز

و كذلك بر كيمسه ديكر ك ينده اولان بر دكانى ملكمدر  
ديو دعوى ايتد كده ذواليد كرچك اول دكان سنك ملكك  
ايدى لكن فلان تاريخده سن انى بكا بيع ايتم شيدك ديو  
دعوى و مدعى اصلا بيلغزده بيع و شرا جريان ايتدى ديو  
كليسا انكار ايتمكه ذى اليد دعوا سنى اثبات ايتد كدن  
صكره مدعى دونوب فى الحقيقه اول دكانى اول تاريخده  
سكا بيع ايتم ايدم لكن بيع وفا يا خود شو مقوله شرط  
ايه عقد اولمشيدى ديو دعوى ايلسه استماع اولماز

۱۶۴۸ ماده

برکیمسه بر مالی دیگر کسنه نك اولديغنی اقرار ایتدکن  
صکره بندر دیو دعوی ایتسه صحیح اولدیغنی کی آخرک  
طرفندن بالو کاله یا بالوصایه دعوی ایتسی دخی صحیح  
اولماز

۱۶۴۹ ماده

برکیمسه دیگر کسنه بی جمیع دعوان ابرا ایتدکن  
صکره کندوسی ایچون اندن بر مال دعوی ایتسه صحیح  
اولماز . اما بشقه سی ایچون بالو کاله یا خود بالوصایه  
دعوی ایده یلور

۱۶۵۰ ماده

برکیمسه بر مالی آخر کسنه ایچون دعوی ایتدکن  
صکره کندوسی ایچون دعوی ایتسه صحیح اولماز .  
اما کندوسی ایچون دعوی ایتدکن صکره بالو کاله  
آخر کسنه ایچون دعوی ایده یلور زبرا دعوی و کیلی  
بعضا ملکی نفسنه مضاف قیلار اما برکسنه عند الخصومه  
کندو ملکی بشقه سنه مضاف قیلماز

۱۶۵۱ ماده

حق و احد ایکی کشیدن ابرو ابرو استیفا اولنه مدیغی

کبی جهت و اchiedه دن طولایی حق واحد ایکی کشیدن  
ادما دخی اولنه ماز

۱۶۵۲ ماده

نصل که متکلم و احدك دعواسنده تناقض بولنور  
ایسه وکیل و موکل و وارث و مورث کبی متکلم  
واحد حکمنده اولان ایکی کسنه نك کلامرنده دخی  
تناقض تحقق ایدر . شویله که بر خصوص حقننده  
موکلدن سبق ایدن دعوايه منافی و کیلی بر دعوی در میان  
ایسه صحیح اولماز

۱۶۵۳ ماده

خصمك تصدیقیله تناقض مرتفع اولور  
مثلا بر کیمسه جهت قرضدن اوله رق دیگر کسنه دن شو  
قدر غروش اله حق دعوی ایتدکدن صکره مبلغ مزبورك  
جهت کفالتدن اولدیغنی دعوی ایدو بده مدعی علیه  
دخی بونی تصدیق ایلسه تناقض مرتفع اولور

۱۶۵۴ ماده

حاکمك تکذیبیله دخی تناقض مرتفع اولور  
مثلا بر کیمسه دیگر کسنه نك بدنده اولان مالی بنمدر دیو  
دعوی ایدوب مدعی علیه دخی اول مال فلانك ایدی  
بن اندن صاتون الدم دیو انکار ایتمکه مدعی اقامه یینه

ایدو بده حکم اولنسه محکوم علیه اول مالک ثمنیه بایعنه  
رجوع ایدر واکرچه ابتدا اول مال بایعک ایدوکنی  
اقرار ایتسیله صکره کی رجوعی بیننده تناقض وار ایسه  
ده حاکم حکمیه بواقاری تکذیب اولندیغندن تناقض  
مرتفعدر

۱۶۵۵ ماده

محل خفا اولو بده مدعینک معذرتی ظاهر اولور ایسه  
تناقض مغفوا اولور

مثلا برکیمسه برخانه بی استیجار ایتدکدنصکره بن صغیر  
ایکن پدرم بوخانه بی بنم ایچون اشترا ایتش حین استیجارده  
خبرم یوق ایدی دیو موجردن ادما و بو یولده بر قطعه  
سند ابراز ایلسه دعواسی مشموع اولور

کذلک برکیمسه برخانه بی استیجار ایتدکدنصکره و قتیه  
اول خانه کندوسنه پدرندن ارثا انتقال ایلش ایدوکنه  
واقف اولوبده موجردن ادما ایلسه دعواسی استماع قلنور  
۱۶۵۶ ماده

تقسیم ترکیه ایتدار مقسومک مشترک اولدیغنی اقرار در  
بناء علیه بعدالتقسیم مقسومی بنمدر دیو دعوی ایتک  
تناقضدر

مثلاً تركه تك تقسيمند نصكره ورثه دن بر يسي اعيان  
مقسوم و مدد بريني بن متوفان صاتون المشيدم يا خود  
متوفي اني حال صحته بكا هبه و تسليم ايتشيدى ديو ادا  
ايتسه مسموع اولماز فقط بن صغير ايكن متوفي اول مالى  
بكا و برفش وقت تقسيمه بيلوردم دير ايسه معذور و  
دعواسى مسموع اولور

۱۶۵۷ ماده

متناقض كورينان ايكي كلامك توفيق ممكن اولوبده مدعى  
دخى توفيق ايدر ايسه تناقض مرتفع اولور  
مثلاً بر خانه ده مستأجر اولديغنى اقرار ايتش ايكن بو خانه  
بندر ديو دعوى ايتسه استماع اولماز . اما مستأجر  
ايدم صكره صاحبندن صاتون الدم ديو توفيق ايلسه  
دعواسى استماع اولنور

كذلك بر كيسه جهت قرضدن معلوم المقدار غروش  
دعوى ايدوبده مدعا عليه دخى بن سندن برشى المدم  
و سنكله بنمزده هيچ بر معامله جارى اولماشدر يا خود  
بن سنى اصلا طاعيم ديو بده مدعى اقامه يئنه ايتدكدن  
صكره مدعا عليه بن اول مبلغى ايضا ايتشيدم يا خرد سن  
بنى اندن ارا ايتشيدك ديو ادا ايلسه تناقض اولغله  
دعواسى استماع اولماز . اما مدعينك دعواى



مشروحدهسی اوزرینه مدعا علیه سکا هیچ بورجم یوقدر  
دیو بده مدعی اقامه بینه ایتد کدنصکره مدعا علیه اوت  
سکا او قدر بورجم وار ایدی لکن بنانی سکا نأدیه  
ایتمشیدم یاخود سن بنی اندن ابرا ایتشیدک دیو دعوی  
واثبات ایلمسه مدعی بی دفع اید، یلور

و کذلک بر کیمسه دیگر کمنه دن سنده شویله برودیعهم  
وار اینی ویر دیو دعوی ایتد کده مدعا علیه سن بکا  
اصلاً برشی ایداع ایتد ک دیو انکار ایدوبده مدعی  
اقامه بینه ایتد کدنصکره مدعا علیه بنانی سکا ردو تسلیم  
ایتمشیدم دیو دفع اید، جک اولور سه بو دفعی مسموع  
اولیوب و دیعه امک یکنده موجود ایسه مدعی انی عینا  
الور و مستهلک ایسه قیمتی تضمین ایتدیرر اما مدعینک  
دعوای مشروحدهسی اوزرینه مدعا علیه بنده سنک اولیله  
و دیعه ک یوقدر دیو انکار ایدوبده مدعی اقامه بینه  
ایتد کدنصکره مدعا علیه اوت اولیله برودیعک وار ایدی  
لکن بنانی سکا ردو تسلیم ایتمشیدم دیو ادعا ایتمسه دعوا می  
مسموع اولور

۱۶۵۸ ماده

بر کیمسه بر عقدک باتاً و صحیحاً کند و سدن صادر اولدیغنی  
اقرار اید، رک بو اقراری سنده ربط اولندقدن صکره

دو نوبده اول عقدك و فاء و يا خود قاسدا منعقد اولديغنى  
ادما ايتسه دعواسى مسموع اولماز  
(۱۰۰) ماده يه باق

مثلا بر كيمسه ملك منزلى بر كسنه يه ثمن معلوم مقابلنده  
بيع و تسليم ايند كدنصكره حضور حاكه واروب بن  
شو حدود ايله محدود اولان منزلى شو قدر غروش  
مقابلنده فلان كسنه يه بيع بات صحيح ايله صماتدم ديو  
اقرار ايندوبده بو اقرارى سنده ربط اولندقدنصكره  
دو نوبده بيع مزبوري وفا طريقه يله يا خود شو مقوله  
شرط مفسد ايله عقد اولمشيدي ديو ادما ايتسه دعواسى  
مسموع اولماز

كذلك بر كيمسه ديكر كسنه ايله اولان دعواسندن صلح  
اوله رق حضور حاكه واروبده اول صلحك صحيحا  
عقد اولنديغنى اقرار ايندرك بو اقرارى سنده ربط  
اولندقدنصكره دو نوبده صلح مزبوري شو مقوله شرط  
مفسد ايله اولمشيدي ديو ادما ايتسه دعواسى مسموع  
اولماز

۱۶۵۹ ماده

بر كيمسه بر مالى ملكمدر ديو ديكر كسنه حضورنده آخره  
بيع و تسليم ايند كده اول كسنه كورو بده بلا عذر

سکوت ایتشیکن. صکره دن اول مال بندر یاخود آنده  
 حصه واردر دیو دعوی ایتسه نظر اولنور . اکر  
 اول کسینه یا یعمک اقرار بدن یاخود زوج و زوجه دن  
 بریسی ایتسه اشبو دعواسی مطلقا استماع اولنماز . واکر  
 اجانب دن ایتسه اول وجهله بالکیز مجلس بیعده بولنمی  
 دعواسنک استماعنه مانع اولیوب انجق مجلس بیعده  
 حاضر اولدقدن شقه مشرتینک بر مدت اول ملکده اینیه  
 یا یعمق یاخود یقیمق و یاخود افاج دیکمک کبی تصرف  
 ملاک ایله تصرفنی کور و بده بلا عذر سکوت ایتدکن  
 صکره بر وجهه بالا بنیم ملکمدر یاخود آنده حصه وار  
 در دیو دعوی ایتسه کذلک استماع اولنماز



( باب ثانی )

( مرور زمان حقنده در )

۱۶۶۰ ماده

دین و ودیعه و ملک عقار و میراث و عقارات موقوفه ده  
 بقاطعه یاخود اجار تین ایله تصرف و مشروطه تولیت  
 و غیله دعوالری کبی اصل وقفه و عمومه عائد اولیان  
 دعوالر اون بش سنه ترک اولندقدن صکره . استماع اولنماز

۱۶۶۱ ماده

اصل وقف حقنده متولی و مرتزقه نك دعوالری اوتور  
التي سنه يه قدر استماع اولنور

اما اوتوز التي سنه مرور ايتدكدنصكره ارتق استماع  
اولنماز

مثلا بر كيمسه اوتوز التي سنه بر عقاره ملكيت اوزره  
متصرف اولدقدنصكره بروققك متوليسي اول عقاره بنم  
وققمك مستغلاتنددر ديو دعوى ايتسه استماع اولنماز

۱۶۶۲ ماده

طريق خاص ومسبيل وحق شرب دعوالری اكر ملك  
عقارده ايسه اون بش سنه مرور ايتدكدن صكره  
استماع اولنماز و اكر عقارات موقوفه ده ايسه متولينك  
انلری اوتوز التي سنه يه قدر دعوايه صلاحيتي واردر  
اون سنه مرورندن صكره اراضی ميريه دعوالری  
استماع اولنمديغی كبی اراضی ميريه نهکی طريق خاص  
ومسبيل وحق شرب دعوالری دخی اون سنه ترك  
اولندقدنصكره استماع اولنماز

۱۶۶۳ ماده

بوابده معتبر یعنی دعواك استماعنه مانع اولان مرور  
زمان انجق بلا عذر واقع اولان مرور زماندر

بوخسه مدعینک و صیدی بولنسه-ون بولنسه-ون صغیر  
یا مجنون یا معتوه اولسی یاخود مدت سفر اولان آخر  
دیارده بولنسی و یاخود خصمنک متغلبه دن اولسی کبی  
اعذار شرعیه دن بویله مرور ایدن زمانه اعتبار اولماز  
بناء علیه مرور زمانک مبدئی عذرک زوال واندقاعی  
تاریخندن اعتبار اولنور

مثلا برکیمسه نك حال صغرنده کچن زمانه اعتبار اولنمیوب  
مرور زمان انجق حد بلوغه واصل اولدیغی تاریخندن  
معتبر در

کذلک برکیمسه نك متغلبه دن بویله دعواسی اولوبده  
خصمنک تغلبی تمتد اوله رق دعوی ایده مدیکندن مرور  
زمان بولنسه اول دعوانک استماعنه مانع اولماز . مرور  
زمان انجق تغلبک زوالی تاریخندن معتبر در

۱۶۶۴ ماده

مدت سفر سیر معتمدل ایله اوچ کونلک یعنی اون سکر  
ساعتلک مسافه در

۱۶۶۵ ماده

بینلرنده مدت سفر اولان ایکی بلده ساکنلرندن بریسی  
برقاج سته ده بر صکره بر بلده ده بر لشوب یکدیگر یله  
محاکمه لری قابل ایکن بر برندن برشی دعوی ایتمه رک

بووجهله مرور زمان بولندقدن صکره مدت مرور دن  
مقدم تاریخ ایله برینک دیکرندن دعواسی استماع اولنماز  
۱۶۶۶ ماده

برکیمسه برخصوصی حضور حاکمه دیکر کیمسهنه دن  
برقاج سنه ده بر کره دعوی ایدوب انجق فصل دعوی  
ایلدیه رک بووجهله اون بش سنه مرور ایتسه دعوانک  
استماعنه مانع اولماز . اما حضور حاکمه اولمیان ادعا  
ومطالبه مرور زمانی دفع ایده من

بناء علیه بر کیمسه برخصوصی مجالس حاکم غیر  
برلرده ادعا ومطالبه ایدرک بووجهله مرور زمان بولنسه  
مدعینک دعواسی استماع اولنماز  
۱۶۶۷ ماده

مرور زمان مدعی مدعا بهی ادمایه صلاحیت کلدیکی  
تاریخدن اعتبار اولنور

بناء علیه دین مؤجله دعوا ده مرور زمان انجق حلول  
اجلدن معتبر اولور . زیرا قبل حلول الاجل مدعینک  
اول دینی دعوی ومطالبه به صلاحیتی یوقدر

مثلا برکیمسه دیکر کیمسهنه دن بوندن اون بش سنه مقدم ثمنی  
اوج سنه مؤجل اولوق اوزره سکا بیع ایلدیکم فلان شی  
ثمنندن سنه شو قدر غروش اله جغم واردر دیو دعوی

ایلسه استماع اولنور . زیرا حلول اجلدن اعتبارا  
انجق اون ایکی سنه کچمش اولور

کذلک بطننا بعد بطن اولاده مشروط وقفه دار بطن  
ثانیه بولنان اولادک دعوالرنده مرور زمان انجق بطن  
اولک انقراضی تاریخندن معتبردر . زیرا بطن اول  
موجود ایکن بطن ثانینک دعوایه صلاحیتی یوقدر

و ذلک مهر مؤجل دعواسنده مرور زمانک مبدائی وقت  
طلاقدن یاخود احد زوجینک وفاتی تاریخندن اعتبار  
اولنور . زیرا مهر مؤجل یاطلاق یاخود وفات ایله  
معجل اولنور

۱۶۶۸ ماده

مفلس اولان کسینه دن اله جق دعواسنده مرور زمان  
انجق افلاسک زوالی تاریخندن معتبردر

مثلا اون بش سنه دنبرو مقادیا مفلس اولوب هنوز کسب  
یسار ایلدیکی متحقق اولان بر کیسه دن دیگر کسینه  
اون بش سنه مقدم ذمتکده فلان جهتدن شوقدر غروش  
اله جقم وارایدی اول تاریخدنبرو مفلس اولدیغک جهته  
دعوی ایده مدم شمدی اداء دینه اقتدارک اولغله دعوی  
ایدرم دیسه استماع اولنور



۱۶۶۹ ماده

بر کیمسه بر دعوائی بوجه بالا بلا عذر ترك ايدرك مرور  
زمان بولنسه اول دعوی حیاتنده کندوسندن استماع  
اولندينی کبی وفاتنده وارشدن دخی استماع اولنماز

۱۶۷۰ ماده

بر دعوائی بر مدت مورت و بر مدت وارث ترك ایدوبده  
ایکی مدتک مجموعی مرور زمان حدینه بالغ اولورسه  
ارتق استماع اولنماز

۱۶۷۱ ماده

بایع ایله مشتری و واهب ایله موهوب له مورت ایله وارث  
کبیدر

مثلا بر کیمسه بر عرصه ده اون بش سنه متصرف اولوب  
اول عرصه نك اتصائلنده خانه سی اولان کسه نه بومدته  
سکوت ایتدکدن صکره اول خانه بی آخره بیع ایتدکده  
مشتری اول عرصه اشبو اشترا ایتدیکم خانه نك طریق  
خاصیدر دیو دعوی ایلسه مسموع اولماز

کذلک بر مدت بایع و بر مدت مشتری سکوت ایدوبده ایکی  
مدتک مجموعی مرور زمان حدینه بالغ اولسه مشتری نك  
دعواسی استماع اولنماز

۱۶۷۲ ماده

متوفاتك ديكرنده اولان بر مالي دعواده ورثه سندن  
 بعضيلري حقهده مرور زمان بولنش-يكن ديكر بعضيسي  
 حقهده صغر كي بر عذر ايله مرور زمان بولنديغنه ميني  
 اول مالي دعوي واثبات ايتدكده مدعا بم-ده اولان  
 حصه سي كندوسنه حكم اولنور و بوحكم سار ورثه يه  
 سرايت ايتمز

۱۶۷۳ ماده

بر كيمسه بر عقارده مستاجر اولديغني مقر ايكن اون بش  
 سنه دن زياده زمان مرور ايتمكه اكا مالك اوله ماز  
 اما انكار ايدوبده مالك دخي اول عقار بنم ملكمدر شو  
 قدر سنه مقدم سكا ايجار ايتشيدم دائما اجرتني قبض ايدر  
 ديو دعوي ايتدكده نظر اولنور

اكر ايجاري بين الناس معروف ايسه دعواسي استماع  
 اولنور . دكل ايسه استماع اولنماز

۱۶۷۴ ماده

تقادم زمان ايله حق ساقط اولماز  
 بناء عليه مرور زمان بولنان بر دعواده مدعا عليه حضور  
 حاكمده مدعينك دعواسي وجهله حالا كندوسنده حق  
 اولديغني صراحة اقرار و اعتراف ايدوبورر ايسه مرور

زمانه اعتبار اولنمىوب مدعا عليه اقرارى موجب  
حكم اولتور

امامدى عليه حضور حاكمده اقرار ايتيويده مدعى انك  
ديكر محمله اقرار ايتيش اولديغنى دعوى ايدرسه مدعينك  
اصل دعواسى استماع اولنديغى كبي اقرار دعواسى  
دخى استماع اولتماز

فقط دعوى اولنان اقرار مقدا مدعى عليهك معروف  
اولان خط وياختنى حاوى برسنده ربط اولنوبده اول  
سندك تاريخندن وقت دعوايه قدر مرور زمان مدتى  
بولتماش ايسه اوصورتده اقرار دعواسى استماع اولتور  
۱۶۷۵ ماده

طريق عام ونهر ومرعى كبي منافعى عمومه عائد اولان  
يرلك دعواسنده مرور زمانه اعتبار اولتماز  
مثلا بر قريه يه مخصوص اولان مرعاى بر كيمسه بلا نزاع  
الى سنه ضبط وتصرف ايتدكدنصكره قريه سى اهاليلى  
اول مرعاى اندن دعوى ايتسه لر استماع اولتور

اراده سنه تاريخى في ۹ جادى الاخرى سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین الفتوی ناظر عدلیه

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز عن اعضاء مجلس تدقیقات

السید احمد حلمی شرعیه السید احمد خلوصی

رئیس المیسودین عن اعضاء مجلس تدقیقات

عمر حلمی شرعیه احمد خالد

اعلامات ممیزی معاونی

عبد الستار

— ❧ كتاب البينات والتحليف ❧ —

✽ صورت خط همايون ✽

( موجب پنجه عمل اولنه )

( كتاب خامس عشر )

( بينات و تحليف حقنده اولوب بر مقدمه ايله درت بابي )

( مشتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات قهيمه بيانده در )

۱۶۷۶ ماده

بينه . حجت قويه ديمكدر

۱۶۷۷ ماده

تواتر . كذب اوزره اتفاقلى عقلا جائز اولميان جماعتك

خبر يدر

۱۶۷۸ ماده

ملك مطلق . ارث و شرا كې اسباب ملكدن بريله

مقيد اولميان ملكيتدر . و بويله بر سبب ايله مقيد اولان

ملكيتده دخى ملك بسبب دينيلور

۱۶۷۹ ماده

ذى اليد . بر عينه بالفعل وضع يد ايدن يا خود تصرف

ملك ايله تصرفى ثابت اولان كيمسه در

۱۶۸۰ ماده

خارج • بروجہ بالا وضع بد و تصرف د ن بری اولان  
کیمسہ در

۱۶۸۱ ماده

تحلیف • احد خصمینہ بین ویرمکدر

۱۶۸۲ ماده

تحالف • خصمیندن ایکیمسنہ دخی بین ویرمکدر

۱۶۸۳ ماده

تحکیم حال • یعنی حال حاضری حکم قیلق استصحاب  
قبیلندندر

استصحاب دخی عدمی مظنون اولمیان بر امر محقق  
بقاسیلہ حکم ایتدکدر کہ ابقاء ما کان علی ما کان دیمک  
اولور

( باب اول )

( شہادت حقندہ اولوب شکر فضلی مشتملدر )

( فصل اول )

( شہادتک تعریف و نصابی بیانندہ در )

۱۶۸۴ ماده

شہادت • بر کیمسہ نک آخر کسمندہ اولان حقنی اثبات



ایچون حضور حاکمه و خصمینک مواجهه لرنده شهادت  
لفظیه یعنی شهادت ایدرم دیو خبر ویر مکدر  
اشبو مخبره شاهد واول کیسه یه مشهود له واول کسنه یه  
مشهود علیه واول حقه مشهود به دینیلور

۱۶۸۵ ماده

حقوق عبادده شهادتک نصابی ایکی ار یاخود برار ایله  
ایکی جانوندور . فقط ار ککلیک اطلاعی ممکن اولمیان  
یرلرده یالکیز خاتونلرک مال حقنده شهادتلی قبول  
اولنور

۱۶۸۶ ماده

دلسرک و اعمانک شهادتلی مقبول دکدر

( فصل ثانی )

( شهادتک کیفیت ادانی بیاننده در )

۱۶۸۷ ماده

مجلس محاکمه نیک خارجنده اولان شهادت معتبر دکدر

۱۶۸۸ ماده

شاهدلرک مشهود بهی بالذات معاینه ایتش اولوبده  
اولوجهله شهادت ایلمسی لازمدور . سماع ایله یعنی ناسدن  
ایشتم دیو شهادت ایلمسی جائز اولماز

فقط بر محلاک وقف یا خود بر کس نه نک فوت اولدیغنه  
 ثقه دن ایشتم دیو شهادت ایتمسه یعنی بوکا شهادت  
 ایدرم زیرا ثقه دن بویله ایشتم دیسه شهادتی مقبول  
 اولور

وولایت و موت و نسب و خصوص لر نه وجه شهادتی  
 بویله تفسیر ایلیه رک یعنی ایشتم سوزینی سولیه رک سماع  
 ایله شهادت ایلمی جائزدر

مثلا فلان آدم فلان تاریخده بوبلمده ده والی یا خود حاکم  
 ایدی و فلان آدم فلان وقت فوت اولدی و فلان کیسه  
 فلانک اوغلیدر بویله بیلورم دیوبده ایشتم دیمیدرک  
 صورت قطعیه ده شهادت ایتمدیکی صورتده هر نقدر  
 بو خصوص لری معاینه ایتمیش اولسه و سنی انلری معاینه یه  
 مساعد اولسه بیله شهادتی قبول اولنور . و برده ناسدن  
 ایشتم دیمیوبده بلکه بز بو خصوص ی معاینه ایتمک  
 اما بیغزده بویله مشتهر در بویله بیلورز دیهرک شهادت  
 ایتمه هر صورتده جائز اولور

۱۶۸۹ ماده

شاهد اکر شهادت ایدرم دیمیوبده یا لکز فلان خصوصی  
 بویله بیلمورم یا خود خبر ویررم دیمش اولسه اداء  
 شهادت ایلمش اولماز . فقط انک اوزرینه حاکم اکا

بویله شهادت ایدرم یسن دیوسؤال ایدو بده او دخی اوت  
 بویله شهادت ایدرم دیدکده ایفای شهادت ایتمش اولور  
 واکرچه اهل خبره نك اخباری کبی مجرد تحقیق  
 واشتکشاف حال ایچون واقع اولان افادته شهادت  
 لفظی شرط دکلدر انجق بونلر شهادت شرعیه اولمیوب  
 مجرد اخبار قبیلندندر

۱۶۹۰ ماده

مشهودله و مشهود علیه و مشهود به حاضر ایسه لر شاهد  
 شهادت ایدرکن اوچنه دخی اشارت ایدر وانك بووجهله  
 اشارتی کفایت ایدر . مشهودله ایله مشهود علیهک بابا  
 و ددهلر یئک اسملرینی ذکر ایلمسی لازم کلر

اما غائب اولان موککله یاخود متوفایه دائر اولان  
 شهادتده شاهد انلرک بابا و ددهلر یئک اسملرینی ذکر ایتمک  
 لازمدر . فقط مشهور و معروف اولان برکیمسه ایسه  
 شاهد انک یالکیز اسم و شهرتی ذکر ایتمک کافیدر زیرا  
 مقصد اصلی انی سائرندن تمیز ایدهجک وجهله تعریفدر

۱۶۹۱ ماده

عقاره دائر اولان شهادتده حدودنک بیانی لازمدر .  
 فقط شاهد اکر مشهود به اولان عقارک حدودینی ذکر

ایتمیو بده محکمنده تعیین و ارأئه ایده بیله چکنی بیان ایلر ایسه  
محکمنه کیدیلوب ارأئه ایتدیر یلور  
ماده ۱۶۹۲

(۱۶۲۳) ماده ده بیان اولندیغی اوزره مدعی سندنده کی  
حدوده استناد ایله دعوی ایتدیگی تقدیرده شاهدلر  
دخی بوسندده حدودی مجرر اولان عقار انک ملکیدر  
دیو شهادت ایتسهر صحیح اولور  
ماده ۱۶۹۳

برکیمسه مورثک دیگر کسسه ذمتنده شوقدر غروش  
اله جغی اولندیغی دعوی ایتدکده شاهدلر اکر متوفانک  
اول کسسه ده اول مقدار اله جغی اولدیغنه شهادت  
ایتسهر کفایت ایدر ورثه سنه موروث اولمشدر دیو  
تصریح حاجت یوقدر

دین یرینه عین ادما اولندیغی صورتده یعنی اول کسسه  
بدنده مورثک برمال معینی بولندیغی ادما اولندقدده دخی  
حکم ینه بو وجهله در  
ماده ۱۶۹۴

برکیمسه ترکدن شو قدر غروش اله جق دعوی ایتدکده  
شاهدلر اکر متوفانک اول کیمسه یه او قدر دینی اولدیغنه  
شهادت ایتسهر کفایت ایدر وفاتنه قدر ذمتنه باقی ایدی

دیو تصریحاً حاجت بوقدر . دین پرینه عین ادعا  
اولدیغی صورتده یعنی اول کیمسه متوفانک یدنده  
کندوسنک بر مال معینی اولدیغی دعوی ایتدکده دخی  
حال بومنوال اوزره در

۱۶۹۵ ماده

برکیمسه دیگر کمسنه دن اله جق دعوی ایتدکده شاهدلر  
اگر اول کیمسه نك مدعی به اول مقدار دینی اولدیغنه  
شهادت ایتسه لر کفایت ایدر . فقط خصمی حالا دینک  
بقاسندن سؤال ایدو بده شاهدلر حالا بقاسنی بیلمیز دیسه لر  
شهادتلی رد اولنور

( فصل ثالث )

( شهادتک شروط اساسیه سی بیاننده در )

۱۶۹۶ ماده

حقوق ناسه شهادتده سبق دعوی شرطدر

۱۶۹۷ ماده

محسوسک خلافتده اقامه اولنان بینه مقبول اولماز  
مثلا برکیمسه نك بر حیات ویا بر خانه نك معمور اولدیغی  
مشاهد ایکن اول کمسنه نك وفات ایلدیکنه یاخود اول  
خانه نك خراب اولدیغنه بینه اقامه اولنسه مقبول ومعتبر  
اولماز

۱۶۹۸ ماده

متواتر ك خلافتہ اقامہ اولنان بینہ قبول اولماز

۱۶۹۹ ماده

بینہ برحقى اظهار ایچون مشروع قلمشدر : بناء علیه  
 فلان کیمسه اوایشی ایشلمدی و فلان شی فلان کیمسنه نك  
 دکلدر و فلانك فلانہ بورجی یوقدر كبی نفی صرفه  
 شهادت قبول اولماز • ققط نفی متواتر بینہ سی مقبولدر  
 مثلاً بر کیمسه فلان کیمسه یه فلان وقت فلان مجلدہ شو  
 قدر غروش اقراض ایتدم دیوجہت فرضدن اول مقدار  
 غروش دعوی ایدوب حالبوکہ اول کیمسنه نك اولوقت  
 اورادہ اولیوبده بشقہ مجلدہ بولندیغی تواترا اثبات  
 اولنسه اشبو تواتر بینہ سی مقبول اولوب مدعینك  
 دعواسی مسوع اولماز

۱۷۰۰ ماده

شهادتده دفع مغرم و جر مغرم یعنی دفع مضرت و جلب  
 منفعت داعیہ سی اولماق شرطدر  
 بناء علیه اصلك فرعہ و فرعك اصلہ یعنی ابا و اجداد  
 و امہات و جداتك اولاد و احفادی لہلرینہ و اولاد  
 و احفادك ابا و اجدادی و امہات و جداتی لہلرینہ و هكذا  
 احد زوجینك دیکری لہنہ شهادتتری مقبول اولماز •

اما بونلردن ماعدا اقر بانك يك ديكري لهسنه شهادتلى  
مقبول اولور كذاك بر كيمسه نك اتفاقيه تعيش ايدن  
آدمنك و اجير خاصنك كندو لهسنه شهادتلى مقبول  
اولماز . اما قپو يولداشلىرىنك يكديكرى لهنه شهادتلى  
مقبول اولور و كذاك شريكرك مال شر كتمده يكديكرى  
لهسنه شهادتلى و كفيل بالمال اولان كيمسه نك اصيل  
طرفندن مكفول بهك ادا اولنديغنه شهادتى مقبول اولماز  
اما سائر خصوص صلرده يكديكره شهادتلى مقبول اولور  
۱۷۰۱ ماده

دوستنك دوسته شهادتى مقبولدر . فقط بيلنلرنده كى  
دوستلق يكديكر ك مالنده تصرف ايمه مرتبه سنه وارر  
ايسه اول حالده يكديكر ك لهسنه شهادتلى مقبول اولماز  
۱۷۰۲ ماده

شاهد ايله مشهود عليه بيننده عداوت دنيويه اولماق  
شرطدر . عداوت دنيويه عرف ايله بيلنور  
۱۷۰۳ ماده

بر كيمسه هم مدعى وهم شاهد اوله ماز  
بناء عليه وصينك يتيمه و وكيلاك مؤكده شهادتلى صحيح  
اولماز



۱۷۰۴ ماده

بر کیمسه نك كندو فعلنه شهادتی معتبر دكلدر  
بناء عليه وکیللك ودلاللك بزینع ایتشیدك دیو كندو  
فعلارینه شهادتلی معتبر اولماز

كذلك بر بلده حاكمی انفصالندن صكره قبل الانفصال  
كندوسندن صدور ایتش اولان حكمه شهادت ایلسه  
صحیح اولماز اما قبل الانفصال بر کیمسه نك كندی حضورنده  
واقع اولان اقرارینه بعد الانفصال شهادت ایلسه معتبر  
اولور

۱۷۰۵ ماده

شاهدك عادل اولسی شرطدر  
عادل حسنی سیئانه غالب اولان کیمسه در  
بناء علیه رقاص و مسخره کبی ناموس و مروتی مخل حال  
و حرکتلی اعتیاد ایدن اشخاصك و کذب ایله معروف  
اولان کسانك شهادتلی مقبول اولماز

( فصل رابع )

( شهادتك دعوايه موافقتی بیاننده در )

۱۷۰۶ ماده

شهادت اكر دعوايه موافق ایسه قبول اولور . دكل

ایسه قبول اولنماز • فقط لفظه اعتبار اولیوب معنی  
موافقت کافیدر

مثلا مدعا به ودیعه اولونده شاهدلر مدعا علیهک ایداعی  
اقرار ایلدیکنه شهادت ایتسدلر یا خود مدعا به غضب  
اولونده شاهدلر مدعا علیهک غصبی اقرار ایلدیکنه  
شهادت ایتسدلر مقبول اولور •

کذلک مدیون اداء دین ایلدیکنی دعوی ایدونده شاهدلر  
دائنک مدیونی ابرا ایلدیکنه شهادت ایتسدلر مقبول  
اولور

۱۷۰۷ ماده  
شهادتک دعوا به موافقتی یا اکا تمامیه مطابقتی و یا خود

مشهود بهک مدعا بهدن اقل اولسی صورتیدر  
مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکمدلر دیو دعوی  
ایدونده شاهدلر دخی ایکی سنه دنبرو ملکی اولدیغنه  
شهادت ایتدکری صورتده شهادتلی مقبول اولدیغی  
کبی برسنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت ایتدکری  
صورتده شهادتلی قبول قیلنور

کذلک مدعی بیک غروش دعوی ایدونده شاهدلر بشیوز  
شهادت ایتدکری صورتده بشیوز غروش جقنده شهادتلی  
قبول اولنور

۱۷۰۸ ماده

مسما به اقل اولوبده شاهدلر اکثره شهادت ايلسه دلر  
مقبول اولماز

مگر که شهادت ايله دعوی بینده کی اختلاف ذاتاً قابل  
توفیق اولوبده مدعی دخی انلرک بینی توفیق ایلیه  
اولخالده شهادت قبول قیلنور

مثلا مدعی بومال ایکی سنه دنبرو بنم ملکدر دیو دعوی  
ایندو بده شاهدلر اوچ سنه دنبرو ملکی اولدیغنه شهادت  
ایلسه لر قبول قلمماز . کذلک مدعی بشیوز غروش دعوی  
ایدوبده شاهدلر بیک غروشه شهادت ایتسه لر قبول اولماز  
اما مدعی بنم آنده اله جغم فی الواقع بیک غروش ایدی  
لکن بشیوز بینی استیفا ایتشیدم شاهدلر اوراسنی بیلزلر  
دیو دعوی ايله شهادتک بیننی توفیق ایلسه شاهدلر ینک  
شهادتی قبول اولنور

۱۷۰۹ ماده

مدعی مثلا شو باغ بنم ملکدر دیو ملک مطلق دعواسی  
ایدوبده شاهدلر مدعی بو باغی فلاندن ضاتون الدی  
دیو ملک مقیده شهادت ایتسه لر قبول اولنور  
شویله که شاهدلر اولوجهله ملک مقیده شهادت ایتدکلر نده  
حاکم سنده بوسبیلله می ملک دعواسی ایتده یورسین یوخسنه

آخر سبيله می دیو مدعیدن سهـؤال ایدر مدعی اکر اوت  
 ینده بوسبيله دعوی ایدرم دیر ایسه حاکم اول شاهدلرک  
 شهادتنی قبول ایدر واکر سبب آخرله دعوی ایدرم  
 یاخود بن بوسبيله دعوی ایتیم دیر ایسه حاکم اول  
 شاهدلرک شهادتنی رد ایلر

۱۷۱۰ ماده

مدعی مثلاً بر باغده ملک مقید دعواسی ایتدیکی صورتده  
 نظر اولنور اکر بایعنی ذکر ایتیهلرک صاتون الدم  
 یاخود مبهم اوله رق بر ادمدن صاتون الدم دیر ایسه  
 ملک مطلق دعواسی حکمنده اولغله شاهدلر بو باغ  
 انک ملکیدر دیو ملک مطلقه شهادت ایتسهلر قبول  
 اولنور

اما فلان آدمدن صاتون الدم دیو بایعنی تصریح ایدوبده  
 شاهدلر ملک مطلقه شهادت ایتسهلر شهادتلری قبول  
 اولنماز

چونکه ملک مطلق ثابت اولسه عن اصل وقوعی ثابت  
 اولوب زوائدینه مثلاً باغک مقدا حصوله کلمش اولان  
 مینوهلرینه دخی مدعینک مالک اولسی لازم کلور ملک  
 مقید ایسه انجق سینک مثلاً عقد بیع وشرانک تاریخ

وقوعندن اعتباراً ثابت اولور بوجهتله ملك مطلق ملك  
مقيده نسبتله اكثر اولور و بصورتده شاهدلر اكثره  
شهادت ايتمش اولورلر

ماده ۱۷۱۱

شهادت اكر ديك سبينده دعوایه مخالف اولور ايسه  
مقبول اولماز

مثلاً مدعی ثمن مبيع اولق اوزره بیک غروش اله جق  
دعوی ایدوبده شاهدلر مدعا علیه جهت قرضدن  
طولایی اولمقدار دینی اولدیغنه شهادت ایتسه لر مقبول  
اولماز . كذلك مدعی بوملك بكا پدرمدن موروثدر دیو  
دعوی ایدوبده شاهدلر اناسندن موروث اولدیغنه  
شهادت ایتسه لر مقبول اولماز

( فصل خامس )

( شاهدلرک اختلافلی بیاننده در )

ماده ۱۷۱۲

شاهدلر مشهود بیده اختلاف ایتسه لر شهادتلی مقبول  
اولماز

مثلاً شاهدلرک بری بیک غروشلق التون و دیکری بیک  
غروشلق سیم مجیدیه دیو شهادت ایتسه لر شهادتلی  
قبول اولماز

۱۷۱۳ ماده

شاهدلك مشهود به متعلق اولان برشیده اختلافی  
 مشهود بهده اختلافی موجب اولور ایسه شهادتلی  
 قبول اولنماز و موجب اولماز ایسه قبول اولنور  
 بناء علیه غصب و ایفای دین کی صرف فعلدن عبارت  
 اولان خصوصاً صلرده شاهدلك بری بر زمان معینده و یا مکان  
 معینده فعله و دیگری زمان آخرده یا مکان آخرده فعله  
 شهادت ایسه لر بو اختلافی مشهود بهده اختلافی موجب  
 اولمغله شهادتلی قبول اولنماز

اما قول قبیلندن اولان بیع و شرا و اجاره و کفالت  
 و حواله و هبه و رهن و دین و قرض و ابرا و وصیت  
 خصوصاً صلرنده شاهدلك زمان و مکانده اختلافی مشهود  
 بهده اختلافی موجب اولمغله شهادتلی نک قبولنده مانع  
 اولماز

مثلاً بر کیمسه بورجنی ادا ایتش اولدیغنی دعوی ایدو بهده  
 شاهدلك بری خانه سنده و دیگری دکانده ادا ایتش  
 اولدیغنه شهادت ایسه لر شهادتلی قبول اولنماز . اما  
 بر کیمسه دیگر کسینده اولان بر مال ایچون سن  
 بو مالی بکا شو قدر غروشه صاتمیش ایدک انی بکا تسلیم  
 ایت دیو دعوی ایتدکده شاهدلك بریسی فلان خانه ده

ودیکری فلان دکانده صائمش اولدیغنه شهادت ایتسه لر  
 شهادتلی قبول اولنور . زیرا فعل تکرار و اعاده  
 اولنه ماز . اما قول تکرار و اعاده اولنه یلور  
 ماده ۱۷۱۴

شاهد لر مال مغضوبک رنگنده یاخود ارکک و یا دیشی  
 اولسنده اختلاف ایتسه لر شهادتلی قبول اولنماز  
 مثلا مغضوب اولان حیوان حقنده شاهدلرک بری قیر  
 آت و دیکری یاغز یا آل آت و یاخود بری آت و دیکری  
 قسراق دیو شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول اولنماز  
 ماده ۱۷۱۵

دعوی عقدده شاهد لر بدلاک مقدارنده اختلاف ایتسه لر  
 شهادتلی قبول اولنماز  
 مثلا شاهدلرک بری برمالک بشیوز غروشه و دیکری اوج  
 یوز غروشه صائنا دیغنه شهادت ایتسه لر شهادتلی قبول  
 اولنماز

( فصل سادس )

( تزکیه شهود حقنده در )

ماده ۱۷۱۶

شاهد لر شهادت ایتدکده حاکم مشهود علیه دن نه دیر سین  
 بونلر شهادت لرنده صادقیدر لر یوخسه دکمیدر لر دیو سوال



ایدر . مشهود علیه اگر شاهد لر بو شهادت لرنده صادق در لر  
یا خود بو شهادت لرنده عادل در لر دیر ایسه مدعا بهی اقرار  
ایتمش اولور و اقرار یکه حکم اولور . و اگر یونلر شاهد  
زور در لر یا خود یونلر عادل آدم لر در لیکن بو خصوصده  
خطا یدیه یور لر یا خود واقعه یی اونو تمس لر دیر ایسه و یا خود  
یا لک ز یونلر عادل آدم لر در دیملکه برابر مدعا بهی انکار  
ایسه حاکم حکم ایتموب شاهد لری سرا و علنا تزکیه ایله  
عادل اولوب اولدق لرینی تحقیق ایلر

۱۷۱۷ ماده

شاهد لر کرک سرا و کرک علنا منسوب اولدق لری جانیدن  
یعنی طلبه علوم دن ایسه ساکن اولدق لری مدرسه مدرسی  
ایله معتمد اهالیسندن و عسکریدن ایسه طابوری ضابطان  
و کاتب لرندن و کتبه دن ایسه قلمی ضابطان و خلف اسندن  
و تجماردن ایسه تجمارک معتبر انندن و اصنافدن ایسه  
کتخداسیله لونیجه اوسته لرندن و صنوف سائر دن ایسه  
تجمله و یا قریه لرینک موثوق و مؤتمن اهالیسندن تزکیه

اولور

۱۷۱۸ ماده

سرا تزکیه اصطلاح فقهاده مستوره تعبیر اولور ورقه  
ایله اجرا اولور

شویله که حاکم اول ورقه به مدعی و مدعی علیه اسملرینی  
و مدعا به ایله شهودک اسم و شهرت و صنعتلرینی و اشکال  
و محاملرینی و بابا و دده لرینک اسملرینی و معروف ایسه لر  
یا لکزا اسم و شهرتلرینی تحریر و الحاصل شاهدلری سائرندن  
تمیز ایده جک و جهله تعریف و بیان و بر ظرف دروننه  
وضع ایله اوزرینی مهرلدکدن صکره مزکی انتخاب  
اولنان کسنه نه لوه ارسال ایدر مزکیلر دخی مستوره بی  
فتح و قرائت ایدوب ایچنده اسملری محرر اولان شاهدلر  
عادل ایسه لر اسملری تحته عدل و مقبول الشهاده دیو تحریر  
و عادل دکالر ایسه عادل دکالر دیو تحریر و امضا ایلیه رک  
مستوره بی کتورن آدمی و آخر کسنه بی مضمونه واقف  
ایتمکسزین ظرف اوزرینی مهرلیوب حاکم اعاده ایدر  
۱۷۱۹ ماده

مستوره ده مزکیلر طرفندن شاهدلر حقنده عادل و مقبول  
الشهاده دیو یا زلیوبده عادل دکالر یا خود حاللرینی بیلیر  
و یا مجهول الاحوال و یا خود الله یلور کبی صراحة  
یا خود دلالة جرحی افاده ایدر بر سوز یا زلمش اولور  
و یا خود هیچ بر شی یا ز مقسزین مستوره مختوما حاکم  
اعاده اولنور ایسه حاکم اول شاهدلرک شهادتنی قبول

ایتمز

( تذبذب )

( تحلیف شہود حقنہ در )

۱۷۲۷ مادہ

شہود الیہ قبل الحکم شاہد لہ شہادت لرنہ کاذب  
اولد قلیتہ یمین و یر دیو حاکمہ الحاح ایدو بدہ شہادتک  
یمین الیہ تقویتنہ دخی لزوم کورلدیکی تقدیر دہ حاکم  
او شاہد لہ یمین ایتدیرہ ییلور . و حاکم شاہد لہ یمین  
ایدرسہ کز شہادت کزی قبول ایدرم والا ایتم دیہ ییلور

( فصل سابع )

( شاہد لک شہادتدن رجوعی حقنہ در )

۱۷۲۸ مادہ

شاہد لک بعد اداء الشہادہ و قبل الحکم حضور حاکمہ  
شہادت لرندن رجوع ایتسہ لک شہادت لری کائن لم یکن  
حکمنہ اولور و کسندولری تعذیر اولنور لک

۱۷۲۹ مادہ

شاہد لک بعد الحکم حضور حاکمہ شہادت لرندن رجوع  
ایتسہ لک حاکم حاکمی نقض اولنمیوب محکوم بہ  
شاہد لہ تضمین ایتدیر ییلور ( ۸۰ ) مادہ یہ باقی

۱۷۳۰ ماده

شاهدلك بعضیسی بروجہ بالا شہادتندن رجوع ایتدکده  
اگر باقیسی نصاب شہادته بالغ ایسه رجوع ایدنندن  
ضمان لازم کمر فقط تعزیر اولنور . و اگر باقیسی نصاب  
شہادته بالغ دکلسه محکوم بهک نصفی رجوع ایدن برکشی  
اولدیغی تقدیرده مستقلا ا کا و بردن زیاده اولدقلری  
تقدیرده بالاشترک سو یا انلره تضمین ایتدیریلور

۱۷۳۱ ماده

رجوعك شرطی حضور حاکمه اولمقدر . شاهدلك  
بشقه محمله رجوعنه اعتبار یوقدر  
بناء علی ذلک مشهود علیه شاهدلك بشقه محمله  
شہادتلرندن رجوع ایتدکلرینی دعوی ایسه مسموع اولماز  
و شاهد بر حاکم حضورنده شہادت ایتدکدنصکره دیگر  
حاکم حضورنده شہادتندن رجوع ایسه رجوعی  
معتبر اولور

( فصل ثامن )  
( تواتر حقنده در )

۱۷۳۲ ماده

کثرت شهوده اعتبار یوقدر  
یعنی طرفیندن برینک طرف آخره نسبتله شاهدلری زیاده  
اولمغله انک ترجیح اولمسی لازم کلز . مکرکه شاهدلرینک  
کثرتی درجه تواتره بالغ اوله

۱۷۳۳ ماده

تواتر علم یقین اقامه ایدر  
بناء علیه بالاده بیان اولندیغی اوزره تواترک خلافتنه بینه  
اقامه اولنده ماز

۱۷۳۴ ماده

تواترده لفظ شهادت شرط اولدیغی کبی عدالت دخی  
ارانماز . بناء علیه مخبرلرک تزکیه سنه حاجت کورنمز  
۱۷۳۵ ماده

تواترده مخبرلرک عدد معینی یوقدر . انجق عقل انلرک  
کذب اوزره اتفاقلرینی تجویز ایتیه جک مرتبه برجم  
غفیر اولملری لازمدر

( باب ثانی )

( حجج خطیه و قرینه قاطعه بیاننده اولوب ایکی )

( فصله منقسمدر )

( فصل اول )

( حجج خطیه بیاننده در )

۱۷۳۶ ماده

یالکز خط و ختم ایله عمل اولتماز . فقط شبهه تزویر  
و تصنیعدن سالم ایسه معمول به یعنی مدار حکم اولور  
بشقه وجهله ثبوت حاجت قالماز

۱۷۳۷ ماده

برات سلطانی و قبود دفتر خاقانی تزویردن امین اولغله  
معلول بهدر

۱۷۳۸ ماده

کتاب قضاده بیان اولنه جغی وجهله حیلله و فساددن  
سالم اوله جغی صورتده طوتیلان سجلات محاکم ایله دخی  
عمل اولنور

۱۷۳۹ ماده

مجرد و ققیه ایله عمل اولتماز . اما بروجه بالا موثوق  
و معتمد به اولان سجل محکمه ده مقید ایسه اول حالده  
معمول به اولور

## ( فصل ثانی )

## ( قرینه قاطعه بیانده در )

۱۷۴۰ ماده

اسباب حکمیدن بریسی دخی قرینه قاطعه ددر

۱۷۴۱ ماده

قرینه قاطعه حدیقینه بالغ اولان اماره در

مثلا بر کسینه النده قانه بولا شمش بچاق اولدیغی حالده  
خوف وتلاش ایله بر خالی خانه دن چیقدیغی کبی در عقب  
او خانه یه کیر یلو بده هنوز بوغاز لاش بر شخص کور لسه  
اول کسینه بو شخصک قاتلی اولدیغنه اشتباه اولنماز .  
شاید که اول شخص کندو کندوسنی اولدرمش اولوق  
کبی صرف احتمالات و همیه یه التفات قلماز . ( ۷۴ )  
ماده یه باق

## ( باب ثالث )

## ( تحلیف بیانده در )

۱۷۴۲ ماده

اسباب حکمیدن بری دخی یمین یا خود یمیندن نکولدر  
شویله که مدعی دعواسنی اثباتدن اظهار عجز ایلدیکی  
تقدیرده انک طلبیله مدعا علیه یمین ویریلور



فقط بر کسمه دیگر کسمه دن سن فلانک و کیلیسین دیو  
دعوی ایدوبده اول کسمه انکار ایتدیکی صورته  
کندوسنه یمین ویرلک لازم کلز

کذلک ایکی کشینک هربری برکسمه نك یدنده کی مالی اندن  
اشترا ایتدم دیو دعوی ایدوبده اول کسمه برینه صاتدیغنی  
اقرار ایله دیگرینک دعواسنی انکار ایتدیکی صورته  
کندویه یمین توجه ایتز

بو خصوصده استیجار و ارتهسان و اتهاب دخی اشترا  
کبدر

۱۷۴۳ ماده

خصمندن بری تحلیف اولنه جق اولدیغنی حالده والله  
و یاخود بالله دیو الله تعالی حضرتلرینک اسمنه قسم  
ایتدیریلور

۱۷۴۴ ماده

یمین انجق حاکمک یاخود نائبنک حضورنده اولور .  
بشقه کسمه حضورنده اولان یمیندن نکوله اعتبار  
یوقدر

۱۷۴۵ ماده

تحلیفه نیابت جاری اولور . اما یمینده نیابت جاری  
اولماز

بناء علیه دعوی و کیلاری خصمه یمین و یردیره بیلور .  
 اما موکلارینه یمین توجه ایتدکده بالذات انلرک یمین ایتدی  
 لازم کلور و کیلارینه یمین ایتدیریله من

۱۷۴۶ ماده

یمین انحق خصمک طلبی اوزرینه و یریلور . فقط درت  
 یرده بلا طلب حا کم طرفندن یمین و یریلور

اولا برکیمسه ترکه دن برحق دعوی و اثبات ایتدکده  
 حا کم مدعی به بو حقی متوفادن بروجهله استیفا ایتدیکنه  
 و ایتدیرمدیکنه وانی ابرا و بشقه سنک اوزرینه حواله  
 ایتدیکنه و بشقه کسنه طرفندن ایفا اولمادیغنه و بو حقی  
 مقابلنده متوفانک رهنی اولمادیغنه یمین و یرر اشته بوکا  
 یمین استظهار دینور

ثانیاً برکیمسه برماله مستحق چیقوبده دعواسنی اثبات  
 ایتدکده اول مالی کسنه به صاتمماش و هبه ایتماش  
 و الحاصل بروجهله ملکندن چیقارمامش ایدوکنه حا کم  
 طرفندن یمین و یریلور

ثالثاً مشتری مبیی عیینه بناء رد ایده جک اولدقده  
 عیینه مطلع اولدقدن صکره قولایا خود (۳۴۴) ماده ده  
 یمین اولمادیغنی اوزره ملاکک تصرفی کبی تصرف ایله

دلالة عینه راضی اولماش ایدوکنه حاکم طرفندن یمین  
ویریلور

رابعا حاکم طرفندن شفعه ایله حکم اولنه جق اولدقده  
شفعه شفعه بی ابطال یعنی حق شفعه سنی بروجهله اسقاط  
ایتماش اولدیغنه یمین ویریلور

۱۷۴۷ ماده

خصمک طلبی اوزرینه هنوز حاکم طرفندن یمین تکلیف  
اولمدين مدعا علیه یمین ایدویرسه معتبر اولیوب تکرار  
حاکم طرفندن تحلیف اولنمق لازم کلور

۱۷۴۸ ماده

برکیمسه کندو فعلنه دائر یمین ایده جک اولدقده بتاته  
یمین ویریلور یعنی بوشی بویله در یاخود دکلدر دیو قطعیا  
یمین ایتدیریلور

اما دیگر کیمسه نک فعلی حقه نه یمین ایده جک اولدقده  
عدم علمه یمین ویریلور یعنی اول شیئی بیلدیکنه یمین  
ایتدیریلور

۱۷۴۹ ماده

یمین یاسبیه یاخود حاصله اولور  
شویله که بر خصوصک واقع اولوب اولدیغنه یمین ایتک

سبیه یمیندر و بر خصوصك حالا باقی اولوب اولدیغنه  
یمین ایتك حاصله یمیندر

مثلا بیع و شرا دعواسنده عقد بیعك اصلا وقوع  
بولدیغنه یمین ایتك سبیه یمیندر . اما عقدك حالا باقی  
اولوب اولدیغنه یمین ایتك حاصله یمیندر  
۱۷۵۰ ماده

مختلف دعوالر مجتمیع اولدوقده بر یمین کفایت ایدر هر  
برینه بشقه بشقه یمین ویرلمك لازم کلمز  
۱۷۵۱ ماده

معاملاته دائر اولان دعوالرده کندویه یمین توجه ایدن  
کیمسده یمین تکلیف اولنوبده یمین ایتم دیو صراحة  
یاخود بلاعذر سکوت ایله دلالة یمیندن نکول ایتسه حاکم  
انك نکول ایله حکم ایدر . و بعدالحکم یمین ایده جك  
اولسه اكا التفات اولنمیوب حاکم حکمی حالی اوزره  
قالور

۱۷۵۲ ماده

دلسزك اشارت معهوده سیله یمینی و یمیندن نکولی  
معتبردر

( لاحقہ )

۱۷۵۳ مادہ

مدعی هیچ شاهد یوقدر دید کردن صکره شاهد  
کتوره جک اولسه یاخود فلان وفلان دن بشقه شاهد  
یوقدر دید کردن صکره آخر شاهد وار دیسه قبول  
اول نماز

( باب رابع )

( ترجیح بینات و تخالفه دائر اولوب درت فصلی )  
( مشتملدر )

( فصل اول )

( تنازع بالایدی بیاننده در )

۱۷۵۴ مادہ

منازع فیه اولان عقارده ذی الیدلک بینہ ایله اثبات  
اولنمق لازمدر . طرفینک تصادق یعنی مدعینک  
دعواسی اوزرینه مدعا علیہک دخی اقرار ایلسی ایله مدعا  
علیہک ذی الید اولدیغنه حکم اولنه نماز  
فقط مدعی اول عقاری بن سندن اشترا ایتشیدم یاخود  
سن انی بندن غصب ایتشیدک دیودعوا ایتدیکی صورته

مدما علیہک ذی الید اولدیغنی بینہ ایله اثباتہ حاجت  
یوقدر

و برده منقول هر کیمک بدنده ایسه ذی الید اودر بروجه  
بالابینه ایله اثباتہ حاجت یوقدر • و بونده طرفینک  
تصادقی کافیدر

۱۷۵۵ ماده

ایکی کیمسه برعقارده نزاع ایدوب هربری اول عقاره  
ذی الید اولدیغنه بینہ طلب اولنور  
ایکیسی بردن ذی الید اولدقلرینه اقامه بینہ ایتدکری  
تقدیرده ایکیسنک دخی مشترکا ذی الید اولدقلری ثابت  
اولور

واکری بری وضع یدینی اثباتدن اظهار عجز ایدوبده  
دیگری واضع الید اولدیغنه اقامه بینہ ایدرسه انک ذی  
الید اولدیغنه حکم اولنوب اوبری خارج عد اولنور  
و خصمیندن هیچ بریسی ذی الید اولدیغنی اثبات ایدمه  
ایسه هربرینه آخرک طلبیه خصمنک اول عقارده ذی الید  
اولدیغنه یمین ویریلور • ایکسیسی دخی یمیندن نکول  
ایدرسه بالاشتراک اول عقارده ذی الید اولدقلری ثابت  
اولور • واکری بری یمیندن نکول ایدوبده دیگری یمین

ایدر ایسه یمین ایدن کیمسه اول عقاره مستقلا واضع  
 الید اولق اوزره حکم اولنوب دیکری خارج عدا اولنور .  
 واکر هر بری یمین ایدرسه هیچ بریسنگ ذی الید  
 اولدیغنه حکم اولنمیوب حقیقت حال ظاهر اولنجده دك  
 مدعا به اولان عقار توقیف اولنور .

### ( فصل ثانی )

#### ( ترجیح بینات حقنده در )

۱۷۵۶ ماده

ایکی کشی بر مالده علی الاشتراک متصرف یعنی ایکیمی  
 دخی ذی الید ایکن بری بالاستقلال و دیکری بالاشتراک  
 ملکدر دیو دعوی ایتدکده استقلال بینه سی اولادر  
 یعنی ایکیمی دخی اقامه بینه ایده جک اولدقلرنده دعوی  
 استقلال ایده نک بینه سی دعوی اشتراک ایده نک بینه سی  
 اوزرینه ترجیح اولنور واکر ایکیمی دخی استقلال  
 دعواسی ایدوبده اقامه بینه ایتسه لر اول عقار مشترکا انلره  
 حکم اولنور . واکر بری اثباتدن عاجز اولوبده دیکری  
 اثبات ایلسه اول عقار مستقلا انک ملکی اولق اوزره  
 حکم ایدیاور



١٧٥٧ ماده

تاریخ بیان اولنمیان ملک مطلق دعواسنده خارجک  
بینه سی اولادر

مثلا برکیمسه دیگر کسمنه نک یئنده اولان خانه ایچون بو  
خانه بنم ملکمدر بو آدم اکا بغیرحق وضع بد ایدیور  
الیورلمسی مطلوبدر دیو دعوی و ذی الیدخی بوخانه  
بنم ملکمدر بوجهتله بحق وضع بد ایدرم دیو دعوی  
ایتدکده خارج اولان کیمسه نک بینه سی ترجیح واستماع  
قلنور

١٧٥٨ ماده

شراء کی تکرری قابل برسمبيله مقید اولان و تاریخ بیان  
اولنمیان ملکیت دعوالری ملک مطلق دعواسی حکمنده  
اولوب بونلرده دخی خارجک بینه سی ذی الیدک بینه سی  
اوزرینه ترجیح اولنور

فقط ایکسی دخی بر شخصدن تلقی ملک ایتمش اولدقلرینی  
ادما ایتدکلی صورتده ذی الید بینه سی ترجیح قلنور  
مثلا برکیمسه دیگر کسمنه نک یئنده اولان بر دکان ایچون  
بو دکانی بن ولی اغادن اشترا ایدم بوجهتله بنم ملکم  
ایکن بو آدم بغیرحق وضع بد ایدیور دیو دعوی و ذی  
الید دخی بن انی بکرافندیدن اشترا ایدم یاخود پدرمدن

موروثدر بوجهتله وضع ید ایدرم دیو دعوی ایتدکده  
 خارجك بینه سی ترجیح واستماع اولنور . اما ذی الید  
 بو دکانی ولی اغادن بن اشتر ایتدم دیسه اول حالده  
 انك بینه سی خارجك بینه سی اوزرینه ترجیح قلنور  
 ماده ۱۷۵۹

تساج کبی تکرری قابل اولمیان برسبيله مقید ملکیت  
 دعوالرنده ذی الید بینه سی اولادر  
 مثلاً خارج و ذی الید بر طایده نزاع ایدو بده هر بری اول  
 طایک کندو قسراغندن طوغمه مالی اولدیغنی دعووا  
 ایتدکارنده ذی الیدك بینه سی ترجیح اولنور  
 ماده ۱۷۶۰

ملك مورخ دغواسنده تاریخی مقدم اولانك بینه سی  
 اولادر

مثلاً بر کیمسه دیگر کسمنه نك یدنده اولان عرصه ایچون  
 بن بو عرصه یی بر سینه مقدم فلان شخصدن اشتر ایتدم  
 دیو دعوی و ذی الید دخی بو عرصه بش سنده مقدم  
 وفات ایدن پدرمدن بکا موروثدر دیو دعوی ایتدکده  
 ذی الیدك بینه سی ترجیح اولنور . واکر التی آی  
 مقدم وفات ایدن پدرمدن موروثدر دیمش اولسه اول  
 حالده خارجك بینه سی ترجیح قلنور . كذلك خصمینك

هر بری مدعا بهی بشقه بشقه شخصلردن اشترا ایتمش  
اولدقلرینی ادعا وایکیسیده بایغلبنک تار یخ تملکربینی بیان  
ایتسه لر قنغیسنک بایغنک تار یخ تملکی مقدم ایتسه انک  
بینه سی ترجیح اولنور

۱۷۶۱ ماده

تساج دعواسنده تار یخه اعتبار اولمیوب بروجه بالا  
ذی الید بینه سی ترجیح اولنور

انجیق مدعا بهک سنی ذی الیدک تار یخنه توافق ایتدیکی  
صورتده اکر خارجک تار یخنه توافق ایدر سه خارجک  
بینه سی ترجیح اولنور . واکر سنی ایکیسنه دخی مخالف  
اولور یاخود معلوم اولماز ایتسه اول حالده ایکیسنک  
بینه لری متها تر یعنی متساقط اوله رق مدعا به ذی الیدک  
بدنده ترک وابقا قلنور

۱۷۶۲ ماده

زیاده بینه سی اولادر

مثلا بایع و مشتری ثمنک یا مبیعک مقدارنده اختلاف ایتسه لر  
زیاده دعوی ایدهنک بینه سی ترجیح اولنور

۱۷۶۳ ماده

تملیک بینه سی عاریت بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور  
مثلا برکیمسه دیگر کسه نه نک بدنده کی مالی عاریت ویرمشیدم

دیو کیر و المی ایستوبده اول کسنده دخی سن اول مالی  
بکا بیع یا هبه ایتمشیدک دیسه بیع یا هبه بینه سی ترجیح  
قیلنور

۱۷۶۴ ماده

بیع بینه سی هبه ورهن و اجاره بینه لری اوزرینه و اجاره  
بینی سی رهن بینه سی اوزرینه ترجیح اولنور  
مثلا بر کیمسه دیگر کسنده یه فلان مالی سکا صاتمشدیم ثمنی  
ویر دیو دعوی ایدوبده اول کسنده دخی سن انی بکا هبه  
و تسلیم ایتمشیدک دیو دعوی ایتدکده بیع بینه سی ترجیح  
قیلنور

۱۷۶۵ ماده

عاریتده اطلاق بینه سی اولادر

مثلا بر عاریت آت مستعیریدنده تلف اولوبده معیر بن انی  
سکا درت کون قولانلق اوزره اعاره ایتمشیدم سن ایسه  
درت کون مرورنده آتی بکا تسلیم ایتیبوشنجی کون  
یدنده هلاک اولغله قیمتنی ضامن اول دیو دعوی و مستعیر  
دخی سن او یله درت کونه دک دیو تقیید ایتیبو علی  
الاطلاق قولانلق اوزره بکا اول آتی اعاره ایتمشیدک دیو  
دعوی ایتدکده مستعیرک بینه سی ترجیح و استماع اولنور

۱۷۱۶ ماده

صحت بینہ سی مرض موت بینہ سی اوزرینہ ترجیح اولنور  
مثلا برکیمسہ برمالی ورثہ سندن برینہ ہبہ ایدوبده  
وفات ایتدکده دیگر ورثہ انی مرض موتندہ ہبہ ایش  
اولدیغنی وموہوب له دخی حال صحتندہ ہبہ ایش  
ایدوکنی ادعا ایتدکده موہوب لہک بینہ سی ترجیح  
قلمور

۱۷۱۷ ماده

عقل بینہ سی جنون و یاغتہ بینہ سی اوزرینہ ترجیح  
اولنور  
۱۷۱۸ ماده

حدوث ایله قدم بینہ سی جمع اولدوقده حدوث بینہ سی  
ترجیح اولنور  
مثلا برکیمسہ ملکندہ دیگر کسمنہ نک مسیلی اولوبده  
حادثہ یاخود قدیمدریو بینلرنده اختلاف واقع اولہرق  
صاحب خانہ انک حدوثی ادعا ایله رفعنی طلب و  
صاحب مسیلی دخی انک قدمی ادعا ایتدکده صاحب  
خانہ نک بینہ سی ترجیح قلمور

۱۷۱۹ ماده

راجع طرفی اقامہ بینہ دن اظہار عجز ایتدیکی صورتده

مرجوح طرفندن بینه ایستیلور اثبات ایدرسه فیه  
ایده مدیکی صورتده کندوسنه یمین ایتدیریلور  
۱۷۷۰ ماده

بروجه بالا راجح طرفی اثباتدن اظهار عجز ایتدکله  
مرجوح طرفی اقامه بینه ایدو بده موجبله حکم اولندقدن  
صکره راجح طرفی اقامه بینه ایتدک استدیکی تقدیرده  
ارتق اکا التفات اولنماز

### ( فصل ثالث )

( سوز کیمک اولدیغنه و تحکیم حاله دائر در )

۱۷۷۱ ماده

زوج ایله زوجه ساکن اولدقلری خانه درونده کی اشیاده  
اختلاف ایتدکلی صورتده نظر اولنور . تفنک و قلمح  
کبی یالکز زوجه صالح اولان یا خود اوانی و مفروشات  
کبی ایکیسنه ده صالح اولان شیرده زوجه نک بینه سی  
ترجیح اولنور . و ایکیسیده اثباتدن عاجز اولدقلری  
صورتده سوز مع الیمین زوجکدر . یعنی اول اشیا  
زوجه سنک اولدیغنه یمین ایدرسه کندوسنک اولدیغنه  
حکم اولنور

اما یالکز نسایه صالح اولان البسه و حلیات کبی شیرده

زوجك بینه سی ترجیح قلمنور . وایکیسیده اثباتدن عاجز  
اولدقلری تقدیرده سوز مع الیمین زوجه نکدر . مکر که  
بری دیکره صالح اولان شیلرک صانع و بایعی اولورسه  
هر حالده سوز مع الیمین آنک در

مثلا کو په نسیاه مخصوص حلیاتدن اولوب انجق زوج  
قیومجی اولدیغی صورتده سوز مع الیمین آنک اولور  
۱۷۷۲ ماده

احد زوجینک وفاتنده ورثه مورثک مقامنه قائم اولور  
فقط طرفین برمنوال محرر اثباتدن عاجز اولدقلری تقدیرده  
ایکیسنه دخی صالح اولان شیلرده سوز مع الیمین حیاتده  
اولانکدر . وایکیسنی بردن وفات ایتدکلی صورتده  
ایکیسنه صالح شیلرده سوز مع الیمین زوجك  
ورثه سنکدر

۱۷۷۳ ماده

واهب هبه دن رجوع ایتک استیوبده موهوب له دخی  
موهوبك تلف اولدیغنی دعوی ایتدکده سوز بلا یمین  
موهوب لهکدر

۱۷۷۴ ماده

امین اولان کیمسه برائت ذمتی حقنده یمینله تصدیق  
اولنور



نه کیم مودع ودیعه بی دعوی ایدوبده ودیع دخی بن انی  
سکا رد ایتدم دیدکده سوز مع الیمین ودیعه کدر . فقط  
یمیندن خلاص ایچون اقامه یننه ایده جک اولور سه  
یننه سی استماع قلنور

۱۷۷۵ ماده

مختلف دیونی اولان کسسه دا یننه بر مقدار شی ویرد کدن  
صکره قنغی دیننه محسوباً ویرمش اولدیغنی دعوی  
ایدرسه سوز انکدر

۱۷۷۶ ماده

بر دکر منک مدت اجاره سی منقضى اولدقـدن صکره  
مستأجر مدت اجاره اثناسنده صویک انقطاعی حسبیله  
اول مدتک اجرتدن حصه سنی تنزیل ایتک ایستیه رک  
موجر ایله یننلرنده اختلاف واقع اولوبده یننه دخی  
اولدیغنی تقدیرده نظر اولنور

ا کر اختلافی مدت انقطاعک مقدارنده ایسه مثلاً  
مستأجر اون کون وموجر انجق بش کون انقطاعنی  
دعوی ایسه سوز مع الیمین مستأجر کدر

وا کر اختلافی اصل انقطاعده ایسه یعنی موجر  
صویک انقطاعنی کلیاً انکار ایسه حال حاضر تحکیم  
اولنور . یعنی حکم قلنور . شویله که ا کر صووقت

دعوی و خصوصتده جاری ایسه سوز مع الیمین موجر کدر  
واکر اولوقت منقطع ایسه سوز مع الیمین مستاجر کدر  
۱۷۷۷ ماده

بر کیمسه نك خانه سنه اقان صو یولی حقنده حادثدر یاخود  
قدیمدر دیو اختلاف اولنوپنده صاحب خانه مسیلك  
حادث اولدیغنی ادما ایله رفعنی ایستدیکی و طرفینك  
بینه لری اولدیغنی صورتده نظر اولنور

اكر وقت خصوصتده اول مسیلكدن صو جریان ایدر  
یاخود اولجه جریانى معلوم اولور ایسه جالی اوزره  
ابقا اولنور . و سوز مع الیمین صاحب مسیلك اولور .  
یعنی مسیلك حادث اولدیغنه یمین ایتدیریلور  
واكر وقت خصوصتده صو جریان ایتمز و یا اندن اولجه  
جریانى معلوم اولماز ایسه سوز مع الیمین صاحب خانه نك  
اولور

( فصل رابع )

( تحالفه دائر در )

۱۷۷۸ ماده

بايع و مشتری ثمنك یا مبیعك و یا ایکیسمنك دخی مقدارنده  
یا وصفنده و یا جنسنده اختلاف ایتدکری صورتده

هر قنغیسی اقامه بینه ایلر ایسه انک لهنه حکم اولنور  
 واکر ایکسیسی دخی اقامه بینه ایدرلر ایسه زیاده یی  
 اثبات ایده نك لهسنه حکم اولنور

وایکسیسی دخی اثباتدن عاجز اولورلر ایسه انلره یا بریکز  
 او بریکزك دعواسنه راضی اولور یا خود بیعی فسخ  
 ایلر ز دینیلمور . و بونك اوزرینه بریسی دیگرینك  
 دعواسنه راضی اولماز ایسه حاکم انلك هر برینه  
 دیگرینك دعواسی اوزرینه یمین و برر و ابتدا مشتریدن  
 بدأ ایلر هر قنغیسی یمیندن نکول ایدر ایسه آخرك  
 دعواسی ثابت اولور واکر ایکسیسی دخی یمین ایدر سه  
 حاکم اول بیعی فسخ ایدر

۱۷۷۹ ماده

مستأجر هنوز مأجورده تصرف ایتمیدن اجر تك  
 مقدارنده موجر ایله اختلاف ایتدکده مثلا مستأجر  
 اجرت اون التوندیر و موجر اون بش التوندیر دیو دعوی  
 ایتدکری تقدیرده قنغیسی اقامه بینه ایدر ایسه قبول  
 اولنور

وایکسیسی برذن اقامه بینه ایدرلر ایسه موجرک بینه سیله  
 حکم اولنور واکر ایکسیسی دخی اثباتدن عاجز اولورلر  
 ایسه ایکسیسیده تحلیف قلنور و مستأجرک تحلیفیه بدأ

اولنور . هر قنغیسی نکول ایدر ایسه نکولبله الزام  
قیلنور وایکیسی دخی یمین ایدر ایسه حاکم عقد اجاره‌ی  
فسخ ایلر

مدته یاخود مسافده اختلاف ایتدکاری حالده دخی  
حکم بو وجهله در شوقدر وارکه ایکسیسی دخی اقامه بینه  
ایتدکاری تقدیرده مستأجرک بینه سیله حکم اولنور  
وتحالف صورتنده موجرک تحلیفیه بدأ ایدیاور

۱۷۸۰ ماده

مدت اجاره‌نک انقضاسندن صکره موجر و مستأجر ماده  
آفده بیان اولندیغی اوزره اختلاف ایتسدر تحالف  
یوقدر سوز مع الیمین مستأجر کدر

۱۷۸۱ ماده

مدت اجاره ایتاسنده موجر و مستأجر اجرتک مقدارنده  
اختلاف ایتسدر تحالف جاری اولوب باقی مدت حقنده  
عقد اجاره فسخ اولنور کچن مدتک حصه سینده دخی سوز  
مستأجرک اولوز

۱۷۸۲ ماده

مشتري یدنده مبيع تلف یاخود مانع رد اولور برعیب  
حادث اولدقدن صکره متبایعان اختلاف ایتسدر تحالف  
یوقدر انجق مشتری تحلیف اولنور

۱۷۸۳ ماده

اجل دعوا سنده یعنی مؤجل اولوب اولما مقده و شرط  
 خیارده و ثمنك کلیسني یا بعضیسنی قبضده تحالف  
 اولیوب بو اوج صورتده دخی منکر اولان تحلیف  
 قلنور

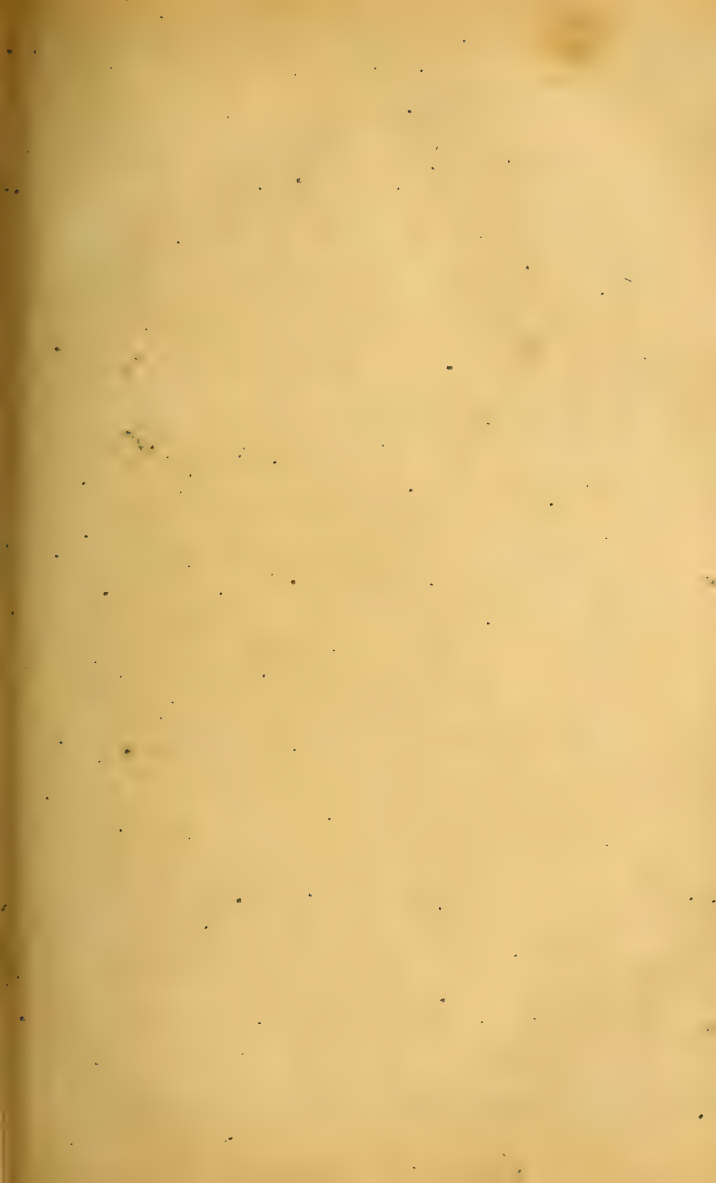
اراده سنه تاریخی فی ۲۶ شعبان سنه ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین القوی معارف فاضری  
 سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمه تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیه  
 السید احمد حلمی و مجلس انتخاب احکام  
 السید احمد خلوصی

مشتشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافه العلیه  
 عمر حلمی احمد خالد

اعلامات شرعیه میرزی معاونی  
 عبد الستار



— ❧ كتاب القضا ❧ —



✽ صورت خط همايون ✽

( موجب جبه عمل اولنه )

( كتاب سادس عشر )

( قضا حقنده اولوب بر مقدمه ايله درت بابي مشتملدر )

( مقدمه )

( بعض اصطلاحات فقهيه بيانده در )

۱۷۸۴ ماده

قضا . حكم و حاكمك معنار ينه كلور

۱۷۸۵ ماده

حاكم . بين الناس وقوعبولان دعوى ومخاصمه بي احكام  
مشروعه سنه توفيقاً فصل وحسم ايچون طرف سلطانيدن  
نصب وتعيين بيور يلان ذاتدر

۱۷۸۶ ماده

حكم . حاكمك مخاصمه بي قطع وحسم ايلسيدر . بودخي  
ايكي قسمدر

قسم اول . حاكمك حكم ايتدم ادعا اولنان شيئ  
ويپر ديمك كي سوزلر ايله محكوم بهي محكوم عليه  
الزام ايتمسي يعنى لازم قيلميدر ايشته بوكا قضاء الزام  
وقضاء استحقاق دينلور

قسم ثانی . حَقِّك یوقدر منازعه دن ممنوع سین دیمك كبی  
سوزلر ایله حاكك مدعی بی منازعه دن منع ایتمسیدر  
بوکا دخی قضاء ترك دینلور

۱۷۸۷ ماده

محكوم به . حاكك محكوم علیه الزام ایلدیکی شیدر  
كه قضاء الزامده مدعینك حقی ایفا ایتسی وقضاء تركده  
مدعینك منازعه دن واز یکمسیدر

۱۷۸۸ ماده

محكوم علیه . علیه حکم اولنان کسنه در

۱۷۸۹ ماده

محكوم له . لهسنه حکم اولنان کیسه در

۱۷۹۰ ماده

تحکیم . خصمینك خصومت ودعوالرینی فصل ایچون

رضالریله آخر کیسه بی حاکم اتخاذ ایتلرندن عبارتدر

اول کیسه یه فتحین ایله حکم ومیمك ضمی وخانك فتحی

وکاف مشدده مفتوحه ایله محکم دینلور

۱۷۹۱ ماده

وکیل مسخر . محکمه یه احضار اولنه میان مدعا علیه

حاکم طرفندن نصب اولنان وکیلدر

## ( باب اول )

( حکامه دائر اولوب درت فصلی حاویدر )

## ( فصل اول )

( حاکمک اوصافی بیانده در )

۱۷۹۲ ماده

حاکم . حکیم فہیم مستقیم وامین مکین متین اولملیدر

۱۷۹۳ ماده

حاکم . مسائل فقہیہ و اصول محاکمہ و واقف

ودعاوی و واقعہ بی انلرد تطبیقا فصل و جسمہ مقتدر

اولملیدر

۱۷۹۴ ماده

حاکمک تمیز تامہ مقتدر اولمسی لازمدر

بناء علیہ صغیر و معتوہ و اعمی و طرفینک صوت قویلرینی

ایشیدہ میہ جک مرتبہ صاغر اولان کسندنک قضاسی

جائز دکلدر

## ( فصل ثانی )

( حاکمک آدابی بیانده در )

۱۷۹۵ ماده

حاکم . مجلس محاکمہ الش ویرش و ملاطفہ کبی

مهابت مجلسی از الیه جک افعال و حرکاتدن اجتناب  
ایتملیدر

۱۷۹۶ ماده

حا کم . ایکی خصمدن هیچ بر یسنک هدیه سنی قبول ایتمز  
۱۷۹۷ ماده

حا کم متخاصمیندن هیچ بر یسنک ضیافتنه کیتمز  
۱۷۹۸ ماده

اشای محاکمه ده حا کم طرفیندن یالکز بر یسنی خانه سینه  
قبول ایتمک و مجلس حکمه بر یله خلوت و یا خود ایکیسندن  
بر یسنه ال یا کوز و یا باش ایله اشعارت ایتمک و یا انلردن  
بر یسنه کیرلو لاقردی یا خود دیکرینک بیلدیکی لسان ایله  
سوز سولمک کبی تهمت و سوء ظنه سبب اوله یسه جک  
حال و حرکته بولنماملیدر

۱۷۹۹ ماده

حا کم بین الخصمین عدل ایله مأموردر  
بناء علیه طرفیندن بری هر نقدر اشرافدن و دیکری آحاد  
ناسدن اولسه بیه حین محاکمه طرفینی او تورتمق  
و کندولره احاله نظر و توجیه خطاب ایتمک کبی محاکمه نه  
متعلق معاملاتده تمامیه عدل و مساواته رعایت ایتمی  
لازمدر

## ( فصل ثالث )

## ( حاکم وظائف بیانده در )

۱۸۰۰ ماده

حاکم . طرف سلطانیدن اجرای محاکمه و حکمه  
وکیلدر

۱۸۰۱ ماده

قضا . زمان و مکان ایله و بعض خصوصاتک استثناسیله  
تقید و تخصص ایدر

مثلا بر سنه مدت ایله حکمه مأمور اولان حاکم انجق  
اوسننه ایچنده حکم ایدر اول سنه نك حلولندن اول  
ویامرو رندن صکره حکم ایده من . و کذا معین بر قضا ده  
حکم ایتک اوزره نصب اولنان حاکم اول قضا نك هر  
محلنده حکم ایدر اما دیگر قضا ده حکم ایده من .  
و بر محکمه معینه ده حکم ایتک اوزره نصب اولنان حاکم  
انجق اول محکمه ده حکم ایدوب دیگر محله ده حکم ایده من .  
و کذا مصلحت عامه ملاحظه عاده سنه بناء فلان خصوصه  
متعلق دعوی استماع اولنیه دیو امر سلطانی صادر اولسه  
حاکم اول دعوایی استماع و حکم ایده من و یا خود بر  
محکمه حاکمی بعض خصوصات معینه استماعنه مأذون

اولوبده ماعداسنی استماعه مأذون اولسه اول حاکم انجق  
 مأذون اولدیغنی خصوصاتی استماع و حکم ایدر ماعداسنی  
 استماع و حکم ایده من . و کذلک بر مجتهدک بر خصوصده  
 رأیی ناسه ارفق و مصلحت عصره اوفق اولدیغنه بناء  
 انک رأیله عمل اولتمق اوزره امر سلطانی صادر اولسه  
 اول خصوصده حاکم اول مجتهدک رأینه منافی دیگر بر  
 مجتهدک رأیله عمل ایده من ایدر ایسه حکمی نافذ اولماز  
 ۱۸۰۲ ماده

بر دعوائی معاً استماع و حکم ایتک اوزره نصب اولنان  
 ایکی حاکدن یالکیز بریسی اول دعوائی استماع و حکم  
 ایده من ایدر سه حکمی نافذ اولماز (۱۶۶۵) ماده یه باق  
 ۱۸۰۳ ماده

متعدد حاکمی اولان پبلدهده خصمیندن بریسی بر حاکمک  
 و دیگری او بر حاکمک حضورنده مزافعه اولمق ایستیوب  
 بو وجهله بینلرنده اختلاف واقع اولسه مدعی علیهاک  
 اختیار ایلدیکی حاکم ترجیح اولنور

۱۸۰۴ ماده

بر حاکمک عزلی و قوعبولوب فقط بر مدت خبر عزل  
 کندویه و اصل اولماغله اول مدته بعض دعاوی استماع  
 و فصل ایتیش اولسه صحیح اولور

اما خبر عزلک وصولندن صکره وقوعبولان حکمی  
صحیح اولاز

۱۸۰۵ ماده

حاکم اکر نصب وعزل نائبه مأذون ایسه دیگر کیسه بی  
کندوسنه نائب نصب وانی عزل ایده بیلور دکل ایسه  
ایده مز و کندوسنک معرول یافوت اولسیله نائبی منعزل  
اولاز (۱۴۶۶) ماده یه باق

بناء علیه بر قضانک حاکمی وفات ایتدکده برینه دیگر حاکم  
کلجه یه دکل اول قضاده وقوعبولان دعوایی حاکم متوفانک  
نائبی استماع و حکم ایده بیلور

۱۸۰۶ ماده

حاکمک استماع ایلدیکی بینه ایله نائبی ونائبک استماع  
ایلدیکی بینه ایله کندوسی حکم ایده بیلور

شویله که حاکم بر دعوی حقنده بینه استماع ونائبه اخبار  
ایلسه نائبی اعاده بینه ایتکسزین حاکمک اخبار یله حکم  
ایده بیلور و حکمه مأذون اولان نائب بر خصوصده  
بینه استماع ایدوبده حاکمه انها ایلسه حاکم اعاده بینه  
ایتکسزین نائبک انها سیله حکم ایده بیلور اما حکمه  
مأذون اولیو بده انجق تدقیق واستکشاف ایچون بینه



استماعه مأمور اولان کیمسه ننگ انهاسه یله حاکم حکم  
ایده میوب بالذات استماع بینه ایتیمی لازمدر  
۱۸۰۷ ماده

بر قضا حاکمی بشقه بر قضا داخلنده کی اراضی دعواسنی  
استماع ایده بیلور . فقط کتاب دعواده بیان اولندیغی  
وجهله حدود شرعیه سنک بیانی لازم کاور  
۱۸۰۸ ماده

محکوم له حاکمک اصول و فروغندن بری و زوجہ سی  
و حکم اولنه جق مالده شریکی و اجیر خاصی و حاکمک  
انفاقیه تعیس ایدر آدمی اولماق شرطدر  
بناء علیه حاکم بونلردن برینک دعواسنی استماع ایله  
لهسیه حکم ایده من  
۱۸۰۹ ماده

بر بلده حاکمک یا خود ماده آنفہ ده مذکور منسوباتندن  
برینک اول بلده اها لیسندن برکسنه ایله دعواسی  
اولدیغی صورتده اول بلده ده دیگر حاکم وار ایسه  
انک حضورنده مرافعه اولورلر

واکر اول بلده ده دیگر حاکم یوق ایسه طرفین کندی  
رضالر یله نصب ایده جکلری حکمک یا خود اول حاکم  
نائب نصبنه مأذون اولدیغی تقدیرده طرفندن منصوب

نائبك و يا خود جو وارده كي ديكر بر قضا حاكمك  
حضورنده مرافعه اولورلر

و طرفين بو صورتلردن برينه راضي اولمقلري صورته  
طرف سلطانيدن مولي استدعا ايدرلر  
۱۸۱۰ ماده

حاکم رؤیت دعواده الاقدم فالاقدم قاعده سنه رعایت  
ایتملیدر

فقط ورودی مؤخر اولان بر دعوانك تعجیلی ایجاب حال  
و مصلحتدن کوراندیکی حالده انك رؤیتنی تقدیم ایلر

۱۸۱۱ ماده

حاکم لندی الحاجه آخردن استقفا ایتمسی جائزدر

۱۸۱۲ ماده

حاکم . غم و غصه و اچلق و غلبه نوم کبی صحت تفکره  
مانع اوله بیله جک بر عارضه ايله ذهنی مشوش اولدیغی  
حالده حکمه تصدی ایتململیدر

۱۸۱۳ ماده

حاکم مرافعاتده اجرای تدقیقات ایتمکله برابر ایشی  
سورنجهده بر اقاملیدر

۱۸۱۴ ماده

حاکم محکمه یه سجلات دفتری وضع ایدوب و بره جکی

اعلامات و سنداتى حيله و فساددن سالم اوله بيله جك  
منتظم بر صورتده اول دفتره قيد و تحرير و انك حفظنده  
دقت و اعتنا ايدر . و كندوسنك عزلى و قوعبولدقده  
يا بالذات و يا امينى واسطه سيله سبجلا تى خلفى اولان حاكمه  
دور و تسليم ايلر

( فصل رابع )

( صورت محاكمه يه دائر در )

۱۸۱۵ ماده

حاكم محاكمه يى علنا اجرا ايدر . فقط قبل الحكم نه وجهله  
حكم ايديله جكنى افشا ايتمز

۱۸۱۶ ماده

طرفين لاجل المحاكمه حضور حاكمه كلكلر نده حاكم اول  
مدعى يه دعواسنى تقرير ايتديرر . و اكر اولجه دعواسنى  
تحريراً ضبط اولنش ايسه قرائت ايله مضمونى كندوسنه  
تصديق ايتديريلور و ثانياً مدعا عليهى استجواب ايلر .  
شويله كه مدعى سندن شو و جهله دعوى ايديور نه دير سين  
دبو سؤال ايدر

۱۸۱۷ ماده

مدعى عليه اقرار ايدر ايسه حاكم انى اقراريله الزام  
ايدر . و اكر انكار ايدرسه حاكم مدعيند بينه ايستر

۱۸۱۸ ماده

مدعی بالینه دعواسنی اثبات ایتدیکی صورتده حاکم  
انک اوزرینه حکم ایلم . واثبات ایده مدیکی صورتده  
بریمین حق قالمغله طالب اولور ایسه حاکم انک طلبی  
اوزرینه مدعی علیه یمین تکلیف ایلم

۱۸۱۹ ماده

مدعا علیه یمین ایدرسه یاخود مدعی یمین ویردیرمز ایسه  
حاکم مدعی بی مدعا علیه معارضه دن منع ایدر

۱۸۲۰ ماده

مدعا علیه یمیندن نکول ایدرسه حاکم نکولیله حکم ایدر  
ونکولیله حکم ایتدکدن صکره یمین ایدرم دیسه ارتق  
النفات اولتماز

۱۸۲۱ ماده

اصولنه موافق و شبهه تزویر و تصنیعدن سالم اوله رق  
برمحکمه حاکمی طرفندن ویریلان اعلام و سندک بلا یینه  
مضمونیه عمل و حکم جائزدر

۱۸۲۲ ماده

مدعی علیه بروجه بالالندی الاستجواب لاونعم بر جواب  
ویرمیویده سکوتنده اصرار ایدر ایسه سکوتی انکار عد  
اولنور

و كذلك اقرارده ایتیم انکارده ایتیم دیو جواب ویررسه  
 بوجوابی دخی انکار عد اولنور واینکی صورتده دخی  
 مدعیدن بروجہ بالاینه طلب قیلنور

۱۸۲۳ ماده

مدعی علیه اقرار یا انکار ایده جک یرده مدعینک  
 دعواسنی دفع ایده جک بر دعوی در میان ایتدکده کتاب  
 دعواده و کتاب بینانده بیان اولنان مسائله توفیقا معامله  
 اولنور

۱۸۲۴ ماده

طرفیندن بریسی افاده سنی تکمیل ایتدکجه دیکری افاده یه  
 تصدی ایده من ایده جک اولور ایسه حاکم طرفیندن منع  
 اولنور

۱۸۲۵ ماده

طرفیندن لسان بیلیان کسنه نک افاده سنی ترجمه ایچون  
 محکمه ده موثوق و مؤتمن ترجمان بولندیریلور

۱۸۲۶ ماده

اقربا بیننده وقوعبولان و یا خود طرفینک صلحه رغبتلری  
 مأمول اولان محاصمه ده حاکم بر ویا ایکی دفعه طرفینه  
 مصالحه بی توصیه و اخطار ایدر موافقت ایدرلر ایسه

کتاب صلحده مندرج اولان مسائله توفيقاً مصالحه ايدر  
و موافقت ايتزلر ايسه محاکمه يي اتمام ايلر

۱۸۲۷ ماده

حاکم محاکمه يي اتمام ايتد کدنصکره مقتضاسنی حکم  
و طرفينه تفهيم ايلر واسباب موجبہ سبيله برابر حکم  
و تنبيهی حاوی بر اعلام تنظیم ايدوب محکوم ايمه  
ولدی الايجاب بر نسخہ سنی دخی محکوم عليه اعطا ايدر

۱۸۲۸ ماده

حکمک سبب و شرطلری تماميله بولند کدنصکره حاکمک  
حکمی تأخير ايتمی جائز دکلد و

( باب ثانی )

( حکمه دائر اولوب ايکی فصلی مشتملدر )

( فصل اول )

( حکمک شروطی پيانشنده در )

۱۸۲۹ ماده

حکمه سبق دعوی شرطدر

شويله که حاکمک حقوق ناسه متعلق بر خصوصی حکم  
ايتمی اول امرده اول خصوصی بر کيمسه نک آخر کسنه دن  
دعوی ايتمسيله مشروطدر

دعوی سبق ایتمدن وقوعبولان حکم صحیح اولماز  
۱۸۳۰ ماده

حین حکمده طرفینک حضوری شرطدر  
یعنی طرفین بالمواجهه محاکمه ایدلد کدنصکره حکم  
اولنه جنغی وقت مجلس حکمده حاضر اولملری لازمدر  
قطط برکیمسه دیکرندن برخصوصی دعوی ایدوبده مدعا  
علیه دخی اقرار ایتد کدنصکره قبل الحکم مجلس حکمدن  
قائب اولسه حاکم انک غیابنده اقرارینه بناء حکم  
ایده بیلور

کذلک مدعا علیه مدعینک دعواسنی انکار ایدوبده مدعی  
بالمواجهه مدعاسنه اقامه بینه ایتد کدنصکره قبل التزکیه  
والحکم مدعا علیه مجلس حکمدن تغیب ایلسه حاکم انک  
غیابنده بینه بی تزکیه و حکم ایده بیلور

۱۸۳۱ ماده  
مدعا علیہک وکیللی مواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن  
صکره مدعا علیه بالذات مجلس حکمه حاضر اولسه  
حاکم اول بینه ایله مدعا علیه اوزرینه حکم ایده بیلور  
وبالعکس مدعی علیہک مواجهه سنده اقامه بینه اولندقدن  
صکره وکیللی مجلسه حاضر اولسه حاکم اول بینه ایله  
وکیلک اوزرینه حکم ایده بیلور



۱۸۳۲ ماده

جمله ورثه به خصوصت توجه ایدن دعواده ورثه دن  
برینک مواجهه سنده اقامه بینه اولنوبده قبل الحکم  
غائب اولسه حاکم اول بینه ایله احضار اولنان دیگر  
وارث اوزرینه حکم ایده یلور اعاده بینه به حاجت  
یوقدر

( فصل ثانی )

( حکم غیابی بیانده در )

۱۸۳۳ ماده

مدعینک طلب واستدعاسی اوزرینه حاکم طرفندن مدعا  
علیه محکمه به دعوت اولنور  
معذرت مشروعه سی اولمدیغی حالده محکمه به کلمه کدن  
و وکیل کوندر مکدن امتناع آیدر سه بالاجبار محکمه به  
احضار قیلنور

۱۸۳۴ ماده

مدعا علیه محکمه به کلمه کدن و وکیل کوندر مکدن  
امتناع ایدو بده جلب و احضاری قابل اولمدیغی تقدیرده  
مدعینک طلبیه محکمه به مخصوص اولان ورقه دعوتیه  
آبرو آبرو کوندرده اوچ دفعه کندویه کوندر یلورک  
محکمه به دعوت و کلمه کی صورتده حاکم اکابر وکیل

نصبيله مدعينك دعوى و بينه سنى استماع ايدہ جـكنى  
 كندويه تفهيم ايلر • بونك اوزرينه مدعا عليه  
 ينه محكمه يه كلز و وكيل كوندر من ايسه حاكم انك  
 حقوقنى محافظه ايدہ جـك بر كيمسہ يى اكا وكيل نصب  
 ايدوب وكيل من بور مواجهه سنده مدعينك دعوى  
 و بينه سنى استماع و تدقيق ايدرك مقارن صحت اولديغى  
 تين ايدرسه بعد الثبوت حكم ايدر

۱۸۳۵ ماده

برمنوال مشروح واقع اولان حكم غيايى مدعى عليه  
 تبليغ ايديلور

۱۸۳۶ ماده

غيايا عليه حكم اولان كيمسہ محكمه يه حاضر  
 اولوبده مدعينك دعواسنى دفعه صالح بر دعوايه تشبث  
 ايدر ايسه استماع و ايجابى وجهله فصل اولنور •  
 دعوايى دفعه تشبث ايتديكى و يا ايدوبده دفعه صالح  
 اولديغى تقديرده حكم واقع انفاذ اجرا قيلنور

## ( باب ثالث )

( دعوانك بعد الحكم رؤیتی حقنده در )

ماده ۱۸۳۷

اصول مشروعه سنه موافق یعنی حکمك سبب و شرطی  
موجود اوله رق حکم و اعلام اولسان دعوانك تکرار  
رؤیت و استماعی جائز اولماز

ماده ۱۸۳۸

بر دعوی حقنده لاحق اولان حکمك اصول مشروعه سنه  
موافق اولمادیغنی محکوم علیه ادما و عدم موافقت جهتی  
دخی بیان ایدوبده استیناف دعوی طلبنده بولندیغنی  
حالده و قوعبولان حکم لدی التحقیق اصول مشروعه  
سنه موافق ایسه تصدیق اولنور دکل ایسه استیناف  
قیلنور

ماده ۱۸۳۹

بر دعوی حقنده لاحق اولان حکمه محکوم علیه قناعت  
ایتمیوبده اول حکمی حاوی اولان اعلامك تمیزی طلبنده  
بولندیغنی حالده لدی التحدیق اصول مشروعه سنه  
موافق ایسه تصدیق قیلنور دکل ایسه نقض اولنور

۱۸۴۰ ماده

دفع دعوی قبل الحکم صحیح اولدیغی کبی بعد الحکم  
دخی صحیح اولور

لئذا علیه بر دعوا ده محکوم علیه اولان کیمسه اول دعوایی  
دفعه صالح بر سبب سرد و بیان ایله دفع دعوی ادعا سنده  
و اعاده محاکمه طلبنده بولندیغی حالده محکوم لهک  
مواجهه سنده اشبو ادعایی استماع و بو خصوص حقنده  
محاکمه لری اجرا اولنور

مثلا بر کیمسه دیگر کیمسه نک یدتصرفنده اولان بر خانه  
پدرندن کندویه موروث اولدیغنی دعوی و اثبات  
ایدوبده حاکم دخی حکم ایتدکدنصره اول کیمسه نک پدری  
اول خانه بی مقدمای الیدک پدرینه صائمش اولدیغنی  
مبین بر سندن معمول به ظهور ایتدکده ذی الیدن دعوایی  
استماع ایله اثبات ایلدیکی تقدیرده حکم اول منتقض و اول  
کیمسه نک دعوایی من دفع اولور



( باب رابع )

( تحکیمه دائر مسائل بیاننده در )

۱۸۴۱ ماده

حقوق ناسه متعلق مال دعوایرنده تحکیم جائز در

۱۸۴۲ ماده

محکمک حکمی انجق کندوسنی تحکیم ایدن خصمین  
حقنده و تحکیم ایتدکری خصوصده جائز و نافذ اولوب  
انلردن بشقه سنه تجاوز ایتمز وانلرک خصوصات سائره سنه  
دخی شامل اولماز

۱۸۴۳ ماده

محکمک تعددی جائز در

یعنی بر خصوصه ایکی یا خود دها زیاده کیسه نك حکم  
نصب اولنمی جائز در

مدعی و مدعا علیه طرفلرندن برر حکم نصب ایتسه لر  
جائز اولور

۱۸۴۴ ماده

بر وجه بالا محکمک متعدد اولدقلری صورتده هپس نك  
رأی متفق اولمق لازمدر • یالکز بریسی حکم ایده معن

۱۸۴۵ ماده

حکمک طرفیندن تحکیمه مأذون ایتسه لر دیگر بر کیسه یی  
تحکیم ایده یلور لر دکل ایتسه لر ایده مز لر

۱۸۴۶ ماده

تحکیم بر وقت ایله تقیید اولندقدده اول وقتک مروریله  
زائل اولور

مثلا فلان کوندن برآیه قدر حکم ایتک اوزره نصب  
اولنان حکم انجیق بو برآی ایچنده حکم ایده یلور اول  
ایک مرورنده حکم ایده من ایدرسه حکمی نافذ اولماز

۱۸۴۷ ماده

محکمک حکمندن اول طرفیندن هر بری آنی عزل  
ایده یلور

شوقدر وارکه طرفین انی تحکیم ایدو بده طرف سلطانیدن  
منصوب ونائب نصبند مآذون اولان حاکم دخی انی  
مجیز اولسه حاکم انی استخلاف ایتش اولسیله اول محکم  
بر حاکمک نائی منزله سنده اولور

۱۸۴۸ ماده

حاکمک قضاوری داخلمنده کی اهاالینک جهله سی حقنده  
حکمری فصل که لازم الاجرا ایسه محکمک دخی انلری  
تحکیم ایدنلر حقنده و محکم اولدقلری خصوصده حکمری  
اولوجهله لازم اولور

بناء علیه حکمر اصول مشروعه سنده موافق اوله رق  
حکم ایتدکدن صکره طرفیندن هیچ بریسی اول حکمی  
قبولدن امتناع ایده من

۱۸۴۹ ماده

محکم حکمی طرف سلطانیدن منصوب حاکم عرض  
اولندقدمه موافق اصول ایسه قبول وتصدیق ایدر :  
دکل ایسه نقض ایلر

۱۸۵۰ ماده

طرفین احکام مشروعه سنه توفیقاً حکمه مأذون  
قیلداققری محکماری لدی التنسیب صلحا تسویه دخی  
مأذون ایتسه لر محکمک صلحا تسویه لری معتبر اولور .  
شویه که طرفیندن بری محکمزدن برینی و یکری دخی  
اوبرینی منازع فیه اولان خصوصک اولوجهله صلحا  
تسویه سنه دخی توکیل ایدوبده انلری دخی کتاب صلحه  
مندرج اولان مسائله بالتوفیق صلحا تسویه ایتسه لر اشبو  
صلح و تسویه بی طرفیندن بری قبولدن امتناع ایده من

۱۸۵۱ ماده

برکیمسه تحکیم اولنماش اولدیغی جالده ایکی کشی  
بیننده کی دعوایی فصل ایتدکدن صکره طرفین اکاراضی  
وانک حکمنی مجیز اولسه لر حکمی نافذ اولور (۱۴۵۳)  
ماده به باق



ارادہ سنہ تاربخی فی ۲۶ شعبان سنہ ۱۲۹۳

عن اعضاء شورای دولت امین الفتوی معارف ناظری

سیف الدین السید خلیل احمد جودت

رئیس ثانی محکمہ تمیز رئیس مجلس تدقیقات شرعیہ

السید احمد حلمی و مجلس انتخاب حکام

السید احمد خلوصی

مستشار مفتش اوقاف قاضی دار الخلافۃ العلمیہ

عمر حلمی احمد خالد

اعلامات شرعیہ ممیزی معاونی

عبد الستار

( مجله احکام عدلیه دن کتاب بینات حقنده بعض )

( وصایای شامل مذکره عدلیه )

مجله احکام عدلیه نك اون بشجی کتابی اولان کتاب  
بینات بوکره رهین حد ختام اوله رق با اراده سنیة  
جناب پادشاهی طبع ونشر قلندی

مجله مذکور نك نشر اولنان اون درت کتابی محاکم  
شرعیه ده نوجهله معمول به ایسه محاکم نظامیه ده دخی  
سباق مطرد او زره دستور العمل اولق امر طبعه عیدر  
ذکر اولنان کتاب بینات دخی کرک محاکم شرعیه ده  
و کرک محاکم نظامیه ده مرعی الاجرا اولق لازم کلور  
چونکه کتاب مزبور درت بابی مشتمل اولوب برنجیسی  
شهادت و تواتر . ایکنجیسی حجج تحریریه و قرینه قاطعه  
اوچنجیسی یمین . دردنجیسی ترجیح بینات ایله تحالف .  
حقنده در ابواب ثلثة اخیره حقنده بر دیه جک اولیوب  
علی الخصوص یمین حقنده محاکم نظامیه ایچون بر نظام  
اولدیغی جهتله محاکم نظامیه نك یمین بانه شدت احتیاجی  
وار در مناحث سائریه دخی بالجمله محاکم نظامیه نك  
احتیاجی در کار در

شهادت بمحشہ کلنجہ بیع و شرا حقنده شاهد استماعی

تجارت قانوننامه سنده مندرج اولدیغی حالده هنوز  
 کیفیت استماعنه دأر بر نظام یا پلاماشدر شو حالده باب  
 اولک دخی علی العموم محاکم نظامیه مرجع اولسی  
 امر طبعیدر شو قدر و ارکه تجارت قانوننامه سنده  
 مصرح شاهد استماعی خصوصی محکمه نك تنسیبینه  
 معلق اوله رق مندرجدر و شرکت و پولیچه کبی نیجه  
 مواد تجاریه و التزام و ملتزم لر بیننده عقد شرکت مثللو  
 بک چوق معاملات نظامیه هب سندات و اوراق معتبره  
 ایله اجرا اوله رق بونلردن متحدث دعاوی و منازعاتک  
 محاکم نظامیه ده حین رؤیتنده یا لکز سنداتنه اعتبار  
 اولمقی معروف و مرعیدر و تجار بیننده معروف اولان  
 شی مشروط حکمنده اولمق دخی مجله نك مقدمه سنده  
 مندرج اولان اصول فقهیه دندر

بناء علی ذلک بو مثللو معاملاتک شهادت اوزرینه بناسی  
 قابل اولدیغی کبی تجارت محکمه لرنده شاهد استماعی  
 محکمه نك تنسیبینه معلق اوله رق جریان آیده یله جکدر  
 کتاب مذکور ده شهادت بحثی ایسه اطلاق اوزره  
 مندرج اولدیغندن و سندات اوزرینه تعامل جاری اولان  
 خصوصلرده یته سند اتمق امر ضروری بولندیغندن

محاکم نظامیده و علی الخصوص تجارت محکمه لرنده  
 نه در لو خصوص صلرده وقایع غروشه قدر دعوالرده  
 شاهد استماع اولنه جغنه دائر بر نظام یا پلق لازمه حال دن  
 کوریلور انجق بونظام یا پلنجهیه قدر محاکم نظامیده  
 کافی السابق شاهد استماع اولنان دعوالرده شاهد استماع  
 اولنه درق خصوصات سائرده که کان بینة تحریریه ارا نمسی  
 ومواد سائرده اشبو کتاب بیناتک احکام مندرجه سنه  
 تمامیه توفیق معامله اولنمسی لازمه دن اولغله محاکم  
 نظامیده بویولده تبلیغات اجرایی خصوصی دخی امر  
 وفرمان جناب شهنشاهیدن بولندیغندن اولوجهله ایفای  
 مقتضای خصوصنه همت

فی ۹ ذی القعدة سنه ۱۲۹۳

❖ بلاینه مضمونیه عمل و حکم جائز اوله بیله جک ❖  
 ❖ صورته سندات شرعیه نلک تنظیمه دائر تعلیمات ❖  
 ❖ سنیه در ❖

برنجی ماده بر استماع محکمه به حواله اولنوب طرفین  
 محکمه به کلد کلرنده کرک مدعی و کرک مدعی علیه  
 شخصی محکمه جه مجهول بولندیغی و اقامه اولنان دعوی  
 کندی دعواری اولدیغنه دلالت ایدر یدلرنده اوراق  
 معتبره بولندیغی و یاخود دعواده همان یکدیگری  
 تصدیق ایدرک بر ضمیمه شائبه سی حس اولندیغی  
 تقدیر جه شخصلرینی واسم و شهرتیه صنعت و مأموریت  
 و محل اقامتلرینی تعریف ایچون محله لری مختار لرندن و یاخود  
 تابع اولدقلری اصناف کتخدا سندن و یا آمر و ضابطلرندن  
 و منسوب اولدقلری دوائر ورؤسا طرفلرندن بر قطعه  
 علم و خبر کتور یله جکدر

ایکینجی ماده وکالت تسجیلنه مخصوص اولمق اوزره  
 محکمه ده بر جریده طوتیه جقدر طرفیندن بری تسجیل  
 وکالت ایده جک اولدقده نه صورتله و کیمی توکیل ایتدیکنی  
 حاکم و یا نائی حضورنده تقریر ایدوب تقریری عینیه  
 تسجیل جریده سنه یازیلوب کندوسنه امضا و تمهیر

ایتدیر یله جك وا کر کندوسنك یازوسی یوق ایسه انك  
امر و انتخایسه دیکری تحریر ایدوب زیرینی کنندی  
مهری و یا اشارت مخصوصه سیله تصدیق ایتدکن  
صکره تقریر و کالت حاکم و یا نائبدن قنغیسی حضورنده  
وقوعبولش ایسه اول دخی امضا و تمه پیرایده جکدر  
وحین تسجیلده موکک بابا و دده سنك اسمی دخی سؤال  
اولنه رق جریده یه قید اولنه جقدر

اوچنجی ماده ماده آنفده بیان اولندیغی وجهله  
بر محکمه حاکم و یا نائی حضورنده و کالت تسجیل  
و جریده مخصوصه سنه تحریر اولندقدن صکره محاکمه  
ختم بولقسزین اول حاکک عزل و یا وفاتی وقوع  
بولدیغی تقدیرجه موکل تکرار حاکم لاحق حضورنده  
تسجیل و کالت محتاج اولیوب جریده ده مسطور اولان  
قید موجبجه حاکم لاحق خصم مواجهه سنده و کیلک  
و کالتیه حکم ایدوب مرافعه بی رؤیت و استماع  
ایده یلور

دردنجی ماده ضبط دعوی موقعنده ضبط کاتبی  
طرفینک افاده لرینی کمال مرتبه دقتله استماع و تأیید  
مدعا ضمننده ابراز ایده جکاری اوراق و سنداتی لایقیله

مطالعه ایتدکدنصکره طرفینک اسم و شهرت و محل  
اقامت لری و شخص لری تعریف اولنش ایسه معرفت لری  
اسم و شهرت و صورت افاده لرینی و ابراز اولنان  
سندات و اوراق خلاصه لرینی عادی ورقه اوزرینه  
ضبط و تحریر ایده جکدر

بشجی ماده ماده آنفده بیان اولنان ضبط دعوی  
طرفینک اکلایه یسله جکی آچق بر عباره ایله یازیله جقدر  
التنجی ماده دعوی ضبط اولندقدنصکره ضبط کاتبی  
طرفین ایله برابر مستشاری اولان محکمه لرده مستشار  
حضور ینه مستشاری اولمیان محکمه لرده حاکم و یا نایب  
حضور ینه کیروب ضبطی قرائت ایدر و بعد القرائه  
صورت ضبط طرفینک افاده لرینه موافق اولوب  
اولدیغنی مستشار و یا حاکم و یا نایب آرو آرو  
طرفیندن سؤال ایله طرفیندن هر بری صورت ضبطک  
افاده ینه موافق اولدیغنی تصدیق ایدر ایسه در حال  
واکر تصدیق ایتی و بده ضبطده بر سهو و یا نقصان  
وقوعندن و یا خود محاکمه جه لزومی اولان بعض شیلرک  
سؤال و جوابی ضبط و تحریر اولنماینندن طولانی  
ضبطک تصحیحنه لزوم کوریلور ایسه تصحیح ایدلدکن



صکریه محکمه به مخصوص اولان ضبط جریده سنده قید  
اولنه ورق زیری طرفینه امضا و تمهیر ایتدیریله جکدر  
ضبط جریده سنده حک و سلنتی وقوعبولیه جقدر

یدنجی ماه ضبط بر منوال محرر جریده مخصوصه سنده  
تحریر و طرفینه امضا و تمهیر ایتدیرلد کدن صکریه  
دوسه ائده صدرین دائره لرنده مستشار و یا معاون  
و استانبول باب محکمه سنده مستشار بولمیدیغی حالده  
معاون و مشاور لرندن بری محکمه تفتیشده مستشار  
بولمیدیغی تقدیرده محکمه نیک میز اولی و محاکم سائر ایله  
علی العموم طشره محکمه لرنده حاکم و یا نایب و باش کاتبی  
ضبطک زیرینی تصدیقا امضا و یا مهر ذاتیلرله تمهیر  
ایده جکدر

سکرنجی ماده محاکمه به مباشرت اولندقدن صکریه  
محاکمه نیک ختامنه دکن اول محاکمه به متعلق جریان  
ایده حک بالجمله معاملات و تحقیقاتک جریانی عقبنده  
سالف البیان ضبط جریده سنده دعوائک ضبطی زیرینه  
خلاصه و جهله قید و تحریر اولندجغی مثلاً محاکمه نیک  
رنکی دکشوبده طرفینک افاداتنه بعض عبارتیه علاوسی  
لازم کلدیکی تقدیرده ضبطی امضا و تمهیر ایدن مأمورلر

معرفتیله طرفین حضورنده ترقیم وعلاوه اولنه رق زیرینی  
طرفین و اهمیتتی اولدیغنی حالده مأمورلر دخی امضا  
و تمهیر ایدیه جککردر

طقوزنجی ماده طرفیندن برینه شاهد اقامه سی لازم  
کلدکده اولا شاهدلری اولوب اولدیغنی کندوسنندن  
سؤال اولنور شاهدلری اولدیغنی بیان و تقریر ایتدیکی  
حالده کیملر ایدوکی واسم و شهرتلی وانلردن ماعدا  
شاهدلری اولوب اولدیغنی و اولدیغنی تقدیرده انلرک اسم  
و شهرتلی صوریلور کرک شاهدلری حقنده واقع اوله جق  
افاداتی و کرک اصلا شاهدلری اولدیغنی سوبلیدیکی حالده  
افادات واقعده سی ضبط جریده سنه قیدیه کندوسننه امضا  
و تمهیر ایتدیریه جکدر

اوننجی ماده بر محاکمه فصل اولندقدنه وجهله حکم  
اولندیغنی و حکمک اسباب موجبده سی خلاصه وجهله  
ضبطده شرح ویریلوب وزیر حاکم طرفیندن تمهیر  
ایدیلوب بعده اعلام مسوده سی قلمه النور

اون برنجی ماده ضبط کاتبی محکمه یه مخصوص اولان  
ضبط جریده سنندن صورت ضبطی عینیله کندو  
جریده سنه نقل و تحریر ایدوب اندن تقریر ایدر و محکمه یه

مخصوص اولان جریده محکمه نك بر ما من محلله حفظ  
اولنوب لازم کلدجکه اخراج اولنه جقدر محکمه ده  
دعاوینک کثرتی نسبتند محکمه به مخصوص متعدد ضبط  
جریده لری طوتیاور

اون ایکنجی ماده جریده ده محرر صورت، دعوی  
اساس طوتیلهرق اعلام مسوده سی اصول صک اوزره  
قله النور حین تسویدده صورت ضبطك بعض عبارت لرنده  
قاعده صک اوزره محو واثبات جائز ایسه ده اساس  
مسئله جه تعیر اولماق شرطدر طرفیندن بری اصلا  
شاهد لری اولمادیغنی افاده ایتدیکی صورتده افاده  
مذکورده سی عینیه اعلامه درج اولنوب اقامه بینده دن  
اظهار عجز تعبیریه اکتفا اولنیه جقدر

اون اوچنجی ماده ضبط کاتبی اعلام مسوده سی قله  
الذقدن صکره مسوده اولاصدرین واستانبول باب  
محکمه لرنده وقایع کاتبی و محکمه تفتیشده نمیز اول  
طرفلرندن تصحیح وبعده مستشار طرفندن دخی تدقیق  
وصورت ضبطه توفیق اولنه رق تصحیح و امضا وضعیه  
حاکمه تقدیم اولنور محاکم سارده ده محکمه نك باش کاتبی  
وار ایسه انک طرفندن مسوده تصحیح اولنه رق حاکمه

تقدیم اولنور یوق ایسه ضبط کاتبی مسوده بی بالذات  
 حاکمه تقدیم ایدر غلطه و خواص رفیعہ محکمہ لری  
 کی مرکز نائی بولنان محکمہ لردہ نائب مستشار و ظائفی  
 ایفا ایدہ جکدر مسوده حاکمه تقدیم اولندقدہ بعدال نظر  
 والتدقیق کشیدہ ایدہ جکی یازیلہ موجنبجہ اعلامی تحریر  
 اولنه جقدر

اون دردنجی ماده بر وجه مشروح اعلام یازلدقن  
 صکرہ ضبط کاتبی اسمنی ظہر اعلامہ تحریر و مسوده بی  
 تدقیق و امضا ایدن مأمور لر ترتیب سابق اوزره اعلامی  
 دخی مطالعہ و ظہرینی امضا و یا تمہیر ایدوب بعدہ اعلام  
 حاکمه تقدیم اولنور

اون بشنجی ماده حاکم دخی مطالعہ ایتدکدنصکرہ  
 سجدہ قید و مقابلہ اولنه دیو اعلامک ظہرینہ یازوب  
 مقیدہ کونددر مقیدہ دخی سجدہ قید و مقابلہ ایدوب و مقابلہ  
 ایتدیکنی ظہر اعلامہ شرح و یروب زیرینی تمہیر و حاکمه  
 اعادہ ایتدکدنصکرہ حاکم اصول و جہلہ اعلامی تمہیر ایدر  
 اون التنجی ماده طشرہ بہ کونددر ملک اوزره درسعات  
 مخاکندن تنظیم اولنه بحق و کالت جتئلندن بالادہ بیان  
 اولنان اصول تمامیلہ اجرا اولنه جقدر

اون يدنجی ماده طشره حکامی وکالت تقدیری  
قضا داخلنده ایسه اول قضائک بدایت محکمه سنده  
و مرکز لوا اولان قضاده ایسه لوا بدایت محکمه سنده  
کرسی ولایتده ایسه استیناف محکمه سنده اله جقدر

اون سکزنجی ماده بر وجه محرر موکلک تقریری  
الندقدن صکره صورت تقریری عینیه جریدهیه قید  
و تحریر اولنوب موکله مهر و یا امضا و یا اشارت  
مخصوصه ایله تصدیق ایتدیردکن صکره اصول  
موضوعه سنه توفیقا وکالت حقی تنظیم و تمهیر اولنور

اون طقوزنجی ماده حاکم طرفندن برمنوال محرر  
تنظیم قلنسان حجت شرعییه ده بیان اولندیغی اوژره  
وکالت تقریرینک کندو حضور لرنده و قوعبولدیغی  
حین تفریرده حاضر بولنان اعضیا بامضبطه تصدیق  
ایدهجک و بوتصدیق مضبطه سی قضا بدایت محکمه سندن  
اعطا قلنش ایسه اول قضائک ملحق بولندیغی ولایت  
استیناف محکمه سندن و یاخود لوا بدایت محکمه سندن  
تصدیق اولنه جقدر

یکرنجی ماده موکلک شخصی مجهول بولندیغی

تقدیر چه برنجی ماده ده بیان اولندیغی وجهله شخصی  
تعریف ایتدیله جکدر

یکرمی برنجی ماده طشره ده تنظیم اولسان وکالت  
جتلرینسک کافی السابق فتوا خانه دن تدقیق و تطبیق  
اجرا اولنه جغی کبی بعدما طشره به کوندرلک اوزره  
در سعادت محاکمندن ویریلان وکالت جتلرینسک مهری  
مطابق ایدوکی ظهرینه فتوا خانه دن شرح ویریه جکدر  
یکرمی ایکنجی ماده بشقه بلده به کوندرلک اوزره  
وراثت و وصایت کبی موادک ثبوتنی حاوی سند شرعی  
تنظیمی لازم کلدکده طشره حکامی اون یدنجی ماده  
موجنبجه مواد مذکوریه بی بدایت یا استیناف محکمه لرنده  
استماع و فصل ایدر و طشره ده تنظیم اولنه جق وکالت  
جتلری حقنده بیان اولنان اصول بو مثللو سند شرعی  
حقنده دخی جاری و معتبر در

یکرمی اوچنجی ماده مأمور و امنار سالیله محکمه  
استماع قلنه جق خصوصاتی تحریر ایچون محکمه ده بر ویا  
بر قاج خصوص جریده لری طوتیه جقدر و بو جریده لر  
ضبط جریده لری کبی حفظ اولنوب خصوصه کیدلک لازم  
کلدکده مأموره ویریه جکدر فصل دعوی و تسجیل وکالت

واقرار و وقف و وصیت و مخانعه و تطلیق و کشف و تقسیم  
 عقار و صلح و ابرا و اخبار ملک و تصرف و طرفیندن برینی  
 تحلیف کبی خصوصات ایچون حاکم طرفندن مأذونابر محله  
 و یابرقریه به اعزام قلنان مأمور اول محله و یابرقریه ده مختاران  
 و اهالیدن بر قاق ذاتی جلب و جمع ایله بر مجلس عقد ایدوب  
 خصوصات واقعه بی استماع و بعده خصوص جریده سنه  
 قید و تحریر وزیرینی مجلسک انعقادینه باعث اولان  
 اصحاب مصالحه و حین استماعده حاضر بولنان ذواته مهر  
 و یا امضا و یا اشارت مخصوصه لریله تصدیق ایتدیردکن  
 صکره مختار مهریله دخی تمهیر ایتدیروب بعده کندویه  
 ترفیق ایدیلان امنا ایله برابر حاکمه انها ایده جکدر  
 خصوصه محکمه کتبه سندن اهلیت و استقامتی مجرب  
 و معلوم اولان ذات تعیین ایدنملیدر

یکرمی دردنجی ماده بر جتک مضمونیه حکم اولنوب  
 موجنبه اعلامی تنظیم اولندقدده اول جت محکمه د،  
 البقونیلوب دفتر سجلاتک حفظ اولندیغی محله حفظ  
 اولنه جقدر جت لریله برابر طشره دن ورود ایدن تصدیق  
 مضبطه لری دخی جت لری کبی حفظ اولنه جقدر

یکرمی بشنجی ماده اشبو نظامنامه یه توفیقاً تنظیم



واعطا قلنان سندات شرعيه نك مضمونى خصم طرفندن  
انكار اولندقدرد مجله احكام عدليه نك ١١٣٨ و ١٨٢١  
ماده لرى منطوقلرنجه احكام شرعيه سندات مذ كوره نك  
بلا يينه مضمونيله حكم ايده ييلور فقط لى التدقيق  
بر اعلام و يا حجت و يا بر قيدده تزوير و تصنيع شائبه سى  
حس اولنديغى تقديرجه حاكم اول اعلام و حجت و قيدك  
بلا يينه مضمونيله حكم ايتيوب مضموننه يينه طلب ايدر

فى ٤ جادى الاولى سنه ١٢٩٦

### ( تعليم اصول تحليف )

مدعا عليهه يمين وير ملك لازم كلديكى خالده دعوانك  
رؤيت اولنديغى محكمه ده ياخود محكمه طرفندن  
كوندريلان نائب حضورنده خصمى دخى حاضر  
اولنديغى خالده يمين ايتديريلور  
شويلاه حاكم ياخود نائى مسئله يى تصوير ايدرك  
بو خصوصه يمين ايدرميسين ديو مدعا عليهدن سوال  
ايدوب او دخى اوت ايدرم ديدكدن صكره يمينك شكل  
و كيفيتنى تصوير ايدرك مجله احكام عدليه نك يك

یدیوز قرق دردنجی ماده سی حکمنجه ( والله ) دیو  
الله تعالی حضرتلر ینک اسمنه قسم ایتدیرر

والله یرنده ( بالله ) یاخود ( تالله ) دیلمک دخی جائز  
اولور فارسجه ده ( بخدا سوکند میخورم ) وترجه  
( اللهه اند ایچیورم ) تعبیرلری دخی یمیندر

تحلیفک اصولی مجله احکام عدلیه ده مسطور ایسه ده  
یونی بر مرتبه ده ایشاح ایچون زیرده بعض امله  
ایراد اولنه جقدر فقط ابتدا بوکا دائر بر وجه اتی  
بعض مواد اساسیه بیان قلنه جقدر

مدعی ادما ایدوبده مدعا علیهک انکار ایتدیکی نه ایسه  
انک اوزرینه یمین ویرلمک لازم کلور ادما وانکار  
اولنان شی اگر مدعا علیهک کندو فعلی ایسه بتاه  
و اگر غیرینسک فعلی ایسه عدم علمه یمین ویریلور  
مجله احکام عدلیه نک ( ۱۷۴۸ ) ماده سنه باقی و برده  
یمین یاسیه و خود حاصله یعنی مدعینک حاصل دعواسی  
اوزرینه اولور ایشته بووجهله دخی یمین ایکی قسمه  
تقسیم ایدیلور

شویله که مدعینک دعواسیله مدعا علیهک انکارینه نظر  
اولنور اگر مدعی جهت بیان ایتکسزین برحق یاخود  
مجله احکام عدلیه نک ینک التی یوز یتش سکزنجی ماده سی

حکمنجه ملک مطلق دعواسنی ایدوبده مدعا علیه دخی  
 انک بودعواسنی انکار ایدرسه حاصله یمین ویریلور  
 واکر مدعی جهت بیان ایدرک برحق یاخود ملک بسبب  
 دعوی ایدوبده مدعا علیه انک حاصل دعواسنی انکار  
 ایدرسه کذلک حاصله یمین ویریلور اما مدعا علیه جهت  
 ویاسبی انکار ایدرسه او حالده سببه یمین ویریلور نته کیم  
 کیفیت امثله آیه دن متضح اولور

( بتاته تحلیف حقنده بعض امثله )

مدعی مدعا علیه دن جهت بیان ایتمکسزین سنده شوقدر  
 غروش اله جغم وار در انی ایسترم دیو دعوی ولدی  
 الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن  
 اظهار عجز ایله اکا یمین ایتریمک ایستدکده حاکم اکا  
 ( و الله بنم بو آدمه او قدر غروش بورچم یوقدر ) دیو  
 یمین ایتریرکه حاصله تحلیف دیمک اولور

( صورت اخری )

مدعی مدعا علیه یکنده اولان معلوم الحدود بر عقار  
 حقنده بو عقار بنم ملک مدر سن اکا بغیر حق وضع ید  
 ایدورسین اندن کف یدایت دیو دعوی ولدی الاستجواب  
 مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی اثباتدن اظهار عجز ایله

اكا يمين ايتدرمك ايستدكده حاكم اكا ( والله اول عقار  
 بو آدمك ملكي دكلدر ) ديو يمين ايتديرر و بو دخی  
 حاصله تخليف قیلندن اولور  
 ( ديكر مسئله )

مدعی جهت قرضدن سنده شو قدر غروش اله جغم وار  
 انی ایسترم ديو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بورجم  
 یوقدر ديو حاصل دعوی انکار ایدر ایسه حاکم اكا  
 كذلك ( والله بنم اكا او قدر غروش بورجم یوقدر )  
 ديو حاصله یمين ايتديرر و اکر مدعا علیه بن اندن او قدر  
 غروش استقراض ایتدم ديو جهتی انکار ایدر ایسه  
 اول حالده حاکم اكا ( والله بن بو آدمدن او قدر غروش  
 استقراض ایتدم ) ديو سبیه یمين ايتديرر  
 ( ديكر صورت )

مدعی مدعا علیه یدنده بولنان معلوم الحدود بر عقار  
 حقنده فلان تاریخده سن بو عقاری اون بیک غروش بدل  
 مقابلنده بکا صاندک بن دخی اشترا ایتدم اول جهتدن  
 بو عقار بنم ملکمدر اون بیک غروشی الله بو عقاری  
 بکا تسلیم ایت ديو دعوی ایتدکده اکر مدعا علیه بو عقار  
 سنک ملکک دکلدر ديو حاصل دعوی انکار ایدر

ایسه حاکم اکا (والله بو عقار بو آدمک ملکی دکدر)  
دیو حاصله یمین ایتدیرر

واکر مدعا علیه بن بو عقاری سکا صاتمدم دیو سببی انکار  
ایدر ایسه اول حالده حاکم اکا (والله بن بو عقاری بو آدمه  
صاتمدم) دیو سبیه یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ آخری)

مدعی مدعا علیهدن سن بنم فلان کسمنه ذمتنده فلان  
جهتدن اله حق حقم اولان شو قدر غروشک اداسنه انک  
امر یله کفیل اولمشیدک بناء علیه کفالنک حسبیله  
سنده او قدر غروش حقم اولمغله انی سندن ایسترم دیو  
دعوی ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدرک مدعی  
اثباتدن عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستد کده حاکم  
اکا (والله بو آدمک بیان وادما ایلدیکی کفالت جهتندن  
بنده او قدر غروش حق یو قدر) دیو یمین ایتدیرر

(مسئلهٔ آخری)

مدعی مدعا علیهدن سنک ذمتکده ثمن مبیع اوله رق شو  
قدر غروش اله حق حقم اولوب حتی اول جهتدن او قدر  
غروش بورجک اولدیغنی اقرار دخی ایتمشیدک دیو دعوی  
ولدی الاستجواب مدعا علیه انکار ایدوبده مدعی کرک

اصل دینی و کرک مدعا علیهک انی اقرار ایتدیکنی اثباتدن  
 اظهار عجز ایله اکا یمین ایتدیرمک ایستدکده اقراره یمین  
 ویرلمیوب ماله یمین ویریلور شویله که مدعا علیهه (والله  
 بنم بو آدمه او قدر غروش بورجم یو قدر) دیو یمین  
 ایتدیریلور

( عدم علمه تحلیف حقنـده بعض امثله )

برکیمسه جهت بیان ایتیه رک بر متوفانک ترکه سندن شوقدر  
 غروش الله جق دعوی ایدوبده اثباتدن اظهار عجز ایله  
 متوفانک وارثه یمین ایتدیرمک ایستدکده حاکم انی عدم  
 علمه تحلیف ایدر شویله که ( والله بن مورثمک بو آدمه  
 او قدر غروش بورجی اولدیغنی بیلم ) دیو یمین ایتدیر  
 ( صورت اخری )

مدعی فلان کسمنه حیاتهده ایکن فلان تارینخده بندن شوقدر  
 غروش استقراض ایله امورینه صرف ایدوب حالا حقم  
 اولمغله ترکه سندن ایسترم دیو دعوی ولدی الانکار اثباتدن  
 اظهار عجز اولوبده متوفانک وارثه یمین ایتدیرمک  
 ایستدکده وارث اکر مورثمک اکا بورجی اولدیغنی  
 انکار ایدر ایسه حاکم اکا ( والله مورثمک بو آدمه او قدر  
 بورجی اولدیغنی بیلم ) دیو یمین ایتدیر

واگر استقراضی انکار ایدر ایسه حاکم اکا (والله مورثمک  
 بو آدمدن او قدر غروش استقراض ایتدیکنی بیلم) دیو  
 یمین ایتدیرر

( دیگر صورت )

بر آدمک بر شخصدن اشترا ایلدیکی عقاری دیگر کسینه  
 اول عقاری دهها اول بن او شخصدن اشترا ایتشدم دیو  
 دعوی ایدویده اثبات ایده مدیکی جهته اول آدمه یمین  
 ایتدیرمک ایستد کده حاکم اول آدمی عدم علمه یعنی  
 کندوسندن اول بو عقاری اول کسندنک اشترا ایلش  
 اولدیغنی بیلدیکنه تحلیف ایدر شویله که ( والله بن  
 بو آدمک بو عقاری بندن اول اول شخصدن صاتون  
 الدیغنی بیلم ) دیو یمین ایتدیرر

بالاده مذکور اولان صورتلر هب مدعینک طلبی اوزرینه  
 ویریلان یمینله مشالدر اما مدعینک طلبی اولقسزین  
 حاکم طرفندن یمین ویریلان صورتلر مجله احکام عدلیه نک  
 بیکی یدی یوز قرق التنجی ماده سنده مسطور اولغله  
 انلردن بحشه حاجت کورلماشدر

















